IQBAL FORUM

حکایت ملک خداداد

The Land given by Allah

نگاهی به زیبایی های بدیع کشور پاکستان از قاب مهرورزی

به قلم : محمد رضا کمیلی
Mohammad Reza Komeili

IQBAL FORUM

بسم الله الرحمن الرحیم

حکایت ملک خداداد

The Land given by Allah

IQBAL FORUM

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسنامه : کمیلی، محمدرضا، ۱۳۶۸-
عنوان و نام پدید آورنده : حکایت ملک خداداد=The land given by alah/ تالیف محمد رضا کمیلی؛ مقدمه ذوالفقار عباس بخاری، علی بیات
مشخصات نشر : تهران: مهکامه، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۸٤ ص.: مصور(رنگی).
شابک : ۹۷۸-۹۲-۷۲۳۹۲۸-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : عنوان دیگر:حکایت ملک خداداد(نگاهی به زیبایی های بدیع پاکستان از قاب مهرورزی).
عنوان دیگر : حکایت ملک خداداد(نگاهی به زیبایی های بدیع پاکستان از قاب مهرورزی).
عنوان دیگر : عنوان دیگر: نگاهی به زیبایی های بدیع پاکستان از قاب مهرورزی
موضوع : پاکستان
موضوع : Pakistan
موضوع : پاکستان -- تاریخ
موضوع : Pakistan-- History
موضوع : پاکستان -- آثار تاریخی
موضوع : Pakistan-- Antiquities
شناسنامه افزوده : بخاری، ذوالفقار عباس، ۱۳۶۰-، مقدمه نویس
شناسنامه افزوده : بیات، علی، ۱۳٤۸-، مقدمه نویس
رده بندی کنگره : ۹/DS۳۷٦
رده بندی دیوی : ۹۱/۹٥٤
شماره کتابشناسی ملی : ۷۳۰۲۳۰۳

نام کتاب: **حکایت ملک خداداد (نگاهی به زیبایی های بدیع پاکستان از قاب مهرورزی)**
نویسنده: **محمد رضا کمیلی**
مقدمه: **دکتر علی بیات، ذوالفقار عباس بخاری**
ناشر: **مهکامه**
ناظر چاپ: **بهزاد ربیعی فراهانی**
طراح جلد و صفحه آرا: **عفت بهار**
نوبت چاپ: **اول / ۱۳۹۹**
تیراژ: **۱۰۰۰نسخه**
قیمت: **۱۱۰۰۰ تومان** ـ آبا هدف گسترش فعالیتهای فرهنگی ، فروش بیشتر از **۸۵ هزار تومان** مجاز نمی باشد]
شابک: **۹۷۸-۶۲۲-۷۲۳۹-۲۸-۷**

مراکز پخش: ۱- تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، نرسیده به لبافی‌نژاد،کوچه انوری،پلاک ۸، طبقه دوم، نشر و پخش مهکامه
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۵۰- ۶۶۴۸۸۲۰۳ فکس: ۶۶۹۶۱۵۰۹- ۰۹۱۲۳۹۷۴۰۲۱
۲- تهران، میدان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و اردیبهشت، کتاب‌فروشی آگاه
تلفن: ۶۶۴۶۷۳۲۳- ۶۶۴۶۰۹۳۲

پست الکترونیکی: en_mahkame@yahoo.com www.mahkameh.com

نمایندگی‌های شهرستان:
۱- اهواز: خیابان حافظ، بین سیروس و نادری، کتاب‌فروشی رشد، تلفن: ۳- ۳۲۲۱۷۰۰۰ (۰۶۱)
۲- مشهد: خیابان سعدی، پاساژ مهتاب، کتاب‌فروشی درخشش، تلفن: ۳۲۲۵۱۹۲۳ (۰۵۱)
۳- اصفهان: میدان شهدا، خیابان کاوه، بعد از میدان ۲۵ آبان، کوی ولی‌عصر، پلاک ۴۱۹، پخش کتاب کیمیا، تلفن: ۳۴۴۸۰۲۸۵(۰۳۱)، موبایل: ۰۹۱۳۲۶۵۹۷۷۱
۴- یزد: خیابان فرخی، جنب مجتمع ستاره، کتاب‌فروشی فدک، تلفن: ۳۶۲۲۷۴۷۵ (۰۳۵)
۵- شیراز: خیابان ملاصدرا، نبش خلیلی، کتاب‌فروشی خوارزمی، تلفن: ۳۶۴۷۳۷۷۱ (۰۷۱)
۶- تبریز: فلکه دانشگاه، ابتدای خیابان دانشگاه، کتاب‌فروشی علامه، تلفن: ۳۳۳۴۱۶۶۹ (۰۴۱)

آدرس کانال انتشارات مهکامه: telegram.me/mahkamepublisher
خرید اینترنتی: www.pak1947.blogfa.com

IQBAL FORUM

فهرست

فصل اول: نگاهی به تاریخ ۱۷
ناملایمات دوره استقلال ۲۲
بزرگ‌ترین هجرت تاریخ ۲۴
آغاز دسیسه‌های روباه پیر استعمار ۲۷
نگاهی به کشمیر فارغ از تنش ها ۲۸
نیرنگ ها پاسخ نمی دهد.. ۳۱
آتش زیر خاکستر ۳۲
روزهای پر التهاب می‌آیند... ۳۳
«سقوط داکا» زخمی عمیق بر سینه پاکستان ۳۶
تحلیل و دلایل سقوط پاکستان شرقی ۳۸
خاندان بوتو قدرت را به دست می گیرند ۴۰
دوران پر رمز و راز حکومت ضیاء ۴۱
حکومت‌های ناپایدار و خطاهای جبران ناپذیر ۴۲
سال‌های سیاه در پاکستان آغاز می‌شود ۴۳
پایان سال‌های تیره و و تغییر رویکردها ۴۵
فصل دوم: نگاهی به آرایش سیاسی پاکستان ۴۶
رئیس جمهور کیست؟ ۴۷
لیست روسای جمهور تاریخ پاکستان ۴۸
نخست وزیر کیست؟ ۵۰
لیست نخست وزیران تاریخ پاکستان ۵۰
سنا در پاکستان ۵۲
پارلمان سکوی قدرت در پاکستان ۵۳
دادگاه عالی پاکستان ۵۳
فصل سوم: ارتش و نیروهای سه گانه ۵۴
ارتش پاکستان حافظ امنیت ملی ۵۴
نیروی هوایی ارتش ۵۶
شاهین‌ها به جنگ اسرائیل می‌روند ۵۷
نیروی دریایی پاکستان ۵۹
نیروی زمینی ارتش پاکستان ۶۰
روزهای تلخ و شیرین ۶۰
عملیات ضرب عضب ۶۲
جرقه آغاز عملیات ۶۲
بزرگترین حمله تروریستی تاریخ پاکستان ۶۴
عملیات رد الفساد ۶۶
فصل چهارم: رسانه‌های جریان ساز ۶۸
رسانه‌ها در پاکستان ۶۸
نگاهی به قدرت‌مندترین گروه‌های رسانه‌ای در پاکستان ۶۹
فصل پنجم: نگاهی به زندگی بزرگان تاریخ پاکستان ۷۵
محمد علی جناح؛ معمار ملک خداداد ۷۵
اقبال لاهوری؛ ستاره اقبال اسلام ۸۰
فاطمه جناح؛ شکوه همراهی ۸۴
لیاقت علی‌خان؛ مرد روزهای سخت ۸۷
عبدالقدیرخان، هدیه‌ای برای امنیت ۹۰
عبدالستار ایدی؛ مسیح غریبان: ۹۲
بی‌نظیر بوتو؛ ملکه دنیای سیاست ۹۶
امجد صابری صدای جاودانه ارادت ۱۰۰
اعتزاز احسن؛ شهید راه عقیده ۱۰۲
فصل ششم: سمبل‌های ملی پاکستان ۱۰۵
سرود ملی پاکستان ۱۰۷
پرچم پاکستان ۱۰۸
روزهای ویژه در پاکستان ۱۰۹
فصل هفتم: سیری در فرهنگ، تاریخ و رسوم مهم ترین اقوام پاکستانی ۱۱۲
ایالت پنجاب ۱۱۲
ایالت سند ۱۱۹
ایالت بلوچستان ۱۲۴
ایالت خیبرپختونخوا ۱۲۸
منطقه گلگیت،بلتستان ۱۳۳
فصل هشتم: دست آوردهای هفتاد ساله پاکستان ۱۴۲
پایگاه قطب جنوب ۱۴۲
قدرت هسته ای ۱۴۴
تکنولوژی ماهواره ۱۴۶
صنعت چرم در پاکستان ۱۴۸
پاکستان قلب تولید تجهیزات پزشکی جهان ۱۵۱

IQBAL FORUM

نگاهی به کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان ۱۵۲
فصل نهم: معرفی صنایع دفاعی ۱۵۶
صنایع دفاعی و نظامی پاکستان ۱۵۶
بررسی جنگ افزار ها و تجهیزات انحصاری ارتش پاکستان ۱۵۸
فصل دهم: مراکز علمی و دانشگاه‌های بزرگ پاکستان ۱۶۲
دانشگاه علامه اقبال (سیستم فراگیر) ۱۶۲
دانشگاه کامسٹس ۱۶۳
دانشگاهNUST مجموعه‌ای نوپا و پویا ۱۶۷
فصل یازدهم: ایران و پاکستان: ۱۶۹
طلوع خورشید اسلام بر صفحه روابط دو ملت ۱۷۰
برگ‌های خونین تاریخ مغول و قلب آرام شبه‌قاره ۱۷۱
نقش پیچیده انگلیس برای نابود کردن زبان فارسی ۱۷۳
پاکستان و انقلاب اسلامی ۱۷۴
دفاع مقدس عرصه همراهی‌های پاکستان با ایران اسلامی ۱۷۵
سفر تاریخی رهبر معظم انقلاب به پاکستان ۱۷۶
جنبه‌های مشترک و همکاری‌های فراموش نشدنی ۱۷۸
افق‌های پیش روی ایران و پاکستان ۱۸۴
ظرفیت توریسم مذهبی، سلامت، علمی و.. ۱۸۶
توریسم علمی و فرصت‌های تحصیلی ۱۸۶
دانشگاه های مورد تائید وزارت علوم ایران ۱۸۶
توریسم سلامت ۱۸۷
فصل دوازدهم: سیری در پاکستان ۱۸۸
۱-راکا پوشی ؛ جواهر سپید پوش پاکستان ۱۹۱
۲-نانگا پربت سنگدل زیبا؛ حکایت چشم به راهی‌ها ۱۹۶
۳-قلعه « بلتت »، دیده‌بان کهن‌سال تاریخ پاکستان ۱۹۹
٤-«شندور پولو»، بازی چوگان بر بام جهان ۲۰۲
٥-«گلگیت»؛ کانون فرهنگ و آداب پاکستان ۲۰٥
٦-شنگریلا جلوه ای از بهشت ۲۰۷
۷-شاهزاده در بند هیمالیا، «سکردو» ایران کوچک ۲۰۹
۸-بالترو بزرگ‌ترین یخچال غیر قطبی جهان و ... ۲۱۱
۹- «کی تو» مغرورتر از اورست ۲۱۳
۱۰-«لیلاپیک»نقطه اوج اسکی بازان حرفه‌ای ۲۱۷
۱۱-برود پیک ایرانی‌ترین هشت هزار متری ۲۲۲
۱۲-«گاشا بروم» زیبای بی‌رحم ۲۲۳
۱۳-قلعه شگر راوی عبرت‌های کهن ۲۲٥
۱٤-سیب بهشتی؛ هدیه روستای ولایتمدار«پاری» ۲۲٦
۱٥-«دیوسائی» تعبیر رویاها ۲۲۷
۱٦-برج های سه قلوی سنتورس ترکیب صنعت و هنر ۲۳۱
۱۷-مسجد فیصل سراپرده سپید پایتخت ۲۳۲
۱۸-یادمان پاکستان، یادگار ارزش‌ها ۲۳٤
۱۹-وعده‌ای غذا همراه با موسیقی بشقاب و چاقو ۲۳٦
۲۰-حمل و نقل در اسلام آباد ۲۳۷
۲۱-پارک ملی ایوب ۲۳۸
۲۲-مارگله سبز پوش، پیش قراول هیمالیا ۲٤۰
۲۳-دامن کوه Daman-e- kooh چشم انداز بهشت ۲٤۱
۲٤-«شگرپریان و دریاچه راول» حُسن ختام سفر به اسلام آباد ۲٤۲
۲٥-دریاچه راول قلب تپنده حیات اسلام آباد ۲٤۷
۲٦-«مری» ملکه کوهستان ۲٤۸
۲۷-شهر مری ۲٤۹
۲۸-پنجره‌ای به سمت راولپندی ۲٥۰
۲۹-پنجره ای به سوی بهشت کشمیر ۲٥۱
۳۰-پاتریاتا نگین سبز مری ۲٥۲
۳۱-کشمیر چلچراغ بهشت ۲٥٤
۳۲-قلعه سرخ مظفر آباد ۲٥٤
۳۳-آرامگاه پیرچیناسی سفر در میان ابرها ۲٥٥
۳٤-«نیلم» یاقوت کبود کشمیر ۲٥٦
۳٥-کندال شاهی خانه ماهی‌ها ۲٥۸
۳٦-کوتان جگران ۲٥۸
۳۷-روستای زیبای کَرن ۲٥۹
۳۸-نیلم بالا ۲٥۹
۳۹-دریاچه جادویی «رتی گلی» ۲٦۰
٤۰-شارده شاهزاده نیلم ۲٦۱
٤۱-گل زیبای بی‌رقیب ۲٦۱
٤۲-دره جهلم عروس کشمیر ۲٦۲
٤۳-چیناری طلیعه زیبایی‌ها ۲٦۳
٤٤-چیگار دیده بان جهلم ۲٦۳
٤٥-دریاچه زلزال یادمان تلخی‌ها ۲٦٤
٤٦-راولاکوت صفحه هنرنمایی کردگار ۲٦٥
٤۷-دریاچه بنجوسا نقره فام اسرار آمیز ۲٦٦
٤۸-تولی پیر نقطه آغاز رشته کوه‌های کشمیر ۲٦۷
٤۹-قلعه رام کوت تبعیدی تنها ۲٦۸
٥۰-سیالکوت زادگاه اقبال ۲٦۹

IQBAL FORUM

۵۱-معبد هزار ساله شَوالا ۲۷۰
۵۲-گوجرانواله دیار پهلوانان ۲۷۱
۵۳-لاهور باغ شهری به وسعت تاریخ ۲۷۳
۵٤-سیر در لاهور با اتوبوس‌های دو طبقه ۲۷٦
۵۵-استادیومی به دنبال یک نام ۲۷۷
۵٦-سومین باغ وحش تاریخ جهان ۲۷۸
۵۷-سافاری پارک لاهور یک تفریح بی‌نظیر ۲۷۹
۵۸-سیری در تاریخ کهن ملک خداداد ۲۷۹
۵۹-سرزمین گنج های نایاب ۲۸۳
٦۰-آرامگاه علامه مشرق زمین ۲۸۵
٦۱-مسجد پادشاهی ؛ سجده‌گاه پادشاهان ۲۸۷
٦۲-قلعه شاهی؛ مونس عاشقانه‌های راوی ۲۸۹
٦۳-باغ شالیمار، چهار باغ لاهور ۲۹۱
٦٤-منار پاکستان؛ زادگاه بیداری اسلامی شبه‌قاره ۲۹۲
٦۵-خیابان هفت رنگ لاهور ۲۹٤
٦٦-آئین ویژه مرز واگا ۲۹۵
٦۷-«چانگا مانگا»؛ بزرگترین جنگل مصنوعی جهان ۲۹٦
٦۸-مُولتان سجده گاه ملائک ۲۹۸
٦۹-دژی بر فراز تپه ها ۲۹۹
۷۰-بهاءالدین زکریا مولتانی اعتبار مولتان ۲۹۹
۷۱-مولتان آئینه تاریخ دره سِند ۳۰۱
۷۲-سوهان حلوای مولتانی ۳۰۱
۷۳-کیورا ؛ دومین معدن بزرگ نمک جهان ۳۰۳
۷٤-گردشگری و معدن کیورا ۳۰۳
۷۵-سد تربیلا؛ شکوه و اقتدار سرزمین پاک ۳۰۵
۷٦-خیبرپختونخوا دیار صبر و پایمردی ۳۰٦
۷۷-ایبت آباد سرزمین درختان کاج ۳۰۷
۷۸-پارک ملی ایوبیه ؛ جاده‌ای رو به آسمان ۳۰۸
۷۹-از دریاچه خان‌پور تا قلب امپراتوری بودیسم ۳۰۹
۸۰-کاغان دیبای هفت رنگ پختونخوا ۳۱۰
۸۱-از بهشت کاغان تا فردوس ناران ۳۱۱
۸۲-دریاچه سیف الملکوک همدم ملکه ناران ۳۱۳
۸۳-دریاچه اشک ۳۱٤
۸٤-دریاچه لولوسر ۳۱٤
۸۵-دشت لاله‌زار ۳۱٦
۸٦-چترال ؛ عروس محجوب پختونخوا ۳۱٦
۸۷-از قلعه تاریخی چترال تا مسجد شاهی ۳۱۸
۸۸-پارک ملی چترال ۳۱۹
۸۹-گرم چشمه ؛ کیمیاگر سلامتی ۳۱۹
۹۰-دره کالاش آمیخته از زیبایی‌های طبیعی و عقاید باستانی ۳۲۰
۹۱-سَوات ؛ باغ شهری بی‌مثال ۳۲٤
۹۲-موزه ایتالیایی پاکستانی سوات ۳۲۵
۹۳-مالام جَبَه؛ بهشت اسکی بازان ۳۲۵
۹٤-مرغزار ؛ جایی برای ریاضت ۳۲۷
۹۵-«میان دام» نخستین افسونگر ۳۲۸
۹٦-از مَدین تا بحرین ؛ حجله زیبایی‌های سوات ۳۲۹
۹۷-کالام نقطه اوج سفر به سوات ۳۳۰
۹۸-بازار قصه خوانی ؛ میعادگاه شبانه مسافران قدیم ۳۳۲
۹۹-مسجد مهابت‌خان، و مناره‌های محبت ۳۳٤
۱۰۰-تخت باهی؛ گنجینه ای بر بام پیشاور ۳۳۸
۱۰۱-بازار چترالی ؛ همه چیز از همه‌جا ۳۳۹
۱۰۲-نمک مندی؛ گنجینه غذاهای سنتی پختون ها ۳٤۱
۱۰۳-کویته؛ شهر فرنگ فرهنگ‌ها ۳٤۵
۱۰٤-جبل النور قرآن بزرگ‌ترین مرکز نگهداری کلام الله مجید ۳٤۸
۱۰۵-زیارت آخرین منزل‌گاه بینانگذار پاکستان ۳٤۸
۱۰٦-خُضدار؛ مروارید صحرا ۳۵۰
۱۰۷-گوادر؛ نبض حیات اقتصادی پاکستان ۳۵۱
۱۰۸-کراچی شهر روشنی‌های ناتمام ۳۵٤
۱۰۹-آرامگاه جناح؛ قلب کراچی ۳۵۷
۱۱۰-موزه ملی پاکستان؛ گنجینه ناتمام دره سند ۳۵۸
۱۱۱-عبدالله شاه غازی؛ معجزه‌ای از جنس کرامت ۳٦۰
۱۱۲-سی ویو ؛ پنجره‌ای به سوی دریا ۳٦۲
۱۱۳-چوکندی؛ افسونگر سحر آمیز پاکستان ۳٦۳
۱۱٤-ضیافت تمساح های منگو پیر ۳٦٤
۱۱۵-رانی کوت؛ دیواره‌ای به طول تاریخ ۳٦۵
۱۱٦-شور دمادم از مزار پیرقلندران؛ لال قلندر ۳٦٦
۱۱۷-دریاچه کینجَر؛ تخت ملکه آب‌ها ۳٦۹
۱۱۸-تَتا ؛ رُم پاکستان ۳۷۰
۱۱۹-مَکلی؛ شهر خفتگان در خاک ۳۷۱
۱۲۰-مسجد شاه جهان؛ جلوه نمایی گنبدها ۳۷٤

IQBAL FORUM

حکایت یک ملک خداداد

The Land given by Allah

IQBAL FORUM

سرآغاز

پاکستان فرزند خداباوری و حق طلبی است، از این رو حکایت ولادتش به هیچ نقطه‌ای از جهان نمی‌ماند. پاکستان بمب و تروریسم و انتحاری و افراط گرایی نیست اگرچه این واژه‌ها زیر چسب زخمی که برند رسانه‌ها برآن خودنمایی می‌کند، جا خوش کرده‌اند ولی سخیف‌تر از آنانند که بیداری اسلامی مردم شبه قاره را تحت تاثیر قرار دهند.

پاکستان زیباست، فراتر از آنچه تصور کنی با مردمی مهربان، ساده دل و البته صبور که همیشه ایام به فردا امیدوارند، اگرچه امروزشان خوب نباشد. دست طبیعت آنچه از زیبایی در آستین داشته به پاکستان هدیه داده است ولی معدود افرادی هستند که فریبِ قهر رسانه‌ها را نخورده و نگاهشان به پاکستان آن گونه باشد که لایق نام آن است.

پاکستان فرزند خداباوری و حق طلبی است اگرچه مظلومانه به کنج رانده شود ولی روزی غبار ناآگاهی جهانیان از روی آن زدوده خواهد شد و آن زمان است که ما نیز با مردمش هم صدا شده و سرزمین باور و ایمان بدانیمش که حق تعالی آن را به مردم این بُرهه از تاریخ هدیه داده است آری؛ **ملک خداداد**...

برآنیم تا شکوه و تاریخ پرصلابت کشور نوپای پاکستان را چنان روایت کنیم که شایسته آن است و صد البته در توانمان. روایتی متفاوت با آنچه تاکنون بیان شده چراکه حقیقت آن نیست و یا حداقل تمام حقیقت آن نیست که ما می‌دانیم.

سفر به تاریخ و سیر به گوشه گوشه این ملک خداداد تنها مسیری است که به دانستن حقیقت در خصوص پاکستان ختم خواهد شد و این رسالت بر دوش جوهر قلم ما و حسن همراهی مخاطب عزیز خواهد بود. عِلم به پاکستان، عِلم به ایران است، و هزاران اثر فرهنگی و تاریخی در کنار تمدن‌های عظیم و ماندگاری که در دلِ تاریخ پاکستان به یادگار مانده‌اند گواه بر این ادعاست که ریشه پیوند ایران و پاکستان ناگسستنی است.

روایت ما گویاست و مصور؛ در بخش نخست به تاریخ سفر کرده و از آرمانی که «جناح و اقبال» در پی آن بودند سخن خواهیم گفت، لحظات زیبای استقلال و ایجاد کشوری را وصف خواهیم کرد که شباهتی به دیگر کشورهای جهان ندارد چرا که هر کشوری از مرز بندی به اعتقاد می‌رسد ولی اعتقاد باعث شد تا مرزهای پاکستان ترسیم شوند!

حکایت همراهی و همدلی ایران و پاکستان فصل دیگری از روایت ماست که در تاریخ قطور ارتباط دو کشور گرد فراموشی و غبار کم توجهی بر آن نشسته است. سپس میهمان خوان گسترده فرهنگ، ادب، علم و هنر مردم آن سامان خواهیم شد و در ادامه سفر تاریخی خود را به پایان رسانده و سیر در گوشه و کنار این بهشت فراموش شده را آغاز می‌کنیم که ناگفته پیداست انگیزه اصلی نگارش این کتاب نیز همین است. تلاش بر این است که ترسیم فضا واقعی باشد و از خوش بینی بی‌علت و بدبینی بی دلیل پرهیز شود تا مسیر درک بهتر از عالم همدلی هموار گردد. جنگ و جدل و بحث‌های سیاسی خط قرمزی است که نه قصد ورود به آن را داریم و نه آن را همسو با آرمان‌هایی می‌دانیم که انقلاب باوری ما برای آن ارزشی قائل است که وقتی برای آن گذاشته شود.

IQBAL FORUM

یاد پدر....

قدیم‌ترها تعطیلات عید و تابستان بهانه خوبی بود تا بار سفر را بسته و به پابوس امام هشتم مشرف شویم، در ایام عید مشهد شلوغ‌تر از آنی بود که بتوانیم اقامتی راحت را تجربه کنیم ولی در تابستان فرصت بهتر بود و آب و هوای مشهد دل انگیزتر.

برای ما که از هوای گرم و خشک قم جان به لب می‌شدیم، مشهد بهشتی وصف ناشدنی بود که طعم شیرمال‌های بازارچه حاج آقا جان و صدای «ضامن آهو رضا... لاله خوشبو رضا» با بازار گرمی‌های کاسبان مشهدی در هم می‌آمیختند و خاطراتی زیبا را در ذهن نقش می‌کردند.

آن روز که پدر به منزل آمد و از لابه لای نوشته‌هایش سوالی پرسید تا ما بچه‌ها جواب بدهیم هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم سوال او حدود ۲۰ سال بعد باعث نگارش این کتاب شود؛ «می‌دانید دومین کوه بلند جهان در کدام کشور قرار دارد و نامش چیست؟». نام اورِست را شنیده بودم ولی کی تو (K2) برای ما تازگی داشت.

مدت‌ها بعد بلندپروازی‌های دوران نوجوانی مرا به ارتفاعات علاقه‌مند کرد و ساعت‌ها وقت خود را به مطالعه در مورد کوه‌های رفیع جهان اختصاص دادم، دیدن تصاویر این کوه‌ها انسان را به حیرت وا می‌داشتند و برای من که از کودکی محو کی تو شده بودم جذاب‌تر از آن بودند که بتوانم آن‌ها را رها کنم.

کمی بعد کشش این هِرَم غول‌آسا مرا با کشوری آشنا کرد که علی‌رغم همسایگی سال‌های سال وجودش را ندیده بودم! کی تو مرا به پاکستان کشاند و سپس فرهنگ و باور، عقاید و برخورد مردم این دیار مرا در کوچه پس کوچه‌های اسلام آباد و کراچی سیر داد. با شعر اقبال به دیبای لاهور سفر کردم و از دروازه خیبر دنیای قدیم را به چشم دیدم.

بعدها که وارد دنیای رسانه شدم و مملکت خداداد زمینه تخصصی کارم شد، نبود مرجعی که این کشور را به درستی معرفی کند و حقایق آن را به گونه‌ای که هست بازگو کند، احساس کردم. با دوستانم به مشورت نشستم و سپس با کمک برخی از

IQBAL FORUM

آنها تالیف کتابی را آغاز کردم که بخش مهمی از سال های بعدی زندگی ام شد. بازگو کردن فرهنگ، تاریخ، اقتصاد، سیاست، ظرفیت های علمی و نظامی و از همه مهم‌تر جاذبه‌های گردشگری پاکستان زمینه‌ساز تالیف کتابی شد که منابع آن به سختی تهیه می‌شدند و پیدا کردن آنها باعث شد دو بار به این کشور سفر کنم. با این حال هدف بزرگی که در ذهن داشتم مسیر را هموار می‌کرد.

اینکه جرقه نگارش کتاب نیز در حرم مطهر رضوی بودم را به فال نیک می‌گیرم و از صمیم قلب آرزو می‌کنم حق تعالی مسیر وحدت دنیای اسلام و به خصوص همدلی بیشتر دو ملت بزرگ ایران و پاکستان را فراهم آورد.

تقدیر از دوستان مهربانی که همراهی‌شان گام‌های تکمیل این کتاب را پر شتاب کرد وظیفه‌ای است اجتناب ناپذیر از مسئولین و همکاران ارجمند خبرگزاری تسنیم به خصوص جناب آقای «دکتر قلی زاده» مدیر عامل محترم تا برادر و استاد دل‌سوزم جناب آقای «دکتر صادقی»، از خانواده عزیزم تا برادران و خواهران بزرگوارم؛ «کیان مقدم، رضائیان، بهار، چوهدری علی اکبر، مستقیم، عظیمی، سعیدی، شهبازی، رضوی، مومنی، جعفری، حسینی، هاشمی». همچنین شایسته است از حسن نظر آقایان «دکتر علی بیات» استاد فرهیخته زبان اردو دانشگاه تهران و جناب آقای «ذوالفقار عباس بخاری» دستیار ویژه نخست وزیر پاکستان که با تقریظ خود همدل و مشوقم شدند نیز صمیمانه قدردانی به عمل آید. ضمنا از همکاری مسئولین محترم انتشارات مهکامه به خصوص سرکار خانم قنبری کمال تشکر را دارم. نقد و نظر شما بر این کتاب سبب اعتلای بار آن خواهد شد از این رو مشتاقانه پذیرای آنها خواهم بود.

این کتاب پیش‌کشی است از سوی «پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی‌ترین همسایه» به تمام دوست داران فرهنگ.

تا که خورشید سر زند....

محمد رضا کمیلی
khatam786@yahoo.com

IQBAL FORUM

حکایت یک خداداد

The Land given by Allah

IQBAL FORUM



دستیار ویژه نخست وزیر پاکستان - ذوالفقار عباس بخاری

پاکستان دیبای هفت رنگ طبیعت

از امتداد کوه‌های سر به فلک کشیده هیمالیا و قراقروم در شمال پاکستان تا جلگه حاصل خیز سند در جنوب، کشوری هفت رنگ و زیبا را می‌یابید که آب به آن حیات بخشیده و سرزمینش مملو از زیبایی است. کوه و کوهنوردی، دریا و قایق سواری انواع تفریحات بیابانی و گشت و گذار در دل طبیعت، حیات وحش بی‌نظیر با تنوع مثال زدنی، انواع گونه‌های نادر طبیعت همه و همه گردشگران و طبیعت‌گردان را به سوی پاکستان فرامی‌خوانند.

پاکستان زیستگاه تمام موجوداتی است که این خاک غنی را سرزمین خود می‌دانند کوه‌های رفیع از هیمالیا و قراقروم گرفته تا هندوکش و جنگل سرسبز در کنار خط ساحلی نیلگون پاکستان را به نگین جنوب آسیا مبدل ساخته است. این کتاب مصور تلاشی ارزنده و شایسته تقدیر است که می‌تواند مردم ایران اسلامی را با ظرفیت‌های طبیعی، گردشگری و فرهنگی پاکستان آشنا سازد.

من نیز به نوبه خود از آقای کمیلی نویسنده این کتاب خواندنی تقدیر و قدردانی می‌کنم که کشور پاکستان را گویا و شفاف به مردم فارسی زبان معرفی کرده‌اند.



ایران و پاکستان همسایه هستند!

سال‌ها پیش که تازگی‌ها به کسوت دانشجوی زبان و ادبیات اردو درآمده بودم، در پردیس مرکزی دانشگاه، در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی در جلسه‌ای که در مورد روابط ایران و پاکستان برپا شده بود، حضور یافتم. سخنرانان محترم دربارهٔ روابط دیرینه و در عین حال بسیار نزدیک دو خطّهٔ تاریخی ایران و شبه قاره سخنان بسیار گفتند و حاضران و میهمانان نیز بر صحت مطالب عنوان شده تأکید داشتند. در آن حین یک جمله از سخنرانی آقای «دکتر رضا شعبانی» استاد دانشگاه شهید بهشتی و رایزن فرهنگی سابق ایران در پاکستان، بسیار به دلم نشست و پس از گذشت سالیان دراز، همچنان در گوشم طنین‌انداز است: « **ایران و پاکستان همسایگانی هستند که پنجره‌های خانه هاشان به حیاط خانهٔ همدیگر باز می شود.**» بعدها که مطالعاتم در شناخت این روابط فزونی گرفت، دریافتم که حقیقت این است که ما به عنوان همسایهٔ غربی پاکستان، در شناخت و سپس معرفی آن کشور به مردم ایران حرکت قابل توجهی نکرده و گام مهمی برنداشته‌ایم. حال آن که مردم همسایهٔ شرقی ما چه آن زمان که این کشور بخشی از هندوستان بود و چه این زمان که جشن ۷۲ سالگی استقلال خود را با افتخار برگزار کرده‌اند به نیکی، کشور، ملت، فرهنگ، ادبیات، جغرافیا، زبان و اقتصاد و ... ایران را می‌شناسند و آنها را ارج می نهند.

نگارش کتاب و یا کتاب‌هایی که بتوانند دربارهٔ این همسایه، شناختی کامل ارائه کنند، ضرورت داشته و امروزه بیش از پیش ضرورت دارد. درست آنچه که نویسنده محترم جناب آقای کمیلی در کتاب پیش رو انجام داده است. پس از دریافت فایل کتاب، بی‌درنگ نزدیک به دو ساعت بخش هایی را و در کل تمام کتاب را از نظر گذرانیدم.

IQBAL FORUM

برخی مطالب را عمیق‌تر و برخی را اجمالی مطالعه کردم. قلم ساده نویس و در عین حال بلیغ آقای کمیلی موجب شد که با حوصله و علاقهٔ بیشتری به مطالعه بپردازم. از آن زمان تا هم اینک که دست به قلم برده و در حال نوشتن درباب ویژگی های کتاب هستم، چندین ساعت دیگر برای مطالعهٔ آن زمان گذاشته‌ام. معرفی شخصیت‌های مشهور آن کشور چون مرحوم محمد علی جناح رهبر فقید سیاسی پاکستان، علامهٔ فقید اقبال و دیگران، ایالت‌ها و تاریخ و جغرافیای شهرهای معروف پاکستان، سرود ملی، نماد و سمبل‌های پرچم، دانشگاه ها، کالج ها مراکز علمی و پژوهشی بزرگ و کوچک، مراکز مهم تجاری و اقتصادی و محصولات مهم تجاری و اثرگذار در اقتصاد پاکستان، ورزش ها و بازی های ملی و قهرمانی مردم پاکستان، جلوه ها و زیبایی های طبیعی آن کشور در مناطق مختلف، گونه‌های زیست بومی انسانی و جانوری در شمال و جنوب و شرق و غرب، جشن ها و اعیاد، غذاهای بومی مناطق مختلف و جلوه های پخت و پز غذا در شهرهای مختلف، جایگاه نظامیان و صنایع مربوط به آن، پارچه بافی و صنایع تولید انواع توپ های ورزشی و غیره، همه و همه به طور مبسوط و البته با بیانی زیبا و جالب توجه در کتاب گنجانده شده اند.

بدون اغراق بر این عقیده هستم که مطالب این کتاب باید در کتاب‌های دوره‌های ابتدایی و متوسطه گنجانده شوند تا زیربنای فکری ما در مورد این همسایه مهم ترمیم یابد و دیگر اشتباهات احساسی و بدون مطالعهٔ دوره‌های پیشین دربارهٔ پاکستان تکرار نشود.[1] این کتاب می‌تواند برای دانشجویان رشتهٔ کارشناسی زبان و ادبیات اردو که در حال حاضر فقط در دانشگاه تهران دایر است هم یک منبع کمک درسی بسیار مفید باشد و به همهٔ دانشجویان این زبان توصیه می شود به طور حتم یک دور کامل آن را مورد مطالعه قرار دهند تا در درک بسیاری از مطالب دیگر درسی خود موفق باشند. بدون تردید با مطالعهٔ کتاب برای اهل تحقیق و پژوهش افق‌های جدیدی گشوده خواهد شد و موارد جدیدی در مطالعهٔ همه جانبهٔ پاکستان آشکار خواهد شد. ضمن آرزوی موفقیت برای نویسنده کتاب، از ایشان برای نگارش این کتاب خوب سپاسگزاری می نمایم.

دکتر علی بیات
دانشیار گروه زبان و ادبیات اردو،
دانشکدهٔ زبانها و ادبیات اردو، دانشگاه تهران

۱- اشاره به جغرافی کلاس چهارم ابتدایی دهه‌های ۶۰ و ۷۰ که زبان مردم افغانستان را دری و اردو نوشته بود و نسل آن زمان هنوز زبان اردو را زبان مردم همسایهٔ دیگر ما افغانستان می دانند و بر این باور هستند که زبان اردو زبانی چون فارسی دری است.

IQBAL FORUM

حکایت ملک خداداد

The Land given by Allah

IQBAL FORUM

فصل نخست

IQBAL FORUM

هوالحق

اراده الهی شبه‌قاره را همسایه ازلی و ابدی ایران زمین قرار داد و هرچند چرخش ایام و دست تقدیر بارها و بارها خطوط مرزی تازه‌ای بر سینه این دو تمدن بزرگ کشید ولی هیچ‌گاه نتوانست همسایگی را محو کند.

روایت ورود اسلام به شبه‌قاره هند، به چند شکل بیان شده ولی منصفانه آن است که روایت ورود دین به زور شمشیر را نپذیریم چرا که هیچ ملت و مردمی به زور شمشیر، اعتقادی پایدار را در سینه آیندگان و نسل پس از خود نهادینه نمی‌کنند.

مگر نه این که ایران به دست اسکندر افتاد ولی مردم ایران زمین به آئین چندخدایی یونانی معتقد نشدند. مگر نه این‌که روزگاری چنگیزخان مغول شمشیر قتل و کشتار بر سر این مردم گرداند ولی هیچ‌یک از مردم این سامان تنگری باور نشدند، حال چگونه بپذیریم که زور شمشیر و قدرتِ کشتار توانسته اسلام را به دل شبه‌قاره برساند، حاشا که این سخنی نپذیرفتنی است چرا که با فطرت خداجوی و ظلم ستیزانسان در تنافی است.

روایت دوم اما، بهتر و پذیرفتنی‌تر است، بازرگانان عرب از ساحل مَکران[1] به شبه‌قاره قدم گذاشته و دل مردم را با آئین حق پرستی آشنا کردند. ارتباط فرهنگی قدرتمندی که بین ایران زمین و شبه‌قاره وجود داشت نیز دست یاری به تبلیغ این بازرگانان داد و اولین برگ از تاریخ پرافتخار اسلام در منطقه رقم خورد به گونه‌ای که در عهد حکومت ولید بن عبدالملک، سند شرقی‌ترین منطقه تحت حاکمیت مسلمانان تلقی می‌شد.[2]

باوری شگرف که ناملایمات تاریخ نیز نتوانست خدشه‌ای به آن وارد کند، از این رو عهد حکومت هارون الرشید و پادشاهان پس از او مقارن شد با دوران طلایی ارتباط بین مسلمانان و مردم شبه‌قاره. ماحصل این عصر کتب مختلفی بود که از سانسکریت به عربی ترجمه شد یا پزشکان چیره دستی که از شبه‌قاره به دانشگاه‌های اسلامی آمده و زعامت این مجموعه‌های عظیم علمی را به دست گرفتند «منکا» و «ابن الدهن» از جمله این نوابغ بودند.[3]

سومین فصل از گسترش اسلام در دل شبه‌قاره زمانی رقم خورد که پذیرش قلبی دین الهی

۱- مَکران یا مُکران ازنظرتاریخی سرزمینی ساحلی درجنوب شرقی ایران و جنوب غربی پاکستان است که درطول خلیج عمان تا جنوب غربی ایالت بلوچستان پاکستان کنونی گسترده شده است. (مصاحب، غلامحسین، دایره المعارف فارسی، ذیل واژه مکران)

۲- تاریخ سیاسی اسلام ج ۱ ، ابراهیم حسن، حسن. ذیل عنوان: خلافت ولید و گسترش فتوحات در این زمان

۳ - علی بنی وسف قفطی، تاریخ الحکما، ترجمه بهبندارانی، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱) ذیل عنوان: نهضت ترجمه

IQBAL FORUM



اسلام را بازرگانان مسلمان از طریق دریای عمان و ساحل مکران به شبه قاره بردند

دست در دست قدرت حکام وقت، بت‌کده‌های هند را ویران کرد و نور زندگی به جوانه خداباوری هدیه کرد. پس از آن بود که حاکمیت خاندان غزنوی تحت پادشاهی محمود، در هند شروع شد و آنان «لاهور» را مرکز قدرت خود در هند قرار دادند.

اگرچه حکمرانی مسلمانان در شبه‌قاره با تمام پستی و بلندی‌های آن تا سال ۱۸۵۷ میلادی ادامه یافت، ولی از این سال بود که روباه پیراستعمار، با حربه نفاق و فریب‌کاری از غفلت مسلمانان به سود افکار پلید خود بهره برده و زخمی در دل شبه‌قاره آفرید که تاکنون رنگ التیام به خود ندیده است. حاکمیت هزار ساله مسلمانان در شبه قاره توسط انگلیس به پایان رسید و دست نشانده‌های غیرمسلمان به نمایندگی از دولت لندن و کمپانی منحوس هندشرقی زمام امور را به دست گرفتند. تلاش و کوشش مسلمانان شبه‌قاره برای رهایی از ظلم و استعماری که به آنان تحمیل شد را اوراق تاریخ در خود به یادگار دارند و تا همیشه آن را فریاد خواهند زد، چرا که هیچ‌گاه صدای مظلومیت مظلوم در عمق ظلمت و جهل ساده اندیشان و در پس مکر و فریب حیله‌گران، پوشیده نخواهد ماند.

در این‌که چه تعداد مسلمان در راه آزادی و رهایی از بند ظلم به شهادت رسیدند و چه تعداد از هستی ساقط شدند جزسکوت و گمانه‌زنی چیزی نمی‌یابیم، ولی آنچه مسلم است وشکی به آن راه نمی‌یابد این مطلب است که نیاکان مردم کنونی پاکستان هیچ‌گاه دست از تلاش و مجاهدت برنداشتند.

نگاهی به تاریخ سیاه نود ساله حکومت کمپانی هندشرقی برمسلمانان شبه‌قاره نشان از ظلمی دارد که قلم توان وصف آن را ندارد، مسلمانانی که سال‌ها حکومت آن سامان را به دست داشتند به شهروندان درجه دومی تبدیل شدند که هیچ پُست رسمی و جایگاه ویژه‌ای به آنان داده نمی‌شد و فاجعه بارتر از آن، این‌که هندوهای افراطی به جان و مال مسلمانان مسلط شده بودند.

IQBAL FORUM



حمله انگلیسی ها به شبه قاره و کشتار مردم بی گناه

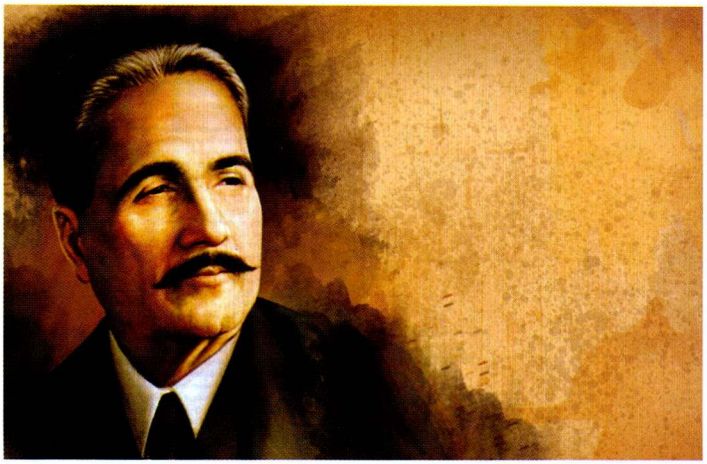
روزی نبود که مسلمانی کشته نشود و یا حقی پایمال نشود، تنها تفاوت این بود که بهانه های قتل و غارت تغییر می کرد. راه حل نظامی برای خروج از این وضع اسفبار به کرّات امتحان شد ولی نتیجه‌ای در برنداشت و آرزویی که مسلمانان در سرمی پروراندند هرروز دورتر می شد.

آرزویی که تنها راه حل مشکلات بود و صد البته آن چنان دست نیافتنی و سخت می نمود که بسیاری از مسلمانان تحقق آن را محال می دانستند. ولی کدام مقصد است که ایمان و اعتقاد راه به آن نداشته باشد و سعی و تلاش بشرفاتح آن نباشد، جوانانی که از دل شبه قاره برخاستند، خواستند و کوشیدند تا زمانی که آرزوها و آرمان های مسلمانان رنگ تحقق به خود گرفت. شاعرو حکیمی نامدار به نام اقبال لاهوری[1] در عالم رویا دید که کشوری در نقشه تاریک دنیا جوانه زده است و مردمش نور ایمان به قلب های خود دارند و اعتقاد و خدا باوری مرزهای آن سرزمین را مشخص می کند.

۱- علامه محمد اقبال لاهوری شاعر ملی پاکستان که به زندگی او خواهیم پرداخت.



اوضاع وخیم مردم عادی به ویژه مسلمانان در زمان حاکمیت انگلیس بر شبه قاره



علامه اقبال لاهوری، حکیم مشرق زمین که رویای تشکیل کشوری مستقل برای مسلمانان شبه قاره را دید

علامه مشرق زمین از خواب برخاست ولی هیچ‌گاه چشم از رویایی که دیده بود برنداشت[۱] چرا که تیرگی شرک و کفر بر تن اعتقاد مسلمانان راه نداشت، و این‌گونه بود که دور جدیدی از مبارزات آغاز شد ولی با هدفی مشخص و تازه؛ کشوری پاک و عاری از شرک و کفر به نام **پاکستان** که شعار حق پرستی و وحدانیت خدا را سرمی‌داد.

چه بی‌دلیل تلاش می‌کنند عده‌ای تا نام پاکستان را به ایالت‌های این کشور ربط داده و آن را برگرفته از پیوند نخستین حروف این ایالات بدانند![۲] پاکستان نقطه مخالف کفر است، پاکستان نقطه مخالف شرک است، پاکستان نقطه مخالف هواپرستی و دنیا پرستی است. پاکستان یعنی سرزمین پاک! پاک و عاری از شرک و بی‌ایمانی....

و این «جناح»[۳] بود که بیش از دیگران به رویای اقبال ایمان آورد، و شبانه‌روز جنگید تا پاکستان از کافرستان جدا شود و حماسه‌ای از بیداری اسلامی در دل تاریخ ثبت شود. مبارزاتی که از سال ۱۹۱۳ شروع شد و محمد علی جناح با همراهی مسلمانان رنج کشیده شبه قاره به قدری پای خواسته خود ایستاده و از خود گذشتگی کردند تا این‌که جامه تعبیر بر تن رویای اقبال لاهوری پوشیده شد، هرچند دیگر اقبال زنده نبود تا شکوه تحقق رویای خود را به چشم ببیند ولی سرانجام وعده الهی که آیات وحی آن را بیان کرده‌اند تحقق یافت و شکوفه تغییر در تاریخ آئین خدا باوری به بار

۱- اقبال لاهوری خواب استقلال کشوری جدا برای مسلمانان را دید که پاکستان نام داشت. (خبرگزاری تسنیم، گزارش ولادت علامه اقبال ۱۳۹۷/۸/۱۷)

۲- عده‌ای معتقدند نام پاکستان از اول نام ایالت‌های « پنجاب، ایالت سرحد(خیبرپختونخوا)،کشمیر، سند و انتهای بلوچستان» گرفته شده است.

۳- محمد علی جناح، بنیان گذار پاکستان که به زندگی او خواهیم پرداخت.

IQBAL FORUM

نشست؛ آری «خداوند تغییر داد اوضاع را زمانی که مردم تغییر را خواستند...»[1]

زمان در تاریخ ۱۴ اوت سال ۱۹۴۷ ایستاد و توقف کرد تا عظمت اراده مسلمانان شبه‌قاره را به تماشا بنشیند که البته چاره‌ای جزاین نداشت. نقشه دنیا تغییر کرده و کشوری پا به عرصه وجود گذاشت که نامش را سال‌ها قبل رویای اقبال مشخص کرده بود؛ «پاکستان»[2]

روباه پیر استعمار پذیرفته بود که باید به خواسته مسلمانان شبه‌قاره احترام گذاشته و سرنوشت آنان را از سرنوشت سایر ساکنان شبه‌قاره هند جدا کند، ولی صد افسوس که جنگ و دشمنی را در دل دو کشور کاشت تا نسل‌های بعد نیز طعم همدلی را در کنار همسایگی نچشند.

ناملایمات دوره استقلال

تمام کشورهای جهان ابتدا شکل گرفته‌اند و سپس مردم آن به لطف سال‌ها زندگی در کنار یکدیگر، اشتراکات فرهنگی، اعتقادی و فکری پیدا کرده‌اند ولی حکایت پاکستان عکس این مطلب است. مردم کشور پاک، ابتدا هم‌دل و هم‌دین شدند و این اعتقاد باعث شد تا مرزهای جغرافیایی آنان شکل بگیرد، اتفاقی که حتی تصور آن نیز محال می‌نمود.

وقتی سخن از پاکستان می‌گوئیم حرف از اراده بلند مردمی است که رنج ناملایمات دوران استقلال را به جان خریدند! کشوری که تا دیروز نبوده و نه تنها باید از صفر شروع کند بلکه کارشکنی‌های مکرر انگلیس و همدستان منطقه‌ای آنان باعث شد تا دوران آغاز پاکستان از زیر صفر باشد. ولیکن اراده‌ای که باعث تشکیل کشوری مسلمان و به نتیجه رسیدن بیداری اسلامی مسلمانان شبه‌قاره شد به اندیشه متعالی «لا اله الا الله»[3] متصل بود و خدایی که تغییر طلبی مردم را نظاره می‌کرد خود خدایی بود که آن را محافظت می‌کرد.

دولت انگلیس و دست نشانده‌هایش تصور می‌کردند این بیداری اسلامی ظرف مدت چند هفته شکست می‌خورد و سران این کشور نوپای اسلامی با مشاهده سختی‌های فراوان پیش رو که بخش عمده‌ای از آن حاصل توطئه‌های روباه پیر استعمار بود، دست از هدف خود می‌کشند، مرزهای جدید را به هم زده و تبعیت از حکومت دهلی نو را می‌پذیرند.

صد افسوس که استقلال چنان ناگهانی رخ داد که نظارتی صحیح بر مرز بندی‌ها صورت نگرفت و نقاط فراوانی بلا تکلیف ماند! قانون ساده‌ای بر روند مرز بندی حاکم بود: «هرجا بیشتر ساکنین آن مسلمان هستند متعلق به پاکستان! و هرجا اکثر ساکنین غیر مسلمان

۱- اشاره به آیه قرآنی «إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حَتّى يُغَيِّروا ما بِأَنفُسِهِم» سوره رعد آیه ۱۱

۲ - پاک+ستان : به معنای محل زندگی پاکان.

۳ - برگرفته از شعار مشهور « پاکستان کا مطلب کیا؟ لا اله الا الله» به معنای « معنای پاکستان چیست؟ هیچ خدایی جز خدا نیست».



ماونت بتن در حال مذاکره با محمد علی جناح بنیانگذار پاکستان

هستند متعلق به هند!»[1]. به همین سادگی تکلیف دومین کشور پرجمعیت جهان مشخص شد و البته هم زمان بزرگ‌ترین کشور اسلامی (آن روزگار) شکل گرفت.

نماینده پادشاهی انگلیس در هند که فردی حیله‌گر و اسلام‌ستیز به نام «**لوئیس ماونت‌بتن**»[2] بود از هیچ توطئه‌ای برای نابود کردن نام جناح و کشور پاکستان دریغ نکرد، با این حال نام وی در تاریخ پاکستان گم شده تا نسل کنونی این کشور از بدطینتی روباه پیر استعمار اطلاع نداشته باشند.[3]

او بود که روز استقلال پاکستان را یک سال زودتر اعلام کرد! و حتی اجازه نداد که ادارات و سازمان‌های این کشور نوپا فرصت تاسیس پیدا کنند.[4] او بود که فرمانده انگلیسی ارتش پاکستان را وادار به تسلیم کرد تا اینک کشمیر پاره جدا شده عالم اسلام باشد.[5] او بود که از قدرت نفوذ خود استفاده کرده و مرزهای میان هند و پاکستان را به گونه‌ای ترسیم کرد که بسیاری از ایالت‌ها دو بخش شوند از شمالی‌ترین نقطه گرفته تا جنوبی‌ترین بخش! و این‌گونه نزاع و جدال بین هند و پاکستان تا ابد تضمین شد.[6] او بود که با کمک «رِد کُلف» وکیل انگلیسی نقشه دو کشور بزرگ جهان را ظرف تنها ۵ هفته کشید! و جالب این‌که مناطقی

۱- نظارت و قضاوت بر اختلافات احتمالی به یک وکیل انگلیسی به نام «رد کلف» سپرده شده بود و او نیز کارشکنی کرد و اختلافاتی در خصوص بنگال، پنجاب، جامو و کشمیر را برجای گذاشت که هنوز هم حل نشده‌اند.

۲ - نام لاتین این فرد «Louis Mountbatten» است.

۳ - محمد سعید بدرجنگ نیوز، ۱۴ اوت ۲۰۱۷

۴ - مصاحبه اشلین کور، بی بی سی، ۳ اوت ۲۰۱۷

۵ - همان

۶ - محمد سعید بدرجنگ نیوز، ۱۴ اوت ۲۰۱۷

IQBAL FORUM

مثل فیروزپور که اکثرساکنین آن مسلمان هستند حین خوردن غذا تعیین تکلیف شدند!.[1]

داستان غم‌انگیز استقلال پاکستان حکایتی تلخ دارد و دردی است توصیف نشدنی ولی تمام افرادی که در این راه خطیر جان خود را از دست دادند حین مرگ لبخند رضایت به لب داشتند چرا که مرگ خود را در مسیر سربلندی آرمان‌های اسلامی یک ملت می‌دانستند. کشوری که دو بخش داشت: پاکستان شرقی یا همان بنگلادش، و بخش غربی یا پاکستانی که ما اینک آن را در نقشه جهان می‌بینیم و می‌شناسیم. عجیب این‌که این دو بخش مجزا از هم بیش از هزار و ششصد کیلومتر فاصله داشتند و همین مسئله به ظاهر کوچک خود بانی ۲۴ سال جنگ، خون‌ریزی و ناامنی در منطقه شد.[2]

عمده مشکلاتی که نخستین نسل از مردم پاکستان در بدو استقلال ملک خداداد در مقابل آن سینه سپر کردند شامل این موارد می‌شد؛« نبود قانون اساسی اسلامی، کمبود دفاترانتظامی و گریختن بسیاری از افسران به سمت هند، کمبود امکانات، بلوکه شدن اموال، تحمیل بدهی‌های خارجی به پاکستان، قرارگرفتن سرچشمه رودهای مهم در هند، مسئله پختونستان، حمله ارتش هند به مسلمانانِ بخش‌هایی که قصد داشتند به پاکستان بپیوندند، انتقال سرمایه‌ها و سرمایه‌دارها به هند، و سرانجام داستان غم انگیز کشمیر»[3]

بزرگ‌ترین هجرت تاریخ

مرگ را نقطه عطف زندگی هرانسان می‌دانند چرا که به ترک آن چه از مال دنیا برای خود جمع کرده مجبور می‌شود و در قامتی کفن‌پوش به سوی سرنوشتی قدم برمی‌دارد که اعمالش آن را به تصویر کشیده‌اند. برخی از بزرگ‌ترین تحولات زندگی بشرمربوط به تغییرو هجرت است، رفتن از مکانی به مکان دیگر، شکل‌گیری تاریخ هجری شمسی و قمری نشان از عظمت و اهمیت هجرت دارد، پاکستان شکل گرفته بود و مردم باید اثبات می‌کردند که برای این هدیه عظیمی که خدا ارزانی‌شان داشته است حاضرهستند از داشته‌های خود بگذرند.

این هجرت برای مسلمانان ساکن هند، دستِ کمی از تجربه یک مرگ حقیقی نداشت، ثروتمند و فقیر، زن و مرد، پیرو جوان، شهری و روستایی در یک شب مجبور به ترک داشته‌های خود شدند، یکی زمین کشاورزی خود را رها کرد، و دیگری کسب و کار تجارتش را، یکی از خیر اموالش گذشت و دیگری از خانه و کاشانه‌اش، به راستی کدام مقصد و هدف چنین ارزشمند است که انسان را به ترک خانه و زندگی فرا بخواند؟

۱- همان

۲- نگاهی به تاریخچه بنگلادش، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵/۱۱/۲۲

۳ - تاریخ پاکستان و فرمانروایان آن؛ ص ۳۳ الی ۳۵



هند در آستانه مهاجرت مسلمانان به سوی پاکستان-سال ۱۹۴۷

راهیان سرزمین پاک که تا دیروز به دلیل شناخته نشدن از سوی هندوهای متعصب کم‌تر مورد حمله قرار می‌گرفتند اینک به اهداف بی‌دفاعی تبدیل شده بودند که صف به صف در دشت و کوه به سمت مرزهای پاکستان در حرکت بودند. خوی دَد منشانه عده‌ای که سال‌ها به خون مسلمانان تشنه بودند و آنان را عامل تجزیه هند می‌دانستند را، فقط خون این مسلمانان مظلوم آرام می‌کرد.[۱]

در مدت چند ماهه‌ای که این کاروان چند میلیون نفری با پای پیاده به سوی پاکستان راه می‌پیمودند روز و شبی نبود که مورد هجوم غیرمسلمانان متعصب قرار نگیرند و جمعی صحیفه ایمان و اعتقاد خود را به خون خود امضا نکنند. چه بسیار شب‌هایی که قافله‌های زجرکشیده مسلمانان در بیابان‌ها مورد هجوم ناجوانمردانه عده‌ای افراط‌گرا قرار گرفته و نه تنها مردان‌شان قتل عام می‌شدند بلکه زنان آنان نیزبه غارت برده می‌شدند و به این سادگی شیرازه یک خاندان از هم می‌پاشید بدون این‌که با طلوع صبح کسی از حال و روز آنان مطلع باشد. چشمان تاریخ گواه بوده و روزی شهادت خواهد داد که چه تعداد مسلمان معتقد در راه خطیرسفربه پاکستان طعمه تعصب کورکورانه و خوی وحشی‌گری افراط‌گرایان شدند، مسلمانانی که در مسیرسرنوشتی نامعلوم، خانه و کاشانه و اموال خود را رها کرده و راه به سویی می‌بردند که نمی‌دانستند کجاست و چه چیزی در انتظار آنان است.[۲]

۱- اکسپرس نیوز، سید عاصم محمود، ۱۴ اوت ۲۰۱۶

۲- همان

IQBAL FORUM





هجرت از کافرستان به پاکستان یکی از سخت ترین تصمیمات زندگی مهاجرین بود آنها دار و ندار خود را به عشق اسلام رها کردند

دشواری‌های مسیر هجرت با بی‌رحمی تمام جان ده‌ها هزار نفر از این مسلمانان را گرفت، تا سختی‌های آینده این کشور اسلامی در سرخی خونِ‌شان تجلی پیدا کند. آنانی که از چنگال دیو خون‌آشام مسیر جان سالم به در بردند نیز ضعیف و خسته و بیمار بودند چرا که نه آذوقه‌ای داشتند تا جان بگیرند و نه آبی سالم برای نوشیدن می‌یافتند، ولی دست از هدف خویش برنداشته و به گذشته برنگشتند. برگ‌های به جا مانده روایت می‌کنند که ۱۵ میلیون مسلمان نام خود را در جریان این هجرت بی‌نظیر جاودانه کردند و درعمل اثبات کردند که باید پای اعتقاد ایستاد و از مشکلات هراس نداشت.[۱] افسوس که هیچ نهاد و بنیادی به سوگ مسلمانی که کشته شدند چشم‌ترنکرد و هیچ کتابی به اندازه یک سطربرای آنان ارزش قائل نشد.

کمپ‌های ناامن و قطحی زده پراز صدای درد و ناله کودکان گرسنه و تشنه که از بیم مرگ به استخوان تکه‌هایی پناه می‌بردند که نامشان پدر و مادر بود، گنداب‌های پراز وبا و صف‌های طولانی برای رفع نیازهای اولیه همه و همه خاطراتی است که بازماندگان آن هجرت هولناک به یاد می‌آورند و در پایان زبان به شکرخدا باز می‌کنند که مسیردشوار هجرت را به پایان رسانده و به سرزمین پاک قدم گذاشتند.[۲]

سخن کوتاه کنیم که در این هجرت تاریخی که ماه‌ها به طول انجامید میلیون‌ها مسلمان کاشانه خود را ترک کرده و به پاکستان آمدند و در مقابل صدها هزار هندو و سیک‌مذهب از کشور جدیدالتاسیس پاکستان باب هجرت به سوی هند باز کردند.[۳] سرانجام روزی دروازه‌های دو کشور بسته شدند و پاکستان با میلیون‌ها مهاجر با تکلیف و مشکلات بی‌شمارش تنها ماند، مهاجرانی که زخم‌های حاصل از سرنوشت مبهم آنان سال‌ها برصورت پاکستان خود نمایی می‌کرد.

۱- همان

۲ - همان

۳ - تعداد این افراد در کتب مختلف تا ده میلیون نفر هم ذکر شده و اینک به نام مهاجرین در بخشهای وسیعی از ایالت سند زندگی می کنند، وسیاست‌مداران مطرحی چون «پرویز مشرف» یا « الطاف حسین» و... جزو مهاجرین می باشند.

IQBAL FORUM

دسیسه‌ها شروع می‌شوند

مرغ خیالت آرام میل پریدن دارد، آنچه به خاطرش جنگیدی و سال‌ها آن رادر عالم رویا به نظاره نشستی محقق شده است، کشوری اسلامی متولد شده که نامش نهادش را فریاد می‌زند؛ سرزمین پاک. گمان می‌کنی مرزهای کشورت امن‌ترین حریم جهان است، جایی که دست هیچ آدم‌کُش متعصبی توان دست درازی به آن را ندارد، و بزرگ‌ترین کشور اسلامی امن‌ترین پناه گاه مسلمانان جهان نیز خواهد بود.[1]

ولی دست روزگار از ابتدا با پاکستان سرناسازگاری داشت و سرنوشت این کشور را به سختی و مصیبت پیوند داد، نه هند و نه انگلیس گمان نمی‌کردند که مسلمانان بدون آنان بتوانند دوام آورده و روی پای خود بایستند از همین رو هیچ گاه نگاهی جدی به استقلال آنان نداشتند، مشکلات بی‌شماری که برسرراه این کشور نوپا قرار گرفت نیز شاهدی است براین سخن.[2]

از آنجا که سیاست کمپانی هند شرقی، برکنار زدن مسلمانان در شبه‌قاره بود در طول مدت ۹۰ سال حکومت آنان، نه تنها تمام مناصب رسمی و حساس و اداری میان هندوها تقسیم شده بود بلکه دیو جهل و بی‌سوادی نیز مسلمانان را به بند کشیده و اینک که افسران و مسئولین هندو به هندوستان بازگشته بودند، مسلمانی پیدا نمی‌شد که بتواند جای خالی آنان را پُر کند.[3]

عدم وجود قانون اساسی و همچنین نبود شیوه‌نامه‌ای منسجم و پذیرفته شده برای انتخاب سران حکومت دومین مشکلی بود که راه حلی برای آن ترسیم نشده بود، **در اصل کشوری شکل گرفت که نه دولت داشت و نه قانون اساسی**؛ شاید در نگاه نخست بیان چنین مطلبی ساده به نظر آید ولی عمق مشکل زمانی نقاب از چهره برمی‌دارد که بدانیم تدوین قانون اساسی اولیه برای پاکستان ۹ سال تمام به درازا کشید! و یا به عبارتی دیگر ۹ سال پاکستان بدون قانونی مصوب راه می‌پیمود.[4]

حاکم غیر مسلمان کشمیر، بدون توجه به جمعیت غالب مسلمان در این منطقه و حتی رای «مسلم کانفرنس» به عنوان تنها نماینده رسمی مردم کشمیر برای الحاق به پاکستان که ۲۵ روز پیش از استقلال پاکستان صادر شده بود از الحاق این منطقه به پاکستان جلوگیری کرد و ۷۳ روز پس از آزادی پاکستان، با امضاء قراردادی باعث الحاق بخش وسیعی از کشمیر به هند شد، این تصمیم نقطه آغاز سال‌ها جنگ و خون ریزی در منطقه شد به گونه‌ای که منطقه کشمیر (تحت سلطه هند) اینک با حضور حدود ۷۰۰ هزار نظامی ، نظامی‌ترین منطقه جهان خوانده می‌شود.

---

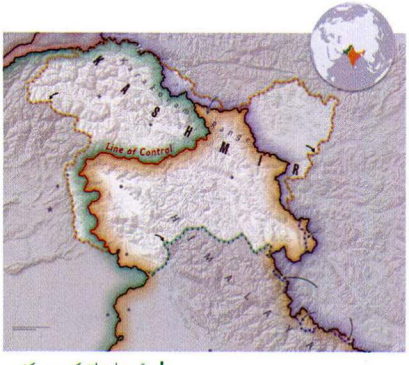
۱ – در آن زمان بنگلادش نیز جزو پاکستان بود وبه همین دلیل بزرگ‌ترین کشور جهان اسلام به شمار می‌رفت.

۲ – اشخاص و چراها؟ ص ۱۲۴

۳ – همان ص۱۲۳

۴ – همان ص ۱۲۳

IQBAL FORUM



موقعیت استراتژیک و مهم کشمیر

نگاهی به کشمیر فارغ از تنش ها

«هفتصد سال پس از هجرت رسول گرامی اسلام«ص» و زمانی که خورشید اسلام، بت‌کده های ظلمت زده هند را در نور خود ذوب کرده بود، یک عارف ایرانی به نام میر سیدعلی همدانی (همزمان با حمله تیمور لَنگ به ایران) راهی کشمیر شد و سخنانش چنان برقلب مردم این منطقه نشست که عموم آنان مسلمان شدند حال آن که پیش از حضور میرسید علی، غالب آنان هندو مسلک بودند.

همدانی تا پایان عمر میهمان قلب‌های مردم کشمیر بود و به منشا نشر دین الهی در این منطقه مبدل شد، کشمیری‌ها برای نشان دادن عمق ارادت خود به تلاش‌های این مبلغ مذهبی، او را به نام «امیرکبیر و علی ثانی» صدا می‌زنند، شکی نیست که وی محبوب‌ترین شخصیت تاریخ پس از اسلام در کشمیر به شمار می‌رود، حضور وی چون شمعی فروزان به رونق حضور دیگر ایرانیان از جمله ۸۰۰ تن از ادیبان ،شعرا، صنعت گران و... ختم شد، که در بین آنان اجداد سادات کنونی کشمیر نیز حضور داشتند.

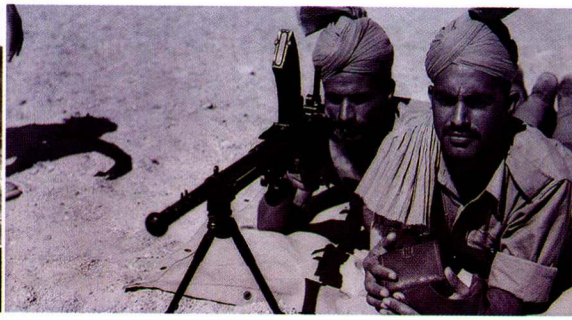
این افراد در کشمیر تشکیل خانواده داده و فرهنگ و اعتقادات ایران زمین را به قلب کشمیر بردند، کشمیر هنوز هم آرامگاه این افراد را در دل خود به یادگار دارد و بسیارند مقبره‌هایی که به نام نیشابوری، شیرازی، قمی، اصفهانی و یزدی شناخته می‌شوند. این سابقه درخشان تاریخی موجب پیوند کشمیر و ایران شده به گونه‌ای که مردم کشمیر هویت فرهنگی خود را از ایران می‌دانند، بدون آن که آن را پدیده‌ای مذهبی به شمار آورند، ارتباطی که تا زمان استعمارگری انگلیس نیز وجود داشت، و زبان دیوانی کشمیر فارسی بود. گفته می‌شود هنوز هم برخی سالخوردگان کشمیری فارسی می‌دانند و حتی در گذشته دختران کشمیری زمانی که قصد داشتند به خانه بخت بروند می‌بایست علاوه برآشپزی، گلستان و بوستان سعدی را می‌فهمیدند.»[1]

و بازهم پاکستان...

ده میلیون مهاجری که خانه و کاشانه خود را رها کرده بودند تا مرزهای پاکستان به آنان آزادی مشروع و امنیت و رفاه هدیه کند با غصه‌آبادی از درد و مصیبت و کشتار مواجه شدند که غم مرگ عزیزانشان در طول مسیرآتش آن را جانسوزتر کرده بود. پاکستانی که گمان

۱- خبرگزاری مهر، ۹ آبان ۱۳۹۴

IQBAL FORUM



تمرین نظامیان هندی- انگلیسی در زمان استقلال



مسلمانان در مسیر مهاجرت به پاکستان

می‌کردند و بهشتی که در ذهن آن را تصور کرده بودند این بیابان برهوت و عاری از امکاناتی که می‌دیدند نبود! مصیبت‌کده‌ای که هرچه به سمت مرکزآن پیش می‌رفتند غربت را بیش از پیش لمس می‌کردند. بسیاری از این مهاجرین در هند خانه و کاشانه داشتند و کسب و کارشان رونق داشت اینک اما دسیسه انگلیس و حکام منطقه‌ای تابع آن‌ها باعث شده بود تا چنان روز حشرعاری از دارایی قدم به خاک پاکستان بگذارند.[۱]

این نقطه عطفی است در تاریخ پاکستان چرا که **این تعداد عظیم از مسلمانان که عشق و محبت‌شان به اسلام به آنان ملیت بخشیده بود، برنگشتند تا زیر چتر کفر عمر بگذرانند، ماندند تا کشورشان را خود به دست خود بسازند و طعم حکومت عادلانه اسلامی را بچشند.**

انگلیس و دست نشانده‌های آنان در هند نیز آنچه از مشکل آفرینی که در توان داشتند برسر این مردم آوار کردند تا صدای خرد شدن اراده مسلمانانی که به دنبال استقلال و آزادی بودند به گوش دیگرآزادی خواهان جهان نیزبرسد. آن‌ها چنان به حجم عظیم مشکلاتی که برای این کشور پیش بینی کرده بودند ایمان داشت که حتی نمی‌توانستند تصور کنند که محمد علی جناح بتواند این کشور را بیش از ۵ ماه رهبری کند.[۲]

آن‌گونه که بیان شد مرز بندی‌ها نیز توسط شخص ماونت بتن و رِد کلف انجام شده و تمام مواردی که باعث ایجاد نزاع و درگیری مرزی می‌شد نیز مو به مو پیش‌بینی شده بود تا حتی درصدی نیز احتمال این‌که پاکستان بتواند به حیات خود ادامه دهد وجود نداشته باشد. نمایندگان انگلیس سپس سیک مذهب‌ها را تحریک کردند تا چون مسلمانان، در سرسودای حکومتی مستقل بپرورانند و در همین راستا آنان را مجبور کردند تا لیاقت خود را با کشتار

۱- خاطرات شفاهی مهاجران، داون نیوز، ۲۰۰۹/۸/۱۳

۲- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷،ص ۴۰

IQBAL FORUM

مسلمانان اثبات کنند، دهلی، کلکته و دیگر شهرهای هند تبدیل به قتلگاه مسلمانان شده بود و سیک مذهب‌ها می‌تاختند تا کشوری مستقل داشته باشند، هرچند در طول سال‌های بعد وزمانی که دیرشده بود متوجه فریبی که از دولت انگلیس خورده بودند، شدند.[۱]

یکی دیگر از مشکلاتی که نسل نخست پاکستان با آن رو به رو شدند عدم وجود نیروهای نظامی بود، زیرا انگلیس با زیرکی تمام، نیروهای نظامی هندو را به هند فراخوانده بود و با توجه به این‌که سال‌ها از ورود مسلمانان به حوزه نظامی جلوگیری به عمل می‌آمد، عملا مراکز نظامی و به خصوص پست‌های حساس هیچ متصدی لایقی نداشتند و همین بهانه‌ای شد تا انگلیس فرماندهان نظامی خود را به عنوان مسئول این بخش‌ها اعلام کرده و عملا نبض مقاومت مردم را به دست بگیرد.[۲] عمق فاجعه در این زمینه به حدی بالاست که حتی دو فرمانده نخست ارتش پاکستان نیز ژنرال‌های انگلیسی بودند؛ ژنرال فرینگ میسروی و ژنرال دوگلس دیوید گریسی جمعا ۴ سال فرماندهی ارتش پاکستان را به عهده داشتند![۳]

در یکی از خیانت‌های آشکاری که توسط این افراد صورت گرفت، آن‌ها وقتی با حمله نیروهای هند(به فرماندهی انگلیسی‌ها) در کشمیر مواجه شدند دستور تسلیم شدن دادند و به عبارتی دیگر کشمیر را به نیروهای انگلیسی هند هدیه کردند، سپس وقتی از آنان سوال شد که چرا این کار را انجام دادید و علی رغم وجود دستور نخست وزیر مقاومت نکردید، پاسخ دادند: ما انگلیسی هستیم و آن‌ها هم انگلیسی بودند، ما هردو تحت امر یک پادشاهی هستیم و دلیلی نمی‌دیدیم که باهم بجنگیم! به همین سادگی جان صدها هزار نفر از مردم کشمیر به خطر افتاد.[۴]

کمبود امکانات و بودجه هم از دیگر مسائلی بود که گریبان پاکستان را گرفته بود زیرا انگلیس و متحدانش حاضر نبودند بودجه ایالت‌هایی که به پاکستان الحاق شده بودند را تحویل دهند.[۵] در اولین مرحله از ۷۵۰ میلیون روپیه‌ای که باید تحویل پاکستان می‌شد تنها ۵ درصد به این کشور تحویل داده شد ولی در عوض ۲۰ درصد از تمام بدهی‌های خارجی هند به پاکستان تحمیل شد، هرچند در ادامه با ورود گاندی به این مساله، مشکل تا حدی حل شد.[۶]

قرار گرفتن سرچشمه برخی رودهای مهم پاکستان درهند از جمله رود سند یکی دیگر از مشکلاتی بود که توسط انگلیسی‌ها پیش بینی شده و هنوز هم پس از گذشت هفتاد و

۱- تاریخ پاکستان و عملکرد حکمرانان، ص۴۱

۲- همان، ص ۴۵

۳- این دو از ۱۵ اوت سال ۱۹۴۷ تا ۱۶ژانویه سال ۱۹۵۱ فرماندهی قوای نظامی پاکستان را به دست داشتند.

۴- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷، ص ۵۰- ۶۱

۵- افراد و چراها ص ۱۲۴

۶- همان

IQBAL FORUM



تصویری دیده نشده از نخستین نسل نظامیان پاکستان



نظامیان پاکستانی در حال اعزام به ماموریت

سه سال باعث بروز بسیاری از مناقشات میان دو کشور است.[1] انتقال سرمایه‌دارها به هند از دیگر مسائلی بود که گریبان پاکستان را گرفت زیرا دولت انگلیس با پیش بینی استقلال پاکستان و جهت ضربه زدن به این کشور، از تجار و افراد متموّل که اکثرا هندو بودند خواست تا پاکستان را ترک کرده و تمام اموال خود را نیز به هند منتقل کنند، این کار انگلیس ضربه‌ای سنگین به صنعت و رونق تجاری در پاکستان زد و مدت‌ها گریبان این کشور را گرفت.[2]

بلافاصله پس از استقلال به آتش ناسیونالیسم نیز در پاکستان دامن زده شد و اقوام مختلف تحریک شدند تا ساز جدایی و استقلال بزنند، در این رابطه ایالت‌های سرحد[3] و بلوچستان بیش از سایر ایالت‌ها عرصه بروز درگیری و آشوب شدند. پشتو زبان‌ها به رهبری خان عبدالغفار خواستار استقلال و جدا شدن کامل از کشور نوپای پاکستان بودند و خاموش کردن آتش این تفرقه مدت‌ها وقت سیاست مداران پاکستانی را گرفت.[4]

علاوه بر مشکلات فوق عدم وجود قانون اساسی و رویه‌ای مشخص برای مدیریت پاکستان مشکلات بسیاری را ایجاد کرده بود که حتی نسل‌های بعدی این کشور نیز درگیر خود کرد.[5]

نیرنگ‌های بی‌فرجام

تمام مشکلاتی که انگلیس و دست نشاندگانش برای پاکستان در نظر گرفته بودند نیز توفیقی نیافت تا اندیشه پاک مسلمانان را تضعیف کند از این رو مرحله دوم فشارها آغاز شده و این بار قوای محلی با حمایت نیروهای انگلیسی به صورت عملی مرزهای پاکستان را مورد تهاجم قرار دادند. بهانه کاملا واضح بود، عدم تفکیک مشخص مرزها و وجود مناقشات مرزی! که هنرنمایی

۱- روزنامه اوصاف ، ۶اذر ۱۳۹۵

۲- افراد و چرا ها، ص ۱۲۰

۳- که اینک به نام خیبرپختونخوا شناخته شده و با افغانستان هم مرز است.

۴- افراد و چراها، ص ۱۲۳

۵- همان، ص۱۲۴

IQBAL FORUM

شخص ماونت بتن و وکیل انگلیسی همراه او بود، در این رابطه باید گفت که هنوز هم بسیاری از مردم پاکستان هستند که نیمی از خانواده و اقوام آن‌ها در هند زندگی می‌کنند و تابعیت هندی دارند، این مشکل به ویژه در مناطقی نظیر بلتستان بیش از سایر مناطق جلوه‌گر است.[1]

در هر حال نخستین جنگ میان هند و پاکستان تنها یک سال پس از استقلال پاکستان آغاز شد و البته ظرف مدت کوتاهی دو طرف اعلام آتش‌بس کردند ولی ریشه نزاع هرگز خشک نشد. یکی دیگر از مشکلاتی که در ابتدای راه دامن‌گیر پاکستان شد خداحافظی همیشگی بنیان‌گذار پرتلاش این کشور یعنی محمد علی جناح بود، او تنها ۱۳ ماه پاکستان را همراهی کرد و سپس بر اثر ابتلا به بیماری سل در شهر کویته جان سپرد و در کراچی، پایتخت سابق پاکستان به خاک سپرده شد.

آتش زیر خاکستر جلوه می‌کند.

«لیاقت علی خان» اولین نخست وزیر پاکستان بود که یار همیشگی جناح به شمار می رفت وی تنها ۳ سال پس از مرگ جناح به صورتی مرموز ترور شد تا اولین قربانی بزرگ پاکستان باشد. لیاقت علی خان که برای سخنرانی به شهر راولپندی رفته بود در باغ زیبایی که بعدا به لیاقت باغ شهرت یافت مشغول سخنرانی بود که ناگهان جوانی او را هدف گلوله قرار داد.[2]

آخرین جمله نخست وزیر پاکستان که تنها یک روپیه حقوق دریافت می‌کرد این بود: «برادران من تیر خوردم، خدا نگهدار پاکستان». قاتل نیز بلافاصله به رگبار بسته شد و هیچ‌گاه مشخص نشد که او چرا دست به چنین کاری زده است، ولی نحسی باغ لیاقت در تاریخ پاکستان جاودانه شد و دقیقا همین نقطه ۵۶ سال بعد محل ترور بزرگ‌ترین سیاست‌مدار زن تاریخ پاکستان یعنی بی‌نظیر بوتو شد.

آرام آرام مشکلاتی که در ابتدای راه وجود نداشتند نیز خود را نشان می دادند، مسلمانان کشوری مستقل ایجاد کرده بودند ولی هیچ‌گاه به اختلافاتی که میان خود امت اسلامی وجود داشت توجه نکرده بودند، اختلافاتی که به جای حل شدن و رنگ وحدت گرفتن روز به روز آتش آن شعله‌ورتر می‌شد.[3]

انتخاب «ظفرالله خانِ» قادیانی[4] مذهب به عنوان وزیر خارجه پاکستان در سال ۱۹۵۲ به اعتراضات

۱- برگرفته از نتایج سفر شخصی نویسندگان به این مناطق

۲- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷،ص ۴۵- ۴۷

۳- همان

۴- پیروان احمد قادیانی که به رسالت این شخص پس از حضرت خاتم الانبیا«ﷺ» قائل هستند و اینک در پاکستان گروهی ممنوع الفعالیت محسوب می شوند.

IQBAL FORUM



لیاقت علی خان همراه همیشگی جناح



لیاقت علی خان و همسرش در حال اعزام به یک سفر خارجی

شدیدی ختم شد و برای نخستین بار علمای اسلامی را علیه دولت پاکستان بسیج کرد. تعدادی از علما جنبش دفاع از نبوت رسول گرامی اسلامی« ﷺ » را به راه انداختند و اعتراضات گسترده آنان، موجب کشته شدن ده‌ها نفرشد؛ سرانجام موفق شدند در تاریخ ۶ مارس سال ۱۹۵۳ حرف خود را به کرسی نشانده و موجب عزل ظفرالله خان شوند. به نتیجه رسیدن سخن علما با این شیوه بذر اعتراضات گسترده را در پاکستان کاشت و متاسفانه علی‌رغم گذشت حدود هفتاد سال از این اتفاق هنوز هم یکی از روش‌های احقاق حق شناخته می‌شود به این شکل که هرگاه گروهی مطالبه‌ای داشته باشند و نتوانند آن را دریافت کنند بلافاصله دست به اعتراض گسترده خیابانی می‌زنند.[۱]

روزهای پرالتهاب می‌آیند...

آنچه برای هرانقلابی اهمیت دارد و پیوسته باید آن را به ذهن داشت تکرار آرمان‌هایی است که مردم در ابتدا برای آن جنگیده‌اند و در راه آن خون داده‌اند، متاسفانه عامل انحطاط و بیراهه روی برخی انقلاب‌ها در جهان حکام نسل‌های دوم و سوم هستند که آرمان‌ها و باورهایی که بر پایه آن تاج و تخت حکومتی نصیب‌شان شده است را از یاد می‌برند. پاکستان نیزاز این قاعده مستثنی نبود و نگاهی به تاریخ این کشور نشان می‌دهد که برخی خطاهای راهبردی از نسل دوم حکمرانان این کشور آغاز شد.[۲]

دو سال پس از مرگ لیاقت علی خان، زمام حکومت به دست محمد علی بوگره سفیرسابق پاکستان در آمریکا افتاد وتعلق فکری و رفتاری او به غرب، فاصله میان دولت و مردم مسلمان پاکستان را بیشترو بیشترکرد. پس از بوگره که دوسال نخست وزیرپاکستان بود چوهدری

۱- اعتراضات احزابی چون لبیک یارسول در سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ که منجر به تحمیل دهها میلیون روپیه خسارت به املاک عمومی شد از این دسته است.

۲- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷،ص ۴۹

IQBAL FORUM





ژنرال ایوب خان در کنار جان‌اف کندی رئیس جمهور آمریکا | عبور تانک در خلال نبرد میان هند و پاکستان

محمد علی به عنوان نخست وزیر این کشور انتخاب شد و تلاش کرد تا وحدت و یکپارچگی را در کشور حاکم کند. در زمان حکومت او اتفاقی بسیار مهم رخ داد و **سرانجام پس از ۹ سال نخستین قانون اساسی پاکستان در سال ۱۹۵۶ تصویب شد.**[۱]

در همین سال بود که اسکندر میرزا که فردی با روحیات نظامی بود به عنوان اولین رئیس جمهور پاکستان انتخاب شد، او برای حل تنش‌های سیاسی حکومت نظامی اعلام کرد و در تلاش بود که مادام‌العمر رئیس جمهور پاکستان باشد ولی تنها پس از دو سال در سال ۱۹۵۸ با کودتای فرمانده ارتش پاکستان یعنی ژنرال ایوب خان مواجه شد.

جالب این‌که ظرف مدت ۹ سال مردم آنچنان از سیاست مداران پاکستانی و عملکرد آن‌ها ناامید شده بودند که از دیکتاتوری ایوب خان استقبال کردند. ایوب خان علی‌رغم این‌که به شدت منافع خود را دنبال می‌کرد ولی در سال ۱۹۶۲ دومین قانون اساسی پاکستان را تصویب کرده و اولین قانون مکتوب را ارائه کرد.

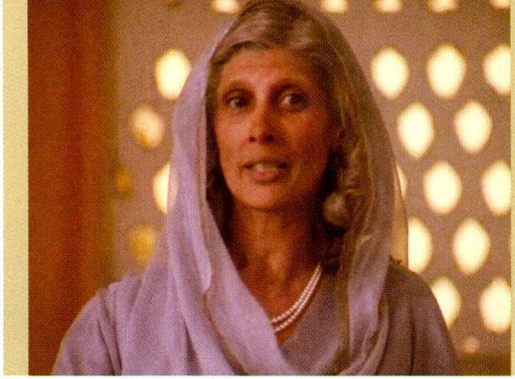
در سال ۱۹۶۵ هند بدون هیچ هشدار قبلی به پاکستان حمله کرد، ولی نیروهای ایوب خان نه تنها حمله هند را دفع کردند بلکه به واسطه ارتش قدرتمند و نیروهای هوایی خود توانستند ۱۲۰۰ کیلومتر از خاک هند را اشغال کنند، البته با پا درمیانی سازمان ملل طرفین مصالحه کرده و پاکستان خاک اشغال شده هند را تسلیم حکام دهلی‌نو کرد ولی این جنگ برای ایوب خان محبوبیت خوبی به ارمغان آورد.

چندی بعد او نیز مجبور شد برای بقای حکومت خود، در سال۱۹۶۵ انتخابات برگزار کند و احزاب مخالف[۲] برای شکست دادن ایوب خان به **فاطمه جناح** خواهر بنیان‌گذار پاکستان پناه آوردند که محبوبیتی بی‌حد و حصر داشت. ایوب خان که متوجه خطر بزرگ پیش روی خود شده بود عده‌ای از علما را تحریک کرد و آنان فتوا صادر کردند که رای دادن به زنان جایز نیست و حتی یکی از علما پا را فراتر گذاشته و گفت: **خدا از احزاب اپوزیسیون راضی نیست.**[۳]

۱- همان

۲- احزاب مسلم لیگ، عوامی لیگ، نیشنل پارتی، نظام اسلامی و.. که باهم متحد شده بودند تا ایوب خان را شکست دهند.

۳- همان، ص ۶۳



فاطمه جناح یار همیشگی و خواهر بنیانگذار پاکستان که در جریان انتخابات سال ۱۹۶۵ به صورت غیر عادی شکست خورد

پیروزی مشکوک ایوب خان در مبارزه با فاطمه جناح[۱] باعث بدبینی فراوان مردم به سلامت انتخابات و در نتیجه کاهش شدید محبوبیت وی شد.[۲]

بازهم پاکستان تبدیل به میدان جنگ و اعتراض شده بود ولی این بار علیه حکومت ایوب خان، او سه سال مقاومت کرد تا این‌که در سال چهارم ربوده شدن یک تبعه چینی تیر خلاص را به حکومت ایوب خان زده و او مجبور شد تحت فشار شدید اعتراضات مردمی حکومت پاکستان را به فردی خوش‌گذران به نام یحیی خان تحویل دهد.

دوران حکومت ایوب خان اگر چه با اعتراضات گسترده‌ای همراه بود ولی بسیاری معتقدند شکوفایی صنعتی و اقتصادی پاکستان در این دوران شدت گرفت.[۳] علاوه بر این دوستی پاکستان با کشورهای ایران، چین و عربستان نیز افزایش یافت، و همین باعث پیشرفت‌های اقتصادی دوره‌های بعدی پاکستان شد.[۴]

یحیی خان نیز فرمانده ارتش پاکستان بود و مدت‌ها انتظار می‌کشید تا حکومت پاکستان را به دست بگیرد، او در سال ۱۹۶۹ به آرزوی خود رسیده و حاکم مطلق پاکستان شد. وی در ابتدای حکومت خود قانون اساسی را منسوخ کرده و بلافاصله حکومت نظامی تشکیل داد تا مانعی پیش روی خود نداشته باشد. یحیی خان دوسال زمام‌دار امور بود و همین مدت کافی بود تا در سایه بی‌توجهی او پاکستان نیمی از وجود خود را از دست داده و بنگلادش اعلام استقلال کند، فاجعه‌ای که هنوز هم پس از گذشت ۴۰ سال برای مردم پاکستان قابل باور نیست.

۱- فاطمه جناح (مادر پاکستان) در دوران حکومت ایوب خان به طرز مشکوکی از دنیا رفت و علت آن هرگز مشخص نشد/ همان، ص ۶۵

۲- شهاب نامه، قدرت الله شهاب، لاهور، انتشارات سنگ میل،۲۰۰۵ / ص۱۰۲۳

۳- همان، ص۱۰۴۶

۴- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷، ص ۲۹

IQBAL FORUM





یحیی خان در حال انداختن رای خود در صندوق | قبول سقوط داکا توسط ژنرال نیازی فرمانده وقت ارتش پاکستان تبعات زیادی به همراه داشت

«سقوط داکا» زخمی عمیق بر سینه پاکستان

بی تردید اگرقصد داشته باشیم نقطه عطفی را برای تاریخ پرفراز و نشیب پاکستان در نظر بگیریم، بایستی اتفاقات سال ۱۹۷۱ و «سقوط داکا» را بررسی کنیم، زمانی که بزرگ‌ترین ضربه سیاسی به بزرگ‌ترین کشور مسلمان جهان زده شد و نیمی از وجود آن را جدا ساخت. پاکستان از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۷۱ به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شده بود، پاکستان شرقی را ما اینک بنگلادش می‌نامیم، و پاکستان غربی را پاکستان.[۱]

عجیب این که گویا پیش از استقلال پاکستان این تصمیم توسط ماونت بتن انگلیسی گرفته شده بود، زیرا پاکستان شرقی و غربی چنان از هم گسسته بودند که هیچ انسانی نمی‌توانست تصور کند باوجود دشمنان زیاد این دو بخش از یک کشور بتوانند مدت زیادی اتحاد را تجربه کنند.

پاکستان کنونی سمت غرب هند قرار دارد و بنگلادش سمت شرق هند، به عبارت دیگر این دو، حدود ۱۶۰۰ کیلومتر باهم فاصله داشتند و از سویی دیگر اشتراک فرهنگی خاصی نیز آن‌ها را به هم پیوند نمی‌زد. تمام مسئولین سیاسی پاکستان در بخش غربی زندگی می‌کردند و کراچی پایتخت بود، مردم بخش شرقی نه تنها زبان اردو را بلد نبودند بلکه در سایه بی‌توجهی و عدم وجود تجربه در سیاست‌مداران پاکستانی، هیچ تلاشی برای آموزش زبان اردو در مدارس پاکستان شرقی نیز صورت نگرفته بود. بودجه‌هایی که برای کشور صرف می‌شد به صورت ناعادلانه توزیع شده و اکثر پیشرفت‌های اقتصادی و رفاهی برای ساکنین پاکستان غربی در نظر گرفته شده بودند.[۲]

اتفاق بد دیگری که رخ داده و تجزیه پاکستان را سرعت بخشید، ربوده شدن یک هواپیمایی هندی در سال ۱۹۷۱ بود که پس از خروج مسافران در فرودگاه لاهور منفجر شد، این اتفاق باعث

۱- دلایل تجزیه پاکستان شرقی وغربی، اعجاز احمد،داون نیوز، ۱۶دسامبر ۲۰۱۷

۲- همان

IQBAL FORUM

شد تا هند آسمان خود را به روی هواپیماهای پاکستانی ببندد و در نتیجه نیروهای نظامی که در پاکستان شرقی حضور داشتند از پشتیبانی نیروهای هوایی محروم شدند.

تاریخ درست هم زمان با حادثه تلخ جدایی بنگلادش ورود یکی دیگر از سیاست‌مداران تاثیرگذار پاکستانی به نام «ذوالفقار علی بوتو» را نیز روایت می‌کند. فردی که بعدها فرزندانش بارها بر مسند حکومت تکیه زدند. اصغر خان نویسنده کتاب «ژنرالها در سیاست» می نویسد: ذوالفقار علی بوتو از ابتدا به تک بخشی شدن پاکستان معتقد بود.

البته گفته می‌شود نقشه جداشدن بنگلادش از پاکستان در سال ۱۹۷۰ توسط هند و انگلیس کشیده شده بود ولی در هر حال نیروهای نظامی هند هرقدر در جبهه‌های غربی خود ناموفق بودند، ولی با حمله ناگهانی به پاکستان شرقی و در سایه غفلت نیروهای نظامی موجود و همکاری مردم با آنان و همچنین عدم وجود پشتیبانی هوایی برای نیروهای پاکستان در کوتاه‌ترین زمان ممکن توانستند داکا را به تصرف خود در آورند.

دولت دهلی پیشنهاد سازمان ملل برای آتش بس را رد کرد و ارتش پاکستان برای اعمال فشار برهند مجبور شد از سمت غرب به هند حمله کند ولی اتفاق تلخی که نباید رخ می داد به وقوع پیوسته بود و در ۱۶ دسامبرسال ۱۹۷۱ بنگلادش برای همیشه از پاکستان جدا شد. «آغا شیرنواب خان» رئیس منطقه آزاد کشمیر در این خصوص می گوید: اگرتا عمردارم در غم از دست رفتن داکا خون گریه کنم باز هم جای دارد.

گفته می‌شود یحیی خان علاقه فراوانی به بزم و تفریح داشت و حتی زمانی که می‌خواستند خبر حمله هند را به او بدهند سرگرم مجلس بزم بود.[۱] فردی که مسئول رساندن خبر حمله هند به پاکستان شرقی بود ۲ ساعت تمام پشت درب‌های بسته منتظرماند و در تمام این مدت یحیی خان مشغول تماشای یک فیلم سینمایی بود.[۲]

شاه احمد نورانی در کتاب هفت روز خبرنگاری می نویسد: اکثر دخترانی که اطراف یحیی خان بودند برای سیستم امنیتی کشورهای دشمن جاسوسی می‌کردند و توجه یحیی خان به آنان درحدی بود که پست‌های حساس را نیز بین آن‌ها تقسیم می کرد! به طور مثال یکی از این دختران سفیرپاکستان در استرالیا شد. وی یکبار عازم نپال شد، ولی علی‌رغم فرود آمدن هواپیما زمان بسیار زیادی طول کشید تا درب هواپیما باز شده و او پیاده شود، بعدها مشخص شد که هیچ‌کدام از سرنشینان هواپیما لباس به تن نداشته اند و مشغول هوسرانی بوده‌اند.[۳]

۱- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان ، ص ۹۱

۲- همان، ص۹۲

۳- مجاهد، محمد، از سقوط بغداد تا سقوط داکا،آکادمی مجاهد، لاهور ،۱۹۹۹، ص ۴۰

IQBAL FORUM

حتی زمانی که او برای شرکت در جشن‌های ۲۵۰۰ ساله پهلوی به شیراز سفر کرد در پاسخ به خبرنگارانی که از او در مورد مشکلات موجود در اقیانوس هند سوال کرده بودند گفت: این سوالات احمقانه را از نماینده هند بپرسید نه من! در هر حال داکا سقوط کرد و پاکستان عنوان «بزرگ‌ترین کشور اسلامی» را برای همیشه از دست داد، با سقوط داکا عمر سیاسی ژنرال یحیی خان نیز به اتمام رسیده و همانطور که پیش بینی می شد ذوالفقار علی بوتو بر مسند حکومت پاکستان تکیه زد.[۱]

تحلیل و دلایل سقوط پاکستان شرقی

دلایل گوناگونی این اتفاق تلخ را در تاریخ پاکستان رقم زد ولی یک بررسی اجمالی می‌تواند برخی از مهم‌ترین عوامل این اتفاق را بیان کند. عده‌ای از کارشناسان معتقدند از ابتدا الحاق بنگلادش به پاکستان غلط بوده و پیش بینی می‌شد که به زودی و با اختلافی جزئی این دو بخش از هم جدا خواهند شد چرا که از لحاظ جغرافیایی در کنار هم نیستند.[۲]

دلیل دوم عدم وجود اشتراکات بین این دوبخش جدا از هم بود، هرچند در ابتدا تلاش شد تا با ازدواج بین سران نظامی این اشتراکات افزایش یابد ولی این ازدواج‌ها محدود بود و عملا بی‌فایده تلقی می‌شد.[۳]

نکته دیگر این‌که مردم پاکستان شرقی اردو بلد نبودند و به بنگالی سخن می‌گفتند و در حالی‌که مردم در پاکستان غربی فقط اردو می‌دانستند از این رو هرگاه مسئولین کشور پاکستان که اکثرا اردو زبان بودند قصد سخنرانی در پاکستان شرقی را داشتند مجبور به استفاده از مترجم بودند، و این خود نشان دهنده اوج فاصله میان این دو بخش بود.[۴]

یک دلیل دیگر استقلال بنگلادش سوءتفاهم‌ها و مشکلاتی بود که توسط اشخاصی جاه طلب ایجاد شده بود. سیاست‌مداران پاکستانی حتی نتوانسته بودند عدالت اجتماعی را میان این دو بخش حاکم کنند و تقریبا تمام مناصب حساس و مهم دولتی در اختیار افرادی بود که اهل پاکستان غربی بودند. از جمله مهم‌ترین دلایل جدایی بنگلادش از پاکستان عدم وجود عدالت در توزیع سرمایه بود، به طوری که برای تمام پاکستان شرقی (بنگلادش) یک میلیارد و ۴۸۰ میلیون روپیه بودجه در نظر گرفته شده ولی تنها یک شهر کراچی بیش از یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون روپیه به خود اختصاص داده بود![۵]

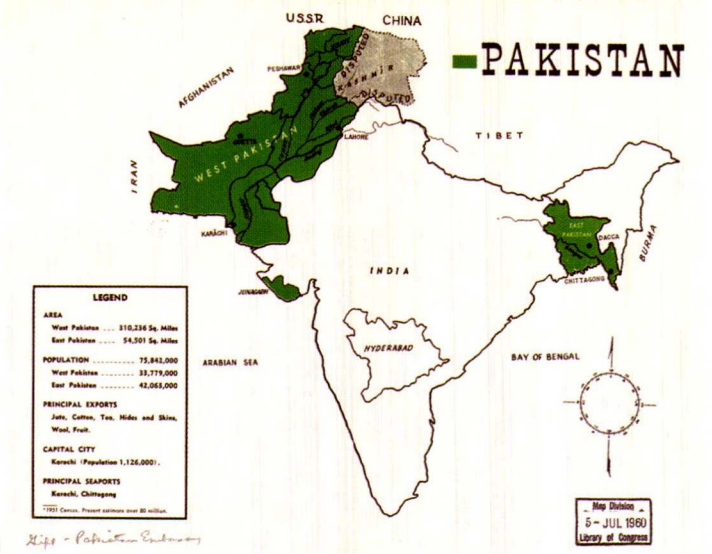
۱- همان

۲- دلایل تجزیه پاکستان شرقی وغربی، اعجاز احمد، داون نیوز، ۱۶دسامبر ۲۰۱۷

۳- همان

۴- خواجه افتخارده گل و یک خار، انتشارات خواجه، لاهور ۱۹۸۵، ص۳۵

۵- همان



فاصله زیاد میان پاکستان غربی(پاکستان) و پاکستان شرقی بنگلادش را یکی از عوامل اصلی جدایی بنگلادش می دانند



بنگلادش در آستانه استقلال و جدا شدن از پاکستان

حتی حزب مسلم لیگ به عنوان بزرگ‌ترین و فعال‌ترین حزب پاکستان فقط در پاکستان غربی فعالیت می‌کرد و هیچ نماینده و یا دفتری در پاکستان شرقی نداشت! بسته شدن مسیر پشتیبانی هوایی از طریق آسمان هند، حمایت مردم بنگلادش از نیروهای هندی و.. از دیگر دلایل تجزیه پاکستان در سال ۱۹۷۱ بود.[۱]

۱- همان



نصرت بوتو همسر ذوالفقار علی بوتو، ایرانی تبار است | ذوالفقار علی بوتو وارد سیاست می شود

خاندان بوتو قدرت را به دست می گیرند

سقوط داکا دل مردم پاکستان را چنان رنجانده بود که دیگر امیدی به سیاست مداران نظامی نداشتند. «ذوالفقار علی بوتو» از این فرصت نهایت بهره را برده و به آرزوی دیرینه خود رسید و بر سریر قدرت تکیه زد. دوران حکومت او اگرچه با پیشرفت هایی در زمینه هسته ای برای پاکستان مقارن شد ولی برخی کارشناسان معتقدند حرکت رو به رشد پاکستان در دوران حکومت او متوقف شد.

علت اصلی شهرت خاندان بوتو در ایران، همسر ذوالفقار علی بوتو است، «نصرت بوتو» اصالتا اهل کردستان بود و بی نظیر بوتو مشهورترین سیاست مدار زن پاکستانی دختر او است.[1] در هر صورت حکومت ذوالفقار علی بوتو، موسس بزرگ ترین حزب پاکستان[2] تا ۵ جولای سال ۱۹۷۷ دوام آورد و سپس با کودتای ژنرال ضیاء الحق، از تخت حکومت به زیر کشیده شد.

گفته می شود ذوالفقار علی بوتو با کمک دکتر عبدالقدیر خان[3] فعالیت های هسته ای پاکستان را با هدف دستیابی به بمب هسته ای و رها شدن از تهدید همیشگی هند از سال ۱۹۷۶ آغاز کرد.[4] در دوران حکومت بوتو طرفداران احمد قادیانی غیر مسلمان دانسته شدند و تعطیلی رسمی در پاکستان نیز از روز یکشنبه به جمعه منتقل شد. ژنرال ضیاء الحق پس از رسیدن به قدرت بوتو را زندانی کرد و سپس دادگاه عالی پاکستان او را به جرم شرکت مستقیم در قتل «نواب محمد احمد خان» به اعدام محکوم کرده و در تاریخ ۴ آوریل سال ۱۹۷۹ این حکم اجرا شد تا پرونده زندگی موسس حزب مردم برای همیشه بسته شود.[5]

۱- زوال نصرت بوتو، داون نیوز، ۲۰۱۱/۱۰/۲۴

۲- حزب مردم پاکستان (Pakistan Peopels Party)

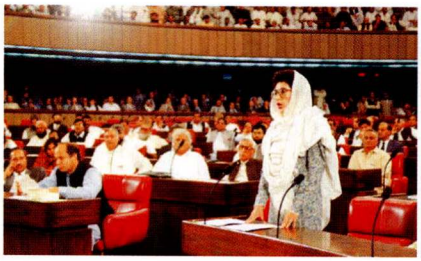
۳- دانشمند پاکستان الاصلی که ساکن هلند بود و در ادامه به صورت ویژه به وی خواهیم پرداخت

۴- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷،ص ۱۶۶

۵- همان

IQBAL FORUM





ژنرال ضیاءالحق با یک کودتا قدرت را به دست گرفته و بوتو را نیز اعدام کرد | بی نظیر بوتو در حال سخنرانی در پارلمان پاکستان- سال ۱۹۹۰

دوران پررمز و راز حکومت ضیاء

هرچه از نسل نخستین پاکستان فاصله می‌گیریم به سیاست‌مدارانی می‌رسیم که در برخورد با حوادث بزرگ میل و سلیقه شخصی خود را بر هر چیزی ترجیح داده‌اند. ژنرال ضیاءالحق دیکتاتوری بود که در سال ۱۹۷۷ تخت حکومت را به زور قدرت از چنگ بوتو در آورد، وی در ابتدای کار دست به برگزاری یک رفراندوم عجیب زد[1] که هنوز هم سوال این همه پرسی باعث تعجب کارشناسان و مردم پاکستان است:

- آیا اسلام می خواهید؟

اگر می خواهید ژنرال ضیاءالحق برای پنج سال رئیس جمهور خواهد بود:

بلی..... خیر.....

این ژنرال با خلق وخویی نظامی و خشک در پی برپایی حکومت دینی و کمک به تمام مسلمانان جهان بود ولی دست به اشتباهاتی نیز زد که تاریخ پاکستان در حال پس دادن خسارت‌های آن است. ضیاءالحق در پی شروع جنگ میان افغانستان و شوروی در این نبرد دخالت کرد ولی بعدها و در زمانی که دیگر ضیاءالحق زنده نبود تا ببیند، دامنه ناامنی‌ها به داخل خاک پاکستان کشیده شد.

او اقدامات خوبی نیز داشت برای مثال ضیاءالحق اولین سیاست‌مدار جهان بود که انقلاب اسلامی ایران را که در تاریخ ۱۱فوریه سال ۱۹۷۹ به وقوع پیوست به رسمیت شناخت. سرانجام عمر حکومت وی نیزرنگ جاودانگی به خود ندیده و در تاریخ ۱۷ اوت سال ۱۹۸۸ او در یک حادثه هوایی جان خود را از دست داد.[2]

۱- تاریخ پاکستان و حکمرانان آن، ص ۷۱

۲- رضا،فواد، سی امین سالگرد مرگ ضیاء الحق، ای.آر.وای نیوز، ۲۰۱۸/۸/۱۷



ضیاء الحق در یک حادثه هوایی جان خود را از دست داد



ضیاءالحق و صدام



ضیاءالحق در نبرد میان شوروی و افغانستان دخالت مستقیم کرد

حکومت‌های ناپایدار و خطاهای جبران ناپذیر

پس از دوران ضیاءالحق، کرسی قدرت در پاکستان چنان سریع دست به دست شده و میان سیاست‌مداران بزرگ حزب مردم و حزب مسلم لیگ (شاخه نواز شریف) گشته که هیچ‌گاه فرصتی برای تحلیل صحیح واقعیت به وجود نیامده است. ازسال ۱۹۸۸ بی‌نظیر بوتو برای اولین بار بر تخت حکومت تکیه زد، ولی تنها ۲۰ ماه طول کشید تا به جرم فساد اداری و اقتصادی توسط رئیس جمهور پاکستان عزل شود! سپس نوبت به محمد نواز شریف رسید تا بخت خود را در عرصه قدرت بیازماید اوموفق شد تا سال ۱۹۹۳ نخست وزیر پاکستان باشد ولی دراین سال عجیب اتفاقی نادر رخ داد وطی یک‌سال پاکستان چهار بار تغییرنخست وزیررا به نظاره نشست.[۱]

دومین دوره به قدرت رسیدن نوازشریف که ازسال ۱۹۹۷شروع شد با آزمایش موفقیت‌آمیز بمب اتمی پاکستان (در سال ۱۹۹۸) همراه بود که نقطه عطفی در تاریخ این کشور به حساب می‌آید. گفته می‌شود پاکستان از سال‌ها قبل به بمب اتم مجهز شده بود ولی در پی فرصتی مناسب بود تا خود را به عنوان یکی از قدرت‌های اتمی جهان معرفی کند. آزمایش موفقیت‌آمیز بمب اتم توسط هند در سال ۱۹۹۸ این فرصت را برای پاکستان به وجود آورد تا نوازشریف یک هفته بعد دستور آزمایش بمب اتمی را صادرکند و به این ترتیب پاکستان به صورت رسمی تنها کشور اسلامی مجهزبه بمب هسته‌ای شود.[۲]

درسال ۱۹۹۹ نوازشریف برای دومین بار از قدرت ساقط شد ولی این بار کسی که او را عزل می‌کرد فرمانده ارتش پاکستان «ژنرال پرویز مشرف» بود. بازهم چشمان پاکستان یک کودتا را می‌دید و باز هم فرمانده ارتش این کشور بود که با استفاده از قدرت خود یک حکومت سیاسی را به یک حکومت نظامی تبدیل می‌کرد.

۱- دانشنامه آزاد ویکی پدیا ، ذیل عنوان: Prime Minister of Pakistan

۲- مسئولیت کشورهای اتمی جهان، خبرگزاری نوای وقت، ۲۰۱۳/۵/۲۳



آغاز سال های سیاه بمب و کشتار در پاکستان(۲۰۰۱تا ۲۰۱۴) همزمان با ورود آمریکا به منطقه

سال‌های سیاه در پاکستان آغاز می‌شود

شاید تا سال ۲۰۰۰ یک تغییرسیاسی در پاکستان صرفا مانع پیشرفت این کشور می‌شد ولی از این سال به بعد به دلیل حضور آمریکا در منطقه و تلاش برای برهم زدن امنیت توسط کاخ سفید، تغییر سیاسی در پاکستان بزرگ‌ترین ضربه را به پیکر این کشور جوان وارد کرد. حمله به برج‌های دوقلوی تجارت جهانی در آمریکا بهانه‌ای شد تا نیروهای نظامی این کشور به افغانستان لشکرکشی کنند و بدون شک زمانی که پرویزمشرف به درخواست آمریکا برای همکاری در این جنگ پاسخ مثبت داد تاریخ ایستاد تا زمستان سیاه نفرت و ناامنی و قتل و کشتار بر پاکستان سایه افکند.

گروه‌های افراط گرا و بسیاری از نیروهایی که به دست دیکتاتور قبلی و برای نبرد با شوروی پرورش یافته بودند اینک پاکستان را دشمن خود می‌دیدند زیرا حاضر شده بود با آمریکا همکاری کند و همین بهانه کافی بود تا جان میلیون‌ها پاکستانی مورد تهدید قرار بگیرد. زمانی برای پشیمان شدن باقی نمانده و همراهی با آمریکا تبدیل به باتلاقی شده بود که هرچقدر مردم پاکستان بیشتر تقلا می‌کردند تا از آن خارج شوند بیشتر در اعماق آن فرو می‌رفتند.[۱]

نگاهی به روند فزاینده حملات تروریستی از زمانی که پرویزمشرف همکاری خود را با آمریکا آغاز کرد نشان می‌دهد که اگر کاهش همکاری با کاخ سفید و جدیت در مبارزه با تروریسم توسط ارتش پاکستان رخ نمی‌داد، شاید اینک خاک پاکستان تبدیل به ناامن‌ترین نقطه جهان می‌شد.

رقم خسارت‌هایی که تروریست‌ها به پاکستان وارد کرده‌اند در اولین سال همراهی حکومت پرویزمشرف با آمریکا یعنی سال ۲۰۰۱ ، حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده است.[۲] این رقم در

۱- عمران خان نخست وزیرکنونی پاکستان در توصیف این سال ها می گوید: «پاکستان تلفات زیادی دراین جنگ داشته وبیش از ۷۵ هزارنفرازاتباع این کشور دراین جنگ جان باخته اند و اقتصاد پاکستان نیز بیش از ۱۲۳ میلیارددلارزیان دیده است. درصورتی که کمک‌های مالی آمریکا تنها حدود ۲۰ میلیارد دلاربوده است. مناطق قبایلی پاکستان کاملا نابودشده ومیلیونها نفرازمردم با ازدست دادن خانه های خود، آواره شده اند. این جنگ به زندگی مردم پاکستان به شدت آسیب رسانده است. پاکستان به طورایگان خطوط هوایی و زمینی خود رادراختیارآمریکا قرارداد. آیا ترامپ میتواند نام یک متحد دیگر را ذکر کند که به اندازه پاکستان فداکاری کرده باشد؟» - روزنامه کیهان ۱۳۹۷/۸/۳۰

۲- رج سایت رسمی وزارت خزانه داری پاکستان، ذیل مقاله Impact of War in Afghanistan and Ensuing Terrorism on Pakistan's Economy

سال ۲۰۰۲ تغییری نداشته و طی سال‌های بعد تا ۲۰۰۵ نیز نهایتا به یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسیده است. از سال ۲۰۰۵ تا سال ۲۰۰۷ به طور متوسط تروریست‌ها سالانه ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار به پاکستان خسارت وارد کرده اند.[۱]

دلیل کم بودن نسبی خسارت‌های وارده به پاکستان در طول سال‌های حکومت مشرف، خوی نظامی و حملات زیادی بود که او علیه گروه‌های افراط گرا در داخل خاک پاکستان انجام می‌داد، البته همین حملات در سال ۲۰۰۸ سبب عزل او شد و بازهم زمام حکومت به دست حزب مردم افتاد. حزبی که زبان مماشات را به خوبی می‌شناخت و می‌دانست که چگونه برخورد کند تا حکومت را از دست ندهد، بی‌توجهی به وضعیت امنیتی در پاکستان باعث شد بدترین سال‌های تاریخ پاکستان نیز شروع شود.

پس از آغاز حکومت حزب مردم در سال ۲۰۰۸ به صورت رسمی سال‌های سیاه پاکستان نیز آغاز شده و حملات تروریستی به اوج خود رسید. در سال ۲۰۰۸ میزان خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی به ۴ میلیارد دلار رسید و در سال بعد یعنی ۲۰۰۹ این رقم از مرز ۷ میلیارد دلار نیز عبور کرد. در سال ۲۰۱۰ پاکستان مجبور شد بیش از ۱۱ میلیارد دلار خسارت حملات تروریست‌ها را متحمل شود. سال ۲۰۱۱ را می‌توان سیاه ترین سال تاریخ پاکستان دانست زیرا در این سال میزان خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی به ۲۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار رسید که از سرانه سالانه بسیاری از کشورهای جهان بیشتراست.[۲]

۱- همان

۲- همان



دیدار بوش با مشرف و ورود نیرو های نظامی آمریکا به منطقه

IQBAL FORUM

پایان سال‌های تیره و و تغییر رویکردها

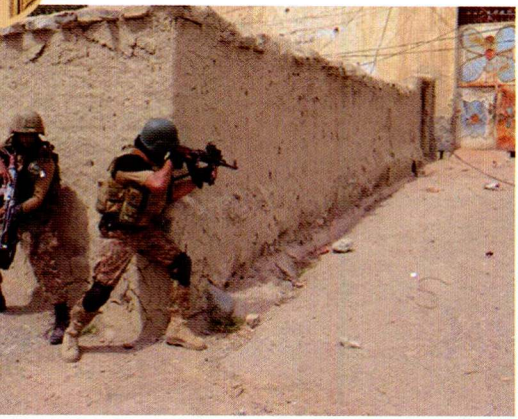
در سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۴ رقم خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی به حدود ۸ میلیارد دلار بازگشت. از زمان روی کار آمدن حکومت حزب نواز در سال ۲۰۱۴، پاکستان شاهد کاهش چشم‌گیر حملات تروریستی بوده است. نگاهی به آمار خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۵ رقم خسارت‌ها به ۹ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۶ به ۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۷ این رقم به ۲ میلیارد دلار رسیده است.[۱]

شروع عملیات‌های ضد تروریستی ضرب عضب و ردالفساد در سال ۲۰۱۴ می‌تواند علت اصلی کم شدن خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی باشد زیرا مردم پاکستان به این نتیجه رسیدند که نمی‌توان با تروریست‌ها مذاکره کرد بلکه باید پاسخ آن‌ها را با قدرت داد. در هرحال این مروری بسیار مختصر بود بر تاریخ پرفراز و نشیب پاکستان که اینک درس‌های زیادی آموخته و در سایه تجربه‌هایی که هزینه‌های سنگین در قبال آن‌ها متحمل شده است، ایستاده تا از عزت و اقتدار مسلمانان شبه‌قاره دفاع کند.

۱- آمارها نشان می‌دهند که در کاهش میزان خسارت حملات تروریستی در سال های بعدی نیز ادامه یافت و سال ۲۰۱۹ پاکستان توانست به امنیت سال های قبل از ورود آمریکا به منطقه بازگردد.



صحنه ای میدانی از عملیات ضرب عضب و کشته شدن تروریست ها توسط نیروهای ارتش پاکستان



آغاز عملیات ضرب عضب توسط ارتش پاکستان و نابودی تروریسم در این کشور

IQBAL FORUM

فصل دوم

نگاهی به آرایش سیاسی پاکستان

پاکستان را جمهوری (فدرال) اسلامی می‌خوانند به این معنا که کشور از ایالت‌هایی مجزا تشکیل می‌شود و حکومت‌های جداگانه آن را هدایت می‌کنند ولی تمام آنان زیر چتر حکومتی واحد به نام وفاق قرار دارند. در نظام سیاسی و قانون‌گذاری پاکستان دو مجلس مهم وجود دارد، یکی سنا که اینک ۱۰۴ عضو دارد و دیگری پارلمان یا مجلس ملی که ۳۴۲ نماینده عضو آن هستند.

سنا را ایوان بالا و پارلمان را ایوان پائین می‌خوانند و هریک اختیارات قانونی جداگانه‌ای دارند و به خصوص پارلمان در تصمیم‌گیری‌های کلان می‌تواند نقش‌آفرینی کند. هیات دولت که در راس آن نخست وزیر قرار دارد قوه مجریه کشور را در اختیار دارد و می‌تواند آن را مدیریت کند. به طور معمول نخست وزیر پاکستان رئیس حزبی است که نمایندگان پارلمانی آن بیشترین تعداد کرسی را در اختیار داشته باشند.[1]

۱- شخصیت‌های پاکستان و جهان، سیف الرحمان راناء انتشارات برادران دوگر لاهور، ۲۰۱۷،ص ۷۹



آئین تحلیف سیزدهمین رئیس جمهور تاریخ پاکستان، دکتر عارف علوی-۲۰۱۸



پارلمان پاکستان که مهم ترین بخش برای ورود به سطح کلان سیاسی تلقی می شود

رئیس جمهور در پاکستان کیست؟

رئیس جمهور کشور که هم‌زمان رئیس دولت و فرمانده کل نیروهای مسلح به شمار می‌رود در اصل یک مقام تشریفاتی است که باید رفتاری فرای تنش‌های سیاسی احزاب داشته باشد. برخی روسای جمهور در پاکستان به محض این‌که این پست را عهده‌دار شدند، از حزب خود استعفا داده‌اند تا گرفتار دفاع از یک جناح خاص نشوند.

حداکثر عمر دوران ریاست جمهوری یک فرد در پاکستان ۵ سال است و انتخاب او به صورت غیر مستقیم توسط مردم انجام می‌شود، به این معنا که مردم نمایندگان پارلمان‌های ایالتی و پارلمان ملی و سنای پاکستان را انجام می‌دهند و این نمایندگان که در مجموع تعداد آنان به ۱۱۰۰ نفر می‌رسد انتخاب رئیس جمهور را به عهده دارند.

رئیس جمهور طبق قانون موظف است نکاتی را که نخست وزیر به او گوشزد می‌کند اجرایی کند و برخی قوانین مهم پس از بیان توسط نخست وزیر، به دست رئیس جمهور امضا می‌شود (در اصل حالت تشریفاتی دارد) با این حال گاه رئیس جمهور اقدام به عزل نخست وزیر کرده است.[1]

رئیس جمهور این قدرت را دارد که پس از تائید دادگاه عالی پاکستان، پارلمان این کشور را منحل کند که به تبع آن دولت نیز ساقط می‌شود. دو شرط اصلی احراز صلاحیت فرد برای رئیس جمهور شدن در پاکستان مسلمان بودن و تابعیت فرد است که نباید غیر از پاکستانی باشد، ضمن این‌که با رای دو سوم از نمایندگان پارلمان رئیس جمهور عزل خواهد شد.[2]

۱- مانند عزل‌هایی که در دهه نود میلادی انجام شد و بیش از همه گریبان نواز شریف و بی نظیر بوتو را گرفت.

۲- همان، ص۸۹

IQBAL FORUM

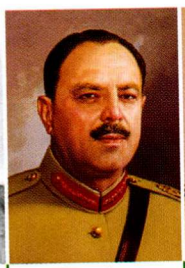
لیست روسای جمهور تاریخ پاکستان[1]

	نام رئیس جمهور	آغاز به کار	نژاد
۱	ژنرال اسکندر میرزا	۲۳مارس ۱۹۵۶	بنگالی
۲	محمد ایوب خان	۲۷اکتوبر۱۹۵۸	ایالت خیبرپختونخوا
۳	ژنرال محمد یحیی خان	۲۵مارس ۱۹۶۹	ایالت پنجاب
٤	ذوالفقار علی بوتو	۲۱دسامبر۱۹۷۱	ایالت سند
٥	فضل الهی چوهدری	۱٤اوت ۱۹۷۳	ایالت پنجاب
٦	ژنرال ضیاء الحق	۱٦سپتامبر۱۹۷۸	ایالت خیبرپختونخوا
۷	غلام اسحاق خان	۱۸اوت ۱۹۸۸	ایالت خیبرپختونخوا
-	وسیم سجاد(قائم مقام)	۱۸جولای ۱۹۹۳	ایالت پنجاب
۸	سردار فاروق احمد لغاری	۱٤نوامبر۱۹۹۳	ایالت پنجاب
-	وسیم سجاد (قائم مقام)	۳دسامبر۱۹۹۷	ایالت پنجاب
۹	رفیق احمد تارر	۱ژانویه ۱۹۹۸	ایالت پنجاب
۱۰	ژنرال پرویز مشرف	۲۱جون۲۰۰۱	ایالت سند
-	محمد میان سومرو(قائم مقام)	۱۹اوت ۲۰۰۸	ایالت سند
۱۱	آصف علی زرداری	۱۰سپتامبر۲۰۰۸	ایالت سند
۱۲	ممنون حسین	۳۰جولای ۲۰۱۳	ایالت سند
۱۳	عارف علوی	٤سپتامبر۲۰۱۸	ایالت سند

۱- اطلاعات عمومی پاکستان، زاهد حسین انجم، نشر عدیل نیاز لاهور، ۲۰۱۵، ص ۶۵

IQBAL FORUM

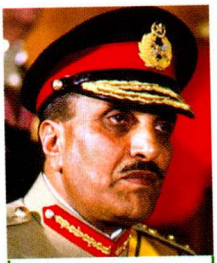

ژنرال اسکندر میرزا

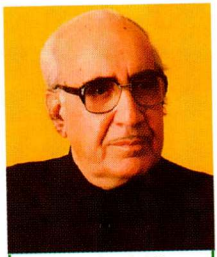

محمد ایوب خان


ژنرال محمد یحیی خان

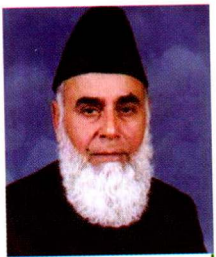

ذوالفقار علی بوتو


فضل الهی چوهدری


ژنرال ضیاء الحق


غلام اسحاق خان


سردار فاروق احمد لغاری


رفیق احمد تارر


ژنرال پرویز مشرف


آصف علی زرداری


ممنون حسین


عارف علوی

IQBAL FORUM

نخست وزیر کیست؟

قدرت‌مندترین فرد در پاکستان که در اصل حاکمیت بر دولت را به دست دارد شخص نخست وزیر است و آن‌گونه که گذشت معمولا رئیس حزبی است که نمایندگان پارلمانی آن در اکثریت باشند. او نیز حداکثر به مدت ۵ سال انتخاب می‌شود و می‌تواند فرمانده ستاد ارتش و وزاری دولت را مشخص کند. نخست وزیر حتما باید یکی از نمایندگان پارلمان باشد، البته این شرط برای تصدی سمت وزارت نیز وجود دارد و تمام وزاری ملی (نه ایالتی) باید ابتدا عضو مجلس ملی یا همان پارلمان شده باشند.

دادگاه عالی پاکستان این قدرت را دارد که نخست وزیر را عزل کرده و او را رد صلاحیت کند اتفاقی که بارها در پاکستان رخ داده است. با عزل نخست وزیر کار دولت به اتمام نمی‌رسد و نمایندگان پارلمان بایستی در اولین فرصت نخست وزیر موقت وسپس نخست وزیر دائم را مجددا انتخاب کنند.[1]

لیست نخست وزیران تاریخ پاکستان[2]

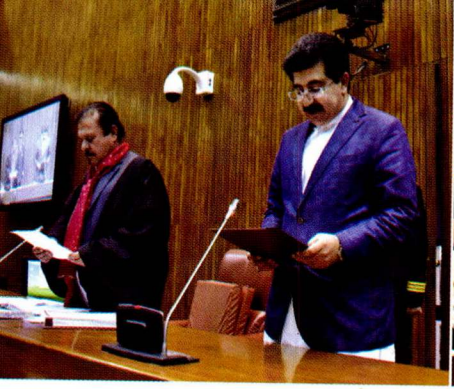
ردیف	نام نخست وزیر	آغاز به کار	پایان کار	حزب سیاسی
۱	لیاقت علی خان	۱۵ اوت ۱۹۴۷	۱۶ اکتوبر ۱۹۵۱	مسلم لیگ
۲	خواجه ناظم الدین	۱۷ اکتوبر ۱۹۵۱	۱۷ آوریل ۱۹۵۳	مسلم لیگ
۳	محمد علی بوگره	۱۷ آوریل ۱۹۵۳	۱۱ اوت ۱۹۵۵	مسلم لیگ
٤	چوهدری محمد علی	۱۲ اوت ۱۹۵۵	۱۲سپتامبر۱۹۵٦	مسلم لیگ
۵	حسین شهید سهروردی	۱۲سپتامبر۱۹۵٦	۱٦ اکتوبر ۱۹۵۷	عوامی لیگ
٦	ابراهیم اسماعیل چندریگر	۱۷ اکتوبر۱۹۵۷	۱٦دسامبر ۱۹۵۷	مسلم لیگ
۷	ملک فیروزخان نون	۱٦دسامبر۱۹۵۷	۷ اکتوبر ۱۹۵۸	حزب جمهوری خواه
۸	محمد ایوب خان	۸ اکتوبر۱۹۵۸	۲۷ اکتوبر۱۹۵۸	دیکتاتوری

۱- شخصیت های پاکستان و جهان، سیف الرحمان رانا، انتشارات برادران دوگر لاهور، ۲۰۱۷،ص ۸۹

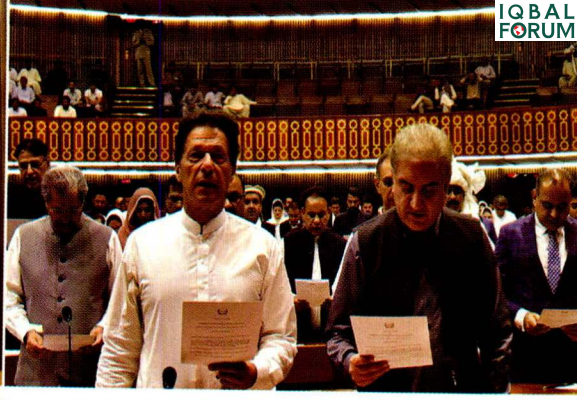
۲- اطلاعات عمومی پاکستان، زاهد حسین انجم، نشر عدیل نیاز لاهور، ۲۰۱۵، ص ۶۵

IQBAL FORUM

۹	ذوالفقار علی بوتو	۱٤ اوت ۱۹۷۳	٥جولای۱۹۷۷	حزب مردم
۱۰	محمد خان جونیجو	۲۳ مارس ۱۹۸٥	۲۹ می ۱۹۸۸	مسلم لیگ
۱۱	بی‌نظیر بوتو	۲دسامبر۱۹۸۸	٦ اوت ۱۹۹۰	حزب مردم
۱۲	غلام مصطفی جتوئی(موقت)	٦ اوت ۱۹۹۰	٦ نوامبر۱۹۹۰	متحده اسلامی جمهوری
۱۳	نواز شریف	٦نوامبر ۱۹۹۰	۱۸جولای۱۹۹۳	متحده اسلامی جمهوری
۱٤	بلخ شیر مزاری(موقت)	۱۸ آوریل ۱۹۹۳	۲٦می ۱۹۹۳	حزب مردم
۱٥	معین احمد قریشی(موقت)	۱۸جولای۱۹۹۳	۱۹ اکتوبر۱۹۹۳	حزب مردم
۱٦	بی‌نظیر بوتو	۱۹اکتوبر۱۹۹۳	٤ نوامبر۱۹۹٦	حزب مردم
۱۷	معراج خالد	٥ نوامبر۱۹۹٦	۱٦فوریه۱۹۹۷	حزب مردم
۱۸	نواز شریف	۱۷فوریه۱۹۹۷	۱۲ اکتوبر۱۹۹۹	حزب نواز
۱۹	میر ظفرالله جمالی	۲۳ نوامبر۲۰۰۲	۲٦ جون۲۰۰٤	مسلم لیگ شاخه قائداعظم
۲۰	چوهدری شجاعت حسین	۲۹ جون۲۰۰٤	۲۸ اوت ۲۰۰٤	
۲۱	شوکت عزیز	۲۹ اوت ۲۰۰٤	۱٥ نوامبر ۲۰۰۷	مسلم لیگ شاخه قائداعظم
۲۲	محمد میان سومرو(موقت)	۱٦ نوامبر ۲۰۰۷	۲٤ مارس۲۰۰۸	
۲۳	یوسف رضا گیلانی	۲٥ مارس ۲۰۰۸	۲٦ آوریل ۲۰۱۲	حزب مردم
۲٤	پرویز اشرف	۲۲ جون۲۰۱۲	مارس ۲۰۱۳	حزب مردم
۲٥	میر هزارخان کهوسو(موقت)	مارس۲۰۱۳	٥ جون۲۰۱۳	
۲٦	نواز شریف	٦ جون ۲۰۱۳	یکم اوت ۲۰۱۷	حزب نواز
۲۷	شاهد خاقان عباسی	یکم اوت ۲۰۱۷	۳۱ می ۲۰۱۸	حزب نواز
۲۸	ناصرالملک(موقت)	۳۱ می ۲۰۱۸	۱۸ اوت ۲۰۱۸	-
۲۹	عمران خان	۱۹ اوت ۲۰۱۸		تحریک انصاف



آئین تحلیف «صادق سنجرانی» رئیس سنای پاکستان در سال ۲۰۱۸



عمران خان نخست وزیر پاکستان در پارلمان این کشور سال ۲۰۱۸

سنا در پاکستان[1]

مجلس بالا یا سنا متشکل از ۱۰۴ نماینده است که انتخاب برخی از آنان به دست نمایندگان پارلمان های ایالتی[2] انجام می‌شود.

نکته جالب این‌که تمام این نمایندگان یک‌جا انتخاب نمی‌شوند و هر۳ سال یک‌بار انتخابات برای مشخص شدن ۵۲ نماینده سنا انجام می‌شود. به این معنا که عمر حضور یک نماینده در سنا ۶ سال است ولی برای مثال ۵۲ نفری که در سال ۲۰۱۸ وارد سنا شده‌اند تا سال ۲۰۲۴ به‌عنوان نماینده فعالیت خود را ادامه خواهند داد ولی انتخابات در سال ۲۰۲۱ نیز برگزار شده و ۵۲ نفر جایگزین نمایندگانی می‌شوند که در سال ۲۰۱۵ موفق شده بودند وارد سنا شوند.

طبق قانون اساسی پاکستان سنا جایگاه بالایی دارد، از این رو تلاش برای تصدی اکثریت در سنا رقابت شدیدی بین احزاب پاکستانی به وجود می‌آورد. این مجلس نخستین بار در سال ۱۹۷۳ تشکیل جلسه داد و تمام ایالت های رسمی پاکستان در آن تعداد نمایندگان مشخص و برابری دارند.

در حال حاضر(۲۰۱۹) نحوه چینش ۱۰۴ نماینده سنا به این شرح است:

*کرسی های عادی: ۵۶ (هرایالت ۱۴ کرسی) * کرسی های تکنوکرات: ۱۶ (هر ایالت۴ کرسی) *کرسی های ویژه بانوان: ۱۶ (هر ایالت ۴ کرسی) * نمایندگان مناطق قبایلی: ۸ *نمایندگان اسلام آباد:۴ *نمایندگان اقلیت های مذهبی:۴

۱- شخصیت های پاکستان و جهان، سیف الرحمان رانا، انتشارات برادران دوگر لاهور، ۲۰۱۷،ص ۹۱

۲- در حال حاضر ایالت های پنجاب، سند، بلوچستان و خیبرپختونخوا

IQBAL FORUM





نمای خارجی دادگاه عالی پاکستان که تصمیمات مهمی در تاریخ این کشور گرفته است

برگزار انتخابات جهت مشخص شدن نمایندگان پارلمان پاکستان ۲۰۱۸

پارلمان سکوی قدرت در پاکستان[۱]

نقطه آغاز رسیدن به حکومت در پاکستان داشتن اکثریت در پارلمان است، از این رو انتخابات در پاکستان به معنای انتخاب نمایندگان پارلمان کشور است. (حداکثر) هر ۵ سال یکبار مردم پاکستان پای صندوق های رای رفته و نماینده منتخب منطقه خود را در پارلمان پاکستان مشخص می‌کنند. از بین ۳۴۲ نماینده پارلمان، ۲۷۲ نفر به صورت مستقیم و با رای مردم انتخاب شده و به پارلمان راه پیدا می‌کنند، تعداد ۱۰ نفر از نمایندگان پارلمان را نمایندگان اقلیت‌ها تشکیل می‌دهند و ۶۰ نفر از بانوان نیز مجموع نمایندگان پارلمان را تکمیل می‌کنند.

انتخاب ۱۰ نماینده اقلیت‌های دینی و ۶۰ نماینده بانو نیز توسط احزابی انجام می‌شود که بتوانند بیش از ۵ درصد کرسی‌های پارلمان را به دست آورند. تمام وزرای کشور و همچنین شخص نخست وزیر باید عضو پارلمان باشند و در صورتی که شخصی نتواند در انتخابات منطقه خود پیروز شده و وارد پارلمان شود عملا نمی‌تواند مسئولیت مهمی در پاکستان به دست داشته باشد.

دادگاه عالی پاکستان[۲]

سیستم قضایی در پاکستان قدرت زیادی دارد و طی این سال‌ها توانسته کاملا مستقل از دولت عمل کند. این استقلال سیستم قضایی باعث شده تا دولت‌مردان هیچ‌گاه احساس قدرت مطلق نکنند و بارها به دلیل ارتکاب جرائم مختلف مجازات شوند.

اعدام ذوالفقار علی بوتو به جرم دست داشتن در قتل یک شهروند پاکستانی یا بارها عزل شدن نخست وزیران پاکستان از نواز شریف گرفته تا بی‌نظیر بوتو و یوسف رضا گیلانی نشان دهنده اختیارات مستقل سیستم قضایی پاکستان است. مقر دادگاه عالی پاکستان در شهر لاهور است و این دادگاه در مراکز ایالت‌های مختلف پاکستان شعبه‌های جداگانه‌ای دارد.

۱- همان ص ۹۵

۲- اطلاعات عمومی پاکستان، زاهد حسین انجم، نشر عدیل نیاز لاهور، ۲۰۱۵، ص ۹۷

IQBAL FORUM

فصل سوم

ارتش و نیروهای سه گانه

ارتش پاکستان حافظ امنیت ملی

ارتش پاکستان بخشی از بدنه مردمی این کشور است چرا که تمام جمعیت پاکستان از تمام نژادها و زبان‌ها به ارتش احترام خاصی می‌گذارند. این احترام یک طرفه نیست و ارتش نیز اثبات کرده است که شریک لحظه‌های غم و شادی مردم پاکستان است و هرگاه زلزله یا سیل یا هر حادثه‌ی دیگر خاطر مردم را مکدّر می‌کند اولین دستانی که به سویشان دراز می‌شود تا آن‌ها را از زمین بلند کرده و آغوش مهربه سویشان باز کند درون لباس یک ارتشی آرام گرفته است.

ارتش در پاکستان امدادگر است، پرستار است، حامی است و ناجی. همین دلیل علاقه فراوان مردم است به ارتش کشورشان. اگر تاریخ را ورق بزنیم می‌بینیم که ارتش پاکستان نیز هنگام استقلال از ناجوانمردی‌های انگلیس ضربه خورده چرا که تجهیزات نظامی که طبق قانون



حضور نیروهای ارتش پاکستان برای امداد رسانی به سیل زدگان این کشور



آئین ویژه تعیین ژنرال باجوا به عنوان فرمانده ارتش پاکستان ۲۰۱۶

IQBAL FORUM

سهم پاکستان بود تحویل ارتش این کشور داده نشد.[1]

برای نمونه از مجموع ۱۴۴۲ ماشین نظامی که سهم پاکستان بود تنها ۷۲ فروند تحویل پاکستان داده شد و از مجموع ۲۴۹ ماشین زره‌ای که سهم این کشور بود هیچ ماشینی تحویل نیروهای نظامی پاکستان داده نشد!.[2]

به این شکل هیچ‌یک از سازمان‌های پاکستانی رنگ انصاف و عدالت را در سال‌های استقلال ندیدند و این توطئه « ماونت بتن» بود تا در سایه عدم وجود قدرت نظامی حکومت پاکستان هرچه زودتر از هم فرو بپاشد و لکه ننگی شود بر پیشانی مسلمانان جهان، تا همیشه تاریخ. ولی اراده و خودباوری و فداکاری مسلمانان شبه‌قاره نقشه شوم انگلیس را شکست داد و اینک در سایه اقتدار ارتش پاکستان دشمنان نمی‌توانند مردم را تهدید کنند.[3] از جنوبی‌ترین منطقه پاکستان در اقیانوس هند تا شمالی‌ترین نقطه آن یعنی ارتفاعات ۸ هزار متری هیمالیا که هم مرز با هند و چین است همه تحت کنترل ارتش پاکستان است و نیروهای نظامی در آن حاضر هستند تا از تمامیت ارضی کشورشان دفاع کنند. ستاد فرماندهی نیروهای زمینی در شهر راولپندی است ستاد فرماندهی نیروی دریایی در شهر اسلام آباد است و نیروهای هوایی ارتش پاکستان از شهر پیشاور اداره می‌شوند.[4]



صحنه ای زیبا از امداد رسانی نیروهای ارتش پاکستان به مردی که گرفتار سیل شده است.



فرمانده ستاد ارتش پاکستان در حل تماشای یک مانور نظامی

۱- اطلاعات نظامی پاکستان، فارن سعید احمد،۲۰۰۵ لاهور ، ص ۳

۲- همان ص۴

۳- همان ص ۵

۴- همان ص ۶

IQBAL FORUM



حضور نیروی هوایی پاکستان در مانور نظامی-فرودگاه لندن ۲۰۱۵



تصویری از پرواز جنگنده جی اف ۱۷ تندر در آسمان پاکستان

طبق قانون رئیس جمهور فرمانده کل قوای نظامی پاکستان است ولی برای انتخاب رئیس ستاد ارتش که فرمانده نیروهای سه گانه (زمینی، هوایی و دریایی) است فرمانده سابق ارتش سه نام را به وزیر دفاع پیشنهاد می‌کند تا وی به نخست وزیر تحویل دهد و او نیز پس از گرفتن مشورت به رئیس جمهور اعلام نماید. ارتش وظیفه حفاظت، تربیت و تجهیز نیروهای نظامی پاکستان را نیز به عهده دارد و به همین دلیل صدها کالج و دانشگاه در سراسر پاکستان فعال هستند که نظامی تلقی می‌شوند و دانشجویان این مراکز علمی جذب ارتش خواهند شد.

نیروی هوایی ارتش

نیروی هوایی ارتش پاکستان بازوی پرتوان نظامی این کشور است که در سال ۱۹۶۵ باعث شکست هند در جنگ علیه پاکستان شد. آماده باش کامل، ساقط کردن جنگنده‌های دشمن، نابود سازی زیرساخت‌های هوایی دشمن، مقابله به‌مثل، حفاظت از حریم هوایی کشور، استفاده از تجهیزات روز و... از جمله وظایفی است که نیروی هوایی برعهده دارد و در همین راستا اقدامات مهمی نیز به انجام رسیده است.[1]

در سال ۱۹۷۰ مهندسان نیروی هوایی ارتش پاکستان با تلاش فراوان توانستند یک هواپیمای اورلود شده میراژ فرانسوی را خود تعمیر و آماده پرواز کنند، و این نقطه شروعی شد برای خودباوری بیشتر. در سال ۱۹۹۰ وقتی آمریکا هزینه فروش ۳۰ فروند هواپیمای اف ۱۶ را دریافت کرده و سپس به بهانه دخالت پاکستان در جنگ افغانستان از تحویل این جنگنده ها امتناع کرد، نیروی هوایی پاکستان به فکر ساخت هواپیماهای بومی افتاد و برای اولین بار جنگنده بومی خود با نام «جی اف ۱۷ تندر» را در سال ۲۰۰۳ رونمایی کرد.[2]

البته این جنگنده دوره های تکمیلی متفاوتی را گذرانده و اینک جزو جدیدترین و پیشرفته‌ترین جنگنده‌های جهان است که با ۶ تن وزن توانایی پرواز در ارتفاع ۱۵ هزار متری سطح زمین را با

۱- همان ص۳۰

۲- داون نیوز، ۱۶فوریه ۲۰۱۷، ذیل عنوان: PAF No.14 ‹Tail choppers› Squadron re- equipped with JF- 17 Thunder jets



حضور بانوان خلبان هم در نیروی هوایی پاکستان متداول است



جنگنده جی اف تندر ساخت نیروی هوایی پاکستان در یک مانور نظامی۲۰۱۵

سرعتی معادل ۳ هزار کیلومتر در ساعت دارد. فرماندهان ارتش پاکستان بارها اعلام کرده‌اند که تحریم‌های ناجوانمردانه آمریکا باعث شد تا آنان به نیروهای بومی بیشتر تکیه کرده و به سوی خودکفایی قدم بگذارند، کشورهایی مختلفی از جمله الجزایر، مصر، مراکش، نیجریه و... خواستار خرید این هواپیما شده‌اند.[۱]

یکی دیگر از تجربه های موفق نیروی هوایی پاکستان ساخت هواپیمای آموزشی «سوپرمَشّاق» است که در نوع خود بی‌نظیر تلقی می شود و مورد توجه کشورهایی مانند ترکیه، قطر، نیجریه و.. قرار گرفته است. سوپرمشاق یک هواپیمای آموزشی کوچک است که امکانات زیادی دارد و از آن برای آموزش نیروهای نظامی استفاده می‌شود.[۲]

شاهین‌ها به جنگ اسرائیل می‌روند

کارنامه نیروی هوایی ارتش پاکستان نشان می‌دهد که نظامیان این کشور نه تنها در نبرد با هند حضور موفقی داشته‌اند بلکه نشان داده‌اند که برای نبرد با رژیم صهیونیستی نیز قابلیت‌های بسیاری دارند. در جنگ میان اعراب و اسرائیل، پاکستان تنها متحد غیر عرب مسلمانان بود و شاهین‌های نیروی هوایی این کشور به قصد نابود کردن نظامیان اسرائیلی که قدرتشان، نظامیان عرب را ترسانده بود وارد پیکار شدند.[۳]

در این جنگ خلبانان پاکستانی با مهارت تمام موفق شدند سه فروند جنگنده اسرائیلی را ساقط کرده و خود بدون این‌که آسیبی ببینند فرود آیند.۶ سال بعد و در نبرد کپور بازهم خلبانان پاکستانی به قصد نبرد با اسرائیل قدم به میدان کارزار گذاشتند ولی پیش از این‌که ۱۶ خلبان پاکستانی به محل جنگ برسند مصر پرچم صلح با اسرائیل را بالا برد ولی این باعث نشد که خلبانان پاکستانی به کشور بازگردند، آن‌ها گزینه‌ای دیگر را انتخاب کرده و با هدف ضربه زدن به غده سرطانی اسرائیل راهی سوریه شدند تا این کشور را در نبرد با اسرائیل همراهی کنند.[۴]

۱- همان

۲- پایگاه اینترنتی جنگاوران، ذیل عنوان: بررسی تجهیزات نیروی هوایی پاکستان

۳- دیلی پاکستان، ۲۲ ژانویه سال ۲۰۱۸

۴- همان

IQBAL FORUM

نبرد دیدنی نیروی هوایی پاکستان با خلبانان اسرائیلی آغاز شد و ظرف مدتی کوتاه ارتش اسرائیل ۵ جنگنده خود شامل یک میراژ و ۴ فانتوم را از دست داد. این قدرت‌نمایی خلبانان پاکستانی به قدری مورد توجه دولت سوریه و مسلمانان جهان قرار گرفت که حافظ اسد رئیس جمهور وقت سوریه «وسام فارس» بالاترین نشان شجاعت کشور خود را به خلبان «ستار علوی» هدیه داد و سپس خلبانان پاکستانی سه سال تمام در سوریه ماندند و نیروی هوایی این کشور را آموزش دادند.[۱]

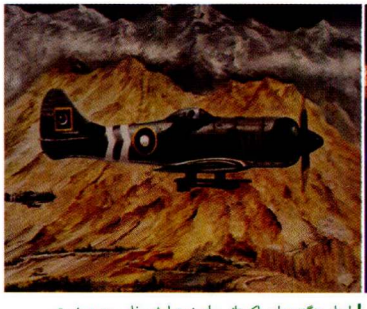
این خلبان شجاع پاکستانی کار را اینجا به اتمام نرساند، و پس از ساقط کردن جنگنده میراژ اسرائیلی، ژاکت خلبانش را از تن او خارج کرده و در سال ۲۰۱۸ آن را به موزه نیروی هوایی پاکستان هدیه داد.[۲]



حضور غرور انگیز جنگنده های پاکستان در نبرد با رژیم صهیونیستی و ساقط شدن جنگنده های اسرائیلی یکی پس از دیگری



ستار علوی یگانه خلبانی است که موفق به ساقط کردن یک جنگنده اسرائیلی شده. او یونیوفورم خلبان اسرائیلی را به غنیمت گرفته و در سال ۲۰۱۸ به موزه نیروی هوایی پاکستان هدیه داد.



اعزام جنگنده های پاکستانی برای نبرد با رژیم غاصب صهیونیستی

۱- همان

۲- خبرگزاری تسنیم، ۳ بهمن ۱۳۹۶

IQBAL FORUM

جنگنده‌های پاکستانی در طول جنگ‌های ضد تروریستی ضرب عضب و ردالفساد نیز درخشیده و عملیات‌های موفقی را در وزیرستان شمالی، جنوبی و مناطق (قبایلی) فاتا اجرا کردند که حاصل آن نابودی پناه‌گاه‌ها و زیرساخت‌های تروریست‌هایی بود که در این مناطق مخفی شده بودند. در حال حاضر نیروی هوایی پاکستان حدود ۸۰ هزار نفر کارمند دارد و از قدرت بیش از ۱۰۰۰ جنگنده بهره می‌برد.

نیروی دریایی پاکستان

نیروی دریایی پاکستان که تا سال ۱۹۵۶ و پیش از تصویب نخستین قانون اساسی پاکستان زیر پرچم پادشاهی انگلیس فعالیت می‌کرد، سرانجام پرچم سبزرنگ پاکستان را به اهتزاز درآورده و رسماً نیروی دریایی مستقل پاکستان شد.

اگرچه نیروی دریایی در طول عمر ۷۰ ساله به اندازه نیروی هوایی و زمینی ماموریت نداشته است ولی اتکا به قدرت نیروهای بومی و پرهیز از تکیه انحصاری به آمریکا باعث شده تا اینک نیروی دریایی پاکستان که عضو ناتو به حساب می‌آید، از ناوگان قدرتمندی برخورد باشد.

به طور کلی نیروی دریایی پاکستان که تجربه حضور در چندین جنگ با هند را در کارنامه دارد موظف است از ۱۰۴۶ کیلومتر مرز آبی پاکستان دفاع کند، به خصوص که با افتتاح کریدور اقتصادی چین و پاکستان[1]، وظایف محوله به این بخش از ارتش پاکستان بیشتر شده است.

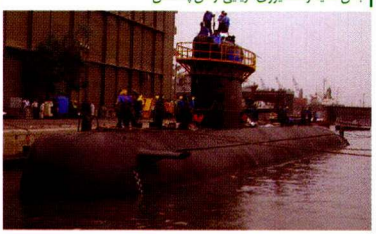
۱- کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان موسوم به (China- Pakistan Economic Corridor CPEC)



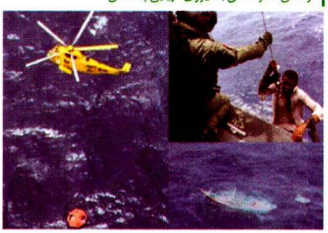
لباس سفید رنگ نیروی دریایی ارتش پاکستان



ناوشکن نصر متعلق به نیروی دریایی پاکستان



زیر دریایی حمزه با قابلیت شلیک موشک های هسته ای



عملیات نجات ۱۱ ماهیگیر ایرانی توسط نیروی دریایی پاکستان-۱۳۹۷

IQBAL FORUM

نیروی دریایی پاکستان در مانورهای بسیاری شرکت کرده و بارها تربیت و آموزش نیروهای نظامی کشورهای اسلامی را نیزبه عهده داشته است.[1]

نیروی زمینی ارتش پاکستان

فعال‌ترین بخش ارتش پاکستان نیروی زمینی آن است، مردم نیز ارتش را چون مسیحا می‌دانند که در هنگامه مشکلات پیش از همه به فریادشان می‌رسد و پس از همه محل را ترک می‌کند.

اگرحمله‌ای نظامی باشد یا حادثه‌ای تروریستی، اگرزلزله باشد یا سیل، اگرهواپیمایی سقوط کند یاپلی تخریب شود، اگرکوهنوردی درارتفاعات قراقروم وهیمالیاگم شود یاماهی‌گیرانی در دریا راه خود را نیابند، اگرجاده‌ای باید ساخته شود ویا حتی سرشماری کلی در پاکستان انجام پذیرد، نیروهای زمینی ارتش با قدرت در کنار مردم می‌ایستند و شاید به همین دلیل است که بر هر دیواری در پاکستان می‌بینیم که نوشته شده « زنده باد ارتش یا سلام برارتش».[2]

روزهای تلخ و شیرین

چه روزهای غرورآفرینی که مردم به ارتش خود بالیده‌اند و با افتخار سربالا گرفته‌اند و چه روزهای تلخی که سینه ستبرارتش مامنی شده تا بغض یک ملت برروی آن رنگ گریه به خود بگیرد و اشک بریزد. از روزی که شیرینی استقلال پاکستان در کوچه و خیابان‌ها توزیع شد تا اولین جنگی که درعین نابرابری با رشادت نظامیان مسلمان و فداکاری آنان طعم پیروزی را به مردم پاکستان هدیه کرد. مردمی که در سال ۱۹۶۵ با پیروزی ارتش خود برهند و دفع حملات غیر مسلمانان شاد شدند و دست تقدیرلبخند برلبانشان نشاند.

لبخندی که در سال ۱۹۷۱ محو شد و با سقوط داکا و تقسیم پاکستان که حاصل شکست ارتش در جبهه پاکستان شرقی بود جای خود را به اشک و غصه‌ای داد که هنوز هم برصورت مسن‌ترها دیده می‌شود. لحظه تاریخی انفجارهای هسته‌ای در سال ۱۹۹۸ را هیچ پاکستانی از ذهن نخواهد برد، زمانی که نیروهای ارتش با تکیه برخداباوری خود مهرافتخار اولین کشور هسته‌ای جهان اسلام را به پاکستان هدیه کردند.

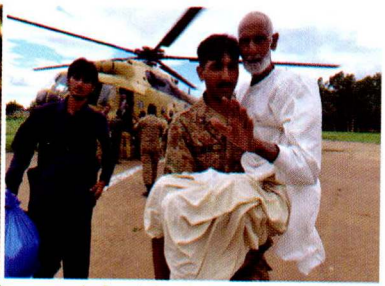
و بازهم سال‌های سیاهی که علی‌رغم تلاش نظامیان پاکستان صدای انفجار در این کشور قطع نشد، هرچند مشکل جای دیگری بود و مردم نیزاین را می‌دانستند. ولی ارتش صبرنکرد تا صدای گریه مادران پاکستانی و آه یتیمی کودکان تا ابد گوش تاریخ را پرکند. مردانه ایستاد و نشان داد که وقتی خداباوری و استقامت دست در دست هم دهند فتح و پیروزی هدیه‌ای است

۱- شخصیت های پاکستان و جهان، سیف الرحمان رانا، انتشارات برادران دوگر لاهور، ۲۰۱۷،ص ۱۱۹

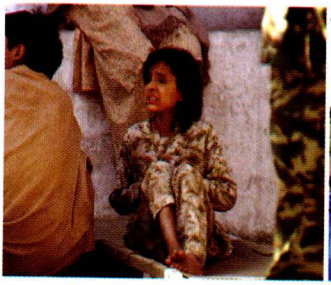
۲- همان

IQBAL FORUM

که از سوی آسمان بربال فرشتگان می‌آید و ملتی را سربلند می‌کند. تیرخلاص ارتش به سال‌ها افراط‌گرایی و ظلم و قتل و کشتار مردم دو عملیات بود که مهرافتخار برپیشانی هرپاکستانی زد و سایه نکبت‌بار ترس و وحشت را از سرملک خداداد دور کرد.



صحنه زیبای امداد رسانی به مردم توسط نیروهای ارتش پاکستان



کودک زلزله زده که توسط نیروهای ارتش پاکستان مراقبت می شود



دیوار نویسی «سلام بر ارتش پاکستان» که در جای جای این کشور دیده می شود



توزیع غذا توسط ارتش پاکستان بین مردم حادثه دیده



کودکان پاکستانی که لباس ارتش را به تن کرده و سرود می خوانند



توزیع غذا بین کودکان حادثه دیده توسط نظامیان ارتش

IQBAL FORUM

عملیات ضرب عضب

می‌گویند عضب نام شمشیررسول خداست که برق آسا برسر کفار و مشرکین فرود می‌آمد و همت ارتش برای بازگرداندن امنیت به کشور پاکستان نیزشمشیری شد که آه از نهاد ابلیس پرخدعه ظلم و افراط‌گرایی بلند کرد. در ابتدای راه کسی گمان نمی‌کرد که آغاز عملیات ضرب عضب در تاریخ ۲۵ خرداد سال ۱۳۹۴ نقطه عطفی است در تاریخ پررمزو راز و درد کشیده پاکستان تا ظلم و قتل و کشتار سایه پُرواهمه خود را برای همیشه از سرملک خداداد دور کند و شیطان تروریسم چنگال پراز خون خود را از قلب پاکستان بیرون کشد. ولی در سایه تلاش و مجاهدت وعده الهی محقق شد وکمین‌گاه‌های امن شیطان تروریسم یکی پس از دیگری بر سردیوصفتان خراب شد تا آرام آرام خورشید آرامش بر آسمان پاکستان نورافشانی کند.

جرقه آغاز عملیات و پایان مماشات

بازمان سفرمی‌کنیم به ۱۸ خرداد سال ۱۳۹۳. اینجا شهرکراچی است بزرگ‌ترین شهرپاکستان و دروازه مشرق، شهرگرد وخاک گرفته و غم زده‌ای که روزگاری شهرروشنی‌ها نام داشت! این شهراولین پایتخت پاکستان بود و مردمش شور و عشق و امید و ایمان را در کنار هم تجربه کرده بودند ولی سال‌ها کشتار و انفجار و ناامنی زخم‌های عمیقی برصورت شهرکاشته بود و این‌گونه شادی از شهرهجرت کرده و به غم آبادی بزرگ تبدیل شده بود.[1]

ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه شب است و ما در ورودی بزرگ‌ترین فرودگاه پاکستان یعنی فرودگاه بین‌المللی محمد علی جناح شهرکراچی هستیم، همه چیزعادی است و یک وَن که حامل نیروهای امنیتی فرودگاه است به سمت در ورودی نزدیک می‌شود، هنوز چند متری فاصله دارد که ناگهان راننده به‌جای ترمزکردن پای خود را روی پدال گاز می‌فشارد و نخستین مانع را از پیش روی خود برمی‌دارد. همه چیزدر کسری از ثانیه رخ می‌دهد و در کم‌تراز نیم ساعت این جمله تبدیل به تیتراول تمام رسانه‌ها و شبکه‌های خبری پاکستان می‌شود: ۱۰ تروریست با پوشیدن لباس‌های نظامی به فرودگاه کراچی حمله کرده و تلاش می‌کنند تا هواپیماهای موجود را بربایند.[2]

شهرکراچی با نگاهی مضطرب یک حادثه تلخ دیگررا تجربه می‌کند، تروریست‌ها تا دندان مسلح هستند و حرکات آنان نشان می‌دهد که سال‌ها آموزش دیده‌اند، نیروهای ویژه ارتش پاکستان فروگاه کراچی را محاصره می‌کنند و نبرد آغاز می‌شود، زمان به کندی می‌گذرد و هربار با شلیک با هدف و بی‌هدف تروریست‌ها عده‌ای از مردم وحشت زده مانند برگ‌های

۱روایت پایگاه خبری الجزیره از حمله تروریستی به فرودگاه کراچی در تاریخ ۹ژوئن ۲۰۱۴ذیل عنوان: Gunmen attack Karachi international airport

۲- همان

IQBAL FORUM



صحنه ای جالب از هدف قرار گرفتن مقر تروریست ها در عملیات ضرب عضب توسط ارتش پاکستان



آغاز عملیات ضد تروریستی ضرب عضب در وزیرستان توسط ارتش پاکستان

خزان زده روی زمین می‌افتند در کمتر از ۵ ساعت ۲۱ نفر کشته شده و ۱۸ نفر نیز به شدت زخمی می‌شوند ولی پایمردی نیروهای ارتش پاکستان گلوی تروریست ها را می فشارد.[۱]

ساعت ۵ صبح روز ۱۹ خرداد است و دیگر صدای شلیک گلوله در فرودگاه کراچی به گوش نمی‌رسد، هرده تروریست شکار شده‌اند بدون آن که هواپیمایی ربوده شود، ساعتی بعد گروه تروریستی تحریک طالبان پاکستان مسئولیت این حمله را به عهده می گیرد و آن را پاسخی می داند به کشته شدن «حکیم الله محسود» سرکرده این گروه تروریستی در حمله هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی! چه معادله پیچیده‌ای! ۲۱ انسان بی‌گناه و غیرنظامی مجبور شده‌اند تاوان کشته شدن این تروریست را بدهند ولی این پایان ماجرا نیست بلکه نقطه آغاز است! بس است ۱۴ سال قتل و کشتار و حملات تروریستی و به اشک نشاندن کودکان و مادران.[۲]

بس است مماشات و فکر خام مذاکره با تروریست‌هایی که جز زبان گلوله سخنی را درک نمی‌کنند، ارتش پاکستان هم به این نتیجه رسیده است! مذاکره با افرادی که از منطق فقط رگبار گلوله را می‌شناسند و از لبخند فقط محو کردن آن را بلدند نباید جزبه زبان قدرت باشد.

ضرب عضب آغاز شد و مردم دست به دست هم دادند تا پس از سال ها وحشت از حملات تروریستی سال های مقاومت و مبارزه را تجربه کنند، نیروی هوایی ارتش پاکستان تسلیحات تروریست ها را در مناطق شمالی و جنوبی وزیرستان[۳] هدف قرار داد، عملیات موفقیت‌آمیز پیش می‌رفت و تنها طی یک حمله در اولین شب عملیات بیش از ۱۵۰ تروریست از تحریک طالبان به هلاکت رسیدند.[۴]

روزهای سخت مقاومت نیز بی خطر نبودند و علی‌رغم این که طی یک سال حدود ۴۰۰۰ تروریست کشته شده و بیش از ۱۰۰۰ فرمانده آنان نیز دستگیر شدند ولی دست و پا زدن‌های اژدهای خون‌خوار تروریسم و افراط گرایی که نفس های آن به شماره افتاده بود نیز فاجعه می‌آفرید.[۵]

۱- پایگاه خبری اکسپرس تریبون، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴، ذیل عنوان : militants ۲۵ Aerial bombing in Tirah valley kills

۲- همان

۳- واقع در ایالت خیبرپختونخوا و نزدیکی مرز افغانستان، جایی که تبدیل به پناهگاه تروریست ها شده بود.

۴- اکسپرس تریبون ۱۴ ژوئن ۲۰۱۴، ذیل عنوان : militant hideouts ۵ Air raids flatten

۵- همان

IQBAL FORUM



صحنه ای از عملیات تروریستی وحشتناکی که توسط افراط گرایان انجام شد- فرودگاه محمد علی جناح کراچی ۲۰۱۴



کشته شدن تروریست هایی که به فرودگاه کراچی حمله کرده بودند نقطه آغاز عملیات های سنگین ضدتروریستی ارتش شد

غم انگیزترین و بزرگ‌ترین حمله تروریستی تاریخ پاکستان[1]

۲۵ آذر سال ۱۳۹۳ زمانی است که آسمان نیز به حال پاکستان اشک ریخت و شریک غم و اندوه ملک خداداد شد، روز افسون شده‌ای که شام تاریکی بود بر قلب مردمی داغدار که بی‌مهابا اشک می‌ریختند و پناهی جز خدا نمی‌یافتند.

می‌گویند خون کودکان معصوم و بی‌گناه همیشه نقاب دو رویی را از صورت عفریت خباثت و پلیدی برمی‌دارد و تاریخ در خود گواه بسیار دارد، مردم پاکستان ۷۰ هزار قربانی داده‌اند تا جهان مبارزه با تروریسم را درک کند ولی دیگر نوبت به آن رسیده تا خون کودکان این قِصه پر غُصه را برای همیشه به پایان برساند.

افراط‌گرایانی که تا دیروز کورکورانه مردم را به رگبار می‌بستند و توجیه می‌کردند که هدف حمله به نظامیان بود آخرین اشتباه مرگ‌بار خود را انجام دادند و نشان دادند که افراط‌گرایی به هیچ دین و مذهبی تعلق ندارد بلکه از شیطان فرمان می‌گیرد و به آتش ختم می‌شود.

طی ۶ ماه اخیر ارتش پاکستان بیش از ۱۲۰۰ تروریست را در وزیرستان و طی عملیات ضرب عضب به هلاکت رسانده است، حال نوبت به آخرین جان کندن‌های عفریت افراط‌گرایی است تا انتقام کشته‌های خود را از کودکان مظلوم بگیرد! هدف کجاست؟ مدرسه نظامی پیشاور.[2] چه کسانی حاضرند دست به این جنایت بزنند؟ حتی بین تروریست‌هایی که برای انجام این عملیات آمده‌اند یک پاکستانی که صدای مظلومیت کودکان را متوجه شود و زبان اردو را بفهمد دیده نمی‌شود! آنان همه ملیت‌های غیر پاکستانی دارند تا ناشنواتر از هر زمان دیگری باشند.

ساعت ۱۰ صبح، ۷ تروریست با پوشیدن لباس مبدل از در پشتی مدرسه وارد می‌شوند جایی که

۱- بازنویسی شده از روایت سایت ایندیپندنت، ۱۶دسامبر ۲۰۱۴، ذیل عنوان: Peshawar school attack: ‹I will never forget the black boots...it was like death approaching me›

۲- هر مدرسه ای که ارتباطی به ارتش داشته باشد مدرسه نظامی خوانده می شود ولی به این معنا نیست که دانش آموزان نظامی باشند بلکه حتی مهدکودک‌هایی نیز به این نام وجود دارد. پیشاور مرکز ایالت خیبرپختونخوا است.



صبح روز بعد از عملیات تروریستی و پاکسازی کامل محل



استقرار نیروهای نظامی و پلیس در اطراف محوطه فرودگاه پس از هجوم تروریست ها-۲۰۱۴

حدود ۱۲۵۰ کودک معصوم، زیباترین لحظات زندگانی خود را می گذرانند و آمده اند تا آینده سازان کشور خود باشند.

صدای شلیک گلوله شنیده می‌شود و این صدای وحشتناک هرلحظه نزدیک‌تر می‌شود! تصور کن اضطراب و واهمه‌ای که به جان تو و همکلاسی‌هایت می‌افتد و حتی معلمت که عاشقش هستی نیزنمی‌تواند تورا آرام کند، راه فراری نداری و تروریست‌ها از چند جهت می‌آیند تا بکشند و نابود کنند. مدیرمدرسه را در حیاط مدرسه آتش می‌زنند! پیش چشم دانش‌آموزان و سپس نوبت به دانش آموزان می‌رسد تا یک به یک به ضرب گلوله پرپرشوند!

بازهم فرشته‌های نجات سررسیده‌اند، ولی خیلی دیرشده و نیمکت‌های مدرسه تبدیل به قتل‌گاه دانش‌آموزان شده! کودکان از ترس و وحشت بی‌هدف می‌دوند و هرسوکه یک نظامی می بینند با تصور این‌که نیروهای ارتش به کمک آن‌ها آمده‌اند تلاش می‌کنند به او پناه ببرند ولی صدای رگبار اسلحه او نشان می‌دهد که همان تروریست‌هایی هستند که لباس مبدل پوشیده‌اند.

جهان به حال پاکستان می‌گرید و پاکستان به حال مدرسه نظامی پیشاور! ۱۴۴ کودک و معلم که آمده بودند تا در آسمان علم پر بگشایند برای همیشه آسمانی می‌شوند! تنها طی دو ساعت، ۱۱۳ دانش آموز نیز مظلومانه زخمی می‌شوند و صدای هق‌هق گریه‌هایشان بند نمی‌آید و ۹۵۰ دانش آموز و معلم توسط نیروهای ارتش نجات پیدا می‌کنند. پیشاور نیز هیچ‌گاه صدای وحشتناک آن روز نحس را از خاطرنخواهد برد. همه چیزتمام شد! ۷ تروریست کشته شدند و یک بار دیگرپاکستان به سوگ نشست! همه جهان تسلیت گفتند و مردم پاکستان شمع به دست گرفته و برای نخستین بار در تاریخ این کشور در خیابان‌ها زار زدند.

پرچم پاکستان دیگرتوان برافراشته ماندن نداشت و سه روز به حالت نیمه برافراشته درآمد تا دنیا بداند که داغ کودک جگرسوز است. حتی هند که سال‌ها نزاع با پاکستان را تجربه کرده بود نتوانست در سوگ این کودکان معصوم سخن نگوید و برای ادای احترام به دانش آموزان پاکستان در تمام مدارس هند چند دقیقه سکوت اعلام شد! به دستور رئیس جمهور پاکستان مجازات افراط‌گرایی بازهم اعدام شد! ولی....ضرب عضب ادامه یافت اگرچه

تحریک طالبان پاکستان این جنایت غیرقابل وصف خود را پاسخی به عملیات ضرب عضب دانست. مردم پاکستان اثبات کردند که برای امنیت و آزادی حاضرند جان دهند، قربانی دهند و مجاهدت کنند حال زمان تحقق وعده الهی فرارسیده بود:[1] و خداوند حلاوت این مقاومت را به مردم چشاند، این آخرین عملیات بزرگی شد که گروهک تروریستی تحریک طالبان پاکستان آن را به انجام رساند و دیگر مردم پاکستان عملیاتی به این بزرگی را ندیدند.

هم‌زمان با عملیات ضرب عضب که امنیت را به مناطق مرزی پاکستان با افغانستان هدیه کرده بود عملیات بزرگ دیگری به نام «ردالفساد» کلید خورد که هدف آن پاکسازی و شهرهای پاکستان بود. جایی که سال‌های سال افراط‌گرایان به لایه‌های داخلی آن نفوذ کرده و مانند مردم عادی زندگی می‌کردند ولی یک آن از انجام عملیات و ترویج ناامنی غافل نمی‌شدند.

عملیات ردالفساد[2]

چهارشنبه ۴ اسفند سال ۱۳۹۵ و زمانی که ضرب عضب امنیت بسیار خوبی را به پاکستان هدیه داده بود ناگهان عملیات دوم ارتش پاکستان با نام ردالفساد آغاز شد! شهر کراچی که تبدیل به بزرگ‌ترین جولانگاه تروریست‌ها شده بود با شروع این عملیات روزهای خوش آرامش را بازهم در افق خود روشن‌تر از قبل دید.

تکاوران ارتش پاکستان بی‌مهابا تروریست‌های «تحریک طالبان پاکستان، لشکر جهنگوی و جماعت الاحرار» را هدف قرار دادند و در تفتیش‌های خانه به خانه صدها نفر از عوامل ناامنی در شهر را بازداشت کردند. اسلحه‌هایی که بی‌دلیل در دست مردم قرار داشت یک‌به‌یک جمع شدند و هرچقدر جدیت در اجرای این عملیات بیشترشد، امنیت در شهرهای مختلف پررنگ‌ترشد.

دیگر مثل گذشته حملات تروریستی و کشتار و قتل تیتر هر روزه رسانه‌های پاکستانی نبود، و مردم جهان نیز درک کردند که پاکستان دچار تحولی عظیم شده است! تحولی که اراده مردمی آن را رقم زد و تجربه‌ای گران‌بها برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشت.

در سال ۲۰۱۹ خسارت‌های ناشی از حملات تروریستی در پاکستان به کم‌ترین میزان خود در طول قرن ۲۱ رسیده است و این حاصل جان فشانی‌های نظامیانی است که عاشقانه مردم را دوست دارند و در مقابل مردمی که برای دفاع از ارتش خود از اهدای قربانی هراسی ندارند.

۱۱- أمْ حَسِبْتُمْ أنْ تَدْخُلُوالْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأتِكُمْ مَثَل الَّذين خَلَوْامِن قَبْلِكُم مَسَّتْهُمُ الْبَأساءُ وَالضَّرَّاءُ وَ زُلْزِلُوا حَتّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتى نَصْرُاللهِ أَلاإِنَّ نَصْرَاللهِ قَريبٌ (سوره بقره، آیه ۲۱۴)

۲- گروه خبری جنگ نیوز، ۲۲فوریه ۲۰۱۷ذیل عنوان : رد الفساد آپریشن

IQBAL FORUM



صحنه ای از ورود نظامیان پاکستانی به مدرسه از درب پشتی



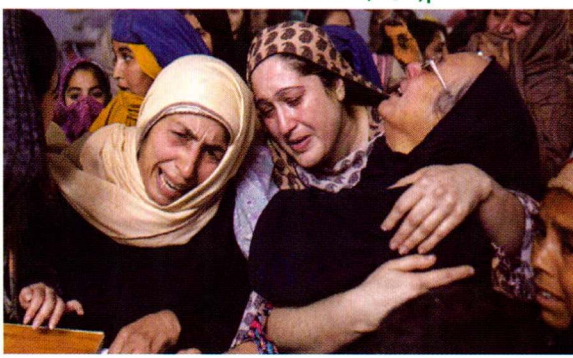
اشک هایی که تاریخ آنها را از یاد نخواهند برد..



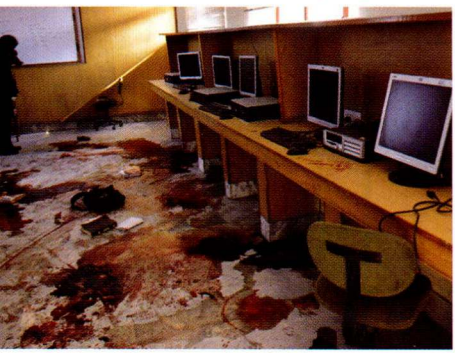
دانش آموزانی که همکلاسی ها و دوستان خود را در این حمله وحشیانه از دست دادند



صحنه ای دلخراش از حمله تروریستی به مدرسه نظامی پیشاور



فضای بیرون مدرسه پس از شنیدن خبر حمله تروریست ها



به رگبار بسته شدن دانش آموزان مدرسه توسط تروریست ها



مردم پاکستان برای نخستین بار آشکارا در خیابان ها اشک می ریختند و به یاد دانش آموزان مدرسه پیشاور شمع روشن می کردند



گریه مادرانی که به سوگ کودکانشان نشستند

IQBAL FORUM

فصل چهارم

فصل چهارم رسانه‌های جریان ساز

رسانه‌ها در پاکستان

رسانه‌ها در پاکستان فراتر از آن هستند که به چشم می‌آیند، چون قلبی تپنده جریان می‌سازند و هیاهو می‌کنند. آزادی بیان مطلقی که رسانه‌ها از آن بهره می‌برند سبب شده تا به آوردگاه عظیم تبادل رقم‌های هنگفت مبدل شوند و تبدیل به مجموعه‌های بزرگی شوند که هریک از استعداد هزاران نیروی حرفه‌ای برخوردارند. رسانه در پاکستان یعنی یک جریان که حتی مطرح‌ترین سیاست‌مداران و قدرت‌مندترین افراد نیز مجبورند به آن‌ها احترام بگذارند.

قدرت رسانه‌ها چنان زیاد است که گاهی دولتی را ساقط می‌کنند و گاه وزاری دولت را خود تعیین می‌کنند. در پاکستان صرفا با یک روزنامه یا یک سایت خبری طرف نیستیم با گروهی پیچیده و حرفه‌ای مواجه هستیم که ده‌ها کانال تلویزیونی از شبکه‌های خبری گرفته تا بخش‌های تخصصی کودک و خانواده و ورزشی در اختیار دارد و هرروز چندین روزنامه و ماهانه ده‌ها نشریه چاپ می‌کند، علاوه بر این میلیون‌ها مخاطب از طریق اینترنت صفحات مجازی سایت و صفحات فیسبوکی این رسانه‌ها را دنبال می‌کنند و به این راحتی کافی است مدیران یک گروه رسانه‌ای اراده کنند تا در کسری از ثانیه یک اتفاق کوچک تبدیل به یک رویداد عظیم شود. ثروتمندترین افراد در پاکستان نیز رسانه‌ای‌ها هستند و هرچقدر فردی شناخته شده‌تر باشد به همان میزان مبلغ حقوقی که دریافت می‌کند تصاعد یافته و اوج می‌گیرد.[1]

۱- سایت دیلی خبر در گزارش شماره۴۰۵۶۲ طی مقاله ای دریافتی برخی خبرنگاران و مجریان مشهور پاکستانی را منتشر کرده و می نویسد: برخی رسانه ای های ثروتمند پاکستان و میزان دستمزدشان به شرح زیر هستند: ۱- کامران خان (دنیا تی وی): ۴۸هزار دلار در ماه! ۲- شاهد مسعود (نیوز وان):۴۰هزار دلار در ماه ۳- حامد میر(جیو تی وی): ۳۸هزار دلار در ماه ۴- میشر لقمان(ای آر وای نیوز):۳۵هزار دلار در ماه ۵- شاهزیب خانزاده(جیو تی وی): ۳۵هزار دلار/ گفتنی است این حقوق های نجومی هر سال در حال افزایش است و به خوبی می‌تواند قدرت رسانه‌ها را نشان دهد.

IQBAL FORUM


روزنامہ جنگ کراچی

پاکستان اور بھارت میں جنگ شروع ہوگئی

لاہور پر تین طرف سے بھارت کا زبردست حملہ پسپا کردیا گیا، پاکستانی فوج کی جوابی کارروائی کے نتیجہ دشمن بھاگ کھڑا ہوا پاکستانی علاقے آزاد کرالیے گئے

فضائی جنگ میں ۲۲ بھارتی طیارے تباہ کردیا گیا پہلے دن کی جنگ میں سو بھارتی فوجیوں کو موت کے گھاٹ اتار دیا گیا

صفحه نخست روزنامه جنگ همزمان با آغاز نبرد میان هند و پاکستان در سال ۱۹۶۵



ون متعلق به شبکه جیو تی وی که با حضور در صحنه های میدانی امکان پخش مستقیم را فراهم می کند. یک شبکه تلویزیونی ده ها ون در شهرهای مختلف در اختیار دارد



پخش مطالب جنجال برانگیز بارها اعتراض علیه شبکه جیو را به همراه داشته است

نگاهی به ریشه‌دارترین و قدرت‌مندترین گروه‌های رسانه‌ای در پاکستان:[۱]

- **گروه خبری جَنگ** (The Jang Group)

بزرگ‌ترین گروه خبری پاکستان «جنگ» است که شخصی به نام میرخلیل الرحمان آن را پایه‌گذاری کرد و اینک فرزند وی «میرشکیل الرحمان» مدیریت آن را به عهده دارد. طبق بررسی‌ها بیشترین درصد مخاطبان در ایالت‌های سند و پنجاب در دستان گروه جنگ است و آن‌ها مالک تمام برندهای زیربه حساب می‌آیند:

روزنامه جنگ: یکی از پرتیراژترین روزنامه‌های پاکستانی
کانال‌های «جیو تی وی»: که مجموعه‌ای بزرگ از کانال‌های خبری، اجتماعی و موسیقی است
سایت خبری جیو تی‌وی و فضای مجازی متعلق به آن: این سایت نیزروزانه میلیون‌ها نفربازدید کننده دارد.
اخبار جهان: مجموعه روزنامه‌هایی که به نام جهان منتشرمی‌شوند

۱- تزتحقیقات میدانی دکتر عامر عباس، گروه های عمده رسانه ای پاکستان، ص۱

- **دیلی نیوز Daily news:**

از زیرمجموعه‌های جنگ که خود شامل شبکه‌های مختلف خبری از سایت گرفته تا روزنامه و... است.

عوام: یکی دیگر از زیرمجموعه‌های جنگ که شامل بخش‌های مختلف خبری می‌شود.

گروه جنگ از سال ۱۹۴۰ کار خود را آغاز کردند و هدف‌شان حمایت از مسلمانانی بود که در جنگ جهانی دوم شرکت داشتند، میر خلیل الرحمن مدتی بعد از دهلی به کراچی آمده و با گرفتن وام ۵ هزار روپیه‌ای دفتری کوچک در این شهر اجاره کرد و کار خود را آغاز نمود.

وی در همان سال‌ها پیشنهاد «محمد علی جناح» بنیان‌گذار پاکستان را مبنی برحمایت دولتی رد کرده و اعلام کرد که قصد دارد ستون چهارم قدرت در پاکستان باشد. پس از فوت میرخلیل الرحمن در سال ۱۹۹۲ فرزندش میرشکیل الرحمن زمام امور را به دست گرفت. گفته می‌شود او در ساقط کردن برخی دولت های پاکستان نقش داشته است و بارها نخست وزیران پاکستانی را مجبور کرده تا از کارمندان او به عنوان مدیران ارشد استفاده کنند.

شبکه تلویزیونی جیو تی وی نیز که از سال ۲۰۰۲ فعالیت خود را آغاز کرده است بارها به دلایل


FOUNDED BY QUAID-I-AZAM MOHAMMAD ALI JINNAH

DAWN

Inside

The Cup comes to Pakistan

Nation goes wild with joy

Extradition of suspects

Qadhafi's 'no' to AL team

تصویری که داون نیوز از عمران خان(نخست وزیر فعلی پاکستان) پس از قهرمانی تیم ملی کریکت در دهه ۹۰ میلادی چاپ کرد



تصویری دیده نشده از «محمد علی جناح» بنیانگذار پاکستان در حال مطالعه داون نیوز



لوگو داون نیوز که اینک یکی از بزرگترین شبکه های تلویزیونی پاکستان است

IQBAL FORUM

مختلف قطع شده[1] و به همین دلیل تعداد مخاطبان آن با نوسان شدید مواجه بوده است. سیاست اجرایی جیوتی وی بازار محور است و برای به دست گرفتن نبض اقتصادی تلاش فراوانی می‌کند. این شبکه به طور کلی حامی حزب نواز شریف[2] است و در جریان اعتراضات سیاسی سال ۲۰۱۴ به خوبی از این حزب دفاع کرده است. این طرز نگرش در دیگر رسانه‌های گروه جنگ نیز به چشم می‌خورد، و آن‌ها از بازار گل آلود سیاسی در پاکستان به خوبی ماهی می‌گیرند.

- **گروه هِرالد[3] (Herald Group)**

دومین گروه پرقدرت خبری در پاکستان، مجموعه قدرتمند هرالد است که توسط خاندان « محمود هارون[4] » اداره می‌شود.

مهم‌ترین بخش فعالیت این گروه با نام داون نیوز انجام می‌شود که شامل شبکه‌های تلویزیونی، سایت، روزنامه و... به زبان اردو و انگلیسی است. بدون هیچ شک و شبهه‌ای پرتیراژ ترین روزنامه انگلیسی زبان پاکستان داون نیوز است که تیراژ آن به صدها هزار نسخه در روز می‌رسد.

گفته می‌شود محمود هارون برای قدرت گرفتن روزنامه داون از مسئولیت‌های خود استفاده کرده و تعداد زیادی از روزنامه‌های خود را برای بخش‌های مختلف دولتی خریداری و ارسال می‌کرد.

بنیان‌گذار این رسانه شخص «محمد علی جناح» است و او در سال ۱۹۴۱ داون را که یک نشریه هفتگی بود به عنوان محلی برای انتشار افکار حزب مسلم لیگ مبدل ساخت. در سال‌های بعد این رسانه با حمایت از مسلمانان خشم دولت انگلیس و هندوها را برانگیخته بود و پس از استقلال پاکستان خانواده هارون که از متمول‌ترین افراد در ایالت سند بودند مدیریت کار را به دست گرفتند.

بسیاری از شرکت‌های تبلیغاتی در پاکستان معتقدند بهترین انتخاب برای آگهی‌های بازرگانی شبکه داون است و این خود نشان دهنده موفقیت چشم‌گیر این رسانه است. پایگاه اصلی داون نیوز در شهر کراچی است و از احزابی مانند « حزب مردم و حزب متحده[5] » حمایت می‌کند.

این شبکه خبری نگاهی اقتصادی به فعالیت های خود دارد و چندان به ماهیت برنامه‌هایی که پخش می‌کند توجه نمی‌کند. یکی دیگر از دلایل موفقیت مجموعه داون این است که آن‌ها در انتشار نشریات الکترونیکی گوی سبقت را از سایر رقبای خود ربوده‌اند.

۱- در سال ۲۰۰۷ به دستور پرویز مشرف جیو تی وی قطع شد. در سال ۲۰۰۸ به دستور آصف علی زرداری این اتفاق رخ داد و در سال ۲۰۱۰بدهی مالیاتی باعث قطع شدن جیو تی وی شد.

۲- حزب مسلم لیگ شاخه نواز یا PMLN

۳- همان، ص ۲۰

۴- وزیر کشور دولت ژنرال ضیا الحق، که نقش مهمی در توسعه روزنامه های داون نیوز داشت.

۵- حزب مردم (Pakistan Peoples Party) حزب متحده (Muttahida Qumi Mument)



صفحه اول روزنامه نوای وقت

لوگوی دلون نیوز که اینک یکی از بزرگترین شبکه‌های تلویزیونی پاکستان است



فست فود مک دونالد که در سراسر پاکستان می توان آن را یافت به صورت انحصاری در اختیار گروه لاکسون(خبرگزاری اکسپرس) قرار دارد

- **گروه لاکسون[1] (Lakson Group)**

لاکسون شرکت چند منظوره‌ای است که در زمینه‌های گوناگون اقتصادی از دخانیات گرفته تا کاغذ و مواد شیمیایی فعالیت دارد و یکی از بزرگ‌ترین برندهای تجاری پاکستان به شمار می‌رود. لاکانی‌ها[2] نماینده انحصاری برند مک دونالد در تمام پاکستان هستند و بارها برسر مسائل مالی و مالیات با رقبای خود درگیر شدند.

۱- همان، ص۳۷

۲ - اقبال علی لاکانی بنیان گذار شرکت لاکسون به حساب می آید و سپس فرزندان او مدیریت مجموعه لاکسون را به عهده گرفتند

IQBAL FORUM

برند مشهور خبری اکسپرس متعلق به لاکانی ها است و روزنامه اکسپرس نیوز که از سال ۱۹۹۸ منتشر شد و مرکز آن در شهر کراچی است اینک ۲۴ درصد تیراژ تمام روزنامه های پاکستان را در اختیار دارد! علاوه براین روزنامه مشهور اکسپرس تریبون که به زبان انگلیسی منتشر می شود نیز یکی از دیگر از محصولات گروه لاکسون است که با نیویورک تایمز ارتباط بسیار خوبی دارد.

شرکت لاکسون اینک ۱۱هزار و ۵۰۰ کارمند دارد و بسیاری از افراد صاحب نام رسانه‌ای پاکستان در این شرکت استخدام هستند. این رسانه سیاستی ثابت ندارد و در بسیاری از مواقع تابع حکومت وقت پاکستان است، که همین باعث شده تا مخاطبان عمومی آن بسیار زیاد باشند به طوری که در یک نظر سنجی شبکه اکسپرس به عنوان دومین شبکه پر بازدید پاکستانی انتخاب شده است.

افرادی نظیر «جاوید چوهدری» ستون نگار مشهور و همچنین «دکترشاهد مسعود» که پیش‌تر مدیر شبکه خبری ای.آر.وای نیوز بوده و از منتقدان جدی آمریکاست جزو کارشناسان این شبکه هستند.

- **گروه خبری نوای وقت[1] (Nawaye Waght)**

نوای وقتی ها در سال ۱۹۴۰ فقط یک هفته نامه بودند ولی رفته رفته و براثر استمرار در حرکت تبدیل به یکی از اثرگذارترین رسانه های پاکستانی شدند. از جمله سیاست های مهم نوای وقت مبارزه با آمریکا و بی اعتمادی کامل به مسئولین دولت کاخ سفید است. مسئولین نوای وقت حتی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر واکنش نشان داده و نابود شدن برج دو قلوی تجارت جهانی را نقشه آمریکا برای بد نام کردن مسلمانان دانستند.

آن ها تولیداتی برای سنین مختلف دارند و حتی برای کودکان نیز مجله های ویژه منتشر می کنند که با استقبال خوبی مواجه است. شبکه خبری وقت که متعلق به گروه نوای وقت است معمولا در حال نقد دولت فدرال پاکستان است و این نشان از عدم وابستگی آنان به احزاب سیاسی دارد.

بینانگذار نوای وقت حمید نظامی، دوستی دیرینه و علاقه خاصی به محمد علی جناح داشت و همین باعث شد تا آن ها تلاش خود را برای حمایت کامل از مسلمانان در مقابل هندوها انجام دهند و به عنوان رسانه‌ای ضد هندی شناخته شوند.

۱- همان، ص ۵۶

• گروه خبری ای.آر.وای نیوز (ARY News)

یکی دیگر از پرقدرت‌ترین رسانه‌های پاکستانی که باعث خلق در آمدهای میلیون دلاری شده ای.آر.وای نیوز است. این مجموعه علی‌رغم این‌که نوپا به حساب می‌آید ولی توانسته قدرت بی‌نظیرخود را در پوشش اخبار به رخ رقبا بکشاند. بسیاری جنگ افغانستان را سکوی شهرت این شبکه می‌دانند. مالک ای.آر.وای نیوز تاجری به نام حاج عبدالرزاق است که از سال ۱۹۶۹ به دبی رفته و به یکی از موفق‌ترین تجار پاکستانی تبدیل شده است.

می‌گویند او بارها به دولت پاکستان وام پرداخت کرده است و به همین دلیل اقبال خوبی نزد سیاست‌مداران پاکستانی دارد. مقراصلی فعالیت‌های شبکه ای.آر.وای نیوز برج ARY در دبی است که ۴۵ طبقه دارد و از لحاظ معماری بنایی بسیار زیبا و کم نظیربه حساب می‌آید.

شبکه ای.آر.وای نیوز در هزینه کردن و اعطای جایزه به مخاطبان بی‌رقیب بوده و تنها طی سال ۲۰۰۲ بیش از ۲۶۰ کیلو طلا به مخاطبان خود هدیه داده است! این شبکه از لحاظ سیاسی به سمت احزاب حامی دولت (فعلی پاکستان) گرایش دارد و از منتقدان جدی حزب نواز شریف محسوب می‌شود. بسیاری از اردو زبانان در سراسر جهان ای.آر.وای نیوز را مرجع خبری پاکستان می‌دانند و اخبار این شبکه را دائما رصد می‌کنند.



لوگو شبکه خبری ای.آر.وای نیوز



یکی از برنامه های پر طرفدار شبکه ای.آر.وای نیوز در ایام انتخابات



گزارشگر ای آر وای نیوز در صحنه



اجرای مبشرلقمان یکی از مشهورترین مجریان سیاسی پاکستان برای شبکه ای.آر.وای نیوز

۱- همان، ص ۶۸

IQBAL FORUM

فصل پنجم

نگاهی به زندگی بزرگان تاریخ پاکستان

هر ملتی در تاریخ خود چهره‌هایی را به چشم می‌بیند که با ازخود گذشتگی و تلاش بی‌نظیرشان مهر افتخاری برای مردم‌شان به ارمغان آوردند. کشور جوان پاکستان نیز از این دست انسان‌ها کم به خود ندیده است. چهره‌هایی ماندگار که اینک نام‌شان برای نسل‌های بعدی به یادگار مانده است.

محمد علی جناح؛ معمار ملک خداداد

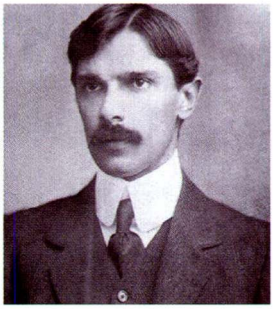
طوفان هرلحظه بیشترشدت می‌گیرد و آسمان براریکه سنگین خود از خشم فریاد می‌زند زمین لحظه‌ای رعدی عظیم را به نظاره می‌نشیند که برسینه آسمان شراره افکنده و لحظه‌ای غرق در تاریکی پس از آن می‌شود، دریاست که چون افسونگری پیردست به دست آسمان داده تا سینه وحشت را بر هزاران هزار قطره درشتی که آسمان خشم آلود برزمین نشانه می‌رود، بگستراند.

اقیانوس هند خشمگین‌تر از هر روز دیگری قدرت‌نمایی می‌کند و امواج آن که ارتفاع‌شان از ده مترفراترمی‌رود کشتی فرسوده را به بازی گرفته‌اند. صدای التماس از الوارهای این کشتی به گوش می‌رسد ولی پاسخ آن قهقه‌های پی در پی آسمانی است که قلبش را ابرهای سیاه پرکرده‌اند.

مادر کودکش را به آغوش گرفته و اشک‌هایش توان خود نمایی در مقابل قطرات درشت باران که او را در برگرفته‌اند ندارند، اشک می‌ریزد هر چند که دیده نمی‌شوند، فریاد می‌زند هرچند شنیده نمی‌شود و غصه می‌خورد هرچند کسی نیست آرامش کند، اوضاع وخیم‌تر از آنی است که او قدرت حرکت کردن یا گرفتن سرپناهی در این طوفان وحشتناک را داشته باشد. لحظه‌ای پلک‌هایش که از شدت گریه به سوزش افتاده‌اند روی هم می‌روند. بی‌اختیار گذشته را پیش رویش‌می بیند؛ نوعروسی را به چشم می‌بیند که میان هلهله قوم خویش به



محمد علی جناح پس از استقلال پاکستان، پرچمی که پشت جناح قرار دارد نخستین پرچم پیشنهادی برای پاکستان است و در سال های بعد یک حاشیه سفید رنگ هم به آن اضافه شد.



محمد علی جناح در دوران جوانی



محمد علی جناح در سال ۱۹۴۵

دخترشاه پریان می‌ماند، روزی که «شیرین و پونجا[1]» هم پیمان شدند تا در شادی و تلخی دست هم‌دلی به هم دهند و خانواده جناح باشند. پونجا جوان بود و در سرسودای پیشرفت داشت، شهر گوندال[2] نمی‌توانست تا ابد این جوان را در خود حبس کند از این رو یک‌سال پس از ازدواج و در سال ۱۸۷۵ به کراچی رفت تا تجارت چرم را آغاز کند و پنجره‌ای تازه به سوی افق بیکران کامیابی بگشاید. یک سال پس از عزیمت این زوج جوان به دروازه مشرق زمین، خداوند فرزندی به آنان هدیه داد که بعدها عَلَم آزادی خواهی مسلمانان شبه‌قاره را به دست گرفت.

شیرین بانو که اجدادش ایرانی بودند[3] انسانی پاک و خدا ترس بود و با عشقی که به اهل بیت پیامبر گرامی اسلام« ﷺ » داشت ترجیح داد نام فرزندش را محمد علی[4] بگذارد. محمد علی که ۵ ماهه شد شیرین بانو قصد کرد برای او عقیقه کند از همین رو سختی‌های بی‌شمار سفر

۱- پونجا جناح پدر محمد علی جناح و شیرین مادر محمد علی جناح

۲- شهری در ایالت گجرات هند که در منتهی جنوب غربی هند واقع است و فاصله چندانی با ایالت سند پاکستان ندارد.

۳- خاندان پدری و مادری محمد علی جناح در اصل ایرانی بودند و از مدت ها قبل ساکن هندوستان شده بودند / حوادث زندگی محمد علی جناح، پروفسور محمد اسلم صوفی ، ص ۳۳۷

۴- خانواده محمد علی جناح طبق اسناد موجود به شعبان خوجه اثناعشری تعلق داشتند .

IQBAL FORUM



محمد علی جناح به همراه لیاقت علی خان اولین نخست وزیر پاکستان

دریایی در سال ۱۸۷۵ را به جان خرید تا هم فرزندش را به اقوام نشان دهد و هم قربانی را به درگاه حسن پیر که آرامگاهش در روستای پانیلی[۱] است تقدیم نماید، ولی او نمی‌دانست که این سفر ساده نیست و محمد علی باید هفت خوان مصایب و مشکلات را یک به یک طی کند تا لیاقت رهبری مسلمانان شبه‌قاره را پیدا کند.

شیرین نفسی کشید و چشمانش را باز کرد بازهم طوفان بود که سمت او و کودکش یورش می‌برد، خشمگین‌تر از قبل، زن بیچاره زیر لب ذکر می‌گفت و از عمق دل بزرگان دین و مذهبش را به یاری می‌خواست.

نگاهش به مردهای تنومندی افتاد که از ترس، وحشت و عجز و ناتوانی به عرشه کشتی چسبیده‌اند و به آینده مبهم خود چشم دوخته‌اند، کسی چه می‌دانست شاید تا لحظاتی دیگر این الوارهای خسته و پوسیده عطای وحدت را به لقای آن بخشیده و ساکنان خوف‌زده خود را به قعر اقیانوس هند می‌سپردند، این کابوس مادر را بیش از پیش ترساند و بازهم ناخودآگاه کودکش را به سینه چسباند بی‌آن‌که بداند، جناح[۲] بال خواهد گشود به سوی تقدیری که تغییر به همراه دارد. بازهم مرغ خیالش اوج گرفت، کودکش به سن مدرسه رفتن رسیده بود و باهوش‌تر از همسن و سال‌های خود بود.

در سال ۱۸۹۳ محمد علی که ۱۸ ساله شده بود برای نخستین بار به انگلیس سفر کرد تا در کالج لندن ادامه تحصیل دهد، این اتفاق چندان عجیب نبود زیرا با توجه به این‌که انگلیس از طریق کمپانی هندشرقی برشبه‌قاره حکومت می‌کرد فرزندان بسیاری از خانواده‌های مرفه برای ادامه تحصیل به لندن می‌رفتند. استعداد رهبری و احقاق حق در سرشت محمد علی نهادینه شده بود و نامه‌ای که او در سن ۱۶ سالگی برای مدیرمدرسه نوشته دلیلی براین ادعاست، نامه‌ای که هنوز هم نسخه اصلی آن وجود دارد و متنش چنین است[۳]:

۱- روستای پدری شیرین بانو مادر محمد علی جناح که در ایالت گجرات هند واقع است.

۲- نام خانوادگی محمد علی ،جناح است که به معنای بال و پر است.

۳- حوادث زندگی محمد علی جناح، پروفسور محمد اسلم صوفی ، ص ۳۶۷

مدیریت محترم، با احترام به استحضار می‌رسانم به دلایل زیر استدعا دارم امتحان پایانی بنده را به زبان اردو اخذ نمائید:

۱- من اهل هند هستم و به زبان انگلیسی به من درس نداده‌اند.
۲- به دلیل تعدد زبان‌هایی که باید فرا می‌گرفتیم فرصتی برای آموختن انگلیسی پیدا نکردیم و اگر بخواهم برای امتحان اقدام به یادگیری زبان انگلیسی بنمایم، باید فرصتی طولانی برای آن صرف نمایم.
۳- آمادگی من از لحاظ علمی کامل است و شما می‌توانید به زبان‌هایی که موظف به یادگیری آن بودم هرپرسشی داشته باشید.
امیدوارم دلایل من مورد توجه شما قرار بگیرد و فرزند خود را در یادگیری بهتر علوم کمک نمائید.

محمد علی تا سال ۱۸۹۶ در لندن مانده و تحصیلاتش را ادامه داد و پس از بازگشت به هند فعالیت‌های سیاسی خود را نیز آغاز کرد تا این‌که سرانجام در سال ۱۹۱۳ موفق شد اولین قانون را به نفع مسلمانان به تصویب برساند.

در سال ۱۹۱۶ به عنوان رئیس حزب مسلم لیگ انتخاب شد و این نقطه عطفی بود در زندگی پر پیچ و خم محمد علی. او تربیت یافته مادری بود که شیرباور و اعتقاد به او خوراندە بود و همواره سایه پدری را برسرش دیده بود که آموزگار صبر و بردباری بود. دست نشاندگان انگلیس که زمام کار را به دست داشتند از هیچ سخت‌گیری و مشکل آفرینی برای مسلمانان شبه‌قاره دریغ نمی‌کردند و این دلیلی شد تا ۱۴ سال بعد و زمانی که علامه محمد اقبال لاهوری نظریه تاریخی خود را برای رهایی ابدی مسلمانان از چنگ کفر و شرک بیان کرد، جناح با تمام وجود این پیشنهاد را بپذیرد.

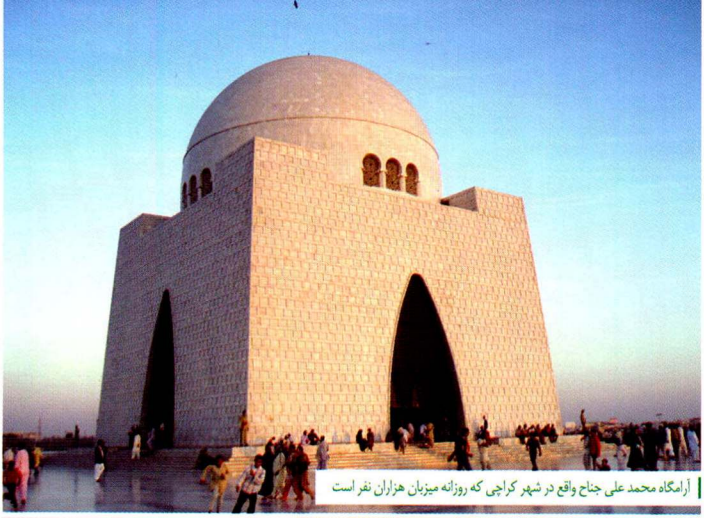
محمدعلی هم تلاش‌گر بود، هم قانون می‌دانست و هم رویای علامه اقبال راه‌کار و هدف را به او نشان داده بود، مسلمانان باید مستقل می‌شدند و او شبانه روز تلاش کرد تا این رویا محقق شود. محمد علی دنیا را نمی‌خواست او به دنبال آزادی مسلمانان بود، کشتار فجیع مسلمانان در سال ۱۹۴۶ گاندی را مجبور به پذیرش پیشنهاد محمدعلی کرد و به این ترتیب علی‌رغم تمام مشکلات و سختی‌ها، انگلیس نیز مجبور شد استقلال پاکستان را به رسمیت بشناسد.

سرانجام نخل تلاش‌های جناح ثمرداد و در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ پاکستان به دنیا هدیه داده شد، افسوس که علامه اقبال لاهوری نبود تا تعبیر رویای خود را به چشم ببیند و افسوس که جناح نیز ۱۳ ماه بعد یعنی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۸ چهره در نقاب خاک کشید و پاکستان را به نسل‌های پس از خود سپرد.[۱]

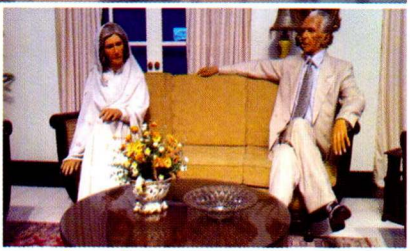
نور آفتاب به صورت شیرین بانو خورد و خوابش را ربود، چشمش به پهنه بی‌انتها و زیبای آسمان

۱- داون نیوز، ۲۰ دسامبر ۲۰۰۳، ذیل عنوان: "Remembering the Quaid"

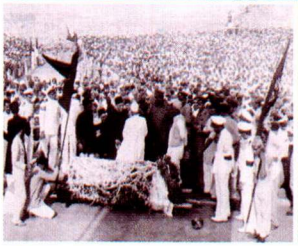
IQBAL FORUM



آرامگاه محمد علی جناح واقع در شهر کراچی که روزانه میزبان هزاران نفر است



بازسازی محل کار محمد علی جناح در موزه اسلام آباد، زنی که در تصویر مشاهده می شود فاطمه جناح خواهر او است



نماز جنازه محمد علی جناح در شهر کراچی-۱۲ سپتامبر ۱۹۴۸

افتاد این بار خورشید در آن لبخند می‌زد. خبری از آن طوفان وحشتناک نبود و محمد علی از اولین گرداب زندگی خود جان سالم به در برده بود.

مادر نگاهی به چشمان پرفروغ کودک خود انداخت و لبخندی به مهربانی زد، کشتی آرام سینه اقیانوس بی‌انتهای هند را می‌شکافت و پیش می‌رفت تا مادر نذرش را ادا کند و کودک به فکر خان دوم سختی‌ها باشد....



تصویری از علامه مشرق زمین اقبال لاهوری

اقبال لاهوری؛ ستاره اقبال اسلام

اقبال نه نامی است در میان نام‌ها و نه اندیشه او جرقه‌ای است بی‌ثمر، اگر بخواهیم حق نام اقبال را ادا کنیم می‌بایست او را از معین محدود مرز بندی‌ها خارج کنیم چرا که نه لاهور و نه پاکستان و نه این زمین ظرفیت در برگرفتن تمام دانسته‌های اقبال را نداشته و ندارد، **اقبال فرزند اسلام است و نامش نیزباید چنین باشد«اقبال اسلامی»**[1]

شاعربلند آوازه مشرق زمین ۱۸ آبان ماه ۱۲۵۶ در شهر«سیالکوت» چشم به صفحه گیتی گشود در دامان خانواده‌ای که تا دو قرن قبل از آن «برهمن» بودند و سپس به دین مبین اسلام گرویدند. زادگاه اقبال قلب کافرستان آن زمان بود ولی روح بلند اقبال هیچ‌گاه مقابل شرک و کفرسر خم نکرد و علی‌رغم تحصیل در معتبرترین دانشگاه‌های اروپا، ظواهردنیا فریبش نداد.

اقبال در آرزوی احیای تمدن اسلامی بود و شبی در خواب دید که کشوری به نام پاکستان قدم به این جهان گذاشته که مرزهای آن حریم امن مسلمانان است، او تعبیرخواب خود را به مرد میدان عمل «محمد علی جناح» سپرد و پیش از آن‌که تحقق رویای خود را ببیند در ۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ چهره در نقاب خاک کشید.

اقبال پدر بیداری اسلامی‌است، دردهایی که بر قلب اقبال چنگ افکنده‌اند دردهای نسل

۱- رحیم پور ازغدی،حسن، همایش اقبال منتظرترین یار امام، تهران۱۳۹۶

انقلابی ایران است، وشکی نیست که او در کسوت آموزگاری درد کشیده اندیشه آزادی و بیداری اسلامی را به دیگر کشورها هدیه داده است، اوست که برای نخستین بار وسوسه‌های زهرآگین غرب از جمله انگلیس را در جهان اسلام و در منطقه افشا کرد تا مسلمانان بدانند و بفهمند و به کار گیرند.[۱]

او نابغه‌ای است بی‌همانند که در انگلیس و آلمان درس خوانده ولی بی‌آن‌که استادی بزرگ به چشم ببیند خود تبدیل به اندیشوری بی‌همانند شده است، او فارسی را پیش هیچ استادی نیاموخته و هیچ‌گاه به ایران سفر نکرده است ولی ۷۰۰۰ بیت فارسی را چنان استادانه سروده که نسل‌های کنونی ما مبهوت عشق و ارادت اقبال به فارسی و ایران هستند.[۲]

اقبال به دنبال گوشی شنوا می‌گردد تا اندیشه‌های شگرف خود را در آن زمزمه کرده و سرود بیداری و آزاد اندیشی را بر ملتی بخواند ولی آن را نمی‌یابد، جوانان عرب را مخاطب می‌سازد ولی کسی صدایش را نمی‌شنود تا این‌که با جوانان عجم هم‌صدا می‌شود و عاشقانه زمزمه می‌کند: ای جوانان عجم جان من و جان شما... اقبال خود شیفته گوته بود و شیدای مولانا.[۳]

چراپاکستان؟

اقبالی روحی بزرگ دارد و از بند تعلق به مرزهای جغرافیای آزاد است، او فریاد برمی‌آورد که مبادا مسلمین به ملی‌گرایی افتاده و ارتباط‌شان با دیگر امت‌های اسلامی کم‌رنگ شود، و این است خط مشی وی. تلاش اقبال برای بیدار کردن ملت هندو نتیجه‌ای در برنداشت و سرانجام او را به این نتیجه رساند که «وحدت مسلمان و هندو غیرممکن است»، و از آنجا که مسلمان از جنگ و ظلم حذر می‌کند حکیم مشرق زمین و اندیشور بی‌همتای شبه‌قاره نخستین چراغ را در مسیر استقلال پاکستان روشن کرد.[۴]

اقبال بی‌مهابا فریاد زد که توحید و کفرباهم نمی‌سازند و مسلمانان نمی‌توانند زیربار ارزش‌های هند بروند، ما جنگ نمی‌خواهیم ولی طوق ذلت را نیز به گردن نخواهیم افکند، هدف یک چیز است «کشوری مستقل برای مسلمانان».[۵]

فرزند لاهور معتقد بود به جبر مرزبندی‌های اعتباری نمی‌توان دو ملت که هیچ سنخیت اعتقادی با هم ندارند را کنار یکدیگر نگه‌داشت، نژاد و قومیت و زبان و ملیت همه ارزش‌های ثانوی هستند

۱- همان

۲- رهبر معظم انقلاب در مورد اشعار فارسی اقبال می فرمایند: شعر فارسی اقبال به نظر من معجزه است.، کنگره اقبال لاهوری ۱۳۷۹

۳- رحیم پور ازغدی،حسن، همایش اقبال منتظرترین یار امام، تهران۱۳۹۶

۴- همان

۵- همان

IQBAL FORUM

و آنچه بیش از همه اهمیت دارد اعتقاد انسان است و از این رو مسلمانان باید در تلاش باشند تا اسلام مرزهای کشورشان را مشخص کند.[1]

هنوز از بند آب و گل نرستی — تو گویی رومی و افغانیم من؟

من اول آدم بی‌رنگ و بویم — از آن پس هندی و تورانیم من

او می‌گوید: عارفی که اهل مبارزه با غرب و ظلم و استکبار نیست ، بویی از عرفان و خدا شناسی نبرده است، روش ارتباط با غرب نیز در مرام اقبال روشن است تنقید غرب نه تقلید از غرب!

شرق را از خود برد تقلید غرب — باید این اقوام را تنقید غرب

و اوست که مسلمانان را به بیداری می‌خواند هرچند این بیداری به قیمت جان‌شان تمام شود، چرا که این جان وقتی ارزش می‌یابد که سرشت خداجوی آدمی را بپوید:

مصلحت در دین ما جنگ و شکوه — مصحلت در دین عیسی غار و کوه

زندگی را چیست رسم و دین و کیش — یک دم شیری به از صد سال نیش

۱- خبرگزاری تسنیم، ۱۸ آبان ۱۳۹۷، ذیل گزارش ویژه ولادت علامه اقبال لاهوری



تصویری فرضی از گفتگوی محمد علی جناح و اقبال لاهوری

و این اقبال بی‌آن‌که پاکستان را ببیند، پاکستان را بنیان می‌نهد و برای نسل‌های پس از خود پرواز را به یادگار می‌گذارد و می‌گوید: هرقدر که در اندیشه‌های دنیوی غوطه غرق شویم و از زیبایی‌های آن سخن برانیم باز هم باید بدانیم که اوج انسان به عروج اوست و پرگشودن در آسمان بندگی:[1]

ماهی بچه‌ای شوخ به شاهین بچه‌ایی گفت
این سلسله‌ی موج که بینی همه دریاست

دارای نهنگان خروشنده تر از میغ
در سینه‌ی او دیده و نادیده بلاهاست

با سیل گران‌سنگ و زمین وسبک خیز
با گوهر تابنده و با لولوء والاست

بیرون نتوان رفت زسیل همه گیرش
بالای سرماست ته پاست همه جاست

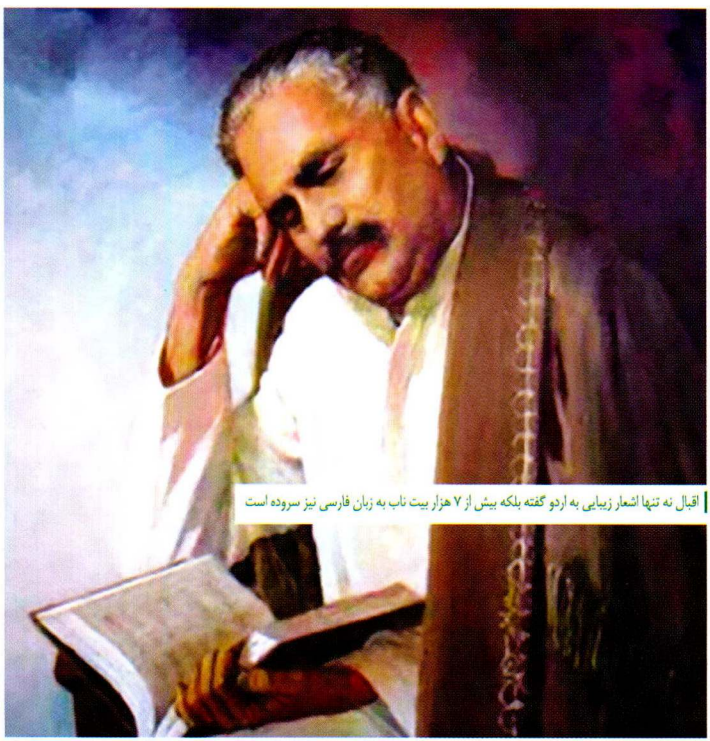
هرلحظه جوان است وروان است ودوان است
ازگردش ایام نه افزون شد و نی کاست

ماهی بچه را سوز سخن چهره برافروخت
شاهین بچه خندید و زساحل به هواخاست

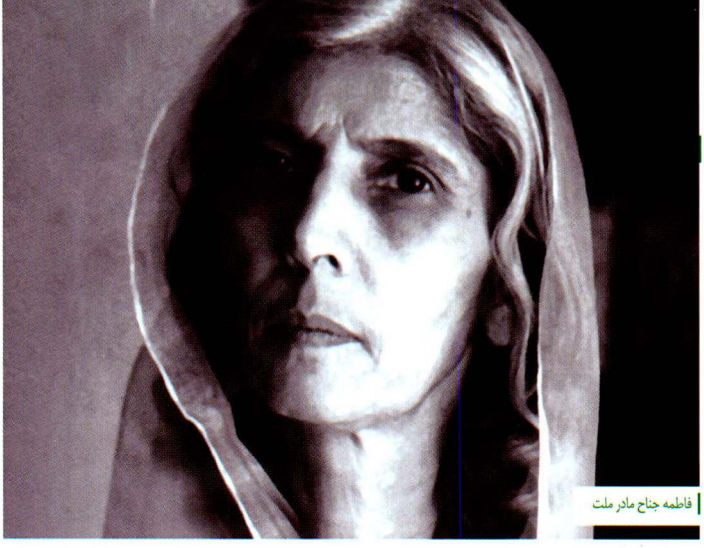
زدبانگ که شاهینموکارم به‌زمین چیست؟
صحراست که دریاست ته بال و پرماست

بگذر زسرآب و به پهنای هواساز
این نکته نبیند مگرآن دیده که بیناست

۱- همان



اقبال نه تنها اشعار زیبایی به اردو گفته بلکه بیش از ۷ هزار بیت ناب به زبان فارسی نیز سروده است



فاطمه جناح مادر ملت

فاطمه جناح؛ شکوه همراهی[1]

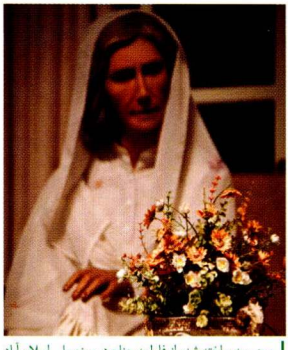
تاریخ نوابغی به خود کم ندیده که همسران‌شان تکیه‌گاه‌شان بودند و شریک زندگی‌شان همراه مسیر ترقی‌شان ولی نادرند خواهرانی که زندگی را وقف برادر کرده و مادرانه بسوزند و مهربیفشانند. محمد علی جناح برای استقلال کشورش عمرش را گذاشت و با تمام ذرات بدنش سختی راه را لمس نمود ولی اگر خداوند فاطمه را به او هدیه نمی‌کرد نیمی از مسیر پرفراز و نشیب استقلال طی نشده باقی می‌ماند. هرچند معدوداند تصاویری که از آن دوره به یادگار مانده‌اند ولی هر تصویری که در آن جناح را می‌بینیم به فاصله یک قدم، زنی سفید پوش چهره می‌نمایاند که گیسوان سپیدش حکایت از عمق دل نگرانی‌هایش دارد. فاطمه دار و ندار جناح بود، مادرش! پدرش! حتی همراه زندگیش، کسی که جای خالی همسر فقید جناح را پرکرده بود و حاضر نشد محمد علی را در میانه راه آزادی رها کرده و تشکیل خانواده دهد و در مقابل، جناح تمام هستی فاطمه بود. خشم فاطمه برای دفاع از محمد علی و آرمانش بود و لبخندش برای مسلمانان مظلومی که به آرمان جناح دل بسته بودند.

محمد علی ۱۸ سال بزرگ‌تر از خواهرش بود و در اصل آخرین فرزند خانواده جناح دختری بود که نامش را فاطمه گذاشته بودند، سال ۱۸۹۳ چشم به جهان گشود، دوساله بود که آسمانی شدن ستاره‌ای به نام مادر را دید و حماسه فداکاری فاطمه آغاز شد. مشیت الهی هشت سال بعد پدر را نیز از خانواده جناح گرفت و حکایت عشق این برادر و خواهر بر پرده روزگار جلوه‌گری خود را آغاز کرد.

خانواده جناح در سال ۱۸۹۵ به بمبئی رفته بودند و فاطمه با حمایت محمد علی قدم به مدرسه و سپس دانشگاه گذاشت، هوش سرشارش باعث شد تا در سال ۱۹۲۳ به‌عنوان یک جراح دندانپزشکی از دانشگاه کلکته فارغ التحصیل شود. علی‌رغم این‌که فاطمه در دانشگاه تدریس می‌کرد و آینده درخشانی پیش روی او بود ولی از سال‌های کوتاه همراهی با مادر درس

۱- حوادث زندگی محمد علی جناح، پروفسور محمد اسلم صوفی ، ص ۲۰۷

IQBAL FORUM





مجسمه ساخته شده از فاطمه جناح در موزه ملی اسلام آباد

فاطمه هیچ گاه از محمد علی جدا نشد و حاضر شد برای همراهی با برادرش زندگی خود را نیز فدا کند

مهرو محبت آموخته بود. تن بیمار مسلمانان شبه‌قاره که بیماری غم، اندوه و ظلم به آن رخنه کرده بود پرستاری فرشته خو نیاز داشت که جنسش از مهربانی باشد و این گونه شد که فاطمه به پای آرمان محمد علی زندگی خود را گذاشت، او نه تشکیل خانواده داد و نه پی منافع خود رفت، زندگی فاطمه، محمد علی بود. فعالیت‌های اجتماعی فاطمه و کمک‌های مشتاقانه او به مسلمانان زجرکشیده هند، پای محمدعلی را به قلب همه مردم باز کرد، و بی‌هیچ تردیدی عامل اصلی محبوبیت فراگیر محمد علی حضور خواهرش بود. روزگار هیچ‌گاه به روی فاطمه لبخند نزد و حتی زمانی که مسلمانان شبه‌قاره جشن استقلال پاکستان را به پا کرده بودند او هرشب از غم بیماری سل محمد علی می‌سوخت و روزها برای غربت و مشکلات مسلمانان بیچاره کمپ نشین اشک می‌ریخت و برای حل مشکلات‌شان در تکاپو بود.

او به سرعت انجمن زنان پاکستان را راه اندازی کرد و به این ترتیب بانوان پاکستان که می‌دیدند فاطمه دوشادوش محمد علی در میدان حاضر است امید گرفته و نیمی از بارسنگین استقلال را به دوش می‌کشیدند. افسوس که برادر تنها ۱۳ ماه پس از استقلال پاکستان تسلیم بیماری خود شد و چشم از جهان فرو بست تا شام پرغصه فاطمه نیزآغاز شود. مادر ملت پاکستان رفیق نیمه راه نبود و حتی پس از آن‌که برادر رخت سفربست یادگار برادرش که کشور پاکستان بود را رها نکرد، ولی تراژدی سختی آغاز شده بود. عده‌ای سیاست‌مدار دنیا طلب قصد کنار گذاشتن همیشگی فاطمه را داشتند. بلافاصله پس از مرگ جناح فاطمه ممنوع‌التصویرشد و کسی اجازه صحبت با وی را نیافت ولی فاطمه درس صبرو بردباری را خوب آموخته بود از این رو به فعالیت‌های عام‌المنفعه خود شدت داد. تحریم تا آنجا پیش رفت که حتی کتابی که فاطمه در مورد جناح نوشته و آن را «برادرم» نام‌گذاری کرده بود ۳۲ سال اجاز انتشار نیافت وهنگامی نسخه‌های آن به بازار رسید که دیگرفاطمه‌ای وجود نداشت.[۱]

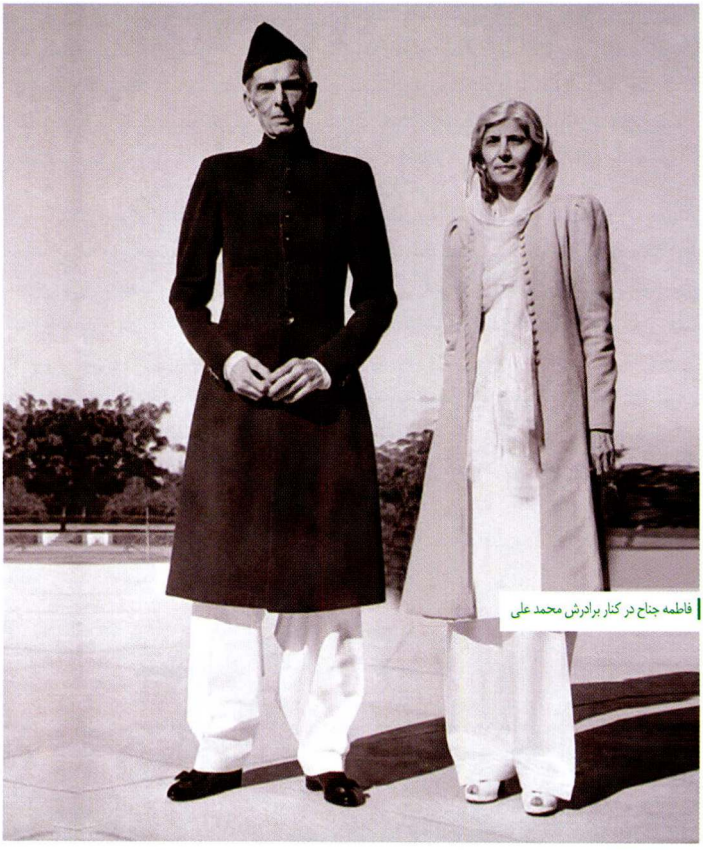
۱- همان ،ص۲۱۴

بارش غصه برزندگی فاطمه شدت گرفت تا این‌که دست تقدیردر سال ۱۹۶۵ تیرخلاص را نیزبه بانوی سخت‌کوش پاکستان زد، ضعف حکومت «ایوب خان» دیکتاتورآن سال‌ها باعث شد تا احزاب مخالف از فاطمه بخواهند قدم به میدان انتخابات گذاشته و با تکیه برمحبوبیت خود او را شکست دهد، اصرارها آنقدر زیاد شد که فاطمه این پیشنهاد را پذیرفت. شاید تصور می‌کرد این وظیفه‌ای است که نسبت به یادگار برادرش دارد تا پاکستان، پاکستان شود. نتیجه انتخابات شوکی بزرگ به روحیه فاطمه وارد کرد زیرا برخلاف واقعیت میدانی، خواهر محمد علی شکست خورده بود. هرچند شائبه تقلب گسترده نیزبسیار قوی بود ولی دو سال پس از این انتخابات جسم نحیف فاطمه دیگرغصه‌ها را تاب نیاورد و مادر ملک خداداد در سن ۷۵ سالگی از این دنیا رخت بربست.[۱]

حکام وقت حتی اجازه نمی‌دادند فاطمه کنار محمد علی دفن شود ولی خواسته نیم میلیون انسانی که در تشییع جنازه او شرکت کرده بودند چیز دیگری بود. فاطمه جناح در کنار برادرش آرام گرفت تا حکایتی بی‌نظیراز عشق خواهربه برادر در ضمیردنیا جاودانه شود.[۲]

۱- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی، انتشارات مکتب رحمانیه، سال ۲۰۰۷،ص ۸۰

۲- همان



فاطمه جناح در کنار برادرش محمد علی

لیاقت علی خان؛ مرد روزهای سخت[1]

تاریخ پاکستان در ایوان فراز و فرودهایش بارها شاهد طلوع مردانی بود که تفاوت آفریده‌اند و دگرگونی خلق کرده‌اند، شهر کرنال هند در سال ۱۸۹۶ چشمانش را به روی نوزادی گشود که طی سال‌های بعد دست راست جناح بود در مسیر آزادی و استقلال پاکستان.

لیاقت علی‌خان مرد میدان سیاست بود و خود طعم فقر و نداری را چشیده بود، وی از سال ۱۹۲۳ عضو حزب مسلم لیگ شد تا مدافع حقوق مسلمانان شبه‌قاره باشد، استعداد ذاتی و داشته‌های سرشارش باعث شد تا در سال ۱۹۳۶ و در سن ۴۰ سالگی دبیرکل بزرگ‌ترین حزب مسلمانان شبه‌قاره شود.

لیاقت‌علی‌خان از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۴۰ تجربه حضور در پارلمان ملی هند به‌عنوان نماینده را به دست آورده بود هم‌خوانی‌های فکری که با جناح داشت سبب شد تا دوشادوش او مسیر استقلال را طی کند. بی‌شک یکی از ماندگارترین لحظاتی که پاکستان در سینه خود آن را به یادگار دارد زمانی است که محمد علی جناح او را با افتخار به عنوان نخست وزیر انتخاب کرد با حقوق ماهیانه فقط یک روپیه! هدف جناح این بود که به نسل‌های بعدی یادآور شود که سیاست‌مدار یک کشور اسلامی تفاوت‌های عمده‌ای با سیاست‌مداران دنیا زده غربی دارد.

لیاقت‌علی‌خان به صورت هم‌زمان وزیر خارجه و وزیر دفاع پاکستان نیز بود و این یعنی کار شبانه روزی. دست تقدیر ۱۳ ماه پس از استقلال پاکستان جناح را گرفت تا لیاقت علی‌خان تنها بماند،

۱- طرح پاکستان در نگاه بنیانگذاران آن، دانشگاه بین المللی اسلامی، محمد یوسف فاروقی،۲۰۰۵، ص۱۱۷



لیاقت علی خان در کنار محمد علی جناح بنیان گذار پاکستان



حقوق نخست وزیری لیاقت علی خان تنها یک روپیه در ماه بود

IQBAL FORUM

افسوس که شکوه دوران از خودگذشتگی‌های نسل نخست پاکستان با غرب زدگی برخی سیاست‌مداران از جمله همسر لیاقت علی‌خان همراه شد تا جائی که ابراز علاقه آنان به آمریکا و ورودشان به تنش‌های میان شوروی و آمریکا عواقب جبران ناپذیری به بار آورد. آخرین فصل از اقدامات لیاقت‌علی‌خان تصویب قانونی به نام «مقاصد» بود تا گروه ها و احزاب مذهبی را از تحرکات بیش از اندازه منع کند ولی این قانون نتیجه‌ای معکوس داشت و به سرعت تاثیرات منفی آن برمحبوبیت لیاقت علی خان جلوه کرد.

بزرگ‌ترین معمای تاریخ پاکستان[1]

زمان برگ خورد و به تاریخ ۱۶ اکتوبر سال ۱۹۵۱ رسید، ۴ سال و ۲ ماه از تولد پاکستان گذشته بود و در هوای سرد پائیزی قرار بود، لیاقت علی خان نخست وزیر بزرگ‌ترین کشور اسلامی جهان برای ۵۰ هزار نفراز مشتاقانی که در کمپانی باغ شهر راولپندی گرد هم آمده بودند سخنرانی کند.

نخست وزیر حدود ساعت ۴:۱۵ دقیقه وارد محل سخنرانی شد بی‌آن‌که هیچ کدام از سران کشوری و ایالتی مسلم لیگ به استقبال او آمده باشند، لیاقت لبخندی زد و در جایگاهی که برایش آماده شده بود آرام گرفت، مردم در حمایت از نخست وزیرمحبوب خود شعار می‌دادند، در نخستین صف سران نظامی و نیروهای ارشد پلیس حضور داشتند و در صفوف بعدی سران سیاسی کشور، حائلی فلزی بین افراد ویژه و مردم عادی قرار داده شده بود تا امنیت سیاست‌مداران تضمین شود، همه چیزآرام به نظر می‌رسید و البته عادی بی‌آن‌که کسی بداند که این آرامش پیش از طوفان است. مسئول منطقه‌ای حزب مسلم لیگ«مسعود صادق» سخنرانی خود را با تشکراز لیاقت علی خان به پایان رساند و حال نوبت مرد شماره یک کشور بود که با مردم سخن بگوید و اهداف مشترکش با قائد اعظم را بیان کند.

لیاقت نفس عمیقی کشید و گفت: «برادران هم وطن» ناگهان صدایی وحشتناک بلند شد، دوبار پیاپی! سینه لیاقت علی خان شروع به سوختن کرد انگار آتش به جانش افتاده بود، جوانی را مشاهده کرد که از بین نیروهای ارشد پلیس بلند شده و او را هدف قرار داده است، سینه‌اش خیس شده و انگار خون دل‌هایی که سال‌ها از دیدن مظلومیت مسلمانان شبه‌قاره خورده بود داشت فوران می‌زد و او را به سمت دوست قدیمی‌اش جناح می‌برد. زبانش سنگین شده بود و از گلوی خشکش نفسی عبور نمی‌کرد، با آخرین توان فریاد زد: «برادران من رفتم ، خدا نگهدار پاکستان....» سپس سکوت کرد و آرام گرفت و صحنه‌های مبهم اطرافش را به تماشا نشست.[2]

۱- تاریخ پاکستان وعملکرد حکمرانان، جانباز، محمد علی ، انتشارات مکتب رحمانیه ، سال ۲۰۰۷،ص ۵۹

۲- همان،ص ۶۰

IQBAL FORUM

یکی از افسران ارشد پلیس به نام نجف علی فریاد زد: «چه کسی شلیک کرد؟ او را بکشید؟»، مردم قاتل را گرفته و در حالی که حتی اسلحه او را نیز ضبط کرده بودند، پلیسی به نام محمد شاه قدم پیش گذاشت و ۵ گلوله به سینه سیداکبر افغانی شلیک کرد و او را کشت. تمام ماجرا ظرف کم‌تر از یک دقیقه رخ داد ولی علی‌رغم گذشت ۶۵ سال هنوز کسی نتوانسته به چند سوال پاسخ دهد:

- این جوان افغانستانی در پاکستان چه می‌کرد؟ چگونه اجازه پیدا کرده بود به صف اول که فقط نیروهای ارشد نظامی در آن حاضر بودند برسد؟ چرا پس از ترور به جای دستگیر کردن او، پلیس با عجله او را به رگبار بست در حالی که تفنگش نیز ضبط شده بود؟ او به کدام حزب و گروه وابسته بود و چرا لیاقت علی خان را ترور کرد؟ بعدها دولت افغانستان نیز مدعی شد که سید اکبر به دلیل داشتن اقداماتی علیه امنیت ملی، سلب تابعیت شده و دولت انگلیس او را به پاکستان منتقل کرده و از خزانه این کشور ماهانه ۱۵۰ دلار به او حقوق پرداخت می‌کرده است.

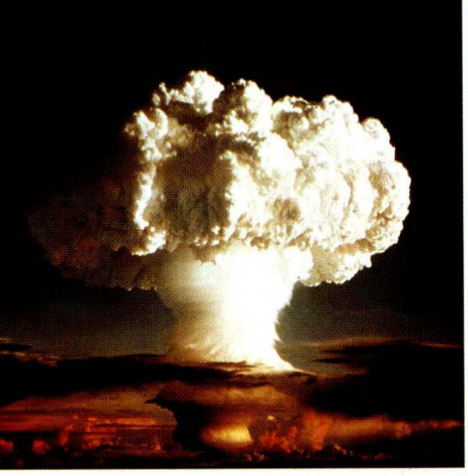
اینها معماهای حل نشده تاریخ پاکستان است! و اما لیاقت علی خان! او را که به شدت زخمی شده بود در ماشین «نواب مشتاق» وزیر امور کشمیر قرار داده و به بیمارستان منتقل کردند ولی اولین نخست وزیر پاکستان به دلیل شدت جراحات وارده در یک بیمارستان نظامی از دنیا رفت. حکایت مرموز این باغ اما به اینجا ختم نشد! کمپانی باغ را لیاقت باغ نام نهادند، و درست در همین نقطه بزرگ‌ترین سیاست‌مدار زن تاریخ پاکستان یعنی بی‌نظیر بوتو ۵۶ سال بعد به طرز مشکوکی ترور شد.



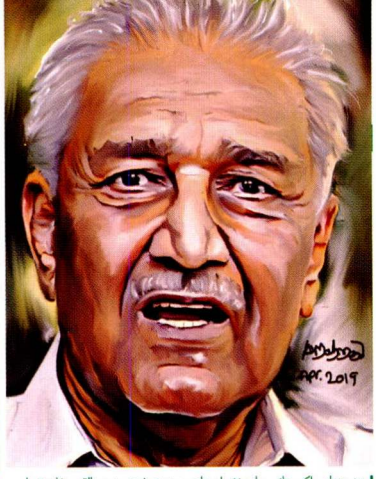
لیاقت علی و همسرش در دانشگاه ام آی تی آمریکا



لیاقت علی خان و رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۵۰



صحنه منتشر شده از انفجار بمب اتمی پاکستان و آزمایش موفقیت آمیز آن در سال ۱۹۹۸



هنرمندان پاکستانی برای نشان دادن محبت خود به عبدالقدیرخان تصاویر او را نقاشی می کنند و در مناسبت های مختلف از آن رونمایی می کنند

عبدالقدیرخان، هدیه‌ای برای امنیت

امنیت و سلامت دو نعمتی هستند که لحظات نبودشان قدر لحظات وجودشان را یادآوری می‌کنند، حق تعالی دفاع را به هرموجودی هدیه داده تا از جان خویش محافظت نماید و دشمن را از خود دور کند پاکستان نیز از این قاعده مستثنی نبود. کشوری که پیش از یافتن دوستی هم پیمان و حتی پیش از ولادت، دشمنی داشت که در انتظار نابودی آن بود. جنگ‌های شکل گرفته در تاریخ این کشور گواه براین ادعاست که؛ اگر کشور مسلمان پاکستان لحظه‌ای غفلت می‌کرد، پاسخ آن را با جدا شدن بخشی از وجودش دریافت می‌کرد، جدایی بنگلادش نیز نتیجه غفلتی این چنینی است.

از این بُعد اگر بر مسئله تاملی داشته باشیم دکتر عبدالقدیرخان را فرشته نجاتی می‌یابیم که امنیت را در سایه قدرت دفاعی به ملک خداداد هدیه کرد. نابغه پاکستانی در سال ۱۹۳۶ در بهوپال چشم به جهان گشود و در دامان خانواده‌ای که به پشتو و اردو سخن می‌گفتند پرورش یافت، دست تقدیر عبدالقدیر را به اروپا کشاند تا در رشته مهندسی متالوژی از دانشگاه‌های آلمان، هلند وبلژیک فارغ التحصیل شود، هوش سرشارش باعث شد تا به دانشمندی فرهیخته مبدل شود که هر کشوری آرزوی داشتن او را در سر می‌پروراند ولی عبدالقدیرخان هدیه‌ای بود برای پاکستان.[1]

او به این می‌اندیشید که چگونه از قدرت علم برای افزایش توان دفاعی کشورش بهره ببرد تا این‌که روزی ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر وقت پاکستان او را دعوت کرد تا به اندیشه‌هایش جامه اجرا بپوشاند. عبدالقدیر بلافاصله مدیریت پروژه اتمی پاکستان را به دست گرفت و در آزمایشگاهی که در دوران ضیاءالحق به اسم آزمایشگاه مهندسی عبدالقدیر نام‌گذاری شد رسما کار خود را آغاز کرد. تلاش شبانه‌روزی او در کنار همکاری جمعی دل‌سوز باعث شد تا

۱- برگرفته از نشریه theatlantic مورخ ۱نوامبر ۲۰۰۵؛ ذیل مقاله: the warth of khan

IQBAL FORUM

در کم‌تر از هشت سال به چنان موفقیتی دست یابد که به تعبیر خودش دانشمندانی که جایزه نوبل را دریافت کرده بودند متعجب شدند. عبدالقدیر که از تلاش‌های هند برای دستیابی به سلاح هسته‌ای آگاه بود، در یک گفتگوی خصوصی به «نواز رضا» خبرنگار نوای وقت گفت: ترس من این است که اسرائیل با توجه به روابط نزدیکی که با هند دارد، دهلی‌نو را به حمله تشویق کند و آن‌ها به پشتوانه سلاح هسته‌ای کشورما را نابود کنند. ما برای دفاع از خود به سلاح هسته‌ای نیاز مبرم داریم.[1]

دانشمند برجسته پاکستانی که بالاترین نشان افتخار کشور با نام «نشان امتیاز» را نیز دریافت کرده است کوشید و سرانجام به منزل مقصود رسید، پاکستان مدت‌ها در پی فرصتی بود تا به صورت رسمی بمب هسته‌ای خود را آزمایش کرده و اولین کشور اسلامی شود که به قدرت هسته‌ای مجهز می‌شود. آزمایش ۵ بمب هسته‌ای توسط هند در ابتدای ماه می سال ۱۹۹۸ بهانه لازم را به پاکستان و عبدالقدیرخان داد تا اثبات کند که چه استعدادهای بی‌نظیری دارد.

آمریکا و دیگر کشورهای غربی تمام تلاش خود را به کار بستند تا پاکستان دست از آزمایش هسته‌ای خود بردارد، بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا شخصا ۵ بار به نواز شریف نخست وزیر وقت پاکستان زنگ زد، او را تطمیع کرد و وعده ۵ میلیارد دلار کمک بلاعوض داد، تهدید کرد و از جنگ و تحریم‌های سخت او را ترساند ولی پاسخ پاکستان یک چیز بود: قدرت هسته‌ای برای دفاع.[2]

صدای ۶ انفجار عظیم که از کوه‌های چاغی ایالت بلوچستان بلند شد و بمب‌های اتمی پاکستان با موفقیت آزمایش شدند همه کشور تمام قد به احترام فرزند نابغه خود عبدالقدیرخان ایستادند ولی افسوس که این دانشمند برجسته در سال‌هایی از عمرش گرفتار قهر حکامی شد که حلقه به گوش آمریکا شدند و به بهانه‌های مختلف او را ممنوع الملاقات و خانه نشین کردند، سال‌های سختی که مونس عبدالقدیر تعدادی حیوان خانگی شدند!

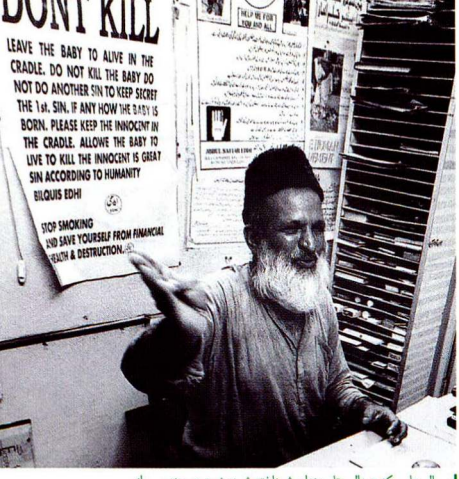
هلند او را به دزدیدن اطلاعات سرّی و سوءاستفاده از آن‌ها متهم کرد و رسانه‌های غربی عبدالقدیر را عامل فروش اطلاعات هسته‌ای به کشورهای مختلف معرفی کردند تا او را منفور کنند ولی حقیقت پشت پرده نماند و مدتی بعد دادگاه عالی هلند او را به صورت کامل تبرئه کرد. دادگاه پاکستان نیز او را بی‌گناه دانسته و زندگی عادی دانشمندی که ۸۰ سال برای کشورش تلاش کرده بود بازگشت.[3]

اینک بیش از ۲۰ سال از تجهیز پاکستان به قدرت هسته‌ای می‌گذرد، و نسل کنونی پاکستان باور نمی‌کنند کسی آن‌ها را به جنگ و غارت کشورشان تهدید کند!

۱- همان

۲- ای.آر.وای نیوز ۲۰می۲۰۱۸،ذیل عنوان: بیست سالگی صنایع هسته‌ای پاکستان

۳- نیویورک تایمز، ۱۶آوریل ۲۰۱۶ذیل عنوان: Chronology: A.Q. Khan



سال هایی که عبدالستار چندان شناخته شده نبود هر چند پس از مشهور شدن هم رفتار وی تفاوتی نکرد



ایدی تمام کودکان بی سرپرست را فرزندان خود می دانست

عبدالستار ایدی؛ مسیح غریبان:[1]

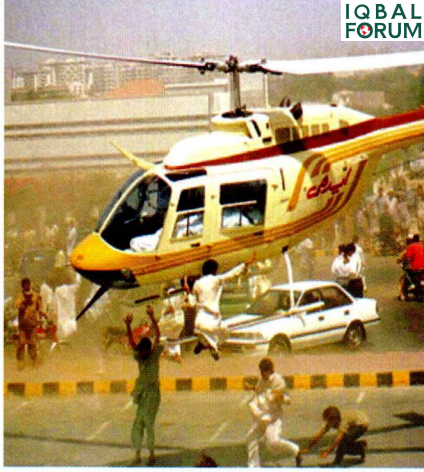
بارها حسرت لحظات گذشته را خورده بود و در سوگ اشتباهش اشک ریخته بود ولی چه سود که اینک کودکی بی‌گناه بردامان داشت که جور گناه والدینش را می‌کشید، این آخرین راهی بود که پیش روی او قرار داشت تا از مرگ نوزاد جلوگیری کند، حتی روی آن را نداشت که به چشمان پر فروغ نوزادش نگاه کند شاید حس می‌کرد لیاقت واژه مقدس مادر را ندارد ، خیابان‌های کراچی در تاریکی این شب سرد زمستانی خلوت بودند و هراز گاهی عبور ماشینی بلور سکوت شهررا فرو می ریخت، از دور چشمش به تابی افتاد که با تاب‌های دیگرجهان فرق داشت! تابی که قرار بود خانه جدید نوازدش باشد، اگرهنوز هم ذره‌ای تردید داشت نگاهش که به نوشته روی تابلود افتاد، قلبش آرام گرفت، کودک را روی تاب گذاشت و با سرعت دور شد در حالی که نوشته روی تابلو را در ذهنش مرور می‌کرد: « انتقام گناه خود را از کودکان معصوم نگیرید، آن‌ها را روی تاب قرار دهید تا ما آن‌ها را پرورش دهیم»

این تاب یکی از ابداعات بزرگ‌ترین خیر و نیکوکار پاکستانی «عبدالستار ایدی» بود، تابی که طی چند سال جان بیش از ۴۰ هزار نوزادی که می‌رفت قربانی گناه والدین خود شوند را نجات داد و سپس خیریه ایدی در پرورش‌گاه‌های مخصوص کفالت این کودکان را به عهده می‌گرفت تا زمانی که جوانانی بالغ شوند و هریک مسیرزندگی خود را پیش بگیرند.[2]

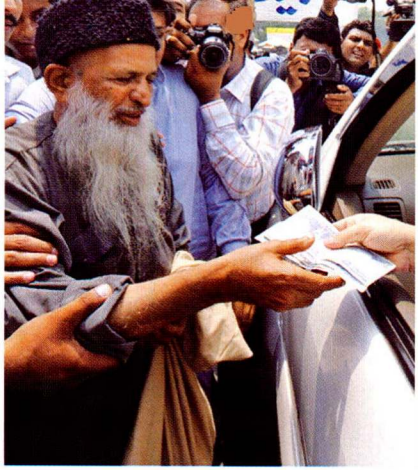
اگرچه بارها تندروها و افراط‌گرایان تلاش کردند تا با صدور فتوای کفرو ارتداد مانع فعالیت عبدالستار ایدی شوند ولی او کسی نبود که اراده پولادینش برای راه اندازی «تاب نجات» دست‌خوش این گزافه‌گویی‌ها شود. نام «ایدی» با خدمت عجین است. وی در سال ۱۹۲۸ در شهربانتوا از ایالت گجرات چشم به جهان گشود و در دامان خانواده‌ای که از اهل سنت میمن بودند پرورش یافت. ایدی از ابتدای عمربا پرستاری و مراقبت از بیماران آشنا شد و در حالی‌که تنها

۱- وبگاه رسمی بنیاد ایدی به نشانی edhi.org بخش معرفی بنیاد.

۲- پایگاه خبری «همای وب»؛ ذیل عنوان: ایدھی کا جھولا اوراس کا انعام



بنیاد ایدی برای کمک به مردم نیازمند به سرویس آمبولانس هوایی هم مجهز شد



عبدالستار زمانی که کسی او را نمی شناخت برای فقرا کیسه گردانی می کرد و زمانی هم که مشهور شد کار خود را عوض نکرد

۱۱ سال داشت پرستار مادر فلجش شد، از خورد و خوراک و نظافت گرفته تا رفت وآمد و دیگر امور شخصی پیرزن به عهده عبدالستار بود و نوجوان مشتاق آن روزها ۶۵ سال تمام این مسیر را ادامه داد. خاطراتی که ایدی از آن زمان به یاد می‌آورد دو چیز بود اولاً بی‌توجهی دولت هند به فقر خانواده ایدی و وضعیت وخیم مادرش و دیگری آخرین وصیتی که از مادر در گوش او به یادگار مانده بود؛ «آن گونه که به من خدمت کردی به تمام انسان ها خدمت کن».[۱]

در سال ۱۹۴۷ عبدالستار ۱۹ ساله همراه خانواده‌اش به بزرگ‌ترین هجرت تاریخ پیوسته و راهی کراچی شدند تا در ملک خداداد زندگی کنند، ایدی می گوید خاطرات سیاه و سفیدی از آن دوران در ذهنم است، مال و دارایی خود را رها کرده و به جایی هجرت کردیم که نه در آن شغلی داشتیم و نه خانه‌ای، نه امکاناتی میسربود و نه قوم و خویشی دیده می‌شد، تنها دل خوشی ما این بود که ساکن یک کشور اسلامی شدیم و از کافرستان نجات پیدا کردیم.[۲]

هم‌زمان حماسه خدمت ایدی نیز آغاز شد، در سال ۱۹۵۱ عبدالستار ۲۴ ساله موفق شد ۵۰۰۰ روپیه پول فراهم کرده و طبقه دوم یک مغازه را بخرد و آنجا را تبدیل به درمانگاه خیریه کند، او از پزشکی که در این مرکز خدمت می‌کرد مطالب فراوانی آموخت، و ۶ سال بعد بیرون شهر کراچی چادرهایی دایر کرد که به مردم وبا زده به صورت رایگان خدمت می‌کردند، ایدی از طریق کیسه گردانی در خیابان ها ۲۰۰ هزار روپیه کمک مردمی جمع کرد و ساختمانی بزرگتر خرید و مجموعه‌ای جهت آموزش پرستارها احداث کرد.

این نقطه گسترش فعالیت های ایدی بود و در سال های بعد عبدالستار سرویس بی‌نظیر آمبولانس خود را نیز آغاز کرد، در ابتدا شهر کراچی فقط یک آمبولانس داشت که متعلق به عبدالستار ایدی بود، او در حالی که کلاهی پیش روی خود گذاشته و کمک های مردمی جمع می‌کرد

۱- اکسپرس تریبون، ۸جولای۲۰۱۶، ذیل عنوان: Abdul Sattar Edhi passes away in Karachi

۲- همان

در بیرون ساختمان بیمارستان انتظار می‌کشید تا شخصی دوان دوان آمده و از او کمک بخواهد ایدی بلافاصله سوار برآمبولانس می‌شد و به کمک آن بیمار می‌شتافت، در آن زمان حتی تلفن وجود نداشت ولی رفته رفته شرایط تغییرکرد و بنیاد خیریه ایدی صدها شعبه در داخل پاکستان و حتی کشورهایی نظیرآمریکا، استرالیا، ژاپن، روسیه، افغانستان، سودان، اتیوپی وبنگلادش افتتاح کرد که میزان تراکنش مالی آن‌ها در طول سال از مرز ۲ میلیارد دلار عبور می‌کرد، ولی عبدالستار عوض نشد.[۱]

او پیرمرد ساده پوشی بود که هرروز ساعت ۴ صبح از خواب بیدار می‌شد، پس از خواندن نماز و تلاوت قرآن به عنوان صبحانه نان خشک و شیر می‌خورد و در طول عمر هیچ‌گاه به سیگار لب نزده بود. سپس کلاه یا پارچه برمی‌داشت و می‌رفت تا برای فقرا و نیازمندان کمک جمع کند.[۲]

ایدی هیچ‌گاه زیربار کمک‌های دولتی نرفت حتی زمانی که هند به او پیشنهاد کمک ۱۰ میلیون دلاری داد، عبدالستار آن را نپذیرفت! در پاکستان نیزبارها تلاش کردند تا ایدی را فریب داده و از خیریه محبوب او سواستفاده کنند ولی عبدالستار هیچ گاه نپذیرفت. بنیاد ایدی با در اختیار داشتن ۱۸۰۰ دستگاه آمبولانس به بزرگ‌ترین سرویس آمبولانس جهان تبدیل شده بود، که ۳۷۵ شعبه داشت و ۷۰۰۰ کارمند برای آن کار می‌کردند، ولی بازهم ذره‌ای در خوی و منش ساده ایدی تاثیرنگذاشته بود.[۳]

یکی از ویژگی‌های خاص ایدی نگاه انسانی او به تمام انسان‌ها از هر مذهبی بود، آن‌ها بزرگ‌ترین سرویس کفن و دفن اموات را به صورت رایگان داشتند ولی هرمرده‌ای را به آئین و کیش خود او غسل و دفن می‌کردند. بی‌لیاقتی برخی سیاست‌مداران بارها ایدی را به اشک نشانده بود و می‌اندیشید اگر سیاست‌مداران نیزمانند او شیفته خدمت بودند هیچ‌گاه کشور طعم تلخ مشکلات را نمی‌چشید ولی افسوس که هیچ سیاست‌مداری گوش شنیدن حرف‌های او را نداشت.[۴]

ایدی خانواده پر رونقی داشت زمانی به شوخی می‌گفت: من از هر دختری خوشم آمد از او خواستگاری کردم و از ۱۳مورد خواستگاری ۴ بار پاسخ مثبت شنیدم ونکته جالب این است که خانواده و فرزندان ایدی نیز عاشقانه به مستضعفین خدمت می‌کنند. عبدالستار سواد چندانی نداشت ولی خدمت به خلق چنان اعتباری برای او به ارمغان آورد که دانشگاه‌های مدیریت تجاری کراچی و «برد فورد» انگلیس برای او دکترای افتخاری صادر کردند.

۱- پایگاه خبری tehstar، منیر احمد، ۸جولای۲۰۱۶، ذیل عنوان: فرشته نجات پاکستان

۲- اکسپرس تریبون، ۸جولای۲۰۱۶، ذیل عنوان: Abdul Sattar Edhi passes away in Karachi

۳- همان

۴- همان

IQBAL FORUM

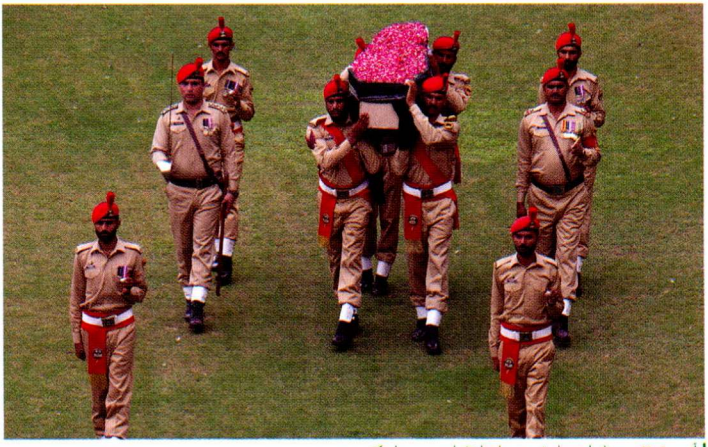
سرانجام این مرد بزرگ که هیچ‌گاه ازخدمت به فقرا و نیازمندان خسته نشد و از پای ننشست در سال ۲۰۱۶ جان‌به‌جان آفرین تسلیم کرد تا پاکستان بزرگ‌ترین خیرونیکوکارش را از دست بدهد و ایتام و بچه‌های گم‌شده و افراد ناتوان ذهنی پدر مهربانشان را.[۱] فرزندان ایدی راه پدر را ادامه داد ولی چارپایه‌ای که ایدی برروی آن نشسته و کلاه به دست کمک‌های مردمی را جمع می‌کرد برای همیشه در حسرت او می‌سوزد و از فراقش اشک می‌ریزد.



ایدهی تلاش می کرد بر بالین بیماران حاضر شود



سرویس آمبولانس ایدی از یک آمبولانس کار خود را شروع کرد ولی به بزرگترین مجموعه آمبولانس جهان تبدیل شد

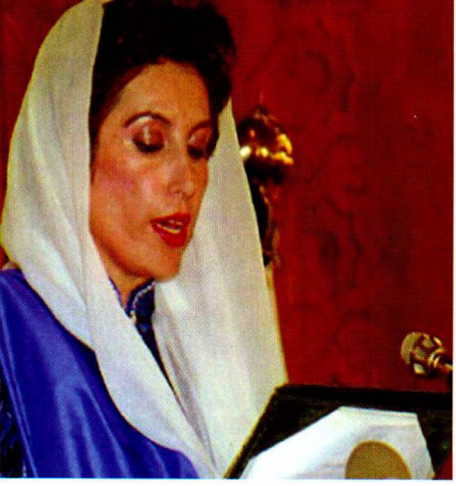


آئین ویژه تشییع جنازه ایدی با حضور ده ها هزار نفر از مردم و سران کشوری

۱- پایگاه خبری tehstar، منیر احمد، ۸جولای۲۰۱۶، ذیل عنوان: فرشته نجات پاکستان



بی نظیر بوتو بزرگترین سیاستمدار زن جهان اسلام و اولین نخست وزیر زن تاریخ پاکستان است



بی نظیر بوتو در حال به جا آوردن آئین سوگند نخست وزیری در سال ۱۹۹۳

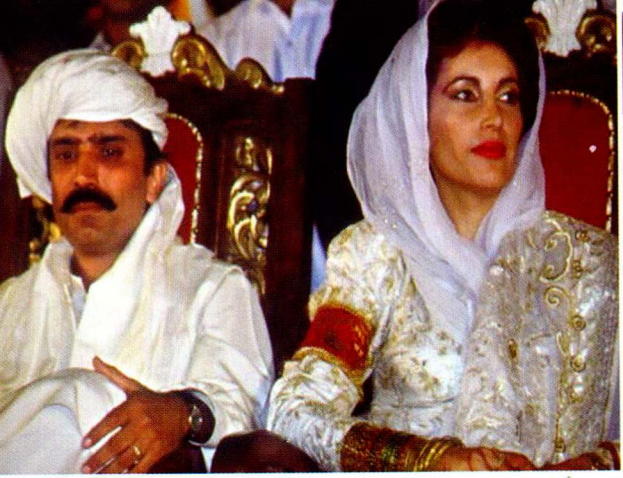
بی‌نظیر بوتو؛ ملکه دنیای سیاست

کراچی غرق در شور و شادی بود و خیابان‌های شهر قائد اعظم گل لبخند به مردم هدیه می‌دادند، جوانان شهر عرض «شاهراه فیصل» را پرکرده بودند و برای رسیدن به صف نخست از هم سبقت می‌گرفتند، اگرچه پائیز بود ولی آفتاب دست از سر کراچی برنداشته بود، و جمعیت انبوه عرق ریزان حرکت می‌کردند درمیان این جمعیت درهم تنیده خودروی فردی حرکت می‌کرد که مدعی ایجاد تغییرات کلان سیاسی به نفع مردم بود ، دخترمشرق پس از هشت سال تبعید خود خواسته، برگشته بود تا فرشته نجات مردمی باشد که غرق در رنج و ماتم شده بودند، بی‌نظیر بوتو غرق در شادی مسیر شاهراه فیصل را به سمت مزار محمد علی جناح طی می‌کرد و ده‌ها هزار نفراز طرفداران حزب مردم او را مشایعت می‌کردند که ناگهان صدایی مهیب بلند شد و زمین به لرزه درآمد، گویی پاره‌ای از شهر کراچی گرفتار آذرخشی عظیم شده باشد، بوی چندش‌آور باروت فضا را پرکرد، بویی که شهرآن را به خوبی می‌شناخت زیرا بارها شاهد پرپرشدن فرزندان خود بود و روزها در داغ عزیزانش به سوگ می‌نشست ولی این بار حکایت متفاوت بود ، انفجار وحشتناک تراز هرزمان دیگری بود و در یک لحظه ۱۵۰ مادر به سوگ فرزندان پرپرشده خود نشستند.[۱]

جهان برای کراچی اشک می‌ریخت و در میان همهمه وحشت زده مردم بیش از ۴۰۰ نفرمجروح شدند،[۲] صحنه انفجار با خودروی بی‌نظیر بوتو فاصله داشت ولی نه آن‌قدری که دل او را نلرزاند، با دلهره فرزندانش را به آغوش کشید و حرکت کاروان متوقف شد، هم‌زمان با حضور صدها آمبولانس، ماشین پلیس، و های‌روف‌های ویژه شبکه‌های تلویزیونی به محل حادثه، بی‌نظیر فرصتی یافت تا به گذشته خود بینیشد گذشته‌ای که مرورش ناخواسته بود؛

۱- آلن بروک، بی نظیربوتو؛دختریسندیده، نیویورک، آمازون- ۲۰۱۶

۲- همان



عروسی آصف علی زرداری و بی نظیر بوتو- بلاول رئیس کنونی حزب مردم حاصل این ازدواج است



بی نظیر بوتو در حال سخنرانی

۲۱ ژوئین ۱۹۵۱ که خانواده ذوالفقار علی بوتو غرق در شادی بود و بی‌نظیر قدم به این کره خاکی گذاشت ، هم‌زمان با اوج‌گیری قدرت سیاسی پدر، بی‌نظیر شایستگی‌های خود را به رخ دیگران می‌کشید، ۱۷ سال بعد او در دانشگاه هاروارد مشغول تحصیل بود و در غربت اشک می‌ریخت که چرا دیگر راحتی دوران کودکی را ندارد هر چند آینده به او فهماند که سختی‌ها بیشتری پیش روی او است، او ۴ سال بعد وارد دانشگاه آکسفورد شد تا در رشته علوم سیاسی فارغ‌التحصیل شود.[۱]

دختر نخست وزیر مقتدر پاکستان در سال ۱۹۷۷به کشور بازگشت تا وارد حوزه سیاست خارجی شود، او احتمالا تلاش داشت با تکیه بر قدرت پدری، پست وزارت خارجه را از آن خود کند ولی طعمه تقدیر شد چرا که تنها ۲ هفته پس از بازگشت وی به کشور، ضیاءالحق با یک کودتا حکومت ذوالفقار علی بوتو را ساقط کرد.[۲]

دیکتاتور جدید می‌دانست، که بی‌نظیر بوتو شخصیت کمی نیست لذا دستور داد که او را درخانه زندانی کنند، به این ترتیب بانوی بزرگ سیاست پاکستان در سن ۲۶ سالگی اولین چالش بزرگ عمر خود را تجربه کرد و حبس شد، زمان به نفع بی‌نظیر نمی‌گذشت و ۲ سال بعد به دستور دادگاه پدر بی‌نظیر اعدام شد، اتفاقی که یک شبه بی‌نظیر را از دختری نازپرورده به زنی صبور تبدیل کرد.[۳]

ولی او اخم نکرد و تسلیم نشد ایستاد و به جنگ تقدیر رفت، در سال ۱۹۸۴ سرانجام حبس خانگی او به اتمام رسید و او با سخنرانی‌های آتشین و تکیه بر اعتبار نام پدر اولین شگفتی عمر خود را خلق کرد. در سال ۱۹۸۸ او اولین نخست وزیر زن دنیای اسلام و پاکستان شد، پُستی که تنها ۲۰ ماه به او وفا کرد و پس از آن به جرم فساد اداری و اقتصادی از سمت خود عزل شد

۱- باتیا شیام، خداحافظی شاهزاده، ذیل مقاله: بیوگرافی بی نظیر بوتو، ۲۰۰۸، آمریکا

۲- همان

۳- امیر احمدسومرو و علی نواز، نقش بی نظیر بوتو در دموکراسی، ۲۰۱۳، پاکستان

IQBAL FORUM

ولی بی‌نظیر بوتو بازهم به عرصه سیاست بازگشت و در سال ۱۹۹۳ کرسی خود را از نواز شریف پس گرفت و تا سال ۱۹۹۶ آن را حفظ کرد. سال‌های سختی که او پشت سر گذاشته بود فاجعه بار می‌نمود، بی‌نظیر ارتباط خوبی با آمریکا داشت و حتی حاضر شد برنامه‌های هسته‌ای پاکستان را به خاطر آمریکا متوقف کند و البته دولت جرج بوش نیز در سال‌های بعد بارها او را از بحران خارج کرد.[۱]

وقتی او برای دومین به جرم فساد اقتصادی کلان از سمت نخست وزیری عزل شد به صورت خود خواسته از پاکستان خارج شد، ابتدا به امارات و پس از آن به انگلیس رفت تا فرصتی مناسب برای بازگشت بیابد، ۸ سال گذشت و اوضاع نابسامان دولت پرویز مشرف شرایط لازم را برای بازگشت او فراهم کرد ولی این صدای انفجار و کشته شدن صدها نفر از طرفدارانش بازهم افکار او را به هم ریخته بود! سیاست دنیای او بود ولی آخرت چه؟ اگر این انفجار او را نیز می‌کشت چه؟ به یاد دیدارش با آیت الله خامنه‌ای افتاد، مادر بی‌نظیر «نصرت بوتو» ایرانی بود و اهل استان کردستان، از این رو مردم ایران اقبال خاصی نسبت به بی‌نظیر بوتو نشان می‌دادند.

وقتی بی‌نظیر وارد سالن ملاقات با رهبر جمهوری اسلامی ایران شد بی‌پرده به او تذکر دادند که باید پوشش خود را اصلاح کند، برایش چادر آوردند و بی‌نظیر مودبانه حجاب خود را اصلاح کرد، دیدار که شروع شد طنین صدای رهبری وجدانش را صدا زد و او را به اشک نشاند: «دخترم! توفرزند اسلامی فرزند قرآنی، فرزند اهل بیتی و.... »[۲] دیدار به ملاقات رسمی سران دو کشور شباهتی نداشت؛ رهبری مانند پدری دلسوز بی‌نظیر را نصیحت می‌کرد و او که طبیب موعظه‌گر خویش را یافته بود آرام اشک می‌ریخت.

بی‌نظیر در پایان جمله‌ای گفته و خیال خود را راحت کرد: آقا شما شفیع من در روز قیامت باشید و برایم دعا کنید![۳] حتی بعدها که معاون وزیر خارجه ایران از فعالیت سپاه صحابه به او گله کرده بود، گفت: من برای آیت الله خامنه‌ای قداست خاصی قائل هستم و برای من قابل تحمل نیست که ایشان از حکومت من ناراضی باشند، هرکاری بتوانم انجام می‌دهم تا این مشکل حل شود.[۴] مرور خاطره دیدارش با رهبر انقلاب اسلامی ایران او را آرام کرد و مصمم شد راهش را ادامه دهد ولی سرنوشت خوشی را برای او نمی‌خواست. ۲ ماه بعد وقتی او تلاش می‌کرد تیر خلاص را به حکومت پرویز مشرف بزند پایش به زمین نحسی رسید که ۵۶ سال قبل لیاقت علی خان به طرزی مرموز در آن کشته شده بود، شاید بی‌نظیر تصور نمی‌کرد پایان زندگی‌اش تبدیل به یک معمای سخت و پر رمز و راز می‌شود.

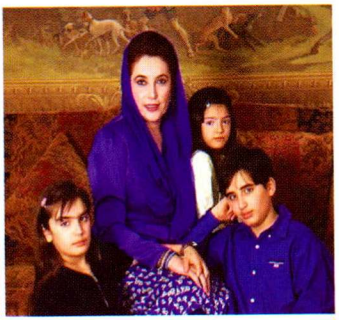
۱- آلن بروک، بی نظیر بوتو؛ دختر پسندیده، ۲۰۱۶، نیویورک، آمازون

۲- خبرگزاری فارس، بازخوانی سخنان بی نظیر بوتو، ۱۳۸۹/۱۰/۱۴، به نقل از حجه الاسلام کاشانی از اعضای بیت رهبر معظم انقلاب

۳- وب گاه تبیان، نصیحت رهبری به بی نظیر بوتو، ۱۳۸۹/۱۰/۱۵

۴- وب گاه تاریخ ایرانی، ناگفته هایی از سفر بی نظیر بوتو به تهران، ۱۳۹۷/۱۲/۱۴

سخنرانی او که در لیاقت باغ تمام شد قصد داشت به اسلام آباد برود ولی وقتی سیل جمعیت مشتاق را مشاهده کرد سرش را از سقف ماشین ضد گلوله بیرون آورد تا برای مردم دست تکان دهد، در یک آن تفنگی از میان جمعیت بالا آمد و سر و سینه بی‌نظیر را هدف قرار داد سپس جلیقه انتحاری منفجر شد و ۱۵ نفر کشته شدند ولی ماشین ضد گلوله بی‌نظیر آسیب ندیده بود. راننده با تمام سرعت به سمت بیمارستان رفت اما کار از کار گذشت و بیرون بودن سر بی‌نظیر او را به کام مرگ کشاند تا پرونده عمر بزرگ‌ترین سیاست‌مدار زن مشرق زمین برای همیشه بسته شود،[1] هرچند معمای حل نشده عامل قتل و انگیزه او باز هم در نگاه سرد و خشن لیاقت باغ بی‌جواب ماند.



بی نظیر بوتو در کنار فرزندانش بلاول، بخت آور و آصفه زرداری



دیدار رهبر معظم انقلاب با بی نظیر بوتو-۱۳۶۹



تصویری از خوردوی بی نظیر بوتو . سالم بودن بدنه ماشین نشان می دهد که بیرون بودن سر بی نظیر باعث مرگ او شده است



فاتحه خوانی طرفداران حزب مردم بر سر مزار بی نظیر بوتو

۱- باتیا شیام، خداحافظی شاهزاده، ذیل مقاله: بیوگرافی بی نظیر بوتو، ۲۰۰۸، آمریکا



یکی از اجراهای زیبای امجد صابری در خارج ازپاکستان



امجد صابری در حال اجرای قوالی

امجد صابری صدای جاودانه ارادت اهل سنت به اهل بیت «علیهم‌السلام»

روزه‌داران پاکستانی چون همیشه چشم برقاب جام جادوئی دوخته بودند تا نظاره‌گر هنرنمایی عاشقانه نعت‌خوان مشهوری باشند که زیر و بم صدایش خدا و پیامبر و اهل بیت «علیهم‌السلام» را مدح گفته بود. مجری با لبخندی که اضطراب پشت آن پنهان شده بود اعلام می‌کرد که ایشان تا چند لحظه دیگر به استودیو خواهند رسید و تهیه کننده زیرلب غرمی زد و از بد قولی «امجد صابری» گله می‌کرد. لحظات افطار نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد ولی خبری از نعت‌خوان مشهور پاکستانی نبود و این باعث شده بود تا مجری کلافه‌تر از همیشه به نظربیاید.

تهیه کننده برنامه با عصبانیت پاسخ تماس ناشناس را داد و در میان صدای ناله و گریه پشت خط جمله‌ای را شنید که بلور تنش را به خرده شیشه‌هایی پرشرر تبدیل کرد. به سرعت مجری برنامه زنده را نیز این خبر تلخ مطلع کرد و او در حالی‌که بریده بریده خبر ترور امجد صابری را به بینندگان می‌داد از هوش رفت. امجد صابری در مسیر استودیو توسط دو تروریست موتورسوار ترور شده بود! او چنان شیفته اهل بیت «علیهم‌السلام» بود که تروریست‌های «تحریک طالبان پاکستان» وجودش را تاب نیاوردند و او را به شهادت رساندند.[1]

خبر ترور وی به قدری سخت و سنگین بود که سلبریتی‌های هند نیز نتوانستند سکوت کنند. به راستی چه می‌توان گفت به کوته‌فکران سنگ‌دلی که پاسخ مدح و ستایش خدا و اهل بیت «علیهم‌السلام» را با رگبار گلوله می‌دهند. ولی گویا دست تقدیر امجد صابری را صدای جاودانه ارادت اهل سنت به اهل بیت «علیهم‌السلام» مبدل کرد، صدایی که هیچ‌گاه از یادها نخواهد رفت. خاندان صابری نیز قوال بودند و امجد که در ۲۳ دسامبر سال ۱۹۷۰ به دنیا آمده بود برای اولین بار در سن ۱۲ سالگی به همراه پدرش یک اجرای موفق داشت.[2]
قدرت صدای او به حدی بود که بلافاصله عمویش متقاعد شد که تربیت او را به عهده بگیرد

۱- علی امتیاز، داون نیوز، ترور امجد صابری، ۲۰۱۶/۶/۲۳

۲- خبرگزاری دنگلراف، ۲۰۱۶/۶/۲۳، ذیل مقاله: Amjad Sabri, Sufi singer

IQBAL FORUM





حضور امجد صابری در یک برنامه تلویزیونی برای نعت خوانی، او علی رغم اینکه سنی مذهب بود لحظه ای از مدح اهل بیت « علیهم السلام » غافل نشد

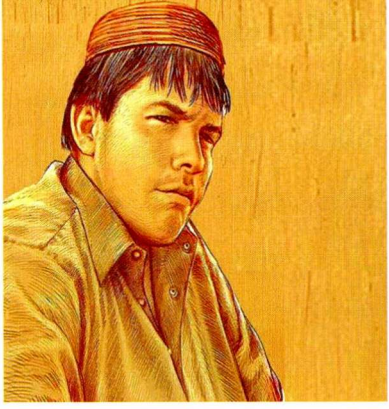
خودروی امجد صابری که هدف حمله افراط گرایان قرار گرفته بود

چند سال بعد امجد تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین قوالان پاکستانی شد که لحظه‌ای از ستایش خدا و اهل بیت علیهم السلام غافل نمی‌شد، امجد صابری به ده‌ها کشور جهان سفر کرد و مردمانش را با صدای شور انگیز خود به وجد آورد. گروه‌های تروریستی بارها او را تهدید کردند و خواستار تغییر موضع امجد نسبت به اهل بیت« علیهم السلام » شدند ولی حرف او یکی بود «حسین است راه نجات». ترور وی تاثیر بسیار بدی بر فروغ قوالی خوانی در پاکستان گذاشت وعلی رغم گذشت چند سال هنوز هم حادثه تلخ ترور وی در ذهن ها باقی است.[1]

۱- قاتلان امجد صابری بعدها توسط نیروهای دستگیر شدند



نمایی از فیلم احترام نظامی دوران کودکی اعتزاز حسن



نقاشی چهره اعتزاز حسن نوجوان پاکستانی که با فداکاری مانع قربانی شدن دیگر دانش آموزان شد

اعتزاز احسن؛ شهید راه عقیده[1]

آخرین پلان هم ضبط شد و عوامل نفسی به راحتی کشیدند ولی ذهن شهزاد رفیق هم‌چنان درگیر بود، او قدمی بزرگ برای معرفی روحی بزرگ برداشته بود، کسی که پاکستان برای او خون گریسته بود. شاید برای خود شهزاد که با پذیرش ندای درونش بارها فیلم ساخته بود نیز باور این واقعیت مشکل بود که به تصویر کشیدن این حماسه عظیم و با شکوه به اتمام رسیده باشد، مردم پشتو زبان ایالت خیبرپختونخوا به خوبی با قهرمانان تاریخ ایران زمین آشنا هستند و بسیاری نام «رستم و سهراب» را برای فرزندانشان انتخاب می‌کنند ولی قهرمان داستان شهزاد پا از افسانه و داستان بیرون نهاده بود تا اثبات کند «اثبات عشق او که به دعوی نمی‌شود».

شهزاد پیش از خواب نیز مضطرب بود و اضطرابش باعث شده بود که حتی شام نخورد، در حالی که در تختش جابه‌جا می‌شد به نقطه‌ای دور خیره ماند شاید پاسخ معمایش را بیابد! او نمی‌دانست برای فیلم با ارزشش چه نامی انتخاب کند.

چشم‌هایش گرم شدند و ناگهان حس کرد فضا روشن است، نسیم خنک بهاری به جانش افتاده بود و صورتش را نوازش می‌داد، از دور چند دانش آموز را دید که به سمتش می‌آیند. همه چیز زیبا بود و چهچه پرندگان وطراوت درختان حکایت از روزی زیبا داشت، چند نوجوانی که صید چشم‌های شهزاد شده بودند آرام آرام نزدیک شدند و صدای خنده‌هایشان نیز بلندتر شد، یکی از آنان که قد و قامتی درشت‌تر داشت و شهزاد نیز او را به خوبی می شناخت، با آب و تاب از قدرت ضرباتش در کریکت سخن می‌گفت و بقیه با تعجب گوش می‌دادند.

شهزاد می‌خواست با آن نوجوان سخن بگوید ولی آن‌ها بی‌توجه از کنارش عبور کردند و او ناخودآگاه پی آن‌ها را گرفت، دانش‌آموزان به دری بزرگ رسیدند که بالای آن تابلوی نصب شده بود: «دبیرستان ابراهیم زئی- هنگو»، همه داخل شدند وشهزاد نیز وارد شد و به گوشه‌ای رفت.

۱- آسیا نیوز، ۱۰ژانویه ۲۰۱۴، ذیل مقالهٔ اعتزاز احسن دارنده نشان شجاعت پاکستان



نمایی از فیلم احترام نظامی -اعتزاز حسن در آغوش مادرش



نمایی از فیلم احترام نظامی اعتزاز حسن در مسیر مدرسه

دانش‌آموزان با چهره‌هایی خندان و پراز امید سرصف ایستادند تا مانند همیشه قرآن خوانده شود و کلاس‌هایشان شروع شود همه آرام بودند جز شهزاد که از دور دانش آموزان را می‌دید ولی دلش گواهی می‌داد که اتفاق بدی رخ خواهد داد. قرآن خوانده شد و سپس طنین صدای شعرزیبای اقبال در مدرسه بلند شد « آرزوی دیرینه‌ام چون دعا برلبانم جاری می‌شود...»

لحظات به کندی می‌گذشت و شهزاد دعا می‌کرد دانش آموزان به کلاس‌هایشان بروند ولی ناگهان شخصی که نقاب به صورت زده بود با عجله وارد مدرسه شد، آنقدر عجله داشت که گیرکردن پایش به در آهنی مدرسه صدایی وحشتناک ایجاد کرد و ناگهان ۱۰۰۰ دانش آموز به سمت او برگشتند. او نیز با چشمانی پرشرر به صورت فرزندان بهت زده مدرسه نگاه کرد، نوجوانانی که قرار بود داغ‌شان برقلب مادران‌شان بماند! مدیرو ناظم و معلمان نیزفهمیده بودند که چقدر دیرشده و راه فراری وجود ندارد.

مرد نقاب پوش که خود را به بهشت پوشالی نزدیک می‌دید فریاد الله اکبرسرداد و به سمت دانش آموزان خیزبرداشت، شهزاد لحظه‌ای پلک زد و حیاط خون گرفته مدرسه را دید که صدها دانش آموزان در آن پرپرشده‌اند و در خون خون دست و پا می‌زنند، دیگرصدای پرندگان شنیده نمی‌شد و درختان نیزطراوت خود را از دست داده بودند، ذهن محدود عامل انتحاری و مغزشستشو داده شده‌اش درک نمی‌کرد که چه لکه ننگی را به دامان تاریخ خواهد نشاند، چشمان مدرسه از وحشت بازمانده بود و پاکستان نیز به این گوشه کوچک از درونش خیره شده بود، تا یک فاجعه عظیم تنها یک صدای انفجار فاصله باقی بود. انتحاری که مانعی پیش روی خود نمی‌دید سرعتش را بیشترکرد ولی ناگهان روحی بزرگ به نوجوانی کم سن و سال نهیب زد تا برای نجات ۱۰۰۰ دانش آموز مدرسه قدم پیش بگذارد، شهزاد خوب او را می‌شناخت، همان نوجوانی بود که صبح او را دیده بود، رشید و زیبا با چشمانی درشت و بدنی تنومند.

چشمانش آنقدر نافذ بودند که انتحاری بی‌رحم را لحظه‌ای برجایش میخ‌کوب کردند، شاید باور نمی‌کرد با چنین صحنه‌ای روبرو شود، حداقل ۱۰ کیلو مواد منفجره همراه داشت و اینک نوجوانی به سمت او می‌دوید که سلاحی جزخودکار نداشت، او با ۹۹۹ نفراز دوستانش تفاوت داشت بلکه با همه هم سن و سالان خود فرق می‌کرد، استواری گام‌هایش این را شهادت

می‌دادند، انتحاری از اعماق وجودش نعره می‌زد تا او را بترساند ولی نوجوان نیز نعره‌ای کشید و چهارستون بدن انتحاری را لرزاند.

آن‌ها به یک قدمی هم رسیده بودند و انتحاری می‌دانست که از این فاصله هیچ دانش آموزی آسیب نمی‌بیند و باید فکری برای فرار از چنگ این نوجوان کند که بی‌مهابا به سمت او می‌تازد، درحالی‌که او به افکار پلیدش فکر می‌کرد «اعتزاز حسن» با دستی گریبانش را گرفت و با دستی دیگر او را نقش بر زمین کرد، انتحاری که محو قدرت‌نمایی اعتزاز حسن شده بود، عاجزانه گفت: فرار کن با توکاری ندارم! و پاسخ شنید: مرد فرار نمی‌کند، تو ضعیف‌تر از آن هستی که بتوانی کاری کنی! این را گفت و گلوی انتحاری را فشار داد تا به او بفهماند که دشمنان میهنش راه گریزی ندارند. چشمان انتحاری از وحشت پرشد و با آخرین رمقی که برایش مانده بود دکمه‌ای را که در دست داشت فشرد، صدای کر کننده انفجار بلند شد و اعتزاز حسن آسمانی شد ولی هیچ کدام از دانش آموزان مدرسه آسیبی ندیدند.

نوجوان ۱۵ ساله ای که در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۱۴ جان صدها دانش آموز را نجات داده بود به شهزاد نیز کمک کرد تا معمای ذهنش حل شود و نامی مناسب برای فیلمش بیابد، درختان تمام قد ایستاده بودند، دبیرستان نیز به احترام اعتزاز حسن ایستاده بود، مردم شهر و حتی تمام پاکستان نیز به احترام روح بلند و بزرگش ایستادند و جهان نیز در مقابل عظمتش سراحترام فرود آورد، شهزاد پدران پاکستان اعم از جناح و اقبال را نیز دید که به دبیرستان ابراهیم‌زئی آمده‌اند تا حماسه آفرینی این نوجوان را ببینند، لحظه‌ای جهان را سکوت در برگرفت و سپس همه دست‌ها در کنار سر قرار داده شدند تا به این سرباز فداکار و باشهامت احترام نظامی گذاشته شود. «سلوت» پاسخ معمای شهزاد رفیق شد[1] و نام این نوجوان قهرمان نیز در آسمان پاکستان جاودانه شد تا حکایت فداکاری او حماسه‌ای ماندگار شود.

۱- فیلم «Salute» به معنای احترام نظامی، تولید سال ۲۰۱۶ به کارگردانی شهزاد رفیق، این فیلم پیرامون زندگی اعتزاز حسن است. دایتنرنشنال نیوز ۱۱ جولای ۲۰۱۶

IQBAL FORUM

فصل ششم

سمبل‌های ملی پاکستان

هر چند تاریخ از پس فرازها و نشیب‌هایش گردی سپید به گیسوی پاکستان نشانده و ملک خداداد را به سوگ عزیزانش واداشته ولی مرزهای آن اینک پهن پیکر زمینی به وسعت ۸۰۳ هزار و ۹۴۰ کیلومترمربع[۱] را در برگرفته و میزبان بیش از ۲۰۰ میلیون نفراست که به آن تعلق دارند.[۲]

نام رسمی آن در جهان «جمهوری اسلامی پاکستان» است و بنیان‌گذار آن «محمد علی جناح»، مردمش هرسال روز ۱۴ اوت را به عنوان «روز استقلال» جشن می‌گیرند و روز ۲۳ مارس هرسال به عنوان «روز پاکستان» شناخته می‌شود که در آن برای اولین بار جناح در سال ۱۹۴۰ پیشنهاد جدی تشکیل پاکستان را ارائه کرد.[۳]

«علامه اقبال لاهوری» شاعر ملی پاکستان است و «گل یاسمن» گل ملی این کشور تلقی می‌شود، لباس ملی «قَمیض و شلوار» نام دارد و لباسی است که همیشه برتن مردم آن می‌بینیم، «مارخور» بزکوهی مشهور پاکستانی است که حیوان ملی این کشور نیز هست و نمایندگان پارلمان «آب نی شکر» را به عنوان نوشیدنی ملی پاکستان انتخاب کرده‌اند.[۴]

شعار ملی پاکستان این جمله است «معنای پاکستان چیست؟ خدایی جزالله نیست»[۵] و «ورزش

۱- با افزودن وسعت ایالت گلیگت بلتستان و بخش آزاد کشمیر

۲- زاهد حسین انجم، اطلاعات پاکستان و جهان، انتشارات عدیل نیاز، لاهور،۲۰۰۹،ص۵۱

۳- همان

۴- سیف الرحمان رانا، شخصیت های پاکستان،انتشارات برادران دوگرز، ص ۷۹

۵- پاکستان کا مطلب کیا؟---لا الہ الااللہ» اصغر سودایی» شاعر برجسته پاکستانی خالق این اشعار است و هنگامی که از انگیزه او برای خلق چنین شعاری سوال شد پاسخ داد: بسیاری از مردم هند سوال می کردند که معنای پاکستان چیست؟ و چرا مسلمانان خواهان تشکیل کشوری به نام پاکستان هستند؟ در پاسخ به آنان شعری سرودم که این بیت در آن قرار داشت. محمد علی جناح در مورد نقش اصغر سودایی می گوید در تشکیل پاکستان ۲۵ درصد از تمام مسئولیت ها به دوش او بود. (روزنامه پاکستان، ۱۴ اوت سال ۲۰۱۶).

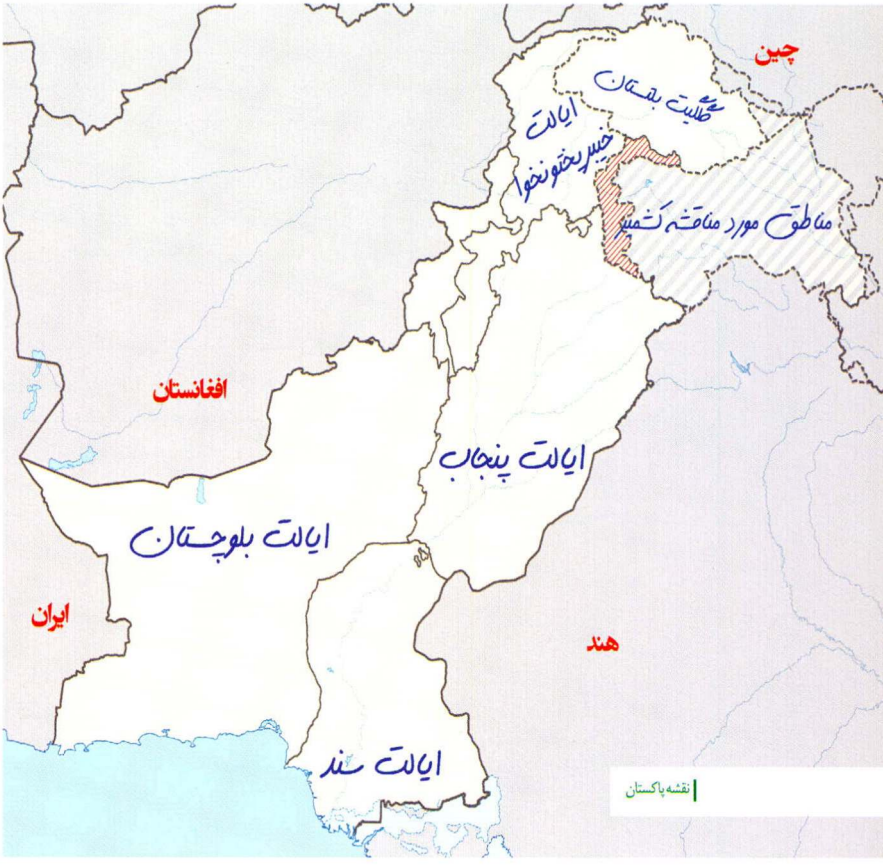
IQBAL FORUM



هاکی ورزش ملی پاکستان به شمار می رود



بز مارخور با شاخ هایی با شکوه - این حیوان که در کوه ها زندگی می کند حیوان ملی پاکستان است



نقشه پاکستان

IQBAL FORUM

هاکی» به عنوان ورزش ملی این کشور شناخته می‌شود، «اردو» زبان ملی است و «کی۲» بلندترین کوه آن، «رود سند» بزرگ‌ترین رود پاکستان است و «بلوچستان» نام بزرگ‌ترین ایالت آن، اسلام آباد پایتخت پاکستان است و کراچی بزرگ‌ترین شهرملک خداداد.[1]

سرود ملی پاکستان

اگر بخواهیم تمام اعتقادات باورها اهداف و آرمان‌های یک ملت را در چند جمله مرور کنیم می‌بایست نگاهی به سرود ملی آن کشور بیندازیم، چیزی که مردم آن کشور در شادی و غم زیرلب زمزمه می‌کنند و هربار آن را می‌شنوند سراپا غرور می‌شوند.

سرود ملی پاکستان نیز چنین است و رازهایی در خود نهفته است که پیوند عمیق آن را با ایران زمین آشکار می‌کند، «قومی ترانه» پاکستانی‌ها که لحن و آهنگی بسیار دلنشین دارد از ترکیب هنرمندانه وسحرآمیز واژگان فارسی سروده شده است! می‌گویند ۶۰ درصد واژگان سرود ملی پاکستان فارسی است ولی این درصد غلط است ، می‌گویند: ۸۰ درصد ولی این نیز غلط است. حتی افرادی که می‌گویند ۹۰ درصد سرود ملی پاکستان فارسی است نیز چندان درست نمی‌گویند. درست‌تر این است که پرده از راز عمیق پیوند دوستانه دو ملت ایران و پاکستان برداشته و بگوئیم ۹۶/۴ درصد از واژگان سرود ملی پاکستان فارسی است: تنها واژه‌هایی که در این سرود اردو هستند «کا و تو» هستند درمقابل ۵۱ واژه که متعلق به فارسی جدید یا قدیم است در سرود ملی پاکستان به چشم می‌خورد:

پاک سرزمین شاد باد	کشورِ حسین شاد باد
سرزمین پاکان شادمان باد	کشور زیبا و بی همتا شادمان باد
تو نشانِ عزمِ عالی شان	ارضِ پاکستان!
تجلی اراده و عزم ناگسستنی و مبارک	کشور پاکستان
مرکزِ یقین شاد باد	
محور ایمان و اعتقاد به خداوند شادمان باد	
پاک سرزمین کا نظام	قوّتِ اُخوّتِ عوام
قدرت پیشران کشور پاکان	نیروی اتحاد و همدلی مردم
قوم، ملک، سلطنت	پائندہ تابندہ باد!

۱- همان

IQBAL FORUM

ملت و کشور و حکومت	پایدار باشند و برقرار
شاد باد منزلِ مراد	
سرمنزل مقصود ما شادمان باد	
پرچمِ ستاره وہلال	رہبر ترقّی وکمال
پرچم پاکستان که در آن ستاره و ماه نقش بسته است	راهنمای مسیر پیشرفت و تعالی است
ترجمانِ ماضی، شانِ حال	جانِ استقبال!
زبان گویای گذشته تاریخ و شکوه زمان حال	درون مایه و روح آینده تاریخ
سایۂ خدائے ذوالجلال	
سایه رحمت خداوند بزرگ و بی همتا(ست)	

این سرود زیبا در سال ۱۹۵۴ توسط «ابوالاثر حفیظ جالندری» برصفحه کاغذ نقش بست و سپس «احمد جی چاگله» برای آن موسیقی موزونی نواخته و سرود ملی ۸۰ ثانیه ای پاکستان را جاودانه ساخت. برای اجرای رسمی و دقیق سرود ملی پاکستان به ۱۵ آلت موسیقی نیاز است.[۱]

پرچم پاکستان[۲]

یکی دیگر از نمادهای هر کشوری پرچم آن است که در هر آوردگاه رسمی به اهتزاز در می‌آید تا نماد وجود رسمی آن کشور باشد، توهین به پرچم یک کشور توهین به مردم آن است و هرگاه قصد کنند کشوری را سخیف کرده و اعتبارش را زیر سوال ببرند پرچمش را به آتش می کشند. این پرچم است که بدن شهدای آن کشور را در آغوش می‌کشد و در هر جشن ملی که باشد مردم با خوشحالی آن را به دست گرفته و در کوچه و خیابان‌ها به رقص در می‌آورند.

پرچم سبز رنگ پاکستان که در آن یک هلال ماه و یک ستاره پنج گوش به چشم می‌خورد توسط دو برادر به نام‌های افضال حسین و الطاف حسین پیش از استقلال این کشور طراحی شد.[۳] این پرچم خوش رنگ که در آن هلال ماه نماد اسلام و ستاره پنج گوش نماد اصول ۵ گانه

---

۱ سیف الرحمان رانا،شخصیتهای پاکستان،انتشارات برادران دوگرز، ص ۸۰

۲ همان ۸۱

۳- همان

IQBAL FORUM



پرچم پاکستان که در یک جشن ملی توسط جوانی به اهتزاز در آمده است. این پرچم از رنگ سبز و سفید تشکیل شده و نقش هلال و ستاره‌ای در آن مشخص است

این دین الهی است در تاریخ ۱۱ اوت سال ۱۹۴۷ (۳ روز پیش از استقلال) تصویب شد و به مدت حدود ۳ سال نماد ملی پاکستان بود. در تاریخ ۹ فوریه باریکه‌ای سفید رنگ نیز به سمت چپ پرچم اضافه شد تا قسمت سبز به معنای اکثریت مسلمان و سمت سفید رنگ به معنای اقلیت غیرمسلمان ساکن ملک خداداد باشد. پرچم پاکستان برای اولین بار در خارج از مرزهای آن در آسمان فرانسه به اهتزاز درآمد و نخستین بار در سوگ مرگ استالین رهبر حزب کمونیست شوروی حالت نیمه برافراشته به خود گرفت.[1]

روزهای ویژه در پاکستان[2]

پاکستانی‌ها نیز چون مردم دیگر کشورها در تقویم روزهای خاصی را گرامی می‌دارند و به بزرگ‌داشت آن اهتمام می‌ورزند، غالب این روزها مربوط به حماسه آفرینی نسل‌های گذشته در راه مقاومت و تلاش برای نجات مسلمانان شبه‌قاره است، این روزهای خاص عبارتند از:

۲۳ مارس یا روز پاکستان: در ۲۳ مارس سال ۱۹۴۰ برای نخستین بار محمد علی جناح لایحه تشکیل پاکستان را ارائه کرد همچنین در تاریخ ۲۳ مارس سال ۱۹۵۶ نخستین قانون اساسی پاکستان تصویب شد.

۱۲ آوریل روز اقبال: در تاریخ ۲۱ آوریل سال ۱۹۳۸ چشمان علامه مشرق زمین اقبال لاهوری به روی دنیا بسته شد و چهره در نقاب خاک کشید.

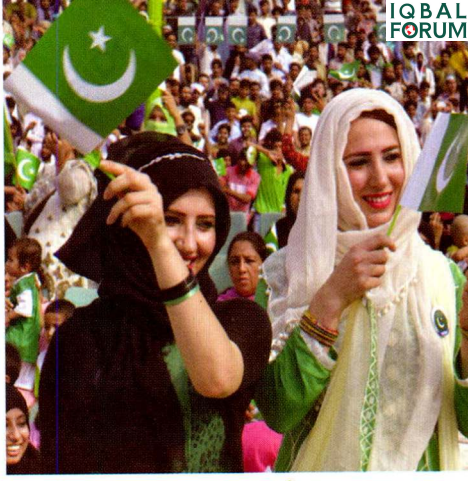
۲۸ می روز تکبیر: در تاریخ ۲۸ می سال ۱۹۹۸ پاکستان با موفقیت موشک‌های اتمی خود را آزمایش کرد و اولین کشور اسلامی شد که به فناوری بمب هسته‌ای مجهز شده است.

۱۴ اوت روز استقلال: مردم پاکستان هر سال در تاریخ ۱۴ اوت جشن آزادی و استقلال برپا می‌کنند زیرا در سال ۱۹۴۷ و در چنین روزی نیاکان‌شان موفق شدند از هند جدا شوند.

۱- همان

۲- همان، ص ۹۸

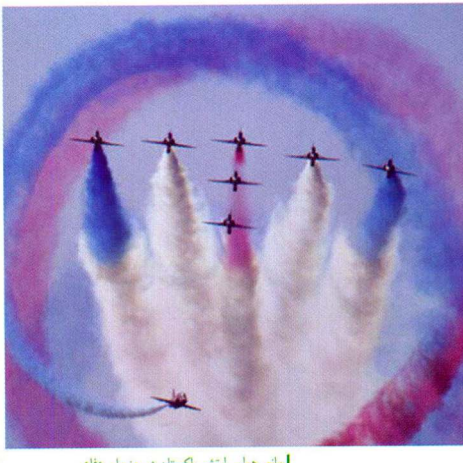
IQBAL FORUM



جشن روز ۲۳ مارس در خیابان های پاکستان



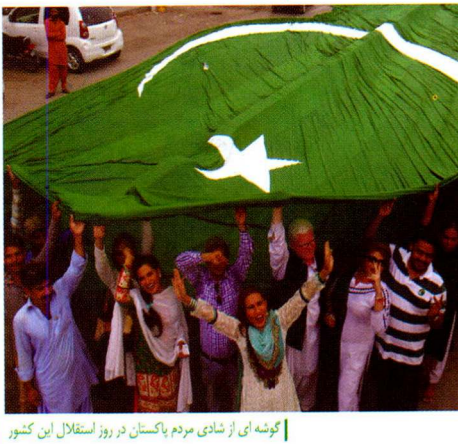
جشن روز استقلال پاکستان مردم در این روز تمام شهرها سبزپوش می شوند



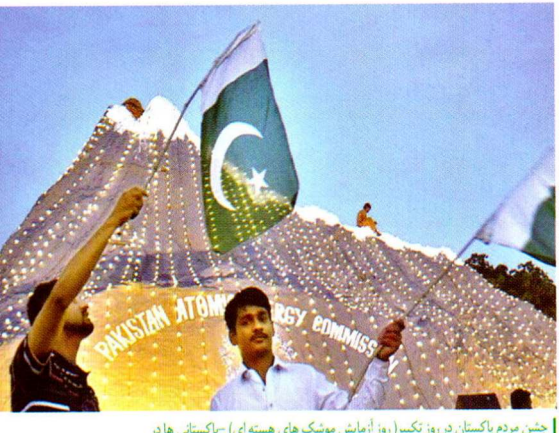
مانور هوایی ارتش پاکستان در روز ملی دفاع



جشن های همه ساله کودکان در روز استقلال پاکستان(۱۴ اوت)



گوشه ای از شادی مردم پاکستان در روز استقلال این کشور



جشن مردم پاکستان در روز تکبیر(روز آزمایش موشک های هسته ای) -پاکستانی ها در این روز شیرینی و شربت پخش می کنند

IQBAL FORUM

۶سپتامبر روز دفاع: در ۶ سپتامبر سال ۱۹۶۵ نظامیان پاکستانی توانستند حمله غافل‌گیر کننده هند به شهر لاهور را دفع کنند و برای بزرگداشت رشادت آنان مردم این روز را روز دفاع نام‌گذاری کرده‌اند.

۷سپتامبر روز هوا نیرو: نیروهای هوایی پاکستان در سال ۱۹۶۵ در چنین روزی با قدرت موفق به دفع حملات هوایی هند شدند و این باعث شد تا این روز در تاریخ پاکستان جاودانه شود.

۱۱سپتامبر روز جناح: در سال ۱۹۴۸ و تنها ۱۳ماه پس از استقلال پاکستان محمد علی جناح بنیان‌گذار این کشور برای همیشه ملک خداداد را ترک گفت و مردمش را به سوگ خود نشاند.

۹ نوامبر جشن میلاد علامه اقبال

۲۵ دسامبر جشن میلاد محمد علی جناح و روز کریسمس



توجوانان پاکستانی در حال زمزمه سرود ملی این کشور

IQBAL FORUM

فصل هفتم

سیری در فرهنگ، تاریخ و رسوم مهم‌ترین اقوام پاکستانی

اگربخواهیم اقوام و گروه‌های موجود در پاکستان را برپایه زبان یا باور یا نژادشان تقسیم کرده راجع به آن سخن بگوئیم، بیانی شایسته از اجمال‌گرایی ما فاصله دارد زیرا تنها در یک منطقه کوچک چترال بیش از ۶۲ گونه زبان وجود دارد. از این رو ناچار برخی از مهم‌ترین اقوام و زبان ها و فرهنگ آنان را بیان خواهیم کرد، در این مسیر تقسیم بندی برپایه ایالت‌های پاکستان می‌تواند شیوه آسانی برای نظم بخشیدن به نوشته هایمان باشد.

پنجاب:

نام پنجاب را می‌توان در نوشته‌های «ابن بطوطه» رویت کرد که حدود ۷۰۰ سال قبل به کار برده شده است، فصل مشترک نام‌هایی که پادشاهان آن دوران برای این سرزمین بی‌مثال استفاده کرده‌اند واژه «پنج» است.

اینک بسیاری براین باورند که پنجاب واژه‌ای فارسی است و از ترکیب (پنج+آب) شکل گرفته و به پنج رود بزرگی که سرزمین پنجاب را در آغوش گرفته‌اندو هریک شاهرگی هستند برای مردم زحمت کشی که در سایه لطف این نعمت‌های خدادادی به کشاورزی مشغولند و حاصل دسترنج‌شان برکت سفره مردمان شبه‌قاره است اشاره دارد. از «سند» مقدس گرفته تا «جهلم» خروشان، از «چناب» پررمزو راز گرفته تا «راوی و سلتج» عمیق که در سینه آنان هزاران گنجینه بی‌مانند نهفته است همگی بوسه به خاک پنجاب می‌زنند تا زمینش چون زر با ارزش شود.[1]

۱- پرینام سینگ، اقتصاد هند و پنجاب، ۲۰۰۸،ص ۲۰

IQBAL FORUM



Cultural Map of Pakistan

IQBAL FORUM

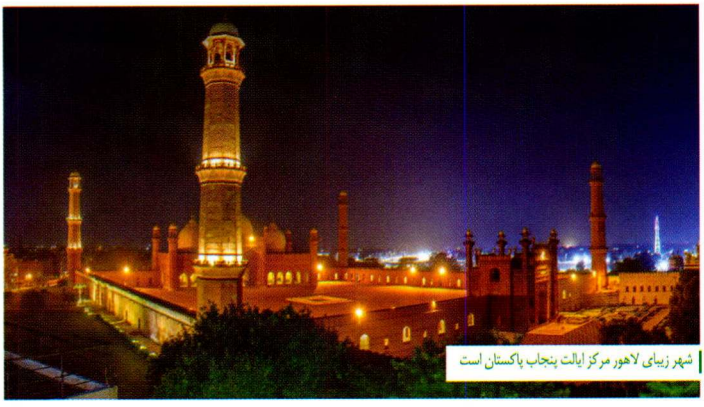
زبان پنجابی:

این زبان از خانواده زبان‌های هندواروپایی است و گویندگان آن را مسلمانان، هندوها و سیک‌مذهبان شکل می‌دهند، بزرگ‌ترین صوفیان مسلمان مشهورترین ادیبان این زبان هستند و اینک مجموعا تعداد افرادی که زبان مادری آنان پنجابی است بالغ بر۱۵۰میلیون نفرتخمین زده شده‌اند که بخش قابل ملاحظه‌ای از آنان در پاکستان زندگی می‌کنند.[۱]

طبق آمار سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ زبان پنجابی یازدهمین زبان بزرگ جهان شمرده شده است و گویش‌های آن به «ماجهی، دوابی، مالوائی، لهندی و مولتانی» تقسیم می‌شوند. زبان مادری۶۰ درصد از مردم پاکستان پنجابی است که اینک جمعیت آنان بالغ بر۱۲۰میلیون نفراست و ۷۵ درصد از مردم پاکستان نیزمی‌توانند پنجابی را درک کنند و به آن صحبت کنند.[۲]

ازآنجاکه درهند نیزحدود۳۰ میلیون نفرپنجابی زندگی می‌کنند ایالتی به این نام دربخش غربی این کشوربه چشم می‌خوردولی تفاوت دراین است که اکثرقریب به اتفاق پنجابی‌های پاکستان مسلمان هستند ولی در هند سیک‌مذهب‌ها و هندوها بیشترپنجابی زبان‌ها را تشکیل می‌دهند.[۳]

«بابا فریدالدین گنج شکر» را از ادیبان بزرگ این زبان می‌دانند که اینک آرامگاهش محل حضور دائمی عاشقان به عرفان صوفیه است. علاوه براین صوفی بزرگ «بابا بلهی شاه، سلطان باهو، خواجه فرید، شاه حسین» و ده‌ها صوفی بزرگ دیگرنیزبه این زبان اندیشه‌های عرفانی خود را بیان کرده‌اند.



شهر زیبای لاهور مرکز ایالت پنجاب پاکستان است

۱- «odyssey illustrated guide to Pakistan»، اثر ایزوبل شان، ۱۹۹۶، چین، ص ۱۲۴

۲- همان، ص۱۲۵

۳- رینگ ترودی، دانشنامه جهانی اقوام ریشه دار، ۲۰۰۹،آمریکا

IQBAL FORUM

فرهنگ مردم پنجاب:

پنجاب زادگاه انسان‌های صاحب نام و بزرگی بوده که هریک منشا تحولات عظیم در روزگار خود بوده‌اند از اقبال لاهوری گرفته تا فیض احمدفیض و حفیظ جالندری، از نصرت فتحعلی‌خان تا عمران‌خان[1] نخست وزیر کنونی پاکستان همه‌گی در خاک این ایالت چشم به جهان گشوده‌اند. پنجاب بزرگ در روزگار «رنجیت سنگ» در قرن ۱۸ میلادی تمام منطقه کشمیرآزاد و ایالت خیبرپختونخوای کنونی را نیزشامل می‌شده است.[2]

بسیاری از مردم پنجاب کشاورز هستند و باورها و جشن‌های سنتی آنان بر اساس فصل‌های مختلف کشاورزی تنظیم شده است. هنوز هم سنت‌گرایی در میان پنجابی‌ها پرفروغ است و آنان در جشن‌های سالانه خود حضور پرشوری دارند. برخی از مشهورترین جشنواره‌های سالانه پنجابی عبارتنداز:

جشن مَگی[3] (Maghi):

این جشن در روز ۱۴ژانویه هرسال هم‌زمان با طلوع آفتاب آغاز می‌شود و مردم به مسابقه و بازی مشغول می‌شوند. مگی جشنواره ویژه سیک مذهبان است و در ایالت پنجاب برگزار می‌شود.

در این جشن سنتی از فرنی محلی برنجی مشهور پاکستان برای پذیرایی از میهمانان و شرکت کنندگان در مسابقه استفاده می‌شود و علاوه برآن معمولا جشنواره غذا نیزبخش جدا نشدنی این روز است.



جشن مگی و هنرنمایی جوانان در این جشنواره

۱ - عمران خان پرورش یافته شهر لاهور است ولی اصالتی پشتون دارد

۲- آنتیا گوتیا، تلاش برای استقلال هند، دهلی نو، ۲۰۰۲،ص ۴۰- ۴۱

۳- پاکستان تودی، ۸ آوریل ۲۰۱۶

IQBAL FORUM

جشن لوهری[1] (Luri):

جشن مخصوص کشاورزان که در فصل زمستان و هم زمان با برداشت نیشکر آغاز می‌شود، این جشن در آخرین روز حسابرسی سالانه کشاورزان انجام می‌شود.

جشن بادبادک‌ها بَسَنت[2] (Basant Kite Festival):

یکی دیگر از جشن‌های فصلی در ایالت پنجاب جشن بسنت است که برای خیرمقدم به بهار برگزار می‌شود، رنگ مشهور این جشن زرد است و مردم با پوشیدن لباس‌های زرد رنگ و خوردن برنج زعفرانی زرد رنگ فرا رسیدن بهار را به یک‌دیگر تبریک می‌گویند. مهم‌ترین کاری که در این جشن سنتی انجام می‌شود و یادگار زمان رنجیت سینگ است پرواز بادبادک‌هایی است که جوانان با شور و شوق آن‌ها را ساخته‌اند.

مسابقه معمولی که در این جشنواره صورت می‌گیرد این است که هریک از شرکت‌کنندگان در جشن تلاش می‌کنند با استفاده از نخ های خاص بادبادک دیگران را بریده و از آن خود کنند.[3]

جشن هولی[4] (Holi):

یکی از شادترین و مفرح‌ترین جشن‌های پنجاب است که در نخستین روزبهار انجام می‌شود و در آن مردم به صورت یک‌دیگر رنگ می‌پاشند و این روز را به شادی و خوشحالی می‌گذرانند.

جشن بیساکی[5] (vaisakhi):

این جشن در روز ۱۳ آوریل هر سال برگزار می‌شود و کشاورزانی که محصولات‌شان را درو کرده‌اند آغاز سال جدید خود را جشن می‌گیرند. این روز در فرهنگ سیک‌مذهبان اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد و همه مردم در آن شرکت کرده و تلاش می‌کنند با حضور در آوردگاه‌های مختلف شادی خود را با دیگران تقسیم کنند.

جشن تیان[6] (Tian):

جشن بزرگ آغاز فصل باران‌های موسمی که در آن دختران بیش از سایرین به شادی می‌پردازند و علاوه بر رقص‌های محلی و سنتی تلاش می‌کنند بر شاخه‌ای از درخت تاب درست کرده و به بازی بپردازند. مجموعه جشن‌های تیان ۱۳ روز به طول می‌انجام و دید و بازدید یکی از مهم‌ترین قسمت‌های آن است.

۱- همان

۲- صدیق کلیم، یادها می آیند، انتشارات فیروز سان، لاهور،۲۰۰۶،ص۳۰

۳- این اقدام به دلیل خطراتی که بار آورده از سوی دولت پاکستان ممنوع اعلام شده است.

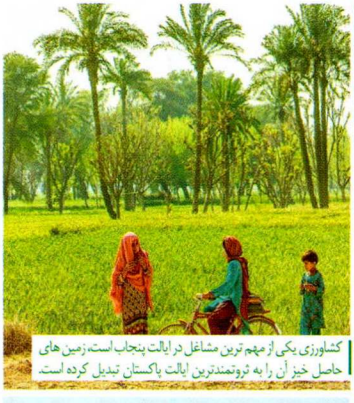
۴- همان، ص ۳۱

۵- ویلیام اوبن، اعتقادات و باورهای سیک‌مذهبان،۱۹۹۵، آمریکا، ص۶۳

۶- صدیق کلیم، یادها می آیند، انتشارات فیروز سان، لاهور،۲۰۰۶،ص۳۳

IQBAL FORUM


جامه زنان در ایالت پنجاب و نخ ریسی توسط آنها


کشاورزی یکی از مهم ترین مشاغل در ایالت پنجاب است. زمین های حاصل خیز آن را به ثروتمندترین ایالت پاکستان تبدیل کرده است.


جشنواره بسنت یا پرواز بادبادکها پنجاب (این جشن مدتی است از سوی دولت ممنوع شده است)


شور جشنواره های مذهبی و سنتی در ایالت پنجاب از سوی پیروان ادیان مختلف


جشنواره هولی که در آن مردم به صورت هم رنگ می باشند و به تفریح و شادمانی روز را سپری می کنند


شور مردمی همزمان با برگزاری جشنواره بیساکی


آرامگاه حضرت بابافرید الدین گنج شکر از صوفیان مشهور خفته در ایالت پنجاب که برای مردم قداست خاصی دارد


اماکن مقدس برای سیک مذهب ها در پاکستان واقع شده است همزمان با برگزاری برخی جشنواره ها هندی های فراوانی به پاکستان سفر می کنند

IQBAL FORUM



حلوای خوشمزه هویج را می توان در شیرینی فروشی های تمام پاکستان و به خصوص ایالت پنجاب دید



مرغ تیکه غذای مشهور مردم ایالت پنجاب



نان خوش طعم پاکستانی (پراتا)که با روشنی خاص به همراه سیب زمینی در پنجاب آماده می شود و با چاشنی های مختلف سرو می شود



پراتا به همراه تخم مرغ می تواند یک صبحانه ایده آل و خوشمزه باشد

IQBAL FORUM

غذاها و دسرهای مشهور ایالت پنجاب

حلوای هویج:

نوع خاصی از حلوا که با هویج رنده شده، شیر و از ترکیب روغن حیوانی و مغزهای خوراکی چون گردو و بادام درست می‌شود. این حلوای خوشمزه در سراسر پاکستان طبخ می‌شود و به خصوص در روزهای عید و جشن یکی از پذیرایی‌های رایج و اصلی در سفره‌ها است.

مرغ تکه:

یک خورش لذیذ است که در آن تکه های مرغ با دستوری خاص و پس از قرار گرفتن در ادویه ویژه این غذا طبخ می‌شوند. مرغ تکه نیز غذای مشهوری است که به سادگی می‌توان آن را در سراسر رستوران های پاکستان مشاهده کرد.

پراتا (parath)

نوعی نان برشته شده و سرخ شده که معمولا جز جدا نشدنی صبحانه مردم پاکستان و به خصوص ایالت پنجاب است. از آنجا که رستوران‌ها در این ایالت رونق فراوانی دارند هر صبح می‌توانیم مردمی را مشاهده کنیم که بیرون رستوران‌ها در حال سرو صبحانه خود هستند و با لذت پراتا را همراه با نیمرو می‌خورند. این پراتا با مهارت خاصی روی تابه‌های بسیار بزرگی آماده می‌شود و پیش روی مشتریان قرارداده می‌شود.

ایالت سِند (Sindh):

سند مهد تمدن کهن پاکستان است که نام آن‌را از رود مقدس و خروشان سند گرفته‌اند، قدیمی‌ترین آثار بدست آمده از دل پررمزو راز این خاک حکایت از عمر ۹۰۰۰ ساله تمدن در آن دارد، گروهی به نام «درّاریون» نیز حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در این نقطه سکونت داشته‌اند و رونق تمدن آن را رقم زده‌اند. گفته می شود دراریون اولین دندانپزشکان روی زمین بوده‌اند و در صنایع مختلف پیشرفت‌های چشم‌گیری داشته‌اند از جمله این‌که جاده‌هایی عریض و محکم بنا کرده و سیستم آب‌رسانی زیرزمینی را نیزراه‌اندازی کرده بودند. تا چند سال گذشته نگاه سنتی و باورهای قدیمی مردم



جاده ای زیبا در میرپور خاص

IQBAL FORUM

مانع تحقیق جدی برروی آثار بدیع و بی همتای تاریخی این ایالت بود ولی مدتی است که با تلاش دولت اقدامات بسیاری در این زمینه صورت گرفته است.[۱]

۹۱٪ جمعیتِ تقریباً ۵۰ میلیون نفری ایالت سند را مسلمانان تشکیل می دهند، ۸٪ هندو مذهب هستند و ۱٪ را نیز سایر مذاهب و ادیان تشکیل می دهند. شهرهای کراچی، حیدر آباد، سَکَّر، لارکانه، میرپور خاص، و نواب شاه از بزرگ ترین سکونت گاه های شهری ایالت سند به حساب می آیند.[۲]

زبان سندی: این زبان جزئی از شاخه زبان های هندوآریایی به حساب می آید و رسم الخطی ویژه دارد که به رسم الخط معمولی عربی و فارسی شبیه است ولی واج های بیشتری دارد. بیش از ۲۰ میلیون نفر در پاکستان زندگی می کنند که زبان مادری آنان سندی است و تعداد کسانی که در هند به این زبان سخن می گویند حدود ۳ میلیون نفر تخمین زده شده اند. در مدارس ایالت سند دانش آموزان الزاماً این زبان را می آموزند، ضمنا گویش های مختلفی در زبان سندی وجود دارد که مردم ساکن ایالت های سند پاکستان و گجرات و راجستان هند از آن استفاده می کنند.[۳]

این زبان از سال ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ دوران اوج خود را می گذرانده است و صوفیان بزرگی چون « شاه عبدالطیف بِتایی» با استفاده از الفاظ آن به مدح ذات خداوند پرداخته اند. این زبان از ۵۲ حرف تشکیل شده است و می گویند اولین ترجمه قرآن در سال ۲۰۰ هجری قمری به زبان سندی صورت گرفته است.[۴] از بزرگانی چون پیرنورالدین، پیر سبزواری مولتانی، پیر شهاب الدین و بابا فرید الدین گنج شکر اشعاری به زبان سندی برجای مانده است.

برخی آثار مشهور و فاخر به زبان سندی عبارتند از:

مولود نامه: سبکی از شاعری به زبان سندی که حیات مبارک نبی گرامی اسلام «ص» را به شعر بیان می کند. گنجینه هفت بانو: این گنجینه ادبی که به نام «سات سورمانه خواتین» مشهور شده است توسط «شاه عبدالطیف بِتائی» در «شاه جورسالہ» به نگارش در آمده است و ۷ بانو به نام های «مومل، مارائی ،سوهنی، سس، نوری، سورته ولیلا» نقش آفرین داستان آن هستند. این افسانه شهرت و محبوبیت کم نظیری بین مردم سند دارد.[۵]

فرهنگ مردم سند[۶]

تمدن سند یکی از قدیمی ترین تمدن های جهان است و مردم آن به ساخت خانه های آجری شهرت ویژه ای داشته اند، ساخت ظروف سفالی و بافت پارچه های مرغوب نیز از دیربازی بین مردم سند رواج دارد، مردم این ایالت هنوز هم سنن گذشتگان خود را حفظ کرده اند.

۱- ظاهری سهیل، تاریخ سند، کراچی، ۱۹۹۴، ص۱۵ و ۱۶

۲- رحیم دادخان مولایی،بهشت سند، ویرایش سوم، کراچی۱۹۹۳،ص۲

۳- داون نیوز، ۲۸می۲۰۱۸، ذیل عنوان: CCI defers approval of census results until elections

۴- نیهالانی ، پارو، فونتیک بین المللی، دانشگاه کمبریج، ۱۹۹۹

۵- پایگاه تحفظ، شاه عبدالطیف شاعر محبت، ۱دسامبر۲۰۱۲

۶- میراث فرهنگی سند، پایگاه wishwebdesign، ۶سپتامبر۲۰۱۴

IQBAL FORUM

مردم این ایالت برای اولین بار در جهان به صنعت تولید پارچه کتان دست یافته‌اند که اینک در سراسر جهان به صورت گسترده از آن استفاده می‌شود، همچنین بازی شطرنج و حتی شکر خوراکی نیز از اختراعات تمدن سند به شمار می‌رود.

مردم این تمدن عظیم فرهنگ ویژه خود را دارند و از لباس گرفته تا غذا و جشن‌های خاص آنان بین مردم شبه‌قاره به نام «سندی» شهرت دارد.

***جشنواره روز ملی فرهنگ سند**[1]: نخستین یکشنبه دسامبر هرسال مردم ایالت سند جشن روز فرهنگ خود را با شور و نشاطی وصف ناشدنی برگزار می‌کنند و آن را روز همبستگی می‌نامند.

در این روز مردم از «کلاه سندی» و شال مشهور «اَجرَک» استفاده می‌کنند تا نشان دهند که به فرهنگ نیاکان خود می‌بالند.

در بسیاری از نقاط ایالت سند به خصوص شهر کراچی، گروه‌هایی با پوشیدن لباس سنتی به خیابان‌ها می‌آیند و به شور و شادی می‌پردازند.



جشنواره لباس سندی که در تمام مناطق این ایالت برگزار می شود و مردم در آن به شادمانی می پردازند و فرهنگ گذشته خود را ارج می نهند



سند به دلیل نزدیکی به آب های آزاد جهان در طول تاریخ شاهد حضور سربازان کشورهای مختلف بوده است که قصد فتح هند را داشته اند

۱- همان

IQBAL FORUM

کلاه سندی: این کلاه که زیبایی خاصی نیز دارد در بسیاری از نقاط جهان حتی کشورهایی مانند افغانستان هم طرفدار دارد، نشان ویژه کلاه سندی این است که در قسمت جلوی آن شکافی محراب مانند به چشم می‌خورد و آثار منقش روی آن نیز با ظرافت تمام هنربدیع و اصیل سندی را به رخ بینندگان می‌کشد این کلاه در سند چنان اهمیت دارد که روز ۲۱ دسامبر را روز ملی کلاه سندی نام‌گذاری کرده‌اند!.[۱]

اَجرَک: پارچه بسیار زیبایی که طرح‌هایی بدیع برروی آن نقش بسته است و معمولا در رنگ‌های تیره و تاریک دیده می‌شود. مردم سند اجرک و کلاه سندی را نمادهای سرزمین خود می‌دانند و معمولا این شال زیبا را به گردن می‌اندازند.[۲]

غذاها و خوردنی‌ها:

اَچار: طبع غذایی مردم پاکستان به گونه‌ای است که فلفل را در بسیاری از غذاها و چاشنی‌ها به کار می‌برند، بدون شک مشهورترین چاشنی که همراه تمام غذاهای پاکستانی سرو می‌شود نوعی ترشی تند است که مردم به آن «اَچار» می‌گویند. معمولا اچار از تکه‌های انبه سبز(که شیرین نیستند) روغن و فلفل تهیه می‌شود.

انواع دیگری نیز از اچار وجود دارند که به ترکیبی یا میکس شهرت دارند و در آن از هویج، سبزیجات معطر و... نیز استفاده می‌شود. نباید فراموش کنیم که طعم غذاهای پاکستانی بدون وجود اچار کامل نیست.

بریانی: مشهورترین غذای پاکستانی که با برنج درست می‌شود و البته دستور طبخ و ادویه‌های مختلفی که مردم هرشهربرای پخت آن به کار می‌برند باعث شده تا در سراسرشبه قاره به برند مشهور همان شهر تبدیل شود، بریانی است. بریانی را از گوشت مرغ یا گوشت قرمز درست می‌کنند و ادویه‌های مخصوص آن را نیز به کار می‌برند. در پاکستان یافتن ادویه مخصوص بریانی ساده‌ترین کار ممکن است. شهرهای حیدرآباد، کراچی و.. در ایالت سند نیزبریانی‌های مشهور خود را دارند که در سراسرپاکستان شهرت دارند.

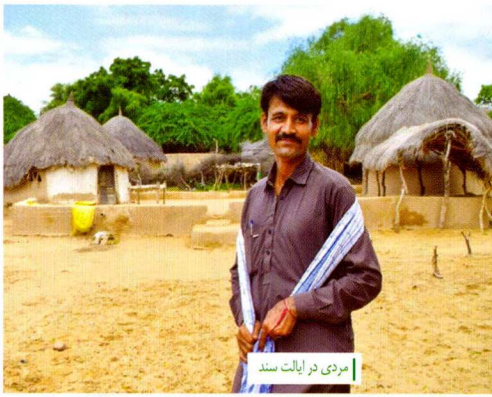
گلاب جامَن: به همان اندازه که غذاهای فلفلی پاکستانی شهرت دارند شیرینی‌های لذیذ این کشور نیزطرفدار دارند و طعم آن‌ها منحصربه فرد است. گلاب جامن نوعی خاصی از شیرینی است که تقریبا در تمام جشن‌ها و مراسم مذهبی و غیرمذهبی از آن استفاده می‌شود.

این شیرینی گرد و تیره رنگ با استفاده از شیرخشک تهیه می‌شود و طعم بی‌نظیرآن باعث شده تا شیرینی ملی پاکستان لقب بگیرد. گلاب جامن را نیز می‌توان در تمام شیرینی فروشی‌های پاکستانی یافت ولی در ایالت سند گلاب جامن طعم خاص خود را دارد.

۱- ایزوبل شاو، odyssey illustrated guide to Pakistan، چین، ۱۹۹۶، ص۸۸تا ۹۰

۲- همان

IQBAL FORUM



مردی در ایالت سند



قسمت جلوی کلاه سندی محرابی شکل است و به آسانی می توان آن را از کلاه دیگر اقوام تشخیص داد. این کلاه در سند اهمیت خاصی دارد و یکی از مهم ترین نمادهای مردم منطقه است



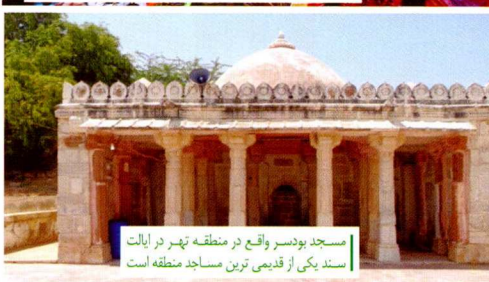
گلاب جامن یکی از شیرینی های خوش طعم پاکستانی است که در بسیاری از جشن ها دیده می شود



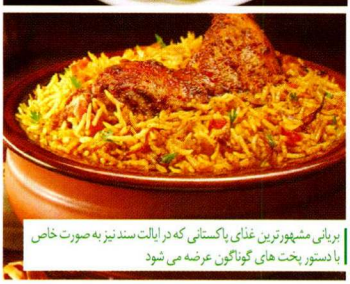
لباس خاص بانوان در ایالت سند همزمان با جشنواره فرهنگی سند



اچار مشهورترین چاشنی غذای پاکستانی است که با آنیه مخصوصی درست می شود.



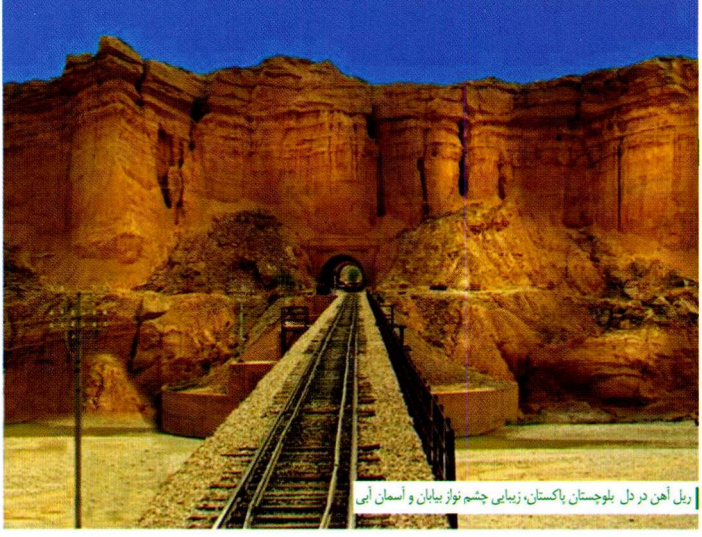
مسجد بودسر واقع در منطقه تهر در ایالت سند یکی از قدیمی ترین مساجد منطقه است



بریانی مشهورترین غذای پاکستانی که در ایالت سند نیز به صورت خاص با دستور پخت های گوناگون عرضه می شود



ایالت سند مهد صادرات میوه های پاکستانی از جمله موز است، در مسیر رسیدن به شهر کراچی می توان درختان موز را مشاهده کرد



ریل آهن در دل بلوچستان پاکستان، زیبایی چشم نواز بیابان و آسمان آبی

ایالت بلوچستان (Balochistan):

بلوچستان ۴۳ درصد از تمام خاک پاکستان را در آغوش کشیده است و از حیث وسعت بزرگ‌ترین ایالت پاکستان به حساب می‌آید، جمعیت بلوچستان به نسبت وسعتش کم است و حدود ۱۳ میلیون نفر تخمین زده شده است. طبیعت ظرفیت‌های فراوانی به بلوچستان هدیه کرده ولی بیش از هر چیزو هر جلوه‌ای خاک بلوچستان مسحور سحراشعه خورشید است و هر روز بیابان‌های زعفران رنگ این ایالت به نور خورشید خیره می‌مانند. دیار مهربانی‌ها از شمال مرزی به طول ۱۱۲۰ کیلومتر با افغانستان دارد و از غرب با وسعتی بالغ بر ۹۰۰ کیلومتر دوش به دوش ایران اسلامی ایستاده است، از جنوب به کرانه‌های نیلگون دریای عمان می‌رسد و از غرب رسم همسایگی در قبال ایالت‌های پنجاب و سند به جای می‌آورد.[۱]

آثار به دست آمده از عمق خاک آن تاریخ بلند و بالایی را روایت می‌کنند که ابتدای آن به عصر حجر می‌رسد هرچندسنگواره‌های به دست آمده از این ایالت حیات بزرگ‌ترین پستان‌دار روی زمین یعنی «بلوچی تهیریم» را در حدود ۱۰ میلیون سال پیش در دل این سرزمین تائید می‌کند. کاوش‌های دقیق حاکی از وجود تمدنی پیشرفته در ایالت بلوچستان است که ۹۰۰۰ سال قدمت دارد. پیش از حمله اسکندر مقدونی، بلوچستان جزئی از قلمرو بزرگ هخامنشایان بود و آن را ماکا می‌نامیدند.[۲]

طلوع خورشید اسلام تاریکی را از بلوچستان نیززدود و در زمان خلیفه دوم بیشتراین سرزمین به دست مسلمانان فتح شد و تنها بخش باقی مانده یعنی «قیقن» در زمان حکومت امیرالمومنین «علیه‌السلام» به اراضی اسلامی اضافه شد. در تاریخ نقل شده که در عصر حکومت این امام همام شورشی نیزدر یکی از مناطق بلوچستان رخ داده و دفع شد. اهمیت این ایالت برای پاکستان فراتراز حد

۱- محمد لکدیوالا دموگرافی ایالت بلوچستان پاکستان، داون نیوز، ۵ آوریل ۲۰۱۲

۲- پایگاه خبری د دیپلمات، اخیلش پیلاماری، ۱۳فوریه ۲۰۱۶، ذیل عنوان A Brief History of Balochistan

IQBAL FORUM

بیان است زیرا نه تنها بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر خط مرزی با کشورهای همسایه دارد بلکه بزرگ‌ترین خط ساحلی پاکستان نیز در این ایالت قرار گرفته است. بلوچستان سکونت‌گاه گونه‌های مختلف شتر است و مرکز آن شهر کویته نام دارد که در حدود ۷۰۰ کیلومتری شهر زاهدان واقع شده است.[۱]

زبان و مردم بلوچستان: بلوچ واژه‌ای فارسی و به معنای تاج بلند است و آن‌را در مقابل واژه عربی «بروج»[۲] قرار داده و با آن مقایسه کرده‌اند. «بلوچی» رایج‌ترین شیوه تکلم مردمان این ایالت است ولی یافتن گویندگان زبان پشتو نیز کار چندان دشواری نیست. زبان‌شناسان بر این باورند که بلوچی از زبان پهلوی اقتباس شده است و اخیرا تحقیقات وسیعی بر روی این زبان صورت گرفته تا رشد آن ادامه پیدا کند، این زبان را جزو زبان‌های هندواروپایی به شمار می‌آورند و تالیفات مهمی نیز به این زبان انجام داده‌اند.[۳]

مردم بلوچ در یک نظم قدیمی خود را از فرزندان حضرت حمزه سیدالشهدا«ع» دانسته‌اند و گفته‌اند که از حلب سوریه به این سامان کوچ کرده اند. در یک نظم دیگر بلوچی آمده است که آن‌ها در کربلا امام حسین« علیه‌السلام» را نیز یاری کرده‌اند و حتی برای دفاع از پیامبر گرامی اسلام« صلی‌الله‌علیه‌وآله» ۵ نفر از نام آوران بلوچستان به مکه سفر کرده‌اند.[۴]

فردوسی در شاهنامه پنج بار نام قوم بلوچ را آورده واز آنان در زمان پادشاهی «کیخسرو و نوشیروان» به نیکی و خردمندی یاد کرده است.[۵] محققان در تقسیم بندی زبان و ادب بلوچی از لحاظ تاریخی بر این باورند که این زبان زیبا ۴ دوره را تجربه کرده است و «رند، خوانین، انگلیسی و پاکستان جدید» نام‌هایی هستند که روی این دوره‌ها گذاشته‌اند. از زمان استقلال پاکستان توجه به زبان و ادب بلوچی افزایش یافته و نشریات و کتاب‌های مختلفی به این زبان چاپ شده است.

۱- محمدلکدیوالا،دموگرافی ایالت بلوچستان پاکستان،داون نیوز، ۵ آوریل ۲۰۱۲

۲- جمع برج به معنای کاخ ها و قصرها

۳- پایگاه محفل اردو،ذیل عنوان:بلوچستان، ۱۰مارس ۲۰۱۲

۴- فلیپ کرین بروک، ۲۰۱۰، آمریکا مقاله : Oral Literature of Iranian Languages: Kurdish, Pashto, Balochi, Ossetic, Persian and Tajik: The Baloch tribes rise up from their original home in Aleppo, all sons of Mir Hamza (generally taken to be the uncle of the prophet Muhammad) to fight against the After Hoseyn is slain, the angered Balochi ۶۸۰ second Ummayad Caliph Yazid I at Karbala in tribes wander way eastwards

۵- لغت نامه دهخدا،در تشریح معنای واژه بلوچ

IQBAL FORUM

فرهنگ مردم بلوچستان

روز جهانی فرهنگ بلوچ ۲ مارس است و همه ساله بلوچستانی های ساکن در کشورهای پاکستان، ایران، امارات، عمان، افغانستان، عربستان و هند این روز را به جشن و سرور می‌گذرانند.

مردان و زنان بلوچ با پوشیدن لباس‌های سنتی و محلی با پایکوبی به نژاد و اصل خویش می‌بالند. این لباس‌ها که بلوچی بودن صاحبان آن را مشخص می‌کند در اصل از پارچه‌های گران بهایی دوخته می‌شوند که در گوشه گوشه آن هنر دست عیان است. در این روز موسیقی سنتی بلوچستان که به دلیل استفاده از آلات خاص به راحتی قابل تشخیص است نیز شنیده می‌شود.[۱]

لباسی که زنان بلوچ استفاده می‌کنند منجوق دوزی‌های زیبایی را دارد که این لباس را از لباس سایر اقوام متمایز می‌کند. لباس بلوچستانی گلدوزی بسیار زیبایی نیز دارد و از حریر بافته می‌شود. آماده کردن یک لباس بلوچی زمان بسیاری را می‌طلبد ولی علاقه مردم این سامان به هنر و فرهنگ سنتی باعث می‌شود که از مدت‌ها قبل به فکر آماده کردن لباس جشن خود باشند. نکته بارزی که در لباس‌های سنتی بلوچستان وجود دارد این است که جیب‌های بسیار بزرگی دارند و حتی مشهور است که در لباس «پهشک» ۱۰ کیلو شکر می‌توان جای داد بی آن که فرم لباس به هم بخورد.[۲]

غذاها:

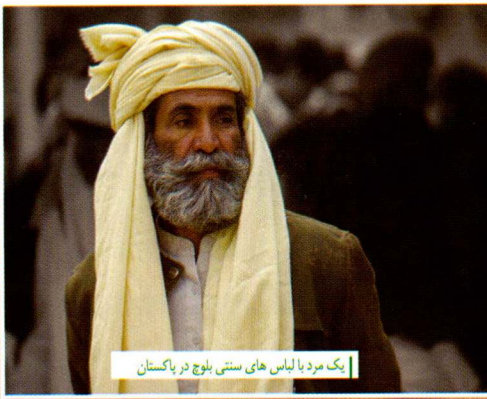
سَجّی کباب: نوع ویژه‌ای از مرغ بریان که در آن به جای استفاده از گاز و وسایل صنعتی، گوشت را به سیخ‌های چوبی آویخته و سپس با حرارت مستقیم آتش می‌پزند. اگر نزدیک غروب از کنار رستوران‌های کویته عبور کنیم می‌توانیم تنور ویژه سجی کباب را ببینیم که در اطراف آن چوبک‌ها ده‌ها مرغ بریان به شکل چادر در هم فرو رفته‌اند و در بین آن‌ها نیز سرخی آتش مشخص است. این طرز کباب کردن مرغ چنان محبوبیتی به دست آورده که اینک در تمام پاکستان می‌توان آن را به سادگی پیدا کرد.

دم پخت: نوع خاصی از طبخ برنج است که بدون آب کشی برای دم کردن صورت می‌گیرد و آشپز از ابتدا میزان خاصی آب درون دیگر ریخته و سپس تا زمان پخته شدن کامل برنج درب ظرف را از روی آن برنمی‌دارد. مردم بلوچ از این نوع برنج برای طبخ غذاهایی نظیر قابلی پلو و.. استفاده می‌کنند که طرفداران بسیار زیادی نیز دارد.

۱- دانشنامه پاک پیدیا، ذیل عنوان لباس و گلدوزی بلوچی، ۳ ژانویه ۲۰۱۷

۲- همان

IQBAL FORUM



یک مرد با لباس های سنتی بلوچ در پاکستان



شرایط آب و هوایی ایالت بلوچستان باعث به ثمر نشستن نخل در این منطقه می شود



منظره زیبای غروب آفتاب در ساحل گوادر ایالت بلوچستان یکی از بی نظیرترین مناظر غروب در جهان است



خرمای رَنَی از بهترین محصولات ایالت بلوچستان است که جزو صادرات اصلی منطقه تلقی می شود



لباس زیبای کودکان بلوچستان در یک جشنواره قومی



پهشک لباس سنتی زنان بلوچستانی است که به جا دار بودن مشهور است



سجی کباب یکی دیگر از مشهورترین غذاهای بلوچستانی است که طرفداران زیادی نیز دارد



خیبرپختونخوا یکی از زیباترین مناطق جهان که همزمان چهار فصل سال را می توان در آن دید- دره سوات و منظره ای دل انگیز

ایالت خیبرپختونخوا

خیبرپختونخوا نام یکی از زیباترین ایالت‌های پاکستان است که از لحاظ وسعت در رتبه چهارم و از لحاظ جمعیت در رتبه سوم قرار دارد، قسمت شمالی این ایالت مناظر بی‌نظیر طبیعی فراوانی را در خود جای داده و سهم بخش جنوبی متحول کردن اقتصاد و صنعت پاکستان است. شهر «پیشاور» مرکز این ایالت دروازه ورود به دنیای قدیم است و در دل هزاران حرف نگفته دارد، زبان رایج در خیبرپختونخوا پشتو است. جمعیت این ایالت حدود ۲۵ میلیون نفر است که غالب آنان پختون (پشتو زبان) هستند. البته نسل هندکو زبانان و کوهستانی‌ها نیز به چشم می‌خورد که در اقلیت هستند، مناطق قبایلی هم مرز با افغانستان نیز اخیرا به ایالت خیبرپختونخوا ملحق شده‌اند و به آن اهمیت بسیار ویژه استراتژیکی بخشیده‌اند.[۱]

نظام قبیله‌ای هنوز هم در ایالت خیبرپختونخوا به چشم می‌خورد و شهرت قبایلی چون یوسف زئی، آفریدی، محسود و... به تمام پاکستان رسیده است. از منظر تاریخی، خیبرپختونخوا حکمرانی اقوام ایرانی، یونانی، عرب، ترک، مغول و سیک‌ها را تجربه کرده است. چهارصد سال پس از ظهور اسلام در شبه جزیره عرب طلیعه و نسیم روح بخش آن به سرزمین خیبرپختونخوا رسید و مردم پاک سرشت آن را به سوی نور حقیقت فراخواند و این شد دلیلی برای رفت و آمد بزرگ‌ترین علما، دانشمندان، تجار و شعرای آن روزگار.

البته گفته می‌شود نخستین اقوام پشتو در عهد خلفا مسلمان شدند، ولی در هرحال نقش صوفیان و مبلغان دینی در مسلمان شدن مردم منطقه انکار ناپذیر است. قوم پختون یا پشتو زبان‌ها مردمی دلیر، جنگجو و بی‌باک هستند که نامشان هراس به دل دشمنانشان می‌افکند. مقاومت جانانه آنان در مقابل حمله مغول‌ها خود گواهی بر این ادعا است.[۲] در زمان حاکمیت انگلیس بر

۱- پایگاه رسمی سازمان آمار پاکستان www.pbscensus.gov.pk

۲- ریچارد جان، امپراتوری مغول، دانشگاه کمبریج، ۲۴مارس۲۰۱۷

IQBAL FORUM

شبه‌قاره هند، از سال ۱۹۰۱ مرزهای این ایالت شکل گرفت و با نام «ایالت سرحد» به معنای ایالت مرزی رسمیت یافت، هم‌زمان با استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ به دلیل جمعیت بالای مسلمان در این منطقه ایالت سرحد به پاکستان ملحق شد و تلاش جدایی طلبان نیز در سال ۱۹۵۰ به دلیل رغبت مردم این ایالت به سوی پاکستان ناکام ماند.[۱]

خیبرپختونخوا به دلیل داشتن ارتفاعات هندوکش و هم مرز شدن با کشمیر و افغانستان، از لحاظ استراتژیکی اهمیت بسیار بالایی دارد و از لحاظ آب و هوایی نیز در یک زمان می‌توان هر چهار فصل را در آن مشاهده کرد. زیبایی خیره‌کننده مناطقی چون «سوات، کالام، کندیا، ناران و..» باعث شده تا سالانه هزاران گردشگر خارجی به این ایالت سفر کنند و غرق در زیبایی‌های طبیعی بی‌مثل و مثال آن شوند. نوای زندگی از جریان رودهای «سوات، چترال، پنج‌گوره، کرم، گومل و کابل» در جای‌جای این ایالت به گوش می‌رسد و حیات منطقه را روح می‌بخشد. نام خیبرپختونخوا در پاسخ به درخواست‌های مکرر و فراوان ساکنان پشتوزبان این ایالت از سال ۲۰۱۰ برای این منطقه انتخاب شده و رسمیت یافت.[۲]

زبان و مردم خیبرپختونخوا: پشتو زبان مردم این ایالت است که میان اهالی شبه‌قاره به «پتانی» Pathani شهرت دارد این زبان ۶۵ میلیون نفر گوینده دارد که غالب آنها را مردم ایالت خیبرپختونخوا تشکیل می‌دهند. از لحاظ رسم الخط به عربی شباهت دارد و از خانواده زبان‌های هندواروپایی است.[۳]

پشتو یکی از مهم‌ترین زبان‌های افغانستان نیز هست و در این کشور به رسمیت شناخت می‌شود، آمارها نشان می‌دهند که ۱۵ درصد از تمام مردم پاکستان پشتوزبان هستند. در مورد قدمت زبان پشتو دو نظریه وجود دارد که یکی از آنان به اصالت نژادی قوم پختون پیوند می‌خورد، نظریه اول این است که این زبان پیش از مهاجرت اولیه آریائیان وجود داشته است و نظریه دوم این است که این زبان از عبری اقتباس شده است. اگر فرض دوم را بپذیریم می‌توانیم این نظریه را نیز با اهمیت بیشتری بررسی کنیم که پشتو زبان‌ها از نسل قوم بنی‌اسرائیل هستند. پرفسور پریشان ختک استاد زبان‌شناس پاکستانی پشتو را جزو زبان‌های سامی می‌داند.[۴]

فرهنگ: موسیقی یکی از درخشان‌ترین و متعارف‌ترین جلوه‌های هنری قوم پشتو است و به راحتی می‌توان سبک موسیقی مردم خیبرپختونخوا را از دیگر نقاط پاکستان تشخیص داد. بزرگ‌ترین جشن‌های ایالت خیبرپختونخوا اعیاد اسلامی نظیر عید قربان و عید فطر است که با شوری وصف

۱- جیمز وینبرد، تاریخ پاکستان، نیویورک، ۲۰۰۹، ص۵۳- ۵۵

۲- هجدهمین اصلاحیه قانون اساسی پاکستان در سال ۲۰۱۰ نام خیبرپختونخوا را برای ایالت سرحد برگزید، نیویورک تایمز، ۴جون ۲۰۱۰

۳- هربرت پنزل، گرامر پشتو، سالن اسلامی، ۲۰۰۹، ص ۲۱۰

۴- احسان انتظار، درک فرهنگ افغانستان، ۲۰۰۸، کابل، ص ۸۹

نشدنی برگزار می‌شود. از آنجا که اقوام مختلفی در این ایالت زندگی می‌کنند شاهد وجود فرهنگ‌های بسیار متفاوتی هستیم که به طور نمونه می‌توان یکی از آن‌ها را بیان کرد:

قوم کالاش، تافته‌های جدا بافته[1]

کالاش‌ها قومی «هندوایرانی» هستند که در اطراف منطقه چترال (ایالت خیبرپختونخوا) ساکن هستند. آن‌ها به زبان کالاش از زبان‌های هندوایرانی سخن می‌گویند و آخرین جامعه‌ای هستند که به دین کهن آریایی اعتقاد دارند. فرهنگ مردم کالاش بسیار منحصربه‌فرد است و با فرهنگ اقوام همسایه‌شان تفاوت‌های عمده‌ای دارد و به همین جهت این قوم مورد توجه مردم‌شناسان قرار گرفته‌اند. آن‌ها چند خداباور هستند و طبیعت نقش معنوی مهمی در زندگی ایشان دارد. اهدای قربانی و برگزاری جشن‌هایی برای تشکر از نعمات طبیعت، بخشی از آئین‌های مذهبی این قوم است. هرچند شباهت‌هایی بین اساطیر فولکلور کالاش‌ها و آئین یونانیان باستان دیده شده اما شباهت کالاش‌ها به باورهای باستانی هند و ایرانی یعنی دوران ودایی و پیشازرتشتی بسیار بیشتر است تا به یونانیان. کالاش‌ها خود را از نسل سپاه اسکندرمقدونی می‌دانند، البته مطالعات ژنیتیکی این ادعای آن‌ها را تائید نمی‌کند. قوم کالاش در مقابل فشار مداوم همسایگان مسلمان خود که در تمام طول تاریخ آن‌ها را کافر نامیده‌اند مقاومت کرده‌اند و آیین اسلام را نپذیرفته‌اند.[2]

کالاش‌ها تا اوایل قرن بیستم جمعیت زیادی داشتند، اما پس از آن تعدادشان همانند دیگر اقوام غیر مسلمان منطقه رفته‌رفته کاهش یافت. بزرگان آنها می‌گویند: «اگر یک کالاش مسلمان شود نمی‌تواند درمیان ما زندگی کند. ما بایستی هویت خود را حفظ کنیم». هم اکنون کالاش‌های مسلمان که شیخ نامیده می‌شوند، حدود نیمی از جمعیت کالاش‌ها را تشکل می‌دهند. بسیاری از آنان در روستاهای همسایه زندگی می‌کنند و زبان و بسیاری از رسوم فرهنگی منحصربه فرد خود را حفظ کرده‌اند.

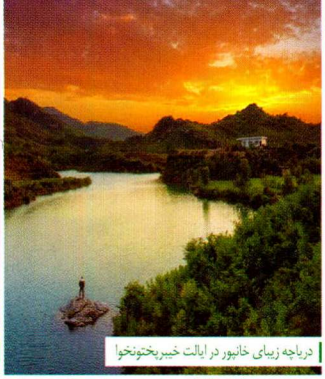
کالاش‌ها به یک خدای اصلی و چند خدای فرعی معتقد هستند و در اصل از لحاظ فقه اسلامی مشرک به حساب می‌آیند. جامه زنان کالاش ردای بلند مشکی بالبه‌های گل‌دوزی شده رنگارنگ است، آن‌ها به همین جهت به «کافران سیاهپوش» معروفند. درمیان کالاش‌ها برخلاف دیگر اقوام ساکن پاکستان جدایی جنسیتی معمول نیست و در نتیجه ارتباط زن و مرد هم ممنوع نیست، اما زنان در دوران قاعدگی ناپاک شمرده می‌شوند و به دهکده‌ای به نام «باشالنی» می‌روند. مکانی که زایمان و تولد فرزندان نیز در آن صورت می‌پذیرد. پس از زایمان

۱- گل حماد فاروقی، جشن سرمای زمستان، ای.آر.وای نیوز، ۲۳دسامبر۲۰۱۸

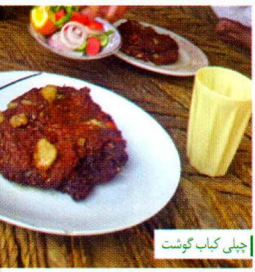
۲- آگوستو کاکوپردو، کتابخانه گینگکو، ۲۰۱۶، ص ۱۵۰

IQBAL FORUM

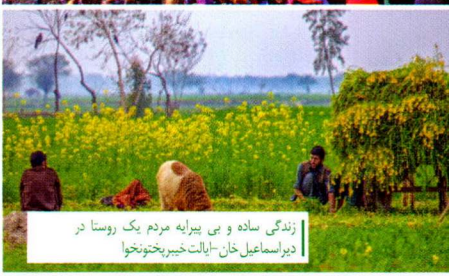

یک زن از قوم کالاش


دریاچه زیبای خانبور در ایالت خیبرپختونخوا

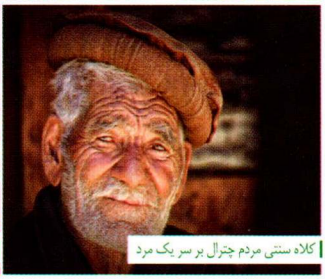

مردم ایالت خیبرپختونخوا علاقه بسیار زیادی به بازی چوگان دارند و همه ساله جشنواره های مختلفی نیز برگزار می کنند


چپلی کباب گوشت


منبت کاری یکی از مشاغل سنتی در ایالت خیبرپختونخوا است که مردم در آن تبحر زیادی دارند

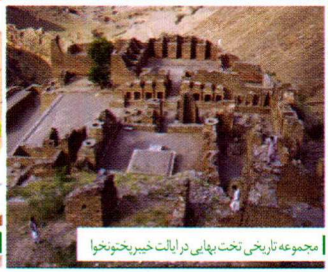

زندگی ساده و بی پیرایه مردم یک روستا در دیراسماعیل خان-ایالت خیبرپختونخوا

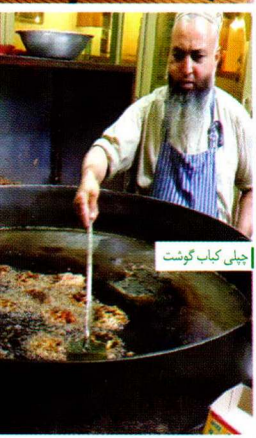

طبخ ذرت با سبک سنتی


کلاه سنتی مردم چترال بر سر یک مرد


یک جشنواره در دره کالاش که با حضور مردم برگزار می شود


غذاهای سنتی


مجموعه تاریخی تخت بهایی در ایالت خیبرپختونخوا


چپلی کباب گوشت


یک زن چادر محلی در ایالت خیبرپختونخوا-این چادر به کشور افغانستان نیز منتسب است


موسیقی خیبرپختونخوا ابزار و ریتم بسیار خاصی دارد و به راحتی قابل تشخیص است. در پارک ها و معابر عمومی نیز شنید

IQBAL FORUM

مراسمی برای پاک شدن نمادین مادر نیز انجام می‌گیرد که شوهر نقش مهمی در آن دارد.[1]

برخی انحرافات: مراسم بودولاک (سلطان چوپان) نیز در جشن چویموس برگزار می‌شود. یک جوان نیرومند به کوهستان می‌رود تا تابستان را به همراه چند بزبگذراند، به اعتقاد این مردم شیر بز او را قدرتمند می‌کند. در روز جشن او اجازه دارد تا تنها برای ۲۴ ساعت به روستا برگردد و آن مدت را با یکی از زنان روستا بگذراند. او هر زنی را حتی اگر شوهر داشته باشد یا کودک باشد می‌تواند برگزیند. اگر فرزندی ازاین ارتباط زاده شود، مقدس دانسته می‌شود. البته آن‌ها اعلام کرده‌اند که این مراسم را برچیده‌اند.

امروزه دولت پاکستان سیاست خود را نسبت به غیرمسلمانان ساکن چترال با تساهل توأم کرده است. افرادی که وارد دره کالاش می‌شوند باید مبلغی را به عنوان ورودیه بپردازند. این مبالغ برای رفاه مردم وحفاظت از محیط زیست این ناحیه خرج می‌شود. بااین حال هنوز هم قوم کالاش که در سه دهه اخیر جمعیت آنان سیرصعودی یافته، با خطراتی روبه‌رو است.[2]

دیگر جشن‌های اقوام پشتون:

برخی جشن‌های سنتی نظیر نوروز در این ایالت با شوری وصف ناشدنی برگزار می‌شود، و رسوم مختلف مانند اهدای تخم مرغ رنگی و یارقص‌های محلی بین مردم کاملا رایج است. مردم ایالت خیبرپختونخوا بازی‌های ویژه خود را دارند و به طور مثلا در منطقه چترال به خوبی با چوگان بازی آشنا هستند و همه ساله جشنواره‌های مختلفی در این راستا برگزار می‌کنند.

غذاهای ایالت خیبرپختونخوا

کابلی پلو: یا قابلی پلو نوعی غذای بدون خورش است که به خصوص در افغانستان طبخ می‌شود ولی به دلیل فرهنگ نزدیک میان مردم خیبرپختونخوا و افغانستان این غذای خوشمزه را در تمام رستوران‌های خیبرپختونخوا مشاهده کرد.

برای درست کردن این غذا باید هنگام دم کشیدن برنج آن را با مخلوط روغن، هویج، زرد چوبه، زنجبیل، گوشت و... مخلوط کرد و پس از آماده شدن نیز آن را با کشمش، هویج سرخ شده و... تزئین کرد.

چپلی کباب: نوعی کباب شامی است که روی تابه‌های بزرگی آماده می‌شود و به خصوص هنگام غروب می‌توان آن را در گوشه گوشه ایالت خیبرپختونخوا مشاهده کرد. مردم این کباب‌های خوش طعم را با نان و سالادهای فصل سرو می‌کنند.

برای پخت این کباب علاوه برگوشت مقدار مشخصی پیاز، سبزیجات تازه، فلفل و... با مواد اولیه ترکیب شده و در تابه سرخ می‌شود.

۱- ایزوبل شاو، odyssey illustrated guide to Pakistan، ۱۹۹۶،چین، ص ۲۰۰

۲- گل حماد فاروقی، جشن سرمای زمستان، ای.آر.وای نیوز، ۲۳دسامبر۲۰۱۸

IQBAL FORUM



منظره کوه، رود و دامنه های زیبای سرسبز را می توان در گلگیت بلتستان به کرات مشاهده کرد

منطقه گلگیت، بلتستان

این منطقه یک ایالت غیر رسمی به حساب می‌آید و اغراق نکرده‌ایم اگر بگوئیم یکی از خارق العاده‌ترین مکان‌های روی زمین است. فضای محصور میان کوه‌های هیمالیا و قراقروم که از زیبایی و طبیعتی سحرآمیز برخوردارند و مردمان ساده دل آن که صبورند و هیچ‌گاه لبخند از لبانشان محو نمی‌شود. تا سال ۱۹۴۸ «گلگیت بلتستان» جزئی از منطقه کشمیر به حساب می‌آمد ولی اهالی آن به صورت خودش قیامی را برای آزادی از بند کفر آغاز کردند و به پاکستان ملحق شدند. پس از آن این منطقه شکلی آزاد به خود گرفت به این معنا که هم جزئی از پاکستان به حساب می‌آید و هم حالت رسمی ندارد و مردم آن در پارلمان ملی نماینده‌ای ندارند.[۱]

این وضعیت نامطلوب تا سال ۲۰۰۸ ادامه پیدا کرد و سرانجام «آصف علی زرداری» در زمان حکومت حزب مردم به این ایالت حالتی نیمه رسمی داد، این وضعیت تاکنون ادامه دارد و در زمان نخست وزیری «عمران خان» و تحریک انصاف نیز قرار بر این شد که حالت نیمه رسمی ایالت حفظ شود ولی حقوق کاملی به مردم این منطقه تعلق بگیرد.[۲]

نکته عجیب در مورد این ایالت حالت بسیار ویژه و خاص استراتژیک آن است که باعث جلب توجه ابرقدرت‌های جهان به آن شده است، ذکر همین نکته در این باب کافی است که این منطقه نسبتا کوچک با ۳ کشور مرز مشترک دارد و اهمیت تاریخی آن به حدی زیاد بوده که بشر عصر کهن حاضر شده جاده مشهور ابریشم را با سختی و مشقت فراوان از دل کوه‌های قراقروم عبور دهند.

این نیمه ایالت در منتهی الیه شمالی پاکستان بساط گسترانده و خانه بلندترین کوه‌های جهان به شمار می‌رود که عِلم زمین شناسی عمر این منطقه را ۴۰۰ میلیون سال می‌داند. تا سال ۸۰۰ میلادی

۱- حسین آبادی، محمد یوسف، تاریخ بلتستان، ذیشان کامپیوتر، سکردو، فوریه ۲۰۱۳، ص ۷

۲- اکسپرس نیوز، تعیین وضعیت منطقه گلگیت بلتستان توسط عمران خان، ۲۸ نوامبر ۲۰۱۸

IQBAL FORUM

یعنی ۱۵۰ سال پس از ظهور اسلام این منطقه را «پولولو» می‌نامیدند که مرکز آن خپلو(Khapulu) بود. از آنجا که زبان ساکنان منطقه بلتستان با ساکنین تبت و لداخ در هند یکی است در زمان های دور این منطقه را «بلتی» (Balti) و اهالی آن را «بلتی پا»(Balti pa) می‌نامیدند این نام در تاریخ مکتوب جهان برای اولین بار در سال ۲۰۰ میلادی توسط بطلمیوس ثبت شده است. و مردم کشمیر در گذشته آن را به نام « ژیره بتن» به معنای سرزمین قیسی می‌شناختند. در هند به این منطقه تبت کوچک یا «تبت خرد» می‌گفتند زیرا زبان بلتی با زبان تبتی اشتراکات بسیاری دارد.[۱]

از آنجا که گلگیت وبلتستان از دوبخش جدا شکل گرفته است برای معرفی دقیق‌تر این بخش‌ها را تفکیک می‌کنیم.

گلگیت Gilgit :

شهری کوچک است که از سطح دریا ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد و ساکنان آن بیش از ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده شده‌اند. زبان مردم این منطقه «شینا» است که در بسیاری از روستاهای اطراف گلگیت نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شهر زیبا در کوهپایه‌های هیمالیا و قراقروم واقع شده و پانزده دریاچه و پنج چشمه آب گرم نیز از دل آن می‌جوشد. شهر گلگیت عرض کمی دارد و به این دلیل باند فرودگاه آن نیز مناسب فرود هواپیماهای بزرگ نیست.[۲]

همچنین بخش‌هایی مهم چون نِگَر نیز اطراف گلگیت وجود دارند که مردم آن در الحاق این منطقه به پاکستان و جدا شدن از هند نقش اساسی ایفا کرده‌اند. شهر گلیگت کانون ادب و فرهنگ مناطق شمالی پاکستان است و به عنوان بزرگ‌ترین شهر در ایالت گلگیت بلتستان مرکز آن به حساب می‌آید.

فرهنگ و میراث کهن در گلگیت:

گلگیت، این شهر کوچک که در قلب هیمالیای بزرگ، سفره سخاوت برای میهمانانش گشوده است، نه فقط مواهب طبیعی‌اش را از «راکاپوشی» و «نانگاپربت» گرفته تا «هنزه»، «شندور» و «بلتِت» به رخ می‌کشد بلکه آداب و رسوم فراوانی که مردمش از نیاکان خود به ارث برده‌اند؛ چونان تاجی درخشان برسرش جلوه نماست.

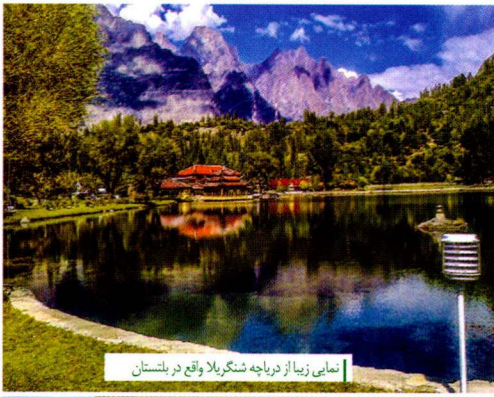
در معرفی این شهر دل انگیز و کوهستانی نباید «لباس های محلی» مردمش را از یاد برد که خود حدیثی مفصل از عمق باور و اعتقادات حاکم در این مناطق است. از آنجا که کوهپایه های هیمالیا و قراقروم جایگاه استقرار مردم این حوالی است، غالب لباس‌هایی که به تن می‌کنند مناسب سرما است و آنچه بیش از همه نمایان گر قوم و قبیله افراد تلقی می‌گردد، کلاه های آن هاست.[۳]

۱- حسین آبادی، محمد یوسف، تاریخ بلتستان، ذیشان کامپیوتر، سکردو، فوریه ۲۰۱۳، ص۱

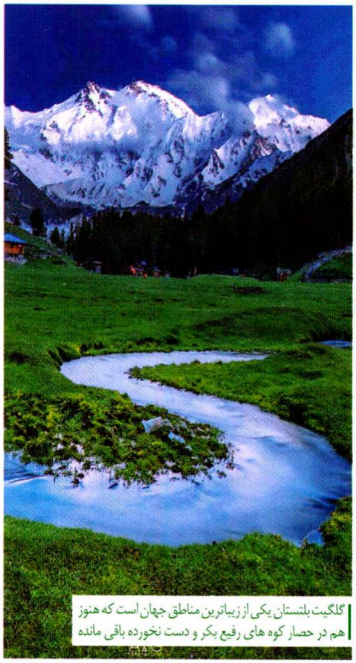
۲- ژئو گرافی چترال، چترال نیوز، ۶نوامبر ۲۰۱۵

۳- پایگاه خبری پامیر تایمز، لباس های سنتی گلگیت بلتستان، ۲ ژوئن ۲۰۱۸

IQBAL FORUM



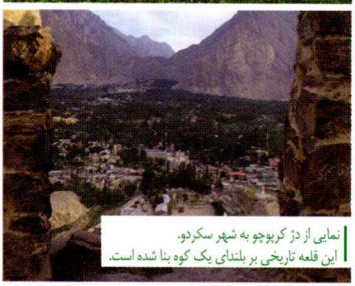
نمایی زیبا از دریاچه شنگریلا واقع در بلتستان



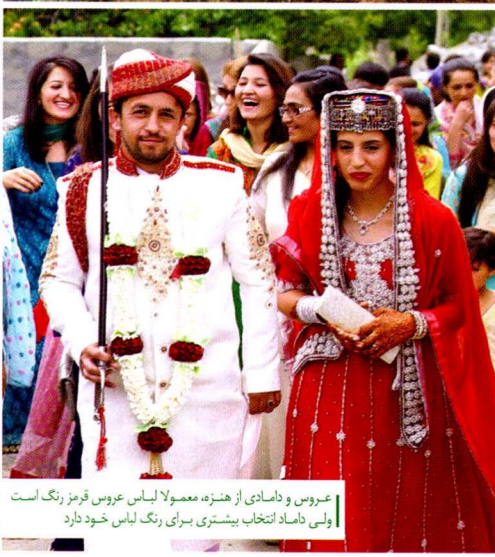
گلگیت بلتستان یکی از زیباترین مناطق جهان است که هنوز هم در حصار کوه های رفیع بکر و دست نخورده باقی مانده



جاده ای خطرناک در دل کوههای قراقروم –گلگیت بلتستان



نمایی از دژ کریوجو به شهر سکردو. این قلعه تاریخی بر بلندای یک کوه بنا شده است.



عروس و دامادی از هنزه، معمولا لباس عروس قرمز رنگ است ولی داماد انتخاب بیشتری برای رنگ لباس خود دارد



جوانان اهل گلگیت در یک جشن سنتی ، کلاه مشهور گلگیتی را با پری که برای تزئین به آن وصل شده می توان روی سر این جوانان مشاهده کرد

IQBAL FORUM

مردم ساده و محجوب گلگیتی، حساسیت فراوانی به لباس های خود دارند. لباسی که در مواقع عادی به تن می کنند یا در خوشی ها می پوشند یا با آن به سوگ می نشینند، تفاوت های عمده‌ای دارند اما وجه مشترک تمام‌شان کلاهی است که مختص قبیله آن‌ها است .این کلاه‌ها که غالبا از پشم گوسفند درست می‌شود به هنردست آراسته‌اند، بسته به این‌که برای کدام ناحیه است، گرد تا گرد آن دوخته می‌شود و گاهی پری زیبا در پیشانی آن خودنمایی می‌کند، برای مردان برسرداشتن کلاه نشان دهنده عظمت و اقتدار است و گاهی در مجامع رسمی حکایت از ادب دارد. زمستان سررا گرم نگه می‌دارد و در تابستان سایه‌بانی است هنگام زراعت. برای زنان ولی داستان متفاوت است، کلاهی که به سرگذاشته‌اند نوعی حجاب است، زیبایی کار دستی روی آن بیشترنمود می‌کند و معمولا رنگ های شاد در آن به کارگرفته می‌شوند.[1]

فستیوال‌ها و جشنواره‌های لباس و ساز محلی هرساله برگزار می‌شوند و مردم هرمنطقه تلاش می‌کنند با شرکت پرشور در آن، سنت های پیشینیان خود را بزرگ بشمارند. غالب این جشنواره‌ها در فصول بهار و تابستان برگزار می‌شوند. چراکه این مناطق بهار خنک، تابستان معتدل و پاییز و زمستان سردی دارند. لباس‌های عروس و داماد نیززیبایی‌های خود را دارند. عروس معمولا رنگ قرمزبه تن می‌کند ولی داماد در پوشیدن لباسش انتخاب‌های بیشتری دارد .اقوام نزدیک داماد گردن آویزی از پول آماده می‌کنند و به گردنش می‌آویزند، گاه در یک عروسی بیش از ۵۰ گردن آویزبه گردن داماد انداخته می‌شود. تعداد بالای این گردن آویزها نشان از تعداد بالای اقوام است و خانواده داماد به آن می‌بالد.[2]

۱- همان

۲- همان

IQBAL FORUM

بلتستان؛ ایران کوچک

این منطقه را به نام ایران کوچک می‌شناسند و دلیل آن خلوص بسیار بالای مردم این منطقه و عشق ارادتی است که به ایران اسلامی دارند. بلتستان منزل‌گاه ۴ کوه است که ارتفاع آن‌ها بیش از ۸ هزار متر است. (تعداد کل این کوه‌ها ۱۴ قله است که سهم کل پاکستان ۵ قله می‌باشد) و از این نظر با توجه به وسعت کمش در سطح جهان دارای رکورد است. این مکان اعجاب انگیز هنوز هم طلایه دار فرهنگ و باور دنیای قدیم است که خود را به صورت خاص و ویژه‌ای از گزند آفت‌های تکنولوژی عصر حاضر دور نگاه داشته است.

در آسمان منطقه بلتستان هنوز هم خورشید رنگی طلایی دارد و سینه سپهر پر است از رنگ آبی روشن، نعمتی که مردم شهرهای بزرگ از دیدن آن کم بهره‌اند. سکردو(Skardu) مرکز منطقه بلتستان است و شهری است که از سکونت مردم روستاهای اطراف شکل گرفته است، این شهر زیبا نه تنها از طبیعتی مثال زدنی بهره‌مند است بلکه سرشار از آرامش است، به همین دلیل مورد توجه بسیاری از گردشگران قرار می‌گیرد و سالانه ده‌ها هزار نفر به قصد گردش به این شهر کوهستانی سفر می‌کنند.

نگاهی به فرهنگ و زیبایی شهر سکردو

این شهر رویایی که میعادگاه تمامی کوه‌نوردان حرفه‌ای جهان است، شهرتی فراوان دارد، مردم ساده و بی‌پیرایه این شهر قرابتی فراوان با انقلاب اسلامی ایران دارند. در ورودی شهر هتل‌های فراوانی وجود دارد که از اواخر بهار تا اواسط تابستان رزرو اتاق در آن چندان راحت نیست. سکردو شهری است در دل هیمالیا، با ۲۲۲۸ متر ارتفاع از سطح دریا، ۵۰۰ هزار نفر جمعیت در خود گنجانده و قدمتی کهن دارد. زیبایی‌های خیره کننده این شهر با آب و هوای کوهستانی آن عجین شده و روح هر انسانی را جلا می‌بخشد. آن چه که در مورد این شهر بیش از همه جلوه می‌کند موقعیت جغرافیایی آن است.[۱]

این شهر دقیقا بین دو رشته کوه «هیمالیا و قراقروم» واقع شده است و جالب این که رود سند نیز پر خروش و شتابان این شهر را در می‌نوردد. نمای هوایی این شهر نیز منظره‌ای بسیار زیبا را برای مسافرانش خلق می‌کند. روزانه یک پرواز از اسلام‌آباد به سکردو انجام می‌گیرد. مردم این شهر به زبان «بلتی» تکلم می‌کنند، زبانی که الفبای آن نابود شده است ولی مردم خطه شمال غربی پاکستان، شمال شرقی هند و بخش‌هایی از نپال به آن سخن می‌گویند.[۲]
بازار مرکزی این شهر زیبا و کوهستانی که مجمعی برای حضور تمام برندهای پاکستانی و چینی

۱- حسین آبادی، محمد یوسف، تاریخ بلتستان، ذیشان کامپیوتر، سکردو، فوریه ۲۰۱۳، ص۳

۲- همان، ص۳۱۷- ۳۲۰

IQBAL FORUM

است فوق العاده شلوغ است. به خصوص لباس فروشی‌های این شهر، چرا که طبقات مختلف مردم لباس‌های متفاوتی به تن می‌کنند. عده‌ای به لباس‌های سنتی علاقه‌مند هستند، بخشی از مردم لباس پراز کاردست شهرهای بزرگ پاکستان را به تن می‌کنند و جوانان بیشتر به سبک لباس‌های اروپایی علاقه‌مند هستند.

تمامی این لباس‌ها در بازار شهر سکردو یافت می‌شوند. در قسمت پشتی بازار مرکزی سکردو کوهی جدا افتاده از سایر کوه‌های هیمالیا خودنمایی می‌کند که آنچه برفراز آن قرار دارد باعث شهرت جهانی این کوه شده است. در قدیمی‌ترین تصاویر موجود از شهر «سکردو» نیز این قلعه تاریخی خودنمایی می‌کند زیرا قلعه ۵۰۰ ساله «کَر فوچو» سال‌ها است به شهر سکردو خیره شده و آن را زیر نظر دارد. این بنای زیبا که برفراز ارتفاع ۷۰۰ متری کوه ساخته شده است توسط پادشاهان خاندان راجا ساخته شده است. قلمرو حکمرانان این مناطق وقتی پاکستان از هند جدا شد به دو بخش تقسیم شده و قسمتی از آن هم اکنون هند است.[1]

جالب این است که سنگ بنای این قلعه باشکوه به زبان فارسی نوشته شده است[2] و به این ترتیب پرده از حقیقت مهمی کنار می‌رود و آن این است که زبان رسمی این مناطق در روزگاری دور فارسی بوده است. شاید به همین دلیل باشد که مردم این منطقه علاقه فراوانی به ایران دارند زیرا نیاکان آن‌ها به فارسی سخن گفته‌اند و در زمینه ادبیات فارسی مهارتی ستودنی داشته‌اند. قسمت جنوبی شهر سکردو علاوه بر کرفوچو، با شیب ملایمی به مراتع سرسبز رود سند ختم می‌شود، جایی که نیمه شعبان هزاران نفر از اهالی سکردو به آنجا رفته و به عشق امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف شمع روشن می‌کنند و با تکه‌های چوب آن را به رود سند می‌سپارند. منظره شمع‌های شناور از فاصله دور زیبایی بسیار خیره کننده‌ای دارد.

علاوه بر این بازار فروش لوازم کوه‌نوردی نیز در سکردو بسیار داغ است. هم لوازم نو و هم لوازم دست دوم که متعلق به هیمالیا نوردانی است که پیش از این به آن جا سفر کرده‌اند. کشورهای خارجی نیز در این شهر حضور فعالی دارند به خصوص ایتالیایی‌ها که به سکردو و علاقه فراوانی دارند، آن‌ها نخستین فاتحان دومین کوه بلند جهان یعنی «کی تو» هستند که ۸۶۱۱ متر ارتفاع دارد. حکام گذشته بلتستان و شهر سکردو در زمینه تقسیم اراضی چنان هوشمندانه عمل کرده‌اند که علی‌رغم پیشرفت‌های فراوان بشر هنوز هم کسی نتوانسته است راهی ساده‌تر برای این کار پیدا کند. اداره املاک سکردو هنوز هم دارای نقشه‌های پارچه‌ای است که کارمندان آن به سادگی می‌توانند با مراجعه به آن مالک فعلی، قبلی میزان مالکیت و... را بیابند همه در یک سفره پارچه‌ای.

روزهای ویژه

۱- همان ص ۴۵

۲- سنگ نوشته قلعه کهرپوچو. شمال شهر سکردو

ازآنجاکه غالب جمعیت شهرسکردووومناطق اطراف آن که شامل «شگر، کهرمنگ، خپلو..» می شود راشیعیان تشکیل می دهند روزهای ویژه ومهم نیزبامذهب واعتقادات مردم گره خورده اند.

ایام عزاداری اسد:

مردم بلتستان که زندگی شان در کوهپایه های هیمالیا و آب و هوای سرد آن سامان می گذرد، عشق و ارادت خود به اهل بیت علیهم السلام را مدیون علمایی هستند که مشقت به جان خریده و ضمن تحصیل درحوزه های علمیه قم و نجف و عشق و محبت به آنان آموخته اند. هرسال از ۳۱ تیرتا ۹ مرداد ماه مردم مناطق مختلف بلتستان ایامی را با نام «اسد» به عزاداری سالارشهیدان اختصاص می دهند، اسد چونان محرم است و به مدت یک دهه دقیقاً مشابه عاشورای حسینی اقامه عزا در آن صورت می گیرد.[1]

اگراز مردم بلتستان بپرسیم که ؛ شما چرا فقط به محرم اکتفا نمی کنید؟ چرا هرسال اسد را چون محرم برگزار می کنید؟ با چشمانی پراز اشک پاسخ می دهند: دلیل این عزاداری در فصل تابستان این است که امام حسین« علیه السلام» در گرما به شهادت رسید، و ما می خواهیم در گرما برای او عزاداری کنیم. در روز عاشورای اسد مردم بلتستان (و تمام روستاهای آن منطقه) دسته های عزاداری به راه انداخته و سینه زنان نام مولایشان حسین را برزبان جاری می سازند .این منطقه دارای حسینیه های فراوانی است که با توجه به کوهستانی بودن جغرافیا و محیط، برروی دامنه کوه ها و یا احیانا ارتفاعات آن ساخته شده است ولی هیچ قدرتی نمی تواند مانع عزاداری با اخلاص مردم شود.[2]



مراسم عزاداری اسد در شهر سکردو

۱- پایگاه خبری کلیپ آس، عزاداری اسد ۲۰۱۸، ذیل عنوان : عاشورای اسد در سکردو

۲- یادداشت های شخصی نویسنده از سفر به مناطق شمالی پاکستان،

IQBAL FORUM

شب برات

شب چهاردهم ماه شعبان که در اصل شب ولادت امام عصر« عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف» است نیز بین مردم بلتستان قداستی خاص دارد.

در این روز مردم تلاش می‌کنند که حوائج و دعاهای خود را روی کاغذی نوشته و درحالی که شمعی کنار آن روشن کرده‌اند آن را به سند خروشان بسپارند. صحنه حرکت هزاران شمع روان روی رود سند منظره‌ای بدیع ایجاد می‌کند و مردم با خواندن دعا و همچنین آرزوهای خوب تلاش می‌کنند تا این روز را گرامی بدارند. از دیگر مراسم ویژه‌ای که در منطقه بلتستان برگزار می‌شود و جزو جشن‌های این منطقه به حساب می‌آید می‌توان به بازی چوگان اشاره کرد که معمولا در ایام استقلال پاکستان بین جوانان برگزار می‌شود و طرفداران بسیاری نیز دارد.[1]

غذاهای بلتستان:

مامتو: منطقه گلگیت بلتستان از حیث فرهنگ و حتی غذاهای سنتی از دیگر مناطق جهان ممتاز و متمایز است، یکی از بهترین غذاهای این منطقه مامتو نام دارد که البته در برخی مناطق هم جوار نیز طبخ می‌شود. در گلگیت و بلتستان یافتن مامتو کار ساده‌ای است. این پیراشکی گوشتی خوش طعم از ترکیب گوشت، پیاز، ادویه، سیب زمینی و... تهیه می‌شود و نکته جالب در آن این است که روغن در آن هیچ کاربردی ندارد. پس از آب پز شدن مواد اولیه آشپز با ظرافت آن‌ها را در لایه نازکی از خمیر که به شیرینی خامه‌ای شباهت دارد می‌پیچد و سپس روی ظرف‌های مخصوصی بخار پز می‌کند. مردم مامتو را همراه با سرکه میل می‌کنند و به خصوص در ماه مبارک رمضان این غذا زینت سفره‌های افطار می‌شود.

پرَپو(Prapu): یکی دیگر از غذاهای مشهور منطقه که معمولا در خانه‌ها پخت می‌شود پرپو نام دارد. برای پخت این آش خوش طعم زنان خانه دار خمیرها را به شکل‌های لقمه‌ای در می‌آورند و سپس آن را با سبزیجات معطر محلی و مغز گردو بادام و... ترکیب می‌کنند. مردم منطقه خپلو در پختن این آش مهارت خارق العاده‌ای دارند و هنگام سرو غذا از کره حیوانی و روغن محلی نیز برای تزئین سفره بهره می‌برند.

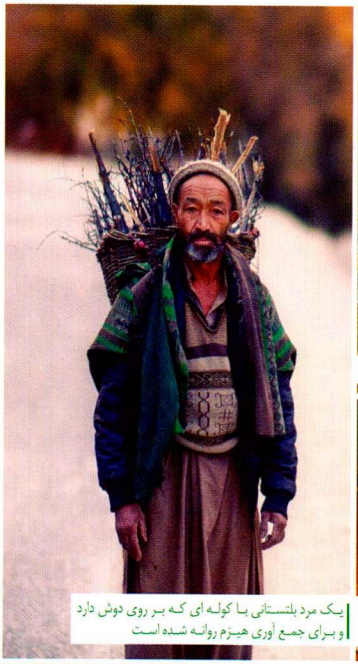


۱- این اعتقاد در بین مردم سایر نقاط پاکستان نیز وجود دارد و آن‌ها در شب نیمه شعبان حوائج خود را به نزدیکترین رود یا دریا می افکنند.

IQBAL FORUM



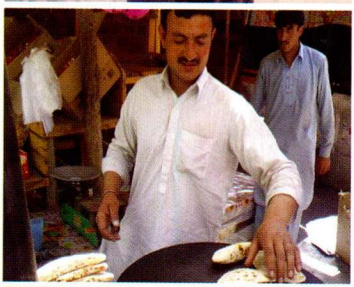
تولید برگه خشک یکی از مهم ترین مشاغل روستایی در منطقه است



یک مرد بلتستانی با کوله ای که بر روی دوش دارد و برای جمع آوری هیزم روانه شده است



ظرف مخصوص بخار پز کردن مامتو. این پیراشکی های خوشمزه گوشت از طریق بخار آب پخته می شوند





مامتو و شوربه(آبگوشت) دونوع غذای مشهور در گلگیت بلتستان هستند، مامتو نوعی پیراشکی گوشت است که در پخت آن از روغن استفاده نمی شود



کودکان اهل گلگیت ، هم مرز بودن منطقه محل سکونت این کودکان با کشور چین را به سادگی از پوشش و چهره آنها می توان دریافت

IQBAL FORUM

فصل هشتم

دست‌آوردهای هفتاد ساله پاکستان

پاکستان اولین ویگانه کشوراسلامی که درقطب جنوب پایگاه تحقیقاتی دارد

قطب جنوب یک منطقه راهبردی، بکرو وسیع است که وسعت آن از اروپا بیشتر و از آفریقا کم‌تر است در حال حاضربیش از ۴۰ کشور جهان از جمله آمریکا، انگلیس، روسیه، استرالیا، ژاپن، چین، پاکستان و... به دلیل درک اهمیت موضوع و برای دستیابی به منافع علمی و اقتصادی وسیاسی در مناطق مختلف قطب شمال وجنوب اقدام به راه‌اندازی پایگاه کرده‌اند.

گفتنی است در کمیته علمی تحقیقات جنوب‌گان (SCAR) تاکنون ۴۶ کشور و اتحادیه ثبت نام کرده و به عضویت درآمده‌اند. جنوبگان محلی مناسب برای رصد طوفان‌های مغناطیسی ناشی از انفجارهای سطح خورشید است، این طوفان‌ها ازعوامل اصلی بروز اغتشاش در سامانه‌های جهت‌یابی، شبکه‌های ارتباطی و فعالیت‌های ماهواره‌ها به شمار می‌آید و حتی به شبکه‌های انتقال جریان برق زمینی نیزآسیب می‌رساند.[۱]

وزارت علوم وفناوری پاکستان از سال ۱۹۹۱ پروژه حضور درقطب جنوب را کلید زده و از سال ۱۹۹۲ پاکستان به عضویت رسمی کمیته تحقیقات قطب جنوب درآمد. در حال حاضر پاکستان پایگاه جناح را در قطب جنوب مدیریت می‌کند و علاوه برآن یک مجموعه بزرگ تحقیقاتی اقیانوس‌شناسی نیز تاسیس کرده است. اولین بار یک تیم کوچک از تفنگداران پاکستانی همراه با دانشمندان این کشور راهی قطب جنوب شده و اقدام به تاسیس یک پایگاه کردند که در اصل یک ایستگاه هواشناسی بدون نیروی انسانی بود.[۲]

۱- پایگاه رسمی «www.scar.org»، بخش معرفی

۲- پایگاه ملی اقیانوس شناسی پاکستان(National Institute of Oceanography)؛ ذیل مقاله تحقیق در قطب جنوب، ۱۵اوت ۲۰۱۰

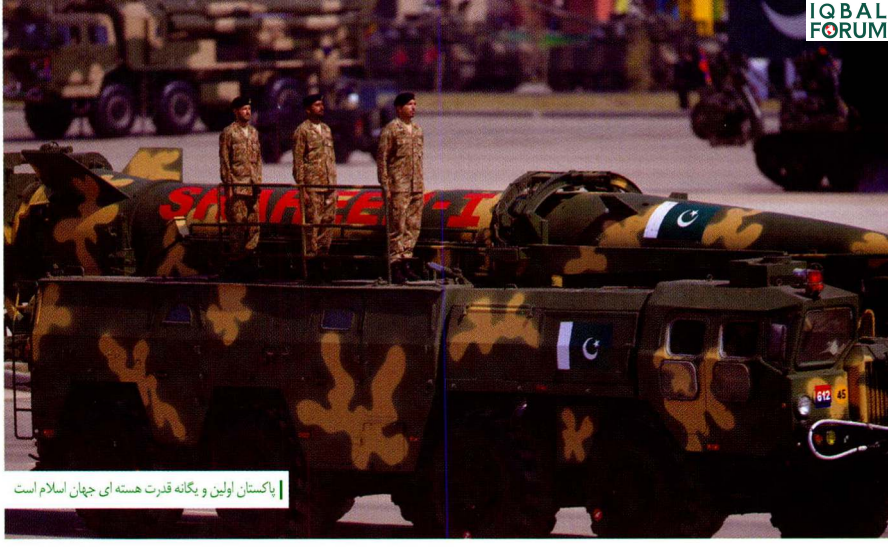
IQBAL FORUM



پایگاه تحقیقاتی محمد علی جناح واقع در قطب جنوب اولین مرکز تحقیقاتی دایر شده توسط یک کشور مسلمان در این منطقه بوده است

در سال‌های بعد این ایستگاه به ماهواره‌های پاکستانی متصل شد تا این‌که در سال ۲۰۰۶ پاکستان موفق شد موسسه ملی تحقیقات قطبی اقیانوس شناسی را راه‌اندازی کند. داده‌های دو پایگاه جناح و اقیانوس شناسی پاکستان از طریق سیستم ماهواره‌ای سنجش از راه دور ارزیابی و مورد استفاده قرار می‌گیرند. تا سال ۱۹۹۴ جناح یک پایگاه عملیاتی پیشرفته و تکنولوژیکی بود. درسال ۲۰۰۱، سیستم عملیاتی داده‌ها با ماهواره بدر- ب ارتباط برقرارکرد، و تصاویردیجیتال باکیفیتی به ستاد مرکزی مستقردر کراچی ارسال شد، پاکستان بلافاصله یک ابرکامپیوتر را به مرکزجناح اضافه کرده وتکنولوژی دیجیتالی را پیشرفت داد. در سال ۲۰۰۵ یک فرودگاه کوچک و یک اتاق کنترل پرواز نیزبه مرکزتحقیقات جناح اضافه شد.[۱] این مرکزهم اکنون با دانشگاه‌های پاکستان در ارتباط است و دانشجویان پاکستانی می‌توانند از کاوش‌های صورت گرفته در پایگاه جناح استفاده کنند.

۱- تایلور و فرانسیک، دانشنامه قطب جنوب، آمریکا، ۲۰۰۷، ص ۶۶۱



پاکستان اولین و یگانه قدرت هسته ای جهان اسلام است

اولین کشور اسلامی دارای قدرت هسته‌ای

صدای انفجارهای هسته‌ای که در هند طنین انداز شده بود زنگ خطررا برای پاکستان به صدا در آورد و فشارهای سیاسی را علیه اسلام آباد به شدت افزایش داد، دیگرزمان آن رسیده بود که راز محرمانه ای که مدت‌ها افشا نشده بود برای تمام جهان آشکار شود.

پاکستان کشوری بود که برای دفاع از خود به فناوری بمب هسته‌ای دست یافته بود این حقیقت را باید آزمایش‌هایی دقیق و حساب شده اثبات می‌کردند. ۱۷روز پس از آن‌که دولت هند با موفقیت بمب هسته‌ای خود را آزمایش کرد پاکستان زمان را برای نشان دادن قدرت خود به جهان مناسب دید. این آزمایش در حالی انجام شد که «بیل کلینتون» رئیس جمهور وقت آمریکا شخصا ۵ بار به نواز شریف نخست وزیروقت پاکستان زنگ زده و از او خواست در قبال دریافت میلیون‌ها دلاروام بلاعوض دست از آزمایش موشک هسته‌ای بردارد، ولی پاکستان پیشنهاد رئیس جمهور وقت آمریکا را رد کرد تا تهدیدهای هند افزایش نیابد.[۱]

پاکستان در این روز ۶ موشک هسته‌ای را از کوه‌های چاغی در ایالت بلوچستان شلیک کرد و تمام این موشک‌ها با موفقیت به اهداف خود اصابت کردند. پاکستان هفتمین کشوری بود که با موفقیت بمب‌های هسته‌ای خود را آزمایش می‌کرد، و سال‌ها تحریم را بخاطرآزمایش‌های خود تحمل کرد. تلاش‌های پاکستان برای دستیابی به سلاح هسته‌ای در سال ۱۹۷۴ و به وسیله «دکترعبدالقدیرخان» دانشمند مشهور این کشور انجام شد.[۲]

برخی کارشناسان براین باورند که مدت‌ها قبل از سال ۱۹۹۸ اسلام آباد به فناوری بمب هسته‌ای دست یافته بود ولی به دلایل سیاسی آن را علنی نمی‌کرد، اما آزمایش بمب هسته‌ای توسط هند

۱- مسئولیت کشورهای اتمی جهان، خبرگزاری نوای وقت، ۲۰۱۳/۵/۲۳

۲- همان



محققان و نظامیان پاکستانی در کنار یکی از موشک های هسته ای این کشور

بهانه لازم را به دست دولت‌مردان اسلام آباد داد و آن‌ها رسما تبدیل به یک قدرت اتمی در جهان شدند. در گزارش جدید دو اتاق فکر آمریکایی آمده است که پاکستان احتمالا سالانه ۲۰ کلاهک هسته‌ای تولید می‌کند.[۱] و با در نظرگرفتن این پیشرفت در تولید کلاهک هسته‌ای در طول یک دهه آینده، این کشور سومین زرادخانه بزرگ جهان را خواهد داشت. این گزارش که توسط «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌الملل» و «مرکز استیمون» منتشر شده، تصریح می‌کند که پاکستان به سرعت در حال توسعه توانایی‌های هسته‌ای خود است.[۲]

بر اساس این گزارش، پاکستان می‌تواند در طول ۵ تا ۱۰ سال به حداقل ۳۵۰ موشک هسته‌ای دست یابد. در نتیجه این کشور احتمالا تسلیحات هسته‌ای بیشتری نسبت به هر کشور دیگری به استثنای کشورهای آمریکا و روسیه خواهد داشت.[۳] دولت‌مردان پاکستان بارها تاکید کرده‌اند که فناوری هسته‌ای برای دفاع از کشور به کار می‌رود و پاکستان به عنوان یک کشور اسلامی خود را ملزم به رعایت قوانین شرعی و حمایت از برادران مسلمان خود در سراسر جهان می‌داند.



تصویری از یک انفجار اتمی و کلاهک قارچی تشکیل شده از آن

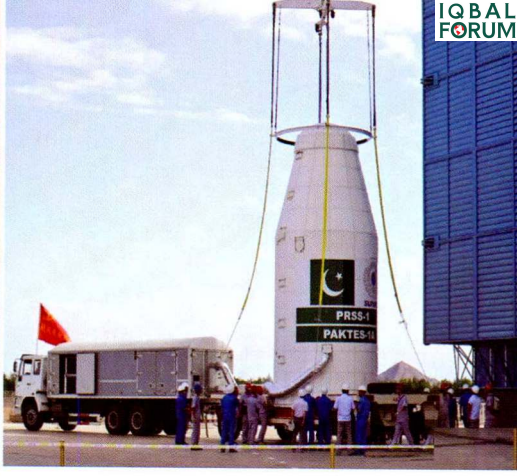
۱- خبرگزاری تسنیم، ۲۰شهریور ۱۳۹۴، ذیل عنوان: زرادخانه هسته‌ای پاکستان می‌تواندبه سومین زرادخانه جهان تبدیل شود

۲- شاهد الرحمان، از پروژه منهتن تا کوه‌های چاغی، انتشارات ویز اسلام آباد، ۲۰۱۴، ص ۲۰

۳- همان



محققان پاکستانی در حال کار روی یکی از ماهواره های این کشور



ماهواره بدر یک امیدها را برای تولد نسل های جدید ماهواره در پاکستان زنده کرد

تکنولوژی پاکستانی «بدر یک» نخستین ماهواره پاکستان

پس از پایان جنگ هند و پاکستان دو کشور به ضرورت وجود ماهواره و اطلاعات دست اول از تحرکات دشمن پی برده بودند، هند که در جنگ با پاکستان به آمریکا تکیه کرده بود در نبرد کارگیل[1] به غیرقابل اعتماد بودن آمریکا و کمک ماهواره‌ای این کشور پی برده بود از این رو درصدد داشتن ماهواره‌ای بومی بود.

پاکستان نیز به لطف تنها شدن وتکیه به نیروهای بومی خود خیلی زود توانست دومین کشور اسلامی باشد که ماهواره به فضا پرتاب می‌کند.[2] «بدر یک» نام این ماهواره ۵۲ کیلویی بود که با کمک یک موشک به فضا پرتاب شد. این اتفاق درسال ۱۹۹۰ میلادی رخ داد.[3]

مراحل طراحی تولید و درکل تکنولوژی این ماهواره توسط متخصصین پاکستانی با همکاری چین انجام شد که آزمایشی موفقیت آمیز را در پی داشت. متخصصین پاکستانی در ۱۶ جولای سال ۱۹۹۰ بدر یک را به فضا پرتاب کردند. موشک، این ماهواره را در ساعت ۵ و ۵۰ دقیقه بامداد درجو زمین رها کرد جایی که به صورت مستقیم بالای سر فیلیپین و تایوان قرارداشت. دانشمندانی که در لاهور و کراچی منتظر تصاویر این ماهواره بودند موفق شدند درساعت ۷ و ۱۵ دقیقه اولین رصد را توسط بدر یک انجام دهند.[4]

دامنه ارتفاع ماهواره از سطح زمین بین ۲۱۱ کیلومتر تا ۹۹۲ کیلومتر بود و با سرعت بالای خود هر

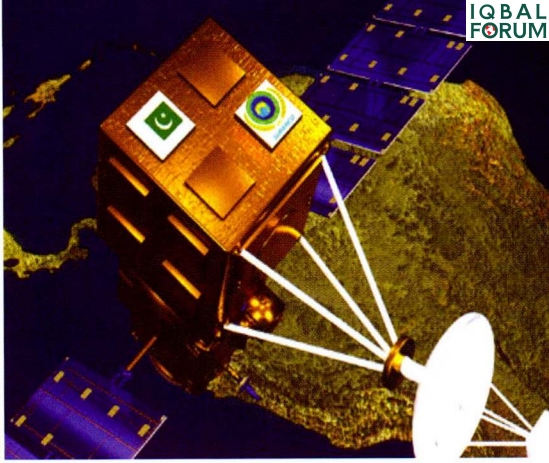
۱- این شهر را «کارگیل» نیز می نویسند ولی طبق تلفظ محلی گرگیل مناسبتر به نظر می رسد.

۲- دانشنامه ماهواره ها، اولین ها در تاریخ، ۶مارس۲۰۰۸، در لیست مذکور نام پاکستان به عنوان دومین کشور اسلامی (پس از اندونزی) و بیست و پنجمین کشوری که فناوری ماهواره را آزمایش کرد آورده شده است.

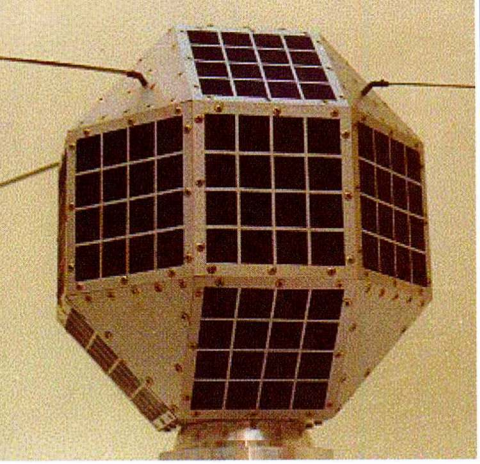
۳- همان

۴- پایگاه رسمی هوا فضای پاکستان، www.suparco.gov.pk ذیل عنوان ماهواره بدر

IQBAL FORUM



تصویری گرافیکی از نحوه کارکرد یک ماهواره پاکستانی



بدر یک اولین ماهواره پاکستانی

۹۸ دقیقه یکبار گرد زمین می‌گشت. بدر یک طراحی خاصی شبیه «اسپونتیک روسی» داشت و با انرژی خورشیدی کار می‌کرد، این ماهواره امیدهای زیادی برای دانشمندان پاکستانی روشن کرد و باعث قدم‌های محکم بعدی شد. بدر یک به مدت ۳۴ روز ماموریت خود را به درستی انجام داد و با پایان ماموریت در فضا از بین رفت. در سال‌های بعدی نیز نمونه‌های پیشرفته‌تری از بدر را به فضا فرستاده شدند.[۱]

مدل نهایی این ماهواره‌ها بدر ۷ نام داشت، و آخرین ماهواره‌ای که پاکستان موفق شده است آن را با موفقیت آزمایش کند «پاک تیس» بود. ماهواره‌ای که ۲۸۵ کیلو گرم وزن دارد و برای کنترل سیگنال‌های مخابراتی استفاده می‌شود. ماموریت این ماهواره در خصوص موضوعاتی چون هواشناسی، تغییرات جوی و... است.[۲] این ماهواره در مدار ۶۱۰ کیلومتری زمین قرار گرفته است و به مدت نامعلومی وظایف خود را انجام خواهد داد.[۳]

۱- همان

۲- خبرگزاری فارس، ۴تیر۱۳۹۷، ذیل عنوان: ماهواره بومی پاکستان ماه آینده به فضا پرتاب می شود.

۳- پایگاه رسمی Pakistan Observer، ذیل عنوان: Pakistan to launch Remote Sensing Satellite in ۲۰۱۴

IQBAL FORUM



صنعت چرم در پاکستان همراه این کشور متولد شد از این رو برای مردم اهمیت زیادی دارد. نمونه ای از محصولات چرمی پاکستانی

صنعت چرم در پاکستان:

این صنعت مهم و حیاتی عمری به درازای تاریخ پاکستان دارد و از این لحاظ که هم‌زمان با رشد پاکستان جان گرفته و پیشرفت کرده توجه زیادی را به خود جلب کرده است. در سال ۱۹۴۸ تنها چند کارگاه که با استفاده از چرم محصولاتی چون کفش را به بازار عرضه می‌کردند در شهر کراچی فعالیت خود را آغاز کردند.[۱]

از آنجا که ظرفیت تولید چرم مرغوب در پاکستان بسیار بالاست ۲ سال بعد یعنی هم‌زمان با ۳ ساله شدن پاکستان کارگاه‌های دیگری نیز در شهر لاهور شروع به فعالیت کردند، دیری نپائید که پاکستان ۱۳ ساله شد و صنعت چرم نیز که دوران طفولیت خود را گذرانده بود جای پای خود را در دیگر نقاط پاکستان نظیر مولتان، قصور، گوجرانواله و حتی قطب صنعتی این کشور یعنی «سیالکوت» باز کرد.[۲]

دهه ۱۹۷۰ نقطه عطفی شد بر تاریخ صنعت چرم در پاکستان زیرا با استفاده از تکنولوژی‌های روز این صنعت به تمام جهان معرفی شد و پاکستان به بزرگ‌ترین صادر کننده محصولات چرمی در آسیا مبدل شد. در دهه ۹۰ میلادی صنعت چرم ۱۰٫۴٪ تمام صادرات پاکستان را به خود اختصاص داد و به این ترتیب رتبه دوم صادرات را از آن خود کرد. در حال حاضر صنعت چرم سومین صادرات بزرگ پاکستان به حساب می‌آید و دلیل اصلی رونق این صنعت وفور دام و کیفیت بالای آن است.[۳]

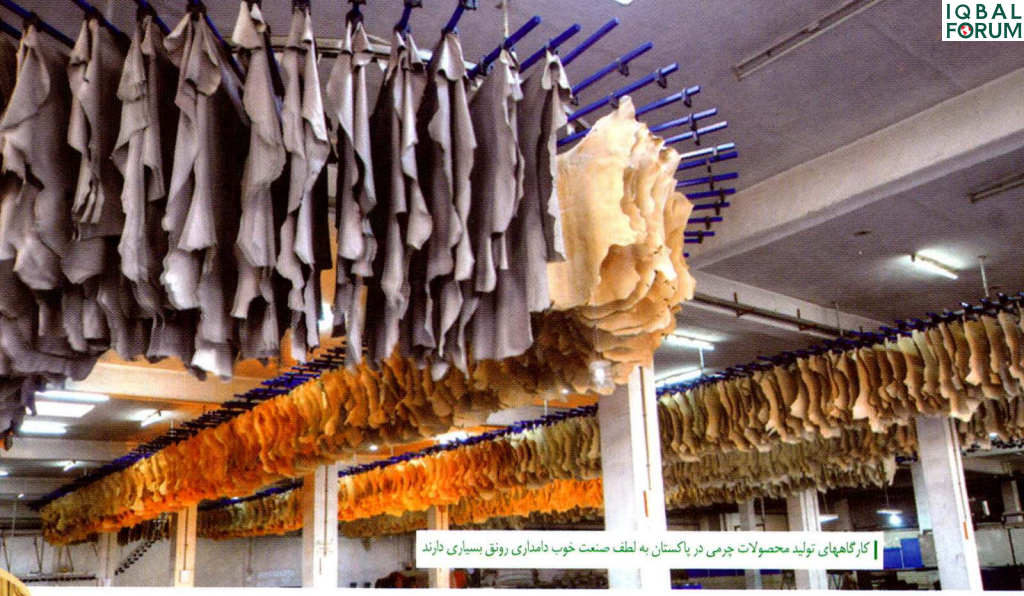
در پاکستان ۲۵ تا ۳۰ درصد تمام چرم سالانه از طریق قربانی‌هایی که مردم در عید قربان انجام

۱- پایگاه worlfootwear ذیل عنوان: leather industry is the second largest export sector

۲- همان

۳- همان

IQBAL FORUM



کارگاههای تولید محصولات چرمی در پاکستان به لطف صنعت خوب دامداری رونق بسیاری دارند

می‌دهند تامین می‌شود وسپس کارخانه‌های بزرگ تولید محصولات چرمی با استفاده از روش‌های خاص پوست این حیوانات را به کفش، ژاکت، کیف، محصولات ورزشی و... تبدیل می‌کنند. کشورهای آلمان، فرانسه، انگلیس، ایتالیا، هنگ‌کنگ، دانمارک و اسپانیا از بزرگ‌ترین خریداران چرم پاکستان به حساب می‌آیند. تخمین زده شده است که رقم صادرات چرم پاکستان در سال بالغ بریک میلیارد دلار باشد و با توجه به وجود رقیبانی جدی مانند چین و هند، قدرت این صنعت را در پاکستان نشان می‌دهد.[۱]

اینک اگر در ایران هم سری به فروشگاه‌های ورزشی بزنیم معمولا گران‌ترین توپ‌ها یا محصولات مربوط به رشته‌های ورزشی تولید کشور پاکستان هستند زیرا صنعت‌گران پاکستانی با دقت و ظرافتی خاص تلاش می‌کنند بهترین محصول منطبق با استانداردهای جهانی را تامین کنند. در شهرهای کویته، پیشاور، لاهور و کراچی بازارهای بسیار بزرگی برای تولید کفش‌های چرمی وجود دارد. در بسیاری از نقاط جهان که نمایشگاه‌های بین‌المللی برگزار می‌شود فعالان پاکستانی عرصه چرم نیز حاضر شده و غرفه‌های بسیار پررونقی دایر می‌کنند که همواره مورد توجه بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد.[۲]

جلوه‌ای از رونق صنعت چرم در پاکستان

شهر کوچک سیالکوت جلوه‌ای بی‌نظیر از رونق صنعتی است زیرا مردم آن چراغ اقتصادی پاکستان را به تنهایی روشن نگاه داشته‌اند و نکته عجیب این‌که ۷۰ درصد تمام نیاز جهان به توپ را تامین می‌کنند.

۱- کاظمی، کمال حیدر، نگاهی به صنعت چرم پاکستان،۲۵دسامبر ۲۰۱۷ www.pakistaneconomist.com/

۲- همان



نمونه ای از توپ های فوتبال استفاده شده در جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل- صنعتگران شهر سیالکوت پاکستان این توپ ها را ساخته اند



توپ فوتبال استاندارد مراحل مختلفی را برای ورود به زمین بازی طی می کند

پاکستان بزرگ‌ترین سازنده توپ فوتبال در جهان

باوجود این که ورزش فوتبال در پاکستان از لحاظ محبوبیت هیچ‌گاه رقیبی جدی برای کریکت نبوده و کودکان پاکستانی پیش از رفتن به مدرسه با زمین کریکت آشنا می‌شوند ولی صنعت‌گران پاکستانی وظیفه مهمی را در بازی‌های مهم فوتبال به دوش می‌کشند.

پاکستانی‌ها عادت اعجاب انگیزی دارند و آن هم تولید بادقت و حوصله فراوان است که سبب ساخت محصولی باکیفیت بالا و البته قیمتی پایین می‌شود. در حال حاضر ۸۶ هزار نفر از مردم شهر سیالکوت پاکستان به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق ساخت توپ فوتبال و دیگر ورزش‌ها امرار معاش می‌کنند.[۱]

درسال‌هایی که جام جهانی درآن برگزار می‌شود (مانندسال ۲۰۱۸) بیش از ۶۰ میلیون توپ فوتبال درشهر سیالکوت ساخته می‌شود و در سال‌هایی که جام جهانی در آن برگزار نمی‌شود این تعداد به ۴۰ میلیون توپ می‌رسد. درآمد حاصل از تجارت این توپ‌ها را بالغ بر ۲۰۰ میلیون دلار تخمین زده‌اند که رقم قابل توجهی به نظر می‌رسد.[۲]

تجار زیرک تربرای خرید توپ فوتبال صورت مستقیم با پاکستان وارد معامله می‌شوند و سود سرشاری را عاید خود می‌کنند زیرا یک کارگر سازنده توپ فوتبال تنها یک درصد از هزینه پایانی فروش آن را می‌گیرد. دلیل اصلی موفقیت پاکستان درصنعت ساخت توپ فوتبال، وجود صنعت چرم موفق در این کشوراست و همین باعث شده کمپانی های مشهوری مانند «نایک، آدیداس و پوما» سفارش‌های خود را برای ساخت توپ فوتبال به کارگاه‌های پاکستانی بدهند. درحال حاضر شهرسیالکوت ۷۰ درصد نیاز تمام جهان را به توپ فوتبال تامین می‌کند. کشورهایی که میزبان جام جهانی هستند نیز قرار داد تولید توپ‌های مورد نیاز خود را با کارگاه‌های مشهور شهر سیالکوت امضا می‌کنند، کشور روسیه که در سال ۲۰۱۸ میزبان جام جهانی بود نمونه‌ای از این کشورهاست.[۳]

۱- پایگاه اینترنتی aroundpakistan.com، با عنوان: چهل درصد از توپ‌های فوتبال جهان کجا تولید می شوند؟

۲- همان

۳- داون نیوز، ۴ فوریه ۲۰۱۸ ذیل عنوان: Footballs made in Sialkot will represent Pakistan at 2018 FIFA World Cup



یک بسته تجهیزات پزشکی مخصوص



ساخت تجهیزات پزشکی در پاکستان به خصوص شهر سیالکوت رونق بسیار زیادی دارد، حرفه بسیاری از مردم است

پاکستان قلب تولید تجهیزات پزشکی جهان

شاید این مطلب عجیب به نظر برسد که قلب تولید تجهیزات پزشکی جهان شهر سیالکوت پاکستان است و انواع تجهیزات بزرگ و کوچک که در جراحی و یا دندان‌پزشکی در سراسر جهان مورد استفاده قرار می‌گیرند توسط صنعت‌گران این شهر ساخته می‌شوند. در سال ۲۰۱۷ میزان صادرات تجهیزات پزشکی در سراسر جهان بالغ بر ۱۱۹ میلیارد دلار تخمین زده شده بود که چندین برابر سرانه بسیاری از کشورهای جهان است و همین امر نشان می‌دهد که این صنعت به صورت شگفت‌انگیزی در حال پیشرفت است. کشورهایی چون آمریکا، آلمان، هلند، مکزیک و بلژیک بالاترین سهم صادرات تجهیزات پزشکی را در جهان دارند ولی انقلاب صنعتی بزرگی که در قلب شهر سیالکوت در حال رقم خوردن است باعث شده تا بزرگ‌ترین تولیدکنندگان جهان نیز خواسته یا ناخواسته به سوی این شهر گرایش پیدا کنند.[۱]

اگر به بازار فروش تجهیزات پزشکی بسیاری از کشورهای جهان نگاه کنیم محصولات پاکستانی را می‌بینیم که در پیش‌خوان مغازه‌ها چیده شده‌اند و شامل جنس‌هایی با قیمت ارزان و یا گران می‌شوند. مردم سیالکوت که شهرت اصلی خود را مرهون علامه اقبال لاهوری است همه صنعت‌گر هستند و با تلاش شبانه روزی کارگاه‌های بزرگ و کوچکی دایر کرده‌اند که کار آن‌ها ساخت لوازم پزشکی است. سفارش از اروپا باشد یا آمریکا، از آسیا باشد یا کشوری آفریقایی تفاوتی برای مردم این شهر ندارد آن‌ها شبانه روز مشغول تلاش هستند تا رقم ۳۷۰ میلیون دلاری صادرات محصولات پزشکی کشورشان را افزایش دهند.[۲]

تنوع بالای استیل در پاکستان باعث شده تا مواد اولیه مرغوب مورد نیاز برای ساخت تجهیزات پزشکی به وفور در اختیار صنعت‌گران سیالکوتی قرار بگیرد و آن‌ها با تکیه بر تجربه و تلاش خود همه سلایق را به خود جلب می‌کنند. گزارش معتبرترین رسانه‌های جهان نشان می‌دهد

۱- وب سایت رسمی وزارت صنایع پاکستان www.smeda.org.pk

۲- همان

که کمپانی‌های بزرگ آلمانی و ایتالیایی و آمریکایی دیگر تولید مستقیم را به صرفه نمی‌دانند و کارخانه خود را به پاکستان منتقل کرده‌اند تا با استفاده از ظرفیت این کشور، محصولات‌شان را با برند دل‌خواه تولید کرده و به سراسر جهان ارسال کنند.[1] ارتباط گرفتن با تولید کنندگان پاکستانی نیز کاری بسیار ساده است و تنها با جستجویی مختصر در اینترنت می‌توان آدرس اینترنتی ده‌ها وب سایت تولید محصولات پزشکی شهر سیالکوت را به دست آورده و با مدیران آن مشغول رایزنی شد . سیاست‌های حمایتی پاکستان در خصوص سرمایه‌گذاری‌های خارجی یا صادرات کالا از این کشور نیز مشوق خوبی برای بسیاری از سرمایه‌گذارانی است که به دنبال تجارتی پرسود هستند.

نگاهی به کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان

از زمان روی کار آمدن دولت حزب تحریک انصاف در سال ۲۰۱۸ تلاش برای ارتقا سطح اقتصادی پاکستان افزایش چشم‌گیری پیدا کرده است و طی سال‌های اخیر همکاری و همراهی دولت پکن با اسلام آباد تحولات مهمی در اقتصادی پاکستان پدید آورده است. بدون شک آغاز کریدور اقتصادی چین و پاکستان که به سی پیک (CEPC) شهرت یافته است تاثیرات شگرفی بر اقتصاد داخلی پاکستان و حل برخی مشکلات موجود گذاشته است. پکن با اجرای این پروژه بیش از ۴۶ میلیارد دلار سرمایه به پاکستان منتقل می‌کند که حاصل آن افتتاح بزرگ‌راه‌هایی که شمال و جنوب پاکستان را به هم وصل می‌کنند خواهد شد. سی پیک برای صدها هزار پاکستانی شغل ایجاد می‌کند و می‌تواند بندرگاه گوادر که در جنوب ایالت بلوچستان واقع شده است را به یکی از بزرگ‌ترین گذرگاه‌های شرق جهان تبدیل کند.

این پروژه مهم اهمیت بسیاری برای کشور چین دارد زیرا باعث می‌شود مسیر انتقال محموله‌های نفتی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به مرزهای چین حداقل ۷ هزار کیلومتر نزدیک‌تر شود. تامین انرژی مورد نیاز پاکستان از طریق شرکت‌های چینی که در این پروژه فعال هستند یکی دیگر از منافعی است که به دولت اسلام آباد و طبیعتا مردم پاکستان خواهد رسید. سیاست‌مداران پاکستانی از سی پیک به عنوان برگ برنده‌ای یاد می‌کنند که می‌تواند معادلات منطقه‌ای که توسط غرب و در راس آن آمریکا طراحی شده است را به کلی تغییر دهد.

۱- همان

IQBAL FORUM

همه چیز درباره (CPEC) یا

۴۶ میلیارد دلار سرمایه گذاری چین در پاکستان

China-Pakistan Economic Corridor

منافع مشترک چین و پاکستان از اجرای کریدور اقتصادی مشترک

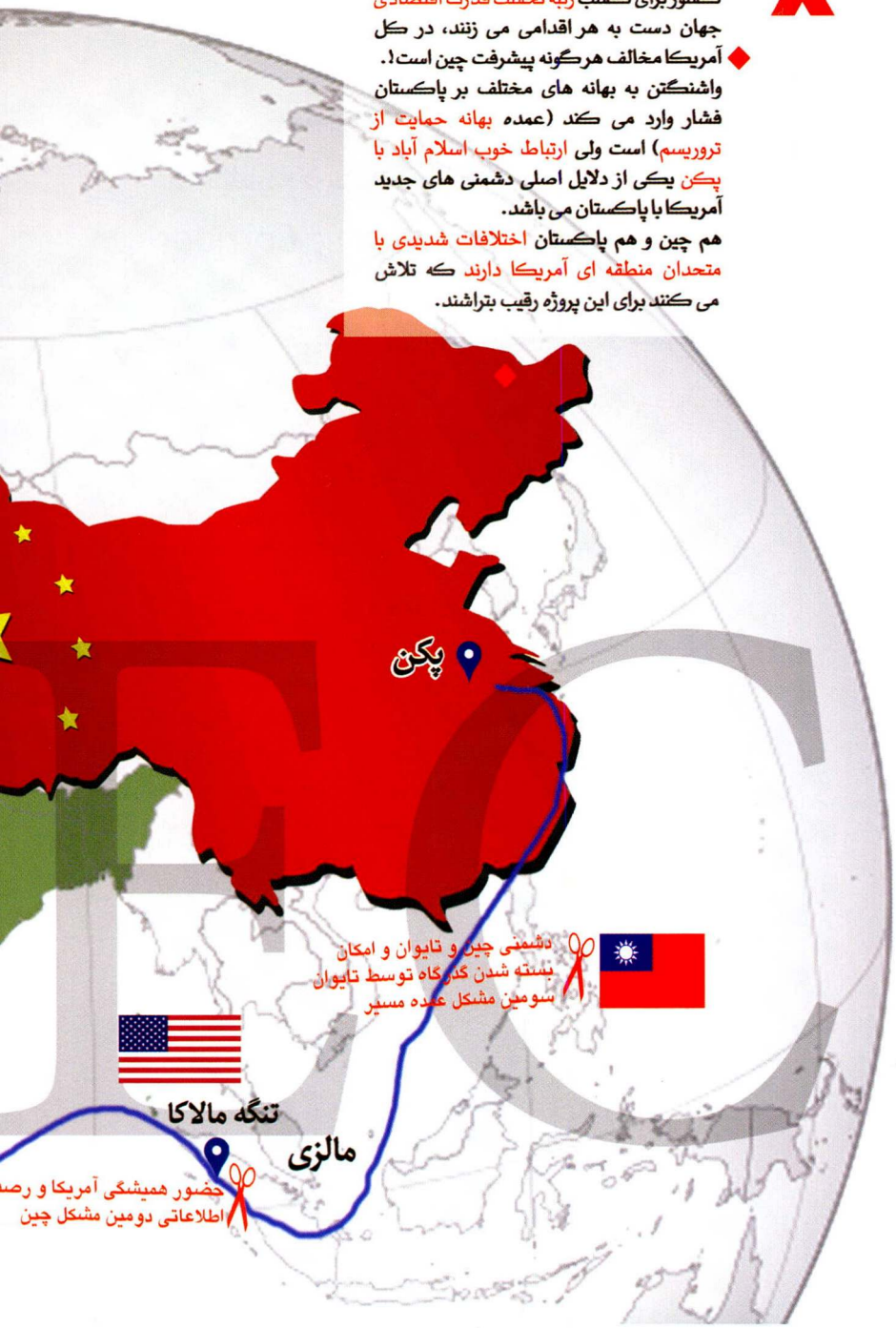
- چین با استفاده از مسیری که آمریکا نظارتی برآن ندارد می تواند وارد دور جدید رقابت با این کشور شود.
- این مسیربرای چین کاملا امن و دارای صرفه اقتصادی است.
- این مسیر خطرتایوان را نیزبرای کشتی های چینی رفع می کند.
- ادامه این مسیرمی تواند کالاهای چینی را به آسیای میانه و اروپا برساند.
- چین با جلب اعتماد دیگرکشورها می تواند، بندرگاه گوادر را تبدیل به بزرگترین بندرگاه آسیا کند، و از آن سود ببرد.
- آغاز به کار «گوادر» می تواند رقبا را کاملا به حاشیه کشانده وآنها از مسیررقابت کاملا به کنار بزند.
- پاکستان با اجرای این پروژه نقشه های موجود علیه خود را مبنی برمنزوی کردن ناکام خواهد کرد.
- انقلابی در سرمایه گذاری های خارجی در پاکستان رخ می دهد(تاکنون ۱۶۴ درصد رشد داشته است).
- فقط تامین امنیت پروژه ۱۵هزار شغل برای پاکستانی ها ایجاد کرده است!
- زمینه صادرات محصولات پاکستانی به چین و دیگرکشورهای آسیای میانه فراهم خواهد شد.
- برای پاکستان رقم شغل هایی که با این پروژه فعال یا ایجاد می شوند بالغ بریک میلیون شغل خواهد بود.
- مشکلات برق و انرژی بخش های وسیعی از پاکستان نیزتوسط چین رفع خواهد شد.
- به تناسب چین میلیاردها دلار در ساخت و ساز جاده ای در پاکستان هزینه خواهد کرد.
- چین کماکان در مجامع جهانی از پاکستان دفاع خواهدکرد و هرقطعنامه ای علیه این کشور را وتو می کند.

IQBAL FORUM

- آمریکا رقابت شدید اقتصادی با چین دارد و دو کشور برای کسب رتبه نخست قدرت اقتصادی جهان دست به هر اقدامی می زنند، در کل
- آمریکا مخالف هرگونه پیشرفت چین است!.

واشنگتن به بهانه های مختلف بر پاکستان فشار وارد می کند (عمده بهانه حمایت از تروریسم) است ولی ارتباط خوب اسلام آباد با پکن یکی از دلایل اصلی دشمنی های جدید آمریکا با پاکستان می باشد.

هم چین و هم پاکستان اختلافات شدیدی با متحدان منطقه ای آمریکا دارند که تلاش می کنند برای این پروژه رقیب بتراشند.



IQBAL FORUM

چـــــرا پـاکســـــــتان؟

- نزدیکترین مسیر از امارات به چین از خاک پاکستان می گذرد
- چین بارها به نفع پاکستان از قدرت وتو استفاده کرده ونگذاشته سازمان امنیت علیه این کشور رای صادر کند
- چین در پیشرفت صنعت هسته ای پاکستان نقش آفرینی کرده است
- در مجامع جهانی همیشه از پاکستان حمایت کرده است.
- چین مدتهاست در صنعت راه سازی و تامین برق پاکستان سرمایه گذاری کرده و اقبال خوبی بین مردم این کشور دارد
- اجرای پروژه به سود هردو کشور است

چین چه مشکلاتی داشت؟

- ۸۵ درصد نفت چین از امارات خریداری می شود. حمل این محموله عظیم صرفا از طریق دریایی ممکن است.
- مسیر فعلی از تنگه مالاکا حداقل ۱۳هزار کیلومتر طول دارد!
- تایوان با چین مشکل اساسی دارد و هرگاه بخواهد می تواند در این مسیر ایجاد مشکل کند.
- آمریکا بر تنگه مالاکا کاملا مسلط است و می تواند ایجاد مشکل کند.

هند و چین بر سر مسائل مرزی با هم مشکل دارند.

- تنها گزینه باقی مانده برای حل مشکل پاکستان می باشد



IQBAL FORUM

فصل نهم

صنایع دفاعی و نظامی پاکستان[1]

- Pakistan Ordance Factories

هم‌زمان با استقلال پاکستان از هند به دلیل قرار گرفتن کارخانه‌های اسلحه‌سازی در خاک هند نیروهای نظامی پاکستان با مشکل کمبود تسلیحات مواجه شدند و این انگیزه‌ای شد برای تاسیس اولین کارخانه اسلحه سازی توسط «لیاقت علی خان» در سال ۱۹۵۱، این مجموعه عظیم که Pakistan Ordance Factories نام دارد اینک در قالب ۱۴ کارخانه فعالیت می‌کند و تسلیحات مورد نیاز ارتش پاکستان از طریق آن تامین می‌شود. مجموعه‌ای عظیم که ۸۰ درصد نیاز تسلیحات نیروی زمینی ارتش پاکستان را تامین می‌کند و به عنوان بزرگ‌ترین مرکز ساخت تسلیحات در پاکستان از ظرفیت و توانمندی ۴۰ هزار نیروی خود بهره می‌برد.[2]

- Air Weapons Complex

دومین کارخانه بزرگ ساخت تسلیحات پاکستان است که در سال ۱۹۹۲ افتتاح شد و اینک ۳۰ هزار نفر در آن مشغول به کار هستند، این مرکز نظامی و مهم در محیط‌هایی محرمانه فعال است و دانشمندان بسیاری در آن بر روی ارتقا سیستم‌های موشکی پاکستان مشغول به کار هستند. این کارخانه ساخت بمب‌هایی به وزن ۱۶ تا ۱۰۰۰ کیلوگرم را در دستور کار خود دارد و تولیدات آن بارها تعجب کارشناسان را برانگیخته است.[3]

۱- اکسپرس نیوز :www.express.pk/story/311984

۲- اکسپرس نیوز، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۴، گزارش نمایشگاه ایده های دفاعی ذیل عنوان: قومی عسکری ایگزیبیشن "آئیڈیاز ۲۰۱۴ء" میں پاکستان ساختہ اسلحے کی دھوم

۳- همان

IQBAL FORUM



نمایش موشک ساخته شده توسط متخصصین پاکستان در یک رزمایش

- Pakistan Aeronautical Complex

سومین مجموعه بزرگ ساخت تسلیحات پاکستان که در سال ۱۹۷۱ در نزدیکی شهراتک افتتاح شد و اینک در قالب ۴ کارخانه با استفاده از ۱۰ هزار نیروی متخصص مشغول فعالیت است. این مرکز وظیفه اورهال و تعمیر هواپیماهای نیروی هوایی ارتش پاکستان را به عهده دارد و در ساخت هواپیمای مشهور آموزشی سوپر مشاق و همچنین جنگنده جی اف ۱۷ نقش اساسی ایفا کرده است.[۱]

- Heavy Industries Texila

این مجموعه که در قالب ۹ ورکشاپ و کارگاه بزرگ فعال است چهارمین کارخانه عظیم تولید اسلحه در پاکستان به حساب می‌آید و با حضور ۷ هزار کارمند از سال ۱۹۷۱ افتتاح شده است. وظیفه اصلی این مرکز ساخت تانک و خودروهای زرهی مورد نیاز ارتش پاکستان است و تولید تانک هایی چون الخالد و الضرار از اقدامات موفق این مرکز است.[۲]

- Karchi Shipyard Engineering Works Ltd

پنج اُمین مرکز بزرگ ساخت تسلیحات در پاکستان با فعالیت ۴ هزار کارمند در شهر کراچی واقع شده است. این مرکز وظیفه مهم ساخت کشتی‌های نظامی و زیردریایی های مورد نیاز نیروی دریایی ارتش پاکستان را به عهده دارد و در طول دروان فعالیت خود که از سال ۱۹۵۱ آغاز شده است اختراعات مهمی را ثبت کرده است.[۳]

۱- همان

۲- همان

۳- همان


تست و تعمیر موتور هواپیمایهای نظامی در مجتمع آوئرو ناتیکال پاکستان

بررسی جنگ افزارها و تجهیزات انحصاری ارتش پاکستان

حتی نگاهی گذرا به تمام تولیدات متخصصین پاکستانی در زمینه تسلیحات نیاز به نوشتاری جداگانه دارد ولی بررسی اجمالی چند محصول برترکه مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است خالی از لطف نخواهد بود:


هدف علی رغم وزن کم خود قابلیت های زیادی از جمله عملیات زیر آب دارد

- **هدف Hadaf:**

روبات پیشرفته‌ای است که برای لحظات حساس و عملیات‌های پیچیده خنثی کردن بمب، توسط پاکستان طراحی شده است. سازمان فناوری اطلاعات ارتش پاکستان که طراح این روبات است می‌گوید: این روبات بدون به خطرانداختن جان انسان‌ها، توانایی فراوانی در عملیات‌های سریع ضدتروریستی دارد و مقرون به صرفه بودن، یکی از مهم‌ترین مزایای آن است. این روبات به راحتی محل جاسازی مواد منفجره را یافته و با بازوهای قدرتمند خود آن را خنثی می‌کند. توانایی حرکت در سطوح غیرمسطح و پله ها از دیگرخصوصیات «هدف» است. بازوهای آن مسلح به تفنگ‌هایی است که در صورت لزوم می‌تواند تروریست‌ها را نشانه بگیرد.[1]

هدف دارای دوربین‌هایی است که ۳۶۰ درجه را پوشش می‌دهند و همچنین توانایی حمل ۱۲۰ کیلوگرم بار را دارد و حتی می‌تواند در عمق ۵۰ متری آب نیز فعالیت انجام دهد . این ربات علاوه بر ضد انفجار بودن مانند یک آتش نشان اقدام به خاموش کردن شعله‌های آتش می‌کند. کارکردهای بالای «هدف» باعث شده تا هم‌زمان با رونمایی از آن در سال ۲۰۱۷ کشورهایی چون

۱-پایگاه armyrecognition.com، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۶، ذیل عنوان: NRTC›snewHADAFmodulargroundrobotappears

IQBAL FORUM



اسنایپر عضب یکی دیگر از اسلحه های ساخته شده توسط پاکستان است که قابلیت های فراوانی دارد

سریلانکا و نیجریه، خواستار خرید آن شوند.[1]

- **اسنایپر عضب Azb**

امروز کمین کردن و هدف قرار دادن نیروهای دشمن از مسیر دور یکی از رایج‌ترین روش‌های نابود کردن نیروهای دشمن است که وظیفه‌ای سنگین را به دوش تک تیراندازان حرفه‌ای قرار می‌دهد. آن‌ها نفس را در سینه حبس می‌کنند و چشم در چشم دوربین اسلحه خود به قلب هدف خیره می‌شوند تا دقیق‌ترین ضربه را با اولین نشانه‌گیری وارد کنند.

از آنجا که نظامیان پاکستانی در عملیات‌های ضد تروریستی مجبور می‌شدند با افراط‌گرایانی مبارزه کنند که در کمین‌گاه‌های مستحکم خود پناه گرفته‌اند «عضب» طراحی شد تا اهدافی در بُرد مفید ۸۰۰ متری و برد نهایی ۴ هزار متری را به صورت دقیق هدف قرار دهد. این اسلحه امکانات بسیاری دارد و یک گزینه ایده‌آل برای تک تیراندازان حرفه‌ای تلقی می‌شود که در رونمایی اولیه خود مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت.[2]

- **پی او اف POF**

یکی دیگر از اسلحه‌های تولید شده توسط ارتش پاکستان است که بدون نیز به حضور تک تیرانداز در مسیر مستقیم لوله تفنگ اقدام به شلیک می‌کند. لوله این اسحله به سادگی می‌تواند زاویه‌ای ۷۵ درجه‌ای را در جهت راست یا چپ تک تیرانداز پوشش دهد و به عبارت دیگر در حالی که تک تیرانداز در پناه‌گاه خود مخفی شده است لوله اسلحه به سمت نیروهای دشمن خم شده و کاربر اسلحه با استفاده از مانیتور الکترونیکی که برروی آن نصب شده به صورت دقیق او را هدف قرار دهد. این اسلحه نیز بیشترین کارایی را در نبرد با تروریست هایی دارد که در میدان

۱- پایگاه خبری دنیا نیوز، ۲۳نوامبر ۲۰۱۶، ذیل عنوان: «Special report on «Hadaf Robot

۲- اکسپرس نیوز، ۲۱ دسامبر۲۰۱۴، گزارش نمایشگاه ایده های دفاعی ذیل عنوان: قومی عسکری ایگزیبیشن "آیدیاز ۲۰۱۴"، "میں پاکستان ساختہ اسلحے کی دھوم

IQBAL FORUM


پرواز نمایشی جنگنده جی اف تندر


جنگنده جی اف تندر (ساخت پاکستان) با قابلیت های فراوانی و حضور چشم گیر در مانورهای کشورهای مختلف

مستقیم نمی‌جنگند. نکته جالب در مورد پی او اف آی این است که به دلیل نیاز مبرم ارتش به این اسلحه طراحی، تولید اولیه و نهایی شدن آن تنها ۶ ماه زمان برد.[۱]

- **جنگنده جی اف ۱۷ تندر JF ۱۷ Thunder**

- بدون شک جنگنده JF17 یکی از مهم‌ترین دست‌آوردهای نظامی پاکستان تلقی می‌شود که البته حاصل همکاری متخصصین چینی است. این جنگنده در سال ۲۰۱۰ وارد ارتش پاکستان شد و طی سال‌های آتی ۲۵۰ فروند از آن در اختیار واحدهای مختلف عملیاتی قرار خواهد گرفت. هدف پاکستان از تولید این جنگنده که به F16 آمریکایی نیز بی‌شباهت نیست رها شدن از وابستگی به آمریکا در زمینه جنگنده‌ها بود که تا حد زیادی نیز توانست اسلام آباد را به هدف خود برساند.[۲]

JF17 که نسبت به رقیب آمریکایی خود قیمت تمام شده بسیار پائین‌تری دارد، تا ارتفاع ۱۶ هزار متری از سطح زمین اوج می‌گیرد و می‌تواند با سرعتی معادل ۲ هزار و ۴۰۰ کیلومتر در ساعت به سوی هدف پیش‌روی کند. این جنگنده به راحتی حجم زیادی از تسلیحات نظامی را حمل می‌کند و امکان هدف‌گیری دقیق تا آخرین لحظه را نیز دارد. کارخانه Pakistan Aeronautical Complex ساخت و تولید این جنگنده را به عهده دارد و سفارش‌هایی نیز از کشورهای چون مصر و آفریقای جنوبی، نیجریه و... دریافت کرده است.[۳]

- **تانک الخالد ۱ و ۲ Al-Khalid tank**

از جمله شاهکارهای مهندسی دفاع پاکستان طراحی و تولید تانک الخالد است که به دو نسل یک و دو تقسیم می‌شوند، الخالد یک تانکی ۴۸ تُنی است که با استفاده از ۱۲ موتور پیشرانه می‌تواند سرعتی بالغ بر ۷۰ کیلومتر در ساعت پیدا کند.[۴]

۱- همان

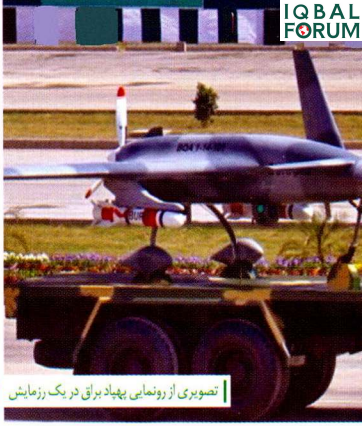
۲- پایگاه رسمی quwa.org، ۱۷اکتوبر۲۰۱۵، ذیل عنوان: JF-17 BLOCK ۲ AND BLOCK ۳ DETAILS CONFIRMED

۳- همان

۴- داون نیوز، علی عثمان، ۱۰نوامبر۲۰۱۵، ذیل عنوان: Al- Khalid Main Battle Tank – the armoured fist



پهپاد براق یکی از جدیدترین و کارآمدترین تولیدات ارتش پاکستان



تصویری از رونمایی پهپاد براق در یک رزمایش

این تانک قدرتمند در عمق ۵ متری آب نیز می‌تواند فعالیت داشته باشد و اهدافی را در فاصله ۲۰۰ تا ۲ هزار متری به صورت کامل منهدم کند. الخالد ۳ نفرخدمه را در خود جای می‌دهد و مسلسل قرار گرفته برروی آن توانایی شلیک گلوله هایی با قطر۱۲۵ میلی متررا دارد. استفاده گسترده از این تانک در عملیات ضد تروریستی ضرب عضب قدرت آن را به همه ثابت کرد و اینک تبدیل به یکی از محصولات صادراتی وزارت دفاع پاکستان شده است.[۱]

- **پهپاد بُراق Buraq**

بُراق در اصل نام مَرکبی است که رسول گرامی اسلام« ﷺ» را در شب معراج به بیت المقدس رسانده و از آنجا رهسپار عرشش کرد، این نام توسط ارتش پاکستان برای هواپیمای بدون سرنشینی در نظرگرفته شده که به صورت کامل در پاکستان تولید شده و امکانات بسیارش کارشناسان نظامی را متعجب کرده است. این پهپاد توانایی پرواز در ارتفاع ۶ هزار و ۷۰۰ متری را دارد و موشک های آن با استفاده از تکنولوژی لیزری تا آخرین لحظه پیش از انفجار هدف را دنبال می‌کنند و به این صورت دقیق‌ترین ضربات را به دشمن وارد می‌کنند.[۲]

علت اصلی ساخت بُراق، خودداری آمریکا از کمک به پاکستان برای مبارزه با تروریست‌ها و عدم پاسخ‌گویی مناسب پهپادهای چینی در ارتفاعات شمالی پاکستان بود. براق اولین عملیات کاملا موفق خود را در سال ۱۳۹۴ انجام داد و در تاریکی شب بدون هیچ مشکلی مقرتروریست های موجود در مناطق قبایلی پاکستان را کاملا منهدم کرد.[۳] به این ترتیب پیام سختی به آمریکا و همراهان مدعی این کشور داده شد تا دست‌آوردهای داخلی پاکستان را جدی بگیرند.

۱- همان

۲- سما تی وی، نخستین استفاده از براق، ۱۲ مارس ۲۰۱۵

۳- همان

IQBAL FORUM

فصل هفتم

مراکز علمی و دانشگاه‌های بزرگ پاکستان

- **دانشگاه علامه اقبال[1] (سیستم فراگیر)**

«دانشگاه علامه اقبال» دومین دانشگاه بزرگ جهان است که اینک آموزش یک میلیون و سیصد هزار دانشجوی علاقه‌مند را در سراسر پاکستان به عهده دارد. این مجموعه عظیم که مرکز آن در اسلام آباد پایتخت پاکستان واقع شده است در سال ۱۹۷۴ بنا نهاده شد و ابتدا «دانشگاه مردم» (متعلق به حزب مردم) نام داشت، و سپس نام علامه مشرق اقبال لاهوری را به خود گرفت. این دانشگاه در رشته‌های «علوم انسانی»، «علوم تجربی» و «علوم اسلامی و عربی» پذیرای دانشجویان مشتاق است. ایده آموزش از راه دور برای نخستین بار در انگلیس شروع شد و اینک دانشگاه علامه اقبال که با ریاست «رئیس جمهور پاکستان» اداره می‌شود تبدیل به یکی از بزرگ‌ترین مراکز اجرای آن شده است.

گفتنی است در حال حاضر بیش از ۷۰ هزار استاد در دانشگاه علامه اقبال وظیفه تدریس، مشاوره و راهنمایی دانشجویان را به عهده دارند. این دانشگاه برای علاقه‌مندان به تحصیل حضوری شرایط لازم رافراهم ساخته و مجهز به ۲۳ کتابخانه تخصصی و آزمایشگاه‌های متعدد است. شیوه آسان تحصیل در دانشگاه علامه اقبال باعث شده است که اینک درصد بانوان محصل در آن از تعداد آقایان بیشتر باشد و این نشان از موفقیت شیوه آموزش از راه دور در پاکستان دارد. شعار دانشگاه علامه اقبال: «آموزش برای همه» است و مسئولین آن از طریق اینترنت و فضای مجازی به آموزش دانشجویان وارائه دروس مختلف می‌پردازند. این دانشگاه به اتباع پاکستانی مقیم کشورهای « مصر، عربستان ، بحرین، امارت، عمان، قطر، کویت و آمریکا» نیزارائه خدمت می‌کند.[2]

۱- وبگاه رسمی دانشگاه علامه اقبال، www.aiou.edu.pk بخش معرفی دانشگاه

۲- همان

IQBAL FORUM

محل قرار گیری شعبه های دانشگاه علامه اقبال
در سراسر پاکستان



دانشگاه «کامسَتس» اسلام آباد

دانشگاه COMSATS اسلام آباد (CUI) که قبلا با نام موسسه فناوری اطلاعات COMSATS یا (CIIT) شناخته می شد، در پایتخت پاکستان قرار دارد و یک دانشگاه دولتی به حساب می آید. در اصل کمیسیون علمی و فناوری توسعه پایدار در جنوب (COMSATS) ۴ اوت سال ۱۹۹۴ در اسلام آباد تاسیس شد که اینک ۲۳ کشور به عضویت آن در آمده اند. دانشگاه کامسَتس نیز از سال ۱۹۹۸ با منشور همین کمیسیون آغاز به کار کرد. نخستین پردیس CUI در آوریل ۱۹۹۸ تاسیس شد. این دانشگاه علاوه بر پردیس اصلی خود در اسلام آباد، دارای شش پردیس فعال در لاهور، ایبَت آباد، واهه، اتک، ساهیوال و وهاری است و چند پردیس آن نیز در مراحل برنامه ریزی هستند.[۱]

براساس پیشنهاد دولت، تلاش برای آغاز فعالیت یک پردیس خارج از کشور در حاشیه خلیج فارس نیز در حال انجام است. موسسه CUI با تصویب پارلمان پاکستان اینک به نام دانشگاه کامستس مشغول فعالیت است. کامستس دانشگاهی سرسبز و زیباست که ساختمان آن را درختان و چمن زارها احاطه کرده اند و محیطی آرام آن به دانشجویان کمک می کند تا به تحقیق و پژوهش مشغول شوند.[۲]

۱- پایگاه اینترنتی pakistaninfo.com، ذیل معرفی دانشگاه کامستس

۲- همان

IQBAL FORUM

رتبه بندی بین المللی

- براساس نظام رتبه بندی موسسه آموزش عالی تایمز، این دانشگاه در بین ۴۰۰ دانشگاه فناوری اطلاعات برتر جهان رتبه ۳۰۱ اُم را به خود اختصاص داده است، همچنین در بین ۸۰۰ دانشگاه برتر جهان نیز موسسه تایمز نام دانشگاه کامستس را در سال های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ ذکر کرده است.[۱]
- این دانشگاه در رده بندی تایمز بین دانشگاه های آسیایی و در بین دانشگاه های تازه تاسیس رتبه ۱۴۱ را بین ۱۵۰ دانشگاه برتر آسیا از آن خود کرده است.
- دانشگاه کامستس در سال ۲۰۱۷ نیز توانست بین ۲۰۰ دانشگاه برتر جهان رتبه ۱۵۰ را به خود اختصاص دهد.
- یکی دیگر از مهم ترین معیارهای ارزیابی دانشگاه ها نظام QS است و در این شیوه ارزیابی دانشگاه کامستس رتبه ۱۹۰ را بین دانشگاه های آسیایی از آن خود کرده است.

براساس رتبه بندی QS، دانشگاه COMSATS اسلام آباد رتبه های زیر را به خود اختصاص داده است:

- قرار گرفتن در میان دانشگاه های برتر آسیا رتبه ۱۹۰ در سال ۲۰۱۷
- قرار گرفتن بین ۲۵۰ دانشگاه برتر آسیا از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶
- کسب رتبه ۴۰۱ در بین ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان طبق ارزیابی «QS» در حیطه علوم کامپیوتر و سیستم های اطلاعاتی در سال ۲۰۱۶
- کسب رتبه ۳۰۱ در زمینه ریاضیات در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶

ارزش علمی دانشگاه کامستس در سطح ملی

طبق ارزیابی که کمیسیون آموزش عالی پاکستان هر سال منتشر می کند این دانشگاه موفق شده است همواره یکی از دانشگاه های برتر کشور باشد. در سال ۲۰۱۵ کامستس رتبه سوم را در رده بندی عمومی به دست آورد و علاوه بر آن رتبه دوم سودمندی تحقیقات را میان دانشگاه های پاکستان از آن خود کرد. در همین سال کامستس بین تمام دانشگاه های پاکستانی رتبه ۶ اُم را به دست آورد.[۲]

۱- پایگاه اینترنتی www.timeshighereducation.com، ذیل عنوان: COMSATS University Islamabad

۲- پایگاه اینترنتی pakistaninfo.com، ذیل معرفی دانشگاه کامستس



نمایی از فضای سبز دانشگاه کامستس که به لطف قرار گرفتن در شهر اسلام آباد از آن برخوردار شده است

در سال ۲۰۱۲ این دانشگاه به عنوان برترین دانشگاه علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات پاکستان شناخته شد. دانشگاه فنی خاورمیانه کشور ترکیه نیز در رده بندی سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ خود از کامستس به عنوان دومین دانشگاه برتر پاکستان و یکی از هزار دانشگاه برتر جهان نام برده است. علاوه براین کامستس موفق شد در سال ۲۰۱۳ از دید QS به عنوان یک دانشگاه ۳ ستاره عمومی و یک دانشگاه ۵ ستاره در تدریس، یادگیری تسهیلات و مشارکت نام بگیرد.[۱]

پذیرش دانشجویان بین الملل در دانشگاه کامستس

دانشجویان غیر پاکستانی می‌توانند به آسانی از شرایط خوبی که در دانشگاه کامستس فراهم شده است استفاده کنند و به عنوان متقاضی ثبت نام در این مرکز بزرگ علمی درخواست خود را ارائه دهند. کامستس کرسی‌های ویژه‌ای برای بورسیه دانشجویان خارجی دارد و در حال حاضر دانشجویانی از کشورهای ایران، سوریه، بنگلادش، افغانستان شمال آفریقا، حاشیه خلیج فارس و... در آن مشغول به تحصیل هستند. از آنجا که پذیرش دانشجویان خارجی می‌تواند در رتبه‌های کامستس موثر باشد این دانشگاه از حضور دانشجویان با ملیت‌های مختلف استقبال می‌کند و غیرپاکستانی‌ها می‌توانند تا سطوح عالی تحصیلات خود را در کامستس انجام دهند.[۲]

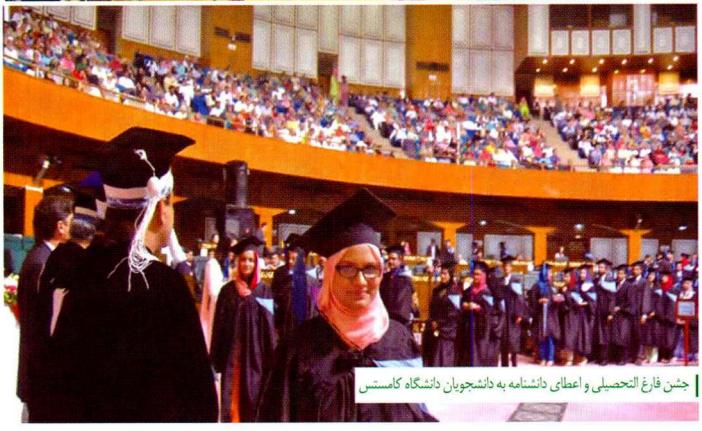
برای تحصیل در کامستس و دیگر دانشگاه‌های پاکستانی نیاز به دانستن زبان اردو نیست بلکه آشنایی با زبان انگلیسی کافی است تا مدارک توسط بخش پذیرش دانشگاه مورد ارزیابی قرار بگیرد و اگر شرایط اولیه تائید شده و صلاحیت فرد احراز شود به عنوان دانشجوی موقت پذیرش خواهد شد. هر کدام از دانشجویان خارجی که در کامستس (یا دیگر

۱- همان

۲- سایت رسمی دانشگاه کامستس: http://islamabad.comsats.edu.pk/، ذیل معرفی دانشگاه



فضای آموزشی دانشگاه کامستس و سالن های مختلف آن نیز مجهز هستند و دانشجویان در آرامش به تحقیق و پژوهش می پردازند



جشن فارغ التحصیلی و اعطای دانشنامه به دانشجویان دانشگاه کامستس

دانشگاه های پاکستان) پذیرفته می شوند می توانند برای صدور و یا تمدید مجوز اقامت خود از طریق کمیسیون آموزش عالی پاکستان (HEC) اقدام نمایند.[۱]

سهمیه های ویژه برای بورسیه شدن در دانشگاه کامستس

از آنجا که کامستس یکی از مراکز معتبر علمی جهان به شمار می رود اخذ بورسیه از آن کار ساده‌ای نیست ولی این دانشگاه تسهیلات ویژه‌ای را برای پذیرش دانشجویان خارجی در نظر گرفته که تعدادی از آن ها به سازمان های مهم بین المللی و کشورهای عضو آن ارائه می شود به طور مثال: کامستس سالانه ۵۰ بورسیه تحصیلی را به کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی ارائه می کند و همچنین سازمان آموزشی علمی و فرهنگی جهان اسلام موسوم به IS-ESCO نیز ۵۰ سهمیه دارد.[۲]

۱- همان

۲- برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه پذیرش این دانشگاه می توان با این صندوق پست مرتبط شد: int.admissions@comsats.edu.pk

IQBAL FORUM



دانشگاه ناست یکی از بهترین و زیباترین دانشگاه های پاکستانی است که در شهرهای مختلف این کشور پردیس دارد؛ تصویر متعلق به پردیس شهر پیشاور این دانشگاه است

دانشگاه NUST مجموعه‌ای نوپا و پویا

این دانشگاه که مرکز ملی علم و فناوری پاکستان نام دارد یکی از ۵۰ دانشگاه برتر جوان جهان به شمار می‌رود. طبق رده‌بندی QS ناست یکی از ۵۵۰ دانشگاه برتر جهان در سال ۲۰۱۷ بوده است. ناست رتبه ۹۱ دانشگاه‌های آسیایی را از آن خود کرده و سرعت رشد بالای آن کارشناسان را شگفت زده کرده است. دانشگاه ناست فعالیت‌های بین‌المللی چشم‌گیری نیز در کارنامه دارد. دفتر همکاری‌های بین‌المللی این دانشگاه تلاش می‌کند فرصت‌هایی را برای گسترش ابتکارات آموزشی و تحقیقاتی مشترک برای دانشجویان خود به منظور ایجاد همکاری با مؤسسات همکار در زمینه‌های متفاوتی ایجاد و تسهیل نماید. درحال حاضر این دانشگاه با ۳۲ مرکز علمی موثر و مهم از جمله دانشگاه‌ها و آکادمی‌های اروپایی و آمریکایی همکاری دارد.[۱]

تعامل دانشگاه NUST با نهادهای بین‌المللی

NUST به دنبال جذب متخصص از منابع داخلی و یا خارج از کشور به منظور تقویت فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود است. این به نوبه خود کمک می‌کند تا تأثیر عمیق‌تری بر دنیای علم و فناوری داشته باشد. دانشگاه NUST تاکنون موفق به برقراری ارتباط با ۱۳۲ دانشگاه و سازمان بین‌المللی از ۳۲ کشور مختلف شده است[۲] که نام برخی از آن‌ها به شرح ذیل است:

۱. آمریکا دانشگاه هاروارد
۲. آمریکا دانشگاه جورج میسون
۳. آمریکا دانشگاه‌های ایالتی Dakota شمالی (NDSU)

۱- سایت رسمی دانشگاه ناست به نشانی: http://www.nust.edu.pk ،معرفی دانشگاه ناست

۲- همان

IQBAL FORUM

۴. آمریکا دانشگاه‌های ایالتی آریزونا
۵. انگلستان دانشگاه Southampton
۶. انگلستان دانشگاه Bournemouth
۷. آلمان دانشگاه فنی فرایبرگ (TUBAF)
۹. آلمان گروه مهندسی برق وفناوری اطلاعات، دانشگاه پادربورن
۱۰. آلمان موسسه جنوب آسیا، دانشگاه‌های دلبرگ[1]



ناست یک دانشگاه جوان و موفق است که امکانات خوبی برای آموزش در آن فراهم آورده شده است.



ده ها هزار جوان پاکستانی در آزمون ورودی دانشگاه ناست شرکت می کنند؛ برگزاری آزمون در شهر کراچی

۱- همان

IQBAL FORUM

فصل یازدهم

ایران و پاکستان

برگ برگ تاریخ گواهی می‌دهند که ایران و پاکستان جانی واحد بودند و روحی یکتا در دوکالبد. زمینی یک پارچه که خطی مرزی برروی آن دو نام قرار داده است. ارتباط میان ایران و پاکستان تاریخی به عمر کشور نوپای پاکستان دارد و هم‌زمان با استقلال ملک خداداد در سال ۱۹۴۷ میلادی، اشتراکات بی‌حد دینی و اعتقادی و فرهنگی و تاریخی باعث شد تا ایران اولین کشوری باشد که آن را به رسمیت می‌شناسد ولی سخن این است که پیوند میان ایران و پاکستان (یا بخش غربی شبه قاره) پیشینه‌ای کهن دارد.

آنچه از پژوهش‌ها به دست می‌آید این است که «مهاجرت آریایی‌ها از زمان جمشید آغازشد، او به دستور اورمزد فرمان یافت تا برروی زمین پادشاهی کند و به افزایش مردم و چارپایان بپردازد، قبیله‌های هند و ایرانی که به دلیل کمبود جا و افزایش مردمان و چارپایان در جستجوی مراتع و چراگاه‌های تازه بودند از این دوران به سوی سرزمین‌های گرم‌ترجنوبی مهاجرت کردند، گروهی به سوی فلات ایران و گروهی به سمت سرزمین‌های گرم و بزرگ شبه‌قاره هند رهسپار شدند»[1]

این ارتباط قومی و نژادی توسط دیگران نیز تائید شده و حتی نوشته‌اند؛ «بین مردم ایران و شبه‌قاره هند ارتباط قومی و نژادی برقرار است که سابقه آن به ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. هردو آریایی بودند و از دره‌ی خیبرآمدند تا امروز هم، زبان فارسی و هندی جزو زبان آریایی طبقه‌بندی می‌شود.»[2]

کورش کبیر اولین پادشاه ایرانی بود که پنجاب و سند که بخش وسیعی از پاکستان کنونی

۱- جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند، مرتضی فلاح ۱۳۸۸

۲- علیرضا قزوه، صراط نیوز ،کد۱۵۱۷۷۲

IQBAL FORUM



هخامنشیان نخستین اقوام ایرانی بودند که توانستند با حمله به شبه قاره پاکستان کنونی را از آن خود کنند

هستند را برقلمرو ایران افزود و حتی گفته‌اند: «که ۵۱۲ سال پیش از میلاد مسیح داریوش پادشاه هخامنشی چنان محو عظمت رود سند شده بود که عده‌ای محقق را به دنبال این رود فرستاد تا بداند که سرنوشت این آب خروشان چه می‌شود؟ اسکیلاکس (skylax) که به این ماموریت رفته بود حقیقت را کشف کرده و تاکرانه‌های دریای عمان و اقیانوس هند (کراچی کنونی) را به تصرف دولت هخامنشی درآورد.»[۱]

لشکرکشی داریوش به پنجاب و سند چنان مهم تلقی می‌شد که مبدا تاریخ قدیم شبه‌قاره شد.[۲] منطقه‌ای که امروز ما آن را پاکستان می‌نامیم ثروت‌مندترین استان قلمرو هخامنشی بود و سالانه بیش از ۳۶۰ تالان طلایی[۳] به دربار داریوش می‌فرستاد.[۴]

در عهد ساسانیان این ارتباط شکلی گسترده و فرهنگی به خود گرفت و چندین کتاب از شبه‌قاره به ایران آورده شدند تا از سانسکریت به پهلوی ترجمه شوند. مشهورترین کتب این دوره کلیله و دمنه است، این کتاب ارزشمند بعدها از عربی به فارسی ترجمه شد.[۵]

طلوع خورشید اسلام بر صفحه روابط دو ملت

ظهور و اوج گیری زبان و ادبیات فارسی در پاکستان و شبه‌قاره به قرن سوم و چهارم هجری یعنی زمان حکومت غزنویان باز می‌گردد، مشهور است که در مکران به فارسی حرف می‌زدند و

۱- ایران و پاکستان دو کشور دوست و برادر، دکتر ظهیر احمد صدیقی، ۲۰۱۳، ص ۱۱

۲- جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند، مرتضی فلاح ۱۳۸۸

۳- هر تالان مساوی ۲۵ کیلو و ۲۰۰ گرم طلا بوده است : ر ج ایران باستان ج۲ ص ۱۴۹۴

۴- ایران و پاکستان دو کشور دوست و برادر، دکتر ظهیر احمد صدیقی، ۲۰۱۳، ص ۱۱

۵- همان

IQBAL FORUM



حمله لشکریان بی رحم مغول به ایران بنیان مدنیت را ویران کرد و در آن زمان پاکستان (کنونی) نقطه امنی بود برای مهاجران

این زبان در آن محل رایج بوده است و شاعره‌ای به نام «رابعه بنت کعب» که در «مسالک الممالک» استخری از وی یاد شده است نیز از این سامان (سند کنونی) به پا خواسته و اولین فردی شد که در سراسر شبه‌قاره به فارسی شعر می‌گوید.[۱]

بی‌شک رونق زبان فارسی در آن دوران چهار بازیگر اصلی داشت: نخست مهاجران، دوم ادیبان و شعرا، سوم صوفیان و در آخر لشکریان و پادشاهان.[۲]

لشکرکشی سلطان محمود غزنوی به شبه‌قاره هند و فتح این سامان نخستین جرقه را برای رسمی شدن زبان فارسی زد و در سال‌های پس از آن صوفیانی که دین مبین اسلام را به فارسی نشر می‌دادند بیش از پیش به این زبان روان شکوه بخشیدند.

بزرگانی چون «علی بن عثمان هجویری» که اینک به داتا گنج بخش مشهور است، «معین الدین چشتی» «میرسید علی همدانی» و... همه از ایران زمین رهسپار شبه‌قاره هند شدند و مردمش را با انوار اسلام قرین ساختند و حاصل تلاش‌شان فارسی را تبدیل به زبان اسلام کرد آن‌گونه که برای فهم دقیق دین، درک زبان فارسی لازم بود.

برگ‌های خونین تاریخ مغول و قلب آرام شبه‌قاره

حمله چنگیزخان مغول در سال ۶۱۶ هجری قمری بنیان مدنیت را در ایران ویران کرد و درنده خویی سربازان وحشی مغول شاهرگ انسانیت را بریدآن‌گونه که هنوز هم از وحشت یادآنان پشت تاریخ می‌لرزد و روزگار بر مرگ هزاران هزار انسان بی‌گناه اشک می‌ریزد. در آن زمان شبه‌قاره و به خصوص پاکستان کنونی پناه‌گاهی بود برای آنان که جان سالم به در برده و پی‌نقطه امنی

۱- علیرضا قزوه، صراط نیوز ،کد۱۵۱۷۷۲

۲- فارسی در هند، نرگس صالح نژاد

IQBAL FORUM

بودند تا از گزند حملات بی‌رحمانه مغول به هراس نیفتند، «علاوه بر مردم عادی که ذکر آنان در جایی نیامده، گروه زیادی از پادشاهان و شاهزاده‌گان هم به دربار هند پناه بردند و در دربار غیاث الدین بلبن اقامت کردند و فرهنگ و زبان فارسی را در این سرزمین روز به روز بیشتر بارور ساختند».[1]

آن‌گونه که ابن بطوطه جهانگرد مشهور در قرن هشتم از سفر خود به شبه‌قاره نقل کرده است اطلاعات ارزشمندی درباره ژرفای نفوذ زبان فارسی به دست می‌آید، او هفت سال در هندوستان قاضی‌القضات دوران سلطان محمد تغلق بود و تولیت بقعه سلطان قطب الدین نیز به او واگذار شده بود، توصیف هند توسط او نشان می‌دهد که خودش نیز به فارسی با سلطان سخن می‌گفته است! وی بیش از پنجاه مورد اصطلاح یا عبارت یا جمله را عینا به فارسی نقل کرده و برای خواننده عربی آن اصطلاحات را توضیح داده است».[2]

ابن بطوطه نقل می‌کند که خراسانیان بیش از سایر اقوام ایرانی به شبه‌قاره آمده بودند از این رو مردم تمام ایرانیان را خراسانی می‌پنداشتند.[3]

او از وجود عناوین دیوانی ایرانی در دربار و دستگاه حکمرانان شبه‌قاره سخن می‌گوید و وجود عناوینی چون« سپه‌سالار، پروانه، سرجامه‌دار، ارباب، امیرداد، خوندمیر، وزارت، برید، رئیس و... را در کنار ضرب‌المثل‌های بی‌شمار فارسی[4] و نام‌هایی مانند «دولت آباد، خسرو آباد، بهرام، فیروز، کیخسرو، بهزاد و...» نشانه فراگیرشدن زبان فارسی در شبه‌قاره می‌داند.[5]

رونق بی‌اندازه زبان فارسی تا پایان حکمرانی مسلمانان بر شبه‌قاره ادامه یافت و آن‌گونه که عنوان شد مردم فارسی را زبان دین می‌دانستند و مبارزه استعمار منحوس غرب با زبان فارسی نشان داد که عقیده مردم از مسیر حق فاصله‌ای نداشته است.

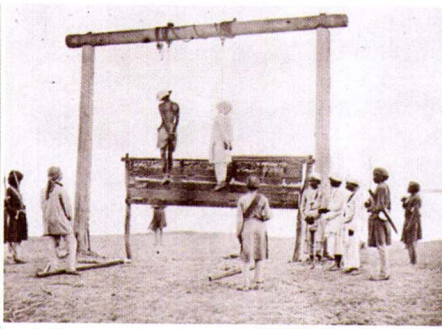
۱- جایگاه فرهنگ و زبان فارسی در شبه قاره هند، مرتضی فلاح ۱۳۸۸

۲- روح الامینی، ۱۳۶۵ ص ۱۳۱

۳- همان

۴- این ضرب المثل ها هنوز هم در پاکستان فراون استفاده می شوند نظیر: «خشت اول گر نهد معمار کج، تا ثریا می رود دیوار کج» «کبوتر با کبوتر باز با باز، کند همجنس با همجنس پرواز» « دیر آید درست آید و...»

۵- روح الامینی ، ۱۳۶۵، ص ۱۴۱



انگلیسی ها نقش پیچیده ای در نابودی تمدن شبه قاره داشتند.
اعدام هندی های شرکت کننده در قیام علیه ظلم انگلیسی ها ۱۸۵۷



فقر و تنگدستی و خشکسالی ماحصل حاکمیت انگلیسی ها و متحدانشان بر شبه قاره بود

نقش پیچیده انگلیس برای نابود کردن زبان فارسی در پاکستان و شبه‌قاره

افسوس که آغاز دوران استعمار و غفلت مسلمانان که نتیجه دور شدن از تعالیم اصلی قرآن و سنت و اهل بیت «علیهم‌السلام» بود فروغ زبان فارسی و به تبع آن تعالیم اسلامی را در شبه‌قاره کم‌رنگ کرد. انگلیسی‌ها از قرن ۱۸ میلادی وارد شبه‌قاره شدند و از ابتدا مسلمانان را که تحت تعالیم دینی حاضرنبودند زیربار حکومت استکبار باشند به چشم رقیب می‌نگریستند و در تلاش بودند تا آنان را کاملا به حاشیه کشانده و برای همیشه از قدرت دور کنند.

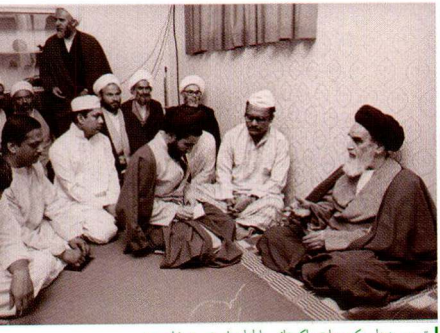
«هم‌زمان با ورود انگلیسی‌ها به هند، چاپ کتاب‌های فارسی نظیر سعدی و مولانا رواج یافت، در نگاه اول این اقدام باعث تعجب می‌شود ولی اقدام استعمار انگلیس بسیار پیچیده بود، آن‌ها چندین سال زبان فارسی را رونق بخشیدند و تا سال‌ها چاپخانه‌های هند بیشتر کتاب فارسی چاپ می‌کردند، تا اعتماد مردم جلب شود ولی هم‌زمان نخستین چاپخانه‌های انگلیس نیز در شبه‌قاره راه اندازی شدند. پروژه بعدی آنان رواج دادن زبان اردو بود تا از ارزش و ترویج زبان فارسی بکاهند و در مرحله نهایی اردو و فارسی را باهم کنار گذاشتند، تا انگلیسی را جایگزین هردوی آن‌ها کنند. در دوران ناصرالدین شاه در سده نوزدهم غالب دهلوی در اوج و قدرت کامل به زبان اردو و زبان فارسی شعر می‌گفت و تمام مردم هند او را می‌شناختند، اما انگلیسی‌ها حتی حقوقش را قطع کردند، تا مجبور شود از زبان فارسی دست بردارد. از این موارد که انگلیس به محدود کردن شعرای فارسی زبان در هند پرداخته بسیار است، برای نمونه اگر ماجرای قبربیدل را جویا شویم، متوجه می‌شویم که قبر (کنونی) بیدل، قبراصلی وی نیست.»[1]

سرگذشت این بزرگان زبان فارسی درشبه‌قاره نشان می‌دهد که همه آن‌ها زخمی از انگلیس

۱- قبر اصلی او زیر جاده و در اتوبان در محله پراگتی میدان دهلی است، بعد از استقلال هند که انگلیسی‌ها هنوز نفوذ داشتند، در اتوبان هایی که می‌کشیدند، قبر بیدل را زیر اتوبان انداختند، بعد از آن برادران افغانی اعتراض می‌کنند که چرا این کار را انجام داده‌اند. دستور می‌دهند که در نزدیکترین محل به آن یک قبر نمادین برای او بسازند، حالا چرا قبر اصلی او را زیر اتوبان می‌اندازند؟ برای اینکه تمام اشعارش به زبان فارسی است. برای این که شعر و اندیشه بیدل مطابق قبول استعمارگران انگلیسی نیست. برای این که بیدل مسلمان موحد است.



نصب بنرهای تبریک دهه فجر در شهرهای بزرگ پاکستان (اسلام آباد، کراچی و...) سال ۱۳۹۷



تصویر دیدار یک هیات پاکستانی با امام خمینی در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی

به تن داشته‌اند و زبان انگلیسی با زور و استعمار روی کار آمده است. سیستم انگلیسی که همیشه در آن حیله وجود دارد، در مورد زبان فارسی نیز حساب شده کار کرد، در سال ۱۸۳۲ انگلیس نخستین گلوله جدی را به شقیقه زبان فارسی در شبه قاره می‌زند و اگر به دقت وضعیت فارسی پس از این سال در شبه قاره واکاوی شود آن را فارسی اصیل سال‌های گذشته نمی‌بینیم. تا همین صدسال اخیر هم می‌بینیم که در شبه‌قاره زبان فارسی رمق داشته است.[۱]

پاکستان و انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ که در اصل پاره شدن زنجیر استبداد و ظلمت از پای بشر زخم خورده در سکوت مبهم تاریخ بود ارتباط میان ایران و پاکستان نیز شکلی حقیقی‌تر گرفت که مبنای آن تعالیم وحی و اسلام بود.

مردم مسلمان پاکستان طلوع خورشیدی فروزان را در همسایه غربی خود به نظاره نشستند که مدت‌ها بود برای رویت آن دست به دعا داشتند و حتی زمانی که امام امت از نجف عزم سفر به کویت را داشت مردم میهمان‌نواز شهر کویته پاکستان با تصور این‌که میزبان خمینی کبیر خواهند بود شهر را آب و جارو زده و پلاکاردهای خوش آمدید برایش نصب کردند.[۲]

پاکستان که از ابتدای شروع تظاهرات علیه رژیم شاه با دقت تحولات ایران را از نظر داشت اولین کشوری بود که جمهوری اسلامی ایران را در تاریخ ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ به رسمیت شناخت! و دلیل اصلی آن توجه و علاقه‌مندی خاص مردم پاکستان نسبت به حرکت مردم ایران تاثیری اساسی داشت.[۳]

نخستین سفر رسمی یک مقام پاکستانی بلافاصله پس از حاکم شدن آرامش نسبی در تهران

۱- علیرضا قزوه، صراط نیوز ،کد ۱۵۱۷۷۲

۲- خبر گزاری تسنیم /شماره خبر: ۱۶۵۴۴۸۹ – ۱۳۹۶/۱۱/۲۳

۳- فاطمی، سید علی . بازتاب انقلاب اسلامی ایران بر جنبش اسلامی در پاکستان ۱۳۸۹/۱۱/۲۱ - basirat.ir

IQBAL FORUM



مردم شهر کویته پاکستان با این تصور که امام امت به شهرشان سفر خواهد کرد آماده استقبال از ایشان شدند

انجام شد و در تاریخ ۱۹ اسفند ماه سال ۱۳۵۷ «آقا شاهی» وزیر خارجه پاکستان با سفر به ایران با امام خمینی«ره» دیدار کرده و ایشان را از مواضع دوستانه و برادرانه کشورش آگاه کرد. مدتی بعد در تاریخ ۲۲ فروردین ۱۳۵۸ ضیاء الحق، امام خمینی را نماد قیام اسلامی معرفی کرد و به این ترتیب فصل نخست روابط دوستانه دو کشور در آغاز تاریخ جدید آن ها شکل گرفت.[۱]

مسلمانان پاکستانی با الهام گرفتن از حمله دانشجویان ایرانی به لانه جاسوسی آمریکا، و در اعتراض به خبر حمله احتمالی نیروهای آمریکایی به خانه کعبه در مکه، حرکت انقلابی و برائت جویانه خود به سمت سفارت آمریکا در اسلام آباد را شروع کردند که براثر درگیری میان نیروهاي محافظ سفارت و مردم خشمگین، سفارت آمریکا به آتش کشیده شد. خشم مردم از رفتار شیطان بزرگ چنان زیاد بود که نیروهاي ارتش پاکستان با زحمت فراوان در نیمه هاي شب توانستند با ورود به ساختمان سفارت از طریق سقف آن، گروگان های آمریکایی را نجات دهند.[۲]

هر چند این روابط التهاب های اولیه را نیز در خود پنهان کرده بود و باعث ایجاد فراز و نشیب هایی شد ولی در کل روابط حسنه، پایدار و قلبی که میان مردم ایران و پاکستان شکل گرفته بود دولت های دو کشور را نیز شامل می شد.

دفاع مقدس عرصه همراهی های پاکستان با ایران اسلامی

آغاز حمله ناجوانمردانه رژیم بعث به ایران فصل تازه‌ای را از همکاری میان ایران و پاکستان رقم زد که تاریخ آن را در صفحات خود به یادگار حک کرده است. «پاکستان برای آن که رسیدن انواع کالاها به ایران را در شرایط جنگی تسهیل نماید، بندر کراچی را برای تخلیه بار در اختیار ایران قرار داد. ضیاء الحق در سپتامبر ۱۹۸۰ دو بار با سران سایر کشورهای اسلامی به منظور

۱- دانشنامه آزاد- ویکیپدیا/ ذیل مقاله پاکستان و جنگ ایران و عراق

۲- واشنگتن پست – ۲۱نوامبر ۱۹۷۹

IQBAL FORUM



دیدار آیت الله خامنه ای(رئیس جمهور وقت ایران) با ضیاءالحق در خلال سال های دفاع مقدس انجام شد

میانجی‌گری به تهران سفرنمود. آقا شاهی وزیرامور خارجه پاکستان نیزبه همین منظور به ایران سفرکرد. وی در کنفرانس طائف در موافقت با مواضع ایران در جنگ تحمیلی اظهاراتی بیان نمود و موضوع احیای مجدد همکاری عمران منطقه‌ای مطرح شد. ایران نیزدر مقابل، مدت اعتبار وام‌های اعطایی پاکستان راتمدید نمود.»[1]

کارشناسان معتقدند عمده کمک‌هایی که از سوی پاکستان در ایام دفاع مقدس صورت گرفته است به دلیل فشار زیاد آمریکا و عربستان به صورت پنهانی انجام شده ولی حتی گزارش‌هایی از کمک مالی توسط پاکستان به ایران در سطح عملیاتی نیزوجود دارد.[2]

مقامات پاکستان به کشتار وحشیانه حجاج ایرانی توسط نظامیان سعودی در سال ۱۳۶۶ نیزبه شدت اعتراض کردند و از این تاریخ به بعد فروش و صادرات موشک‌های استینگررا نیزبه ایران آغاز کردند.[3]

سفرتاریخی رهبرمعظم انقلاب به پاکستان

برای ساکنان ایالت پنجاب پاکستان، طلوع خورشید چهارشنبه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۶۴، پیام‌آور پایان یک انتظار چند ساعته بود. روز قبل از آن قرار بود، مهمانی به لاهور مرکزاین ایالت سفرکند، اما ازدحام جمعیت و استقبال گسترده‌ی مردم در اسلام‌آباد مانع از حضور این میهمان در لاهور شده بود و این سفربه صبح روز چهارشنبه موکول شد. مردان و زنان از روستاها و شهرهای اطراف لاهور خود را به این شهررسانده بودند. در میان خیابان‌ها پارچه نوشته‌هایی به زبان فارسی حال و هوای شهررا دگرگون کرده بود. جملاتی مانند: «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار».

۱- فرزین نیا، زیبا، پاکستان (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، ۱۳۷۶) ص ۲۳۳

۲- علام شاه، روابط استراتژیک و سیاسی ایران و پاکستان، سازمان آنالیز و دفاع ، دسامبر۲۰۱۴

۳- میر فرخ، نیمه اعتماد، ISBN ۱- ۴۵۰۲- ۸۶۴۵- ۳

IQBAL FORUM



پاکستان در طول جنگ تحمیلی تلاش کرد در حد توان خود برخی نیازهای ایران به جنگ افزارها را تامین کند

دیگری میهمان را این‌گونه معرفی کرده بود: «سرباز اسلام شاگرد و مقلد امام، یاور بهشتی مظلوم و دشمن مستکبرین، حامی مستضعفین».

اما آنچه که هوای غربت را برای آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس جمهور وقت ایران) از این شهر بیرون کرده بود، تصاویر امام خمینی و سربندهای قرمز «گوش به فرمان توئیم خمینی» بود که بر پیشانی مردم لاهور خودنمایی می‌کرد. گویی رئیس‌جمهور ایران، نه در شهری بیرون از مرزهای جغرافیایی کشور خود، که در خاک دیرآشنایی از سرزمین ایران زمین پای نهاده بود. هواپیمای حامل رئیس جمهور ایران و ضیاء الحق رئیس‌جمهور پاکستان در فرودگاه لاهور به زمین نشست، این نخستین سفر یک مقام بلندپایه‌ی خارجی به کشور پاکستان پس از پایان حکومت نظامی بود و حجم استقبال مردم چه در اسلام آباد و چه در لاهور فراتر از حد بیان. طبق برنامه‌ی از پیش تعیین‌شده، قرار بود آیت‌الله خامنه‌ای از فرودگاه به آرامگاه اقبال لاهوری برود و در آنجا در جمع مردم پاکستان سخنرانی کند. زمان تخمینی برای این انتقال از فرودگاه به محل سخنرانی چیزی در حدود یک ربع پیش‌بینی شده بود، اما حجم جمعیت به اندازه‌ای زیاد بود که طی این مسیر پانزده دقیقه‌ای، حدود چهار ساعت طول کشید.[۱] معظم له تا کنون نیز از این سفر به عنوان سفری بی‌نظیر یاد می‌کنند و بارها در حضور مسئولین فعلی پاکستان شور انقلابی مردم این کشور و استقبال بی‌نظیرآنان در جریان سفر سال ۱۳۶۴ را لایق تحسین دانسته‌اند که بخشی از آن چنین است:

«من در دوران ریاست جمهوری به پاکستان رفتم. استقبالی که در پاکستان شد، حادثه‌ای عظیم بود. علی‌رغم این‌که رسانه‌های جهانی می‌خواستند چیزی در این‌باره نگویند، مجبور شدند. در همه‌ی رسانه‌های جهانی، چند روز اظهار شگفتی از این حادثه‌ی عظیم بود. میلیون‌ها انسان در اسلام آباد و در لاهور و دیگر مناطقی که رفتیم ، از ما استقبال کردند».[۲] - «بنده زمان

۱- خبرگزاری فارس، ۲۷ دی ۱۳۹۵

۲- بیانات معظم له در دیدار با جمعی از جوانان اردبیل ، ۱۳۷۹/۵/۵

IQBAL FORUM

ریاست جمهوری به پاکستان رفتم؛ آن‌چنان تظاهراتی شد که با وجود این‌که قرار بود ریگان - رئیس جمهور آمریکا - بعد از سفر من برود و از پاکستان بازدید کند، دیگر نرفت! دیدند آبروریزی است برای او؛ چون آن وضعی که مردم در استقبال از رئیس جمهوری اسلامی ایران بوجود آوردند، اگر او می‌رفت آن‌گونه نمی‌شد».[1] - «بنده در زمان ریاست جمهوری به پاکستان رفتم. در لاهور و اسلام‌آباد آن‌چنان استقبال شد که همه دنیا را متوجّهِ خود کرد و خبرش روی همه آنتن‌های دنیا رفت.... امروز مسؤولان برجسته کشور ما به هر یک از کشورهای اسلامی سفر کنند، با استقبال، احساسات و هیجان مردمی روبه‌رو می‌شوند. نظیر این در کدام کشور - چه کشورهای اسلامی و چه کشورهای غیراسلامی - وجود دارد؟ فرضاً اگر رئیس جمهور آمریکا بخواهد به ایتالیا یا فلان کشور برود، مردم یک ماه قبل از سفرش تظاهرات می‌کنند که نیا! چون آمریکا شرّ مطلق است».[2]

جنبه‌های مشترک و همکاری‌های فراموش نشدنی

وجود اشتراکات بسیاری دینی، فرهنگی، تاریخی و آرمانی میان دو ملت بزرگ ایران و پاکستان باعث شده تا مسیر حرکت و ارتباط‌شان به گونه‌ای رقم بخورد که به تعامل ختم شود نه تقابل، و جلوه‌های زیبایی از همراهی و همدلی سال‌ها است که بر صحیفه روزگار قلم افتخار می‌دواند تا واژه تجلیل خلق کند.

- پاکستان حافظ منافع ایران در آمریکا

سفارت اسلام آباد در واشنگتن سال‌ها است دفتر حافظ منافع ایران در آمریکا است و اتباع ایرانی اگر نیاز به حمایت کنسولی داشته باشند یا شخصی بخواهد به ایران سفر کند بایستی به سفارت پاکستان در این کشور مراجعه کند، بدون شک این نشان از روابط نزدیک و همدلی برادرانه میان اسلام آباد و تهران دارد.

- حمایت ایران در جریان سیل بنیان‌کَن پاکستان و بالعکس

خطبه‌های حضرت آیت الله خامنه‌ای در روز عید فطر سال ۱۳۸۹ هنوز در گوش مردم ایران و پاکستان طنین‌انداز است زمانی که ایشان با حالتی بی‌سابقه بغض کرده و در حالی که پرده‌ای از اشک در چشمان‌شان دیده می‌شد به سیل بزرگ پاکستان اشاره کرده و آن را فوری‌ترین مساله دنیای اسلام خوانده و گفتند: «طغیان رود سند باعث شده که بیش از ۱۰ هزار روستا از بین برود. ده‌ها هزار مسجد مدرسه و حسینیه درطول این خط طولانی از بین رفته است و حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیارد

۱- بیانات معظم له در دیدار با اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه های ۱۳۸۶/۲/۳۱

۲- بیانات معظم له در دیدار با دانشجویان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲



ملاقات شهید عارف حسین حسینی (رهبر شیعیان پاکستان) با آیت الله خامنه ای (رئیس جمهور وقت ایران) در خلال سفر معظم له به پاکستان



سیل جمعیت استقبال کننده از آیت الله خامنه ای و حضور جوانان در بشت بام منازل



خوش آمدگویی جوانان پاکستانی به رئیس جمهور (وقت) ایران اسلامی



علما و فضلای پاکستانی نیز به صف استقبال کنندگان از رئیس جمهور ایران پیوستند



همزمان با سفر آیت الله خامنه ای به پاکستان ده ها هزار نفر از جوانان این کشور برای استقبال از ایشان به خیابان ها آمدند

دلار خسارت به پاکستان واردشده است. مردم این کشور به آب و غذا و سرپناه احتیاج دارند».[1] این تعابیرپراحساس که نشان از تاثرقلبی ایشان داشت چنان تکاپویی در جامعه اسلامی ایران به همراه داشت که کمپ‌های پذیرش کمک که در پاکستان مستقرشده بودند به سرعت اعلام تکمیل ظرفیت کردند. حمایت مردم پاکستان در جریان سیلی که همزمان با نوروز سال ۱۳۹۸ استان‌های غربی ایران را درگیر خود کرد نیز مثال‌زدنی و بی‌نظیر بود. ده‌ها گروه پاکستانی در شهرهای مختلف این کشور اقدام به جمع آوری کمک کرده و به روش‌های مختلف آن را به دست افراد نیازمند رساندند.

- پاکستان اولین کشور خارجی که به کمک زلزله‌زدگان کرمانشاه شتافت

شام‌گاه روز یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۶ زلزله‌ای به بزرگی ۷/۳ ریشتربخش‌های وسیعی از استان‌های کرمانشاه ایران را لرزاند و منجربه تخریب هزاران خانه و جان باختن بیش از ۶۲۰ نفرشد. این زلزله وحشتناک ۷۰ هزار نفررا نیزبی‌خانمان کرد.

به دنبال این حادثه تلخ علاوه برمردم مهربان ایران زمین، نخستین محموله کمک خارجی که در ایران تحویل مسئولین جمعیت هلال احمرشد ۱۲ تُن وسایل ضروری و بسته‌های کمکی بود که از سوی مردم پاکستان ارسال شده بود.[2]

۱- بیانات معظم له در خطبه های عید سعید فطر ۱۳۸۹

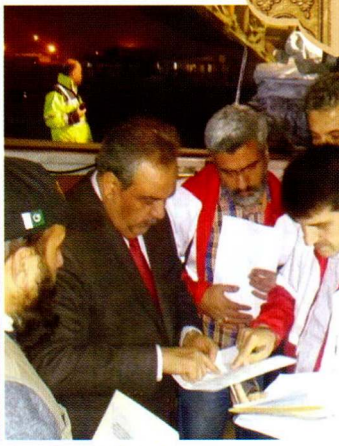
۲- خبرگزاری تسنیم، ۲۷ آبان ۱۳۹۶ - ۱۵۷۷۳۱۳



مـردم ایران دست به دست هم به فرمـان رهبر معظم انقـلاب در جریـان سـیل بنیان کن پاکسـتان به کمک برادران خود شـتافتند



امداد رسانی به سیل زدگان استان خوزستان توسط کمک های مردم پاکستان-۱۳۹۸



سـفیر پاکسـتان در حـال تحویـل کمـک ها به جمعیـت هلال احمر ایران- زلزله کرمانشـاه سال ۱۳۹۶







نجات ماهیگیران ایرانی توسط نیروی دریای ارتش پاکستان | آرامگاه ژنرال موسی خان فرمانده مقتدر ارتش پاکستان در حرم مطهر رضوی | تصویر ماهیگیران ایرانی نجات یافته، پس از عملیات امداد در شهر کراچی -۱۳۹۷

- نجات جان ماهی‌گیران ایرانی

عالم همسایگی دنیای روابط برادرانه و انسان دوستانه‌ای است که گاه گذر زمان برآن‌ها گرد فراموشی می‌پاشد، درروز ۹ اسفند سال ۱۳۹۶ ماهی‌گیران ایرانی که در آب‌های آزاد مسیر خود را گم کرده و به دلیل کمبود مواد غذایی و آب آشامیدنی امید چندانی به نجات نداشتند توسط ناو «پی ان اس» نیروی دریایی پاکستان نجات پیدا کردند تا ۱۷ خانواده ایرانی به سوگ عزیزانشان ننشینند.[۱]

اتفاقی مشابه برای ۱۱ ماهی‌گیر دیگر ایرانی لنج الرمانی رخ داد و آن‌ها در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۳۹۷ با حضور به موقع نیروهای امداد و نجات دریای پاکستان از خطر مرگ نجات پیدا کردند.

بالگرد سی‌کنیگ پاکستان برای نجات جان این ماهی‌گیران ریسک بزرگی انجام داده و در فاصله ۱۶۰ کیلومتری بندر کراچی این عملیات ویژه را اجرا کرد.[۲]

- فرماندهی که به پابوس سلطان خراسان رسید

نسل کنونی پاکستان به شجاعت و ایثارگری نیاکان خود می‌بالند زیرا آنان با کم‌ترین امکانات در مقابل ارتش تا دندان مسلح هند ایستادگی کرده و اجازه ندادند اولین بیداری اسلامی منطقه با شکست مواجه شود. بدون شک علاوه برشهدای این مسیر سخت و مشکل باید به یاد فرماندهان با درایتی بود که با از خودگذشتگی و تلاش شبانه روزی از حداقل امکانات موجود حداکثر استفاده را کردند.

۱- خبرگزاری تسنیم ۹ اسفند ۱۳۹۶ شماره خبر: ۱۶۶۸۵۴۴

۲- همان، ۱۹ خرداد ۱۳۹۷، شماره خبر: ۱۷۴۵۴۲۴

IQBAL FORUM

یکی از شخصیت‌های بزرگ پاکستان که حکایت بسیار جالبی دارد ژنرال موسی خان است، هرکس اندک آشنایی با حوزه پاکستان داشته باشد فرمانده ارتش این کشور را اگر مقتدرترین فرد کشور نداند یکی از دو فرد مقتدر در پاکستان می‌داند. ژنرال موسی خان فرمانده ارتش پاکستان بود آن هم در هنگامه نبرد با هند در سال ۱۹۶۰ میلادی، دلاور مردی‌های او و همچنین درایتش سبب شکست ارتش قدرتمند هند از کشور نوپای پاکستان شد و همین او را به چهره‌ای ملی و محبوب تبدیل کرد. وی در ادامه سال‌ها نماینده دولت درایالت بزرگ بلوچستان پاکستان بود و به مردم محروم بزرگ‌ترین ایالت پاکستان خدمت می‌کرد.

ژنرال موسی خان اگرچه در طول دوران زندگی خود و به دلیل مسئولیت‌های سنگینی که داشت عشق و علاقه خود به انقلاب اسلامی را چندان فریاد نزد ولی وصیت جالب و مهم او نشان داد که در تمام دوران زندگی درون قلبش عشق به انقلاب و رهبر کبیر انقلاب را می‌پرورانده است. وصیتی که هیچ‌کس نمی‌توانست از عمل به آن شانه خالی کند، و همین وصیت باعث شد که جنازه فرمانده سابق ارتش پاکستان به ایران منتقل شده و در بارگاه امام علی ابن موسی الرضا(علیه‌السلام) دفن شود.

افسوس که این ارادت‌های ارزشمند در تاریخ کشور غبار فراموشی و زنگار بی‌توجهی به خود گرفته و به اطلاع مردم نمی‌رسد تا بدانند که ایران دوستی در دل پاکستان موج می‌زند. این ژنرال مقتدر که روزگاری بر بلندترین کرسی قدرت پاکستان تکیه می‌زد در طول دوران زندگیش علی رغم فشارهای مخالفین پیکر همسرش را نیز به مشهد منتقل کرده و در جوار مضجع شریف امام رئوف دفن کرد.[1]

- دشمنی با رژیم صهیونیستی و برگزاری با شکوه روز قدس

ایران و پاکستان نه تنها دوستان بلکه دشمنان مشترکی نیزدارند و این خود می‌تواند عامل اتحاد بیشتر دو کشور باشد. ایران و پاکستان درگذرنامه های خود به صراحت سفر اتباع خود به فلسطین اشغالی را ممنوع اعلام کرده‌اند و این به آن معنا است که تهران و اسلام آباد رژیم جعلی صهیونیستی را به رسمیت نمی‌شناسند.

در تمام سال‌هایی که از جنگ اعراب با اسرائیل می‌گذرد پاکستان نه تنها دشمنی خود با رژیم صهیونیستی را حفظ کرد بلکه با برگزاری با شکوه روز قدس و حمایت مستمر از فلسطین نشان داد که قصد تسلیم شدن در برابر این رژیم کودک‌کش را ندارد هر چند بیشتر متحدان عربی آن جنگ اینک مقابل این رژیم سرخم کرده‌اند.

۱- خبرگزاری تسنیم؛ ۱۵شهریور ۱۳۹۷ . شماره خبر: ۱۸۲۱۸۲۷

در پاکستان صدها سازمان غیردولتی فعال هستند که کمک های انسان دوستانه خود را برای مردم فلسطین می‌فرستند و حتی در مجمع عمومی سازمان ملل نیز سیاست‌مداران پاکستانی آشکارا از مظلومیت مردم فلسطین سخن گفته و خواستار واکنش جامعه جهانی علیه اسرائیل می‌شوند. پیش از این نیز در معرفی قهرمانان نیروی هوایی پاکستان بیان شد «ستار علوی» خلبان شجاع پاکستانی چگونه موفق به ساقط کرد جنگنده های اسرائیلی و دریافت نشان شجاعت کشور سوریه شده است.



طنین مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل هم زمان با روز قدس در پاکستان شنیده می شود



راهپیمایی روز قدس هر سال توسط تمام مسلمانان پاکستانی اعم از شیعیان و اهل سنت برگزار می شود


برگزاری انتخابات شورای دانش آموزی در مدرسه ایرانیان شهر کراچی



برگزاری جشن میلاد پیامبر اسلام«ﷺ» در یکی از مدارس ایرانی شهر کویته

- بزرگ‌ترین واحد آموزشی خارج از کشور ایران

خاک بلوچستانِ پاکستان و شهر کویته میزبان بزرگ‌ترین مجموعه مدارس خارج از کشور ایران است که در سال ۱۳۶۴ جهت آموزش به کودکان شهر کویته تاسیس شده و به مرور زمان گسترش پیدا کرده است. امروز این مدارس ۲۱۰۰ دانش آموز دارد و بزرگ‌ترین مجموعه مدارس خارج از کشور ایران است.

در کویته ۵ مدرسه ابتدایی، ۵ مدرسه متوسطه اول، ۵ مدرسه متوسطه دوم ، و ۲ مدرسه پیش

IQBAL FORUM

دانشگاهی در حال فعالیت هستند و به دلیل تعداد زیاد دانش آموزان هر سال آزمون سراسری دانشگاهی در این شهر برگزار می‌شود.

مدارس این شهر به صورت مجتمع و تکی اداره می‌شوند و مجتمع‌های آن عبارتند از:

- مجتمع فجر
- مجتمع توحید
- مجتمع خدیجه الکبری (علیها السلام)
- مجتمع علامه اقبال
- مجتمع الزهراء
- مدرسه نیکان
- مدرسه کوثر
- مدرسه سلمان فارسی
- مدرسه حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

افق‌های پیش روی ایران و پاکستان

عزم جدی برای تقویت روابط دو جانبه و همکاری‌های سازنده میان تهران و اسلام آباد باعث شده تا طی سال‌های اخیر تلاش گسترده‌ای برای افزایش روابط صورت بگیرد که نتایج مثبتی نیز به بار داشته است. گسترش روابط سیاسی، امنیتی، فرهنگی و حتی اقتصادی می‌تواند به تحول اساسی در روابط دو کشور منجر شود. از موارد عنوان شده نگاهی به حوزه فرهنگ و اقتصاد خواهیم داشت که سهم بسیاری در بهبود روابط سیاسی و امنیتی نیز دارند:

روابط تجاری میان ایران و پاکستان

پاکستان با بیش از ۲۰۰ میلیون نفر جمعیت و ایران با ۸۰ میلیون نفر جمعیت مرزی ۹۰۴ کیلومتری دارند و می‌توانند بدون واسطه از بازار مکمل یکدیگر بیشترین نفع را ببرند. پاکستان اگرچه خود صادرکننده مواد غذایی از جمله محصولات کشاورزی و دامی است، اما می‌تواند به عنوان وارد کننده محصولات ایران در زمینه‌های مختلف به ویژه لوازم ساختمانی، کاشی، سرامیک و سیمان معرفی شود.[1]

بررسی‌های آماری حاکی از آن است که پاکستان بعد از عراق، افغانستان، ترکمنستان و مصر به لحاظ تراز تجاری مثبت برای ایران در جایگاه پنجم قرار دارد و تراز تجاری ایران و پاکستان در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۴ عدد مثبت ۱۱۴ میلیون دلار را نشان می‌دهد.[2]

البته نباید فراموش شود که سابقه ۲۰ ساله عضویت پاکستان در سازمان تجارت جهانی و داشتن تجارت آزاد با کشورهای جنوب آسیا (سارک) و همچنین چین و مالزی، رقابت و ورود به بازار پاکستان را سخت‌تر از سایر کشورهای همسایه کرده است و تجارت با این کشور، تجارت

۱- نعمتی زرگران، مراد رایزن بازرگانی کنسولگری ایران در پاکستان، ایرنا ۱۳۹۷/۱/۵ کد خبر: ۶۴۴۱۰۰۶

۲- اقتصاد آنلاین – کد ۱۱۱۲۰۷

IQBAL FORUM

با یک بازار رقابتی و بین‌المللی است. تجارتی که توفیق در آن می‌تواند الگویی برای ایران پس از تحریم شود و به توسعه اقتصاد ملی ایران در شرق کشور هم منجر شود و منشأ آثار و برکات بسیار برای یکی از محروم‌ترین بخش‌های این سرزمین شود.[1]

نکته مثبتی که در پاکستان وجود دارد این است که این کشور در زمینه حمایت ازسرمایه‌گذاران رتبه ۳۹ رنکینگ جهانی را دارد و بازار آن کاملا رقابتی است، اتاق‌های بازرگانی، اتحادیه‌ها و تشکل‌ها نقش بسیار پررنگی در اقتصاد این کشور دارند و نقش دولت صرفا قانون‌گذاری و تسهیل تجارت است و دخالتی در بازار ندارد که همین مسأله یکی از عوامل پایین بودن نرخ تورم ۷/۷ درصدی و نرخ بیکاری ۶/۶ درصدی در این کشور است.[2]

مهم‌ترین کالاهای وارداتی از ایران به پاکستان «سوخت‌های معدنی و نفت، آهن و فولاد، پوست‌خام، تجهیزات الکترونیکی، سیمان، سرامیک، میوه(سیب، انگور، انار و..)، پلاستیک، شوینده‌ها و...» هستند و در مقابل محصولاتی چون« کاغذ، برنج، گوشت، ماشین آلات صنعتی، شکر، دام، منسوجات، میوه، وسایل ورزشی شامل تجهیزات ورزش‌های رزمی، توپ و..» از پاکستان به ایران وارد می‌شوند. همچنین آغاز به کار پروژه انتقال گاز از ایران به پاکستان که خط انتقال گاز صلح نام دارد حرکتی ماندگار در توسعه دوستی میان دو کشور خواهد بود که منافع فراوانی برای هردو ملت در پی دارد. در حال حاضر مسئولین دوکشور از تلاش برای افزایش حجم مبادلات تجاری تا مرز ۵ میلیارد دلار و همچنین کلید خوردن پروژه ایجاد منطقه آزاد تجاری بین دو کشور سخن می‌گویند که در صورت اجرایی شدن تحولات فراوان اقتصادی را به ارمغان خواهد آورد.

۱- همان

۲- همان



خط ریلی یکی از بهترین روش های صادرات و واردات کالا میان ایران و پاکستان است که از سال ها پیش جریان دارد



وجود صدها کیلومتر مرز زمینی باعث شده کامیون ها و تریلی ها نقش مهمی در حمل و نقل کالا میان ایران و پاکستان دارد

IQBAL FORUM

ظرفیت گردشگری مذهبی، سلامت، علمی و..

الف) گردشگری مذهبی: ایران و پاکستان می‌توانند مقاصد ارزانی برای سفرباشند به خصوص این‌که دو کشور دارای مرز مشترک هستند و حتی تردد زمینی نیز امکان‌پذیر است، شکی نیست که بیشترین تعامل مردمی نیز در حال حاضر از طریق سفر زائران پاکستانی به عتبات عالیات انجام می‌شود که شهرهای مذهبی نظیر مشهد و قم جزو مقصدهای همیشگی آنان است. با وجود تمام مشکلاتی که در مسیر زیارت زائران پاکستانی وجود دارد و بیان آن‌ها مطلبی مفصل می‌طلبد سالانه حدود ۳۰۰ هزار زائر پاکستانی از طریق ایران عازم عتبات عالیات می‌شوند.[۱] که در صورت برنامه ریزی صحیح تعداد آنان به بیش از یک میلیون نفر در سال خواهد رسید. این رقم با توجه به جمعیت ۴۵ میلیون نفری شیعیان در پاکستان و همچنین اعتقاد حدود ۱۱۰ میلیون اهل سنت بریلوی به زیارت، چندان دور از انتظار نیست و در سایه تلاش و همکاری دولت پاکستان به سادگی محقق شده و می‌تواند منجر به حل مسائل پیش روی زوار پاکستانی شود.

بدیهی است ظرفیت عظیمی که این زوار برای مردم ایران به خصوص شهرهای مذهبی پدید می‌آورند منجر به اشتغال زایی پویا و دائمی خواهد شد. عکس این اتفاق نیز می‌تواند در پاکستان رخ دهد و پژوهش‌گران حوزه فرهنگی و محققان و متخصصان ادیان و مذاهب اسلامی در قالب تورهای فرهنگی و گردشگری به شهرهایی چون لاهور و مولتان سفر کرده و اعتقادات و باورهای مردم این سامان را از نزدیک مشاهده کنند و از آن در تحقیقات خود استفاده کنند. وجود آرامگاه صوفیان بزرگی چون داتا گنج بخش، بهاءالدین زکریا مولتانی و.. هریک می‌تواند راه‌گشای تحقیق و راهنمای پژوهشی باشد که در این حوزه شکل می‌گیرد.

گردشگری علمی و فرصت‌های تحصیلی

تقدیرالهی این بوده که ایران و پاکستان مکمل هم باشند و این فرصت در اختیار دانشجویان و مشتاقان علم و ادب نیز در دو کشور قرار گرفته که به آسانی از فرصت‌های تحصیلی موجود بهره ببرند، دو کشور تبادلات علمی خوبی داشته‌اند و تفاهم‌نامه‌هایی نیز میان دو کشور وجود دارد که می‌تواند باعث بورسیه شدن کم هزینه دانشجویان شود.

برخی دانشگاه مهم پاکستان که مدرک آن‌ها مورد تائید وزارت علوم ایران است:

وزارت علوم ایران مدارک صادر شده توسط « دانشگاه قائد اعظم اسلام آباد و کالج های وابسته به آن(QAU)، موسسه فناوری اطلاعات کامستس اسلام آباد(COMSATS)، دانشگاه ملی علوم و فناوری ناست اسلام آباد(NUST)، دانشگاه ملی هنرشهرلاهور(NCA Lahore)، دانشگاه کشاورزی پیشاور(NWFPAU Peshawar)، دانشگاه فنی و مهندسی پیشاور(NEWFPUET

۱- ایرنا، ۱۳۹۶/۱۰/۴- شماره خبر: ۸۲۷۷۵۲۸۱

Peshawar) ، دانشگاه فنی و مهندسی لاهور(UET Lahore)، دانشگاه سند(SU) و دانشگاه پنجاب (PU Lahore) » را تائید می کند.[1]

علاوه بر این برخی دانشگاه های ایران با دانشگاه های پاکستانی مستقیما تفاهم نامه هایی امضا کرده اند به طور مثال می توان به تفاهم نامه همکاری دانشگاه تهران و دانشگاه کینگ ادوارد لاهور اشاره کرد،[2] و یا تفاهم نامه همکاری میان دانشگاه های شهرکرد و فیصل آباد که به همکاری های آموزشی، پژوهشی و فناوری دو دانشگاه می پردازد.[3] همچنین دانشگاه پیام نور ایران نیز تفاهم نامه جامعی را با دانشگاه علامه اقبال پاکستان امضا کرده است که منجر به آغاز به کار بخش اقبال شناسی در دانشگاه پیام نور و توسعه همکاری این دو مرکز علمی خواهد شد.[4]

رشته های پزشکی در پاکستان رونق بسیار خوبی دارند و به آسانی نیز دانشجو بورسیه می کنند با توجه به علاقه جوانان ایران به رشته علوم پزشکی و همچنین سطح بالای این رشته در دانشگاه های پاکستانی، امکان پذیرش و همچنین پشتیبانی خوبی در این کشور فراهم است. دانشجویان ایرانی که موفق به تحصیل در پاکستان شده اند می توانند نزدیک بودن فرهنگ دو ایران و پاکستان و ارزان بودن زندگی در این کشور را تائید کنند. بسیاری از دانشجویان پاکستانی که در دانشگاه های ایرانی مشغول تحصیل هستند در رشته های علوم انسانی بورسیه می شوند و سطح بالای این رشته ها را در دانشگاه های ایران تائید می کنند.

توریسم سلامت:

یکی دیگر از بخش های نوظهور در روابط دو کشور توریسم سلامت است، به این معنا که زیرساخت مناسب پزشکی که در هر دو کشور فراهم است امکان درمان آسان را برای اتباع دیگری فراهم ساخته است، ایران دارای مراکز درمانی و بهداشتی بسیاری است که اینک مورد توجه برخی کشورها از جمله عراق قرار گرفته و بیماران بسیاری از این کشور به قصد درمان و عمل جراحی به ایران سفر می کنند. این اتفاق می تواند در مورد مردم پاکستان نیز رخ دهد و کسانی که از این کشور به قصد درمان روانه کشورهای اروپایی می شوند مقصد ارزان و نزدیک ایران را انتخاب کنند، ضمن این که مراکز خوب درمانی که در پاکستان وجود دارد به خصوص در زمینه مبارزه با سرطان می تواند مورد استفاده مردم ایران قرار بگیرد.

۱- سایت اطلاع رسانی پاکستان اینفو، ۲۷دسامبر ۲۰۱۶

۲- وب سایت رسمی دانشگاه تهران، معاونت بین الملل ، بخش تفاهم نامه ها و قرار دادها

۳- باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۲ آبان ۱۳۹۷، کد خبر: ۶۷۱۹۰۶۹

۴- ایرنا، ۱۳۹۷/۹/۳، ۸۳۱۱۰۸۵۶

IQBAL FORUM

فصل دوازدهم

سفر به پاکستان

راهی ملک خداداد شدن از ایران که ۹۰۴ کیلومتر با پاکستان مرکز مشترک دارد کار چندان سختی نیست، علاوه بر مسیر زمینی و هوایی حتی می‌توان از طریق دریایی نیز به پاکستان رسید که البته چندان متداول نیست.

اخذ ویزا:

تمهیدات جدیدی که دولت پاکستان برای اتباع ایرانی قرار داده تسهیلاتی را برای اخذ ویزا به همراه داشته است و بازرگانان و تجار ایرانی می‌توانند در پاکستان ویزای فرودگاهی دریافت کنند. اگر قصد اخذ ویزای گردشگری داشته باشیم باید به سفارت پاکستان در خیابان شهید فاطمی تهران یا کنسولگری‌های پاکستان واقع در مشهد (خیابان امام خمینی) و زاهدان (بلوار شهید مطهری) مراجعه نمائیم.

دولت پاکستان در سال ۱۳۹۸ قانونی تصویب کرده که طبق آن اتباع ایرانی که به قصد تجارت عازم پاکستان می‌شوند می‌توانند ویزای فرودگاهی دریافت کنند همچنین افرادی که به قصد گردش و سیاحت راهی پاکستان می‌شوند نیز برای دریافت ویزا تسهیلات ویژه ای دریافت می‌کنند ولی وجود دعوت نامه و معرفی فردی که در پاکستان میزبان شما خواهد بود از شرایط دریافت ویزای این کشور است. در پاکستان روزهای شنبه و یکشنبه تعطیل هستند ولی سفارت و کنسولگری‌های این کشور در ایران روز جمعه و شنبه را تعطیل هستند.

نکات پیش از سفر:

برای سفر به پاکستان باید برنامه ریزی دقیقی صورت بگیرد تا از مشکلات احتمالی جلوگیری به عمل آید، بسیاری از مردم پاکستان به خوبی انگلیسی صحبت می‌کنند و اگر با زبان اردو آشنایی نداشته باشیم انگلیسی هم می‌تواند کار ما را پیش ببرد. با توجه به قوانین جمهوری

IQBAL FORUM

اسلامی ایران اتباع ایرانی که عازم کشورهای هم مرز می شوند می توانند تا ۵۰۰ یورو یا معادل آن ارز مسافرتی دریافت کنند[1] و در صورتی که در طول سالی که قصد سفر داریم ارز مسافرتی دریافت نکرده‌ایم پس از پرداخت عوارض خروج از کشور می‌توانیم از این تسهیلات استفاده کنیم.

نکات حین سفر:

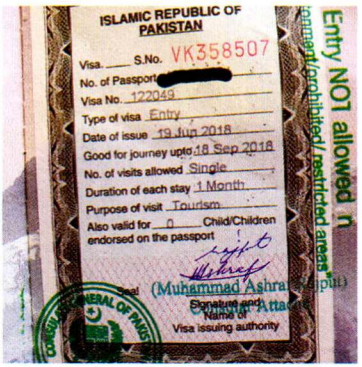
پاکستان کشوری اسلامی است و قوانین عمومی اسلامی در آن حاکم است بنابراین حتی افراد غیر مسلمان موظف به حفظ حرمت ماه هایی چون رمضان و عدم استفاده از مشروبات الکلی هستند.

اتباع غیر پاکستانی سفر خود به مناطق خاص مانند منطقه آزاد کشمیر را حتما باید به اطلاع ادارات ذی ربط از جمله نمایندگی‌های وزارت خارجه برسانند در غیر این صورت از سفر آنها جلوگیری به عمل خواهد آمد.

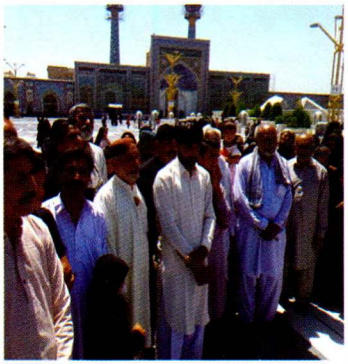
با توجه به وجود ایست و بازرسی های مکرر افراد باید همواره گذرنامه های خود را همراه داشته باشند تا با مشکل مواجه نشوند. همچنین مسافران باید جهت استفاده از پشتیبانی های اضطراری شماره نزدیک ترین سفارت یا کنسولگری کشور خود را همراه داشته باشند. ایران در شهرهای اسلام آباد، لاهور، کراچی، کویته و پیشاور دارای سفارت یا کنسولگری است.

مسیر هوایی پرواز:

پس از اخذ ویزا می‌توان مسیر زمینی یا هوایی را برای سفر به پاکستان انتخاب کرد از آنجا که پروازهای مستقیم به پاکستان توسط شرکت های ایرانی یا پاکستانی با تغییرات دائمی همراه است نمی‌توان به طور دقیق نام شرکت و مقصد را اعلام کرد ولی معمولا پروازهای مستقیم از تهران به مقصد اسلام آباد و کراچی وجود دارند و همچنین پروازهایی از مشهد به مقصد لاهور و کراچی در



اخذ ویزای پاکستان از طریق سفارت خانه (تهران) و کنسولگری این کشور در مشهد و زاهدان ممکن است



سالانه ده ها هزار زائر پاکستانی اعم از شیعه و سنی به ایران سفر می کنند تا به زیارت حضرت ثامن الائمه«ع» مشرف شوند

۱- قانون موجود در سال ۱۳۹۹

IQBAL FORUM

برنامه های پروازی گنجانده شده اند. پروازهای غیرمستقیم به خصوص با خطوط هوایی کشورهای حاشیه خلیج فارس از تمام شهرهای بزرگ ایران به تمام شهرهای بزرگ پاکستان به صورت روزانه وجود دارد که با چند ساعت توقف در فرودگاه یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس همراه خواهد بود. البته نباید فراموش کنیم که به صرفه ترین پروازها از لحاظ نرخ و زمان پروازهای مستقیم است.

مسیر زمینی سفر به پاکستان

در حال حاضر مراد از مسیر زمینی استفاده از اتوبوس است چرا که قطار مسافربری بین ایران و پاکستان وجود ندارد، برای رسیدن به پاکستان از طریق زمینی ابتدا باید خود را به شهر زاهدان برسانیم، از زاهدان تا مرز میرجاوه حدود ۸۵ کیلومتر مسیر در پیش خواهیم داشت. نباید فراموش کنیم که به راننده تاکید کنیم مسیر ما هنگ مرزی میرجاوه است نه شهر میرجاوه چرا که این دو حدود ۵ کیلومتر از هم فاصله دارند.

با انجام امور اداری در مرز و ورود به خاک پاکستان می‌توان با سوار شدن در خودروهای موجود خود را به شهر تفتان که تنها ۲ کیلومتر با مرز ایران فاصله دارد رساند، در این شهر اتوبوس های شرکت های مختلف آماده اند تا مسافران را به شهر کویته مرکز ایالت بلوچستان منتقل کنند. معمولا ساعت حرکت اتوبوس ها ۳ بعد از ظهر است پس می توانیم در این شهر کوچک استراحت کنیم تا زمان حرکت اتوبوس فرا برسد. از تفتان تا کویته حدود ۱۲ ساعت مسیر در پیش خواهیم داشت. پس از رسیدن به ترمینال های مسافربری شهر کویته که تقریبا تمام آن ها در یک خیابان واقع شده اند به سادگی می‌توان راهی دیگر شهرهای پاکستان شد. برای سفر به شهر کراچی که تقریبا ۱۲ ساعت فاصله دارد یا اسلام آباد که در فاصله ۲۴ ساعتی شهر کویته واقع است می‌توان از اتوبوس، خودروهای لوکس، قطار و هواپیما استفاده کرد.



نمای داخلی فرودگاه اسلام آباد


نقشه ابتدایی فرودگاه جدیدالتاسیس اسلام آباد که یکی از مجهزترین فرودگاه های جنوب آسیا به شمار می رود

IQBAL FORUM

فصل سیزدهم

سیری در پاکستان

تاکنون با تاریخ، سیاست، دست آوردها و ظرفیت های پاکستان آشنا شدیم حال زمان آن رسیده تا دست‌به‌دست هم دهیم و به سیر در یکی از زیباترین کشورهای جهان بپردازیم، سیری که در آن ما میزبانیم و شما میهمان.

در این نگاه رویایی به پاکستان، مرغ خیال‌مان از شمالی‌ترین نقطه آن پر می‌گشاید و در هر شهر و دیاری فرهنگ و باور مردم را در کنار زیبایی‌های طبیعی آن به نظاره خواهد نشست، آن گونه که باید دید:

- **راکاپوشی؛ جواهر سپید پوش پاکستان**

کوه‌ها اسراری در خود دارند که محرم آن انسان‌هایی بلند همت با عزم راسخ هستند، ما کوهنورد صدایشان می‌کنیم ولی آن‌ها عاشق هستند. «هیمالیا و قراقروم[1]» تنها نمونه‌ای از جاذبه‌های طبیعی بی‌شماری است که دست طبیعت به زمین پاکستان بخشیده است.

قصد داریم با سفری به منطقه بی‌نظیر و شگرف شمال پاکستان، پرده از رازهای زیبای آفرینش برداریم که خالق مهربانش فرمود: «سیروا فی الارض».
مطمئن باش به دیدن بهشت روی زمین می روی، آن قدر ناشناخته و ناگفته دارد که چشمانت سحر و جادو می شوند و افسوس می خوری که چرا روزگار درازی از این طبیعت افسون گر غافل بودی...

۱- یکی از صعب العبورترین و بلندترین رشته کوه‌های جهان که بلندترین قله آن دومین کوه بلند جهان است. واژه قراقروم در زبان ترکی به معنای سنگ سیاه است.

IQBAL FORUM

بگذریم «ماهی را هروقت ازآب بگیری تازه است» پس هم‌سفربسم الله. به یاد داشته باش که به هیمالیا می‌روی. تکرارکن: هیمالیا، بام زمین! جایی که هیچ بالگردی توان صعود به آن‌جا را ندارد و هواپیماهایی که جرات ورود به این منطقه را پیدا می‌کنند ارتفاع‌شان از قله‌های رفیع آن بالاترنمی‌رود! گفتم که بدانی روی قله و دامنه باید قید هرنوع پرنده و حیوانی را بزنی! قلمرو امپراتوری «ارتفاع»است و دیگرهیچ.

لباس گرم رافراموش نکنی و البته تجهیزاتی چون کفش، لباس ارتفاع، دستکش، کلنگ، تبریخ، کرامپون، راستی! جواهر سفید پوش پاکستانی ۷۷۸۸ مترارتفاع دارد؛ پس حتما باید کفش سه پوش داشته باشی. چادر، طناب، پیچ یخ، نبشی برف، مخزن سوخت گاز هم فوق‌العاده مهم هستند.

این سفرسختی‌های دیگری هم دارد که فرض می‌کنیم آن‌ها را به سادگی طی کرده‌ای مثلا امور مالی برنامه و برآورد هزینه، اخذ مجوزها از فدراسیون، تمرینات آماده سازی و بدنسازی، تمرینات آمادگی ذهنی، انتخاب شرکت خدماتی مناسب، نباید از ذهن ببریم که قصد سفربه هیمالیای مخوف را داریم.

اصلا درباره شناخت فرهنگ و زبان مردم پاکستان نگران نباش! میهمان نواز و خون‌گرم هستند و تارانندگان تاکسی هم به سادگی انگلیسی صحبت می‌کنند و از همه مهم‌تر این‌که همسفرما هستی. حال دیگروقت سفررسیده است، پرواز مستقیم تهران به کراچی یا مشهد به کراچی راتوصیه نمی‌کنیم، زیرا کراچی در جنوبی‌ترین قسمت پاکستان است و «راکاپوشی» زیبادرشمالی‌ترین قسمت!

پیمودن ۲۷۰۰ کیلومترراه برای یک تازه وارد ایرانی چندان ساده نیست. پرواز غیرمستقیم از تهران به اسلام‌آباد همه روزه در جریان است. فقط حتما مدت ترانزیت را در نظربگیر. تا به فرودگاه شهر اسلام‌آباد برسی ما کار دریافت مجوز صعود از سازمان گردشگری پاکستان راانجام داده‌ایم. اسلام آباد یکی از زیباترین پایتخت‌های جهان است که نقشه مناطق آن معروف است، این شهر یکی از امن‌ترین مناطق جهان است. سرسبزو سرزنده که چندی بعد برای گردش در قلب آن بازخواهیم گشت.

پس از یکی دو روز استراحت و احتمالا لغو پرواز هواپیمای «گلگیت» به دلیل شرایط ناپایدار جوی بازهم به فرودگاه می‌رویم تا این بار به مقصد اصلی خود یعنی گلگیت پروازکنیم. شهری بسیار زیبا و کوچک در دل هیمالیا. باند فرودگاه این شهربه علت کوچک بودن زمینش تنها از هواپیماهای کوچک استقبال می‌کند، نگران نباش نهایتا ۳۰ نفردیگرهمراه ما خواهند بود.

IQBAL FORUM

حواست را خوب جمع کن یک سفریک ساعته پیش رو داری ولی عجایب عالم را به چشم خواهی دید. بیشتر زمان این سفر در بین قلل سر به فلک کشیده هیمالیا طی خواهد شد. چشمانت از نزدیک «نانگاپربات» را نظاره خواهد کرد. یکی از اعضای مخوف خانواده ۸۰۰۰ متری‌های جهان که به کوه قاتل هم شهرت دارد و با طعنه به مسافرانی که چشمان گرد کرده‌شان را به قله‌اش می‌دوزند خیره می‌ماند گویا هنوز هم هم‌آورد می‌طلبد.

هواپیمای کوچک ما وقتی در فرودگاه گلگیت فرود آمد و وسایلت را تحویل گرفتی دیگر درنگ را جایزندان. مقصد کجاست؟ دره هنزه که در ۱۰۰ کیلومتری این شهرقرار دارد و جاده‌ای که تو به سوی آن می‌روی راهی است در دل کوهستان‌های سر به فلک کشیده «قراقروم و هیمالیا»، چند صد متر زیرپایت، رود مقدس هندوها که تو به نام «سند»می‌شناسی پرخروش و بی‌تاب موج می‌زند. این ۱۰۰ کیلومتر به اندازه‌ای زیبا است که بعید است جاده خطرناک و بی‌حصار آن ترسی در دلت ایجاد کند.

حال دیگرزمان آن است که نظاره‌گرعظمت خالق در تجلی قله زیبای «راکاپوشی» باشی، یقینا مدت‌ها به آن چشم دوخته و خدا را یاد می‌کنی. قله این غول زیبای سنگی بیست و هفتمین نقطه بلند جهان است و دوازده‌همین نقطه مرتفع کشور پاکستان. سنگینی بدن این کوه زیبا را زمینی به مساحت ۳۰۰ کیلومترمربع تحمل کرده است! تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...

اگرقصد جدی صعود نداری، تا همین جا هم برنده هستی، کافی است چادر بزنی و یک هفته‌ای در این محل زیبا اقامت کنی، نسیم خنک بهاری و تابستانی دره زیبای هُنزه روح و جانت را صفا می‌دهد، به دور از شهرِ دود آلوده و خسته و تیره برپاکی طبیعت بی‌ادعای خدا بوسه می‌زنی و هر بار چشمت به «راکاپوشی» افتاد مسحور می‌مانی.

راکاپوشی در زبان محلی به معنای پوشیده از برف است. یک نقطه توریستی در شهرGhulmat(واقع در دره نگر) به نام «نقطه صفراز راکاپوشی» نزدیک ترین نقطه رویت زیبایی‌های این کوه است.

مردم این منطقه به زبان«شینا»سخن می‌گویند که یک فارسی زبان تصور می‌کند چینی است! البته بی دلیل هم نیست زیرا این منطقه در حوالی مرز پاکستان و چین قرار دارد. کوهنوردانی که قصد صعود به راکاپوشی دارند حدود یک ماه صرف آماده کردن بدن خود و هم‌هوایی می‌کنند ، چرا که بدن انسان در ارتفاع بیش از ۷۰۰۰ متر دائما با تبخیر رطوبت مواجه شده و آب از دست می‌دهد. اگرهم هوایی و تمرین کافی صورت نگیرد مرگ انسان در این ارتفاع قطعی است.

تو اولین نفری نیستی که قصد صعود به این کوه زیبا را کرده، چرا که «راکاپوشی» چون

IQBAL FORUM

زنی افسونگر همه را به خود می‌خواند و سپس نابودشان می‌کند، بشر در دهه‌های ابتدایی قرن نوزدهم هیمالیا نوردی را آموخت ولی با تجهیزات ناقص آن زمان صعود به این قله‌ها بیشتر شبیه خودکشی بود تا ورزش!

قله «راکا پوشی» با تمسخر به تیمهایی که در سالهای ۱۹۳۸، ۱۹۴۷، ۱۹۵۴ و ۱۹۵۶، قصد صعود کرده بودند نگاه کرد و همه را ناکام برگرداند. تا اینکه عاقبت در سال ۱۹۵۸ تسلیم گروهی انگلیسی- پاکستانی شامل «مایکل بنکس» و «تام پتی» شد که از طریق تیغه جنوب غربی برای نخستین بار قدم به قله آن گذاشتند.

این دو نفر ۳۶ روز پس از برپایی کمپ اصلی و در شرایطی سخت در حالی‌که از ناحیه دست و پا دچار سرمازدگی شدید شده بودند و اکسیژن نیز نداشتند به قله راکاپوشی رسیدند. قله «راکاپوشی» بازهم با بشر قهر کرد و تا ۲۱ سال اجازه نداد هیچ انسانی قدم روی آن بگذارد.

دومین صعود موفق در سال ۱۹۷۹ و توسط گروهی لهستانی- پاکستانی و از طریق خط‌الرأس شمال غربی صورت گرفت. در همان سال «ایهو اوهتانی» و «ماتسوشی یاماشیتا» نیز موفق به فتح قله از طریق خط‌الرأس شمالی شدند. پس از آنها در ۱۹۸۳ گروه بلژیکی، در ۱۹۸۴ گروه کانادایی و در ۱۹۸۶ گروه هلندی به این قله صعود کردند و در ۱۹۹۶ نیز، «آنیبال پیندا» از طریق خط‌الرأس شمال غربی به قله رسید.

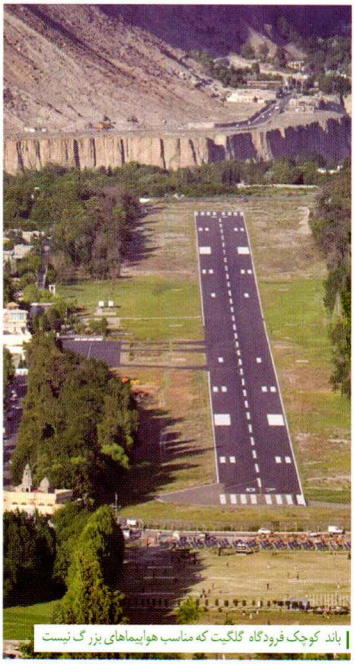
تو اولین ایرانی هم نیستی که این قله را فتح کرده است. در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۷۶، «محمد اوراز»، «رامین شجاعی»، «جلال چشمه‌قصابانی»، «فرشاد خلیلی» و «حسین خوش‌چشم» به راکا پوشی صعود کردند. همچنین در سال ۱۳۸۵ کوهنوردان خراسانی «محمدرضا اکبری»، «محمد اکبری»، «سیدحسین کوشهای»، «نایب علی لطفی»، «مهدی غفاری» به سرپرستی «مهدی عمیدی» موفق به صعود شدند.

کوهپایه زیبای «راکاپوشی» زیستگاه بسیاری از حیوانات نادر و در معرض انقراض است حیواناتی چون «خرس قهوه‌ای، گوسفند مارکوپولو، پلنگ برفی و..»

راکا پوشی با بی‌رحمی بسیاری از کوهنوردانی که به جنگ قله آن آمده‌اند را نابود کرده است، گاهی با بهمن‌های بسیار عظیم و گاهی با پرتابشان به دره‌های مخوف و یخ زده. در هرحال پس از دیدن تصاویر زیبای راکاپوشی آرام آرام بایستی مسیر برگشت را طی کنیم. در فصل بعدی سفرمان به شکار اولین هشت هزار متری خود که در مسیر آن را دیدی خواهیم رفت.

IQBAL FORUM


تصویری زیبا و گویا از عظمت قله سحرآمیز راکاپوشی در شمال پاکستان

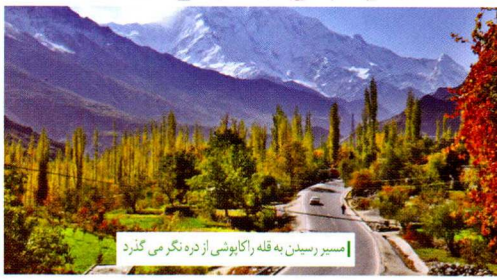

باند کوچک فرودگاه گلگیت که مناسب هواپیماهای بزرگ نیست


عظمت راکاپوشی در یک نگاه

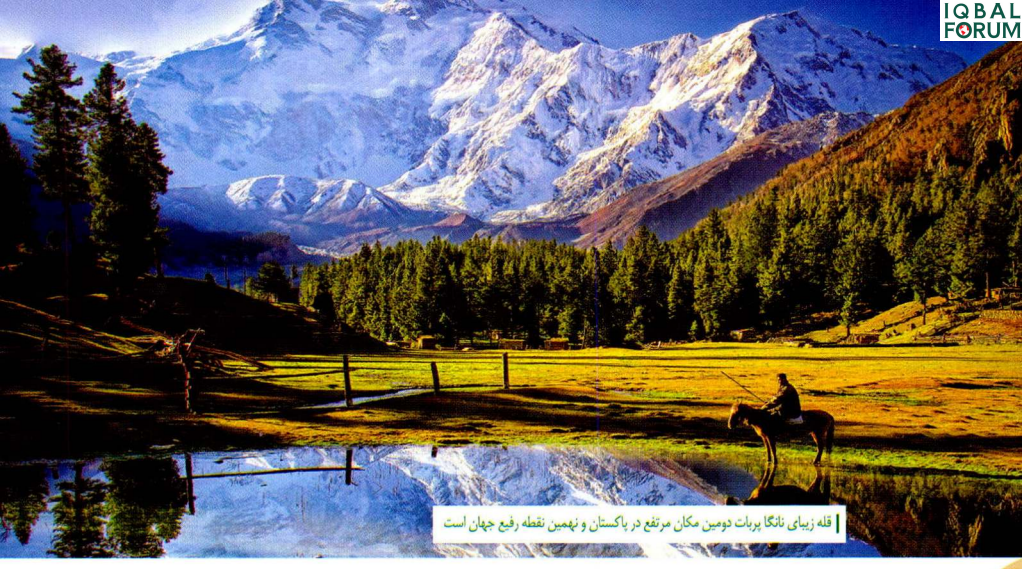

برای صعود به یک قله رفیع باید تجهیزات مناسب کوهنوردی را نیز به همراه داشت


کوهنوردانی که موفق به صعود راکاپوشی و دیگر قلل رفیع می شوند باید تجهیزات کافی به همراه داشته باشند


کوهپایه های راکاپوشی به دلیل مناسب بودن اقلیم و شرایط جوی یکی از زیباترین و بکرترین مناطق پاکستان تلقی می شود


مسیر رسیدن به قله راکاپوشی از دره نگر می گذرد

IQBAL FORUM



قله زیبای نانگا پربت دومین مکان مرتفع در پاکستان و نهمین نقطه رفیع جهان است

• نانگا پربت سنگدل زیبا؛ حکایت چشم به راهی‌ها

سامان[1] ماهنوز منتظراست، شاید کسی آمد و مهمانش شد، اینجا نانگاپربت است، کوه قاتل، تجسم بی‌رحمی، سنگدلی و صد البته زیبایی. سفرمان به راکاپوشی را بخاطر داری؟ زیبا و خاطره انگیز بود بدون هیچ خاطره‌ای تلخ. سوار خودرو خسته خود شویم که راهی سخت در پیش داریم.

به راستی این رشته کوه «قراقروم» چقدر مرموز انسان را نگاه می‌کند، از من می‌شنوی هرجا هستی قبل از غروب آفتاب حرکتت را متوقف کن. این جاده‌هایی که ساکت و آرام در دل این کوهستان مخوف پیچ می‌خورند ناگهان خطرناک می‌شوند، بی‌رحمانه مسیرت را عمودی می‌کنند، به عمق رود سند می‌روی!

عذرم را بپذیر سفرسیاحتی است ولی به دلم بد افتاده. هرچه از شهر گلگیت به سمت «چلاس» نزدیک می‌شویم نگرانی من بیشتر می‌شود. شب را در شهر «چلاس» می‌مانیم این شهر به میوه و خشکبار شهرت دارد. برای امروز دیگر کافی است کمی در دامان هیمالیا بیاساییم که این هوای پاک و سالم ارزش فراوانی دارد. شب در این منطقه کوهستانی اگر آسمان بی‌ابر باشد فوق العاده تماشایی است.

صبح اگر قدری از شهر «چلاس» خارج شوی منظره کوهستانی عظیم و زیبا را می‌بینی، بگذار این کوه را بهتر معرفی کنم. اینجا «نانگاپربت» است! ۸۱۲۶ متر ارتفاع دارد، قله آن نهمین مکان رفیع روی زمین است و برخلاف ظاهر زیبا وطبیعت بکرش، بی‌نهایت خطرناک است.

ریزش بهمن های عظیم روی دامنه آن اتفاقی عادی است، طوفان‌های وحشتناکش معروف هستند و جبهه‌های غول پیکر آن دارای سنگ‌واره‌های عظیمی هستند که هرچشمی را محو خود می‌کنند. صخره جنوبی آن که به نام «روپال» شناخته می‌شود، بزرگ‌ترین جبهه صخره‌ای جهان است! با ارتفاع یک پارچه ۴۵۰۰ متر! یعنی یک سنگ عظیم به ارتفاع علم کوه! عمر نانگاپربات را حدود ۴۰۰ هزار سال تخمین زده‌اند! قله این کوه سریع‌ترین رشد را بین کوه‌های جهان داراست به

۱- اشاره به کوهنورد ایرانی به نام «سامان نعمتی» که در مسیر صعود به نانگاپربات جان خود را از دست داد.

IQBAL FORUM

این معناکه شاید بشرهزاران سال دیگربه جای اورست، نانگاپربات را بلندترین کوه زمین بداند!

تلاش برای صعود به این کوهستان عظیم خیلی زودتراز بقیه ۸ هزار متری‌های آغاز شد و دلیل آن هم این بود که این کوه نزدیک به محل زندگی انسان هاست و رسیدن به دامنه آن کار سختی نیست. سال ۱۸۹۵ اولین تلاش جدی از طریق جبهه «دیامیر» توسط «آلبرت مومرال» و دو سرباز نپالی صورت گرفت، تلاشی که ۶۱۰۰ متر صعود در پی داشت ولی کوهِ بی‌رحم، پاسخی سخت به آنان داد و جان هرسه را گرفت.

از آنجا که انگلیسی‌ها در تلاش جدی برای صعود به «اورست» بودند، آلمانی‌ها برای اینکه از صعود عقب نیفتند تمامی تلاش خود را برای صعود به نانگاپربت کردند. در سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۴ گروه‌های آلمانی به ارتفاع ۷۸۴۰ متری کوه رسیدند ولی این صعود به بهای جان ۲۱ نفرتمام شد! قله کوه اما هم‌چنان قدم هیچ بشری را برخود ندیده بود.

در سال ۱۹۳۷ بازهم گروهی آلمانی اقدام به صعود کردند. شاید طلسم صعود به نانگاپربت را بشکنند ولی این بارهم حاصل چیزی جزکشته شدن هر۱۶ نفرصعود کننده نبود، آنها زیرچند ده تن بهمن دفن شدند.

تلاش بعدی در سال ۱۹۳۷ بود که صعود به نیمه نرسیده بدی آب و هوا آن را نیمه تمام گذاشت، از طرفی آغاز جنگ جهانی دوم موجب درگیرشدن هند (در آن زمان پاکستان بخشی از خاک هند بود) شد و تمامی کوه‌نوردان دستگیرشدند، حاصل این دستگیری کتابی شد به نام هفت سال در تبت! کوهنوردان بی‌دفاع ۷ سال زندانی شدند.

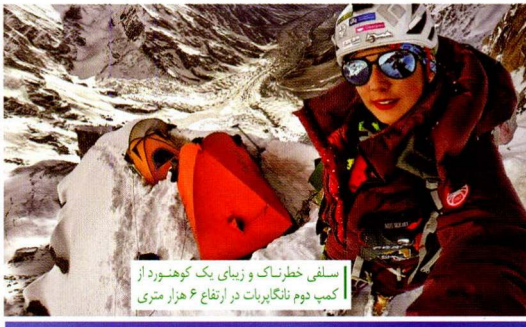
تلاش بعدی توسط یک تیم اتریشی و آلمانی صورت گرفت! اگرمایل باشی سفری به زمان کنیم؛ امروز ۳ ژانویه سال ۱۹۵۳ است. روی ارتفاع ۶۸۰۰ متری کوه ایستاده‌ایم و جلسه تشکیل داده‌ایم که بخاطرسختی راه برگردیم! تنها مخالف فردی به نام «بوهل» است. او کوهنوردی اهل اتریش است، قوی و پراراده ولی دیگران نظرش را رد می‌کنند و این کار را خودکشی می‌دانند. بوهل تنها مانده ولی دست از هدفش برنمی‌دارد، به تنهایی به سمت قله پیش می‌تازد ۱۳۰۰ متردر ارتفاع ۷۰۰۰ متری شوخی بردار نیست، کوچکترین اشتباه به مرگ می‌انجامد، «بوهل» به آهستگی پیش می‌رود و با سختی فراوان به جایی قدم می‌گذارد که هیچ بشری قبل از او نرسیده است.

قله «نانگاپربات» صعود می‌شود و غرور کوه قاتل که ۳۱ کوهنور را کشته است در هم می‌شکند. نوبت انتقام از «بوهل» است. نانگاپربت وحشی، ابزارهای این کوهنورد را یکی یکی از چنگش خارج می‌کند! شب شده، کوهنوردی تنها هنگام بازگشت در ارتفاع ۷۰۰۰ متری نانگاپربت اسیرشده است آن هم معلق! بین زمین وهوا، تنها به یک طناب وصل است. هر لحظه امکان دارد کوه با ریزش بهمنی کارش را تمام کند ولی «بوهل» بازهم می‌ایستد، او می‌داند کار بسیار بزرگی انجام داده است، روز بعد «بوهل» که از دره‌های نانگاپربت سقوط

IQBAL FORUM

نکرد برقله شهرت می‌ایستد، نانگاپربت توسط او صعود شد.
کوه در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۷۰ از مسیرهای جدیدی بازهم صعود می‌شود. ولی نسبت مرگ و میر بالای آن نسبت به صعودهایش لقب شوم«کوه قاتل» را برایش همیشگی می‌کند. از حدود ۲۰۰ نفری که تاکنون موفق به صعود شده‌اند، حدود ۶۰ کوهنورد حرفه‌ای اسیر چنگال بی‌رحم «نانگاپربت» شده‌اند و جان خود را از دست داده‌اند. «عظیم قیچی ساز» کوهنورد ایرانی است که صعود او پذیرفته شده است، کوهنوردان باشگاه دماوند نیز در سال ۱۳۸۷ هم اقدام به صعود کردند که در جریان صعود یکی از اعضای آنان به نام «سامان نعمتی»، کوهنورد جوان «قروه‌ای» در ارتفاع ۷۸۰۰ متری کوه ناپدید شد و تمامی تلاش ها برای یافتنش ناکام ماند.
سفرمان به این کوه غم‌بار به اتمام رسید، شاید اکنون به پاسخ رسیده باشید که چرا این سفر شگرف با غم واندوه عجین شده است.


یک شب زیبا و مهتابی در دامنه کوه قاتل - کوهنوردان مجبور طی صعود شب های سختی را روی دامنه کوه ها سپری کنند


سلفی خطرناک و زیبای یک کوهنورد از کمپ دوم نانگاپربات در ارتفاع ۶ هزار متری

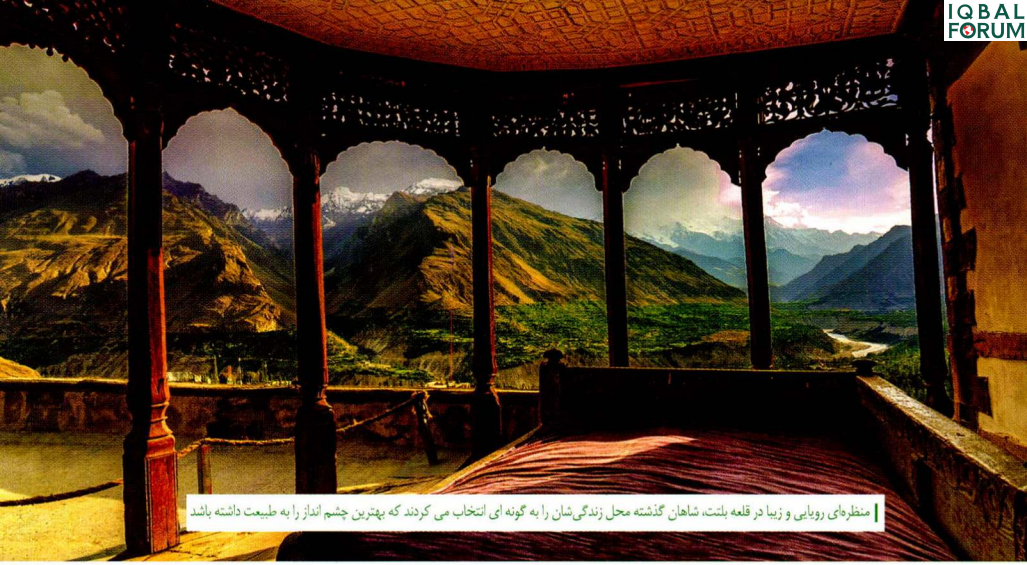

یک کوهنورد بر فراز قله نانگاپربات


لحظه شیرین فتح و صعود بر نهمین قله بلند و رفیع جهان، نانگاپربات کوه قاتل


عظیم قیچی ساز کوهنورد ایرانی که تمام قلل بالای هشت هزار متر جهان از جمله نانگاپربات را فتح کرده است


هواپیماها در بالاترین ارتفاع پروازی خود چندان با قله نانگا پربات فاصله ندارند!

IQBAL FORUM



منظره‌ای رویایی و زیبا در قلعه بلتت، شاهان گذشته محل زندگی‌شان را به گونه ای انتخاب می کردند که بهترین چشم انداز را به طبیعت داشته باشد

- **قلعه «بلتِت»، دیده‌بان کهن‌سال تاریخ پاکستان**

در گوشه‌ای دیگر از شهر زیبای گلگیت به دژی بلند و بالا می‌رسیم به نام قلعه بلتِت، که ۸۰۰ صفحه از کتاب سال‌های روزگار را به چشم دیده است، پیر و فرتوت شده اما گنجینه‌ای از سخنان ناگفته را در دل خویش نهفته دارد .برای دیدن این قلعه بی‌نظیر باید از نانگاپربت به سمت شهر گلگیت روانه شویم. این شهر زیبا و کوچک مرکز ایالت «گلگیت بلتستان» است، مقصد کجاست؟ قلعه تاریخی و بی‌نظیر «بلتِت» که در دره زیبای «هُنزه» واقع شده است.

از شهر گلگیت که ۹۷ کیلومتر به سمت جاده «رحیم آباد» حرکت کنیم به «بلتِت» می‌رسیم، طی این مسیر زیبا و کوهستانی در صورتی که با بسته شدن جاده به دلیل سیلاب‌های همیشگی «جاده قراقروم» مواجه نشویم ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه زمان خواهد برد. قلعه در نزدیکی مرز چین قرار دارد لذا در بین راه می‌توانیم از آشپزخانه‌ها و رستوران‌های چینی، سوپ تهیه کنیم، به خصوص اگر با سرمای راه در پاییز و زمستان مواجه شدیم، حرارت بدن‌مان را بالا خواهد برد. راستی نباید از «مامتوهای» خوشمزه غافل شد، شبیه پیراشکی‌های سنتی از گوشت و سیب زمینی و ادویه پر شده و سپس درون بسته‌های خمیری مغزپخت می‌شوند، با بهایی اندک می‌توان چند عدد از آن‌ها را تهیه کرده و با سرکه زیاد میل نمود. قطعا طعم‌شان زیر دندانت خواهد ماند.

دیگر وقت آن رسیده که وارد شهر ۳۰ هزار نفری «کریم آباد» شویم، به آسانی می‌توان قلعه را بر بلندای ارتفاعات این شهر کوچک مشاهده کرد. وصف شکوه و اقتدار این قلعه بی‌مثال در محدوده الفاظ نمی‌گنجد، زیبا است و تنها. در چشم به هم زدنی تو را به ۸۰۰ سال قبل می‌برد. این بنا یادگار حکومت خود مختار سال‌های دور پاکستان است، حکومت «تَم» که در نزدیکی رود خروشان هُنزه سریر قدرت استوار کرده بود. قلعه «بلتِت» دژ مستحکمی بود که این حکومت را از گزند دشمنان خود حفظ می‌کرد.

IQBAL FORUM

نقل است سلطان هنزه دو فرزند به نام‌های «شاه عباس» و«علی خان» داشت که برسرتخت و تاج پدر جنگ و نزاعی شدید بین آن‌ها در گرفت، اهالی «بلتِت» از شاه عباس حمایت کردند و او پیروز این جنگ شد، پس از آن بود که این قلعه به مقردائمی حکومت وی تبدیل شد. بی‌شک آب وهوای خوب این منطقه دلیلی دیگربوده که باعث رونق ۸۰۰ ساله این قلعه شده است. براساس تحقیقات به عمل آمده از دیوارهای قلعه قدمت آن ۷۶۵ سال تخمین زده شده است. البته تمامی بنای قلعه مربوط به یک زمان نیست و در گذر زمان آرام آرام تکمیل شده است.

تاریخ نقل می‌کند که ساخت و ساز اصلی قلعه زمانی اتفاق افتاد که «ایاشودوم» حاکم وقت هنزه با یک شاهزاده به نام«شاه خاتون» که اهل تبت بود در اوایل قرن پانزدهم ازدواج کرد. همراه این شاهزاده معماران بسیاری به هُنزه آمده و بنای اعجاب انگیزقلعه بلتِت را ایجاد کردند و این‌گونه شد که اینک در سراسرقلعه معماری تبتی به چشم می‌خورد. نباید از یاد برد که در زمان‌های گذشته مناطق بلتستان (پاکستان) و لداخ (هند) بخشی از تبت بودند و با نام «تبت خُرد» شناخته می‌شدند.

بیشتر بناهای تاریخی مناطق شمال پاکستان در قرن نوزدهم نابود شدند، چرا که «مهاراجه کشمیر» که از سوی انگلیس حاکم کشمیربود به مسلمانان حمله کرد در نتیجه حمله او بسیاری از بناهای تاریخی از بین رفتند. ولی وقتی سپاه او به «هُنزه» رسیدند چهار بار به صورت پیاپی شکست خوردند. پس از کشمکش‌های فراوان و تغییرحاکمان هنزه که همگی مقر حکومت خویش را قلعه«بلتِت»قرار می‌دادند؛ عاقبت در سال ۱۹۴۵ میلادی «محمد جمال خان» تصمیم گرفت مقرحکومتش را از قلعه«بلتِت» خارج سازد.

تا ۵۵ سال بعد قلعه به صورت متروک باقی ماند و در سال ۱۹۹۰ بازسای آن شروع شد و تا سال ۱۹۹۶ ادامه یافت. این قلعه زیبا از سال ۲۰۰۴ در فهرست زیباترین مکان های یونسکو قرار گرفته است. مردم محلی روزهایی از سال را به برگزاری جشنواره‌های شادی در این قلعه می‌پردازند گویا رسمی است که از آبا و اجداد آن‌ها به جای مانده است پس از گشت وگذار و گرفتن تصاویر یادگاری با دیواره‌های زیبای قلعه، ساعاتی در شهرکریم آباد می‌آساییم تا بازهم به گوشه و کنار ملک خداداد سفرکنیم.

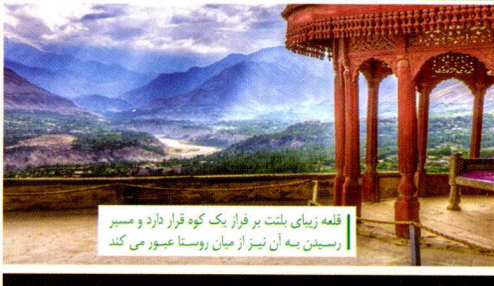
IQBAL FORUM



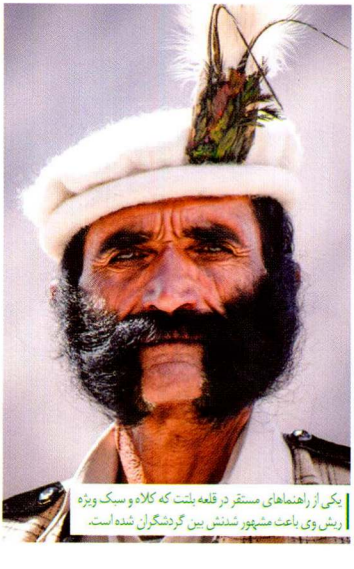
در قلعه هنوز هم می توان آثار گذشته و تاریخی فراوانی را یافت که به سبک قدیمی چیده شده اند. کسی حق دست زدن به این وسایل را ندارد



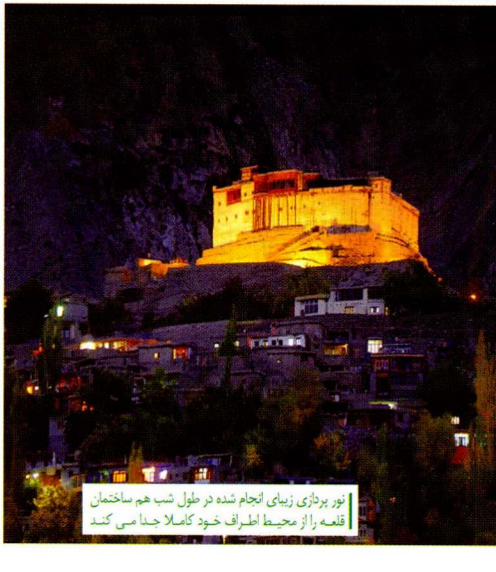
از قدیم شکار حیوانات و به نمایش در آوردن بین پادشاهان رایج بوده است. سر یک بز مارخور دیده که توسط حکام قلعه شکار شده است



قلعه زیبای بلتت بر فراز یک کوه قرار دارد و مسیر رسیدن به آن نیز از میان روستا عبور می کند



یکی از راهنماهای مستقر در قلعه بلتت که کلاه و سبک ویژه ریش وی باعث مشهور شدنش بین گردشگران شده است.



نور پردازی زیبای انجام شده در طول شب هم ساختمان قلعه را از محیط اطراف خود کاملا جدا می کند

IQBAL FORUM



زمین شندور پولو بلندترین زمین چوگان و حتی بلندترین زمین طبیعی بازی در تمام جهان است

- **«شندور پولو»، بازی چوگان بر بام جهان**

نوبت به کنکاشی در عمق فرهنگ مردم پاکستان رسیده است، بلندترین زمین بازی جهان میعادگاه بعدی سفرشگرف ما است. اینک اما در سفرمان به مناطق شمال شرقی پاکستان که دیگر جلوه گری «بهشت» را برای ما دارد، قدری از فرهنگ دیرینه مردمانش خواهیم دانست. فرهنگ هرقوم و جمعیتی نشان از باورهای آبا و اجدادشان دارد، بازی های سنتی که گاه قدمتی چند هزار ساله (مثل المپیک) دارند و از عمق همدلی، صفا و نشاط باطنی گذشتگان سخن می گوید.

مسابقه چوگان یکی از پرطرفدارترین رویدادهای مناطق شمال شرقی پاکستان است. گویی در خون مردم این منطقه عشق به این بازی جاری است. همسفر می شویم تا بزرگ ترین مسابقه سالانه این بازی را از نزدیک ببینیم. هر چند این تنها تماشای یک بازی نیست چرا که نظاره این جشنواره سه روزه تنها دلیل سفرمان نیست، زمین این رویداد بزرگ، بی نظیرترین نوع طبیعی آن در جهان است که مرتفع ترین زمین بازی از سطح دریا نیز به شمار می رود. زمینی در ارتفاع ۴۰۰۰ متری! راه ولی دشوار است؛ سوار بر ماشین می شویم و از شهر گلگیت به سوی «شُندور» حرکت می کنیم.

هوای این منطقه آکنده از نسیم دلنواز کوهستان های هیمالیا است که دل و جان را زندگی دوباره می بخشد، اواسط مرداد ماه بهترین زمان سفر است و معتدل ترین فصل مناطق شمالی.
از روستای «گوپس» که عبور کنیم ساخت و ساز چینی ها و پل مشهور آن را خواهیم دید. پس از «گوپس» راهی که تا «پندر» پیش رو داریم فقط ۵۰ کیلومتر است ولی جمعیتی که به شوق جشنواره «شندور پولو» در حرکت هستند به قدری زیادند که انسان به یاد ترافیک جاده چالوس در ایام شلوغ آن می افتد.
روستاهای زیبای این راه پر از میوه های کوهستانی و بی نظیر است. شبی را در روستای «پندر» سرخواهیم کرد. هتل دولتی این روستا مکان مناسبی جهت استراحت شب است.
غذاهای خوشمزه منطقه به خصوص «دال ماش» که از حبوبات درست می شود معروف است، ضمن این که نباید از بادام های کوهستانی و گردوهای مقوی شمال پاکستان غافل شد.

IQBAL FORUM

اول صبح فردا مسیر حرکت را ادامه خواهیم داد، در این فصل که ابتدای تابستان است نیز بارش‌های دل‌انگیزباران امری عادی است، هرچه به استادیوم زیبای «شندور» نزدیک‌ترمی‌شویم سیل جمعیت و ماشین‌های همراه بیشترمی‌شوند و برودت هوا نیزافزایش می‌یابد، این جشنواره در مکانی به ارتفاع قله «سبلان» برگزار می‌گردد!
پس از آخرین گردنه کوهستانی وقتی چشمانت به چمن زار «شندور پولو» می‌افتد بی‌اختیار غرق حیرت می‌شود که چگونه در این ارتفاع چنین زمین صاف و همواری به صورت طبیعی جلوه‌گر شده است. چشمه‌های آب معدنی فراوانی اطراف زمین وجود دارد که نوشیدن از آن حس سرزندگی به دل و جانت می‌ریزد. نباید زمان را از دست داد چرا که حجم بالای تماشاگران مانع از آن خواهد شد که مکان مناسبی را برای دیدن مسابقه به دست بیاوریم.

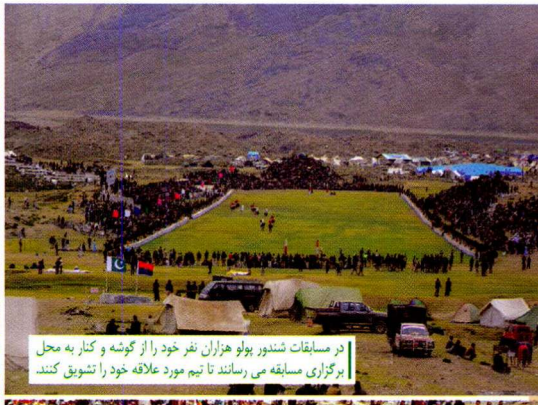
«شندور پولو» چیست؟ این مسابقات سنتی هرساله در هفته اول ماه جولای (تقریبا تیرماه) برگزار می‌گردد. سه روز ادامه می‌یابد و برای مردم محلی جذاب‌ترین مسابقه ورزشی به حساب می‌آید چراکه قدمتی بسیار دیرینه دارد و نتیجه یک سال هم‌آورد طلبی در اینجا خود را نشان خواهد داد. طرفداران متعصب تیم‌های شرکت کننده روزها قبل از برگزاری جشنواره به سمت شندور حرکت می‌کنند تاتیم محبوبشان راتشویق کنند، برپایی غرفه‌های مختلف اطراف نمایشگاه برای فروش مواد غذایی رونق این جشنواره را فزونی می‌دهد. جالب‌ترآن‌که این جشنواره به قدری برای مسئولان پاکستانی اهمیت دارد که معمولا یکی از بلندپایه‌ترین مقامات کشوری میهمان مراسم اختتامیه آن می‌شود. ده‌ها پلیس محلی تامین امنیت این مسابقات را برعهده دارند.

تا زمان برگزاری مسابقه اگر فرصتی باقی باشد موسیقی‌های مختلف به گوش می‌رسد و تشریفات بسیار زیبایی برای آن انجام می‌شود. از سویی تماشاگران فرصت کوهنوردی را از دست نمی‌دهند، همه اهل هیمالیا هستند و کوهنوردی به صورت مادرزادی در خون‌شان است. از آنجا که در این ارتفاع هیچ سیگنال موبایلی دریافت نمی‌شود، آرامش را در چهره تمامی تماشاگران مشاهده خواهیم کرد! ولی گرفتن تصاویریادگاری و عکس‌های سلفی رونق فراوانی دارد. حدود ساعت ۱۱ صبح مسابقه آغاز می‌شود و نمایندگان شهرها و روستاهای شمالی به مصاف هم می‌روند، تشویق‌ها چنان گرم و کوبنده است که ترس آن می‌رود اسب‌های بازیکنان رم کنند و سوارشان را برزمین بکوبند.

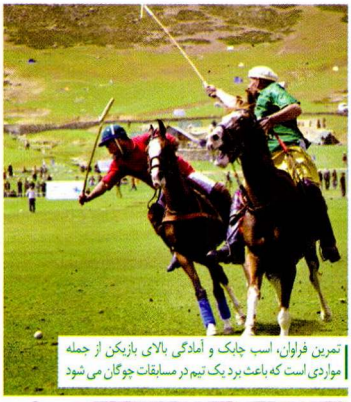
معمولا در هر روز دو مسابقه برگزار می‌شود، پس از آن دیگر غروب شده است و نوبت آن رسیده تا اهالی هرشهربه گوشه‌ای از زمین رفته و جشن‌های محلی خود را برگزارکنند، معمولا جشن محلی اهالی شهر «چترال» شلوغ‌تراز بقیه است و صدها نفراز اهالی دیگرشهرها و حتی توریست‌های خارجی نیزدرآن شرکت می‌کنند، سروصداها تاپاسی از شب ادامه دارد. کسانی که به زحمت خود را به این مکان رسانده‌اند تا سومین روز و اختتامیه جشنواره اینجا را ترک

نخواهند کرد. پس از برگزاری فینال مسابقات، تیم برتر جایزه دریافت می‌کند و تا ساعت‌ها طرفداران آن به شادی می‌پردازند. «شندور» مرتفع‌ترین زمین بازی در جهان است و روزگاری محل برگزاری مسابقات شاهانه بوده است.

نوبت آن رسیده که این زمین زیبا را به سمت گلگیت ترک کنیم تا سفرمان به دیگر مناطق زیبا شمال پاکستان ادامه یابد.



در مسابقات شندور پولو هزاران نفر خود را از گوشه و کنار به محل برگزاری مسابقه می رسانند تا تیم مورد علاقه خود را تشویق کنند.



تمرین فراوان، اسب چابک و آمادگی بالای بازیکن از جمله مواردی است که باعث برد یک تیم در مسابقات چوگان می شود



صحنه ای از مسابقات چوگان در بلندترین میدان ورزشی جهان



در هوای کوهستانی شمال پاکستان می توان خشکبار مرغوبی یافت، گردو بادام و... با کیفیتی بی نظیر عرضه می شود.



مسابقات چوگان در زمین زیبای شندور پولو



حرکت سیل جمعیت به سمت مسابقه چوگان در زمین شندور

IQBAL FORUM



منظره‌ای زیبا در مسیر رسیدن به زمین شندور

- **«گلگیت»؛ کانون فرهنگ و آداب پاکستان**

آرام آرام باید کوله بار سفرمان را ببندیم نه به قصد بازگشت، بلکه سفرمان به پاکستان زیبا ادامه خواهد یافت، آخرین برگ از جاذبه‌های گلگیت را ورق خواهیم زد .گلگیت، این شهر کوچک که در قلب هیمالیای بزرگ، سفره سخاوت برای میهمانانش گشوده است و نه فقط مواهب طبیعی‌ایش را از «راکاپوشی» و «نانگاپربت» گرفته تا «هنزه»، «شندور» و «بلتِت» به رخ می‌کشد بلکه آداب و رسوم فراوانی که مردمانش آن‌ها را از نیاکانشان به ارث برده‌اند؛ چون تاجی درخشان برسرش جلوه نما است.

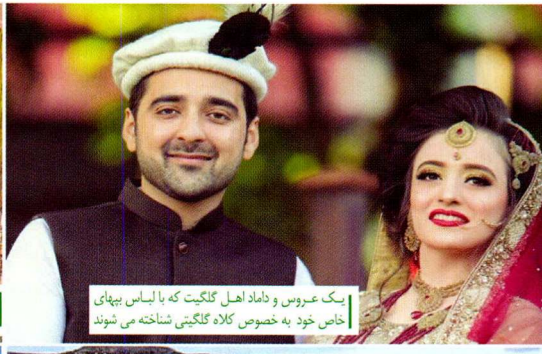
فصل پایانی سفرمان به این شهر دل‌انگیز و کوهستانی را به «لباس‌های محلی» مردمش اختصاص می‌دهیم که خود حدیثی مفصل از عمق باور و اعتقادات حاکم در این مناطق است .از آن جا که کوهپایه‌های هیمالیا و قراقروم جایگاه استقرار مردم این حوالی است، غالب لباس‌هایی که به تن می‌کنند مناسب سرماست و آنچه بیش از همه نمایان‌گر قوم و قبیله افراد تلقی می‌شود، کلاه‌های آنان است.

همسایگی با سرچشمه‌های خروشان رود «سند» است دیگر موهبت طبیعی منطقه است. رودی که بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر را می‌پیماید تا به اقیانوس هند بریزد، از مناطق شمالی پاکستان و از ذوب شدن برف کوه‌های عظیم چون راکاپوشی و نانگاپربت سرچشمه می‌گیرد. تمامی روستاهای منطقه از یک طرف تکیه به کوه‌های هیمالیا یا قراقروم دارند و از سویی به رود سند ختم می‌شوند. بدیهی است با توجه به این‌که گاهی جاده در سویی قرار دارد و روستا در سویی دیگر از سند خروشان، روستائیان برای تردد از پل استفاده می‌کنند.

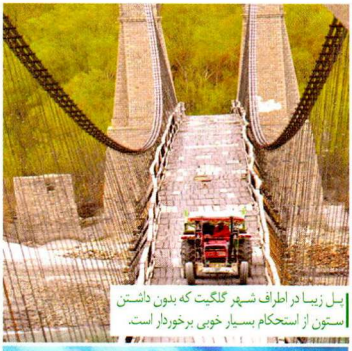
پل‌هایی که مهندسی آن‌ها بی‌نظیر است. بدون هیچ پایه‌ای گاه هشتصد متر طول دارند و این‌گونه عظمت سند را در هم می‌شکنند. البته نمونه‌های قدیمی پل که گاهی با طناب‌های ضخیم کنف بافته شده است نیز بسیار خطرناک هستند. وقتی سوار بر جیپ‌ها که وسایل نقلیه عمومی منطقه به حساب می‌آیند برای اولین بار به عزم گذر از رود روی یکی از این پل‌ها حرکت می‌کنی نفست در سینه حبس خواهد شد، شاید واهمه سقوط چوبک‌های زیر چرخ خودرو یا پاره شدن سیم‌های قطوری که پل را نگه داشته‌اند باشد ولی در چهره افراد محلی ذره‌ای تردید نمی‌بینی،

می‌دانند که این پل آن‌قدر استحکام دارد که گاه کامیون‌های بزرگ با بارشان از روی آن عبور می‌کنند. وقتی از روی پل عبور کردی می‌توانی به پشت نگاه کنی و ببینی که این پل زیبا چگونه استحکامش را به رُخت کشیده است. در ساخت پل‌های جدیدتر از چوب‌های سنگین و میخ‌های آهنی استفاده می‌شود. پل‌هایی مستحکم که به راحتی وسایل نقلیه نیز از روی آن عبور می‌کنند.

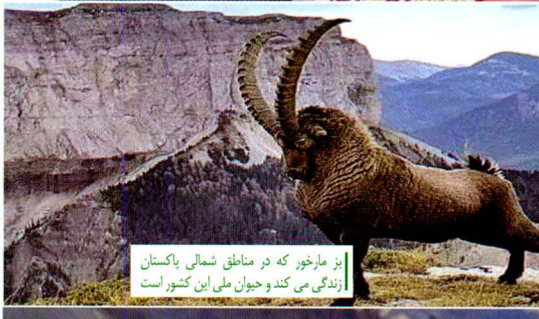
دولت پاکستان در سال‌های اخیر اقدام به ساخت پل‌های فلزی و بتونی در قسمت‌هایی از سند کرده است. در هرحال پُل هرمنطقه‌ای، شناسنامه آن است و بسیار شنیده شده که اهالی مناطق روستاها را از روی پل آن شناسایی می‌کنند. این پل‌ها در طول زمان از نظر مصالح پیشرفت زیادی کرده‌اند ولی شکل ظاهری تمام آن‌ها تقریبا هلال مانند است. شهر گلگیت، زیبایی‌های فراوانی دارد و بهترین زمان سفر به آن «خرداد و مرداد» است. سفرمان را بسوی مناطق زیبای این ایالت ادامه خواهیم داد، این بار به سوی «بلتستان» پیش خواهیم رفت.



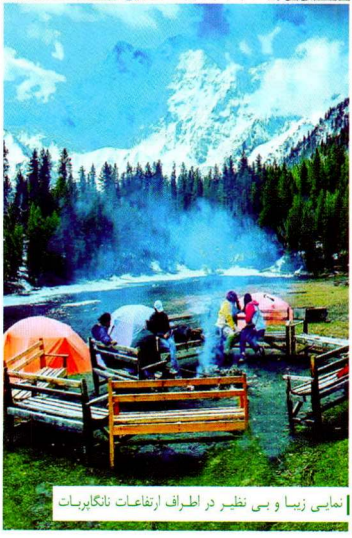
یک عروس و داماد اهل گلگیت که با لباس بهای خاص خود به خصوص کلاه گلگیتی شناخته می شوند



پل زیبا در اطراف شهر گلگیت که بدون داشتن ستون از استحکام بسیار خوبی برخوردار است.



بز مارخور که در مناطق شمالی پاکستان زندگی می کند و حیوان ملی این کشور است



نمایی زیبا و بی نظیر در اطراف ارتفاعات نانگاپربات



زندگی روستایی هنوز هم در کوهپایه های هیمالیا با صفای همدلی و همسایگی جریان دارد

IQBAL FORUM





آب، درخت، کوه و آسمان همه آنچه که طبیعت زیبا دارد در شنگریلا گرد هم آمده اند

• شَنگریلا جلوه ای از بهشت

شنگریلا از پس چشمه‌های گوارا و زمین زمردین خود تو را می‌خواند، آنچه تصور نمی‌کنی به استقبالت آمده، بهشت روی زمین را به آغوش بکش. پس از گشت وگذار و تنفس در نسیم صبح‌گاهی مناطق بی‌مثل و مانند «گلگیت» اینک ره به‌سوی شهری شگرف خواهیم برد.

مقصدمان چون نامش نایافته است، «شَنگریلّا» جایی که دل را از دیدارش سیری نخواهد بود. زیبایی است و زیبایی که در این قطعه از بهشت، چون رقیبی سرسخت ستارگان آسمان را به مبارزه می‌طلبد .در آسمان شب این منطقه ستارگانی فراوانی را می‌بینی که به تماشای «شنگریلا» می‌آیند و گاه با بُهت فراوان مدهوش این جمال رؤیایی می‌مانند و از سینه آسمان به‌سمت زمین کنده می‌شوند. من و تو فقط ردی از مسیرشان می‌بینیم و شهاب‌شان می‌خوانیم.

برای رسیدن به این روستای زیبا و دل‌گُشا چند مسیر را می‌توان انتخاب کرد. اگر از گلگیت به‌سمت شهر سکردو (مرکز منطقه بلتستان) سفر کنیم می‌بایست شاهراه قراقروم را همسفر خود بدانیم، پیچ‌وتاب‌های فراوان این جاده خطرناک در دل هیمالیای بی‌رحم، چشم‌ها را به خود خیره می‌کند. سفری که شاید ۶ ساعت به درازا بکشد ولی آن‌قدر زیبایی در خود نهفته دارد که به چشم برهم‌زدنی تمام می‌شود.

مسیرهوایی بهترین انتخاب برای سفراز «اسلام‌آباد» به‌سکردو است، چراکه انتخاب وسیله نقلیه‌ای چون اتوبوس یا سواری به‌معنای بیش از ۳۰ ساعت سفر خواهد بود، سفری توأم با خطر و جذابیت. شنگریلا در فاصله ۲۰ کیلومتری شهر «سکردو» خود را پنهان کرده است و برای دست یافتن به آن بایستی به‌سمت راست جاده بپیچیم. اگر در فصل تابستان به این روستا سفر کنیم به قدری درخت قیسی و هلو در مسیر می‌بینیم که بی‌شک تصور می‌کنیم اینجا جنگل این میوه‌ها است.

هرچه قدم پیش بگذاریم، آبشارهای کوچک و چشمه‌سارهای هیمالیا را به خود نزدیک‌تر می‌بینیم و زمین زیرپای خود را سبزتر. اگر خوب ببینی طاووس‌های مشهور این منطقه را خواهی یافت که پرهای خود را می‌گشایند تا در زیبایی شنگریلا سهیم شوند .اندکی بعد به نخستین منزل‌گاه خود می‌رسیم. آنچه نگین شنگریلا است چشمه‌ای بزرگ و مملو از آب زلال و کوهستانی است که گردتاگرد آن را رستوران‌هایی احاطه کرده‌اند که به‌سبک چینی ساخته شده‌اند،

IQBAL FORUM

یک‌دست قرمز با تخت‌هایی که کافی است قدری درنگ کنی و روی آن بیاسایی. چشمانت را که ببندی چنان آرامشی به جانت خواهد نشست که دنیای پر از آشوب اطراف را فراموش می‌کنی. صدای پرندگان خوش‌الحان، با نرمه ریزش آبشارها در هم می‌آمیزند و جان آدمی را سکون می‌بخشند. اگر قصد داری چند روزی در این مکان بهشتی بیاسایی نگران هیچ چیزی نباش. رستوران‌های مشهور «شنگریلا» ظرفیت پذیرش در اتاق‌های یک‌نفره، دونفره و سوئیت‌های مجهز را دارند.

صبح فردا می‌توان به‌سمت چشمه آب گرم شنگریلا حرکت کرد؛ تقریباً ۳۰ دقیقه پیاده‌روی در سایه درختان سیه‌فام این منطقه و گاه‌گاهی مزه کردن طعم میوه‌های جنگلی و تمشک‌های خوشرنگ مسیر. اندکی بعد به چشمه وسیعی می‌رسیم که از بالا شبیه قلب است. قایق‌های رنگارنگ اطراف چشمه آماده هستند تا شما را سوار و پاروزنان به‌سمت مرکز این قلب آئینه‌ای حرکت دهند.

آب گرم این چشمه شهرتی بسیار دارد و کافی‌است تا لحظاتی آن را با بدن خود آشنا سازی، خواهی دید که خواص شفابخش خود را به بدنت جاری می کنند. بسیاری از گردشگران ترجیح می‌دهند ساعت‌ها به تماشای این چشمه دلکش مشغول باشند و تصاویری از آن را به یادگار داشته باشند، ضمن این‌که رستوران‌های مختلف و مغازه‌هایی که مایحتاج شما را می‌فروشند اطراف چشمه وجود دارند.

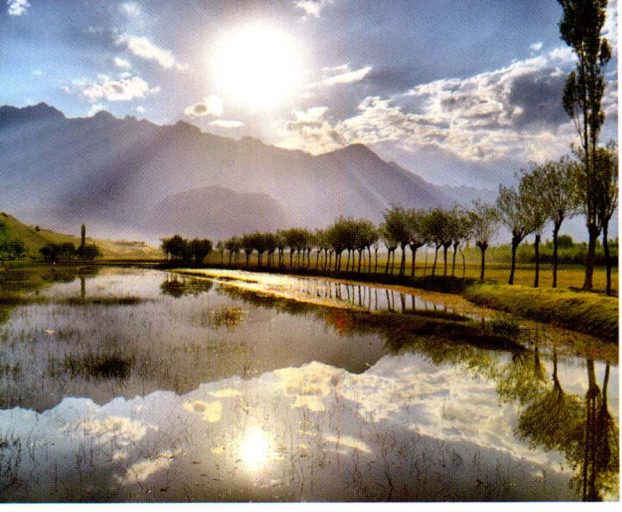
غروب آفتاب از این منطقه بی‌حد تماشایی است ولی بایستی همراه خود نور و تجهیزات کافی داشته باشیم تا بعداز غروب بتوانیم به‌سمت هتل محل اقامت حرکت کنیم. صبح فردا می‌توان ابزارآلات ماهی‌گیری تهیه کرد و برای گرفتن ماهی‌های مشهور «شنگریلا» راهی سرچشمه مخصوص آن شد، باز هم راه کوتاه ولی تماشایی است. گرفتن ماهی‌های بزرگ در شنگریلا کار چندان دشواری نیست و دلیل اصلی آن هم تعداد فراوان آن‌هاست.

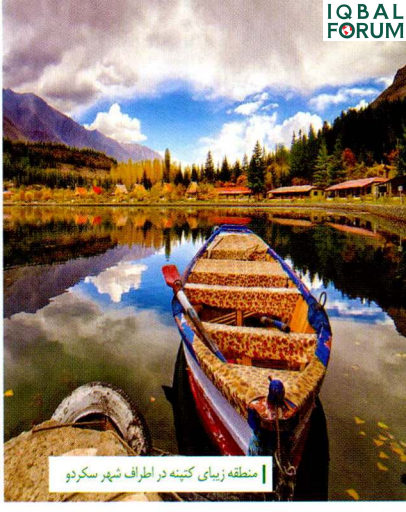
صید ماهی شیوه‌هایی گوناگون دارد و استفاده از قلاب ماهی‌گیری متداول‌ترین روش برای توریست‌هایی است که قصد لذت بردن از سفرشان را دارند. بهشت شنگریلا شبی دیگر را نیز پذیرای ما خواهد بود، تا پس از استراحتی کوتاه، دل به شهررؤیایی «سکردو» بسپاریم.





IQBAL FORUM





منطقه زیبای کتپنه در اطراف شهر سکردو

- **شاهزاده در بند هیمالیا، «سکردو» ایران کوچک**

جاده به سویی راه می‌گشاید که حصار مخوف «هیمالیا و قراقروم» شهرروياها را به بند کشیده و این شاهزاده زیبا سال هاست اسیر این دو رشته کوه شده. سکردو این شهررویایی که میعادگاه تمامی کوهنوردان حرفه‌ای جهان است، شهرتی فراوان دارد، مردم ساده و بی پیرایه این شهرقرابتی فراوان با انقلاب اسلامی ایران دارند و بی‌دلیل نیست که این شهر را ایران کوچک می‌نامند.

در ورودی شهر هتل‌های فراوانی وجود دارند که از اواخر بهار تا اواسط تابستان رزرو اتاق در آن چندان راحت نیست. سکردو شهری است در دل هیمالیا، با ۲۲۲۸ متر ارتفاع از سطح دریا، که ۵۰۰ هزار نفر جمعیت در خود گنجانده و قدمتی کهن دارد. زیبایی‌های خیره‌کننده این شهر با آب و هوای کوهستانی آن عجین شده و روح هرانسانی را جلا می‌بخشد. آنچه که در مورد این شهربیش از همه چیز جلوه‌گری می‌کند موقعیت جغرافیایی آن است.

سکردو دقیقا بین دو رشته کوه «هیمالیا و قراقروم» واقع شده است و جالب این‌که رود سند نیز پرخروش و شتابان این شهررا در می‌نوردد. وقتی از آسمان به منظره شهررویایی سکردو نگاه کنی دلت قبل از خودت فرود خواهد آمد. روزانه یک پرواز از اسلام آباد به سکردو انجام می‌گیرد. مردم این شهربه زبان «بلتی» تکلم می‌کنند، زبانی که الفبای آن (تقریبا) نابود شده است ولی مردم خطه شمال غربی پاکستان، شمال شرقی هند و بخش هایی از نپال به آن سخن می‌گویند.

بنای زیبایی که برفراز ارتفاع ۷۰۰ متری کوه استوار است توسط پادشاهان خاندان راجا ساخته شده است. قلمرو حکمرانان این مناطق وقتی پاکستان از هند جدا شد به دو بخش تقسیم شد و قسمتی از آن هم‌اکنون در خاک هند است. برای من و توجالب‌ترین بخش قلعه سنگ بنای آن است زیرا شعری برروی آن حک شده که به زبان فارسی سروده شده است. اگراز مسئولین فعلی این بنای تاریخی سوال کنی شاید به درستی نتوانند معنی این شعررا بیان کنند ولی ما می‌دانیم که روزگاری فارسی در این منطقه حکمرانی می‌کرده است.

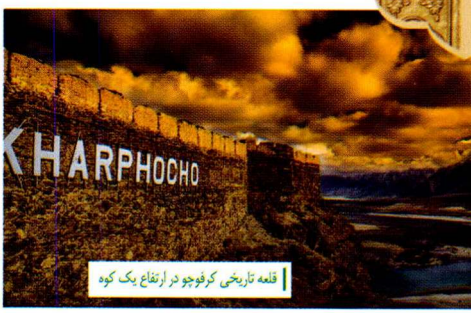
شاید به همین دلیل باشد که مردم این منطقه علاقه فراوانی به ایران دارند زیرا نیاکان آن‌ها به

IQBAL FORUM

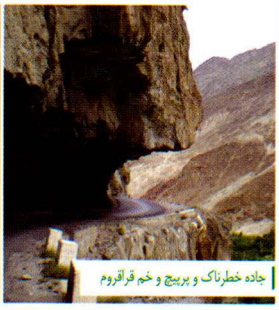
فارسی سخن گفته‌اند و در زمینه ادبیات فارسی مهارتی ستودنی داشته‌اند. تمام نامه نگاری های رسمی پاکستان تا چند دهه قبل به زبان فارسی انجام می‌شد و حتی مردم هنوز هم زبان اردو را «دخترزیبای» فارسی می‌دانند. کرفوچو به گونه‌ای ساخته شده که دیده‌بانی آن ارتفاع زیادی از کف بنا ندارد، در اصل دیده‌بان نیازی به داشتن ارتفاع زیاد هم نداشته است چون خود به خود بیش از هفتصد متر ارتفاع داشت!

بی‌اغراق برای هر بیننده‌ای نمای زیبای قلعه اعجاب انگیز خواهد بود زیرا «کَرفوچو» ازیک‌سو منظره‌ای به رود خروشان سند و مناظر دلربای آن دارد و ازسویی دیگر به شهر سکردو کاملا مشرف است. سکوت مبهم تیرک های قطوری که ستون‌های قلعه هستند و سنگ های عظیمی که دیواره قلعه را شکل می‌دهند گاه با غریو دهشتناک عقاب‌های منطقه شکسته می‌شود. شاید فریاد بر سر روزگاری می‌زنند که شکوه دوران گذشته قلعه را در خود محو کرده ولی هنوز هم معماری زیبای قلعه دل از هر بیننده‌ایی می‌رباید. گرداگرد قلعه اتاق هایی وجود دارند که بین آن‌ها حائلی نیست و به آسانی می‌توان از سویی به سوی دیگر رفت.

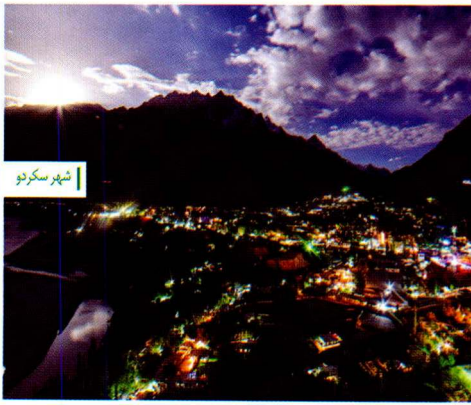
به نظر می‌رسد زبان فارسی از زمانی که «نادر شاه افشار» هند را تصرف، کرد بیش از پیش در مردم این منطقه تاثیر گذاشته باشد. حتی در محکمه‌های شرعی این منطقه زبان فارسی زبانی پذیرفته شده است و اگر کسی فارسی بداند به راحتی می‌تواند شکوائیه خود را پیش ببرد. مسیر رسیدن به قلعه «کَرفوچو» از شهر سکردو بسیار آسان است و اگر از «میدان یادگار» به سمت کوهپایه این قلعه حرکت کنیم در کم‌تر از پانزده دقیقه به کوهپایه قلعه می‌رسیم.
علاوه بر این قلعه تاریخی می توان در گوشه و کنار شهر سکردو به سیاحت پرداخت و در تاریخ کهن و غنی منطقه گشت و گذار کرد.

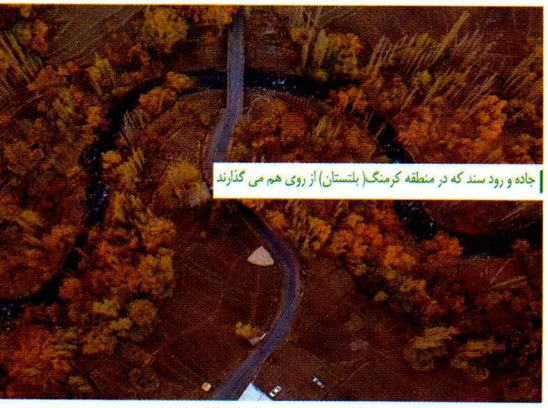


قلعه تاریخی کرفوچو در ارتفاع یک کوه


جاده خطرناک و پرپیچ و خم قراقروم




شهر سکردو


جاده و رود سند که در منطقه کرمنگ(بلتستان) از روی هم می گذارند

IQBAL FORUM





کوهنوردان در حال عبور از یک مسیر سخت در دل بالترو

- **بالترو بزرگ‌ترین یخچال غیرقطبی جهان و مثلث برمودای پاکستان**

بالترو نام منطقه حیرت انگیزی در شمال شرقی شهر سکردو است، اینجا بزرگ‌ترین یخچال طبیعی جهان پس از قطب شمال و جنوب به حساب می‌آید مکانی بی‌نهایت مخوف ولی زیبا. پاکستان جاذبه‌های طبیعی فراوانی دارد و دست طبیعت مهر و محبت را در دامان آن گسترانده است. سکردو بیش از دیگران به این مواهب طبیعی آراسته شده و در هر گوشه‌ای از آن می‌توان برگ‌های دفتر معرفت حق تعالی را ورق زد.

شمال پاکستان، منزل‌گاه کوه‌های رفیع جهان است جایی که قلل هیمالیا و قراقروم برای تصاحب آسمان با یکدیگر بی‌امان می‌جنگند و هر کسی توان و جرات قدم گذاشتن به میدان این رقابت سهمگین را ندارد. منطقه گلگیت و بلتستان بیش از ۲۰۰ میلیون سال است که شاهد جنگ این تخته سنگ‌های میلیون تنی است، ولی بشر، این مدعی تازه به دوران رسیده تنها ۱۵۰ سال است که آن‌ها را به زعم خود کشف کرده و روی آن‌ها اسم گذاشته است! تنها ۱۵۰ سال از زمانی که آن مساح چینی وجود بالترو این یخچال عظیم را در منطقه مرزی پاکستان و چین کشف کرد و سپس چشمش به کی ۲ قله بی‌رحم منطقه افتاد می‌گذرد.

بالترو کجاست؟ همسفر! اگر از روستای «اَسکولی» واقع در منطقه شیگر (SHIGAR) راه به سوی شمال طی کنی پس از دو روز پیاده‌روی قدم به این منطقه مخوف خواهی گذاشت. ۶۳ کیلومتریخ و کوه یخی و رودخانه یخی و دره یخی و هر چیز دیگری که بتوان آن را منتسب به یخ کرد! اینجا بزرگ‌ترین یخچال طبیعی جهان است، جایی که هیچ موجود زنده‌ای در آن زندگی نمی‌کند و فقط ذهن کنجکاو بشر است که او را به خطر وامی‌دارد تا به قصد صعود و فتح قله‌هایی چون «کی۲»، ماشابروم، گاشا بروم و براود پیک» به خود جرات دهد و قدم به این زمین بگذارد. بالترو مکانی شگرف است، گاه رودخانه‌های یخی که در عمق آن جریان دارند را نمی‌بینیم!

IQBAL FORUM



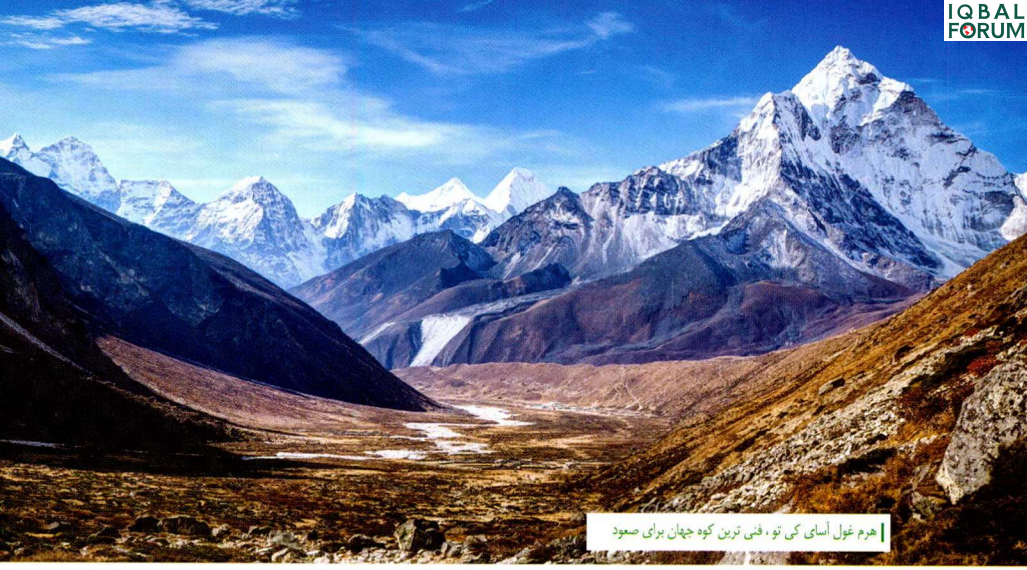
تصویری از منطقه زیبای بالترو که بزرگترین یخچال غیر قطبی جهان در آن واقع شده است



بالترو تقریبا ۷۰ کیلومتر امتداد یافته است و یکی از عجایب جهان به شمار می رود

فقط صدای مهیب برخورد فاجعه‌بار تخته یخ‌های عظیم را می‌شنویم، که بیشتر شبیه صدای انفجارهای قوی است. رودخانه‌هایی که در ناکجاآباد قرار است به رود سند بپیوندند! کافی است یک قدم اشتباه برداریم یا قدم برتکه یخی نازک بگذاریم، هیچ کس نمی‌داند که مجبوریم چقدر سقوط کنیم و یا بدن‌مان به کجا می‌رود! کسانی که به بالترو قدم گذاشته‌اند عظمت و وحشت بی‌انتهای آن را درک می‌کنند، آسمان اینجا به زمین نزدیک‌تر است! حتی کهکشان راه شیری نیز چنان ترمه‌ای دلربا برسینه آسمان به نظر می‌آید. بالترو زیباست ولی مخوف و ناشناخته! هرگز اجازه ورود خودرو و ماشین را نمی‌دهد و انسان باید به احترام کوه‌های آن پای پیاده مسیر را بپیماید. مسیری که به سینه بلندترین قلل دنیا ختم می‌شود....

IQBAL FORUM



هرم غول آسای کی تو، فنی ترین کوه جهان برای صعود

- **«کی تو» مغرورتر از اورست... امپراتور دست نیافتنی قراقروم**

اینک زمان آن رسیده تا عظمت بی‌انتهای پروردگار که در شمالی‌ترین نقطه پاکستان تجلی یافته است را نظاره‌گر باشیم، هرم خارق العاده ای به نام «کی۲» که ریشه در اعماق خاک دارد و سربرآسمان رسانده است.

جنگ ۲۰۰ میلیون ساله!

حال که از سکردو تا بالترو پیش آمده‌ای به نقطه‌ای می‌رسی که زمین رگه رگه شده است. اینجا خط‌الرس یخچال عظیم «بالترو» است، از یک طرف رشته کوه‌های هیمالیا و از سویی دیگر رشته کوه‌های قراقروم سربه آسمان می‌سایند.

هریک از این دو رشته کوه ناگهان یکی از اعجوبه‌های خود را معرفی می‌کند و سعی دارد گوی سبقت را از دیگری برباید، جدال این کوه‌ها سخن امروز و دیروز نیست! عمر این نزاع به ۲۰۰ میلیون سال می‌رسد. قراقروم «برود پیک» را دارد و هیمالیا «لوتسه» را! قراقروم «ماشا بروم ۱ و ۲» را دارد و هیمالیا «ماکالو و چواویو» را ولی جنگ اصلی اینجا است هیمالیا شاهی به نام «اورست» دارد و قراقروم امپراتوری به نام «کی ۲».

اورست ارتفاعش ۲۳۷ متر بیشتر از رقیب قراقرومی است ولی این پایان کار نیست! «کی ۲» دست‌نیافتنی‌تر از آن چیزی است که اورست حتی بتواند به آن فکر کند! «کی۲» هرمی سیاه و مخوف به نام «باتل نک» دارد که بدنام‌ترین سنگ و یخ تاریخ جهان است! این سنگ جان ده‌ها کوهنورد را گرفته است. «کی ۲» فنی‌ترین کوه برای صعود در جهان است برخلاف اورست که برخی با پرداخت پول به شرپاها موفق می‌شوند آن را صعود کنند. «کی ۲» به معنای واقعی کلمه کوه است یعنی این‌گونه است«۸». برخلاف اورست که شیب بسیار کم‌تری دارد. «کی ۲» جان ۳۰ درصد از کسانی که به قصد شکارش عازم منطقه هولناک بالترو شده‌اند را گرفته است. «کی۲» تنها کوه جهان است که درزمستان صعود نشده! واحتمالا صعود

IQBAL FORUM

هم‌نخواهدشد! «کی۲» تنها ۲۳۸ بار توسط انسان صعود شده است در حالی‌که اورست بیش از۷۰۰۰ بار صعود شده است. «کی ۲» درمکانی استقرار یافته است که رسیدن به آن از نزدیک‌ترین روستایی که انسان در آن زندگی می‌کند ۵ شبانه روز حرکت بی‌وقفه می‌طلبدکه خود یک پروژه کوهنوردی بسیار مشکل است. گفتنی‌ها در مورد امپراتور قراقروم بسیارزیاد است ولی مجال کوتاه و کم. این را نیز به ذهن بسپار کوهنوردانی که بخواهند صعود به کی۲ را در ذهن بپرورانند حداقل یکسال قبل باید تمرینات بسیار سنگین و سخت خود را شروع کنند، زیرا کی۲ کوهی‌است که کوچک‌ترین اشتباه در دامنه آن آخرین اشتباه فرد خواهد بود.

اگر عظمت این کوه خشمگین را با تمام وجودت حس کرده‌ای بی دلیل نیست، از زمانی که وارد بالترو شوی نگاه نامهربان کوه را می‌بینی که به تو زل زده است. گویا از ورود غریبه‌ها ناخرسند است هرچه نزدیک‌تر می‌روی سنگینی این نگاه را بیشتر حس می‌کنی. بخت برگشته‌ترکوه‌نوردانی هستند که به عزم شکستن سنگینی نگاه کوه چشمان قله را هدف گام‌هایشان قرار می‌دهند هرچند عده‌ای با عزم و اراده‌ای پولادین این کار را به انجام رسانده‌اند. با این حال بسیار پیش می‌آید که طوفان‌های هولناک کی ۲ یک انسان ۸۰ کیلویی را مثل پرکاه از زمین کنده و ۸۰۰۰ مترپائین‌تر جسدش را رها می‌کنند.

کی۲ را اولین بار یک مساح چینی از فاصله ۲۰۰ کیلومتری مشاهده کرد! آن هم تنها حدود ۱۶۰ سال قبل! یعنی پیش از آن امپراتور نجیب قراقروم خود را از دید مردم مخفی نگاه داشته بود. کی ۲ از بلندترین کوه‌های اطرافش مثل «برود پیک» حداقل ۵۰۰ متربلندتراست و به همین علت تشخیص آن از کوه‌های اطراف کار چندان سختی نیست.

نام «کی 2» از اول اسم ««Karakaram» گرفته شده و «تی جی مونتگومری» فردی که برای اولین بار مسحور این کوه عظیم شده بود کوه‌های اطراف را به نام «k1- کی‌تو- k3- k4- k5» نامگذاری کرد، البته در ادامه فقط نام کی‌تو باقی ماند و سایر کوه‌ها نام‌هایی مثل«برودپیک، گاشابروم و...» پیدا کردند. مردم محلی «کی 2» را «چوغوری» به معنای کوه بلند صدا می‌زنند، و ساکنان روستایی منطقه تقریبا همگی به زبان انگلیسی مسلط هستند و این اوج علاقه کوهنوردان خارجی به کی۲ را نشان می‌دهد.

تاریخچه صعود:

در ۱۸۹۲ مارتین گانوی کاشف انگلیسی گروهی از محققان کوه‌ها را تا روی یخچال بالترو رهبری کرد. آن‌ها تا ابتدای محلی که امروزه به یخچال کنکوردی‌ها معروف است بالا آمدند. در سال ۱۹۰۲ برای نخستین بار اسکار اکنسین بر روی جبهه شمالی کوه تلاشی را صورت داد. وی از طریق یال شمال شرقی تا ارتفاع ۶۵۲۵ متری بالا رفت.

اما راه قابل صعود کوه یعنی مسیرجنوب شرقی در سال ۱۹۰۹ توسط هیاتی ایتالیایی به سرپرستی لوئیجی آمودئو کشف شد. از آن تیم دوک آبروزی تا ارتفاع ۶۲۵۰ متری یال جنوب شرقی صعود

IQBAL FORUM

کرد. پس از این تلاش مسیر به نام یال آبروزی شناخته شد. ویکتور سلا عکاس این تیم، عکسی از کوه انداخت که قدیمی‌ترین عکس از کی‌تو به شمار می‌رود و همچنان موجود است.

در سال ۱۹۳۸ تیمی آمریکایی به سرپرستی دکتر چارلز هوستون توانست تا ارتفاع ۷۹۲۵ متری کوه بالا برود. یک سال بعد تیم دیگری از آمریکا به رهبری فریتز ویسنر رکورد ارتفاع جدیدی ثبت کرد. آن‌ها تا ۸۳۸۲ متری کوه از مسیر یال آبروزی بالا رفتند، که بعد از صعود نورتون تا ارتفاع ۸۵۷۰ متری جبهه شمالی اورست در سال ۱۹۲۴ بلندترین ارتفاع صعود شده توسط انسان بود.

در سال ۱۹۵۳ تیمی ۷ نفره به سرپرستی دکتر چارلز هوستون توانست تا ارتفاع ۷۵۰۰ متری کوه بالا رود. اما خرابی هوا و وخامت حال گیکلی، یکی از اعضای جوان تیم که به ارتفاع زدگی شدید دچار شده بود موجب شد تا آن‌ها راه بازگشت را پیش گیرند. هنگام بازگشت و پائین آوردن گیکلی، ۵ عضو تیم به دلیل شیب تند مسیر سقوط کردند، اما کارگاه مستحکمی که پت شوئینگ برپا نموده بود مانع از سقوط بیش‌تر آن‌ها به اعماق دره‌های کی‌تو گردید ولی لحظاتی بعد بهمن گیلکی را با خود به اعماق دره‌ها برد تا این تیم نیزناکام به پائین بازگردد.

در سال ۱۹۵۴ سرانجام قله کی‌توتلاش موفقی را از کوه‌نوردان ایتالیایی شاهد بود. آشیل کامپاگنونی و لینولاسیدلی دو کوه‌نوردی بودند که در ۳۱ جولای موفق شدند به عنوان نخستین انسان‌ها گام برفراز این کوه سرسخت بگذارند. آن‌ها اعضای تیم بزرگ و مجهزی به سرپرستی آردیو دزیو بودند. تیمی با بیش از ۵۰۰ باربر محلی، ۱۱ کوهنورد و ۶ دانشمند. آن‌ها برای صعود قله ۹ کمپ برپا کرد. یکی از کوه‌نوردان براثرذات‌الریه جان خود را از دست داد. پس از این صعود چیزی که بیش از فتح قله جلب توجه کرد تلاش‌های کوه‌نورد بزرگ ایتالیایی والتربوناتی و باربر پاکستانی مهدی بود.

پس از صعود ایتالیایی‌ها، کوه تا ۱۹۷۷ صعودی بر خود ندید، تا این‌که در این سال تیمی از کشور ژاپن متشکل از ۵۲ کوهنورد و ۱۵۰۰ باربر موفق شد دومین صعود را صورت دهد. در این تیم اشرف امان کوهنورد پاکستانی نیز به عنوان راهنما و باربر ارتفاع عضویت داشت که موفق به فتح قله شد. در بهار ۱۹۹۶ یکی از پرتلفات‌ترین صعودهای کی‌تو رقم خورد و ۶ کوهنورد از جمله آلیسون هرگریوز پس از صعود قله دچار طوفانی سهمگین شده و همگی مفقود شدند.

صعودهای ایرانی

اولین تلفات:

در تابستان ۱۳۸۳ «داود خادم اصل» از اعضای تیم ملی کوهنوردی ایران و فاتح قلل چوآیو، شیشاپانگما، ماکالو ولوتسه، برروی کی‌تو تلاشی داشت که هنگام بازگشت از کمپ ۴ در طوفان گرفتار شده و جان سپرد.

IQBAL FORUM

سه صعود موفق:

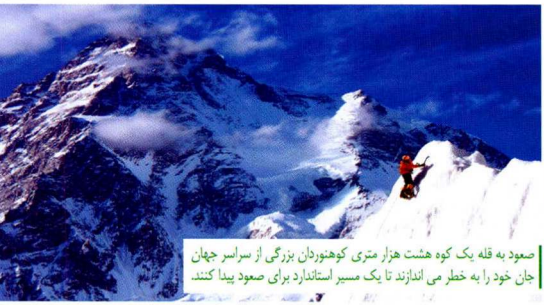
کاظم فریدیان در سال ۱۳۸۶ اولین کوهنورد ایرانی بود که موفق به صعود قله کی‌تو شد. عظیم قیچی ساز سه‌شنبه ۱۰ مرداد ۱۳۹۱ توانست به قله کی‌تو صعود کند. این صعود بدون اکسیژن صورت گرفت.

رضا شهلایی صبح روز یکشنبه ۵ مرداد ۱۳۹۳ پرچم ایران را بر فراز قله کی‌تو به اهتزاز درآورد. نکته جالب در مورد این کوه قرار گرفتن آن در نقطه صفر مرزی است! یعنی یک سوی کی ۲ در پاکستان و یک سوی آن در چین است! ولی صعود از سمت چینی قله محال است.

برگی دیگر از سفرمان به پاکستان زیبا به آخرین خط خود رسیده، فصلی که فراموش نشدنی است چرا که کی‌تو نماد عظمت خالق لم یزال است و به راستی کیست جز خدای یکتا که کوه هایی با این حد از استواری نشانه های کوچکی از وجود اوست...



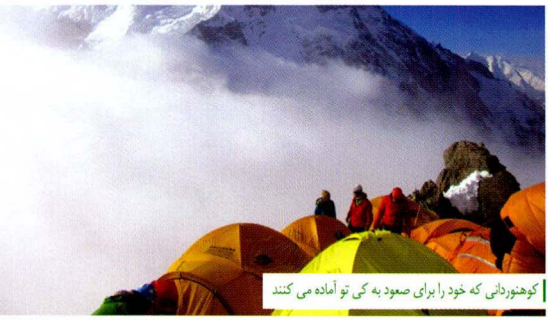
صحنه دلخراش مدفون شدن کوهنوردان زیر بهمن های همیشگی کی تو



صعود به قله یک کوه هشت هزار متری کوهنوردان بزرگی از سراسر جهان جان خود را به خطر می اندازند تا یک مسیر استاندارد برای صعود پیدا کنند.



یادمان کوهنوردان کشته شده در مسیر صعود به قله آرزوها



کوهنوردانی که خود را برای صعود به کی تو آماده می کنند

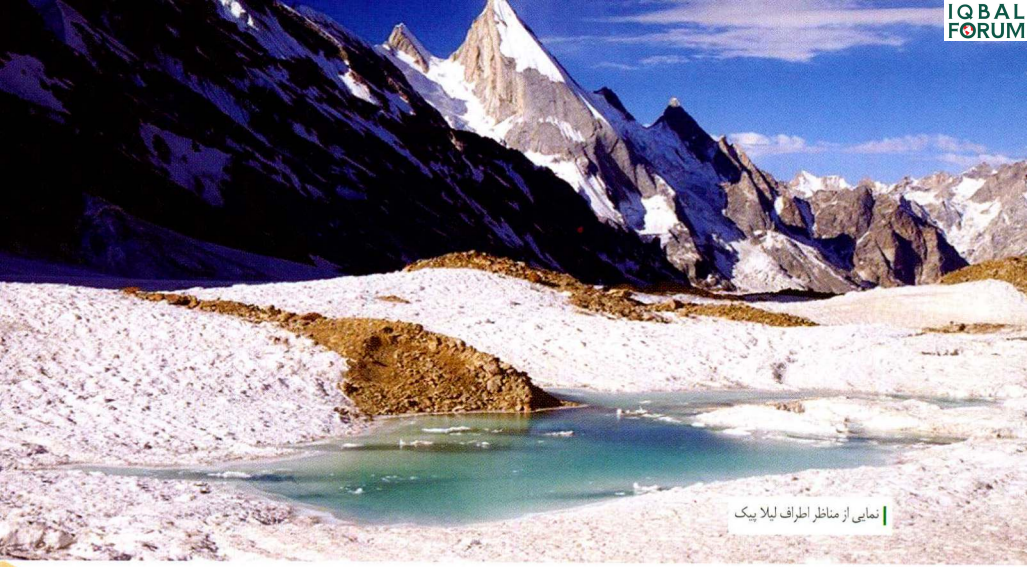


یک کوهنورد اهل کانادا که در مسیر صعود به کی تو به دره های آن سقوط کرده، گاه جنازه این افراد هیچ گاه پیدا نمی شود



صعود به کی تو از دل برف و گاه از بین صخره های عظیم

IQBAL FORUM



نمایی از مناظر اطراف لیلا پیک

- **«لیلاپیک» نقطه اوج اسکی بازان حرفه‌ای**

کوه‌های رفیع شمال پاکستان و به خصوص منطقه بلتستان، میدان هم‌آورد طلبی اسکی بازان حرفه‌ای است زیرا پیست‌های طبیعی با شیبی بسیار زیاد در آن وجود دارد که نگاه به تصاویر آن نیز دلهره‌آور است.

شاید نام پیست‌های کشور «سوئیس» و دیگر کشورهای شمال اروپا برای علاقه‌مندان به اسکی بسیار مشهور باشند ولی کم‌تر کسی است که بداند مناطق شمالی پاکستان تا چه اندازه برای اسکی بازان حرفه‌ای جذاب است.

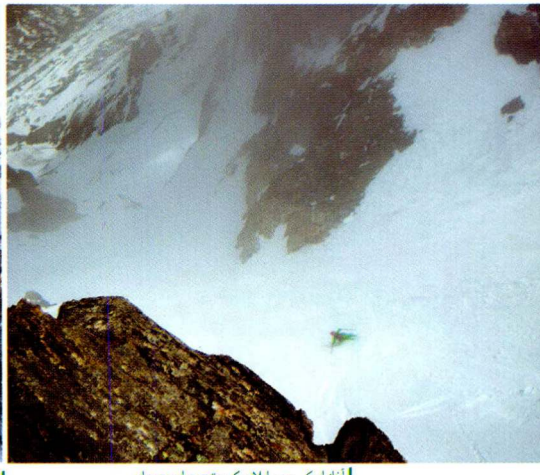
لیلا پیک خطرناک‌ترین پیست طبیعی جهان و البته بلندترین آنهاست، کوهی که تنها انسان‌های معدودی موفق به صعود بر فراز آن شده‌اند و تعداد انگشت شماری نیز توانسته‌اند این سه تیغه وحشتناک را رو به پایین اسکی کنند. لیلا پیک از سه قله تشکیل شده است و کوهنوردانی که به قصد فتح کی۲ راهی یخچال طبیعی بالترو می‌شوند این کوه‌ها را در مسیر خود مشاهده می‌کنند. قله‌هایی با ارتفاع ۶۰۰۰ متر! که بیشتر شبیه نیزه‌هایی هستند که از دل زمین بیرون زده باشند! با شیبی بین ۴۵ تا ۶۰ درجه!

مشهورترین قله لیلاپیک در نزدیکی دومین کوه بلند پاکستان یعنی کی۲ قرار گرفته و از نزدیکی آن قابل مشاهده است. در تابستان سال ۲۰۰۵ نخستین تلاش برای فرود با اسکی از این کوه توسط فردریک اریکسون و یورگن آموت از کوهنوردان و اسکی بازان اسکاندیناوی صورت گرفت.

آنها لیلا پیک را ترسناک‌ترین کوهی توصیف کردند که تا آن زمان با آن برخورد کرده بودند و معتقد بودند، قله کوه شبیه نوک سوزنی است که رو به آسمان قرار گرفته است. فردریک و یورگن در ۱۸ جون ۲۰۰۵ به کمپ اصلی در ارتفاع ۴۱۵۰ متری رسیدند. این دو کمپ ۱ خود را در ارتفاع ۵۰۰۰ متری و در تاریخ ۲۲ جون برپا کردند سپس در ساعت ۲:۳۰ بامداد روز بعد کمپ ۵۰۰۰ متر را به سمت قله ترک کردند و پس از ۷ ساعت به ۱۰۰ متری این سوزن عظیم رسیدند. آنها ادامه

IQBAL FORUM

مسیر را بیش از حد یخ زده و پرشیب یافتند که این شرایط برای اسکی کردن مناسب به نظر نمی‌رسید؛ لذا تصمیم گرفتند از همان نقطه با اسکی به پایین بازگردند. بدین شکل از ارتفاع ۶۰۰۰ متری تا پای یخچال گندوگرولا را با اسکی طی کردند.



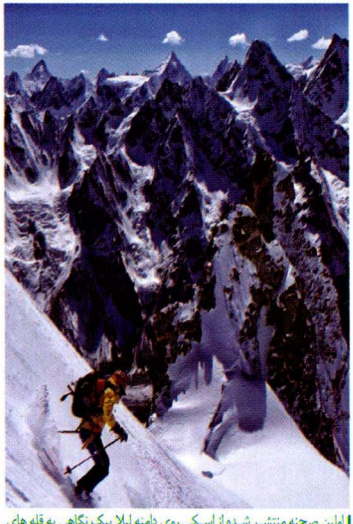
آغاز اسکی روی لیلا پیک و تجربه اوج هیجان



اسکی بازان اروپایی زحمت صعود به لیلا پیک را به جان می خرند تا لذت اسکی روی شیب تند آن را تجربه کنند



لیلا پیک یکی از سوزنی شکل ترین کوه های جهان است که صعود به آن دست کمی از صعود به یک هشت هزار متری ندارد



اولین صحنه منتشر شده از اسکی روی دامنه لیلا پیک نگاهی به قله های اطراف می تواند عظمت و سختی مسیر این کوه را بهتر نشان دهد

IQBAL FORUM



تصویر زیبایی از غروب آفتاب در منطقه بالترو و آخرین شعاع نور که روی برج های آن افتاده است

- **معرفی دیواره عظیم و بی‌نام ترانگو**

درحالی‌که هرساله گاه چندصد کوهنورد موفق به صعود قله اورست (بلندترین قله دنیا) می‌شوند و در مجموع هزاران نفربه این قله دست یافته‌اند اما برج بی‌نام ترانگو (Nameless Tower) با ارتفاع ۶۲۳۹ مترکم‌تر از ۶۰ صعود در کل تاریخ دارد. حال که همراه هم پا به یخچال‌های منتهی به رفیع ترین قلل جهان نهاده‌ایم رسیدن به پایه این دیواره‌ها چندان سخت نیست ولی صعود به قله آن چرا! دستیابی به قلل این ستون‌های سنگی عظیم مستلزم صعود دستکم ۱۰۰۰ مترمسیر عمودی در ارتفاع بالای ۵۰۰۰ متراست. همین ویژگی خاص است که صعود به این قلل را با وجود ارتفاعی حدود ۶۰۰۰ متر، مساوی یا حتی دشوارتراز صعود به بسیاری قلل بالای ۸۰۰۰ مترقرار می‌دهد. چنین صعودهایی مستلزم توانایی جسمی و فنی و روحی بالایی است که معدود کوه‌نوردانی تاکنون بدان دست یافته‌اند.

عظمت این دیواره‌ها از زمین زیرشان چنان زیاد است که گاه نگاه انسان هم به سختی می‌تواند مسیرصعود را طی کند، با این حال ویتک کورتیکا کوهنورد افسانه‌ای لهستانی که صعودهای دشوار و حماسی برروی قلل معروف هشت هزار متری دنیا انجام داده و با بزرگانی چون جرزیکو کوچکا هم‌طناب بوده یکی از کسانی است که این مسیررا در دنیای حقیقی صعود کرده است. او پس ازصعود برج بی‌نام ترانگو می‌گوید: «صعود برج بی‌نام ترانگو حداقل برای خود من به مراتب دشوارتراز صعود یک قله ۸۰۰۰ متری بود. ما دو نفر۱۲۰ کیلوگرم غذا و تجهیزات را به کمپ‌هاي بالاترحمل کردیم و هرکدام حدود۳۰۰۰ متربرروی طناب ثابت یومار زدیم. همواره نگران آسیب دیدن طناب‌هایمان در اثردرگیری بالبه‌هاي تیزسنگ‌هاي گرانیت مسیربودیم. گاهي اوقات تنها با نوک انگشتانمان از یک سقوط ناگهانی نجات می‌یافتیم.»

با این حال اراده انسان سدی را پیش روی خود نمی‌گذارد و ترانگو با تمام عظمتش نیزتوسط کوه‌نوردانی سخت کوش فتح شده است. از بالای قله شاید منطقه را بتوان بهترمشاهده کرد مسیر سختی که در میان کوه‌های عظیم پیچ و تاب می‌خورند تا کوه‌نوردان را به سرمنزل مقصودشان برسانند، شاید در هوای صاف و آفتابی گروه‌های کوهنوردی را که در تلاش

IQBAL FORUM

هستند تا قله‌ای را فتح کنند بتوان به چشم دید. ولی آنچه دیدنش در این منطقه بدون شک و شبهه رخ می‌دهد سحر و جادوی طبیعی یخچال بالترو است که هرچقدر دستش به خون انسان آلوده‌تر می‌شود عاشقان بیشتری پیدا می‌کند.

خطرناک‌ترین قسمت‌های منطقه:

در کتاب خاطرات یکی از کوهنوردانی که موفق شده این دیواره ها را صعود کنند آمده است: شیب تند از کمپ اصلی تا پای دیواره پربود از ریزش سنگ و بهمن هایی که از ترانگو تخلیه می‌شدند. این قسمت پرخطرترین بخش دیواره بود. از پای دیواره تا نیمه میانی آن نیز خطرناک است زیرا باز هم امکان برخورد بهمن‌های روی دیواره و تکه‌های یخ و هم‌چنین سقوط قارچ‌های برفی برروی سرنفرات تیم وجود دارد. مابقی قسمت‌های مسیر عموماً ایمن هستند. دیواره ریزشی ندارد و فقط بهمن‌های کوچک است که گه‌گاه از روی طاقچه‌ها به پایین سرازیر می‌شود. نقاب زیر قله نیز تا قبل از ریختن می‌تواند حادثه ساز باشد.

حال که گام به وادی عجایب گذاشته‌ایم ما نیز چون دیگران تشنه خواهیم شد، مانند ماهی‌گیرانی که در میان دریا تشنه می‌شوند! یافتن آب آشامیدنی کار ساده‌ای نیست ولی از بخت خوبمان در کنار بیس کمپ ترانگو دریاچه زیبایی وجود دارد که می‌توان با رعایت بهداشت آب مورد نیاز را از آن تامین کرد. در سایر مناطق نیز امکان تامین آب با استفاده از برف موجود روی طاقچه‌ها وجود دارد.

نکته جالب این‌که تیم ایران با ترکیبی ۱۴ نفره ۲۸ خرداد ماه سال۱۳۹۱ ازطریق فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) عازم پاکستان شد و ساعت ۱۴:۴۵ به وقت محلی ۲۴ تیر روی دیواره ترانگو به ارتفاع ۶ هزار و ۲۳۹ متر ایستاد که دومین دیواره بلند از برج‌های ترانگو است. تیم ایران دوساعت روی این دیواره بود و اولین تیم مسلمان جهان لقب گرفت که توانسته این دیواره مخوف را فتح کند.

سرزمین هشت هزار متری‌ها

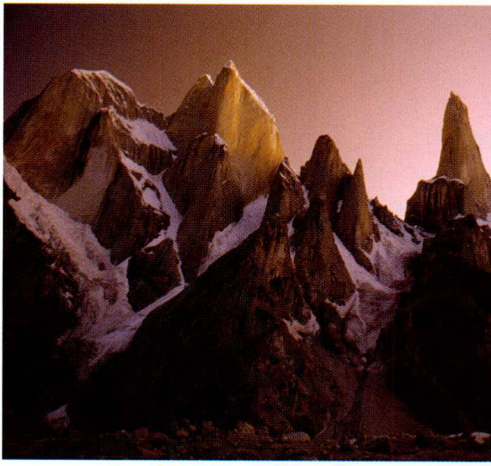
چهارده نقطه از زمین آنقدر رفیع هستند که از مرز هشت هزار متر عبور کرده و برفراز ابرها برای آسمان شاخ و شانه می‌کشند، عجیب‌تر این‌که تمام این قلل عظیم در امتداد رشته‌کوه‌های هیمالیا و یا قراقروم جا خوش کرده‌اند و مانند دو لشکر قدرتمند که عزم جنگ دارند سینه به سینه ایستاده و چشم در چشم هم دوخته‌اند، گاه فاصله میان این دو رشته کوه اعجاب انگیز دره‌ای عمیق و تاریک است و گاه روستایی بزرگ و زیبا.

قراقروم در پاکستان گوی سبقت را ربوده و هیمالیا در نپال ولی روی هم رفته تنها و تنها چهارده قله در این رشته کوه‌ها وجود دارند که ارتفاع نقطه اوج‌شان بیش از هشت هزار متر است. نقطه‌ای که اکسیژن آن کافی نیست و تلاش برای صعود به آن‌ها روزگاری برای بشر چیزی در حد آرزو و افسانه بوده است.

IQBAL FORUM

تصور کن! این که بشربا استفاده از وسایل ابتدایی اولیه پیش از سال ۱۹۵۰ چگونه به خود جرات می‌داد به شکار این قله‌های رفیع برود هنوز هم ترس و حشت به جانت خواهند انداخت، چرا که تمام آن صعودهای ناموفق در بهترین حالت کتاب‌هایی می شدند از بازماندگان حوادث تلخ حین صعود که غالبا دستان یا حداقل انگشت‌های خود را از دست داده بودند.

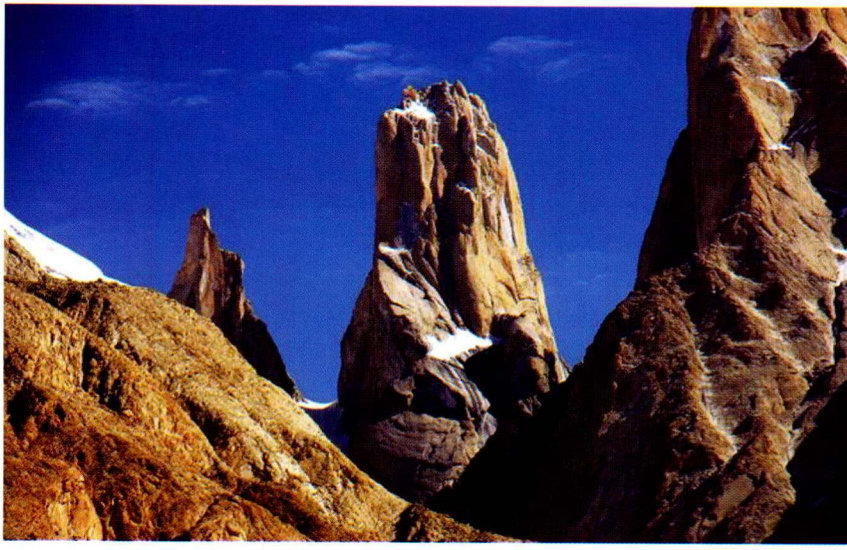
سهم پاکستان از این ۱۴ قله عدد ۵ است و علاوه بر کی‌تو امپراتور بی‌چون وچرای منطقه و نانگاپربات که قاتل مرغ آرزوی کوهنوردان است سه هرم آهنین و غول آسا به نام‌های «برود پیک و گاشابروم ۱ و ۲» نیز توسط قراقروم به زنجیر کشیده شده‌اند.



کوهنوردان کمی در جهان هستند که به خود جرات صعود به دیواره‌های عظیم ترانگو را داده اند



صعود دیواره عظیم و بی نام ترانگو یکی از سخت ترین کارهایی است که یک کوهنورد ممکن است قصد تجربه کردن آن را داشته باشد



IQBAL FORUM

• برود پیک ایرانی‌ترین هشت هزار متری

دوازدهمین قله بلند جهان با ارتفاع ۸ هزار و ۵۱ متر نزدیک‌ترین همسایه هشت هزار متری کی‌تو به شمار می‌رود که برای ایران و ایرانی خاطره‌انگیزتر از هر هشت هزار متری دیگری است. هربار بادهای شدید دامنه کی‌تو به برود پیک می‌رسند تا بهمنی عظیم را بر دامنه آن بلغزانند بی‌شک بر سرنوشت تلخ سه جوان ایرانی که برای نخستین بار مسیر پرافتخار ایران را بر روی یک هشت هزار متری گشودند اشک می‌ریزند.

«پویا کیوان، آیدین بزرگی و مجتبی جراح» سه جوان کوهنوردی بودند که در سال ۱۳۹۲ با تلاشی وصف ناشدنی، برود پیک را مقهور اراده خود کردند و در دل آن مسیری به نام مسیر ایران گشودند ولی افسوس که این هشت هزار متری بی‌رحم در مسیر بازگشت این سه را در خود بلعید تا برای همیشه در دل این کوه آرام بگیرند علی رغم این‌که هشت هزار متری‌ها سانحه مرگ فراوان دیده‌اند، ولی تراژی تلخ از دست رفتن این سه جوان از جایی آغاز شد که هم‌زمان با آغاز عملیات‌های جستجو هراز گاهی تماس‌هایی از سوی آنان گرفته می‌شد که امیدها را زنده نگاه می‌داشت. سینه قله برود پیک وسیع است و نام‌گذاری آن را نیز به همین دلیل می‌دانند زیرا «قله پهناور» تنها نامی است که با ظاهر این هرم عظیم هم‌خوانی دارد.

صدای زوزه تندبادهای دامنه برود پیک در سکوت دهشتناک سرزمین یخ و برف یعنی بالترو رعب‌آور است و آنان‌که قدم به این سرزمین می‌گذارند می‌کوشند تا زودتر از این میهمانی ناخوانده خارج شوند. چون ما که به شوق دیدار قدم به این منطقه گذاشته‌ایم و اینک قلب‌مان در شوق شکستن زنجیر مرموز سکوت منطقه بی‌تابی می‌کند افسوس که نمی‌توانیم تمام هم‌دلان خود را از منطقه خارج کنیم...



IQBAL FORUM



گاشا بروم یک نگاه

- **«گاشا بروم» زیبای بی‌رحم**

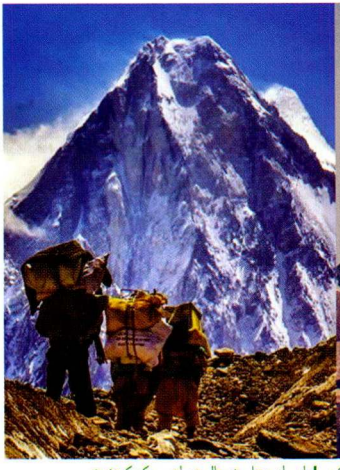
به برگ‌های پیشین سفر نگاه کن! کی‌تو «داوود خادم» را در دامنه‌های خود نگه داشت، نانگاپربات دل از «سامان» نکند و برودپیک «پویا، آیدین و مجتبی» را از ایران زمین به یادگار گرفت. خانواده ۸۰۰۰ متری‌های پاکستان دو قله سحرآمیز دیگر نیز دارند که برای ایران زمین خاطرات تلخ وشیرین رقم زده‌اند. گفتم تا بدانی که سِحرالفاظ نباید تورا از یاد هم‌وطنی که در دل این هرم‌های بی‌رحم سنگی اسیر قدرت‌نمایی طبیعت شده‌اند غافل کند. ظاهراین قلل آرام است ولی در دل هزاران دام بلا برسرراه کسانی پهن کرده‌اند که قدم می‌گذارند تا ابهت این قلل مغرور را بشکنند.

گاشا «GASHA» در زبان بلتی به معنای زیبا است و حکایت از زیبایی تماشائی کوه‌های پیش روی ما دارد، دو خواهر که یکی را گاشابروم یک و دیگری را گاشا بروم دو می‌نامند به ترتیب یازدهمین و سیزدهمین قله بلند جهان به حساب می‌آیند. این دو را کوه‌های مخفی می‌نامند زیرا در پس قله‌های رفیع قراقروم مخفی شده‌اند چون شاهزادگانی محجوب که دسترسی به دامنه آنان مشکل است، ارتفاع گاشابروم یک ۸ هزار و ۸۰ متراست و در مرز مشترک پاکستان و چین واقع شده که البته رسیدن به دامنه آن تنها از سمت پاکستان امکان پذیراست. عروس خوش‌قد و بالای قراقروم تاکنون ۲۹ نفر را به کام مرگ فرستاده که یکی از آنان کاپیتان تیم ملی کوهنوردی ایران «محمد اوراز» بوده است.

این دو کوه زیبا جزو کم‌خطرترین هشت هزاری متری‌های جهان به حساب می‌آیند و صعود به قله آن‌ها با صرف زمانی حدود ۸ هفته در منطقه بالترو امکان‌پذیر خواهد بود. گاشابروم ۲ از خواهر خود نیز کم خطرتراست و پس از اورست و چوایو پرطرفدارترین هشت هزار متری به حساب می‌آید که تاکنون سنگینی گام ۹۳۰ انسان را برروی قله خود حس کرده است. این هشت هزار متری نیز چون خانواده‌اش آرامگاهی برای یک ایرانی بوده و باعث شده تا نامش این‌گونه در تاریخ کوهنوردی ایران ثبت شود. «لیلا اسفندیاری» کوهنورد زن ایرانی در سال ۱۳۹۰

زمانی که صعود را به پایان برده و درحال بازگشت به کمپ های پائینی گاشابروم دو بود اسیر دره های مخوف آن شد و نامش در کنار قله جاودانه شد. این کوه در سال ۱۹۹۷ توسط تیم ملی کوهنوردی ایران فتح شده است و در سال های بعد نیز اسطوره هایی چون « عظیم قیچی ساز» پرچم ایران را برفراز کوه به اهتزاز در آوردند.

دیگر زمان آن رسیده که منطقه شگفت انگیز پادشاهی قلل رفیع را ترک کنیم، چشمانت گواهی می دهند که تو نیز همین را می خواهی! کوه مثل پرواز است هم زیبایی دارد و هم ترس. آنان که فقط زیبایی هایش را می بینند بی هراس از احتمال مرگ غرق در لذتِ اوج گرفتن می شوند و کسانی که ترس را به دل راه می دهند محکوم به دل نگرانی های تمام نشدنی هستند... دل کندن از این قله ها که سرشار از خاطرات تلخ و شیرین است کار چندان ساده ای نیست این را از کوه نوردانی باید پرسید که هرسال به این منطقه می آیند تا کوهی را صعود کنند. صعود کوه بهانه است در اصل آن ها دل به این بهشت زیبا سپرده اند و بهتر از هرکسی درک می کنند که بالترو سکوی قهرمانی آن ها است بی آن که تماشاگری آن ها را ببیند و مدالی به گردن شان آویخته شود...





تصویر «آیدین بزرگی، مجتبی جراح، پویا کیوان» فاتحین ایرانی قله برود پیک که در سومین سالگرد درگذشت آنها توسط دوستانشان به دست گرفته شده است.

باربران محلی در حال همراهی یک کوهنورد خارجی برای صعود به قلل گاشا بروم



صعود ارتفاعات هیمالیا و قراقروم همواره سختی ها و مشکلات فراوان خود را دارد حتی با تجهیزات ویژه

IQBAL FORUM





قلعه زیبای شگر که در مسیر رفتن به سمت قلل هشت هزار متری واقع شده است و خود یکی از عجایب تاریخی منطقه به شمار می رود

- **قلعه شگر راوی عبرت‌های کهن**

مردم بلتی زبان فرهنگی غنی دارند و هر میهمانی را ابتدا برخوان ادب و اصالتشان می‌نشانند، این منطقه اعجاب انگیزیادگار تاریخ پرپیچ و خم مردمانی است که خدا باوری را به ظلمت جهل و نادانی ترجیح دادند ولی هنوز آثار تمدن‌های کهن پیشین در سراسرمنطقه به چشم می‌خورد.

مسیری که به سمت بالترو رفتیم را باز می‌گردیم در فاصله حدود ۳۰ کیلومتری شرق سکردو به روستای زیبای شیگر(shigar) می‌رسیم که میراثی اعجاب انگیزاز دوران حکومت راجاها را در خود پنهان کرده است. در مسیررفت نیزاین قلعه خود نمایی می‌کرد ولی چنان محو عظمت نام کی‌توبودیم که توجهی به دلبری‌های این قلعه تاریخی نداشتیم. حال نوبت آن رسیده تا بیننده عظمت معماری کهن این سرزمین شویم.

قلعه‌ای بی نهایت زیبا که بربستری از سنگ آرام گرفته و اینک تبدیل به موزه فرهنگ منطقه شده است، موزه‌ای که هنوز هم از پیچ و خم اتاقها و دالان‌هایش می‌توان صدای رمیده انسان‌هایی را شنید که برسمند قدرت نشسته و بی‌مهابا می‌تازند بی‌آن‌که بدانند در برگ خوردن صفحات تاریخ واژه‌هایی کوچک و گذرا می‌شوند که عمیق‌ترین آن «عبرت» خواهد بود.

قلعه از سه بنای مجزا تشکیل شده و قدیمی‌ترین آن برروی سنگی چنبره زده که از زمین ۵ متر ارتفاع دارد و بیش از ۴۰۰ سال است که به پیچ و خم رود شگرخیره مانده است. بنای باشکوه این قلعه در خود تالارهای مختلف، سالن ورودی، دیوان اصلی، محل جلوس حاکم، آشپزخانه، انبار، اتاق‌های تشریفات، محلی برای سکونت خانواده سلطنتی و... را جای داده است و معماری بنای آن به سبک مغولی(گورکانی) شباهات بسیار دارد. قلعه طی سال‌های اخیرکاملا بازسازی شده است و مجموعه هتل‌های ۵ ستاره سرینا آن را تبدیل به یک هتل تشریفاتی در منطقه کرده است که می‌تواند از میهمانان زیادی پذیرایی کند.

در نگاه عبرت بین من و تو بی‌گمان این قلعه شباهت بسیاری به ایوان مدائن دارد که به جای دجله رود شیگر از کنار آن جریان پیدا می‌کند و گذر زمان را در این عروس کهن‌سال می‌نگرد. گوش دل اگرباز کنی شاید بشنوی که رِندی زیرلب زمزمه کند: « هان ای دل عبرت بین از دیده نظرکن هان ...ایوان مداین را آئینه عبرت دان».

IQBAL FORUM



سرخ رنگی سیب های پاری و عطر خوب آن باعث متمایز شدنش از سیب سایر نقاط می شود

- **سیب بهشتی؛ هدیه روستای ولایتمدار «پاری»**

سیب بهشتی‌ترین میوه‌ای است که رایحه آن به جهان معنا داده، سیب رنگ زندگی دارد، سیب طعم حیات دارد و سیب نمود حقیقی عشق است و محبت. اینجا «روستای پاری» در قلب هیمالیاست که سیب آن سیب‌تر از هرجایی است...

گشت‌وگذار در پاکستان و سیر در طبیعت بی‌بدیل و خدادادی آن چشم جان را جلا می‌دهد و روح را صیقل، اما نه فقط کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده هیمالیا و امواج خروشان سند انسان را به شمال پاکستان می‌کشاند که دست پرمهر و معجزه‌گر طبیعت، شگفتی را در میوه‌ای به کمال رسانده که در جای‌جای زمین دیده می‌شود ولی باورش مشکل است که سیب «روستای پاری» از هرسیبی سیب‌تراست. جاده پرپیچ‌وخمی که در کناره کوه‌های هیمالیا و در جهت مخالف حرکت سند خروشان راه می‌پیماید ۸۵ کیلومترپس از شهر «سکردو» در شمال پاکستان به روستای شگفت‌انگیز پاری می‌رسد.

پیش از ورود به روستا باید از پلی چوبی که از روی «رود سند» عبور می‌کند گذشت. طراحی و معماری این پل چنان ستودنی است که هر بیننده‌ای را مدت‌ها مبهوت خود می‌کند.

کافی است یک سیب از روستای پاری چیده و در خانه و محل کار خود بگذارید، بدون اغراق تا یک هفته نیاز به استفاده از هیچ عطری پیدا نمی‌کنید. اینجا سیبش خیلی سیب است. روستای پاری چندان بزرگ نیست ولی حداقل ۱۰ گونه مختلف سیب در آن کاشت می‌شود که یکی از معروف‌ترین آن‌ها «سَسپُلو» (saspolo) می‌باشد. رنگ پوسته این سیب به تیرگی و سیاهی می‌زند! و درون آن از برف سفیدتراست، باز هم زیاده‌گویی و اغراق نیست اگربگوییم اشاره‌ای به این سیب کافی است تا نه عصاره آن بلکه شهد آن دستها را خیس کند.

جالب این‌جا است که حتی روستاهای اطراف «پاری» که در فاصله یک‌کیلومتری آن قرار دارند از داشتن چنین محصول شگفت‌انگیزی محرومند. تا چندی پیش فقط مردم منطقه «گلگیت و بلتستان» سیب روستای پاری را می‌شناختند ولی اینک در سرتاسر پاکستان و بعضی کشورهای اروپایی نیز این سیب طرفداران بی‌شماری پیدا کرده است. مردم پاری بسیار معتقد و مذهبی هستند، حسینیه مشهور «ویگو» در ارتفاع حدود ۲۵۰۰ متری کوه قرار دارد ولی در ایام عزاداری سالارشهیدان مملو از جمعیت عاشق می‌شود. اهالی این روستا هرروز پس از نماز صبح، به ذکر مصیبت اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازند.

IQBAL FORUM



طبیعت سحرانگیز دیوسایی و حیوات وحش در این منطقه

- **«دیوسائی» تعبیر رویاها**

آخرین منزل‌گاه‌مان در بلتستان زیبا که آکنده از جلوه‌های بی‌مثال طبیعی است، در پیچ و خم جنوبی شهر سکردو خود را مخفی کرده و هر مسافری را به سمت خود می‌خواند تا با چند ساعت سفر در میان جاده‌های کوهستانی، تعبیر زیباترین رویاها را به چشم ببیند. شاید برای مانیز جای سوال باشد که چرا به این منطقه دیوسائی می‌گویند؟! افسانه‌های قدیم حکایتی جالب روایت می‌کنند که دراصل این نام از دو واژه «دیو +سائی» به معنای محل زندگی دیوها و پریان گرفته شده است و علت آن را نیز زیبایی خیره کننده این دشت رویایی است.

برای مردم گرفتارِ روزمرگی و آلودگی صوتی و صنعتی شهرهای بزرگ شهر سکردو بهشتی فراموش نشدنی است و برای مردم سکردو دیوسایی چنین نقشی را ایفا می‌کند. چشمان تو که تمام این مناظر را دیده خود گواه این مطلبند. این دشت رفیع‌ترین سطح یکنواخت جهان با ارتفاع بالغ بر ۴ هزار متراز سطح دریاست و ۹ ماه حریری سفید رنگ از جنس برف برتن می‌کند. در سایرماه‌های سال رنگ زمین دیوسائی یا سبزاست که مربوط به چمن‌زارهای آن است یا زرد و قرمزوآبی که رنگ گل‌های آن هستند. عجیب‌ترآن‌که این دشت بی‌همانند درخت ندارد، ولی آن‌قدر تنوع محیطی آن بالا و منابع طبیعی در آن فراوان است که تنها زیستگاه خرس قهوه‌ای هیمالیایی تلقی می‌شود. چشمه‌های شیرینی که از دل این دشت جوانه می‌زنند ۵ درصد از آب سند مقدس را تامین می‌کنند.

دریاچه اعجاب انگیزو زیبای «شیوس» یکی از دل‌کش‌ترین مناظررا در دیوسائی خلق کرده است، دریاچه‌ای که به هیچ منبع آبی آشکاری متصل نیست ولی نه آب آن کم می‌شود و نه زیاد بلکه همواره در یک سطح ثابت می‌ماند. اگردر دیگرنقاط جهان نامی از سحرطبیعت شنیده باشی اینجا به چشم خواهی دید افسون‌گری طبیعت را. دیوسایی زیباست و با شکوه، رنگ‌های به کاررفته در ترکیب آن چشم راآرامش می‌بخشند ولی نباید به آن اعتماد کرد. اگرآب و هوای دیوسائی را جانی بود و آن را در قالب یک انسان تصور می‌کردیم باید آن را بی‌وفاترین موجود روی زمین می پنداشتیم! زیرا حتی برای یک ساعت آینده نیزنمی‌توان پیش بینی دقیقی از وضعیت هوا داشت، حتی در فصول گرم سال نیز ممکن است در دیوسائی برف ببارد به همین دلیل همراه داشتن لباس گرم امری اجتناب ناپذیراست.

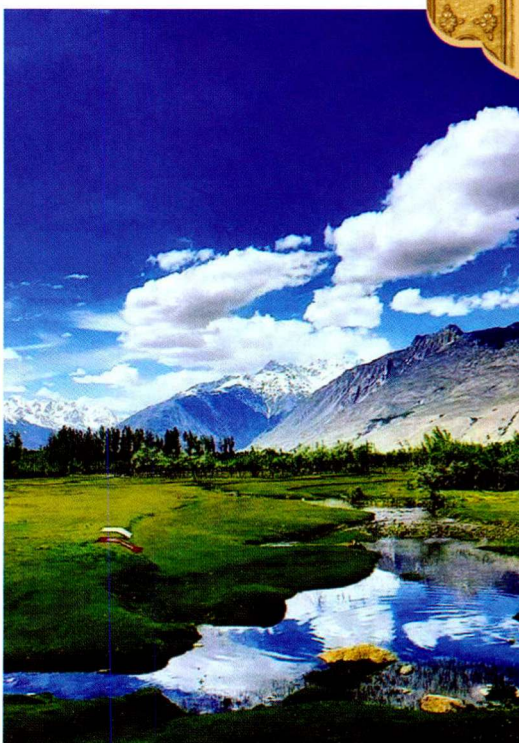
IQBAL FORUM

این دشت به قدری سخاوتمند و زیباست که عشایر دور و نزدیک را در خود پناه می‌دهد و به برکت علوفه غنی آن دام پروری و محصولات لبنی بی‌نظیری تولید شده و به فروش می‌رسند. مسیر برگشت به سمت شهر سکردو شیب‌های تند و ملایمی دارد که باعث می‌شود بسیاری از مردم محلی وسیله نقلیه خود را خاموش کنند و طی مسیر را بدون سوزاندن سوخت به همین شیب‌ها بسپارند. پس از طی این مسیر حدود ۳ ساعته می‌توان اندکی در شهر سکردو گشت و گذار داشت و برای بازگشت به سمت پایتخت پاکستان آماده شد.

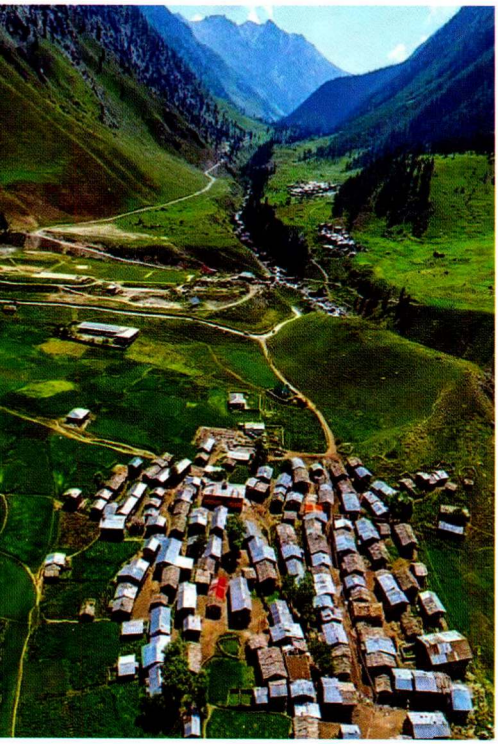
اولین فصل از سفرمان که سیر در گوشه و کنار منطقه زیبای گلگیت بلتستان بود به پایان رسید و اینک باید مهیای گشت و گذار در دیگر نقاط کشور زیبای پاکستان شویم. با نگاهی که شاید پیش از این از آن محروم بودیم.

فرودگاه شهر سکردو روزانه حداقل یک پرواز به اسلام آباد دارد و اگر هوا مساعد باشد به آسانی می‌توانیم یک صندلی از هواپیمای شرکت بین‌المللی پاکستان «PIA» را رزرو کنیم و با یک سفر ۲ ساعته خود را به دومین پایتخت زیبای جهان برسانیم. در مسیر بازگشت بازهم قله نانگاپربات را به چشم خواهی دید که دیگر چون غریبه‌ها به صورتت خیره نمی‌ماند، شاید تمام قد ایستاده تا مسافران شمالی‌ترین نقطه ملک خداداد را بدرقه کند و به آنان آرزوی دیدار مجدد بگوید...

زمین دیوسایی را هیچگاه بی رنگ نمی توان یافت، یا سبزی سبزه زار در آن دیده می شود یا سفیدی برف



دره زیبای استور که در نزدیکی دیوسایی قرار دارد و زندگی پاک روستایی را می توان در آن با تمام وجود حس کرد



IQBAL FORUM



اسلام آباد یکی از زیباترین و منظم ترین شهرهای جهان است که نقشه ساخت آن شکلی منحصر به فرد دارد

به سوی سبزترین ها

از شمالی‌ترین نقطه کشور به سوی پایتخت روانه‌ایم جایی که آن را دومین پایتخت زیبای جهان می‌خوانند، در اسلام‌آباد مرز طبیعت و انسان چندان واضح نیست ، گاه درختان و دیوارها در هم فرو رفته‌اند. آسمان را اگر بشکافیم و به سمت اسلام‌آباد برویم یا مسیر زمینی را انتخاب کنیم؛ چشمان‌مان مسحور طبیعت زیبایی خواهد شد که چون بومی هفت رنگ بر پهنه زمین گسترده شده است، شاید انتخاب رنگ سبز و سفید برای پرچم پاکستان نیز از این تلفیق بی‌همانند الهام گرفته شده باشد، نگاهت از سبزی چمن زارها و درختان اسلام آباد که اوج می‌گیرد ناخودآگاه به سفیدی قله‌های پوشیده از برفی می‌افتد که چون ارتشی پولادین صف به صف ایستاده‌اند تا غرور و مردانگی را به رخ هم بکشند.

از شیشه هواپیما که به اسلام آباد نگاه کنیم مربع‌های سبز رنگی را می‌بینیم که توسط خط‌های سیاه رنگ از هم جدا شده‌اند! شهری که انگار مهندسان آن را با خط‌کش رسم کرده‌اند، بدون یک میدان! با هوایی تمیز و در فصول گرم کمی شرجی. تفاوت اسلام‌آباد با بسیاری از پایتخت‌های جهان این است که آن‌ها ابتدا شهر بودند سپس پایتخت شدند! ولی اسلام‌آباد شهر شد تا پایتخت باشد!.

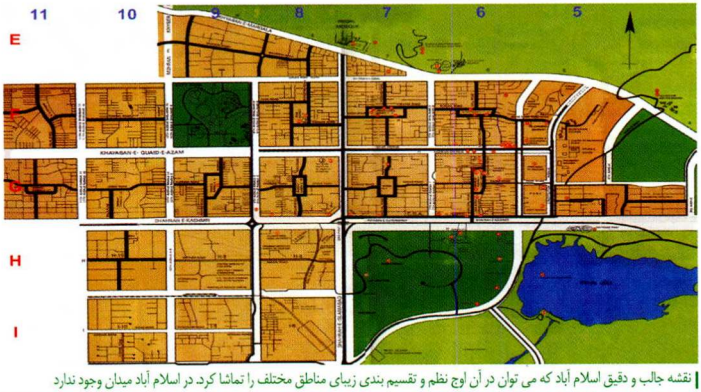
از سال ۱۹۶۷ پایتخت رسمی پاکستان اسلام آباد است، و این شهر زیبا که از یک سو به تپه‌های سرسبز مارگله تکیه کرده و از سویی دیگر به شهر روالپندی می‌رسد پایتخت ملک خداداد است، قوانین خاصی که در اسلام آباد حاکم است مانع از آن می‌شود که ظاهر شهر زیبایی خود را از دست بدهد به طور مثال شهرداری اجازه احداث ساختمان‌های بلندتر از ۳ طبقه را جز در موارد بسیار خاص نمی‌دهد.

فرودگاه بین‌المللی اسلام آباد در سال ۲۰۱۸ افتتاح شده و زمانی که از پله‌های هواپیما پائین می‌آئیم و هوای پایتخت اسلام‌آباد را به ریه‌های خود می‌فرستیم متوجه تفاوت دما میان سکردو و

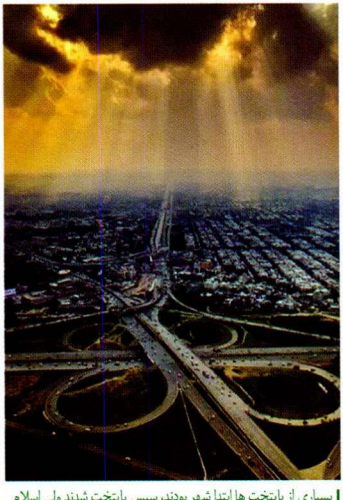
IQBAL FORUM

اسلام‌آباد خواهیم شد، این تفاوت دما در فصول سرد سال بیش از هرزمان دیگری حس می‌شود ولی تو خود می‌دانی که سکردو و اسلام آباد هردو زیبا هستند هرچند جنس زیبایی یکی سفید است و دیگری سبز.

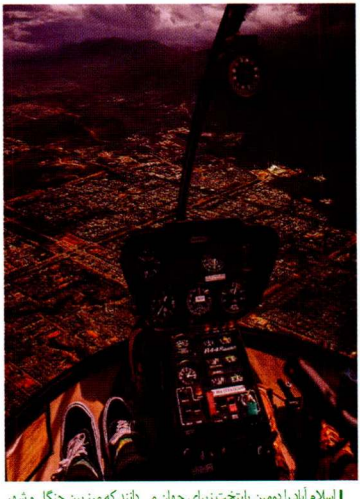
یافتن محل اقامت در اسلام آباد ساده‌ترین کار ممکن است و مسافران می‌توانند به هتل‌های پنج ستاره و لوکسی مانند «سرینا، مریت و پیرل کانتیننتال[1]» یا ده‌ها هتل چهارستاره و سه ستاره و حتی سوئیت آپارتمان های موجود در این شهربروند.



نقشه جالب و دقیق اسلام آباد که می توان در آن اوج نظم و تقسیم بندی زیبای مناطق مختلف را تماشا کرد. در اسلام آباد میدان وجود ندارد



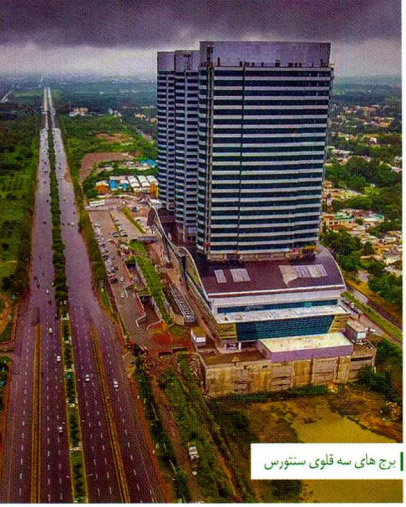
بسیاری از پایتخت ها ابتدا شهر بودند، سپس پایتخت شدند ولی اسلام آباد به وجود آمد تا پایتخت باشد



اسلام آباد را دومین پایتخت زیبای جهان می دانند که مرز بین جنگل و شهر در آن چندان مشخص نیست

۱- نام لاتین هتل‌های پنج ستاره اسلام آباد و راولپندی: Islamabad Serna Hotel- Islamabad Marriott Hotel- Pearl Continental Rawalpindi


نقشه اولیه برج های سنتورس که یک هتل زیبا نیز به شکل مورب در کنار آن قرار داشت


برج های سه قلوی سنتورس

- **برج های سه قلوی سنتورس ترکیب صنعت و هنر**

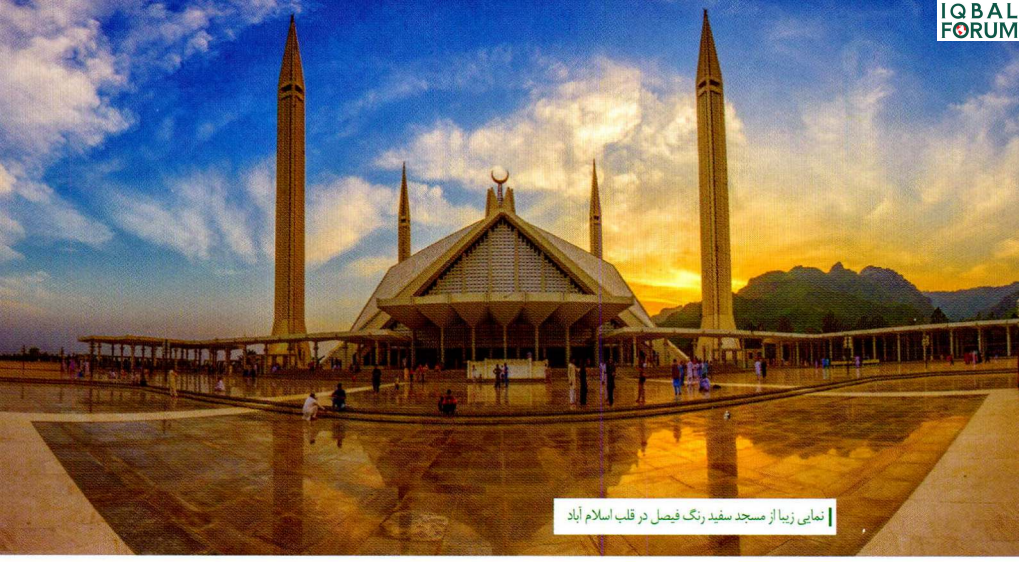
بسیاری از شهرهای پاکستان نمادهایی دارند که ریشه در تاریخ، تمدن و باور مردم آن دیار دارد ولی اسلام آباد تازه نفس و جوان از زمان ولادتش نیاز به نمادی داشت که زیبایی و جلوه‌های کم‌نظیر پیشرفت را در خود گنجانده باشد، این ترکیب سخت تا زمان ساخته شدن برج‌های سه‌قلو و عظیم «سنتورس» بی‌جواب مانده بود ولی افتتاح این مراکزلوکس به تغییرصورت زمینی و هوایی نقشه شهرمنجرشد.

شاید نام سنتورس را پیش از این شنیده باشیم جایی بربام دنیا و روی سقف آسمان ترمه دوزی‌های دست خلقت برروی صفحه تیره فام شب؛ نام این مجتمع زیبا برگرفته از یک صورت فلکی است که نیمی از آن اسب است و نیمی دیگرانسان،[1] این بنا طبق نقشه اولیه آن از سه برج ۲۳ طبقه لوکس که استفاده تجاری و اداری دارند و همچنین یک هتل زیبای ۳۶ طبقه تشکیل خواهد شد. عمومی‌ترین استفاده‌ای که از این مرکز زیبا می‌شود این است که مردم برای خرید نیازهای خود به آن مراجعه می‌کنند، مغازه‌های زیبای این مرکزاجناس مرغوب پاکستانی و کشورهای دیگررا در اختیار مراجعه کنندگان قرار می‌دهند ولی در طبقه‌های فوقانی سنتورس اتفاقات دیگری نیزرقم می‌خورد.

سینماهای چند بُعدی، سالن‌های بزرگ همایش، پارک‌بازی مسقف، باشگاه‌های ورزشی و مراکزمهم اداری همه در سنتورس قرار دارند و به دلیل سهولت دسترسی شهری و همچنین تردد آسان و امن، مورد استقبال گسترده گردشگران و مردم پاکستان قرار گرفته اند. برای گردشگرانی که به پاکستان سفر می‌کنند مراجعه به سنتورس یک پیشنهاد بسیار خوب خواهد بود زیرا به سادگی می‌توانند علاوه بر تفریح، خریدهای مورد نیاز خود را انجام دهند و سوغاتی دل‌خواهشان را از این مراکز تهیه کنند.

ساخت سنتورس هزینه‌ای بالغ بر ۳میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار در برداشته و تلاش شبانه روزی متخصصان طی ۶ سال باعث تکمیل بنای آن در سال ۲۰۱۳ شده است.

۱- قنطورس Centaurus



نمایی زیبا از مسجد سفید رنگ فیصل در قلب اسلام آباد

• مسجد فیصل سراپرده سپید پایتخت

زمانی که از گشت و گذار در برج‌های سنتورس فارغ شدیم کافی است در فاصله ۳ کیلومتری این آسمان خراش‌های زیبا، مسجدی سفید رنگ را جستجو کنیم جایی که معماری آن شباهتی به دیگر مساجد ندارد، مسجد فیصل از فاصله دور چون خیمه‌ای عظیم به چشم می‌آید که چهار ستون بلند آن را از اطراف مهار کرده‌اند، تا پوسته روی آن صیقل یافتگی خود را به رخ بکشد و گوشه گوشه آن پل ارتباط شود میان سنتی‌ترین بناهای اسلامی و مدرن‌ترین آن‌ها.

مسجدی عظیم که ۳۰۰ هزار نمازگزار را در آغوش خود جای می‌دهد و شبستان اصلی آن هر روز میزبان قدوم مسلمانانی است که می‌آیند تا مقابل خالق خویش پیشانی بندگی برسجده خضوع بسایند. ایده ساخت این مسجد زمانی به ذهن دولت‌مردان پاکستانی رسید که «شاه فیصل»[1] به این کشور سفر کرده و تصمیم گرفت بنای این مسجد را از خود به یادگار بگذارد. دولت‌مردان پاکستانی مسابقه‌ای را برگزار کردند تا نام‌آورترین معماران دنیای اسلام طرح‌های خود را ارائه کنند. بزرگ‌ترین طراحان مسلمان مشغول طرح زنی و ایده‌پردازی می‌شوند و ما نیز بربال خیال خود به اتاق کار طراحی می‌رویم که در ترکیه مشغول فکر به این مسجد بزرگ است. «ودات دالوکای» چون ۴۲ طراح دیگر می‌اندیشد که چگونه بهترین طرح را ارائه کند و فضای سنتی و معنوی مساجد اسلامی را به صورت نمادین به انتظارات و ارزش‌های فرهنگی مردم پاکستان گره بزند. او بارها طرح خود را مرور می‌کند و گاه با انداختن گره‌ای در ابروی خود کاغذ مچاله شده‌ای را به سمت سطل زباله پرتاب می‌کند. سرانجام برق چشمانش گواهی می‌دهند که به طرح دل‌خواهش رسیده و مسجدی که در ذهن دارد یک شاهکار واقعی به حساب می‌آید. نتیجه مسابقه که اعلام می‌شود لبخند برلبان دالوکای جوانه می‌زند و با حضور مهندسان و کارگران پاکستانی ساخت یکی از بزرگ‌ترین مساجد جهان زیرنظراو رسما شروع می‌شود. ساخت مسجد فیصل ۱۰ سال تمام طول کشید و بیش از ۱۲۰ میلیون دلاربرای

۱- فیصل بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان که در سال ۱۹۷۵ توسط برادزاده اش ترور شد.

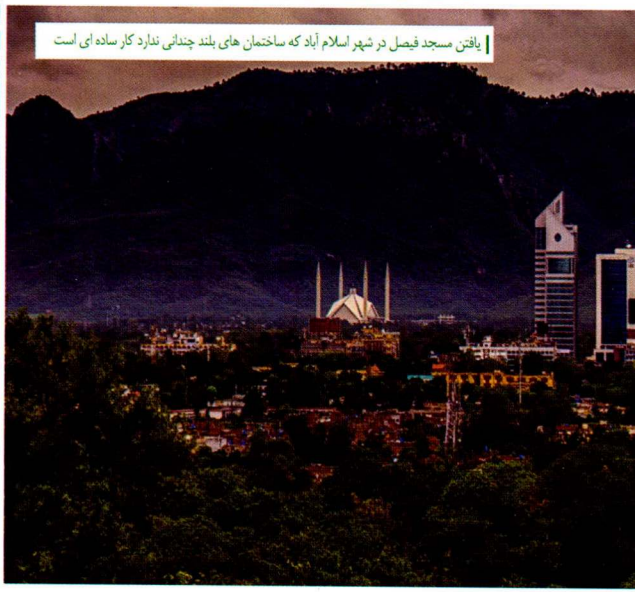
IQBAL FORUM

ساخت بنای اصلی مسجد، و تمام ملحقات آن که شامل دانشگاه، کتابخانه، مرکز همایش، موزه و... می شود هزینه شد.

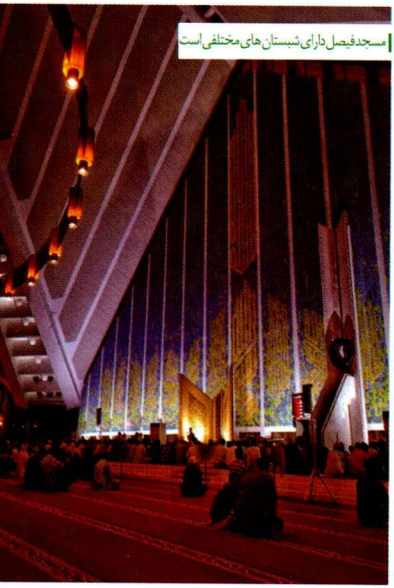
دالوکای در مورد این مسجد می گوید: «من سعی کردم که جوهره، تناسبات و هندسه کعبه را به روشی کاملاً انتزاعی به کار گیرم. نقطه اوج هریک از چهار مناره یادآور چهار گوشه بلند کعبه است و به این طریق با این مناره ها فرم نامحسوسی از کعبه، برمبنای تناسبات آن ایجاد شده است. اگر بالای هر مناره را به صورت مورب به انتهای پایانی مناره مقابل آن وصل کنید، یک هرم مربع القاعده در داخل آن معکب نامرئی مشخص می شود. تراز پایینی این هرم، بدنه صلب مسجد را تشکیل می دهد و آن چهار مناره با نقطه اوج شان، معکب فرضی کعبه را کامل می کنند».

موقعیت مکانی این مسجد بیانگر میزان اهمیت آن است، چرا که قرارگیری آن در یک موقعیت مسطح و مرتفع باعث شده است که بنا، در طول شبانه روز به عنوان یک نشانه شهری شاخص از فواصل بسیار دور نیز قابل رؤیت باشد. مسجد فیصل با ساختار معماری مدرن خود، در مقابل منظر تپه های مارگله یک کوه کوچک یا یک خیمه و سراپرده سفید رنگ عظیم به نظر می رسد که توسط چهار مناره بلند و باریک در چهار گوشه قاب شده است.

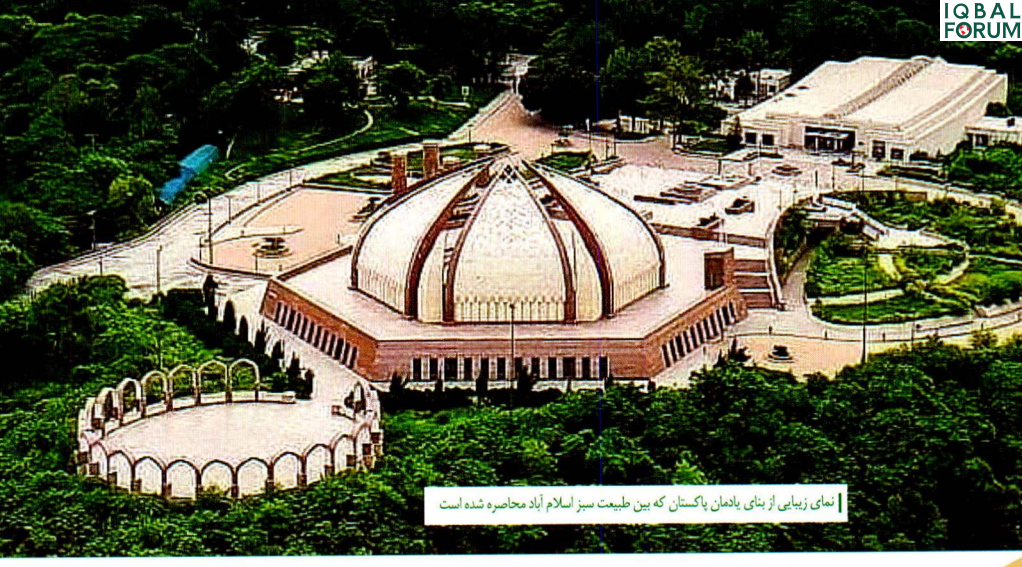
در فضا سازی داخلی مسجد نیز که با تلاش هنرمندان پاکستانی انجام شده تلاش صورت گرفته تا هر چیزی در اوج باشد، سطح خارجی از سنگ مرمر سفید پوشیده شده و از وجود حوض ها و فواره ها در و دیوار مسجد حیات پیدا کرده اند، فواصل شیشه دار ما بین قاب های سقف، نور طبیعی را به داخل سرسرای شبستان اصلی هدایت می کنند و لوسترهای عظیمی با وزن ۶ و نیم تن این نور را تکمیل می کنند. خطاطی دور مسجد نیز هنرنمایی خطاطان مشهور پاکستان است که به تناسب آیاتی از قرآن و روایات نبوی را نقش کرده اند. این بنا علی رغم استفاده از یک معماری مذهبی ساختاری ضد زلزله دارد و حتی برای افرادی که قصد اعتکاف دارند نیز اتاق های ویژه ای در نظر گرفته شده است.



بافتن مسجد فیصل در شهر اسلام آباد که ساختمان های بلند چندانی ندارد کار ساده ای است



مسجد فیصل دارای شبستان های مختلفی است



نمای زیبایی از بنای یادمان پاکستان که بین طبیعت سبز اسلام آباد محاصره شده است

- **یادمان پاکستان، یادگار ارزش‌ها**

پایتخت زیبای پاکستان چُنان عروسی ماه‌روست که هزاران هزار عاشق شیدا دارد و به هر جلوه از دلبری‌اش واله‌ای را سحر می‌کند، یادمان پاکستان نام بنایی دل‌کش در اسلام آباد است که ارزش فرهنگی بسیار زیادی برای مردم پاکستان دارد. از آسمان اسلام آباد اگر به این بنای با شکوه نگاه کنیم دایره‌ای را می‌بینیم که گویی به سمتی سجده رفته است ولی در نمای نزدیک هفت نیم هلال طاق مانند کوچک و بزرگ با نورپردازی خارق‌العاده‌ای دیده می‌شوند که از زوایایی مختلف به سوی مرکزی مشترک خم شده‌اند.

«عارف مقصد» معمار این بنا می‌گوید: آن را شبیه گلبرگ یک گل طراحی کرده‌ام تا نماد اتحاد تمام مردم پاکستان باشد، چهار گلبرگ اصلی(نیم هلال‌های بزرگ) نشان از چهار ایالت رسمی پاکستانی یعنی پنجاب، سند، خیبرپختونخوا و بلوچستان دارد و سه گلبرگ کوچک‌ترنیز وجودشان از مناطق «گلگیت بلتستان، کشمیرآزاد و مناطق قبایلی» حکایت می‌کند.

در سویی دیگراز این بنای با شکوه ستاره و هلال پرچم پاکستان را می‌توانی به نظاره بنشینی که جملاتی از محمد علی جناح و علامه اقبال لاهوری روی آن نقش بسته است. این شاهکار معماری نماد همدلی و اتحاد تمام اقوام پاکستانی است که زیر سایه اسلام گرد هم آمده‌اند و هریک گلبرگ‌های گلی هستند که بدون وجودشان هستی گل و زیبایی آن ناقص است.

رفت و آمدهای عصرگاهی این بنا بی‌دلیل نیست هم مراجعه کنندگان و حتی گردشگران می‌دانند که زیبایی منظره غروب آفتاب از این بنا غیرقابل وصف است، آخرین شعاع نور سرخ و زعفران رنگ خورشید که پشت تپه های سبزپوش مارگَله پنهان می‌شود از لابلای گلبرگ‌های یادمان پاکستان به اطراف سرک می‌کشند و بی‌صدا فریاد می‌زنند که یک روز دیگراز عمر زمین گذشت و مردمی که بُهت زده سینه تفتیده و خوش‌رنگ خورشید را به هم نشان می‌دهند با لبخندی آن را بدرقه می‌کنند.

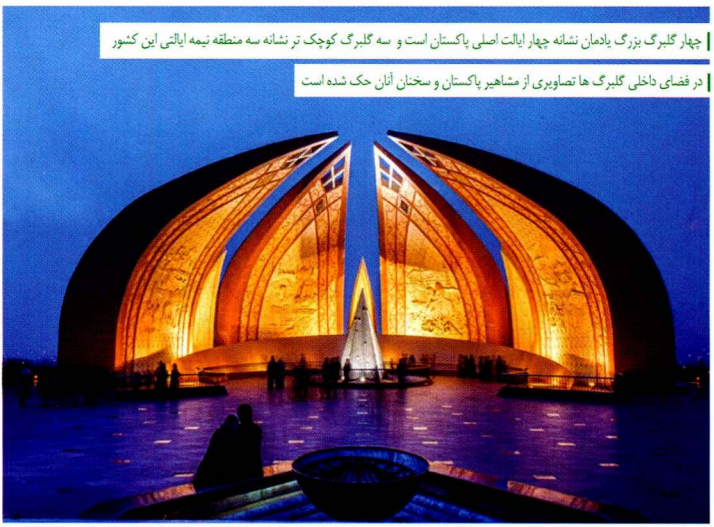
در سمت دیگر این بنا مردمی را می‌بینی که با شتاب از در ورودی موزه تاریخ پاکستان می‌گذرند تا به زبان هنر حکایت تولد این کشور را بشنوند و آن را در ضمیر خود به یادگار بسپارند. در این موزه حوادث مهم تاریخ پاکستان از زمانی که جرقه وجود آن در ذهن علامه اقبال زده شد تا حوادث مهم پس از استقلال در قالب مجسمه‌هایی از جنس موم به تصویر کشیده شده‌اند، مجسمه‌هایی که در ساخت آن‌ها چنان ظرافتی به کار برده شده که هر آن انتظار می‌رود از عمق چشمان خیره بازدیدکنندگان جان گرفته و سِرّ مگوی تاریخ را فاش سازند.

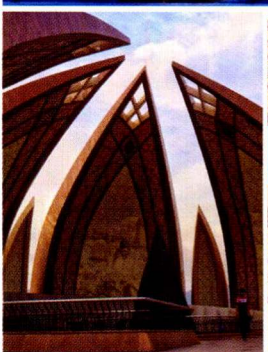
در این موزه می‌توان اشیاء متعلق به سیاست‌مداران نسل نخست پاکستان را مشاهده کرد و در چشم به هم زدنی ده‌ها سال به گذشته سفر نمود. سالن آمفی تئاتر، خانه دوستی چین و پاکستان، کتابخانه فرهنگی و... هم از امکانات یادمان پاکستان هستند که به دلیل فضای سبزدل انگیز پیرامونش میزبان صدها هزار گردشگر در طی سال است.

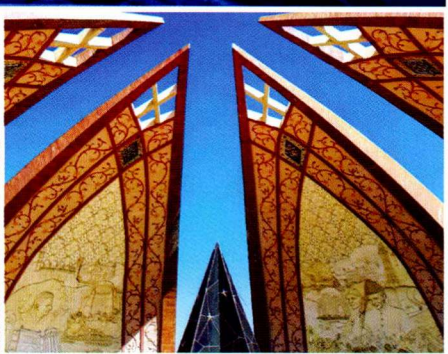
مجموعه یادمان پاکستان در فضایی زیبا و بزرگ به نام «شکر پَریان» قرار دارد و پس از سیر در گوشه و کنار این بنا می‌توان سری هم به پارک ملی و موزه حیات طبیعی پاکستان که در این مکان سرسبز قرار دارد، زد. این مکان زیبا در نزدیک دریاچه راوی بنا نهاده شده و ما نیز در گشت و گذار خود به زودی برای گردش کامل در آن بازخواهیم گشت.

چهار گلبرگ بزرگ یادمان نشانه چهار ایالت اصلی پاکستان است و سه گلبرگ کوچک تر نشانه سه منطقه نیمه ایالتی این کشور

در فضای داخلی گلبرگ ها تصاویری از مشاهیر پاکستان و سخنان آنان حک شده است







IQBAL FORUM



پارک غذایی ملودی محلی برای چشیدن طعم بهترین غذاهای پاکستانی است که محیط زیبا و دل انگیز آن هم مورد توجه ویژه مردم قرار می گیرد



پارک غذایی ملودی

- **وعده‌ای غذا همراه با موسیقی بشقاب و چاقو**

هوا که به تاریکی رفت چشم و چراغ شهرهای پاکستان رستوران‌هایی می‌شوند که روشنایی آن‌ها با هیاهوی مشتریان‌شان در هم می‌آمیزند و سپس در دود و دم سیخ کبابی که بیرون مغازه‌های جلزو ولز می‌کنند گم می‌شوند. رونق رستوران‌های پاکستانی را در کم‌ترکشوری می‌توانی ببینی و شاید یکی از دلایل آن ارزان بودن غذا در پاکستان است.

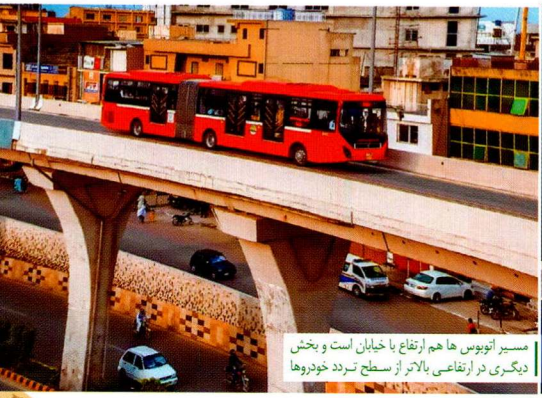
در یک شب زیبا به پارک غذای «ملودی» در نزدیک چهار راه آبپاره اسلام آباد خواهیم رفت جایی که فضا سازی چشم نوازش هربیننده‌ای را محو خود می‌کند و ریتم زیبای برخورد ساطور آشپزان با ظرف‌ها کنسرتی مهیج می‌آفریند. گوشَت که به این موسیقی دل‌نواز عادت کرد می‌بینی که آشپزها با زیرکی به عمد وسایل خود را به صورت ریتمیک برظرف می‌کوبند تا مشتریان را به سمت خود بخوانند.

اگر وارد پارک ملودی شویم پیش از آن‌که چشم‌مان به ده‌ها مغازه فروش غذا بیفتد صدای ضرب‌دار برخورد ساطور به طبق را می‌شنوی که به استقبالت می‌آید، به همین دلیل این مکان را ملودی نامیده‌اند زیرا آشپزها به خوبی می‌دانند که چگونه با صدای ضرب دار ساطورشان مشتری را میخ‌کوب کنند.

اینجا غذای آماده کم‌تر یافت می‌شود و هر غذایی که سفارش دهیم بلافاصله آشپزها پیش چشمان‌مان گوجه و پیازش را تفت می‌دهند و در چشم به هم زدنی آن را در یک ظرف داغ چدنی، با نان تازه پیش رویمان قرار می‌دهند. برای چشیدن طعم بهترین غذاهای پاکستانی از قورمه گرفته تا بریانی و کَرائی کافیست سری به ملودی بزنیم و لذت سفرخود به اسلام‌آباد را تکمیل کنیم.

IQBAL FORUM


مسیر ویژه تردد اتوبوس مترو شهر اسلام آباد


مسیر اتوبوس ها هم ارتفاع با خیابان است و بخش دیگری در ارتفاعی بالاتر از سطح تـردد خودروها

- **حمل و نقل در اسلام آباد**

صبح‌گاهان صدای چکاوکان و مرغ‌های مینا با سوت بلند طوطی‌های سبزرنگ اسلام آباد در هم می‌آمیزند و نوید یک روز زیبا را به مردم پایتخت نشین می‌دهند، مسافرانی که شاید این پرندگان زیبا را تنها در قفس دیده باشند وقتی دسته‌های پرجنب و جوششان را برروی شاخه‌های درختان قد کشیده اسلام آباد می‌بینند دقایقی با چشمان گرد به آن‌ها خیره می‌مانند و سپس با لبخندی به سرو صداهای مفرح‌شان گوش می‌سپارند.

اسلام‌آباد همسایه دیوار به دیواری دارد که رشد و بالندگی را در کنار آن تجربه کرده است. بسیاری از مردمی که محل کارشان اسلام آباد است در شهر راولپندی[1] که فاصله آن تا پایتخت پاکستان حدود ۲۰ متر! یعنی عرض یک خیابان است زندگی می‌کنند. تردد الزامی و زیاد ساکنین این ۲ شهر باعث شده تا مسئولین سیستم اتوبوس مترو راه اندازی کنند که از ساختمان‌های سیاسی اسلام آباد تا بازار مشهور صدر راولپندی را طی می‌کند، برای گشت و گذار در شهر نیز اتوبوس مترو بهترین گزینه است که ایستگاه پایانی آن به فرودگاه بین المللی اسلام آباد می‌رسد.

با سوار شدن در اتوبوس‌های قرمزرنگ این ناوگان که مسیرشان دل شهر را در ارتفاع حدود ۱۰ متری می‌شکافد می‌توانی تمام اسلام آباد و راولپندی را زیر ذره بین نگاه خود بگیری و با طی حداکثر ۲۳ ایستگاه خود را به مقصد نهایی برسانی. ساخت این پروژه ۲۲ کیلومتری که بخش زیادی از آن الزام به تخریب و تملک اراضی خصوصی را در پی داشت در کم‌تر از یک سال انجام شد و ادوات سنگین راه سازی در ۳ شیفت مسیر و ستون‌های جاده ویژه اتوبوس مترو را ساختند تا روزانه نیم میلیون انسان بین این دو شهر جابجا شوند.

۱- شهر راولپندی Rawalpindi که توسط یک خیابان از اسلام آباد جدا می شود.

IQBAL FORUM

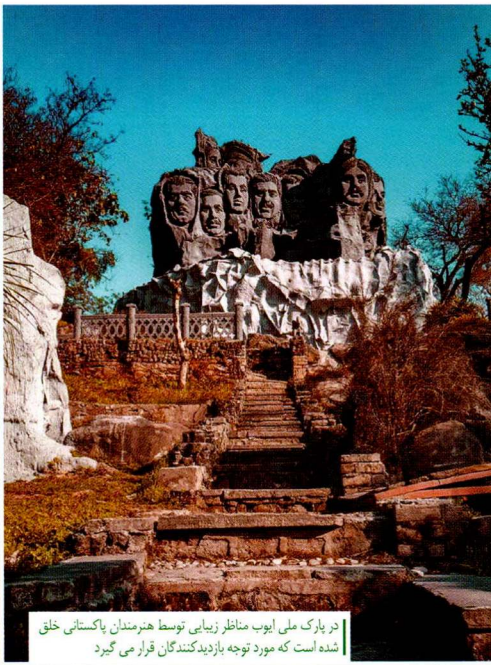
راولپندی به نسبت اسلام آباد پرجمعیت‌تر است و بازارهای مشهوری چون صدر و راجا بازار در قلب آن جا گرفته‌اند. راجا بازار غریب‌نوازی خاصی دارد و نکته عجیب در آن این است که افراد نیازمند می‌توانند ۳ وعده غذای رایگان دریافت کنند. مکان‌هایی که غذای خیریه بین نیازمندان توزیع می‌کنند در راجا بازار به اندازه‌ای زیادند که آن‌ها حتی می‌توانند غذای دل‌خواه خود را انتخاب کنند. مسیر این بازار قدیمی و تاریخی محل عبور دسته‌های عزاداری در ایام محرم است و از انتهای آن می‌توان به لیاقت باغ که شاهد ترور دو تن از نامورترین شخصیت‌های سیاسی پاکستان یعنی «لیاقت علی خان و بی‌نظیر بوتو» بوده است، دسترسی داشت. هر چند لبخندی که اینک بر در و دیوار باغ نقش بسته و البته رفت و آمد مردم، باعث می‌شود تا تاریخ نیز به تردید بر صفحات خویش بنگرد که آیا اینجا همانجا بود؟!

- **پارک ملی ایوب**

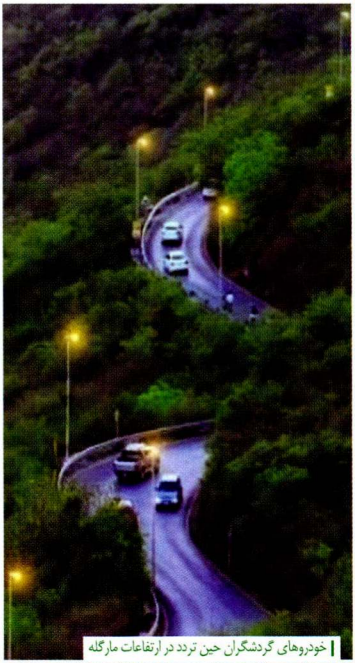
هریک از شهرهای پاکستان را به نامی می‌شناسند؛ اگر مولتان را شهر صوفیان می‌خوانند و لاهور را شهر فرهنگ و باغ های بزرگ، اگر کراچی را شهر روشنایی می‌نامند و پیشاور را دروازه دنیای کهن؛ روالپندی نیز خود را شهر پارک‌های بزرگ می‌داند. اگر ما نیز به نگاهی به چمن‌زارها و آب‌نماهای فراوان و زیبای پارک ملی ایوب بیندازیم حتما با مردم این شهر هم نظر خواهیم شد. یکی از عجایب این پارک زیبا این است که هر چه طبیعت در دامان خود دارد یک‌جا در این پارک جمع شده است از کوه و جنگل گرفته تا رود و دریاچه و حتی حیات وحش متنوع، همه را می‌توان در این گنجینه ملی به تماشا نشست.

دریاچه زیبای این باغ طراوت و شادابی را به روح هدیه می‌دهد و به نگاه کودکانی که با شادی و خنده برای پرندگان غذا می‌ریزند، زندگی می‌بخشد. قایق‌های کوچک وبزرگی که روی سطح آب شناورند چون مرغابی‌ها و قوهای سفید رنگی به چشم می‌آیند که از پی هم روانند ولی هیچ گاه به هم نمی‌رسند. دکه‌های فروش مواد غذایی و فست فود نیز در این پارک فراوانند و شب هنگام رونق زیادی به خود می‌گیرند، درقسمتی دیگر از پارک باغ وحش زیبایی ساخته شده که غالبا پذیرای گروه‌های دانش آموزی و اردوهاست. این پارک محل تفریح خانواده‌های اهل راولپندی به حساب می‌آید و در روزهای تعطیل نظیر جمعه و یکشنبه جمعیت بسیاری در آن موج می‌زنند.

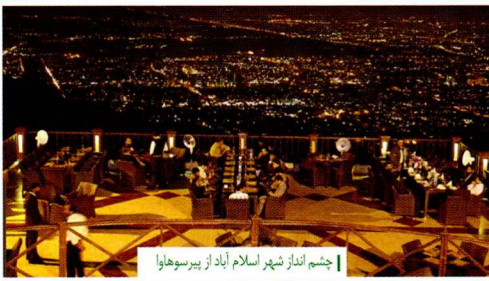
IQBAL FORUM



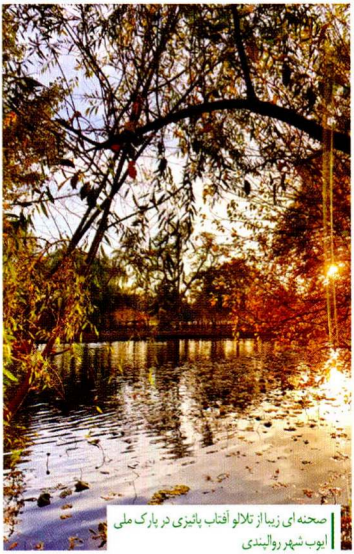
در پارک ملی ایوب مناظر زیبایی توسط هنرمندان پاکستانی خلق شده است که مورد توجه بازدیدکنندگان قرار می گیرد



خودروهای گردشگران حین تردد در ارتفاعات مارگله



چشم انداز شهر اسلام آباد از پیرسوهاوا



صحنه ای زیبا از تلالو آفتاب پائیزی در پارک ملی ایوب شهر روالپندی



میمون های بازیگوش تپه های مارگله که به استقبال گردشگران می آیند

IQBAL FORUM

• مارگله سبزپوش، پیش قراول هیمالیا

به اسلام آباد که بازگردیم می‌توانیم این بار دست از سازه‌های زیبای هنری بشوئیم و بازهم دل به طبیعت بسپاریم و رهسپار ارتفاعات مارگله شویم جایی که سربازانی سبزپوش در یک ردیف سینه سپر کرده‌اند تا ورود به حریم قلل سفید پوش هیمالیا را هشدار دهند.

مرز بین ساخته‌های انسانی و جلوه‌های طبیعی در اسلام آباد چندان واضح نیست و ناگهان در میان چند خیابان به جنگلی پراز درخت می‌رسیم و گاه در حال عبور از جنگلی سرسبز به یک خیابان وسیع و شلوغ. بی‌اغراق رویایی‌ترین قسمت سفربه اسلام‌آباد زمانی است که روح و جان را تسلیم طبیعت کرده و با گذر از منطقه H8 به سرزمین تپه‌های خضرا قدم بگذاریم. اگربخت یارمان باشد و آسمان سخاوت‌مندی کرده و مسیر حرکت‌مان را آب و جارو کند «مارگله» به رویایی‌ترین مسیر زمین مبدل خواهد شد جایی که حصار معنا واژگان را به بند می‌کشند تا نتوانند آن را توصیف کنند.

جاده‌هایی که با شیب کم و زیاد ارتفاع می‌گیرند و راهنمای ما می‌شوند تا از میان درختان انبوه و سرسبز عبور کنیم و آرام آرام به آسمان نزدیک‌ترشویم. همانطور که غرق در زیبایی این جاده باران خورده و هوای لطیف آن هستی بازیگوشی میمون‌ها توجهت را جلب خواهد کرد که دسته‌هایی از آن‌ها همواره لب جاده می‌ایستند و ماشین‌های در حال حرکت را تماشا می‌کنند.

جاده گاهی از سمت چپ مارگله اوج می‌گیرد و گاه از سمت راست، ولی دل انگیزترین صحنه این سفرجایی است که ناگهان از ارتفاع چند صدمتری اسلام آباد زیبا را ببینیم که غرق در آرامش است. شهرداری اسلام آباد اجازه ساخت ساختمان‌های بلند را نمی‌دهد از این رو آسمان خراش‌های سنتورس و مناره‌های مسجد فیصل در میان مناظری که در قاب چشم جا می‌گیرند به تافته‌هایی جدا بافته می‌مانند.

این چشم‌اندازهای بدیع چنان نگاه‌ها را مسحور می‌کنند که قدم به قدم مسافرانی را می‌بینیم که از خودروی خود پیاده شده‌اند و در کنار آبشارهای کوچک و بزرگ مارگله ایستاده‌اند تا با نوازش مایع حیات، مادر طبیعت را برای خلق این همه زیبایی تحسین کنند. یکی دیگراز مناظر رویایی که در مارگله شب هنگام به چشم می خورد، زمانی است که چراغ ماشین‌های در حال حرکت از دور شبیه کرم‌های شب تابی می‌شود که قطار مانند رو به پائین در حرکتند.

مارگله نام منطقه‌ای وسیع است که ۱۲ هزار هکتار وسعت دارد و قلل سبزآن تا ۱۶۰۰ مترارتفاع دارند، این رشته کوه‌ها، آغاز اوج گیری‌های زمین به سمت هیمالیا هستند و از این رو ارزش علمی بالایی نیزدارند.

IQBAL FORUM



در مارگله و دامن کوه رستوران ها چشم اندازی به سوی شهر زیبای اسلام آباد دارند که مناظر بدیعی خلق می کند

- **دامنِ کوه Daman e koh چشم انداز بهشت**

دامن‌کوه اولین توقف‌گاه رسمی مشتاقانی است که قصد دارند دقایقی طولانی اسلام آباد را به نظاره نشسته و گذر زندگی را در آن تماشا کنند. مکانی سرسبز که جان را لبریز از رایحه طبیعت می‌کند و گوش را با موسیقی دل انگیز پرندگان می‌نوازد هم‌زمان که چشم‌ها در خیابان‌های صاف و مناطق منظم اسلام آباد سیر می‌کنند وگاهی با شتاب خود را به سراپرده سفید رنگ فیصل یا بربام سنتورس می‌رسانند؛ گذر زمان است که برسراین گردشگران سحر شده هردم بانگ می‌زند که؛ ای انسان تمام ساخته دستت از بزرگ و کوچک در قاب یک چشم جا شده‌اند! به چه دل خوشی و مغرور؟

دامن‌کوه به قدری بدیع و زیباست که حتی گردشگران خارجی به خوبی آن را می‌شناسند و تلاش می‌کنند تا بهترین تصاویررا از روی آن تهیه کنند. انواع خوردنی‌ها و وسایل تفریحی نیز توسط مردم محلی در این منطقه فراهم شده است تا گردشگران لذت سفرشان را تکمیل کنند. در تمام تصاویری که از اسلام آباد دیده می‌شود دامن‌کوه یا بخشی از تصویراست یا محل گرفتن تصویر!

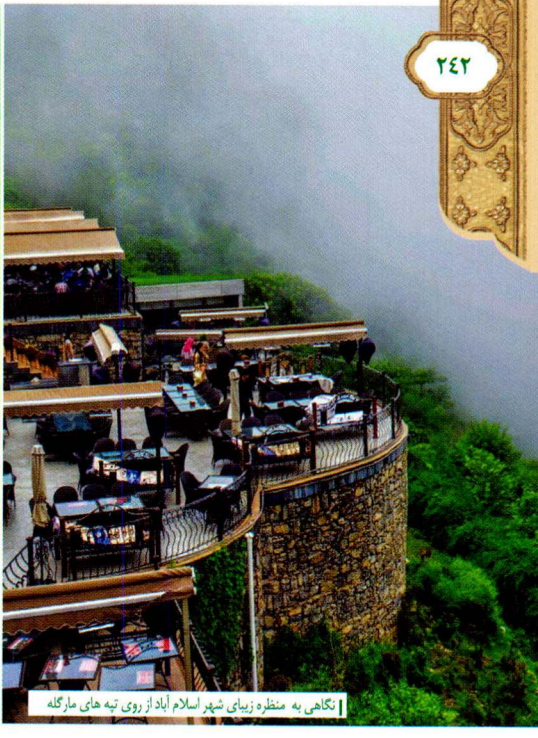
اگر چشم را خوب بگردانی جایی را مشاهده می‌کنی که تعداد از گردشگران کنار هم ایستاده‌اند و از کنار هم سرک می‌کشند تا موقعیت دید خود را بهترکنند، معمولا این گونه گعده‌ها به دلیل نمایش خیره کننده‌ای است که میمون‌های دست آموز در حال اجرای آن هستند، از پشتک زدن تا موتور سواری و دیگر حرکت جالب که باعث سرگرم شدن گردشگران می‌شود توسط این حیوان‌ها انجام می‌شود، در پایان میمون کلاه صاحب خود را می‌گیرد تا بین حضار چرخی بزند و از مواهب آنان که غالبا با خنده همراه است بهره‌مند شود.

بسیاری از گردشگران که قدم به این سرزمین رویایی می‌گذارند دوست دارند در آرامش فراگیرو در آغوش مارگله، شب را بیتوته کنند. تپه‌های مارگله ۳۵ هتل بزرگ، ۲۹۴ رستوران و

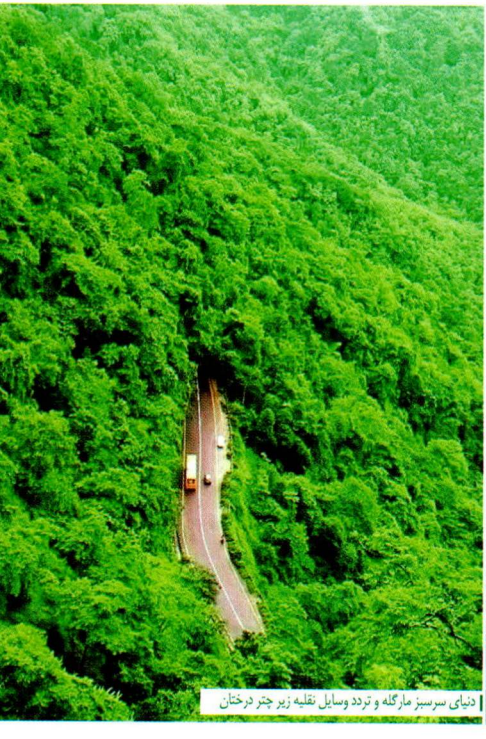
IQBAL FORUM

۷۸ استراحت گاه مجهز دارد و به سادگی می تواند میزبان هزاران گردشگری باشد که روزانه دامنه های سرسبز آن را صعود می کنند. رستوران های مارگله معمولا با فضا سازی زیبا منظره های بدیعی را برای گردشگران خلق می کنند تا از غذای خود لذت ببرند و آن را در دل طبیعت میل کنند.

اگر باز هم همت کرده و رنج تنها ۲ کیلومتر راه را به جان بخری به مکانی خواهی رسید به نام «پیرسوهاوا» که بلندترین نقطه مارگله برای چشم دوختن به اسلام آباد است و می‌توان از ارتفاع هزار و ۱۸۱ متری پایتخت زیبای پاکستان را در قاب چشم جای داد. پیرسوهاوا نیز مکانی بسیار دنج و زیبا برای گردش و تفریح است و به زودی سازمان توسعه گردشگری پاکستان تله کابینی را از دامن کوه تا پیرسوهاوا راه اندازی خواهد کرد که می تواند حضور گردشگران را به شکل قابل توجهی افزایش دهد. در پیرسوهاوا رستوران های بسیار خوبی دیده می‌شوند که چشیدن غذاهای آن ها طعم سفر را کامل می کند.

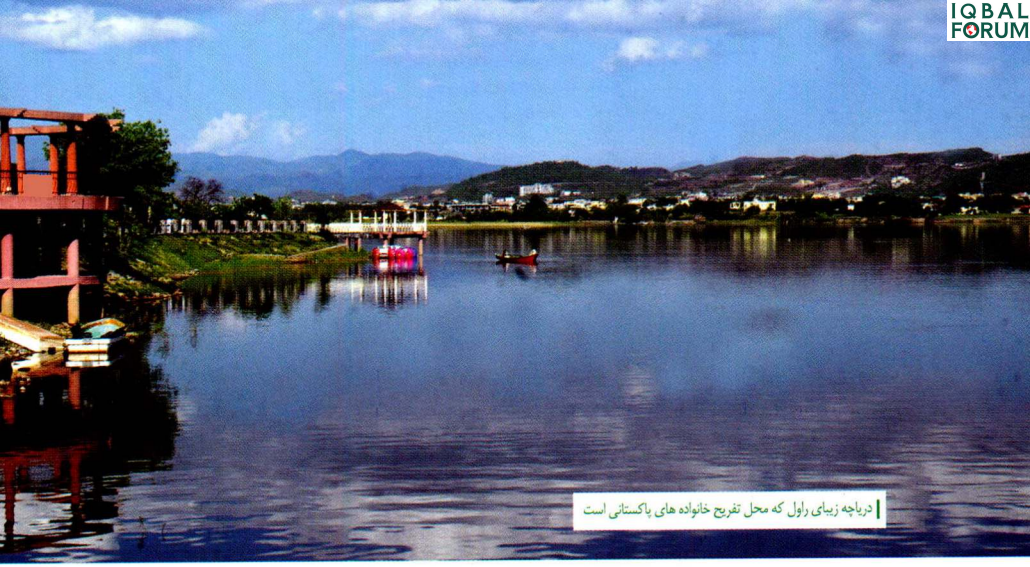


نگاهی به منظره زیبای شهر اسلام آباد از روی تپه های مارگله



دنیای سرسبز مارگله و تردد وسایل نقلیه زیر چتر درختان

IQBAL FORUM



دریاچه زیبای راول که محل تفریح خانواده های پاکستانی است

- **«شِکَرپریان و دریاچه راول» حُسن ختام سفر به اسلام آباد**

بنای باشکوه یادمان پاکستان را که به یاد داری، همان‌گونه که گفتیم این بنای زیبا تنها بخشی از منطقه سرسبز شکَرپریان است. مردم محلی می‌گویند شکَرپریان از دو واژه فارسی «شکر+پریان» تشکیل شده و دلیل نام‌گذاری آن این است که این منطقه زیبایی فراوانی دارد و برای پری‌ها چون شکر است.

منطقه توریستی شکرپریان موزه‌های مختلفی را در خود جای داده و ما قصد داریم به موزه تاریخ طبیعی پاکستان سربزنیم، این موزه بی‌نظیر همه روزه از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۷:۳۰ میزبان گردشگران است.

موزه‌ای که از سال ۱۹۷۶ فعالیت خود را زیر نظر وزارت علوم و تحقیقات پاکستان آغاز کرده است و اینک میزبان ۳۰۰ هزار نمونه مختلف از گیاهان، جانداران و سنگ‌های کوچک و بزرگ است. مسئولین موزه فعالیت خود را به چهار بخش گیاه شناسی، زمین شناسی، زیست شناسی و خدمات عمومی تقسیم کرده‌اند و برای هر بخش هزاران نمونه طبیعی، تصویر سه بعدی، فیلم و مطلب آماده کرده‌اند تا مراجعه کنندگان بتوانند بیشترین بهره را ببرند.

بخش گیاه شناسی:

اگر در تالار گیاه شناسی موزه تاریخ طبیعی پاکستان قدم بزنیم می‌توانیم بیش از ۱۵ هزار نمونه از گیاهان مختلفی که در گوشه گوشه پاکستان و دیگر نقاط جهان رشد می‌کنند را ببینیم و اطلاعات جامعی در مورد آن‌ها دریافت کنیم.

راهنمای موجود در موزه اطلاعات کامل‌تری را دسته بندی کرده و به گروه‌های مختلف که بیشتر آن‌ها دانش‌آموز، دانشجو و محقق هستند می‌دهد تا با گونه‌هایی که ارزش علمی و تاریخی زیادی دارند آشنا شوند.

IQBAL FORUM

بخش زمین شناسی:

در این بخش نیز می‌توان نمونه‌هایی بسیار زیبایی از سنگ‌های آذرین، رسوبی و حتی فسیل‌ها را مشاهده کرد که به منظور تحقیق و آموزش عمومی توسط دانشمندان جمع آوری شده‌اند، محققان این بخش به طور منظم به مناطق مختلف پاکستان سفر می‌کنند و نمونه‌های ارزشمندی را گرد می‌آورند تا در موزه از آن‌ها محافظت شود و دانشمندان در تحقیقات خود از آن‌ها استفاده کنند. این بخش از سال ۱۹۷۶ همکاری‌های خود را با پروژه‌های بین‌المللی علمی و دانشگاه‌های معتبر جهان نظیر هاروارد، زوریخ و کمبریج آغاز کرده است.

بخش زیست‌شناسی و جانوران:

زیست‌شناسی و مطالعه بر روی جانوران از جمله موضوعاتی است که حتی کودکان هم به آن علاقه نشان می‌دهند و به همین دلیل این تالار از پرطرفدارترین بخش‌های موزه به حساب می‌آید، صدها نمونه از جانوران نایاب و بزرگ و کوچک که در پاکستان و دیگر نقاط جهان از رشته‌های کوه‌های آلپ گرفته تا شرق آسیا زندگی می‌کنند در این موزه جمع‌آوری شده‌اند تا مرجع کاملی برای محققان باشند. در بین نمونه‌های خشک شده حشرات، ماهی‌ها و پستانداران برخی بیش از بقیه مورد توجه بازدید کنندگان قرار می‌گیرند به طور مثال بزرگ‌ترین کوسه نهنگ جهان یکی از آن‌ها است.

بزرگ‌ترین کوسه نهنگ جهان

این موزه میزبان نمونه خشک شده بزرگ‌ترین کوسه نهنگ جهان است که وزنی بالغ بر ۱۶ تن داشته و تنها معده آن حدود ۸۰۰ کیلوگرم بوده است. این موجود ارزشمند ۱۳ متر طول دارد و در سال ۲۰۱۲ در بندر کراچی یافت شده است.



بزرگترین کوسه نهنگ جهان با وزنی بالغ بر ۱۶ تُن در موزه تاریخ طبیعی پاکستان

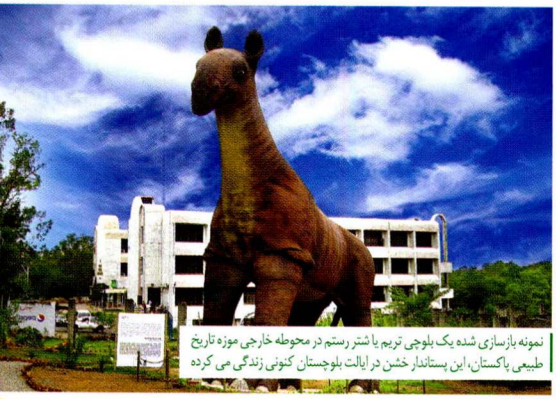


محققان پس از کشف استخوان های حیوانی که مردم محلی آن را شتر رستم نامگذاری کرده بودند دریافتند که در اصل این حیوان یک نوع کرگدن بوده است

IQBAL FORUM



بلوچی تریم یک نوع کرگدن بوده و بزرگترین پستاندار تاریخ نیز شناخته می شود



نمونه بازسازی شده یک بلوچی تریم یا شتر رستم در محوطه خارجی موزه تاریخ طبیعی پاکستان، این پستاندار خشن در ایالت بلوچستان کنونی زندگی می کرده

نمونه بازسازی شده بزرگ‌ترین پستان‌دار تاریخ

در موزه ملی تاریخ طبیعی پاکستان می‌توان ردی از شتررستم یا بزرگ‌ترین پستان‌دار جهان نیز یافت. در کنار نمونه بازسازی شده این جانور می‌توانیم به تاریخ سفر کنیم و ۲۵ میلیون سال به عقب بازگردیم این جا بلوچستان است و قرار است سال‌ها بعد بزرگ‌ترین ایالت کشوری به نام پاکستان باشد. ولی در حال حاضر یگانه قلمرو بزرگ‌ترین پستان‌دار جهان است و به هرطرف نگاه می‌کنید غولی عظیم الجثه را می‌بینید که ۶ مترقد و بیش از ۲۰ تن وزن دارد. این حیوان گیاه‌خوار بوده و غذای آن روزانه بیش از ۲ تن گیاه است. بزرگ‌ترین فیل‌ها و ماموت‌ها در مقابل آن بسیار کوچک و ضعیف هستند و این امپراتور بدون رقیب از بسیاری دایناسورها هم بزرگ‌تراست.

«بلوچی تیریم» نام این پستان‌دار فوق‌العاده و زیبا است که امروزه کشف کرده‌اند در اصل یک کرگدن بدون شاخ بوده است. مردم محلی بلوچستان سال‌ها تصور می‌کردند که «بلوچی تیریم»یک شترعظیم بوده و به آن شتررستم می‌گفتند. درسال ۱۸۵۹ میلادی (۱۲۳۸ خورشیدی) هنگامی که انگلیس در صدد احداث خط تلگراف بین لندن و بمبئی بود در بلوچستان پاکستان از پیدا شدن استخوان‌های یک شترغول پیکر که مردم محلی آن‌را متعلق به رستم می‌دانستند باخبرشد. طبق حکایت‌های مردم محلی، رستم در نبرد با کُک کوهزاد این شتررا به غنیمت گرفته بود.

درسال ۱۹۱۰ میلادی (۱۲۸۹ خورشیدی) یک محقق انگلیسی به نام کوپرراهی مکانی به نام دِرابوگتی (به معنی درخت زندگی) در تپه‌های بوگتی شد. جایی که روستاییان آن استخوان‌ها را یافته بودند. او انتظار داشت که این شترغول پیکریک دایناسور باشد. اما در نهایت ناباوری، او استخوان بزرگ‌ترین پستان‌داری که تا کنون برروی زمین گام برداشته است را شناسایی نمود. کوپرنام این جانور را «هیولای بلوچی» نامید. این جانور پرخاش‌گرو خشن حدود ۱۰ میلیون سال پیش به دلیل تغییرات بنیادین آب و هوا منقرض شده است ولی مراجعه کنندگان به موزه تاریخ

IQBAL FORUM

طبیعی پاکستان می‌توانند یک نمونه بازسازی شده آن را با ابعاد واقعی در فضای باز خارج از موزه مشاهده کنند که از دوران کهن داستان‌های شگرفی نقل می‌کند.

از موزه که خارج شویم می‌توانیم در فاصله ۱۰ کیلومتری آسمانی آبی رنگ را در دل سبزه‌زارهای اسلام آباد بیابیم و سوار برقایق خود را به امواج آرام دریاچه راول بسپاریم.





نمای بیرونی موزه تاریخ طبیعی پاکستان



نمونه بازسازی شده حیوانات ماقبل تاریخ در موزه تاریخ طبیعی پاکستان



انواع شاخ گوزن و دیگر حیوانات شاخ دار در موزه تاریخ طبیعی پاکستان



تالار حیات وحش موزه که در آن موجودات مختلف به نمایش در آمده اند و در مورد هر یک مطالب مفیدی بیان می شود

IQBAL FORUM



غروب زیبای دریاچه راول و گلگون شدن آب که از زیباترین مناظر طبیعی اسلام آباد به حساب می آید

- **دریاچه راول قلب تپنده حیات اسلام آباد**

از کناره جاده مری[۱] رسیدن به دریاچه راول ساده‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد، کافی است تا نزدیک خروجی شهر اسلام آباد حرکت کرده و سپس خودرو را در مکانی مناسب پارک کنیم، رنگ سبز یک دستی که دیگر چشمانمان به دیدن آن در اسلام آباد عادت کرده اند بازهم به استقبالمان می آیند.

پیش از آن‌که میهمان آبی زلال آسمان که در راول جلوه‌گری می‌کند بشویم فضای سبز زیبایی را پیش روی خود می‌بینیم که انواع تفریحات جالب و پراز هیجان در آن آماده شده است. از پیست کارتینگ که در آن خودروهای زیبای کارتینگ آماده هستند تا ما را به دنیای مسابقات هیجان انگیز هدایت کنند تا پارک تفریحی ویژه کودکان همچنین رستوران‌های مختلفی نیز در این فضای زیبا آماده شده‌اند تا از میهمانان پذیرایی کنند.

خانواده‌ها می‌توانند از بازی پینت بال در کنار هم لذت ببرند و در صحنه نبردی که توسط مسئولین این مجموعه طراحی شده است آدرنالین خون خود را افزایش دهند. پیش از رسیدن به دریاچه راول، می‌توانیم سری به پارک زیبای پرندگان این مجموعه بزنیم وسپس در مرز میان سبزی به رنگ زندگی و آبی آسمان به تماشای یکی از زیباترین مناظر پاکستان بپردازیم.

راول نام یک دریاچه مصنوعی است که تقریبا ۹ کیلومترمربع وسعت دارد و برای تامین آب شرب مردم اسلام آباد و راولپندی ساخته شده است، این دریاچه از آب رودهای کوچک و بزرگی که از مارگله به سمت اسلام آباد سرازیر می‌شوند پر می‌شود و سپس خود سرچشمه رودی به نام «کورنگ» می‌شود. در کناره دریاچه راول هرنوع، تفریح آبی که به ذهن برسد را می‌توان یافت و از آن لذت برد، از موج سواری گرفته تا قایق سواری با قایق‌های پارویی و موتوری، جت اسکی و غواصی. قایق‌های دونفره پدالی نیز از تفریحاتی است که زوج‌های جوان به آن علاقه خاصی نشان می‌دهند.

۱- نام لاتین آن Murree road می باشد.

IQBAL FORUM

آب نیلگون این دریاچه با هربار حرکت پارو قایق شما را به سوی مرکز این جلوه بی‌نظیر پیش می‌برد و هرچه از کناره آب فاصله بگیریم آرامش را در دل طبیعت بیشتر می‌یابیم. هرکس به راول رفته زیبایی منظره غرق شدن خورشید در پهنه غربی این دریاچه را غیرقابل توصیف می‌داند. گوی آتشین و بزرگی که از فرط خشم آب راول را هرروز به آتش می‌کشد و زمانی که دیگر غرق شدن آن قطعی شد تمام دریاچه را سرخرنگ می‌کند تا با هر موج انسان تصور کند که این شعله‌های آتش‌اند که در دل راول زبانه می‌کشند، و کمی دورتر تپه‌های سرسبز مارگله را می‌بینی که ناظر این رویارویی همیشگی هستند.

حیات وحش اطراف دریاچه راول نیز طرفداران خاص خود را دارد، به آسانی می‌توان در اطراف دریاچه انواع مورچه خوار، سمور، مار، گونه‌های مختلف روباه و... را نیز یافت ولی در فصول سرد سال پرندگان مهاجر فراوانی از جمله پلیکان‌ها و انواع لک‌لک‌ها به سمت راول مهاجرت می‌کنند تا زیبایی‌های آن را چند برابر کنند.

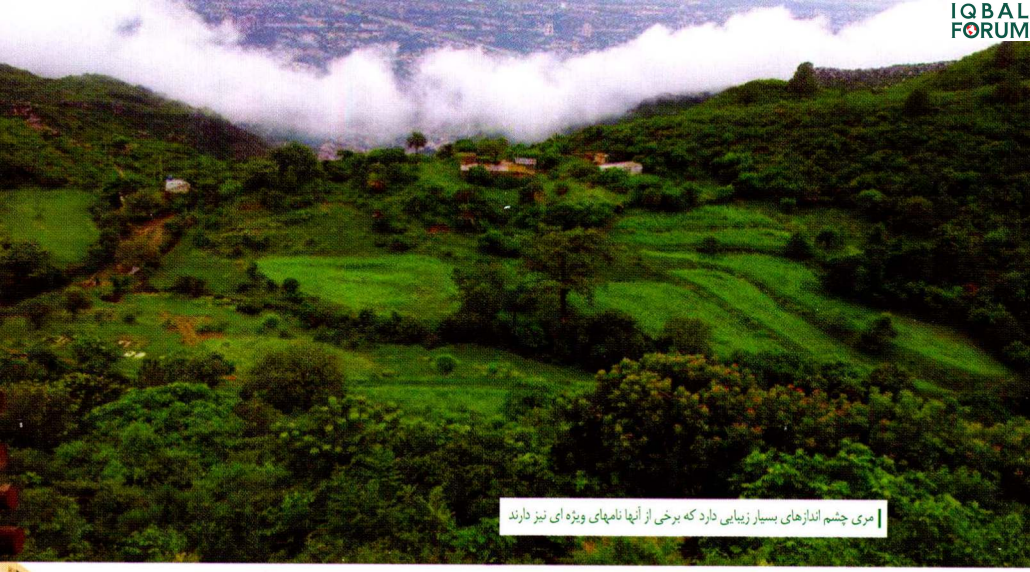
گشت و گذار در اطراف دریاچه راول آخرین ساعات حضورمان در اسلام آباد زیبا خواهد بود که سخاوت‌مندانه هرچه داشت در طبق اخلاص گذاشته و پیش روی میهمانانش قرار داد. مقصد بعدی کجاست؟ اگر هنوز جلوه‌های با شکوه طبیعت عطشت را کم نکرده و میل به دیدن مناظری شگفت انگیزداری روزی دیگر به دیدار «ملکه کوهستان» خواهیم رفت.

«مَری» ملکه کوهستان

حیا و نجابت ملکه بی‌مثال کوهستان را که غرق در زیبایی است لبریز از خود کرده و مَری مهربان و زیبا خود را در حصار کوه‌هایی که به هیمالیا ختم می‌شوند مخفی کرده است، اگر قصد پای گذاشتن بر این سرزمین رویایی را داشته باشیم باید اسلام آباد زیبا را به سمت مرز پنجاب و کشمیر آزاد ترک کنیم. سه مسیر برای رسیدن به مری پیش روی ماست افرادی که عاشق هیجان هستند و وسیله سفر در دل رودخانه‌های زلال و جاده‌های کوهستانی را دارند می‌توانند از طریق تپه‌های مارگله پس از حدود ۴ ساعت سفر به مری برسند، راه ساده‌تر رسیدن به مری از طریق جاده اصلی آن است که از دو مسیر «جاده مری و جاده کشمیر» به این شهر کوهستانی منتهی می‌شود و تقریبا یک ساعت و چهل دقیقه سفر را برای ما به همراه خواهد آورد.

توصیف تمام زیبایی‌های طبیعی مری کار ساده‌ای نیست و یک روزنامه‌نگار آمریکایی به نام «camil» در مورد آن می‌گوید: هرچه تصور کنی در مری رخ می‌دهد، جوآن سرشار از عشق است، دم و بازدمت فانتزی‌های بی‌تکراری هستند، جاده‌های پرپیچ و خم همراه تو به شادی می‌پردازند و بهشت و زمین را در آغوش مهربان خود می‌فشارند، در مری عاشق شدن چه ساده است...»

ملکه بی‌همتای کوهستان در بهار و تابستان حریری سبز به تن می‌کند در پائیز ترجیح می‌دهد خزی نارنجی رنگ براندام داشته باشد و سراسر زمستان را زیر روپوشی سپید رنگ سپری می‌کند،



مری چشم اندازهای بسیار زیبایی دارد که برخی از آنها نامهای ویژه ای نیز دارند

علت نام‌گذاری مری چندان روشن نیست ولی اولین بار سربازان انگلیسی در قرن ۱۸ آن را تبدیل به پایتخت تابستانه فرمانده ایالت پنجاب کردند. مسئولین کلیسای لارنس که در این منطقه واقع است معتقدند آرامگاه حضرت مریم« علیها السلام» در این منطقه قرار دارد و به همین دلیل آن را مری[1] نامیده‌اند. متوسط ارتفاع مری ۲ هزار ۹۰۰ متر از سطح دریا است و در شمالی‌ترین نقطه ایالت پنجاب قرار دارد، جاذبه‌های گردشگری فراوان مری باعث شده تا شهرتی جهانی پیدا کند و در فصول گرم سال میزبان ده‌ها هزار نفر از عاشقان طبیعت باشد.

شهر مری:

برای گردش در مری بهتر است ابتدا خود را به این شهر برسانیم و گشت‌وگذاری در بازار مشهور آن داشته باشیم، این بازار که متشکل از صدها مغازه مختلف است محل عرضه صنایع دستی نقاط مختلف پاکستان است و نزد گردشگران محبوبیت فراوانی دارد. اگر کسی قصد داشته باشد در شهر مری اقامت کند به سادگی می‌تواند در همین راسته هتل دل‌خواه خود را بیابد.

رستوران‌های فراوانی در جاده‌های مری قرار دارند که کانون فعالیت‌شان داخل شهر مری است، «رستوران پیاز قرمز» زنجیره‌ای از فست فودها است که در سراسر جهان شعبه دارد و مری نیز میزبان یکی از شعب آن است. در این رستوران می‌توان پیتزاهای بسیار خوبی سفارش داد، «زعفران» نامی ایرانی برای زنجیره‌ای دیگر از رستوران‌های مری است که غذاهای ملی و بین‌المللی ارائه می‌کند. سالن این رستوران بسیار زیبا است و مکانی لوکس به حساب می‌آید، این رستوران در پیچ‌وخم جاده‌های مری نیز شعبه دارد و می‌تواند در آلاچیق‌های خود از ما با انواع غذاهای پاکستانی پذیرایی کند. رستوران‌هایی چون نمک‌مندی، آنگتی و.. نیز طرفداران بسیاری دارد و برای سفارش غذا معمولا باید در صف ایستاد.

۱- برگرفته از نام Mary (مریم مقدس)

IQBAL FORUM



جلوه ای از طبیعت زیبای زمستانی مری



بسیاری از گردشگران مسیر صعودی قله های سبزپوش مری را با استفاده از تله کابین های متعدد منطقه طی می کنند

شهرمری میان کوه های سرسبزواقع شده و هوای کوهستانی آن طراوت و شادابی را به انسان هدیه می‌دهد، ولی گردشگران برای گردش و تفریح در نقاط خارج از شهرهمواره بی‌تاب‌ترهستند.

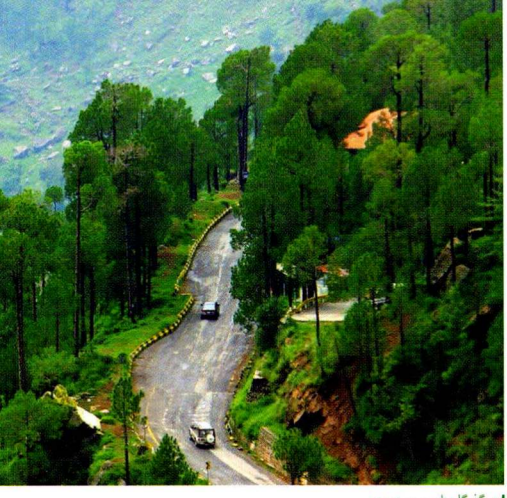
پنجره‌ای به سمت راولپندی:

در ۳ کیلومتری شهرزیبای مری نقطه‌ای رویایی وجود دارد که مردم آن را «Pindi Point» می‌نامند، این مکان سرسبزنقطه اوج قله‌هایی است که در غرب مری وجود دارند و از بالای آن می‌توانیم به سادگی شهرراولپندی و اسلام آباد را که برزمین سخاوت‌مند پنجاب گسترده شده‌اند در فاصله ۶۵ کیلومتری مشاهده کنیم.

پیاده روی در این مسیرسرسبزو خنک که صدای نغمه خوانی پرندگان در سرتاسرآن به گوش می‌رسد یکی از جذاب‌ترین انتخاب‌های گردشگران است و ما نیزبا گام‌های این طبیعت دوستان همراه خواهیم شد، البته افرادی که پیاده روی را انتخاب می‌کنند می‌دانندکه در بین مسیرصدها رستوارن و استراحت‌گاه آماده هستند تا با غذاها و نوشیدنی‌های مشهور خود از آنان پذیرایی کنند. درختان بلند و سرسبزی که از دو طرف برجاده منتهی به pindi point چترمهربانی انداخته‌اند مانع از آن هستند که آفتاب پنجاب برگردشگران بتابد و همین باعث می‌شود تا خنکای این کوهستان زیبا حتی در دل تابستان کاملا حس شود.

پیاده‌روی تنها راه رسیدن به اوج این قله‌ها نیست، می‌توان از وسیله نقلیه استفاده کرد ولی بهترین راه که توسط اکثرخانواده‌ها انتخاب می‌شود استفاده از دو تله کابینی است که در این راه قرار داده شده اند. سفر در تله‌کابین به منزله قرار گرفتن برفراز آسمان است، آسمانی که سقفش آبی رنگ است و زمینش پوشیده از درختانی سبزرنگ. هرکس این مسیررا برای رسیدن به نقطه مقصد انتخاب کند در پایان خاطرات بسیاری از آنچه به چشم دیده خواهد داشت تا برای دوستانش تعریف کند.

IQBAL FORUM





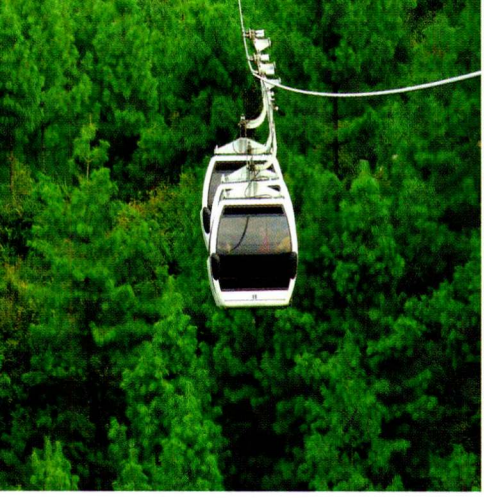
در مری بسیارند هتل هایی که پنجره آنها به روی زیباترین مناظر طبیعی باز می شود | در گذرگاههای سرسبز مری

- **پنجره ای به سوی بهشت کشمیر**

مناطق سرسبز و رویایی کشمیر آزاد نیز پیش گام‌هایت قرار خواهند گرفت اگر از مری تنها ۲ کیلومتر به سمت شمال حرکت کنی. نقطه زیبایی که آن را Kashmir Point می‌نامند مرتفع‌ترین نقطه مری به سمت کشمیر است. دسترسی از طریق پیاده‌روی یکی از گزینه‌های آسانی است که مورد استقبال تمام گردشگران به خصوص افرادی که Pindi point را دیده باشند قرار می‌گیرد. با این حال قطار کوچکی نیز وجود دارد که علاقه‌مندان را تا بالاترین نقطه منطقه خواهد رساند.

در کنار این قله بی‌همانند برکه زلالی وجود دارد که آب خنک آن حتی در فصل گرم سال دست را بی‌حس می‌کند. این منطقه پارک زیبایی را نیز در خود جای داده است که محل بازی و تفریح کودکان است و البته بزرگ‌ترها نیز می‌توانند از تفریح در زمین گلف لذت ببرند. اقامت در کلبه‌های چوبی و جنگلی فراوانی که در این منطقه وجود دارند نیز از پیشنهادهای همیشگی تورهای گردشگری برای مشتاقان است و معمولا با استقبال گرم آنان مواجه می‌شود. مری میزبان ده‌ها گونه از حیوانات است، از پلنگ کمیاب هیمالیایی تا سنجاب و میمون و ... همه در دل مری خانه دارند و بازیگوشی‌های آن‌ها سفر را در دل مری جذاب‌تر می‌کند. این مکان برای ما اهمیت زیادی دارد زیرا از این نقطه می‌توانیم مقصد بعدی سفرمان را نیز مشاهده کنیم هرچند سیر ما در اطراف مری همچنان ادامه خواهد داشت.

IQBAL FORUM





پاتریاتا در امتداد مسیری قرار دارد که پنجاب را به کشمیر آزاد وصل می کند | تله کابین منطقه بهشتی پاتریاتا و طبیعت سحرانگیز منطقه

پاتریاتا نگین سبزمری

اطراف ملکه کوهستان را ده‌ها حوری سبز پوش گرفته‌اند که هر یک چشم و چراغ مناظر منطقه هستند ولی پاتریاتا نگین سبزرنگی است که گوی سبقت از رقبایش ربوده است. برای رسیدن به این روستای زیبا باید ۱۸ کیلومترمری را به سمت مظفرآباد طی کنیم. دست مهربان طبیعت سبزی پاتریاتا را پررنگ‌تر از روستاهای اطرافش نقاشی کرده و همین باعث می‌شود تا در هر فصل از سال تعداد زیادی گردشگر را ببینیم که مشتاقانه به این منطقه سفر کرده‌اند تا از مواهب طبیعت بهره‌مند شوند.

ارتفاعات پاتریاتا حدود ۲۳۰۰ متر بالاتر از سطح دریاست و وجود تله کابینی زیبا که مسافران را تا نقطه اوج این منطقه همراهی می‌کند باعث شده سالانه هزاران گردشگر به این منطقه سفر کنند. در مورد علت نام‌گذاری این منطقه می‌گویند روزی عده‌ای توریست اروپایی به این منطقه آمدند و چون نام آن را نمی‌دانستند از یک زن که پسرش را در آغوش گرفته بود نام این منطقه را پرسیدند. آن زن که تصور کرد توریست‌ها سوال می‌کنند چه در آغوش داری به زبان پنجابی پاسخ داد «پوتّر، آتا»[1] این باعث شد تا این منطقه زیبا توسط توریست‌های اروپایی پاتریاتا نام‌گذاری شود.

منظره پاتریاتا در فصل پائیز کاملا نارنجی می‌شود و درختان سر به فلک کشیده آن یک دست‌تر از قبل می‌شوند، طبیعت این منطقه نیز بسیار زیباست و زیستگاه انواع گونه‌های حیات وحش به حساب می‌آید. بیش از هر چیز بازی میمون‌ها در ارتفاعات درختان توجه مردم را جلب می‌کند، میمون‌هایی که گاهی برای بازی با گردشگران به چند قدمی آن‌ها می‌آیند.

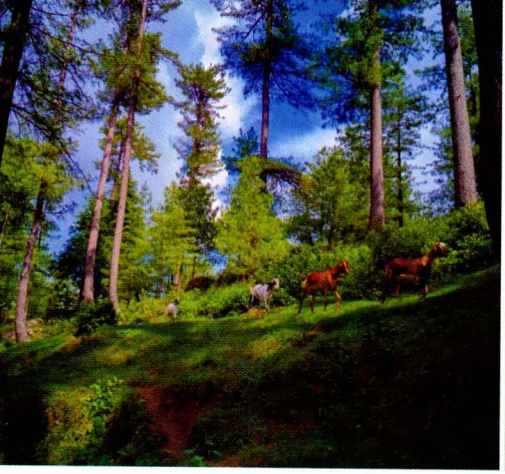
رستوران‌ها و کافه‌هایی که در مسیر گردشگران قرار دارد رونق بسیار زیادی دارند و به خصوص در فصل تابستان چراغ مغازه‌ها تا دیروقت روشن است تا از مسافران پذیرایی کنند. برای گذراندن شب در مری کار سختی پیش رو نداری و کافی است هتل مورد نظر خود را از

۱- به معنای: «پسرم و آرد»

IQBAL FORUM



جلوه ای با شکوه از طبیعت سرسبز پاتریاتا



طبیعت زیبای پاتریاتا در یک نگاه

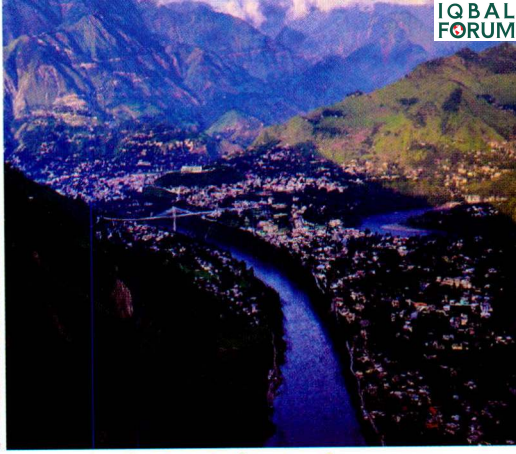
ده‌ها گزینه‌ای که پیش رو داری انتخاب کنی تا لذت گشت و گذار روز خود را در سکوت مبهم و آرام شب این منطقه زیبا کامل کنی. صبح‌گاهان که پرندگان نغمه می‌خوانند و برگ گل‌های مری ژاله می‌افشانند فرصتی است تا بیدار شده و بازهم در طبیعت بی‌همانند پاکستان گردش کنیم.

این بار به سرزمینی قدم خواهیم گذاشت که پادشاهان پیشین آن را بهشت خوانده‌اند و زیبائی‌های آن را چنان ستوده‌اند که گوئی لحظه‌ای پرده‌های حاکم بر جهان از پیش چشمان‌شان کنار رفته و فردوس برین را به چشم دیده‌اند. پادشاهان مغول که برای اولین بار قدم به این سرزمین گذاشتند چشمان گرد شده خود را برعروس بی‌همتای طبیعت آن دوخته و به تحیربردفترتاریخ حک کردند که اگربهشتی روی زمین است اینجاست.[1]

کشمیرنام این سرزمین زیباست که بخشی از آن در قلمرو مرزهای پاکستان قرار دارد و هرچند به صورت رسمی ایالتی از این کشور نیست و منطقه‌ای آزاد تلقی می‌شود ولی مردم آن تابعیت پاکستانی دارند و این بخش به «کشمیرآزاد» شهرت دارد. کشمیرسرزمین رودهای خروشان، کوه‌های سربه فلک کشیده، برکه‌های صاف و زلال، جنگل‌های سبزپوش، مهد تمدن و فرهنگ دنیای باستان و سرزمینی پررمزو راز است که حیات در آن بی‌بهانه جوانه زده و برزمین آن برکات آسمانی افشانده است. مظفرآباد پایتخت کشمیرآزاد است و اولین مقصد سفرمان در این منطقه زیبا خواهد بود، تردد برای اتباع غیرپاکستانی در کشمیرقدری سخت است و باید پیش از سفربه کشمیرمجوز دریافت کنند.

۱- این جمله از شاه جهان پادشاه مغول در تاریخ مشهور است.

IQBAL FORUM



شهر زیبای مظفرآباد مرکز منطقه کشمیر آزاد است



دیواره های قطور قلعه سرخ آن را از گزند حملات دشمنان محفوظ نگاه می داشت

- **کشمیر چلچراغ بهشت**

از مری تا مظفرآباد مسیرچندان دور و دراز نیست و اگر جاده کوهستانی که در دل جنگل‌های کشمیر تاب می‌خورد مسافران را مست نکرده و آنان را وادار به وقفه و تماشای این جلوه‌های بدیع نکند در کم‌تر از ۳ ساعت به «مظفرآباد» خواهند رسید، جایی که فصلی جدید از سفرمان به ملک خداداد را رقم می‌زند.

مظفرآباد شهری زیباست که پیش از هرمکان زیبایی دیگر در کشمیر به استقبال مسافران می‌آید و با طبیعت زیبایش خستگی را از تن آنان می‌گیرد، این شهر در کنار دو رود خروشان و نیلگون «نیلم و جَهلُم»[1] بنا نهاده شده است و مناظر زیبای فراوانی دارد. هرچند زلزله وحشتناک سال ۲۰۰۵ آن را به کلی تخریب کرده و ۷۵ هزار نفر از ساکنانش را به کام مرگ فرستاد ولی فضای کنونی شهر هیچ نشانی از آن واقعه هولناک ندارد.

- **قلعه سرخ مظفرآباد**

سیر در کشمیر را می‌توان از این قلعه تاریخی و زیبا آغاز کرد که در آن سوی رود نیلم برای مسافران شاخ و شانه می‌کشد، این بنای تاریخی عمری بالغ بر ۴۰۰ سال دارد ولی هنوز هم نشانه‌های قدرت فرمانروایان در تار و پودش به یادگار مانده است. سلطان مظفر کسی است که قلعه سرخ را در مظفرآباد ساخت.

از این قلعه اینک تنها دیواره‌هایی سرخ فام به جا مانده است ولی قُطر این دیواره‌ها و سنگ بست‌های زیرآن هنوز هم راوی دوران شکوهش است. قلعه از سه طرف توسط رود خروشان نیلم احاطه شده است و تنها از یک طرف مسیرورودی برای آن در نظر گرفته شده بود که اینک مسیر ورودی آن به سختی قابل دسترسی است.

۱- دو رود خروشان Jhelum و Neelum تا پایان سفر در کشمیر ما را همراهی خواهند کرد.

IQBAL FORUM



آرامگاه پیرچیناسی بر بلندای تپه‌ای سرسبز واقع شده که به مناظر دلفریبی اشراف دارد



سازه آرامگاه پیرچیناسی از چوب است. و شکل به کارگیری چوب در آن فرمی ویژه دارد

از روی برج دیده‌بانی قلعه که بیشتر قطور است تا مرتفع می‌توان به خوبی گذر زندگی را در تلالوی آب رود نیلم به تماشا نشست و رفت و آمد مردم را در مظفرآباد تماشا کرد. قلعه سرخ راه‌های مخفی زیادی دارد که برای ورود به آن‌ها باید کاملا خم شد، البته تاریکی مسیر و دالان‌های پرپیچ و خم مانع آن هستند تا هرکسی به خود اجازه ورود به این مکان‌های ممنوعه را بدهد.

بخش‌های زیادی از این قلعه در زلزله مهیب سال ۲۰۰۵ تخریب شده است و بازسازی آن کار بسیار سختی به نظر می‌رسد که دولت منطقه کشمیرآزاد در حال انجام است. دسترسی به این قلعه کار ساده‌ای است زیرا در قلب مظفرآباد واقع شده و هرکسی می‌تواند تاریخ کشمیررا در آئینه دیوارهای ترک خورده آن مشاهده کند. مظفرآباد قلعه دیگری نیز دارد که به قلعه سیاه مشهور است و یادگار دوران مغول است البته بازدید از این قلعه برای عموم آزاد نیست و اینک یک مقر نظامی به حساب می‌آید.

- **آرامگاه پیرچیناسی[۱] سفر در میان ابرها**

اگر قصد داشته باشیم مظفرآباد و روستاهای سرسبز اطرافش را از ارتفاع ۳ هزار متری به نظاره نشسته و محو عظمت خالق لم یزال آن شویم آرامگاه پیرچیناسی مکانی بسیار دنج، مناسب و آرام است. در این مکان «پیرسعید حسین شاه بخاری» مدفون است و مردم محلی به زیارت او می‌آیند و گردشگران نیزبا اشتیاق مسیر۳۰ کیلومتری مظفرآباد تا آرامگاه او را طی می‌کنند تا طبیعت بکرکشمیررا به چشم ببینند.

کسانی که کشمیررا از فراز آرامگاه این صوفی مشاهده کرده‌اند معتقدند که زیباترین مناظرزندگی‌شان را از فراز ابرهایی که برکشمیرسایه انداخته است تماشا کرده‌اند. برای دیدن این منظره باشکوه حتی در دل تابستان نیزباید چتربه همراه داشته باشی زیرا هرآن ممکن است هوا ویار تازه‌ای کرده و باران برسرکشمیربریزد.

۱- آرامگاه یک پیشوای مذهبی به نام Pir Chinasi

IQBAL FORUM



طبیعت زیبا و جادویی دره نیلم که در سراسر جهان شهرت دارد



منظره ای زیبا در دره نیلم، ترکیب سبز زمین و آبی آسمان چشمها را می نوازد

مسیر رسیدن به این آرامگاه نیز زیبایی‌های فراوانی دارد و رانندگان باید به آرامی در مسیر مشخص شده خود حرکت کنند چرا که ممکن است ابرهای متراکم مانع دید کافی آن‌ها شوند. آرامگاه پیرچیناسی گنبدی سه طبقه و سبزرنگ دارد و محوطه بیرونی آن پوشیده از چمن‌هایی است که خود را با دیگر مناظر کشمیر تطبیق داده‌اند. بنای بقعه پیراز چوب و به شکلی سنتی ساخته شده که زیر چترشیروانی‌هایی خود را مخفی کرده‌اند تا مقابل بارش بی‌امان باران بی‌پناه نباشند.

به نظر می‌رسد این بقعه نیز مانند سایر بناهایی که در کشمیر و حتی بلتستان دیده می‌شود طراحی شده است و با عبور از درب اصلی آن می‌توان به دو محوطه خارجی (دوربنا) و داخلی (محل دفن پیر) رسید. این گونه مناظر در مظفرآباد کم نیستند و برای مثال می‌توان این جلوه را از غرب شهر در فاصله ۱۶ کیلومتری از روی جنگل‌های سرسبز شاهد گلّی به تماشا نشست منطقه‌ای که مردم آن را «سری کوت» می‌نامند و برای گردشگران یک نقطه ایده‌آل به حساب می‌آید.

از آن جا که بسیاری از گردشگران مایلند دیدن مناظر زیبای طبیعی را در دیگر مناطق کشمیر دنبال کنند ما نیز چون آنان رهسپار شمال و جنوب این منطقه زیبا می‌شویم تا چشم‌مان را به روشنی زیبایی‌های طبیعت جلا دهیم.

- **«نیلم» یاقوت کبود کشمیر**

یاقوت از دیرباز سنگی گران بها و کم یاب بوده که برروی تاج پادشاهان جای داشته است و از با ارزش‌ترین جواهرات طبیعی به حساب می‌آمده است. در زبان اردو یاقوت کبود و نیلی رنگ را که بی‌شباهت به سرمه‌ای نیست «نیلم» می‌نامند البته ممکن است این نام از واژه فارسی نیلی اقتباس شده باشد ولی در هر صورت اینک مقصد سفر ما خواهد بود، جایی که به زودی در می‌یابی نامی جز این برازنده آن نبوده و نیست. یاقوت کبودی که مانند رود نیلم، نیلگون است و آبی، بی‌انتها و جاری با مناظری بی‌نظیر.

از مظفرآباد که ۲۴۰ کیلومتر به سمت شمال شرق طی کنیم به دره سرسبز و زیبای نیلم می‌رسیم هرچند رسیدن به این مقصد بهشتی کار ساده‌ای نیست، و در خلاف جریان رود خروشان نیلم

IQBAL FORUM





در سراسر دره نیلم رودهای مختلفی جریان دارند که به زندگی آن نشاط بخشیده اند | یک دریاچه زمردین در دل دره نیلم

باید خود را به پیچ و خم جاده‌هایی صعب العبور ولی دل انگیز بسپاریم که در کوهستان‌های هیمالیا راه خود را باز می‌کنند تا مسافران مقصد خود را گم نکنند.

اغراق نکرده‌ایم اگر بگوئیم منظره اوج گرفتن در این جاده‌های سرسبز که در دامنه این کوه‌ها خلق شده‌اند نظیری ندارد به خصوص اگر این منظره زیبا را از کنار رود نیلم که در دره پائین این جاده‌ها روان و جاری است به نظاره بنشینیم و کمی از هوای تازه این منطقه را به روح و جان خود برسانیم.

پیمودن این مسیر ۲۴۰ کیلومتری به دلیل شکل خاص جاده‌های آن و بکربودن محیط طبیعی، حدود ۴ ساعت زمان می‌برد ولی مسیر آن قدر خاص است که بسیاری از گردشگران مشقت آن را به جان می‌خرند تا خود را به یاقوت کبود منطقه برسانند.

مشاهده تابلویی که روی آن نام استراحت‌گاه سرینه درج شده است نشان می‌دهد که ما به مقصد رویایی خود رسیده‌ایم این استراحت گاه زیبا در دل کوهستان قرار دارد و کلبه‌های چوبی زیبایی که در آن ساخته شده‌اند کاملا به رود نیلم مشرف هستند.

از این فضای سنتی چوبی که به شکلی زیبا تزئین شده است می‌توان زیبایی‌های دره کشمیررا به نظاره نشست گذر آب، تراکم ابرهایی که به ارتفاع قله نمی‌رسند، جنگل‌های سرسبزدامنه کوه‌ها و صدای آواز خواندن پرندگان.

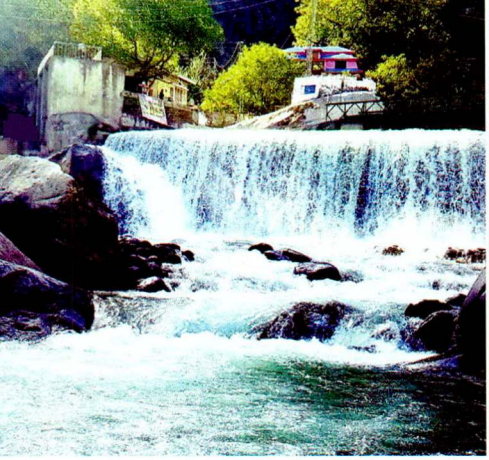
آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد این است که چوب نقش اساسی و مهمی در بناهای کشمیری دارد و علاوه برآن حتی در دل تابستان می‌توان مردمی را دید که کنار رود نیلم در حال جمع آوری چوب هستند تا تنور خانه‌هایشان در فصل سرد سال گرم بماند.

ماهی‌گیری در کناره رود نیلم رونق بسیاری دارد و می‌توان افرادی محلی و حتی گردشگران بسیاری رامشاهده کرد که چوب ماهی‌گیری به دست دارند و در پی صید قزل آلاهای خوش طعم رود نیلم هستند. اگر هوا صاف باشد و آسمان دل‌گیر نباشد حتی می‌توان از بالای ارتفاعات ۴ هزار متری نیلم، نانگاپربات باشکوه را به نظاره نشست، هرچند بلندترین کوه منطقه آزادِ کشمیرکه سروالی نام دارد با ارتفاع ۶ هزار و ۳۲۶ مترنیزدر همین منطقه جاخوش کرده است.

IQBAL FORUM



چشم اندازی زیبا از روستای کندال شاهی در کشمیر آزاد



یک آبشار زیبای طبیعی در کناره روستای کندال شاهی

میزبانی از گردشگران شغل بسیاری از مردم نیلم است و به همین دلیل در طول تابستان بسیاری از جوانان منطقه کنار جاده می‌ایستند تا گردشگران را راهنمایی کنند و آنان را در طبیعت بی‌نظیر نیلم سیر دهند. سفر در دل دره‌های کشمیر به معنای طبیعت‌گردی واقعی است و باید امکانات مورد نیاز را به همراه برد. در منطقه نیلم دره‌های بسیاری وجود دارد که مورد توجه خاص گردشگران قرار می‌گیرد.

- **کندال شاهی خانه ماهی‌ها**

کُندال شاهی یکی از روستاهای مجاور خط کنترل است که در آن ماهی‌گیری یک تفریح ایده‌آل برای گردشگران به حساب می‌آید و با توجه به این‌که دولت منطقه‌ای نیز اقدام به ساخت ساختمان‌های هتل و استراحت‌گاه در این منطقه کرده طی سال‌های اخیر حضور گردشگران در این دره به شدت افزایش یافته است.

یک برنامه ایده‌آل برای حضور در کُندال شاهی این است که در سکوت رمزآلود دره با خیال آسوده در کنار سرشاخه رود نیلم چوب ماهی‌گیری به دست بگیری و با قزل‌آلاهای درشت این منطقه ماهی کباب درست کنی. گشت‌وگذار در جنگل‌های سرسبز منطقه یکی دیگر از تفریحات همیشگی گردشگران به حساب می‌آید که البته اختصاصی به این منطقه ندارد و در سراسر کشمیر می‌توان از وجود نعمت‌های طبیعی بهره برد.

- **کوتّان جگران**

یکی دیگر از دره‌های سرسبز منطقه دره جگران نام دارد که در فاصله ۱۶ کیلومتری کُندال شاهی قرار گرفته است، شهرت این دره زیبا به این دلیل است که در ارتفاع بیش از ۱۵۰۰ متری از سطح دریا واقع شده و در دل خود آبشارهای کوچک و بزرگ بسیاری دارد.

استراحت‌گاه زیبایی که در کنار رود نیلم بنا شده است به چند آبشار کوچک و بزرگ اشراف دارد و در هر گشت و گذار می‌توان ده‌ها گردشگر را مشاهده کرد که از نوشیدن چای در این هوای پاک لذت می‌برند.

IQBAL FORUM





در کوتان جگران طبیعت از آسمان و ابر شروع شده و به چمن زار و رود ختم می شود | منظره ای بسیار زیبا از روستای کرن در دره نیلم

جاده‌های منتهی به دره جگران در میان درختان و جنگل‌ها گم می‌شوند از این رو مکانی فوق العاده زیبا برای مسافرت با جیپ تلقی می‌شوند. از این دره زیبا می‌توان مسیر را ادامه داد و به دریاچه نیلگون رتی گلی دسترسی داشت که در ادامه سفر به آن قدم خواهیم گذاشت.

- **روستای زیبای کِرَن**

کرن به معنای روشنایی و نور است، معنایی که به این منطقه از آزاد کشمیر حیات بخشیده است و باعث شده تا در کناره رود نیلم زیباترین روستای منطقه برصفحه هستی نقاشی شود. این روستای زیبا در ارتفاع ۱۵۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد.

مقصد نهایی بسیاری از گردشگرانی که قدم به کشمیر می‌گذارند همین منطقه است زیرا ده‌ها استراحت‌گاه دارد و می‌تواند به خوبی از مسافران میزبانی کند. قرار است به زودی خط ویژه انتقال گردشگران از مظفرآباد به کرن راه اندازی شود تا گردشگران بتوانند آسان‌تر از قبل مسیر ۹۳ کیلومتری پایتخت کشمیرآزاد تا این منطقه مرزی را طی کنند.

کرن در شرقی‌ترین قسمت کشمیرواقع شده است و از آنجا که زمینش هرصبح زودتراز هرجا دیگری بوسه‌گاه شعاع نورانی خورشید است کرن نام گرفته است. رود نیلم که از میان روستا می‌گذرد در تابستان به خط تیره‌ای شباهت دارد که سبزترین رنگ طبیعت را به دونیم تقسیم کرده تا زیبایی آن بیشتربه چشم بیاید.

- **نیلم بالا**

بسیاری از روستاها به دو بخش پائین‌آبادی و بالای‌آبادی تقسیم می‌شوند از کرن که تقریبا ۲۰ کیلومتررا به طول و ۳۰۰ متررا به ارتفاع طی کنیم به منطقه زیبای نیلم بالا می‌رسیم که شهرتش به دو دلیل است حیات وحشی بکر و غنی و همچنین چشم‌انداز تمام کشمیر که از فراز ارتفاعات ۲۰۰۰ هزار متری آن به خوبی قابل رویت است.

در این منطقه انسان با طبیعت عجین می‌شود و مخلوقات خدا به راحتی با گردشگران ارتباط برقرار می‌کنند دسته‌های مختلف از میمون‌ها، راکون‌ها و حتی گونه‌های نادر خرس نیزدر این

IQBAL FORUM



دریاچه رتی گلی در یک نگاه



دریاچه زیبا و جادویی رتی گلی در کشمیر آزاد که مورد توجه ویژه گردشگران قرار دارد

منطقه یافت می‌شوند.

گردشگران علاقه فراوانی به امتحان کردن غذاهای محلی و میوه‌های جنگلی نشان می‌دهند و همین باعث شده تا به این منطقه رغبت خاصی پیدا کنند. ارتفاعات نیلم بالا می‌تواند تصویری پانورما از تمام کشمیر را به چشم گردشگران هدیه کند و از دیدن مناظر بدیع سبز رنگ و رقص رود نقره‌ای نیلم چشم‌ها را سیراب کند.

مردم این روستا نیز به خوبی با حضور گردشگران خوگرفته‌اند و علاوه بر هتل و مسافرخانه‌های موجود می‌توان از راهنمایی مردم روستا نیز برای تفریح و گردش استفاده کرد.

- **دریاچه جادویی «رتی گلی»**

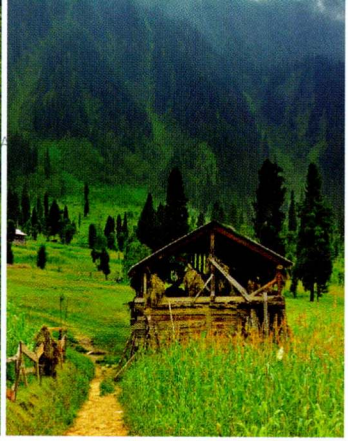
در فاصله ۳۰ کیلومتری نیلم بالا یکی از زیباترین جلوه‌های طبیعت کشمیر خود را مهیا ساخته تا گردشگران را جادو کند و دقایقی آنان را در اعماق خود سیر دهد. رتی گلی جادوی کوه‌های هیمالیاست و از ذوب شدن برف کوه‌های این رشته کوه عظیم در ارتفاع ۳ هزار و ۷۰۰ متری از سطح دریا شکل گرفته است.

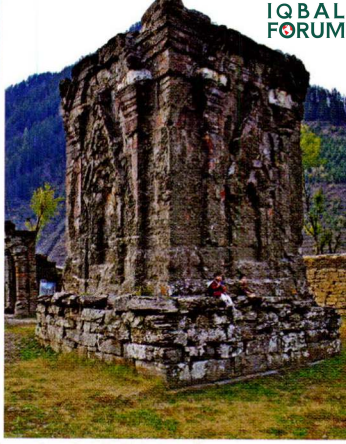
این دریاچه زیبا که در حصار کوه‌ها خود را مخفی کرده و راه رسیدن به آن از دل همین کوه‌ها می‌گذرد از اواخر آذر ماه یخ می‌بندد و تا اواسط اردیبهشت، پرده شیشه‌ایی از یخ را روی خود نگاه می‌دارد. در اطراف این دریاچه می‌توان بازیگوشی سمورهای آبی را مشاهده کرد که هر از گاهی در آب شیرجه می‌زنند و بدنشان را به خنکای آن می‌سپارند.

دریاچه رتی گلی به هیچ رودخانه یا آب در حال حرکتی وصل نیست و وجودش حاصل نگاه مهربان آسمان به منطقه کشمیر است که گاه به شکل برف می‌بارد. نزدیک‌ترین راه رسیدن به این دریاچه زیبا که تبدیل به کانون حضور گردشگران و بخصوص چادر زدن در دل طبیعت شده است از روستای دواریان می‌گذرد، البته در این روستا می‌توان به امکانات مورد نیاز برای سیر و تفریح در طبیعت اطراف آن دسترسی داشت.

IQBAL FORUM







نام شارده از یک افسانه قدیمی اقتباس شده؛ حکایت زندگی شاردی و ناردی

منظره بی نظیر و زیبای روستای کل که در کشمیر

- **شارده شاهزاده نیلم**

گردش در دل طبیعت کشمیر آزاد نیازمند حداقل ۶ روز زمان است، چرا که گشت و گذار در پهنه بی‌کران زیبایی طبیعی آن فراغ بالی می‌طلبد که فکر و ذکر مشغله‌های روز مره آن را تحت تاثیر قرار ندهد.

اگر به دنبال قایق سواری برروی رود خروشان نیلم باشی اولین انتخاب روستای شارده است که در فاصله ۳۰ کیلومتری داوریان واقع شده است.

نام این روستا از افسانه‌ای اقتباس شده که مربوط به دو شاهزاده به نام‌های «شاردی وناردی» است ولی اینک روستا به دلیل زیبایی فراوانش خود به افسانه‌ای غیرقابل توصیف تبدیل شده است، روستایی که در ارتفاع ۲ هزار متری قرار گرفته و چشمه‌های فراوانی در آن جاری هستند که البته سرنوشت تمامشان مشخص است؛ پیوستن به رود نیلم.

در این منطقه می‌توان ویرانه‌های یک صومعه بودایی را مشاهده کرده که اینک تبدیل به مکانی برای گرفتن عکس یادگاری توسط گردشگران تبدیل شده است ولی در و دیوار صومعه گواهی می‌دهند که روزگاری در این منطقه تمدنی عظیم منزل داشته است.

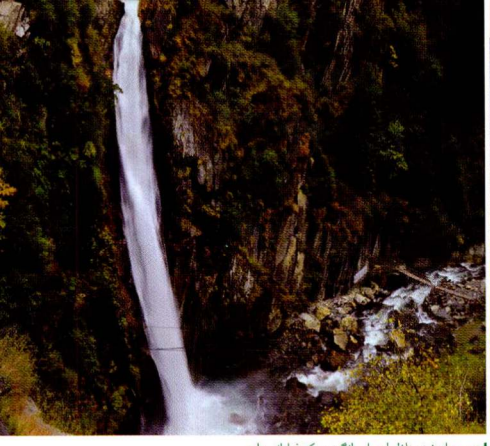
شارده ده‌ها مسافرخانه و هتل دارد که می‌تواند میزبان گردشگرانی باشد که از راه دور و نزدیک به این روستا آمده‌اند تا در دل آن مرغ روح خود را برفراز آسمان زیبایی به پرواز در آورند.

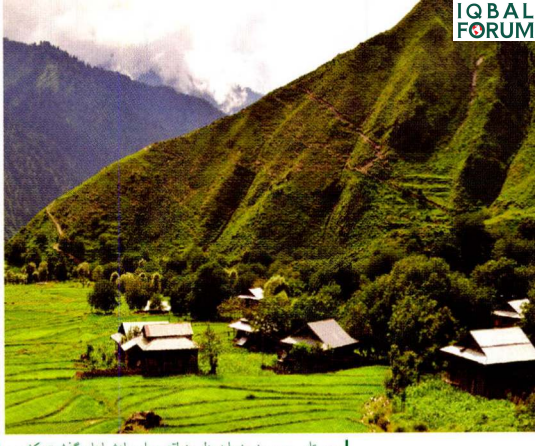
- **کِل زیبای بی‌رقیب**

آخرین نقطه‌ای که در دره رویایی نیلم به آن سفر خواهیم کرد منطقه «کِل» است که در ارتفاع ۲ هزار متری هیمالیا قرار گرفته و چهره زیبای آن هر بیننده‌ای را محو قدرت پروردگار می‌کند. روستای کِل در فاصله ۱۹ کیلومتری شارده قرار گرفته است و ادامه دادن مسیر آن ما را به یخچال طبیعی ساروالی می‌رساند که ۲۵ کیلومتر طول آن است.

برای سفر به این منطقه زیبا باید جیپ را به عنوان وسیله سفر انتخاب کرد زیرا سربالایی صعب

IQBAL FORUM





روستایی سرسبز و زیبا در دل منطقه جهلم، پادشاهان گذشته کشمیر را بهشت زمین خطاب می کردند | دره جهلم نیز مناظر اعجاب انگیز و بکر فراوانی دارد

العبور آن اجازه حرکت به خودروهای ضعیف را نمی‌دهد. شهرت اصلی کِل فقط به دلیل زیبایی آن نیست، روستا در سمت مخالف نیلم واقع شده است و برای رسیدن به آن باید هم‌زمان با عبور از رود نیلم ارتفاع را نیز کم کرد، دولت منطقه‌ای برای این کار تدبیر خاصی اندیشیده و همین تدبیر خود عامل جذب گردشگر شده است.

کابین الکترونیکی که دوسوی کل را به وصل می کند چون تله کابینی زیباست که هم‌زمان با حرکت رو به جلو زیباترین جلوه‌های کشمیر را در قاب چشم گردشگران جای می‌دهد.

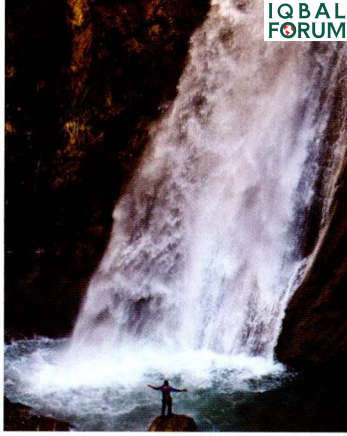
مناظری که آنقدر زیبا و بدیع هستند که در فصل گرم سال هزاران گردشگر را به سمت خود می‌خوانند تا از شگفتی‌های طبیعت دیدن کنند. دره نیلم تنها شگفتی کشمیر آزاد نیست و اگر دل به طبیعت زیبای این منطقه بسپاریم می‌توانیم پرده از دیگر شگفتی‌های هستی که در این بوم با دست هنرمند آفریدگار مهربان نقش شده‌اند برداریم.

- **دره جِهلُم عروس کشمیر**

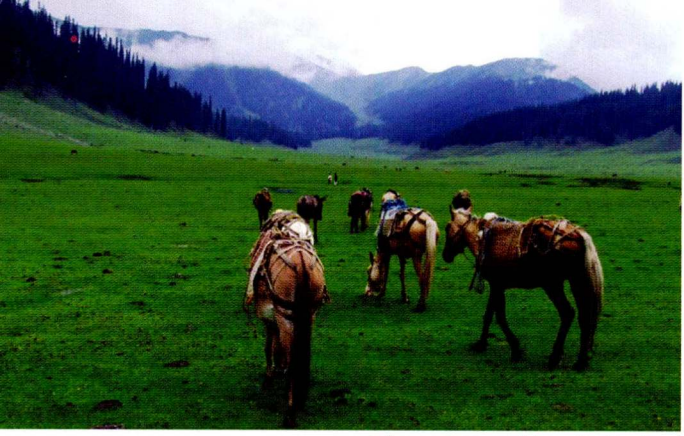
اگر از مظفرآباد حدود ۶۰ کیلومتر جاده نقره‌ای رنگ کنار رود جهلم را به سمت خط کنترل مرزی طی کنیم به روستای چاکوتی می‌رسیم و می‌توانیم سفری شگفت انگیز در دره جهلم داشته باشیم، مردم پاکستان از جهلم به عنوان دومین کانون گردشگری کشمیر یاد می‌کنند و مناظر شگفت‌انگیز آن را از سبزه‌زارهای بی‌انتها گرفته تا دره‌های پر از درخت که به رودهای خروشان می‌رسند می‌ستایند، صدای آبشارهای کوچک و بزرگ این منطقه چنان موسیقی زیبایی در گوش انسان زمزمه می‌کند که تعبیر قشنگ‌ترین رویاها را به چشم بینندگانش هدیه می‌کند.

جهلم نام خود را از رودی استعاره گرفته که در کناره آن جریان دارد و به زمین آن حیات می‌بخشد، این دره زیبا می‌تواند ساعت‌ها هر انسانی را محو خود کند تا در طبیعت زیبای آن عظمت خالق را به نظاره بنشیند.

IQBAL FORUM



آب آبشار چمب موجب جذب گردشگران فراوانی به منطقه کشمیر آزاد می شود



در کشمیر با یک نگاه می توان از سبزی سبزه زار به سپیدی ابرها و سپس رنگ نیلگون آسمان رسید

- **چیناری طلیعه زیبایی‌ها**

اولین استراحت‌گاه گردشگرانی که در خلاف جهت جریان رود جهلم طی مسیر می‌کنند روستای زیبای است به نام Chinari که در ۵۱ کیلومتری مظفر آباد قرار دارد. این روستا به دامنه‌های سرسبزی مشرف است که در دل آن آبشارهای کوچک و بزرگ بسیاری جریان دارند و مکانی ایده‌آل برای تفریح و زدن کمپ تلقی می‌شود.

اگر نام جهلم را نشنیده‌ای باید بدانی این رود خروشان یکی از هفت رود مقدس در آئین‌های قدیمی هندوستان است و سرانجام پس از ۷۷۰ کیلومتر سفر به سند بزرگ ملحق شده و به آن می‌پیوندد تا این رود را در مسیرش همراهی کند.

«چَمب» یکی از مشهورترین آبشارهای منطقه جهلم است که در این روستا قرار دارد و روزانه صدها گردشگر را به سمت خود فرا می‌خواند تا شکوه بی‌مثالش را به رخ آنان بکشد. این آبشار از دل کوهپایه‌های هیمالیا جریان می‌گیرد و آب سرد و گوارای آن به سمت جهلم پیش می‌رود.

برای رسیدن به این آبشار دل‌کش باید از روی پل‌های چوبی بزرگ و کوچکی که از نهرهای اطراف روستا عبور می‌کنند گذشت، تا به آبگیر صاف و زلال پائین آن رسید. آب آبشار از ارتفاع حدود ۵۰ متری به پائین سُر می‌خورد و قطرات خنک را تا شعاع چند ده متری اطراف می پراکند.

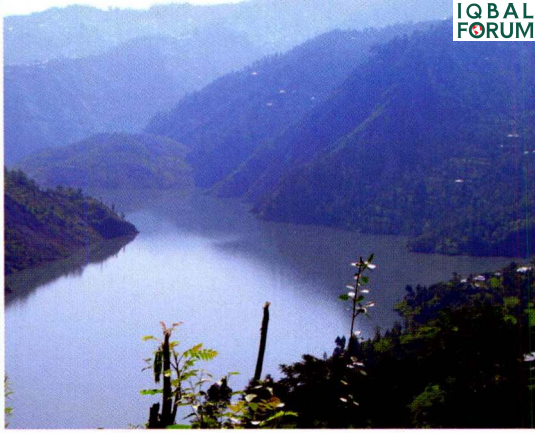
در روستای چیناری هتل‌ها و اقامت‌گاه‌هایی ویژه گردشگران ساخته شده تا بتوانند از زیبایی‌های طبیعی این منطقه رویایی بیشتر بهره ببرند.

- **چیکّار دیده بان جهلم**

یکی دیگر از مناطق دیدنی دره جهلم ارتفاعات چیکّار است که در فصل تابستان آغوش خود را به روی گردشگران می گشاید تا از ارتفاع ۱۸۰۰ متری سراسر مناطق زیبای کشمیر را به نظاره بنشینند.

برای رسیدن به کوهپایه‌های چیکّار باید ۴۵ کیلومتر مسیر مظفرآباد را در خلاف جهت جریان رود جهلم طی کنیم و سپس مسیر صعودی این روستای زیبا را در دل جنگل‌های انبوه آن بپیمائیم، با گذر از میان ابرهای درهم تنیده می‌توان به قلل زیبای چیکار رسید که هوای پاک

IQBAL FORUM



مناظر دلفریب دریاچه زلزال



طبیعت زیبای اطراف رود جهلم

آن در تمام کشمیر شهرت دارد. استراحت‌گاه‌های مناسبی در این روستای زیبا ساخته شده‌اند تا گردشگران بتوانند با خیالی آسوده‌تر به آن سفر کرده و از زیبایی‌های طبیعی آن بهره‌مند شوند.

- **دریاچه زلزال یادمان تلخی‌ها**

زلزله ویران‌گر سال ۲۰۰۵ در کشمیر که هزاران کشته برجای گذاشته زخمی عمیق برچهره این بهشت گم‌شده پدیدار کرده که تاکنون جهلم و نیلم و دیگر نهرهای روان در آن به حال مردمش سیلاب اشک جاری می‌کنند.

این زلزله هولناک در منطقه چیکّار موجب تخریب کامل ۴ روستا شد و ۵۷۵ نفر از مردم را در کام خود بلعید، ریزش سنگ و صخره از کوه، تمام خانه‌های این ۴ روستا را با خود شسته و به اعماق جهلم کشاند، این اتفاق عجیب موجب بسته شدن مسیر جهلم شد و دریاچه‌ای به طول ۳ کیلومتر را در دل روستای چیکار و در ارتفاع ۱۵۷۰ متری ایجاد کرد، جایی که اینک دریاچه زلزال خوانده می‌شود.

این دریاچه علی‌رغم این‌که تاریخچه‌ای تلخ دارد ولی اینک تبدیل به یکی از زیباترین اماکن گردشگری در منطقه آزاد کشمیر شده است و گردشگران به روستای چیکار سفر می‌کنند تا در این دریاچه به قایق سواری بپردازند و در آب زلال آن خستگی را از تن به در کنند.

دونگیان و دانِا نیز دو روستای زیبای دیگر هستند که در فاصله ۱۰ کیلومتری دریاچه زلزال قرار گرفته‌اند و طبیعت غنی آن‌ها باعث شده تا گیاه شناسی نیز در آن‌ها رونق بسیاری داشته باشد.

جهلم رود زیبایی است که هر گوشه آن رازی را در خود پنهان کرده و در تلالو قرص ماه شب ۱۴ می‌توان زیبایی‌های بی‌شماری را در این جلوه بی‌نظیر طبیعت مشاهده کرد و رنگ نقره‌ای آن را ساعت‌ها به تماشا نشست.

پس از گشت‌وگذار در گوشه و کنار جهلم زیبا زمان آن فرا رسیده که عزم منزل‌گاهی دیگر کنیم و جهلم را به سمت راولاکوت ترک کنیم، شهری که در ۱۰۳ کیلومتری جنوب

IQBAL FORUM



مسیر منتهی به روستای چیکار در کشمیر آزاد



قایق‌های پهلو گرفته کنار دریاچه زلزال

شرقی مظفرآباد قرار دارد و جلوه‌های باشکوهی از طبیعت زیبای کشمیر را در خود جای داده است. سفر به راولاکوت از مظفرآباد حدود ۳ ساعت به طول می‌انجامد ولی کیست که از طی طریق در میان جنگل‌ها و برکه‌های زلال و زیبا خسته شود؟

- **راولاکوت صفحه هنرنمایی کردگار**

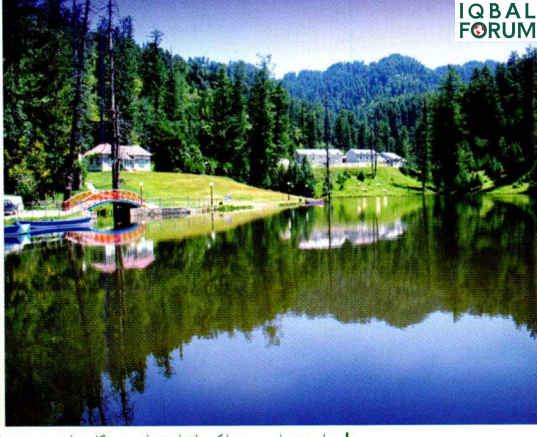
هر قطعه از زمین کشمیر دفتری است که معرفت کردگار را به انسان‌های عصر مدرنیسم و تکنولوژی گوشزد می‌کند ولی حکایت راولاکوت قدری متفاوت است گوشه گوشه زمین این منطقه بهشتی پر از مناظر بکری است که حتی رسیدن به شهر را نیز دشوار می‌کند و در طول مسیر می‌توان هزاران گردشگر را مشاهده کرد که میل دل کندن از صحنه‌های بدیع و آبشارهای کوچک و بزرگ را ندارند.

راولاکوت یکی از مجهزترین مناطق کشمیر است و ده‌ها هتل و اقامتگاه آن آماده پذیرایی از گردشگران هستند در این منطقه دسترسی به هتل‌های لوکس نیز کار چندان مشکلی نیست و علاوه بر آن ده‌ها اقامت‌گاه مناسب نیز وجود دارند تا سفر را برای گردشگران لذت بخش‌تر کنند.

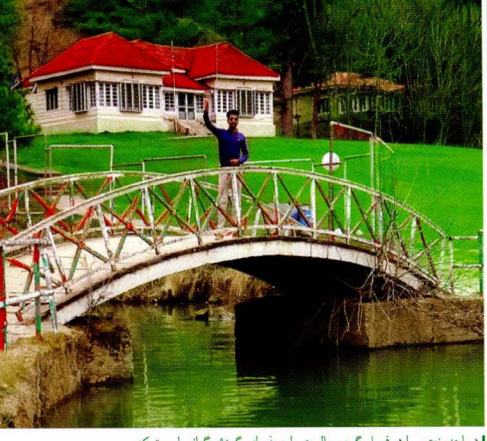
بسیاری از گردشگران ترجیح می‌دهند به جای هتل در ویلاهای زیبایی اقامت کنند که از سوی بخش‌های خصوصی ساخته شده‌اند تا مورد استفاده آن‌ها قرار بگیرند، ویلاهای زیبایی که سبزی چمن زارهای اطراف آن‌ها چشم‌ها را می‌نوازد.

ولی این مناظر زیبا وبدیع مانع آن نمی‌شود که گردشگران به سرعت عزم سفر به بنجوسا و دیگر مناطق اطراف راولاکوت را نکنند.

IQBAL FORUM



دریاچه زیبای بنجوسا که بازتاب تصاویر جنگل های سرسبز و آسمان آبی رنگ است



دریاچه بنجوسا در فصل گرم سال همواره پذیرای گردشگرانی است که از راه دور و نزدیک به سوی طبیعت بکر آن می شتابند

- **دریاچه بنجوسا نقره فام اسرارآمیز**

از راولاکوت که ۱۸ کیلومتر دور شویم با عبور از روستای سرسبز و باصفای کای گالا (Khai Gala) به یکی از زیباترین نقاط گردشگری در کشمیر می‌رسیم که سالانه ده‌ها هزار گردشگر را به سوی خود جذب می‌کند.

دریاچه مصنوعی و زیبایی که چون نگینی با ارزش از سوی رکاب سبزرنگ درختان اطرافش احاطه شده و شکوه و وقار آن را صد چندان کرده است قلب گردشگری منطقه محسوب می‌شود. صحنه‌های غیرقابل توصیف در اطراف این دریاچه جادویی آنقدر زیادند که بسیاری از گردشگران دوست دارند در اقامت‌گاه‌های اطراف، شب را صبح کنند تا هم تلالو دل انگیز ماه را در آب پررمز و راز بنجوسا به تماشا بنشینند و هم طلوع خورشید را بر صفحه لرزان آن نظاره کنند.

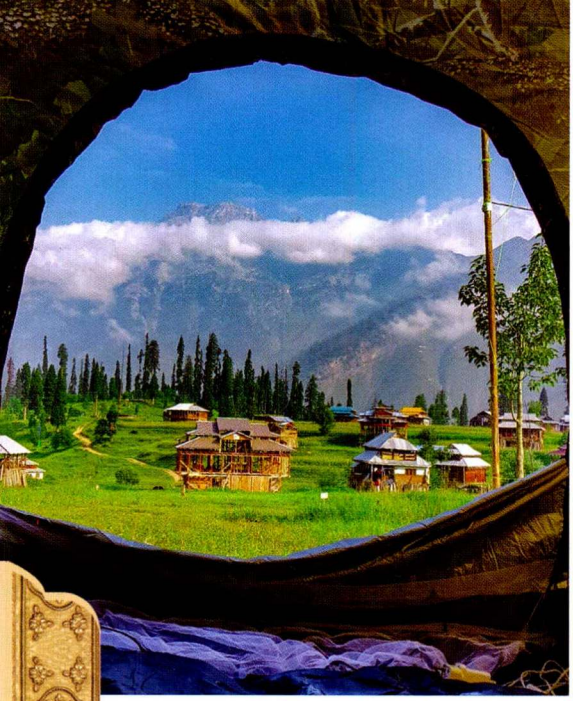
در این دریاچه زیبا قایق‌هایی وجود دارد که مورد توجه ویژه گردشگران قرار می‌گیرد و بسیاری از خانواده‌ها مشتاقند سوار بر این قایق‌ها دریاچه زیبا و کوچک بنجوسا را سیر کنند. ماهی‌های موجود در این دریاچه اگرچه برای شکار هدف مناسبی نیستند ولی بازی گوشی‌های آنان لبخند را به لبان گردشگران هدیه می‌دهد.

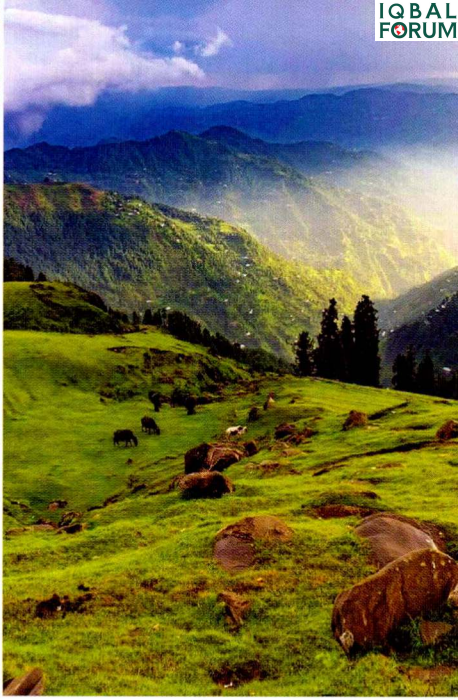
این دریاچه در فصل زمستان لباسی سپیدرنگ از برف به تن می‌کند که البته زیبایی‌های خاص خود را دارد ولی اوج ورود گردشگران به این منطقه در فصل تابستان است. شیروانی‌های اطراف به گردشگران می‌گویند که بارش باران در این منطقه کاملا عادی است و هرآن ممکن است آسمان بارش بی‌امان قطرات آب را به روی دریاچه و زمین‌های اطرافش آغاز کند.

- **تولی پیر نقطه آغاز رشته کوه‌های کشمیر**

در فاصله‌ای ۱۴ کیلومتری از دریاچه بنجوسا می‌توان به ارتفاع ۳ هزار متری تولی پیر رسید جایی که حکایتی عجیب دارد و می‌توان از فراز ابرها تمام منطقه زیبای راولاکوت را به نظاره نشست. رشته کوه‌ها در زمین شناسی اهمیت بسیاری دارند و آن‌ها را حاصل برخورد صفحات عظیم به یکدیگر می‌دانند ولی برخی نقاط اهمیت بسیار ویژه دارند زیرا در یک لحظه از تاریخ نقطه آغاز

IQBAL FORUM





طبیعت زیبای تولی پیر که محل برخورد صفحات عظیم زمین است | نمایی دل انگیز از طبیعت زیبای تولی پیر از داخل چادر یک گردشگر

رشته های کوه عظیمی شدند که شاید کیلومترها امتداد پیدا کند.

در پاکستان دو نقطه وجود دارند که می‌توان آن‌ها را نقطه آغاز سه رشته کوه نامید، یکی از این مناطق در نزدیکی گلگیت واقع شده است و سه رشته بلند جهان یعنی هیمالیا، قراقروم و هندوکش از آن نقطه آغاز می‌شوند. در این نقطه اداره توریسم محلی دوربین‌هایی را مستقر کرده تا گردشگران بتوانند امتداد این کوه‌های زیبا را تماشا کنند.

تولی پیر نقطه دیگری است که از آن می‌توان امتداد ۳ رشته کوه زیبا و سبز رنگ را به تماشا نشست هرچند این کوه‌ها ارتفاع قلل هیمالیا و قراقروم را ندارند ولی غرق در حریر سبز رنگ هستند و رودخانه پونچ نیز از بین آن‌ها می‌گذرد و زیبایی آن را بیش از پیش می‌کند.

درختان کاج و شاخ و برگ‌های آن که روی تمامی این کوه‌ها دیده می‌شود پناهگاه هزاران گونه زیبا از حیات وحش کشمیر است که گردشگران می‌توانند حین ورود به این منطقه شگرف آن‌ها را تماشا کنند. در تولی پیر امکانات اقامتی خوبی فراهم شده است و به دلیل چشم انداز بی‌نظیرش مورد توجه ویژه گردشگران قرار می‌گیرد.

IQBAL FORUM





در نقطه مرکزی قلعه رام کوت می توان یک حوض آب را مشاهده کرد که کسی نمی داند استفاده اصلی از آن چه بوده است | رام کوت تبعیدی تنها

- **قلعه رام کوت تبعیدی تنها**

زیبایی‌های کشمیر محصور به طبیعت سرسبز آن نیست، تاریخ دور و دراز تمدن در این سامان بناهای باشکوهی را به خود دیده است که اینک بقایای آن عظمت دوران گذشته را فریاد می‌زند.

قلعه رام کوت در ۵۰ کیلومتری شهر میرپور واقع شده است و آنچه باعث شهرت فراوان آن شده محصور شدن قلعه در حصار آب رود خروشان جهلم است.

رام کوت از سه سمت در حصار آب است و بسیاری از گردشگران برای بازدید این قلعه تاریخی که اوج شکوه آن قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی بوده ابتدا به سد بزرگ «مَنگِلا» رفته و سپس با لنج‌های توریستی که در کلوپ ارتش وجود دارد، مسیر ۱۳ کیلومتری تا کوهپایه‌ای که قلعه روی آن قرار دارد را روی رود جهلم طی می‌کنند ما نیز چنین می‌کنیم تا باز هم غرق در زیبایی این رود بی‌همتا شویم.

اگر جهلم را در دره آن دیده باشی اینک آن را نخواهی شناخت زیرا رود آرام و سربه زیری که در دل طبیعت زیبای دره جهلم پیچ و تاب می‌خورد اینک چنان عظیم و پرآب شده است که بی‌مهابا به سوی هفتمین سد بزرگ جهان پیش می‌رود.

قلعه دیوارهای عظیم و بزرگی دارد و در وسط آن حوضچه‌ای بسیار بزرگ تعبیه شده که کاربرد اصلی آن هنوز هم برمحققان پوشیده است.

این قلعه زیبا را یکی از مستحکم‌ترین بناهای دوران خود می‌دانند که به خوبی از امارت و تاج پادشاهان خود مراقبت می‌کرده است. وجود بقایای توپ و برخی دیگر از جنگ ابزارهای مدرن نشان می‌دهد که رام کوت تا حدود ۱۴۰ سال قبل نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

منظره غروب آفتاب در پس رود زیبای جهلم از این قلعه تبعید شده و دور افتاده چنان زیباست که بسیاری را به حضور در این مکان تا تاریک شدن هوا وادار می‌کند.

IQBAL FORUM





شهر زیبای سیالکوت نقطه بازگشت ما به پنجاب است و مردم آن را به نام علامه اقبال لاهوری می شناسند | سیالکوت کانون فرهنگ اصیل پاکستانی، یک حلوا فروشی در شهر سیالکوت

هرچند کشمیرزیبایی های بسیاری دارد ولی اینک قصد سفربه سوی پایتخت فرهنگی پاکستان را داریم جایی که شهرت فرزندش اقبال، آن را جهانی کرده است ولی لاهور به اقبال محدود نیست هرچند ما پیش از رسیدن به لاهور به زادگاه ادیب مشرق زمین خواهیم رفت.

بهشت زیبای کشمیررا با حسرت پشت سر می‌گذاریم ولی نه چون هبوط انسان از بهشت به زمین، بازگشت به پنجاب چون سیر در گوشه‌ای دیگر از بهشت خداوند است. پنجاب اگر کشمیر نیست ولی در زیبایی و نقش و نگارهای سبز و آبی چیزی از آن کم ندارد به خصوص که سرزمین نهرهای جاری است و هر جای آن را به نظاره بنشینیم در کنار طبیعت زیبا اثری فرهنگی تاریخی یا هنری را خواهیم یافت.

- **سیالکوت (Sialkot) زادگاه اقبال**

سیزدهمین شهر بزرگ پاکستان که ۳ میلیون نفر جمعیت دارد در کنار رود زیبای چناب آرام گرفته است و شهرت خود را به ادیبی مدیون است که در این شهر چشم به جهان گشود و سپس برای رسیدن به آرمانش که آزادی مسلمانان بود چنان کوشید و جنگید تا ملک خداداد برصفحه هستی جوانه زد.

در کوچه پس کوچه های سیالکوت می توان رونق اقتصادی را که حاصل تلاش مردم آن است مشاهده کرد، این شهر نه چندان بزرگ، صنعتی‌ترین شهر پاکستان است و در تاریخ آن نقل می کنند که توسط اسکندر یک بار به طور کامل ویران شد ولی پس از صد سال بازهم به دوران شکوه خود بازگشت، گوشه و کنار شهر سیالکوت مملو از آثار شگرفی است که به دوران شکوه مذهب هندو باز می گردد.

سیالکوت ۱۰ درصد تمام صادرات خارجی پاکستان را به خود اختصاص داده است و از این نظر شهری ثروتمند به حساب می آید که در منطقه جنوب آسیا بی نظیراست. در مهاباراتا[۱] نیز از این شهر سخن به میان آمده است و در این کتاب مهم تاریخی «ساکالا» نامیده شده است.

۱- مهاباراتا یا مهابهاراتا سروده‌ای حماسی از سده پنجم یا ششم پیش از میلاد به زبان سانسکریت و به‌همراه رامایانا یکی از دو حماسه تاریخ هند است، مهاباراتا نوشته ویاس با بیش از یکصدهزار بیت، بلندترین حماسه منظوم جهان است و کارِ نوشتنِ آن تا سده سوم یا چهارم میلادی ادامه یافته است این کتاب را می‌توان شاهنامه هند نامید.

IQBAL FORUM



معبد هزار ساله شوالا که در شهر سیالکوت واقع شده است



معبد شوالا از داخل آن

• معبد هزار ساله شَوالا

آن‌گونه که از تاریخ شهر سیالکوت نقل می‌کنند این شهر زیبا روزگاری شاهد حکمرانی هندو مذهب‌ها، سیک‌مذهب‌ها و... بوده از این رو یافتن آثار باقی مانده از قدرت نمایی‌های آنان کار چندان سختی نیست. در خیابان اقبال می‌توان یکی از پرفروغ‌ترین آثار تاریخی شهر سیالکوت را به نام «شَوالا تِجا سینگ»[1] یافت.

معبدی قدیمی که عمرآن بالغ بر۱۰۰۰ سال است و این روزها اگرچه فروغ دوران گذشته خود را ندارد ولی هنوز هم در و دیوار آن عظمت یک دوران از تاریخ شهر را در سینه خود به یادگار دارند.

این بنای زیبای سنگی و آجری از یک گنبد مخروطی و ستون‌های قطوری تشکیل شده که جلوه‌ای باشکوه به آن بخشیده‌اند. برای رسیدن به محوطه اصلی معبد باید از پله‌های کوچک آن بالا رفت. در میانه معبد می‌توان جای خالی گنبدی مدوّر را حس کرد که نبود آن باعث می‌شود تا آفتاب برمرکز معبد بتابد.

رنگ قسمت‌های فوقانی ستون‌ها تیره هستند و به نظر می‌رسد زمانی در آتش سوخته‌اند، هرچند تاریخ چند دهه اخیرنیزبخاطردارند که پس از سوختن مسجد بابری در هند عده‌ای افراط‌گرا به این معبد حمله کردند تا آن را به آتش بکشند.

در و دیوار این معبد گواهی می‌دهند که روزگاری هنرمندان شهیرسیالکوتی زمان بسیاری را برای حک کردن نقش و نگار برروی سنگ‌های آن صرف کرده‌اند و آن‌قدر در این کار مهارت به خرج داده‌اند که گذر۱۰۰۰ سال نیزنتوانسته آن‌ها را به کلی محو کند.

درکنار این معبد فضای سبززیبایی نیزوجود دارد که اغلب مورد توجه خانواده‌ها و گردشگران قرار می‌گیرد. کمی دورتراز این معبد می‌توان قلعه قدیمی سیالکوت را که تنها چند دیواره از آن به یادگار مانده بازدید کرد، این قلعه از بناهایی است که ۱۸۰۰سال عمردارد و به چشم خود فروغ و زوال حکومت‌های بسیاری را دیده است.

۱- نام کامل این معبد Shawala Teja Singh Temple است.

IQBAL FORUM



خیابان ها زیبای گوجرانواله در دل شب



هتل زیبای مغول محل با معماری خاص دوران گورکانی

دیوارهای این قلعه تاریخی در سال ۱۹۳۰ و در جریان یک علمیات حفاری پیدا شدند ولی افسوس که گرم و سرد روزگار از بنای اصلی قلعه چیز خاصی به جای نگذاشته است. هرچند نقاشان و هنرمندان با استفاده از قدرت تخیل خود تلاش کرده اند تا تصاویری از دوران شکوه این قلعه را ترسیم کنند.

سیالکوت شهر بسیار زیبایی است و برای کسانی که بخواهند جاذبه های اطراف رود چناب را به تماشا بنشینند داستان های بسیاری نقل خواهد کرد، ولی ما اینک عزم سفر به سوی گوجرانواله را خواهیم کرد شهر پهلوانان قدیمی...

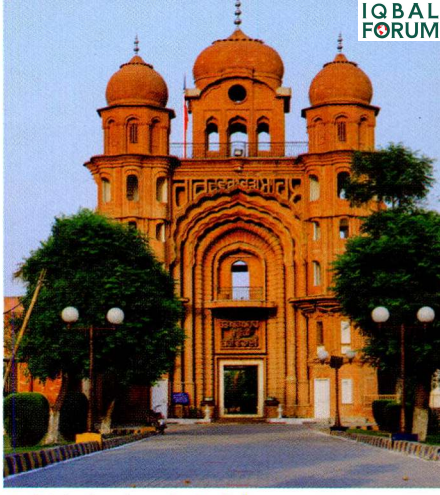
- **گوجرانواله دیار پهلوانان**

وقتی قدم به شهر گوجرانواله بگذاری هنوز هم می‌توانی هیبت نام پهلوانانی که در کوچه پس کوچه های این شهر قدم گذاشتند و جوانمردی را روح بخشیدند حس کنی، مردم شهر گوجرانواله بیش از هر چیز به پهلوان بودن بها می‌دهند نه قهرمان بودن. کودکان از دوران طفولیت بدن به ماسه‌های زمین کشتی می‌زنند و تا پشت لب‌شان سبز شود همراه با ده‌ها فن ساده و پیچیده، مرام پهلوانی را می‌آموزند.

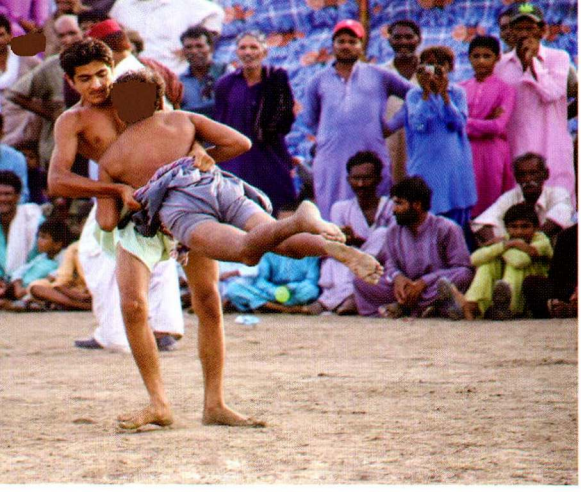
کشتی پهلوانی در شبه قاره هم‌زمان با امپراتوری مغول آغاز شد و روزگاری که در اوج خود به سر می‌برد هیچ کس توان مقابله با پهلوانان نامی شهر گوجرانواله را نداشت از این رو در پاکستان این شهر را به نام شهر پهلوانان می‌شناسند. اینک در هفتمین شهر بزرگ پاکستان ۲۵ زمین بزرگ کُشتی وجود دارد و از دیرباز هرزمین در اختیار گروهی بوده و رجزخوانی و حریف طلبی پدیده‌ای بسیار رایج است، کشتی در این شهر تنها یک رقابت ساده نیست بلکه مرام پهلوانی برای مردم جنبه‌ای مقدس یافته تا جایی که بسیاری معتقدند اگر فرزندان‌شان پزشک یا مهندس نشوند آینده او تباه نشده است ولی اگر پهلوان نشوند آینده آن ها تباه خواهد شد.

نکته جالب این جاست که پهلوان نامی شهر معمولا «رستم» لقب می‌گیرد و این نشان می‌دهد که حتی کشتی پهلوانی در این شهر ریشه‌ای پارسی دارد. در روزهای خاص سال که جشنواره یا مسابقه‌ای برگزار می‌شود نه تنها حضور تماشاگران و مشتاقان بسیار محل برگزاری مسابقه را

IQBAL FORUM



یک بنای مقدس برای سیک مذهبان که در شهر گوجرانواله واقع شده است



در گوجرانواله زمین کشتی برای مردم قداست ویژه ای دارد و دوست دارند کودکانشان از سنین پائین رسم جوانمردی و پهلوانی بیاموزند

مشخص می‌کند بلکه از دور می‌توان صدای سازهای محلی و معروف گوجرانواله را شنید که در طول دوران رقابت دو حریف نیز به صورت مدوام نواخته می‌شود.

هم‌زمان با آغاز مبارزه دو طرف تلاش می‌کنند تا حریف خود را خاک کنند و با استفاده از فنونی که به کشتی معمولی بی‌شباهت نیست او را ضربه فنی کنند، کسانی که در این رقابت شرکت می‌کنند می‌گویند خاکی شدن بدن لذت بخش‌ترین بخش مسابقه است و نکته جالب در این مسابقات آن است که کسی آسیب نمی‌بیند.

پس از استقلال پاکستان دو شهر پهلوان‌پرور شبه‌قاره یعنی «گوجرانواله و لاهور» به پاکستان رسید و این نقطه آغاز رقابت میان این دو شهر شد. یکی از افتخارات مردم گوجرانواله این است که «پهلوان گاما» که یگانه پهلوان شکست ناپذیر تاریخ است پس از ۴ بار رقابت با «رحیم بخش سلطانی» پهلوان مشهور گوجرانواله نتوانست او را خاک کند و به عبارت دیگر رقابت آن‌ها برنده‌ای نداشت.

پهلوانان برای کسب آمادگی جهت شرکت در مسابقه نیاز به روزها تمرین دارند و ابزاری که برای ورزش روزانه استفاده می‌کنند بی‌شباهت به ورزش باستانی ایرانی نیست. اگر از زمین‌های کشتی در گوجرانواله خارج شویم می‌توانیم عظمت تاریخ را در نگاه شهر ببینیم و سری به بناهای زیبا و باشکوهی چون «هتل مغول محل» که به سبک مسجد تاج محل هند ساخته شده و فضای لوکسی دارد بزنیم.

این هتل ۴ ستاره تبدیل به نماد شهر گوجرانواله شده و بیش از همه رنگ سفید و حوض زیبای ورودی آن به چشم می‌آید. مخروطی‌های آبی رنگ پارک دنیا نیز از دور به چشم می‌آیند و هر بیننده‌ای را به یاد داستان‌های قرون وسطی اروپایی می‌اندازند. گوجرانواله شهری مدرن است و به سادگی می‌توان در مراکز بزرگ خرید و بازارهای لوکس پیدا کرد و از معاشرت با مردم مهربان آن لذت برد، مردمی که هیچ‌گاه خوی پهلوانی را فراموش نخواهند کرد. از این شهر اگر خارج شویم تا لاهور پایتخت فرهنگی پاکستان تنها ۸۰ کیلومتر مسیر در پیش خواهیم داشت، راهی که هم‌پای رود چناب پیش می‌رود.

IQBAL FORUM



خیابان ها زیبای گوجرانواله در دل شب

- **لاهور باغ شهری به وسعت تاریخ**

اگر دست به دست تاریخ برگ‌ها را پس زده و به دوران گذشته سفر کنیم از زمانی که قلم در دست مورخان گشته لاهور را شهری آباد می‌بینیم که آغوشش به روی تمام مسافران باز بوده است. شهری زیبا در کناره رود راوی که غرق در زیبایی بوده و تکیه زدن بر کرسی حکومت آن آرزوی هر پادشاهی. می‌گویند وصال زیبارویان همت رقابت با رقیبان بسیار را می‌طلبد و لاهور نیز چنین بوده است. زیبایی خیره کننده آن باعث شده تا در طول تاریخ ده‌ها بار دست به دست شود و از سیک مذهب و مغول گرفته تا غزنوی و هندو دورانی حجله‌اش را پاسبانی کنند ولی صد افسوس که این دست به دست شدن‌ها گرد ملال بر چهره تاریخ این شهر خوب‌رو پاشیده است.

مسافران قدیم، لاهور را به دیواره‌های قطور آن که چون حصاری شهر را در آغوش گرفته بود می‌شناختند، دژی که ۱۳ دروازه باشکوه و مشهور داشت، دروازه‌های کشمیری و اکبری، شاه عالمی و روشنائی، دهلی و موری، مستی و شیرانواله و دیگر دروازه‌هایی که اینک تبدیل به خاطراتی در تاریخ این شهر شده‌اند. تا اواسط قرن ۱۷ یعنی زمان شروع حکمرانی سیک مذهب‌ها در لاهور اگر مسافری بعد از غروب خورشید به شهر می‌رسید اجازه ورود نداشت زیرا دروازه‌ها بسته شده بودند.

اولین بار در متون اسلامی «بلاذری» در فتوح البلدان نام شهر لاهور را ذکر کرده و آن را جزو قلمرو حکومت معاویه می‌داند.[۱] اینک این شهر زیبا ۴۰۴ کیلومتر مربع وسعت دارد و دومین شهر بزرگ پاکستان به حساب می‌آید که علم و ادب و فرهنگ و تاریخ و تمدن و صنعت را یک‌جا در خود جای داده است.

لاهور با ۲۱ شهر جهان خواهر خوانده است از جمله شهرهای مشهد، اصفهان و آمل در ایران، که خود نشان دهنده اعتبار جهانی این شهر است، عظمت لاهور برای پاکستانی‌ها از این بابت است

۱- فتوح البلدان، البلاذری، ترجمه سید ابوالخیر مودودی، کراچی، ص ۶۱۳

IQBAL FORUM

که نقطه آغاز استقلال ملک خداداد این شهراست و برای ایرانیان نیزاهمیت بالای شهرلاهور به دلیل اهمیتی است که مردمانش برای پارسی قائل بودند، برای مثال این شعرتوسط نورجهان ملکه مغولی لاهور سرود شده است:

لاهور را به جان برابرخریده‌ایم جان داده‌ایم و جنت دیگرخریده‌ایم

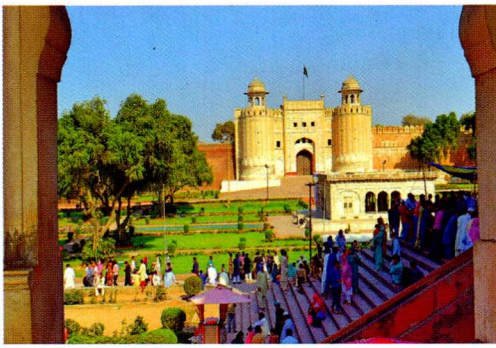
هریک از حاکمان لاهور از خود بنایی به یادگار گذاشته‌اند که البته سهم شاهان مغول بیش از بقیه بوده ولی در هرصورت حُسن سلیقه آنان این شهررا به باغ شهری زیبا تبدیل کرده که از شمال به کناره‌های رودی راوی می‌رسد و از شرق به مرز هند.

این شهر مرکزایالت پنجاب پاکستان است و بسیاری از مراکزسیاسی و تجاری و اقتصادی پاکستان درآن جای گرفته‌اند. می‌گویند اگرکسی قصد داشته باشد درپاکستان گردش کند و به لاهور سفر نکند، دراصل پاکستان را ندیده است. وجود ۱۶ کنسولگری که متعلق به کشورهای مختلف از جمله ایران اسلامی است خود نشان دهنده اهمیت جهانی لاهور است.

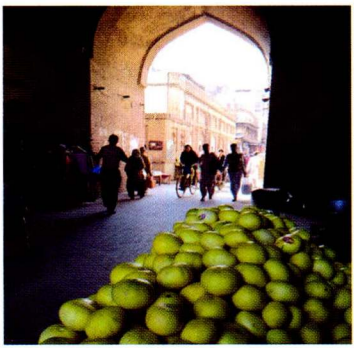
مرکزایالت پنجاب از مدرن‌ترین شهرهای پاکستان است و پروژه‌های بزرگی چون «اتوبوس مترو» با ظرفیت جابجایی روزانه ۲۲۰ هزار نفردر مسیری به طول ۲۷ کیلومترو با اعتباری بالغ بر ۲۹ میلیارد روپیه و همچنین «قطارشهری نارنجی» شاهد مثال خوبی برای ادعای ماست.

لاهور ظرفیت گردشگری بی‌نظیری دارد و باتوجه به این‌که از طبیعت زیبای پنجاب بی‌نصیب نمانده است و ساختمان‌های تاریخی فراوانی نیزدارد خود به تنهایی می‌تواند روزها گردشگران را مشغول نگاه دارد. ده‌ها هتل ۵ ستاره و ۴ ستاره و سوئیت آپارتمان موجود در این شهرمی‌توانند به خوبی امکانات اقامتی را برای مسافران فراهم کنند. هتل‌های «پیرل کانتینن تال، لاکچری گرند، نیشات هتل، پلهام لاهور، کینگتس بریدج، پلاتینیوم، هریتیج لاکچری، گرند انکلیو» از جمله مراکزاقامتی چهارستاره و پنج ستاره درلاهور هستند که به سادگی از طریق آدرس وب سایت‌شان می‌توان درآن‌ها اتاق رزرو کرد. شب‌های لاهور چنان پرنور است که آسمان با جلوه تمام ستارگانش در برابرآن محو می‌شوند و در خاموشی ساکنان این شهرخورشید دوباره طلوع می‌کند تا زندگی در رگ‌های لاهور از سرگرفته شود.

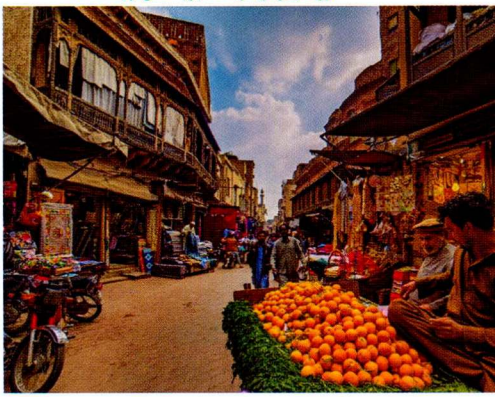
IQBAL FORUM



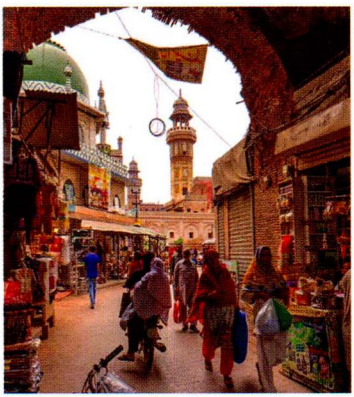
لاهور به دو بخش شهر قدیم و شهر جدید تقسیم می شود. این شهر زیبا از قرن ها پیش مورد توجه حکام و پادشاهان قرار داشته است



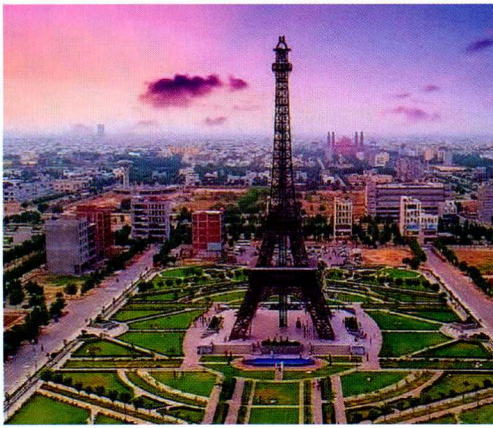
دروازه دهلی یکی از دروازه های مشهور شهر لاهور



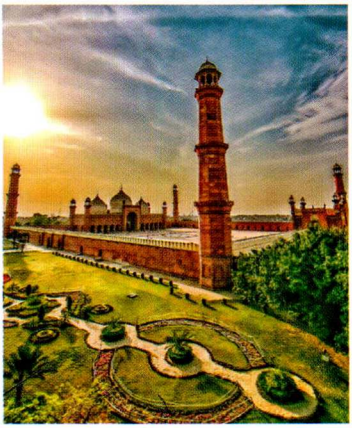
لاهور فصل پیوند سنت ها و سازه های مدرن است.
یک بازار قدیمی در شهر لاهور



لاهور در دنیای قدیم با سیزده دروازه مشهورش شناخته می شد که اینک ارزش تاریخی فراوانی دارند



بازسای برج ایفل در بحریه تاون لاهور



لاهور پایتخت فرهنگی پاکستان اماکن تاریخی بسیاری دارد

IQBAL FORUM









- **سیر در لاهور با اتوبوس‌های دو طبقه**

صبح که چشم باز کنیم زمان آن فرا رسیده تا کانون فرهنگی و تاریخی پاکستان را سیر کنیم و چشم در زیبایی‌های بی‌مثالش بشوئیم، برای گشت‌وگذار در لاهور نه به نقشه احتیاج داریم و نه دانسته‌های قبلی چندان ضروری است، اتوبوس‌های دو طبقه گردشگری در این شهر هراقدامی نیاز باشد را برای تسهیل سفرانجام خواهند داد، کافی است بلیتی رزرو کنیم و سروقت خود را به ترمینال اصلی برسانیم، دیگرنه غصه ترافیک را خواهیم خورد و نه از ترس گم کردن مسیرو حتی جا افتادن یک مکان ارزشمند اضطراب خواهیم داشت. این اتوبوس‌های قرمزرنگ که طبقه بالای آن سقف ندارد در مسیرهای مشخصی حرکت می‌کنند و گردشگران را به تمام مراکز تفریحی و تاریخی لاهور می‌برند. این اقدام ارزشمند باعث کاهش ترافیک شهرو هدفمند شدن گردش می‌شود ضمن این‌که بسته‌های مختلفی نیزبرای سفرفراهم شده که گردشگران با توجه به نیاز و زمان خود می‌توانند یکی از آن‌ها را انتخاب کنند.

سازمان توسعه گردشگری شهرلاهور بسته‌های علمی ویژه‌ای برای دانش آموزان در نظرگرفته و در صورتی که تعداد اعضای یک تور به حد کافی برسند آن‌ها می‌توانند به دل‌خواه بسته ویژه خود را دریافت کنند. استفاده از سرویس‌های گردشگری برای افراد مسن و ناتوان رایگان است و سایرگردشگران نیزبا هزینه‌ای بسیار کم می‌توانند سیرو گردش در لاهور را تجربه کنند. تنها نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که بلیت‌ها تنها در روز مشخص شده قابل استفاده هستند و پس از آن اعتبار خود را از دست می‌دهند.

در ترمینال ابتدایی فضای کافی برای پارک خودرو وجود دارد و همراه هرتور راهنمایی نیزبه بیان شرح اماکن توریستی و گردشگری شهرمی پردازد. یک گردش عادی با این اتوبوس‌ها حداقل ۳ ساعت و نیم زمان نیاز دارد.

IQBAL FORUM



استادیومی که در گذشته به نام قذافی شناخته می شد اینک درآستانه تغییر نام است / استادیوم ملی پاکستان

این اتوبوس‌ها ۳۴ ایستگاه دارند ولی ما تنها در برخی از این ایستگاه‌ها توقف کرده و به گشت‌وگذار خواهیم پرداخت. پس از استقرار در صندلی مشخص شده سیر در شهر لاهور آغاز می‌شود و از آنجا که این اتوبوس‌ها جلوه خاصی دارند و ارتفاع آن‌ها از دیگر خودروها بالاتر است معمولا مورد توجه مردم شهر لاهور قرار می‌گیرند:

- **استادیومی به دنبال یک نام**

استادیومی که اینک به نام «معمرقذافی» استادیوم قذافی نام گرفته است در تکاپوی یافتن نامی جدید است، این ورزشگاه بزرگ که در قلب لاهور خانه کرده است گنجایش ۶۰ هزار تماشاگر را دارد و زمین اصلی تیم ملی کریکت پاکستان به حساب می‌آید. این استادیوم در سال ۱۹۵۹ تاسیس شد و نام آن «استادیوم لاهور» گذاشته شده بود ولی پس از آن که در سال ۱۹۷۴ دیکتاتور سابق لیبی در دفاع از انرژی هسته‌ای پاکستان سخنرانی کرده و تلاش‌های اسلام‌آباد را ستود دولت مردان پاکستانی برای ابراز تشکر از او بزرگ‌ترین ورزشگاه کشورشان را به نام او کردند.

استادیوم قذافی در سال ۱۹۹۶ برای میزبانی از فینال جام جهانی کریکت توسط نیّر علی بازسازی شد و اینک ساختمانی وسیع برای میزبانی از بزرگ‌ترین مسابقات کریکت به حساب می‌آید. طراحی اصلی استادیوم توسط «نصرالدین مرادخان» که افتخار طراحی منار باشکوه پاکستان را نیز دارد، صورت گرفته است و مقر اصلی فدراسیون کریکت پاکستان نیز در این استادیوم قرار دارد.

پس از مرگ قذافی در سال ۲۰۱۱ زمزمه تغییر نام این استادیوم شنیده می‌شد ولی شهرت فراوانش باعث شده تا تغییر نام آن به سادگی ممکن نباشد. مجموعه سرسبز استادیوم قذافی و ورزشگاه‌های اطراف آن در ابتدای مسیر اتوبوس گردشگری ما قرار گرفته‌اند و می‌توان از این فرصت استفاده کرد و گشت‌گذاری در این ورزشگاه زیبا داشت.

IQBAL FORUM



غذا دادن کودکان به «سوزی» فیل مشهور باغ وحش لاهور



دو قلاده ببر که در باغ وحش لاهور زندگی می کنند

• سومین باغ وحش تاریخ جهان

از زمانی که سوار براتوبوس گردشگری حرکت در لاهور زیبا را آغاز می‌کنیم تا زمانی که از روی نهر مشهور لاهور عبور کرده و در میان کوچه باغ‌ها به درب ورودی سومین باغ وحش جهان می‌رسیم زمان زیادی طول نخواهد کشید. این باغ وحش در سال ۱۸۷۲ افتتاح شده و اکنون بیش از ۱۴۵ سال عمر دارد، در و دیوار آن به خوبی نشان از قدمت و عظمت آن دارند. باغ وحش لاهور میزبان پنجمین نشست انجمن همکاری‌های منطقه‌ای باغ وحش‌های جنوب آسیا نیز بوده و از این لحاظ اهمیت زیادی برای مردم پاکستان دارد. در این باغ وحش صدها درخت از ۷۱ گونه مختلف و بیش از ۱۴۰۰ حیوان از ۱۳۶ گونه مختلف زندگی می‌کنند، مسئولین باغ وحش در سال ۲۰۱۰ از وجود ۳۳۶ پستاندار در کنار ۹۹۶ پرنده و ۴۹ خزنده خبر داده بودند.

گونه‌های نادری از انواع حیوانات به خصوص پستانداران بزرگ نظیر ببر و پوما در این باغ وحش زندگی می‌کنند و هریک از این حیوانات در بخش ویژه خود نگهداری می‌شوند که به شیوه جالبی از سایر بخش‌ها جدا شده است. برخی بخش‌های مهم باغ وحش عبارتند از : بخش گربه‌سانان بزرگ: این بخش شامل ۱۵ ببر، ۳ پوما، ۲۰ شیر است که بسیاری از آن‌ها متولد باغ وحش هستند و به دقت از آن‌ها نگهداری می‌شود تا نسل‌شان افزایش پیدا کند.

بخش زندگی فیل‌ها، میمون‌ها و خزندگان که شامل مارها و تمساح‌های عظیم‌الجثه می‌شود نیز طرفداران بسیاری دارد. رودخانه‌ای در این باغ وحش جریان دارد که تفکیک جالب آن باعث شده تا به محل زندگی گونه‌های زیادی از جانوران دریایی تبدیل شود. همه ساله جانوران جدیدی از آفریقا و دیگر قاره‌های جهان به لاهور انتقال داده می‌شوند تا در باغ وحش این شهر زندگی کنند و علاوه بر بازدید عمومی که از آن‌ها صورت می‌گیرد محققان روی آن‌ها تحقیقات انجام دهند.

IQBAL FORUM



گشت و گذار در سافاری پارک لاهور

- **سافاری پارک لاهور یک تفریح بی‌نظیر**

باغ‌وحش لاهور علاوه بر گردش‌های معمول در بخش بیرونی خود امکان وحش‌گشت یا گردش در دل طبیعت وحشی را برای علاقه‌مندان فراهم می‌کند و طبیعت دوستان و محققان می‌توانند در ۳۰ کیلومتری شهر لاهور یک سفر اعجاب انگیز را سوار بر جیپ‌های ویژه تجربه کنند. در سافاری پارک باغ وحش لاهور می‌توان زندگی طبیعی ببرهای بنگال، شیر، ده‌ها گونه نادر پرنده و پستان‌دار را از نزدیک به تماشا نشست. شرکت در تورهای ویژه سافاری از طریق باغ وحش لاهور امکان پذیر است و افراد علاقه‌مند می‌توانند با رزرو صندلی به همراه وسایل و تجهیزات مورد نیاز به گردش در دل طبیعت بپردازند.

- **سیری در تاریخ کهن ملک خداداد**

از باغ وحش لاهور که ۱۲اُمین ایستگاه اتوبوس گردشگری است تا بیست و دومین ایستگاه که مقصد مهمی برای ما تلقی می‌شود می‌توان ساختمان دادگاه عالی پاکستان و پارلمان ایالت پنجاب را به نظاره نشست که هریک از آن‌ها یادآور حوادث مهم و سرنوشت‌سازی برای کشور پاکستان هستند. در بیست و دومین ایستگاه به موزه لاهور می‌رسیم ساختمانی باشکوه که معماری آن نمونه بی‌نظیری از هنر به جا مانده از عصر مغول تلقی می‌شود و فراز و نشیب‌های ساختمان از اسرار درون آن خبر می‌دهد، اینجا بزرگ‌ترین موزه تاریخی و فرهنگی پاکستان است و آثاری که در آن به معرض نمایش در آمده‌اند در سراسر جهان بی‌نظیر هستند.

در سال ۱۸۶۵ موزه لاهور به صورت رسمی افتتاح شد و تا به امروز میزبان میلیون‌ها گردشگر و پژوهش‌گر بوده که به شوق سیر در تاریخ کهن پاکستان و میراث به جا مانده از تمدن‌های هندو و بودایی راهی این موزه شده‌اند. موزه‌ای که آغوشش را از ۹ صبح تا ۹ شب به روی علاقه‌مندان می‌گشاید و پذیرای گام‌های آنان می‌شود.

ساختمان اصلی موزه آجری رنگ است و بدون نیاز به هیچ جلوه بصری دیگری به خوبی در آسمان آبی شهر لاهور جلوه نمایی می‌کند. از درب ورودی که بگذریم به محوطه‌ای پارک مانند می‌رسیم که از طریق یک پل چوبی کوچک به ورودی اصلی موزه ختم می‌شود و برروی ورودی موزه عبارت

IQBAL FORUM

«عجایب گهر»[1] حک شده است و از نگاه مردم گنجینه‌ای از عجیب‌ترین و قدیمی‌ترین آثار تمدن‌های کهن است. آثاری که نه تنها از تاریخ پاکستان بلکه در رابطه با بوتان، میانمار، تبت، نپال، آسیای مرکزی و حتی آفریقا حکایت‌های فراوانی نقل می‌کنند.

- **از بیستون تا لاهور**

هرسوی تاریخ پاکستان را که نگاه کنیم ریشه‌ای ایرانی در آن می‌بینیم، «گاندارا» نام یکی از استان‌های مهم روزگار هخامنشی است که نامش در کتیبه های تاریخی آمده است، استانی که در شرقی‌ترین منطقه امپراتوری هخامنشیان قرار داشت، جایی که ما اینک آن را پاکستان می‌نامیم. در اولین سرسرای بزرگ موزه لاهور می‌توان آثار بی‌نظیری از تمدن آن روزگار را به چشم دید و عظمت حکومت‌هایی که روزگاری رقیبی برای خود تصور نمی‌کردند و اینک اثری از آن‌ها باقی نمانده را حس کرد و درس عبرت آموخت.

در این بخش می‌توان تمام عقاید و تاریخ آئین بودا را در قالب پنل‌ها و مجسمه‌هایی نفیس و منحصربه فرد تماشا کرد، آنچه این دین برای سال‌های مختلف عمربشرپیش‌بینی کرده، همه و همه در این سرسرا گرد هم آمده‌اند. آثار موجود در این بخش موزه آن‌قدر ارزشمند هستند که نام تعدادی از آن‌ها جهانی است و به راحتی می‌توان با جستجوی نام‌هایی چون «آتنا، سراوستی و سوخاوتی هیون»[2] یکتا بودن آن‌ها را فهمید.

- **ریاضت های بودا**

بدون شک اگر نگوئیم مشهورترین اثر، یکی از منحصربه فردترین آثار موجود در موزه لاهور، مجسمه‌ای ۱۸۰۰ساله به نام « Fasting Siddhartha» است که ریاضت‌های مهم بودا را برای رسیدن به کمال نشان می‌دهد. در افسانه‌ها آمده که «سیدارتا گوتاما بودا» بینانگذار آئین بودا از طریق ریاضت‌های سخت و تحمل گرسنگی (روزه) و دور شدن از تمایلات انسانی به روشنی رسید، چیزی که در آئین بودا نقطه آرمانی است.

این مجسمه نشان دهنده حالات معنوی و روحانی بوداست و می‌توان نوع نگرش او به سختی‌هایی که در حال تحمل آن است را نیز مشاهده کرد. علاوه براین مجسمه مشهوره‌ها اثربی‌نظیراز تمدن گاندارا در این موزه وجود دارند که هریک روایت‌گرفصلی از فراز و نشیب تاریخ بشری هستند.

- **تالارهای سکه**

بیش از ۴۰ هزار سکه که مربوط به ادوار مختلف تاریخ است در موزه شهرلاهور وجود دارند و به خوبی تمدن شگرفی که از روزگاران دیرین در ملک خداداد وجود داشته را نشان می‌دهند، برخی

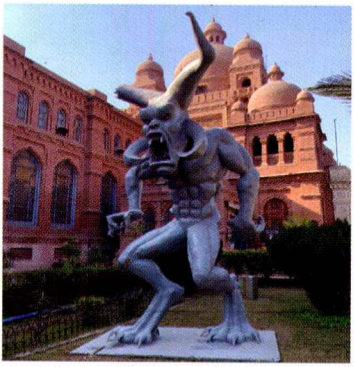
۱- به معنای خانه عجایب: Ajayeb Ghar

۲- مجسمه هایی به نام های لاتین: Athena. Saravasti , Sukhabati Heaven

IQBAL FORUM



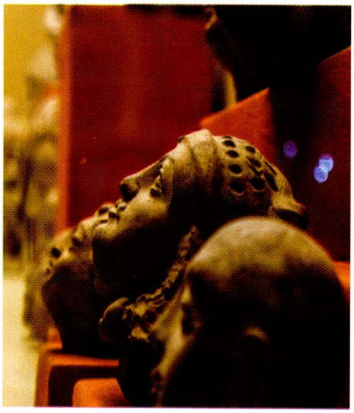
موزه شهر لاهور یکی از بزرگترین و کامل ترین موزه های تاریخی جهان است



مجسمه عجیبی از شیطان که در بیرون موزه لاهور نصب شده است



بخشی از ویترین مربوط به سکه های قدیمی در موزه شهر لاهور



آثار قدیمی به دست آمده از تمدن دره سند نیز در موزه لاهور وجود دارند



اثر هنری و ارزشمند مربوط به قرن ها پیش که ریاضت های ضروری آئین بودا به نمایش در آمده است



یکی از منحصر به فردترین آثار موجود در موزه لاهور، مجسمه‌ای ۱۸۰۰ساله به نام «مجسمه روزه داری بودا» است

IQBAL FORUM

از این سکه‌ها ۲ هزار و ۶۰۰ سال قدمت دارند و از زمان پادشاهی هخامنشیان به یادگار مانده‌اند. سایر اقوامی که روزگاری در پاکستان کنونی حکومت کرده‌اند نیز سهمی از این میراث ارزشمند دارند. سکه‌های دوران مغول، اعراب، سیک‌ها، یونانیان و... نیز میان این گنجینه با ارزش دیده می‌شوند از جمله اولین سکه‌های ضرب شده توسط سلطان محمود غزنوی.

- **تالار تمدن دره سند**

قدیمی‌ترین آثار موجود در موزه را می‌توان در این تالار یافت، مجسمه زنی که لباس تمدن‌های پیشین دره سند و منطقه سوان را به تن دارد از اولین اشیاء ساخته شده توسط انسان هستند و قدمت آن را ده‌ها هزار سال می‌دانند.

اشیاء فراوانی را می‌توان در این تالار یافت که عمر آن‌ها بالغ بر ۵ هزار سال است یعنی به چشم خود اوج و افول قدرت صدها نسل را تماشا کرده‌اند. مجسمه‌های سفالی، جواهرات قرمزرنگ، ساخته‌های مربوط به عصر حجر و... در جای جای این تالار خودنمایی می‌کنند.

- **مینیاتوری‌های بی‌نظیر**

علاقه‌مندان به نقاشی و به خصوص مینیاتوری نیز می‌توانند صدها اثر فاخر و ماندگار را که طول عمر بعضی از آن‌ها به ۵۰۰ سال می‌رسد در این موزه پیدا کنند و از دیدن آن چشمان خود را سیراب کنند. نقش و نگارهایی که در این آثار بی‌نظیر آفریده شده‌اند حکایت از رونق هنر در زمان نزدیک به دوران معاصر دارد، به خصوص پس از آن‌که سرزمین‌های اسلامی و به ویژه شبه‌قاره از شرفته مغول احساس آرامش کردند هنرمندان مجال یافتند تا خودی نشان داده و زیباترین آثار را خلق نمایند. حتی در این بخش نیز می‌توان آثار فراوانی پیدا کرد که نشان دهنده علاقه مردم قرن‌های گذشته به مکتب بوداست و نقاشان چیره دست باورهای مردم زمان خود را بر روی صفحات بوم نقاشی کرده‌اند.

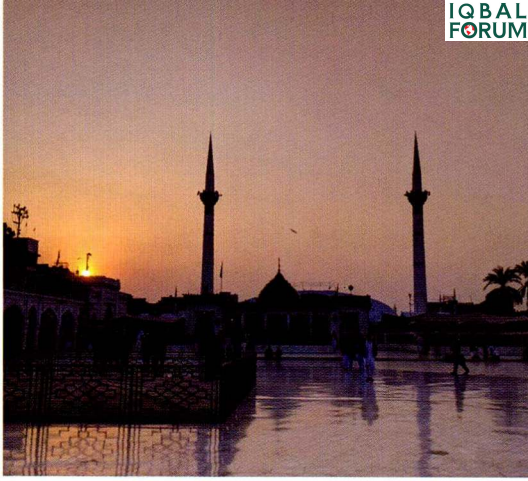
- **هنر آئینی اسلامی**

در بخش دیگری از این موزه عجایب به هنرآفرینی مسلمانان برخورد خواهیم کرد و از دیدن ده‌ها جلد قرآن خطی که به زیبایی تزئین شده‌اند و هنرمندان مسلمان سال‌ها وقت صرف کتابت آن‌ها کرده‌اند شگفت زده خواهیم شد.

بخشی از این نسخ خطی به سبک ایرانی تهیه شده و در این میان می‌توان کتاب‌های شعر مختلفی پیدا کرد که در قالب نستعلیق رایج ایرانی نوشته شده‌اند و سپس جلوه‌های بی‌نظیر اسلیمی‌ها و نقش و نگاره‌های گل و بلبل آن‌ها را تزئین کرده‌اند. علاوه بر این آثاری به زبان‌های هندی، دایره المعارف‌های غربی، و حتی آثار قدیمی عربی و انگلیسی نیز در این موزه بسیار زیادند.

IQBAL FORUM





آرامگاه داتاگنج بخش که نزد مردم پاکستان احترام و اهمیت بسیار زیادی دارد سازندگان این بنا آن را به سبک مسجد النبی «ص» ساخته اند

مراسم ویژه سالروز ارتحال داتا گنج بخش که با حضور متولیان بقعه با احترام ویژه ای برگزار می شود

• تاریخ پاکستان

آخرین بخش از موزه به تاریخ پاکستان می‌پردازد و مهم‌ترین اتفاقات دوران استقلال پاکستان را به تصویر کشیده است که همواره مورد توجه خانواده‌ها و گردشگران قرار می‌گیرد.

رزم جامه‌ها و شمشیرهایی که توسط تمدن‌های پیشین مورد استفاده قرار می‌گرفته و سلحشورانی آن‌ها را به تن می‌کردند که هیبت‌شان رعب در دل دشمن می‌افکنده، نیز در این موزه به معرض نمایش در آمده‌اند.

به راستی هریک از این آثار می‌تواند انسان را به سال‌ها پیش بازگرداند و دقایقی آدمی را در حال و هوای شکوه گذشته خود غرق کند. سیر در تاریخ اهمیت وافری دارد و آن‌گونه که امیرکلام به فرزندش امام مجتبی« علیه‌السلام» سفارش می‌کند،[1] بایستی از نگاه به برگ‌های گذشته تاریخ عبرت گرفت و پاکستان مملو از عبرت‌هایی است که گذشتگان به ما می‌آموزند.

• سرزمین گنج های نایاب

تار و پود لاهور را فرهنگ و عرفان شکل داده است و در جای جای آن می‌توان گنج معرفت را یافت، از موزه مشهور لاهور که خارج شویم، سوار بر سمند تیزپای خود با طی تنها ۵ ایستگاه به زمینی قدم خواهیم گذاشت که مردم شهر اقبال، قداستی وصف ناشدنی برای آن متصور هستند.

مریدان بسیاری با دستان خالی به آرامگاه پیر گنج بخشی می‌آیند که مرامش بخشش است و مزارش ملجا عاشقان سیر و سلوک به سوی حق تعالی، جالب این که صاحب این مزار ایرانی تبار است ولی کانون توجهات مردمی است که روزگاری اجدادشان را با کهربای سخنانش به سوی اسلام رهنمون شده است.

«علی جلابی هجویری» از عرفای به نام سده ۵ هجری قمری است که اصالتی خراسانی دارد اگرچه سال دقیق ورودش به لاهور مشخص نیست ولی آن زمان که سلاطین غزنوی شبه‌قاره را

۱- پسرم! اگرچه عمر محدودی دارم و با امت‌های گذشته نبوده‌ام که از نزدیک وضع و حال آن‌ها را مطالعه کرده باشم، اما در آثارشان سیر کردم و در اخبارشان فکر کردم تا آنجا که مانند یکی از خود آن‌ها شدم، آن‌چنان شده‌ام که گویی باهمه آن جوامع از نزدیک زندگی کرده‌ام. نهج البلاغه نامه ۳۱

IQBAL FORUM

میدان جنگ کرده و مورد تاخت و تاز قرار داده بودند هجویری جزو شعرا و عرفایی بود که نهال دوستی و محبت در دل مردم این سامان کاشت. هجویری مردم لاهور را با دین مبین اسلام آشنا ساخت و به آنان قرآن آموخت، در این سرزمین مدرسه بنا کرد و شاگردان بسیاری تربیت کرد تا جایی که نوشته‌اند هندوها نیز به شاگردی او در آمدند، در زبان اردو به او «داتا گنج بخش» می‌گویند که به معنای درویشی است که گنج می‌بخشد.

آرامگاه او همان مدرسه و مسجدی است که بنا کرده و نکته عجیب این است که زمین با برکت این مسجد و مدرسه هنوز هم محل ذکر و تسبیح ذات حق تعالی است. داتا در کنار مدرسه‌اش چاهی حفر کرد که مریدانش آن را چاه فیض نامیده‌اند، از آب این چاه هنوز هم مردم می‌نوشند و معتقدند که شفای بیماران‌شان در آن است.

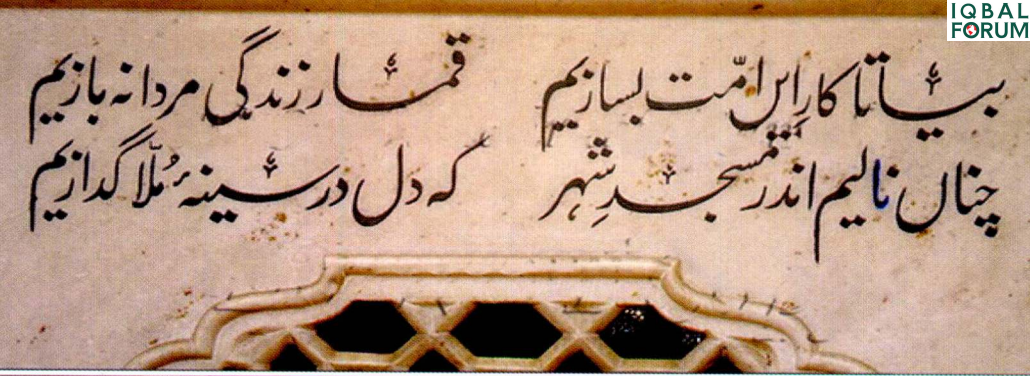
شیرنوشی دربار داتا؛ نقل است که شخصی برای در امان ماندن احشامش شیرآن را برای داتا گنج بخش می‌آورده و به دلیل همین نذر سالانه، تمام احشامش از آفات در امان بودند، این رسم هنوز هم ادامه دارد و مردم پاکستان هرسال شیر احشام‌شان را به آرامگاه داتا گنج بخش آورده و بین مردم توزیع می‌کنند تا دام‌شان سالم بماند.

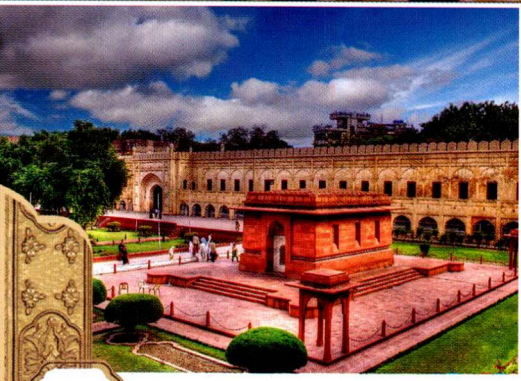
سفره اطعام دربار داتا؛ یکی از عجایب و فیوضات آرامگاه هجویری این است که روزانه بین ۱۰ تا ۵۰ هزار نفر بر سر سفره طعامی می‌نشینند که در آرامگاه او پهن می‌شود. سال هاست این رسم ادامه دارد و فقرا و مساکین از دور و نزدیک خود را به آرامگاه داتا می‌رسانند تا از این سفره بهره بگیرند.

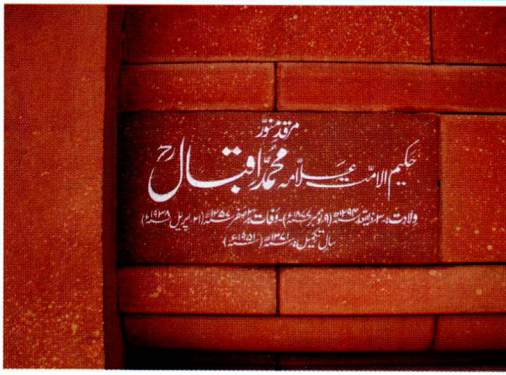
دروازه بهشت؛ آرامگاه هجویری ۶ در ورودی دارد ولی نام یکی از آن‌ها «جنتی دروازه» یا دروازه بهشت است و سالانه تنها چند روز به روی مردم گشوده می‌شود، این دروازه زیبای طلایی در زمان ذوالفقار علی بوتو توسط هنرمندان چیره دست اصفهانی ساخته شده و نمونه بی‌نظیری از هنر اسلامی به حساب می‌آید.

کشف المحجوب ماندگارترین اثر پیر گنج بخش است که در بیان طریقت تصوف و شرح احوال اشخاص و مقامات آنان به رشته تحریر در آمده است. دربار داتا گنج بخش احترام فراوانی نزد مردم دارد و بسیاری از ارادتمندان وی هنوز هم برای حل مشکلات‌شان به دربار او پناه می‌برند و به راز و نیاز با خدای متعال مشغول می‌شوند.

IQBAL FORUM







آرامگاه علامه اقبال لاهوری که پدر فکری کشور پاکستان تلقی می گردد

- **آرامگاه علامه مشرق زمین**

به فاصله چند دقیقه از دربار حکم‌رانی پیر قلب‌های مردم لاهور، به ورودی یکی از زیباترین، قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مساجد تاریخ اسلام می‌رسیم، که پیش از ورود به فضای اصلی آن بقعه‌ای کوچک و سرخ رنگ که در حلقه باغ سبز حضوری چون نگینی ارزشمند به نظر می‌رسد نگاه‌ها را جلب خود می‌کند. اینجا آرامگاه بزرگ مردی است که تحقق رویای او تار و پود ملک خداداد را به هم بافت. ستاره بلند اقبالِ لاهوریان این جا دفن است و هر صبح‌گاه آفتاب به دیدارش جلوه‌گر می‌شود. آنچه بُهت مراجعه‌کنندگان به بقعه اقبال را بیش از پیش بر می‌انگیزد عشق و ارادت بی‌مثالی است که این شاعر نابغه به زبان پارسی داشته بی‌آن‌که ایران را ببیند. برسردر وردی این بقعه حک شده:

بیا تا کار این امت بسازیم	قمار زندگی مردانه بازیم
چنان نالیم اندر مسجد شهر	که دل در سینه ملا گدازیم

شاید تصور کنیم که تنها در ورودی این بقعه اقبال با اشعار ناب فارسی خود به استقبال ما آمده ولی وقتی قدم به محوطه داخلی بقعه گذاشته و سفیدی مرمرآن را نظاره کنیم می‌بینیم که بر سقف این بقعه نیز عشق اقبال به فارسی جلوه‌گر شده است:

IQBAL FORUM

دم مـرا صفت باد فرودیـــن کردنـد | گیاه را ز سرشکم چو یاسمین کردند
نمـود لاله صحـــرا نشین ز خونابـــم | چنانکه باده لعلی بـه ساتگین کردند
بلند بـــال چنانـــم که برسپهر برین | هـــزار بـار مرا نوریـــان کمیـن کردند
فروغ آدم خاکی ز تازه کاری هاست | مه وستاره کنند آنچه پیش ازین کردند
چراغ خویش برافروختم که دست کلیم | درین زمانه نهـــان زیـــر آستین کـــردند
درآ به سجده و یاری ز خسروان مطلب | که روز فقر نیاکان مـــا چنین کردند

و آخرین چراغی که برروان شیدای اقبال می‌تابد تا عشق او به زبان شیرین فارسی را فاش کند برسنگ قبرش نقش بسته است:

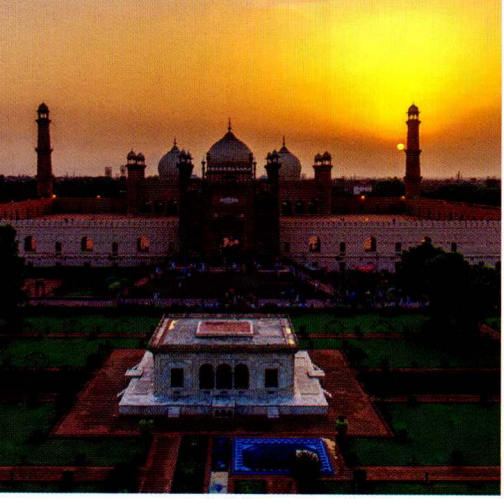
نه افغانیـم ونـــی تـــرک وتاتاریـــم | چمـن زادیـم و از یـــک شاخســـاریم
تمیـــز رنگ و بو بر مـــا حرام است | که مـــا پـــرورده یـــک نوبهـــاریم

به راستی که قالب الفاظ به کار رفته در اشعار اقبال علی‌رغم تمام زیبایی‌ها و ایجازشان نتوانستند عظمت این شاعر فرهیخته را در خود مخفی کنند و هریک از ابیات اشعار اقبال بیش از هرچیز عظمت وجود او را فریاد می‌زنند. به پاس تمام این حس انسان دوستی علامه مشرق زمین ما نیز چون دیگران فاتحه‌ای می‌خوانیم و سپس دل به لاهور این شهرافسانه می‌سپاریم تا پرده‌ای دیگر از جلوه‌های نهان خود بردارد.

IQBAL FORUM



کاشی کاری زیبا و منحصر به فرد محراب های مسجد پادشاهی لاهور



مسجد پادشاهی در شهر لاهور که نمادی بی نظیر معماری گورکانی است

- **مسجد پادشاهی؛ سجده‌گاه پادشاهان**

نام مغول اگرچه آغشته به خون است و هنوز تاریخ از شنیدن نام چنگیز به خود می‌لرزد ولی ۴۰۰ سال پس از تارو مار شدن جهان زیر سم اسبانِ سواران چنگیزخان، گورکانیان هند که از نوادگان تیمور هستند سلطنت در سراسر شبه را قاره به دست گرفتند و حدود ۳۰۰ سال حاکم بلامنازع این سامان شدند.

در شبه‌قاره و تاریخ غرب حکومت گورکانیان به نام امپراتوری بزرگ مغول شناخته می‌شود و پادشاهان این سلسله آثار بی‌نظیری از خود برجای گذاشته‌اند که هنوز هم می‌توان بقایای آن را در این سرزمین یافت، بی‌شک یکی از ماندگارترین آثار عصر گورکانیان که جلوه گویای شکوه معماری آنان است و حتی ضربات مهلک تاریخ نیز نتوانسته جلوه آن را کم‌رنگ کند «مسجد پادشاهی» لاهور است.

به گواهی تاریخ «اورنگزیب[1] عالم‌گیر» فرزند شاه جهان اقتدار مغولان را در شبه‌قاره به اوج خود رساند، «تاج محل در هند» بنایی است که به یاد مادر ایرانی‌اش ارجمند بانو ساخته شده و اینک یکی از عجایب هفت‌گانه جهان است و مسجد پادشاهی لاهور بنایی است بی‌نظیر که تجلی تمام آموخته‌های هنری هزاران معمار و هنرمند عصر گورکانیان است.

ساخت این مسجد سرخ رنگ در سال ۱۶۷۱ میلادی آغاز شد و دوسال به طول انجامید، اگر از کنار آرامگاه اقبال لاهوری چند قدم پیش برویم می‌توانیم به پله‌های ورودی مسجد پادشاهی برسیم و به سادگی آن را از طریق ۸ مناره و ۳ گنبد سفید رنگش بشناسیم، مناره‌های این مسجد ۵۳ متر ارتفاع دارند و صحن آن گنجایش ۵۶ هزار نمازگزار را دارد.

۱- اورنگ در فارسی به معنای تاج و تخت است و اورنگ +زیب را می‌توان زینت تاج و تخت یا فرد لایق سلطنت معنا کرد.

IQBAL FORUM

مساجد از آغازین روزهای ظهور اسلام اهمیت بسیاری برای جامعه اسلامی داشتند و در قرون بعد مسلمانان تلاش کردند تمام آموخته‌های هنری عصر خود را در معماری مساجد به کار ببرند، مسجد پادشاهی نماد امپراتوری مغول بود از این رو به دستور اورنگزیب تمام شبستان‌های آن به زیباترین هنر عصر خود آراسته شدند و با استفاده از سنگ مرر و همچنین سنگ‌های قرمز رنگ و سپس گچ‌کاری‌های منحصربه فرد آذین شدند.

نگاره‌های حک شده روی دیواره‌ها و سقف این مسجد نشان می‌دهند که در دوره گورکانیان قرابت عجیبی بین ایران و شبه‌قاره وجود داشته و همین موجب ظرافت بی‌مثال بناهای آن دوران شده است.

اگر از درب ورودی مسجد که در کنار «در عالم گیری» قلعه لاهور قرار دارد وارد شویم صحن بسیار بزرگی را مشاهده می‌کنیم که حوض زیبایی در مرکز آن است، این معماری دل باز و روح افزا را می‌توان در مساجد قدیمی ایران مانند مسجد جامع شهر قم[1] نیز مشاهده کرد. در اطراف صحن نیز دالان‌های قرمزرنگی وجود دارند که در نهایت به بنای اصلی مسجد و شبستان و ایوان مرکزی آن ختم می‌شوند.

گاهی به نمازگزاران اجازه ورود به داخل مناره‌ها نیز داده می‌شود و آن‌ها می‌توانند با استفاده ازپله‌های مدور مناره لاهور را از ارتفاعی که زمانی بالاترین نقطه شهر تلقی می‌شد ببینند. نکته جالب این است که اگر بر فراز هرکدام از این مناره‌ها مقبره جهانگیر را نگاه کنیم تنها ۳ مناره مشاهده می‌کنیم ولی اگر از مقبره جهانگیر به مسجد شاهی نگاه کنیم هر چهار مناره را مشاهده خواهیم کرد و این خود نشان دهنده ظرافتی است که در ساخت مسجد به کار گرفته شده است.

اگر میهمان ویژه‌ای نیز به لاهور سفر کند، یکی از برنامه‌های ویژه سفر او بازدید از معماری با شکوه این مسجد است.

۱- ساخته شده در سال ۵۲۹ قمری (۱۱۳۶ میلادی).

IQBAL FORUM



قلعه شاهی لاهور و فضای دل انگیز بیرونی قلعه



علیرغم گذشت سالها، قلعه لاهور هنوز هم شکوه خود را حفظ کرده است

• قلعه شاهی؛ مونس عاشقانه‌های راوی

حال که به مهد عظمت و کانون تمدن لاهور قدم گذاشته‌ایم اجازه قدم نهادن بر دامان مروارید بی‌همتای معماری گورکانی را خواهیم یافت جایی که چشم و چراغ قدرت نمایی شاهان این سلسله بوده و قرن‌ها نامش میان نام قصرهای جهان درخشیده است. قلعه تاریخی و زیبایی که روبروی چشمانمان می‌بینیم قلعه شاهی است که در جوار مسجد پادشاهی قرار دارد و عمر آن نیز چند سالی بیشتر از مسجد است به این معنا که پادشاه سوم سلسله مغولان هند قلعه شاهی را ساخته و پادشاه ششم آنان مسجد را به آن الحاق کرده است.

اکبر پادشاه گورکانی، جهانگیر و پس از آنان شاه‌جهان هر یک در حد توان بر عظمت این کاخ زیبا افزودند و آن را به ملکه‌ای بی‌همتا در سراسر شبه‌قاره مبدل ساختند، ملکه‌ای که رود راوی را مجنون خود ساخته بود و این رود خروشان سر بر دیواره قصر می‌سائید تا شکوه آن را به مرزافسانه‌ها برساند.

اگر ما نیز مانند مردم و مسافران در آن سال‌های دور وارد لاهور می‌شدیم نزدیک به درب روشنایی که یکی از ۱۳ دروازه اصلی شهر لاهور بود بنایی عظیم و بلند و بالا را به چشم می‌دیدیم که چون قصرهای افسانه‌ای فراعنه مصر می‌ماند و تلالو نور خورشید تابان پنجاب بر امواج رود راوی که قایق‌های کوچک و بزرگ چون مرغابی در آن شناور بودند، عظمتش را چنان بزرگ می‌کردند کردند که گویی قدرت گورکانیان را زوالی نیست.

نقل است در کنار این قلعه ریسمانی به نام ریسمان عدالت وجود داشته و هرکس که اسیر ظلم می‌شد می‌توانست از طریق آن شخص پادشاه را به یاری بخواند. قصر شاه در حصاری تنومند از دیواره‌های قطور قرار داشت و ۳ دروازه بزرگ آن را به لاهور متصل می‌کردند.

چشمانت را که رو به تاریخ باز کنی خانواده شاهی و حرم سرای سلطان را می‌بینی که سوار بر پیلان تنومند در حال عبور از یک دروازه هستند و زمین زیر پایشان می‌لرزد. نام شاه جهان برروی این

IQBAL FORUM

دروازه حک شده و پس از گورکانیان ۳۰۰ سال تمام قفل آن به روی کسی باز نشد تا این که پس از استقلال پاکستان دستور بازگشایی آن صادر شد.

بنای قدیم قلعه شامل دیوان عام که محل برگزاری جلسات عمومی پادشاه بود، دیوان خاص که محل حضور افرادی خاص چون شاهزادگان، وزرا و مشاوران بود و همچنین ایوان مشهور شیش محل که محل تردد حرمسرای شاهی بود، می‌شود. در بین این سه بخش شیش محل هنوز هم به تابلویی نفیس و بی‌همتا می‌ماند که پیچیده‌ترین آئینه کاری‌های اسلامی در آن جلوه‌گری می‌کنند.

این قصر نه تنها با راوی الفتی دیرینه داشت بلکه زبان فارسی نیز در شبه‌قاره هم‌زاد آن شد، هرگاه این قصر شکوهش اوج گرفت و اعتلا یافت فارسی نیز اوج و قرب پیدا کرد و حتی تبدیل به زبان رسمی دربار شد و هرگاه این قصر اسیر بی‌مهری شد فارسی نیز به سرنوشتی مشابه دچار شد. زبان رسمی دربار گورکانیان فارسی بود و آنان شیرازه حضور علما و ادیبان فارسی زبان بودند. کاخ شاهی هنوز هم وقتی فریاد «با ادب، با ملاحظه هوشیار» را می‌شنود تمام قد می‌ایستد زیرا می‌داند این فریاد به معنای حضور شخص پادشاه است، صدایی که سال‌هاست دیگر طنین آن به گوش نمی‌رسد و این به معنای زوال دوران عروج این قصر است زوالی غم‌انگیز که حتی راوی خروشان را نیز به سوگ خود نشانده و و رود دیگر به پابوس ملکه شب‌های لاهور نمی‌آید. گویا مرگ آن را باور کرده و اینک از فاصله‌ای چند کیلومتری راهش را به سویی دیگر کج می‌کند.

در نزدیکی شیش محل مسجدی به نام «موتی مسجد» ساخته شده بود که محل عبادت زنان حرمسرا بود هرچند جواهرات این مسجد در دوران حکومت سیک مذهبان به تاراج رفته ولی هنوز هم شکوه آن باقی است.

این قلعه در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده و بخشی از آن اینک تبدیل به موزه شده که اشیا مختلفی در آن قرار دارد. دیگر دروازه شاه جهان چون قدیم نظاره‌گیر پیلانی که در کجاوه ها، ماهرویان حرمسرا را جابه‌جا می‌کردند نیست ولی نام قلعه شاهی همچنان برازنده این مکان است.

IQBAL FORUM





معماری باغ شالیمار از باغ های زیبای ایرانی الهام گرفته شده | باغ زیبای شالیمار

- **باغ شالیمار، چهار باغ لاهور**

از دیگر شاهکارهایی که عصر ما از گورکانیان به ارث برده باغ دل انگیز شالیمار است که در نزدیکی قلعه لاهور بنا نهاده شده است، شالیمار را دیوارهایی به طول ۶۵۸ متر و عرض ۲۵۸ متر در آغوش گرفته‌اند. این باغ آن چنان با صفا و زیبا بنا نهاده شده که هنوز هم میهمانان ویژه دولت پاکستان در بخش تشریفاتی آن پذیرایی می‌شوند.

اگر گردشگری ایرانی قدم به شالیمار بگذارد حس غربت نخواهد کرد چرا که در و دیوار شالیمار حس چهار باغ اصفهان را به انسان می‌دهند و این بی‌دلیل نیست زیرا زمانی که شاه جهان پادشاه مقتدر گورکانی شنید هنرمندی ایرانی به نام «ملا علا ملک» معماری خبره و چیره دست است که آثاری ماندگار خلق کرده به وی دستور داد از رود خروشان راوی چند نهر جدا کرده و باغی زیبا در کنار آن بسازد.

آنچه در سال ۱۶۴۰ میلادی یعنی حدود ۲ سال پس از دستور شاه جهان تحویل او داده شد حیرت انگیز بود، پادشاه پیش روی خود باغی سرسبز به سبک چهار باغ اصفهان می‌دید که صدها فواره برحوضچه‌های کوچک و بزرگ آن خودنمایی می‌کردند. درختان هلو، گیلاس و انگور از سراسر جهان به لاهور انتقال داده شده و در این باغ به ثمر نشسته بودند. منبت کاری دیواره‌های باغ زیبایی آن را دو چندان کرده و هنگامی که انسان برزمین حریر مانند آن قدم می‌گذاشت صدای چهچه بلبلان هوش از سروی می‌برد. شاه جهان چنان محو زیبایی این باغ شد که آن را «شعله ماه» نامید ولی رفته رفته مردم آن را شالیمار خواندند.[۱]

طراحی ویژه باغ آن را به ۳ بخش مجزا تقسیم کرده بود، بخش‌هایی که هریک چند پله برفراز دیگری بودند:

حیات بخش: که ۱۰۵ فواره در آن نصب شده و مخصوص بانوان حرمسرای شاهی بود . زنان دربار در آن به تفریح می‌پرداختند مشهور است که زیب النسا دختر شاه اورنگزیب عالم‌گیری

۱- تفریح گاه های پاکستان، شیخ نوید اسلم، ۲۰۱۶،ص ۴۱

IQBAL FORUM

کنار تختی روبروی حوض می‌نشست و شعر می‌سرود.
فیض‌بخش: محوطه‌ای ویژه پادشاه و درباریان خاص بود که ۱۵۲ فواره زیبا در آن جلوه نمایی می‌کردند و چند پله پائین‌تر از حیات بخش قرار داشت.
فرح‌بخش: قسمت عمومی باغ بود که مردم در آن به تفریح پرداخت و از مشاهده ۱۵۳ فواره آن غرق در لذت می‌شدند.

شالیمار چیزی از شکوه گذشته خود را از دست نداده و هرچند دیگر شاه جهانی وجود ندارد تا با غرور از پله‌های فیض‌بخش به تماشای مردم بپردازد ولی هرسال جشنواره‌های مختلفی در این باغ برگزار می‌شود و صدها هزار نفر برای تماشای آن می‌آیند. جشنواره «چراغانی» مشهورترین فستیوالی است که شالیمار میزبان آن است و هرسال در فصل بهار ده‌ها هزار نفر از سراسر جهان را گرد هم می‌آورد تا در این آوردگاه فرهنگی و عرضه محصولات حضور بهم رسانند.

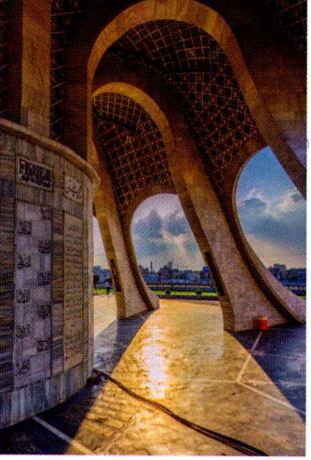
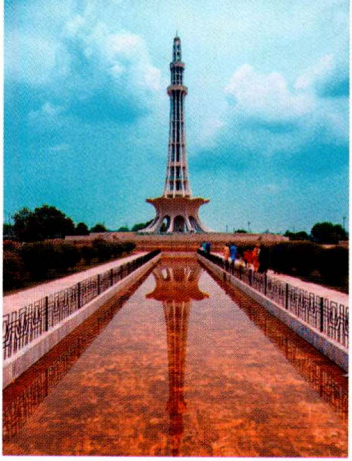
نکته جالب این‌جاست که شکوه این باغ چنان زیاد است که حتی در دور حکومت انگلیسی‌ها نیز رسم پذیرایی از میهمانان ویژه در این باغ ادامه پیدا کرد و سران کشورهایی چون «ایران، ترکیه، انگلیس، آمریکا، چین، افغانستان عربستان و...» حضور در این باغ بهشتی را تجربه کرده‌اند. باغی که در فهرست با ارزش‌ترین میراث تاریخی جهان نیز ثبت شده است.

- **منار پاکستان؛ زادگاه بیداری اسلامی شبه‌قاره**

اگر ما نیز هم‌زمان با گردش در لاهور بتوانیم در زمان نیز سیر کنیم به چشم عجایبی را می‌بینیم که زبان از توصیف آن عاجز است، مهد فرهنگ پاکستان روزگاری شاهد حضور ده‌ها هزار نفر در محوطه‌ای وسیع شده و چشم‌ها به خروش فریاد مردی لاغر اندام ولی جدی و بلند بالا خیره شده‌اند که هُرم سخنانش بت‌کده‌های شبه‌قاره را در خود می‌سوزاند، او فریاد برمی‌آورد و از حق آزادی و استقلال مسلمانانی سخن می‌گوید که اسیر چنگ استعمار شده‌اند. صدای الله اکبر جمعیت با طنین نام پاکستان در حنجره محمد علی جناح پیوند می‌خورد و به این ترتیب نقطه عطف تاریخ استقلال پاکستان در همین مکان که اینک زیر گام‌های ماست رقم می‌خورد.[1]

این جلسه تاریخ‌ساز تا ابد در سینه پاکستان به یادگار ماند و در سال‌های پس از استقلال به منظور گرامی‌داشت تمام بزرگانی که عمرشان را وقف رویش نهال این بیداری اسلامی عظیم کردند یادمانی در همان نقطه که روزگاری جایگاه سخنرانی محمد علی جناح بود ساخته شد. یادمانی که اینک آن را «منار یادگار پاکستان» می‌نامند. تصمیم ساخت یک یادمان ملی در این مکان مربوط به سال ۱۹۵۹ و دوره ریاست جمهوری ایوب خان است، ولی از این تصمیم تا زمانی نهایی شدن

۱- این سخنرانی و نتایج حاصل از آن را به نام قرار داد پاکستان می شناسند که در تاریخ ۲۳ مارس سال ۱۹۴۰ رخ داد و تنها هفت سال بعد استقلال پاکستان رقم خورد.


منار زیبا و تاریخی پاکستان که یادمان آزادگی مسلمانان شبه قاره است.

طرح پیشنهاد شده توسط «نصیرالدین مراد» که یک هنرمند ترک تبار بود ۳ سال زمان گذشت.

در معماری و طراحی این برج چنان ظرافتی به کار رفته که تشریح آن به کتابی جدا نیاز دارد، نصیرالدین مراد پیش از آغاز به کار، تاریخ بیداری اسلامی شبه‌قاره را به خوبی مطالعه کرد و سپس دانسته‌های خود را حتی در مصالح این برج به کار گرفت. او آنچنان تحت تاثیر بیداری اسلامی مردم پاکستان قرار گرفت که حاضر نشد حق‌الزحمه دریافت کند و تمام مراحل طراحی و نظارت را به صورت رایگان انجام داد. این یادمان که ۵۹ متر ارتفاع دارد در نقطه مرکزی ستاره‌ای ۵ راسی بنا نهاده شده که در کنار آن هلالی وجود دارد و نماد ستاره و ماه پرچم پاکستان است، بخش‌های پائینی مناره از سنگ‌های سخت تشکیل شده که نشان دهنده سختی‌های بسیار دوران استقلال است ولی در نیمه دومی این برج مصالح نرم‌تر استفاده شده که نماد گذر از دوران سخت استقلال و آغاز دوران شکوفایی پاکستان است.

در فضای زیرین یادمان، ۹۹ اسم جلاله حق تعالی نقش بسته و بیانیه‌ای که طبق آن پاکستان شکل گرفت به سه زبان «اردو، انگلیسی و بنگالی» حک شده است.[۱] علاوه بر این آیات سوره بقره، آل عمران، مائده و رعد نیز توسط هنرمندان بزرگ پاکستانی[۲] در این بخش رویت می‌شود. بنای بتنی یادمان با سنگ‌های نرم سفید و با نقش ونگارهای گل به صورت کنده‌کاری پوشیده شده و بخش پائین یادمان نیز مانند برگ‌های یک گل است و بر روی هر یک از این برگ‌ها آیاتی از قرآن کریم و هم‌چنین سخنان محمد علی جناح و علامه اقبال لاهوری نقش بسته‌اند. ۳۴۲ پله بازدیدکنندگان را به نقطه اوج این یادمان می‌رساند تا لاهور زیبا را به نظاره بنشینند هر چند اخیرا دولت پاکستان آسانسوری در کنار یادمان قرار داده تا تردد به نقطه راس برج ساده‌تر شود. تماشای منظره غروب از کنار این یادمان زیبا بسیار دل‌انگیز است و جلوه سرخ رنگ آسمان که خورشید گلگون پنجاب را در خود فرو می‌برد گردشگران بسیاری را به سوی منار یادگار پاکستان می‌کشاند. این یادمان نقطه پایانی گردش ما با اتوبوس گردشگری زیبای لاهور

۱- در زمان خلق این اثر بنگلادش بخشی از پاکستان بود.

۲- خطاطان مشهوری چون: حافظ محمد یوسف سدیدی، صوفی خورشید عالم رقم، محمد صدیق الماس رمق، ابن پروین رقم و محمد اقبال آثار نفیسی در این یادمان خلق کرده اند.

IQBAL FORUM





خیابان زیبای غذای شهر لاهور روزانه میزبان هزاران نفر است که قصد چشیدن طعم غذاهای پاکستانی را دارند

است و قصد داریم برای سرو شام روانه خیابان غذا یا Food Street لاهور شویم جایی که دنیا به خود رنگ و بوی ادویه‌های پاکستانی می‌گیرد.

- **خیابان هفت رنگ لاهور**

در نگاه اول خیابان غذای شهر لاهور به تابلوی زیبای هفت رنگی می‌ماند که بالکن خانه‌ها نقش و نگار اصلی آن را شکل می‌دهند، این خیابان که در روزگار پیش از استقلال پاکستان محل زندگی اعیان و اشراف هندو مذهب بود بعدها تبدیل به یکی از پُر رفت و آمدترین خیابان‌های شهر لاهور شد.

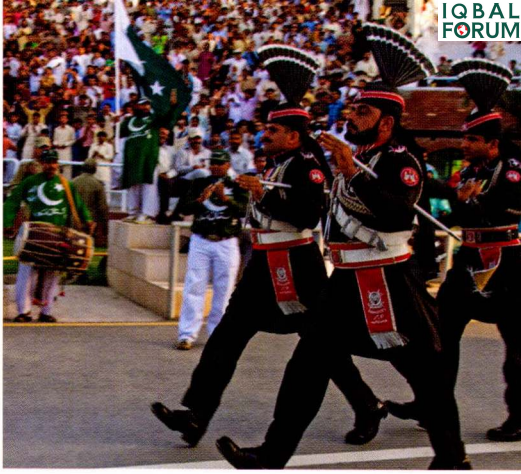
دانشجویان دانشگاه هنر لاهور طرح جذابی را روی ساختمان‌های موجود در این خیابان اجرا کرده و آن‌ها را به شکلی منظم با رنگ‌های مختلف تزئین کردند، سپس با تلاش دولت ایالت پنجاب تمام مغازه‌های موجود در زیر این ساختمان‌ها تبدیل به رستوران شد و همین اتفاق سیل جمعیت لاهور را به فود استریت کشاند.

شهرت خیابان غذا در لاهور به حدی بالا رفت که در دیگر شهرهای پاکستان نیز نمونه آن ساخته شد و رونق بسیاری گرفت، در این خیابان می‌توان انواع غذاهای پاکستانی را پیدا کرده و طعم آن را امتحان کرد، از غروب آفتاب تا نیمه‌های شب خیابان غذای لاهور محل رفت و آمد مردم و گردشگرانی است که از راه دور و نزدیک آمده‌اند تا هنردست آشپزان مشهور شهر را بچشند.

شاید ما نیز با تعجب به صف‌های تهیه غذا خیره بمانیم ولی برخی رستوران‌های این خیابان عمری به درازای تاریخ پاکستان دارند و صف بستن مردم هم بی‌دلیل نیست، انواع کباب، بریانی، خورش و... همه در این خیابان با پائین‌ترین قیمت دراختیار مشتریان قرار می‌گیرند. نکته جالب‌تر این است که بدانیم در خیابان غذای لاهور بسیاری از مغازه‌ها فقط غذای تخصصی خود را می‌فروشند و اگر قصد چشیدن چند نوع غذا را داشته باشیم مجبور می‌شویم به چند مغازه سربزنیم. در شهر لاهور چند خیابان غذا وجود دارند ولی مشهورترین آن‌ها خیابان غذای «انارکلی» است که در نوع خود اولین به حساب می‌آید.

این آخرین بخش از گردش ما داخل شهر لاهور بود و در ادامه قصد داریم به دیگر نقاط دیدنی





آئین ویژه بسته شدن مرز واگا که با حضور هزاران نفر از اتباع پاکستانی و هندی برگزار می شود

ایالت سبزرنگ پنجاب سری بزنیم، نباید از یاد ببریم که لاهور در نزدیکی مرز هند است و اگر همت کرده و خود را به نقطه صفر مرزی برسانیم برنامه‌ای بی‌نظیر را به چشم خواهیم داد که شاید نمونه آن را تنها بتوان در استادیوم‌های فوتبال تماشا کرد.

- **آئین ویژه مرز واگا**

مرز واگا (Wagah) در ۲۲ کیلومتری شرق لاهور واقع شده و تا شهر امریستار هند نیز ۳۲ کیلومتر فاصله دارد، اینجا نقطه صفر مرزی میان هند و پاکستان است و مشهورترین مرز مشترک دو کشور نیز به حساب می‌آید. اگر بگوئیم واگا تبدیل به آوردگاهی شده که دو کشور داشته‌های خود را به رخ دیگری می‌کشند چندان گزافه نگفتیم در هر صورت با عبور از دروازه‌ای که نام آزادی بر روی آن نوشته شده می‌توانیم ۲ ستون که لفظ جلاله الله با خط طلایی بالای آنها کار شده است را مشاهده کنیم و البته دروازه‌ای را که آخرین نقطه رسمی کشور پاکستان است.

فاصله بین دروازه آزادی تا درب مرزی چند صدمتر است ولی چیزی که توجه ما را به خود جلب خواهد کرد صندلی‌هایی است که دو طرف چیده شده‌اند و این فضا را شبیه استادیوم کرده اند، در فاصله‌ای نه چندان دور دقیقا همین فضاسازی را در خاک هند مشاهده خواهیم کرد، ولی به راستی چرا مرز دو کشور این‌گونه طراحی شده است؟ برای یافتن پاسخ سوالمان بایستی ساعاتی منتظر بمانیم، هم‌زمان با نزدیک شدن غروب آفتاب سیل جمعیت را مشاهده خواهیم کرد که به سمت مرز کشورشان حرکت می‌کنند، آن‌ها برای عبور از مرز نمی‌آیند بلکه قرار است صندلی‌هایی که تعجب‌مان را برانگیخته بودند پُرکنند، اغراق نکرده‌ایم اگر بگوئیم حساس‌ترین مسابقات فوتبال جهان هم چنین شور و غرور حماسه آفرینی را خلق نمی‌کنند، همان‌طور که جایگاه حضار پر می‌شود صدای شور انگیزترانه‌های ملی دو کشور به گوش می‌رسد و حضار با تمام توان نعره زنده باد را پس از شنیدن نام کشورشان فریاد می‌زنند. در سوی پاکستان که حضور داریم پرچم‌های سبزرنگی را مشاهده می‌کنیم که نشان از عشق مردم به ملک خداداد دارد و آن را با شوری وصف ناپذیر در فضا می‌رقصانند و فریاد الله اکبر سر می‌دهند.

دقایقی بعد نیروهای نظامی و گارد ویژه تشریفات مرزی نیز وارد میدان می‌شوند، مردم این

IQBAL FORUM

نظامیان را مانند قهرمان های ورزشی تشویق می کنند، وآنان نیزتمام انرژی خود را برای نشان دادن قدرت و صلابت کشورشان درگام های کوبنده خود سرازیرکرده و زمین را زیرنعره های خود می‌لرزانند. آرایش نیروهای تشریفاتی دو کشور به قدری خاص است که نمی‌توان نظیرآن را در جای دیگری یافت، دربخش پاکستان لباس های سیاه رنگی رابه تن نظامیان می بینیم که هیبت آنان رادو چندان می کند، آنان حین انجام مراسم کوچک‌ترین لبخندی نمی‌زنند و حین قدم زدن گام ها راتا فراز سرشان بالا می آورند تا آمادگی بالای خود را به نظامیان آن سوی مرز نشان دهند.

تمام این مراسم حدود نیم ساعت طول خواهد کشید ولی مردم برای تماشای این ویژه برنامه و تشویق نظامیان کشورشان از ساعت ها قبل خود را به مرز واگا می‌رسانند، پس از دقایقی نیروهای تشریفات آماده بستن مرز مشترک می‌شوند و اصلی‌ترین قسمت برنامه که پائین آوردن پرچم کشور است هم‌زمان آغاز می‌شود، چند نفراز نیروهای تشریفاتی دو کشور روبروی هم می‌ایستند و با صدای شیپوری مشترک پرچم‌ها به صورت مورب پائین آورده می‌شود، آرام و هم‌زمان.

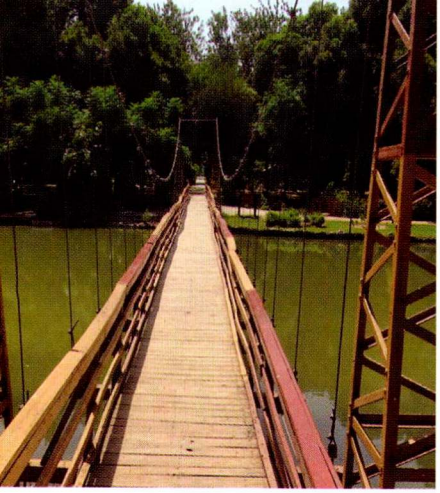
آخرین مرحله این مراسم بستن مرز است و فرماندهان نیروهای تشریفات دو کشور ضمن دست دادن به هم از نقطه صفرمرزی خارج می‌شوند تا مرز بسته شده و برای بازگشایی در صبح روز بعد آماده شود. این مراسم پراز هیجان هرروز برگزار می‌شود ولی در روزهای خاصی مانند روز استقلال پاکستان یا روز تولد محمد علی جناح پیدا کردن صندلی خالی کار بسیار سختی است و باید از ساعت ها قبل خود را به واگا رساند. با تاریک شدن هوا می‌توانیم باز هم خود را به آغوش گرم لاهور برسانیم تا صبح‌دم پس از نوشیدن چای مشهور لاهوری بازهم میهمان طبیعت زیبای پنجاب شویم، این بار در هشتاد کیلومتری جنوب لاهور جایی که دستان بشرآن را خلق کرده است.

- **«چانگا مانگا»؛ بزرگترین جنگل مصنوعی جهان**

مردم محلی افسانه‌ای زیبا نقل می‌کنند که دلیل نام‌گذاری بزرگ‌ترین جنگل مصنوعی جهان شده است، روایت داستان را ما نیز می‌توانیم ببینیم: دو برادر که با سرعت در حال فرار هستند و تعدادی نظامی خشن انگلیسی از پی آنها روان. چالاکی این برادران ژنده‌پوش از شیوه دویدن‌شان مشخص است. در حالی که نیروهای انگلیسی به آنها نزدیک شده‌اند تا با دستگیر کردن‌شان سارقان اموال نظامیان را به سزای اعمال‌شان برسانند ناگهان این دو محلی ساده‌پوش راه‌شان را به سوی درخت‌های اطراف کج می‌کنند و در چشم به هم زدنی ناپدید می‌شوند. نیروهای انگلیسی که بازهم از این دو برادر شکست خورده‌اند با غیظ نفس می‌کشند و ناکام برمی‌گردند. چانگا نام برادر بزرگ‌تربود و مانگا نام برادر کوچک‌ترآن‌ها تلاش می‌کردند تا به مستمندان کمک کنند و به همین منظور در زمان حاکمیت انگلیسی‌ها و پس از اوج‌گیری ظلم استعمارگران به مردم مظلوم منطقه اموالی که از مردم چپاول شده بود را با ترفندهای مختلف باز پس گرفته و به مردم باز می‌گرداندند.

پس از چند بار که این اتفاق تکرار شد نیروهای انگلیسی به فکریافتن این دو برادر و مجازات

IQBAL FORUM





چانگا مانگا بزرگترین جنگل مصنوعی جهان که در ایالت پنجاب پاکستان قرار دارد

آنان افتادند ولی آن ها که به خوبی منطقه را می‌شناختند پس از هربار عملیات بازپس دادن اموال مردم به قلب جنگل هایی که اینک چانگا مانگا می خوانیم‌شان می گریختند و انگلیسی ها نمی‌توانستند ردی از آن ها بیابند. آرام آرام رفتار این دو برادر باعث شد تا تبدیل به قهرمانان مبارزه با ظلم و استعمار شوند و این جنگل بزرگ نیز به یاد جوانمردی های آنان چانگا مانگا نام گذاری شود.

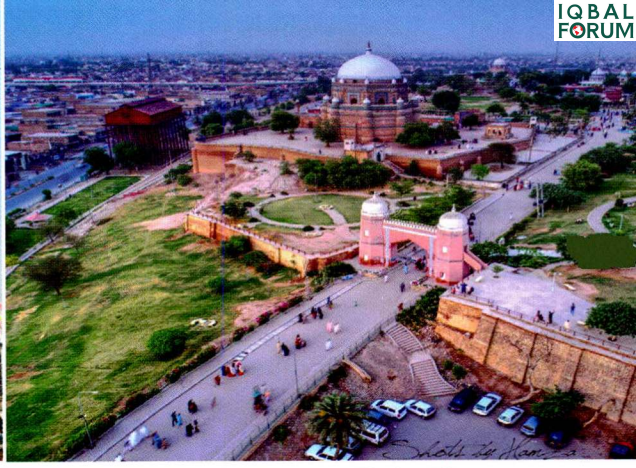
جدای از حقیقت یا افسانه بودن این داستان چانگا مانگا اینک قلب حیات طبیعی ایالت پنجاب است و بزرگ‌ترین جنگل مصنوعی جهان به حساب می‌آید که در زمینی به وسعت ۵ هزار هکتار حریر گسترانده است.

نخستین نهال این مجموعه عظیم در سال ۱۸۶۶ میلادی کاشته شد یعنی حدود ۱۵۰ سال قبل، ولی اینک زیستگاه انحصاری ۱۴ نوع پستان‌دار، ۵۰ نوع پرنده، ۶ نوع خزنده، ۲ نوع دوزیست و ۲۷ نوع حشره است به عبارت دیگر این حیوانات به جز چانگامانگا در هیچ کجای جهان یافت نمی‌شوند این نمونه‌های نادر علاوه بر حیواناتی آهو، گراز، پلنگ و... هستند که در این جنگل بزرگ زندگی می‌کنند. برای تفریح مردم، مسئولین ایالت پنجاب اقدام به ایجاد رودخانه، دریاچه مصنوعی، تور ویژه جنگل گردی با قطار، شهربازی بزرگ، امکان تردد قایق‌های کوچک و بزرگ و... در منطقه چانگامانگا کرده‌اند.

این جنگل می‌تواند محیطی بی‌نظیر برای گذراندن یک تعطیلات آرام باشد، به خصوص این‌که امکان اقامت در هتل و مسافرخانه‌های مختلف نیز در چانگامانگا فراهم شده‌است. چانگا مانگا محل تولید هزاران تن ابریشم است و مسئولین محلی برای تولید ابریشمی مرغوب از درختان توت ژاپنی استفاده می‌کنند، یکی دیگر از صنایعی که در پاکستان به چانگامانگا وابسته است چوب شیشم است هر سال مقدار مشخصی از درختان این جنگل بریده می‌شود تا در ساخت انواع سازه‌های چوبی و حتی کاغذ به کار رود، بلافاصله به جای درختان قطع شده نهال‌های تازه‌ای کاشته می‌شود و تا ۲۰ سال از آن منطقه مراقبت می‌شود تا درختان آن به حد مناسبی از رشد برسند و به این ترتیب فضای سبز این جنگل مصنوعی هیچ‌گاه کاهش پیدا نمی‌کند بلکه همواره رو به گسترش است.

بسیاری از خانواده های پاکستانی برای گذراندن ایام تعطیلات خود به چانگامانگا مراجعه

IQBAL FORUM



شهر زیبای مولتان



برج ساعت شهر مولتان

می‌کنند و از گردش در اعماق آن با قطارهای کوچک موجود و همچنین قایق سواری در نهرها و دریاچه های آن لذت می برند. این جنگل زیبا مسیر ما را به سمت جنوبی‌ترین نقطه پنجاب که قصد سفر به آن را داریم همواره می‌کند، مقصد بعدی سفر ما سجده‌گاه ملائک است و نزد عرفا و صوفیان اعتباری بی‌حد و حصر دارد.

- **مُولتان سجده گاه ملائک**

هر شهر و دیاری به داشته‌ها و سوغاتش شهرت پیدا می‌کند ولی معدوداند شهرهایی که ساکنانش برایش اعتبار آفریده باشند، ساکنانی که گاه در دل آن برای همیشه آرام گرفته‌اند ، مولتان از جمله این شهرهاست و پیروان طریقت و عرفان چنان اعتباری برایش متصورند که آن را شهر«اولیاءالله» خوانده‌اند.

اگر نگاهی به تاریخ کهن این شهر بیندازیم نامش را برازنده آن می‌بینیم زیرا خاک آن مدفن هزاران هزار صوفی وعارفی است که در گوش مردم شبه‌قاره عشق و ایمان به خدا را زمزمه کرده‌اند. اعتبار مولتان را حضرت بهاءالدین زکریا چنین وصف می‌کند:

«مولتان مـا به جنـــت اعلا برابراست آهسته پابنه که ملک سجده می‌کند».

مولتان همواره قلب پر فروغ مناطق جنوب پنجاب بوده و در روزگار دور کشتی‌های تجاری از طریق رود راوی خود را به این شهر می‌رساندند تا داشته‌های خود از آفریقا و گوشه و کنار خلیج فارس را به مردم این سامان عرضه کرده و سوغات این شهر را از انبه گرفته تا صنایع دستی و حلواهای مشهورش به شهر و دیار خود ببرند، هر چند در این زمان از رونق گذشته شهر کم‌تر نشانی می‌بینیم.

- **دژی برفراز تپه‌ها**

قلعه قدیمی مولتان، راوی حداقل ۵ هزار سال از تاریخ این شهر است، قلعه‌ای که همدم شب‌های تار غارت مولتان بوده و همراه روزهای شکوه بی‌مثال آن. دژی که برفراز یک تپه بنا نهاده شده و از

IQBAL FORUM





مسیر ورودی قلعه مولتان که به باب قاسم مشهور است

اسکندر مقدونی گرفته تا پادشاهان افغانستان، سیک مذهبان و حتی انگلیسی ها جداگانه آن را آماج تاخت و تاز خویش قرار داده اند ولی هنوز هم بقایای این قلعه شکوه و عظمت را فریاد می زنند.

از ۳ برج اصلی قلعه مولتان که در قسمت های شمالی، غربی و شرقی آن قرار دارد کمترین آسیب را بخش غربی به خود دیده و این نشان می دهد که اقوام ساکن شمال و شرق مولتان بیشتر به آن حمله می کردند، مولتان تنها نام یک شهر نیست بلکه باید آن را نام روزهای اقتدار تمدن سند دانست. داتا گنج بخش در کتاب «کشف المحجوب» می نویسد:

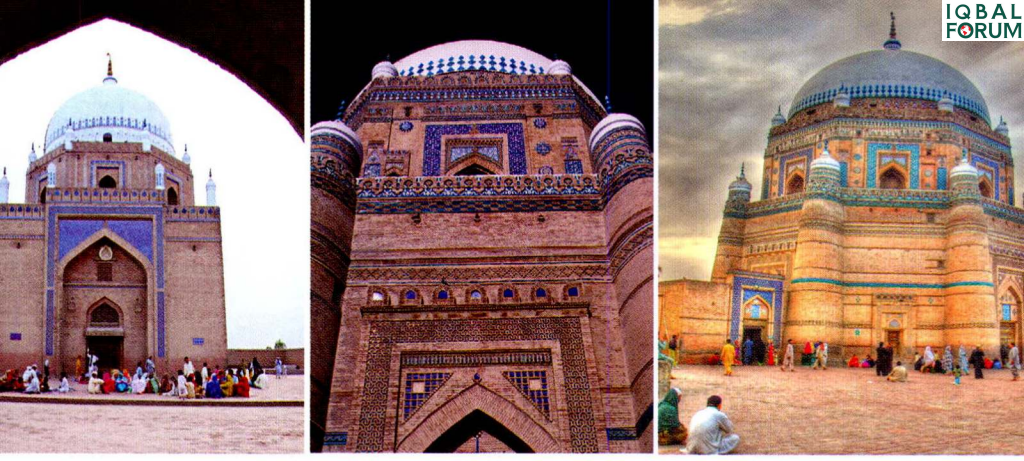
«روزگاری لاهور از شهرهای زیرمجموعه و تابعه مولتان بود.»

دیواره های اطراف قلعه ۲۱ متر ارتفاع داشتند و با آجرهای مخصوص و سنگینی ساخته شده بودند که مانع جدی حملات دشمن بود، این دژ زیبا ۴ درب اصلی به نام های قاسمی، سکی، حریری و خضری داشت، علاوه برآن دیواره های قطور، در اطراف قلعه خندقی به عمق ۸ متر و عرض ۱۲ متر حفرشده بودند تا امنیت قلعه بیمه شود. از روی ارتفاع برج های این قلعه که خود بر فراز تپه بنا نهاده شده بودند تا کیلومترها دورتر را می توان به تماشا نشست، نباید فراموش کنیم که در رویارویی های نظامی این تسلط چه اندازه اهمیت دارد و شاید سختی های فراوان فتح قلعه باعث خشم مهاجمان می شد و پس از تلاش بسیار و فتح قلعه ابتدا خشم شان را نثار در و دیوار آن می کردند. قلعه ای که هنوز هم مردانه ایستاده تا دوران اوج شکوه مولتان را روایت کند.

- **بهاءالدین زکریا مولتانی اعتبار مولتان**

نام مولتان به نام بهاءالدین زکریا مولتانی گره خورده و شعر مشهور او که به زبان فارسی سروده شده هنوز هم پس از گذشت ۸۰۰ صد سال وِرد زبان مردم این شهر است ، مردم چنان ارادتی به این عارف صوفی دارند که حتی بزرگ ترین دانشگاه شهرشان را نیز به اسم او نام گذاری کرده اند. راز این عظمت بی مثال را تنها می توان از هم جواری با این عارف بزرگ دریافت. در مولتان از هر کسی سوال کنیم راه مقبره «غوث العالم حضرت بهاءالدین زکریا مولتانی » را نشانمان خواهد داد مقبره ای که گنبد سفید رنگ و دیواره های آجری سوخته آن شهرتی جهانی دارند ولی بهاءالدین زکریا هنوز هم رندانه از شور و غوغای خودنمایی فراری است. قدم به آرامگاه

IQBAL FORUM



آرامگاه زیبای شاه رکن عالم مولتانی که معماری بی نظیری دارد و نماد مقابر صوفیان بزرگ در جهان است

این صوفی بزرگ که می‌گذاریم عظمتش را با تمام وجود لمس می‌کنیم و اگر دل به حلاوت سخنان در و دیوار مزارش بسپاریم شاید مکاشفه‌ای شکل گرفته در آن راز سربه مهر اعتبار و عزت کنونی بهاءالدین زکریا را دریابیم.

بهاءالدین زکریا در سال ۵۶۶ هجری چشم به جهان گشود، در سنین طفولیت پدر خویش را از دست داد و رنج یتیمی روحش را آن چنان بزرگ کرد که وقتی در جوانی عازم بغداد شد تا در محضر حضرت شهاب الدین سُهروردی کسب فیض کند، ظرف تنها ۱۷ روز «خرقه خلافت» را برروی دوش خود دید، استاد این شاگرد با استعداد را روانه مولتان کرد تا مبلغ دین باشد و هادی مردم.

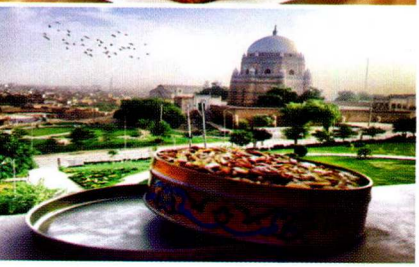
شاید زمانی که مسئولیت تبلیغ دین اسلام در کافرستان مولتان به بهاءالدین زکریا محول شد او خود نمی‌دانست که چه توفیق عظیمی نصیبش شده است، سخنان وی در دل مردم رنج کشیده مولتان و دیگر شهرها چنان تاثیر شگرفی گذاشت که دسته دسته در محضرش اسلام می‌آوردند تا از بند کفر رها شده و زنجیری که مانع عروج‌شان شده بود را پاره کنند.

این نخستین گام بهاءالدین زکریا بود، این عارف مبارز سپس دانشگاهی تاسیس کرد که برای نخستین بار در شبه‌قاره امکان اسکان را نیز برای دانشجویان فراهم کرده بود، در این مرکزعلمی که به مدرسه‌الاسلام شهرت یافته بود به زبان‌های فارسی، بنگالی، سانسکریت، عربی و... تدریس می‌شد و دانشجویان آماده می‌شدند تا مبلغ افکار و آموزه‌های بزرگ مردم مولتان‌شوند. کشتی‌های تجاری که در کنار راوی پهلو گرفته بودند تجار جدیدی را مشاهده می‌کردند که قصدشان فقط تجارت نبود آن‌ها عازم ده‌ها نقطه جهان می‌شدند تا در کنار تجارت آموخته‌های خود را به گوش مردم بلاد مختلف برسانند، بهاءالدین زکریا برای تجارت دانشجویانش قوانین زیررا تصویب کرده بود:

۱- اصول اسلامی را در تجارت فراموش نکنید. ۲- سود خود را پائین بیاورید ۳- اموال خراب را هرگز نفروشید بلکه آن‌ها را از بین ببرید ۴- شرافت و اخلاق را در معامله رعایت کنید ۵- تا زمانی که جذب شما نشده‌اند سخن از دین نگوئید.

تاریخ تعداد افرادی که در سراسرجهان با این شیوه بهاءالدین زکریا اسلام آورده اند را نمی داند فقط این اندازه روشن است که چنان جایگاه عظیمی به او بخشید که صدها سال پس از مرگش افرادی از سراسرجهان راهی مولتان می‌شوند تا سربه خاک آرامگاه بهاءالدین زکریا بگذارند...





سوهان مولتانی شیرینی مشهور پاکستانی است



یک تصویر قدیمی از شهر مولتان

- **مولتان آئینه تاریخ دره سِند**

از آرامگاه بهاءالدین زکریا که خارج شویم می‌توانیم نگاهی عمیق‌تر به ششمین شهر بزرگ پاکستان داشته باشیم، مشهور است که در گذشته مردم این شهر به خوبی فارسی صحبت می‌کردند حتی وقتی از شخصی در مورد مولتان سوال شد در پاسخ گفت:

«چهار چیزاست تحفه مولتان گرد و گرما، گدا و گورستان».

بافت قدیمی شهر مولتان که در سمت منتهی به قلعه قدیمی واقع شده هنوز هم معماری کهن و گذشته خود را حفظ کرده ولی در سوی دیگر شهر می‌توان بناهای مدرن و خیابان‌های زیبای امروزی را مشاهده کرد، سرویس اتوبوس مترو از ارتفاع ۱۲ متری شهر عبور می‌کند و به آن جلوه‌ای زیبا بخشیده است بسیاری از گردشگران که راهی مولتان می‌شوند پس از حضور در مزار عرفایی چون «بهاءالدین زکریا، شمس سبزواری» و... به بازار قدیمی مولتان سر می‌زنند تا از بوستان فرهنگی و تاریخی این دیار گلی چیده و به سوغات ببرند.

- **سوهان حلوای مولتانی**

بی‌شک مشهورترین سوغات شهری که آن را بهشت انبه جهان می‌نامند شیرینی به نام «سوهان حلوا» است. این حلوای بی‌نظیر در تمام پاکستان به چشم می‌آید ولی نام مولتان که پس از سوهان آورده می‌شوند نشانه اصل بودن این محصول است. می‌گویند برای اولین بار شخصی به نام «سوهان» که یک مولتانی بود این حلوا را تهیه کرده، او این شیرینی را به طور اتفاقی از شیر درست کرده و پس از آماده شدن حلوا آن را به صورت رایگان بین مردم تقسیم کرد. تولید حلوا پس از آن به ذهن سوهان رسید که مردم بازگشته و خواستار خرید مقداری بیشتری از آن شیرینی شدند، این حلوای تازه به سرعت در شهر مشهور شد و حاکم وقت در سال ۱۸۲۱ با احضار سوهان از او خواست مقداری از این حلوا را به او بچشاند، پیروزی سوهان در این آزمایش و مهر قبولی که لبخند رضایت حاکم بر کارنامه او زد حلوا را تا همیشه ماندگار کرد.

با این حال عده‌ای دیگر از مردم شهر معتقدند این حلوا قدمتی دیرینه دارد و از سوهان مشهور ایرانی اقتباس شده ولی پس از انتقال به مولتان ترکیبی منحصر به فرد پیدا کرده در هر حال اینک ده‌ها شرکت تجاری مدعی ساخت بهترین سوهان حلوای مولتانی هستند. این سوهان حلوا با ترکیب خاص پسته، بادام، گردو ... تهیه می‌شود و طعم ویژه‌ای دارد.

IQBAL FORUM


نمایی زیبا از غار کیورا دومین غار نمکی بزرگ جهان


منظره ای زیبا از غار نمک کیورا

- **بازهم به سوی شمال پنجاب**

زیبایی‌های طبیعی قرار است مسیرسفرمان را به سوی شمال غرب پاکستان هموار سازد سرزمین داستان‌های کهن، تجلی‌گاه عجایب تاریخی و آثار بی‌همانند، دیار پشتو زبانانِ پاک سرشت ولی پیش از قدم نهادن به ایالت خیبرپختونخوا باید با پنجاب پرمهرو‌داع کنیم، آخرین فصل سفرمان در این ایالت زیبا، «غارهای نمک کیورا» خواهد بود مکانی شگرف که در ۴۳۰ کیلومتری مولتان و ۱۶۰ کیلومتری اسلام آباد واقع شده، جایی در میان منطقه زیبای جهلم.

- **کیورا؛ دومین معدن بزرگ نمک جهان**

زمانی که اسکندر مقدونی به عزم فتح هند از کیورا عبور می‌کرد با تعجب دید که اسبان لشکرش سنگ‌های کوه را می‌خورند، او با حیرت به این سنگ‌های اعجاب انگیز خیره ماند بی‌آن‌که بداند برروی دومین معدن بزرگ نمک جهان قدم گذاشته است. سال‌ها بعد بشردریافت که نمک نه تنها ارزش غذایی دارد بلکه در صنایع مهمی مانند رنگرزی و چرم‌سازی نقش حیاتی ایفا می‌کند و به این شکل هم‌زمان با حاکمیت استعمار انگلیس برشبه‌قاره منطقه کیورا شهرتی جهانی یافت و استخراج نمک از معادن و رشته‌های کوه‌های اطراف آن تبدیل به شغل موروثی مردمش شد. کار در قدیمی‌ترین معدن نمک جهان از سال ۱۹۷۲ آغاز شد و ذخیره نمک موجود در آن تا ۶۰۰ میلیون تن تخمین زده شده است. زمان شکل‌گیری این معادن شگفت انگیزرا ۸۰۰ میلیون سال قبل می‌دانند، ساکنان کیورا که معدن نمک در اطراف شهرشان واقع شده همه کارمندان دولت به حساب می‌آیند و تنها آنها می‌توانند برای استخراج نمک اقدام نمایند.

- **گردشگری و معدن کیورا**

اقتصاد در کیورا تنها به نمک وابسته نیست بلکه اینک معادن شگفت انگیزنمک کیورا سالانه میزبان ۳۰۰ هزار گردشگر هستند که اکثرآنان را محققان و دانش آموزان شکل می‌دهند. هم‌زمان با ورود به دهنه معدن می‌توان با تهیه بلیت گردشگری به همراه راهنمای ویژه تور سوار بر قطارهایی کوچک پا به دالان‌های تودر توی معدن گذاشت، راهنما از گردشگران می‌خواهد که به کابل‌های برق دست نزنند زیرا خرابی‌های کوچک فاجعه‌های بزرگی به بار می‌آورد.
نخستین بخش از معدن که پیش روی گردشگران قرار می‌گیرد حوضچه‌های بزرگی است که مازاد آب موجود در معدن به آنجا منتقل می‌شود، تا در صنعت رنگرزی استفاده شود، این آب

IQBAL FORUM



مسجدی که در غار زیبای نمک کیورا ساخته شده است



ارزش اقتصادی بسیاری بالایی دارد و طی مزایده به شرکت‌های ثالث واگذار می‌شود.
روش استخراج نمک در کیوار به صورت خطی نیست بلکه در مسیرهای مشخص با استفاده از انفجار، سنگ‌های عظیم نمک جدا و به خارج منتقل می‌شوند.

- **تالاب‌های نمکی که انسان را نمی‌بلعند!**

کار استخرج نمک در ۱۶ طبقه انجام می‌شود ولی گردشگران تنها اجازه گشت و گذار در ۱۶ کیلومتر مربع از سطح اولیه معدن را دارند. در این محیط بی‌نظیر ۸۰ اتاق و تالار ایجاد شده و ۷۰ تالاب آب نیز به چشم می‌خورد، بزرگ‌ترین تالاب آبی موجود در این غارها که بحرالکاهل نام دارد ۷۰ مترطول، ۲۵ مترعرض و ۳۰ مترعمق دارد اگرچه ظاهراین حوضچه‌ها بسیار وحشتناک است ولی هیچ انسانی در آن‌ها غرق نمی‌شود زیرا آب آن از نمک فراسیرشده و انسان را در خود نمی‌بلعند.

- **مسجدی با دیواره‌های از جنس نمک**

سازمان نظارت برمعادن پاکستان با هدف جذب گردشگراقدام به ساخت مسجدی بسیار زیبا از جنس نمک در داخل این غار کرده است و با نورپردازی بی‌نظیر به آن جلوه‌ای روحانی بخشیده است. این مسجد مورد توجه ویژه گردشگران قرار دارد و بسیاری با حضور در صحن کوچک مسجد در آن نماز به جای می‌آورند. در دیگربخش‌های غار نمک می‌توان نمونه بازسازی شده منار یادگار پاکستان، مقبره علامه اقبال لاهوری، دیوار بزرگ چین و... را نیزمشاهده کرد که تالارهای این معدن نمک را جذاب‌ترکرده است.

روند استخراج نمک از این معدن با حساسیت ویژه‌ای انجام می‌شود و اجازه تخریب ستون‌ها و دیواره‌های آن به هیچ کسی داده نمی‌شود در اطراف غار امکانات رفاهی و اسکان نیزفراهم شده است. دمای غار تقریبا بین ۱۸ تا ۲۰ درجه سانتیگراد ثابت است و این نیز یکی از عوامل مهمی است که گردشگران حاضرمی‌شوند برای تجربه گشت و گذار در غار نمک راهی کیورا شوند.

پایان گشت و گذار در این غار نمکی پایان سفرما به پنجاب زیبا خواهد بود و باید از آن خارج شویم تا دیگر نقاط بکر و زیبای پاکستان را به چشم ببینیم. هر چند لاهور و زیبایی‌هایش، سیالکوت و صداهای چک چک ضربات پتک صنعت‌گرانش، عرق ریختن کُشتی‌گیران گُوجرانواله و آوای مناجات صوفیان مولتان هیچ‌گاه از ذهن‌مان نخواهند رفت.

IQBAL FORUM



دریاچه پشت سد تربیلا که فضای مناسبی برای تفریحات آبی است



سد عظیم تربیلا که بزرگترین سد کشور پاکستان است



IQBAL FORUM

- **سد تربیلا؛ شکوه و اقتدار سرزمین پاک**

آب را مایع حیات می‌دانند و وجودش را عامل بقا. حال که قصد سفر به ایالت زیبای خیبرپختونخوا را داریم خوب است در اول مسیر دل به آب زلال سند دهیم و بزرگ‌ترین سد خاکریزشده جهان را به چشم بنگریم.

تربیلا یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های انسانی است که در ۱۰۵ کیلومتری شمال غرب اسلام آباد راه را بر رود مقدس سند می‌بندد تا در زمینی به وسعت ۲۵۰ کیلومترمربع آب ذخیره نماید، این حجم عظیم آب حدود ۳ برابر مقدار ذخیره‌شده پشت «سداسوان» است که روی رود نیل بسته شده است!.

سدِّ راه رود سند شدن که در شبه‌قاره آن را «اباسین» به معنای پدر تمام رودها می‌نامند کار ساده‌ای نیست و این باعث شده تا تربیلا بزرگ‌ترین سد خاکریزی شده جهان و دومین سد از نظر ساختار حجمی شود که برنامه‌ریزی و ساخت آن ۹ سال تمام ۲۰ هزار کارگر را با نظارت بزرگ‌ترین شرکت‌های فرانسوی، ایتالیایی، انگلیسی و کانادایی مشغول خود کرده بود.

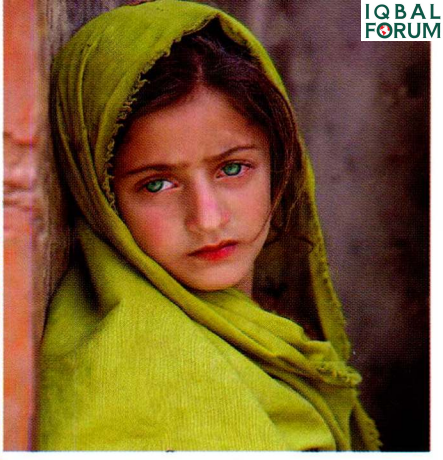
برای به پایان رسیدن این پروژه عظیم ۱۰۰ هزار انسان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند. زیرا مطالعات نشان می‌داد که برای ساخت سد بر روی سند تربیلا بهترین مکان است دولت پاکستان با خرید خانه‌ها و سکونت‌گاه‌های مردم اطرافِ تربیلا رضایت آنها را برای واگذاری زمین‌هایشان به دست آورد. در راه تکمیل این پروژه عظیم ۱۴۳ کارگر از جمله ۶ خارجی جان خود را در مراحل اجرایی از دست دادند تا سرانجام بزرگ‌ترین سد خاکریزی شده جهان با ارتفاع ۱۴۸ متر و طول ۳ کیلومتر پابه عرصه وجود گذاشت.

رود سند تا زمان رسیدن به این سد ۱۷۰۰ کیلومتر راه را طی کرده و به دلیل سرازیرشدن ده‌ها رودخانه بزرگ و کوچک به آن، به طرز وحشتناکی خروشان و وسیع شده است، اهمیت تربیلا برای پاکستان فراتر از حد بیان است و تنها ذکر این مطلب کافی است که آب ذخیره شده پشت این سد برای آبیاری تمام مزارع گندم پاکستان کافی است.

ساخت تربیلا یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار هزینه در برداشته است و برق تولید شده توسط آن ظرف ۴۰ سال تمام مخارج سد را بازگرداند و اینک سود حاصل از درآمدزایی سد به خزانه ملی پاکستان باز می‌گردد، مناظر اطراف این سد و عظمت آن زیبایی چشم‌گیری دارد.

ماهی‌گیری، قایق‌سواری و دیگر تفریحات آبی در کنار سد تربیلا انجام می‌پذیرد و بسیاری از گردشگران نیز مسیر اسلام آباد به پیشاور را طی می‌کنند تا به جاده فرعی سد تربیلا رسیده و این شاهکار انسانی را که مهر افتخاری بر پیشانی صنعت سد سازی پاکستان است از نزدیک تماشا کنند.

IQBAL FORUM



یک کودک پیشاوری با چشمانی معصوم



دانشگاه پیشاور

- **خیبرپختونخوا دیار صبر و پایمردی**

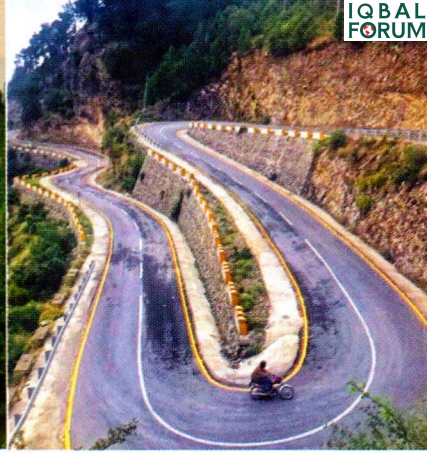
سرزمینی که در سال‌های دور ترا ایالت سرحد نام داشت، هزار و ۱۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد و از آنجا که جمعیت پشتوزبانان در آن بیش از سایر اقوام است در سال ۲۰۱۰ با تصمیم پارلمان پاکستان نام «خیبرپَختونخوا» برای آن انتخاب شده است. پاکستان را کشوری چهارفصل می‌نامند زیرا درست زمانی که مناطق شمالی این کشور درگیر برف و بوران است مردم کراچی از فرط گرما عرق می‌ریزند و در پنجاب بارش‌های مداوم هوا را معتدل کرده است، نکته عجیب درباره سرزمین پختون‌ها این است که این ایالت به تنهایی چهار فصل است اگرچه وسعت زیادی ندارد و بین چهار ایالت اصلی پاکستان از این حیث رتبه چهارم را به خود اختصاص داده ولی از یک سو به گلگیت بلتستان می‌رسد و از سویی به پنجاب، جنوبش نیز به موازات مرز افغانستان راه را برای مسافران بیابان‌های بلوچستان هموار می‌کند.

نام خیبرپختونخوا چندان به گوش فارسی زبانان آشنا نیست ولی زمانی که اسم «پیشاور» به میان می‌آید کم‌تر کسی است که نام آن را نشنیده باشد، شهری که دروازه دنیای کهن است و حلقه وصل اعصار مختلف تاریخ. از پیشاور می‌توان به دوران کهن پرواز کرد و تاریخ بشر را به شیوایی مرور کرد. اتفاقی که در هر جایی رقم نمی‌خورد و مخصوص این شهر و دیار است که هفت هزار سال است فراز و نشیب‌های روزگار را به نظاره نشسته است.

خیبرپختونخوا نه تنها از لحاظ آب و هوایی سرزمینی چهار فصل است بلکه برای گردشگران نیز معجونی هفت رنگ از علایق تمام سلایق را گرد آورده، پژوهش‌گر و مورخ به تاریخ این سامان مراجعه می‌کنند و گردشگر غرق در زیبایی دره‌های سرسبز آن می‌شود، کوه‌نورد گام برفراز هندوکش می‌گذارد و صحرانورد دل به زمین‌های تفت زده آن می‌سپارد، صنعت‌گران و حتی علاقه‌مندان به حوزه نظامی نیز مراکز بزرگی را در این ایالت می‌یابند که کانون توجه‌شان خواهد شد، این منطقه اعجاب انگیز را از اطراف به مرکز سیر خواهیم کرد تا قدم بر سینه بلوچستان بگذاریم، همراه و هم‌پا چون گذشته.

IQBAL FORUM





جاده ای زیبا در دل ابت آباد

فضای سرسبز پارک ملی ایوبیه

- **اِبِت آباد[1] سرزمین درختان کاج**

در فاصله ۱۱۷ کیلومتری شمال غرب سد تربیلا به یکی از زیباترین مناطق پاکستان خواهیم رسید، جایی در دل بخش هَزاره‌نشین ایالت خیبرپختونخوا که در ارتفاع ۱۲۶۰ متری از سطح دریا بر روی زمین قامت گسترانده است، شهرت اِبِت آباد بخاطر آب و هوای معتدل، طبیعت زیبا، مجموعه های آموزشی و پادگان های نظامی آن است که در سراسر این منطقه وجود دارند. ابت آباد برای گردشگران و مردمی که از گرمای تابستانی ایالت پنجاب فرار می کنند بهشتی است که نظیر آن در کم‌تر جایی یافت می شود.

این سرزمین یکی از معدود نقاط جهان است که می‌توان گردهمایی رفیع‌ترین رشته‌های کوه های کره زمین یعنی «هیمالیا، قراقروم و هندوکُش» را به نظاره نشست و ساعت‌ها به امتداد این کوه‌های بی‌همانند خیره ماند. حتی شهر اِبِت آباد نیز از چهارسو در محاصره کوه‌های بلند است و شاید به همین دلیل آب و هوای خنک آن به دل شهرهای ایالت پنجاب حسرت می‌شود و غبطه! رودخانه زیبا و سفیدرنگ دور (DOR) نیز از جنوب اِبِت آباد راه به سمت سد تربیلا می پیماید. برای گردشگرانی که به قصد لذت بردن از طبیعت قدم به خیبرپختونخوا می‌گذارند این سرزمین تمام نشدنی خواهد بود چرا که هرسوی آن رنگ و لعابی متفاوت دارد.

در اِبِت آباد به سادگی می‌توان استراحت‌گاه‌ها و هتل های مناسبی یافت و از رستوران‌هایی که در آن وجود دارند نیز غذاهای باکیفیت تهیه کرد، اگر قصد داشته باشیم طعم غذاهای محلی افغانستان را بچشیم معمولا در تمام شهرهای ایالت خیبرپختونخوا می‌توانیم رستوران‌هایی را پیدا کنیم که این غذاها را عرضه می‌کنند و دلیل آن نیز دو چیز است: اولا قرابت فرهنگی بالای مردم این سرزمین با همسایه شمالی‌شان و در ثانی حضور تعداد زیادی از مردم افغانستان در ایالت خیبرپختونخوا که در سال‌های جنگ و نزاع این کشور به پاکستان پناه آورده و اینک در کنار مردم این ایالت زندگی می‌کنند و روزگار می‌گذرانند.

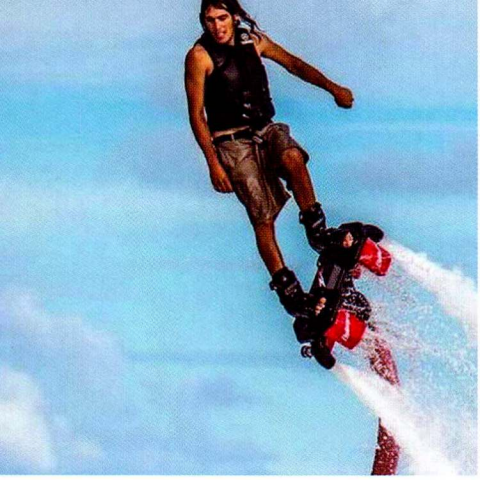
---

۱ Abbottabad

IQBAL FORUM



پاراگلایدر بر فراز دریاچه زیبای خانپور



تفریحات آبی مختلفی در دریاچه خانپور انجام می پذیرد

- **پارک ملی ایوبیه؛ جاده‌ای رو به آسمان**

از ابِت آباد که حدود ۳۵ کیلومتر به سمت جنوب شرق پیش برویم به کوهستان‌هایی سرسبز بَرمی‌خوریم که ۳۳ کیلومترمربع از آن چون تافته جدا بافته در حصار قرار دارد و پارک ملی ایوبیه نامیده می‌شود، این پارک زیبا که از کوه گرفته تا جنگل و رود را در دل خود دارد در سال ۱۹۸۴ افتتاح شده و به نام دومین رئیس جمهور تاریخ پاکستان یعنی «محمد ایوب خان» نام‌گذاری شد. ایوبیه اینک در دل سبزه‌زارها و درختان بلند قامت خود از ۲۰۳ گونه پرنده مانند عقاب طلایی و قرقاول آسیایی نگهداری می‌کند و ۳۰ گونه پستان‌دار مانند پلنگ هیمالیایی، خرس سیاه آسیایی و روباه سفید نیز در آن زندگی می‌کنند.

تماشای این حیوانات برای بیش از ۱۰۰ هزار گردشگری که سالانه به این پارک قدم می‌گذارند تا در اعماق آن آرامش را تجربه کنند، جذاب و خاطره‌انگیز است، یکی دیگر از قسمت‌های دیدنی پارک ملی ایوبیه در نزدیکی کوه موشک‌پوری (Mushkpuri) قرار دارد و آن هم تله‌کابینی است که گردشگران را تا ارتفاعات این کوه زیبا بالا می‌کشد، هنگامی که سوار بر این تله کابین می‌شویم، همراه با کوه‌های اطراف اوج می‌گیریم و آرام آرام درختان را زیر پاهای خود حس می‌کنیم و از فرش سبزرنگی که قدم برآن گذاشته بودیم آرام آرام فاصله می‌گیریم تا به میان ابرها و منزل‌گاه عقاب‌های طلایی پیش برویم.

در پارک ایوبیه می‌توان مسیرهایی را که ویژه پیاده‌روی طراحی شده‌اند نیز مشاهده کرد، پیاده روی در این مسیرها منحصربه فردترین حس آرامش را به گردشگران هدیه می‌دهد و به همین دلیل است که بسیاری از آنان خود را به پای کوه میرانجانی Miranjani می‌رسانند تا این کوه سرسبز را به آرامی صعود کنند، معمولا رسیدن به قله این کوه ۴ ساعت به درازا می‌انجامد با این حال هیچ کس از پیمودن این راه بهشتی خسته نخواهد شد.

از اوج ارتفاع این کوه می‌توان مناظری شگرف را به چشم دید، پیچ و تاب‌های رودی نقره‌ای جِهلُم، دریاچه آرام و مرموز سد تربیلا، شهر زیبای ابِت آباد و صف‌آرایی قله‌های هیمالیا و قراقروم همه از ارتفاع این کوه زیبا دیده می‌شوند.

IQBAL FORUM



کاغان مملو از چشمه های زیبای طبیعی است



جلوه ای سحرآمیز از طبیعت زیبای کاغان

پارک ملی ایوبیه در ارتفاع تقریبا ۲ هزار متری سطح دریا بنا نهاده شده است و در فصول گرم سال همیشه مملو از جمعیتی است که مشتاقانه به سمت آن می‌آیند تا بودن در دل طبیعت را مزه کنند.

- **از دریاچه خان‌پور تا قلب امپراتوری بودیسم**

خان‌پور نام سدی است که در فاصله ۶۰ کیلومتری جنوبی اِبت آباد واقع شده و علاوه برداشتن جلوه‌های کم‌نظیری از طبیعت، دریاچه‌ای زیبا و زلال دارد که انواع تفریحات آبی در کنار آن انجام می‌شود. بسیاری از گردشگرانی که پا به این منطقه می‌گذارند علاقه دارند در کناره دریاچه کمپ زده و ساعت‌ها به تماشای جلوه‌های بدیع طبیعت از دریا و سبزه‌زار گرفته تا کوه و آسمان بپردازند و برخی نیز به شوق سوار شدن بر قایق‌های زیبایی که در کنار دریاچه پهلو گرفته‌اند دل به آب می‌زنند.

ورزش‌هایی از قبیل تیوب‌سواری در این آب آرام طرفداران بسیاری دارد و اگر به این منطقه رویایی قدم بگذاریم افراد بسیاری را مشاهده می‌کنیم که سوار تیوب‌هایی که به قایق‌های تندرو متصل شده‌اند لبخند برلب دارند و فاتحانه به دیگران خیره مانده‌اند، در نقطه میانی دریاچه خان‌پور اسکله‌ای کوچک قرار دارد که جلوه شبانگاهی آن زیر نور فانوس مانند چراغ‌هایش فوق‌العاده دل‌انگیزاست.

این سرزمین در روزگار دور، مهد شکوه و قدرت‌نمایی تمدن بودیسم بوده و آثار به جامانده از آنان بیش از ۱۵۰۰ سال عمر دارند، در گوشه و کنار این سرزمین بناها و قلعه‌های بسیاری مانند جویلیان را می‌توان یافت که هنوز هم دیواره‌های آن سالم هستند و باستان‌شناسان در آنها اشیاء نفیس و گران‌بهایی را یافته‌اند. سرزمین خیبرپختونخوا از دیرباز تاکنون بارها و بارها بین تمدن‌های گوناگون دست به دست شده است. پیش از ظهور و بلوغ تمدن اسلامی بودائیان قدرت را در آن به دست داشته‌اند از این رو غالب آثار تاریخی نیز مربوط به زمان قدرت نمایی‌های آنهاست.

اگر این مسیر را ادامه دهیم به تکسیلا شهر پررمز و راز ایالت پنجاب خواهیم رسید که مملو از آثار کهن و قدیمی است و برای باستان‌شناسان و علاقه‌مندان به تاریخ بهشتی است وصف نشدنی. ولی هدف ما بازگشت به سوی اِبت آباد و سیر در خیبرپختونخوای زیباست.

IQBAL FORUM





کمپ زدن در طبیعت بکر منطقه | قایق سواری در رود خروشان کنهار به سوی مناطق پائین دست آرزوی هر گردشگری است.

- **کاغان دیبای هفت رنگ پختونخوا**

دست مهربان طبیعت هنگامی که نقش خیبرپختونخوا را بر صفحه هستی نگاره می‌کرد دیبای هفت رنگی خلق کرده و از هر رنگی زیباترینش را در این بوم به کار برده است. سبز در این سرزمین سبزتراز هر جایی است و رود و چشمه‌اش درخشان‌تر و سفیدتراز دیگر مدعیان. برای گردشگران خارجی که نمی‌توانند زیبایی کشمیر آزاد را به چشم ببینند خیبرپختونخوا جایگزینی است ناشناخته‌تر و به مراتب شگرف‌تر، با امکاناتی بیشتر و ظرفیت‌هایی عظیم‌تر.

کاغان یکی از زیباترین مناطق تفریحی جهان است که در غرب ایالت خیبرپختونخوا و در همسایگی بلندترین کوه‌های جهان قرار دارد، دیواره‌هایی از رفیع ترین قلل دنیا بین کاغان و منطقه آزاد کشمیر حائل شده‌اند از این رو طبیعت آن تفاوتی با کشمیر ندارد و اگر این کوه‌ها نبودند فاصله بین کاغان تا دره نیلم در کم‌تر از ساعتی طی می‌شد. به عبارت دیگر اکنون به پشت دیواره‌های دره نیلم رسیده‌ایم. آبشارها، دره‌ها، چشمه‌ها، رودها، کوه‌ها و چمن‌زارهای بهشتی کاغان چشم انتظارمان هستند تا شکوه‌شان را به رخ‌مان کشیده و قدرت خالق بی‌همتا را یادآورمان شوند.

از ایبِت آباد که ۷۰ کیلومتر به سمت شمال و در خلاف جهت جریان رود خروشان کُنهار در سایه کوه‌های سرسبز هندوکُش حرکت کنیم به شهر زیبای بالاکوت می‌رسیم که دروازه ورود به کاغان است، این شهر کوهستانی ظرفیت گردشگری خوبی دارد و ده‌ها هتل و رستوران در آن آماده هستند که در تمام فصول سال به خصوص بهار و تابستان میزبان میهمانان داخلی و خارجی باشند. بازارچه‌های بالاکوت محل عرضه سوغات مناطق مختلف خیبرپختونخوا هستند وخشک‌بار مشهور کوهستانی این ایالت را عرضه می‌کنند. هنگام گذر از این شهر با پل تاریخی و هلالی شکلی روبرو می‌شویم که معماری عجیب آن گردشگران را مبهوت می‌کند هرچند نمونه‌های زیادی از این پل‌ها در خیبرپختونخوا، کشمیر و گلگیت بلتستان مشاهده می‌شوند ولی هرکدام از آنها ویژگی خاص خود را دارند. طول این پل‌ها گاهی به بیش از چند صد متر می‌رسد، بدون این‌که ستونی داشته باشند به خوبی ده‌ها تن وزن را تحمل می‌کنند. از

IQBAL FORUM





گشت و گذار در منطقه توسط قایق های بادی و اسب های پاکوتاه

روی رود کُنهار که عبور کنیم تا رسیدن به منطقه بهشتی کاغان مسیری ۸۰ کیلومتری در پیش خواهیم داشت که نقطه نقطه آن مملو از زیبایی های طبیعی است.

- **از بهشت کاغان تا فردوس ناران**

کاغان مروارید درخشان گردشگری و تفریحی ایالت خیبرپختونخوا به خصوص منطقه مانسره (Mansehra) است، فضایی رویایی به وسعت ۱۶۰ کیلومتر که دریاچه های بلورین و شیشه‌ای آن شهرتی جهانی دارند. کاغان سرزمین کوه های بلندی است که برف آنها سرچشمه ده‌ها رود هستند و حتی کُنهار خروشان که از بدو ورودمان به خیبرپختونخوا راه‌گشای ما شده است نیزاز دل کاغان سرچشمه می گیرد. هوای خنک و پاکیزه این منطقه حسرت شهرنشین هایی است که از اوایل بهار تا اواسط پائیزفرصت دارند تا به اینجا سفرکنند و طعم واقعی زندگی را بچشند به دور از هیاهوی شهرها و آلودگی های آن.

در این منطقه توریستی بیش از ۱۰۰ هتل و میهمان سرا وجود دارد که چشم‌اندازهای بی‌نظیری به دشت های سرسبزکاغان دارند و گردشگران ساعت ها از محوطه این اقامت‌گاه های زیبا به حرکت توده های ابردر قلب کاغان و برخورد آنان به کوه های سپیدپوشش خیره می مانند، گاه که درمیان لشکردر هم پیچده ابرها شکاف می‌افتد می‌توان رنگ آبی دریاچه ها و برکه های زیبای هیمالیا را به سادگی از دشت های سبزکنار آن تشخیص داد. صدای سکوت در کاغان کم‌تر به گوش می‌رسد و شُرشُرآبشارها و رودهای جاری آن موسیقی ثابتی هستند که لحظه‌ای دست از هنرنمایی خود برنمی‌دارند. در گذر از جاده های زیبای این بهشت وصف نشدنی هزاران چادر رنگارنگ را می‌بینیم که صاحبان آنها در دل طبیعت بیتوته کرده‌اند. تفریحات مختلفی وجود دارد که گردشگران می‌توانند آنها را در کاغان تجربه کنند و سال های دراز با شیرینی خاطراتش از جمع دوستان خود پذیرایی کنند. ارتفاع کاغان از سطح دریا بین ۲ هزار و ۱۳۴ متر تا ۴ هزار و ۱۷۳ متراست، از این رو تفریحاتی در آن قابل انجام است که در بسیاری دیگراز نقاط توریستی نمونه آن را نمی‌توان به چشم دید.

IQBAL FORUM

- **جیپ سافاری:**

برای علاقه‌مندان به گردشگری و طبیعت، گشت‌وگذار در تورهای سافاری یکی از ایده‌آل‌هایی است که بیشتر در آفریقا به دنبال آن هستند، تفریح بی‌نظیری که در کاغان نیز می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، تورهای ویژه‌ای توسط شرکت‌های خصوصی در کاغان برنامه‌ریزی می‌شود که می‌توان سوار برجیپ‌های خوش‌رنگ شده و جاده‌های تند و در هم فرو رفته کاغان را یکی پس از دیگری زیر گام‌ها حس کرد. لذت سفر در این کوهستان‌ها به تصور این لحظه است که در کنار دره‌ای سرسبز که از میان آن رود کُنهار جریان دارد جاده‌های خاکی و آسفالت جیپ را تا نقطه اوج کوه‌های هیمالیا حرکت می‌دهند، وقتی گردشگران به نقطه اوج می‌رسند در می‌یابند که اوج قله بعدی است که هنوز به آن نرسیده‌اند، گاه در دل این اوج گرفتن‌ها جاده با شیبی تند رو به پائین حرکت می‌کند گویا می‌خواهد در یک لحظه تمام راه پیموده شده را بازگردد، مسیری‌هایی که غالبا به دریاچه‌های زیبای کاغان ختم می‌شوند و گردشگران فرصت پیدا می‌کنند در کنار برکه‌ها و چشمه‌های خنک این منطقه دست و صورت خود را شسته و گاهی کمپی بزنند.

- **اسب‌های پاکوتاه:**

یکی دیگر از شیوه‌های گشت و گذار در کاغان و ناران حضور در تورهای خاصی است که با استفاده از اسب‌های پاکوتاه انجام می‌شود، این کار نیز برای گردشگران خارجی و داخلی بسیار جذاب است و گاه ده‌ها اسب پاکوتاه را مشاهده می‌کنیم که به ترتیب پشت سرهم قرار گرفته‌اند و هریک گردشگری که لبخند به لب دارد را از جایی به جای دیگر می‌برند. برای گردش‌هایی به این شکل وجود راهنما ضروری است و معمولا شرکت‌هایی که این‌گونه خدمات را ارائه می‌دهند بسته‌های مختلفی تعریف کرده‌اند که در آن ساعت گردش، منطقه هدف و... مشخص شده و همراه هرگروه یک لیدر نیز راهنمایی آنان را به عهده می‌گیرد.

- **قایق‌های بادی کُنهار:**

در کنار روش‌های مختلفی که برای گردش در کاغان و طبیعت زیبای خیبرپختونخوا وجود دارد یکی از منحصر به فردترین تفریح‌ها این است که با رزرو یکی از بسته‌های گردش با قایق‌های بادی، تمام این مناطق را همراه با رود زیبای کنهار طی کنیم. اعضای یک خانواده، جمعی از دوستان یا همکاران می‌توانند تیم یک قایق بادی را تشکیل دهند، در ابتدا آموزش‌های لازم را می‌بینیم.، سپس به همراه یک راهنما به دل کُنهار می‌زنیم تا با همراهی هم این سفر پرهیجان را آغاز کنیم، پارو بزنیم و قایق‌مان را از تلاطم دائمی آب خروشان و سفید رنگ کنهار نجات دهیم. هرگاه خستگی براعضای تیم چیره شد می‌توانیم در گوشه‌ای دنج از این رود پهلو گرفته و استراحت کنیم. بسته‌های سفر با این قایق‌ها تا ۳ روز پیش‌بینی شده است و اعضای هر

IQBAL FORUM

تیم می‌توانند شب‌های زیبای کاغان را نیز در سفررویایی خود به سمت شهرابت آباد سحر کنند.

برای افرادی که قصد سفر بلند مدت را ندارند تورهای کوتاه مدت یک ساعته و ۳ ساعته در نظر گرفته شده و آن‌ها می‌توانند بسته دلخواه خود را به سادگی انتخاب کرده و از سفر خود لذت ببرند.[۱]

- **دوچرخه سواری کوهستانی**

برای ورزش‌کاران و به خصوص دوچرخه‌سواران ارتفاعات کاغان می‌تواند محلی بکر و استثنایی باشد تا با سرعت از قله به سوی دشت‌های سرسبز حرکت کنند، با هیجان پیچ‌های تند و نرم مسیر را طی کنند و تجربه‌ای بی‌نظیر را به دست آورند. با افزایش حضور دوچرخه سواران خارجی، رغبت مردم برای رکاب زدن در دل کوهستان‌های کاغان نیز افزایش پیدا کرده و بسیاری از گردشگران خودروهای خود را در ورودی کاغان متوقف می‌کنند و ادامه مسیر را با دوچرخه طی می‌کنند تا هیجان این تفریح دل‌انگیز را از دست ندهند.

- **ماهی‌گیری و پیاده‌روی:**

برخلاف بسیاری از مناطق تفریحی، پیاده روی در کاغان نیز مهارت‌های خاص خود را می‌طلبد و می‌بایست از بسته‌های استاندارد و تعریف شده سازمان گردشگری ایالت خیبرپختونخوا تبعیت کرد تا سفر هدف‌مند، آسان و لذت‌بخش شود. این سازمان ۶ بسته پیاده‌روی تند و متوسط تعریف کرده که بین ۷ تا ۱۴ کیلومتر طول دارند ولی به دلیل محیط کوهستانی منطقه و همچنین توقف‌های دل‌خواه در کنار اماکن گردشگری و دریاچه‌ها، مسیر معمولا بین ۲ تا ۳ روز طول می‌کشد. در امتداد این مسیر برخی از گردشگران مایل هستند ماهی‌گیری کنند و طعم قزل‌آلاهای معروف این منطقه را نیز بچشند. بخشی از پیاده روی‌های تعریف شده در دل جنگل است و بخشی از آن در مسیرهای کوهستانی که هریک زیبایی‌های خاص خود را دارند.[۲]

- **دریاچه سیف الملکوک همدم ملکه ناران**

ناران قلب گردشگری کاغان است ولی از آنجا که بسیاری نام این دو را کنار هم می‌آورند گمان می‌شود که ناران منطقه‌ای جداست. این شهرکوچک و کوهستانی در ۸۵ کیلومتری بالاکوت واقع شده و دسترسی گردشگران را به تمام تفریح‌گاه‌های منطقه آسان می‌کند، جاده‌های منتهی به ناران تنها در فصول گرم سال باز هستند و هم‌زمان با فرارسیدن سرما و بارش برف‌ها در کوهپایه‌های هیمالیا حتی اکثر مردم محلی نیز ترجیح می‌دهند به شهرهای بالاکوت و مانسره بروند.

۱- رزرو بسته های مختلف این تور از طریق مراجعه به سایت rafting.com.pk به سادگی امکان‌پذیر است.

۲- برای مشاهده مسیرهای استاندارد به وب گاه سازمان گردشگری خیبرپختونخوا به آدرس kptourism.com مراجعه نمائید.

IQBAL FORUM

بدون شک «سیف الملکوک» اگرنام مشهورترین برکه و دریاچه پاکستان نباشد نام یکی از مشهورترین آنهاست که حتی در اروپا نیزبه خوبی شناخته می‌شود. برای رسیدن به این دریاچه زلال کافی است از ناران ۹ کیلومتربه سمت جنوب غرب پیش برویم تا در میان پارک ملی سیف الملوک به دریاچه زیبای آن برسیم. دریاچه‌ای که به بلندترین کوه منطقه یعنی «ملکه پربات» منتهی می‌شود، این کوه زیبا با ارتفاع ۵ هزار و ۲۳۴ مترطلیعه آغاز اوج گیری قله های هیمالیا است و اگرچه خود ارتفاع اورست و نانگاپربات را ندارد ولی برای صعود یکی از دشوارترین اهداف تلقی می‌شود.

دریاچه سیف الملکوک ۲ هزار و ۸۰۰ متراز سطح زمین ارتفاع دارد و یکی از بلندترین دریاچه های طبیعی در پاکستان به حساب می‌آید، در فصول گرم سال روزانه صدها گردشگر به این مکان آرام می‌آیند تا از قایق سواری در آب آرام و زلال آن لذت ببرند، گرداگرد این دریاچه نیز می‌توان چادرهای گردشگران را مشاهده کرد که حاضر نشده‌اند به سرعت دل از این طبیعت بی‌مثال کنده و راهی دیگر مناطق شوند. آب دریاچه سیف الملکوک در فصول سرد سال کاملا یخ می‌بندد و روی آن را لایه ضخیمی می‌پوشاند، یخ‌هایی که تا فرا رسیدن فصل گرم سال و بازگشت گردشگران دریاچه را ترک نمی‌کنند.

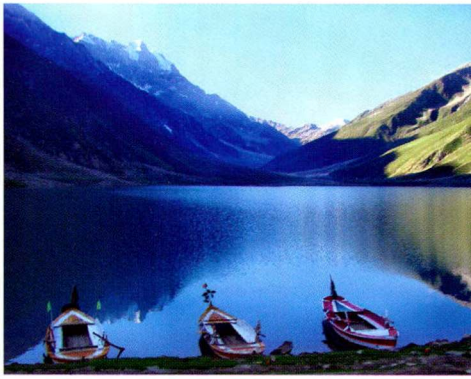
- **دریاچه اشک**

در سوی دیگر پارک ملی سیف الملکوک می‌توان دریاچه‌ای بی‌نظیر را مشاهده کرد که نمونه هندسی آن در هیچ کجای دیگری از جهان دیده نمی‌شود، این دریاچه خجالتی تا سال ۱۹۹۳ خود را از دید همه، حتی افراد محلی نیز مخفی نگاه داشته بود و اولین بار توسط یکی از خلبانان نیروی هوایی ارتش پاکستان کشف شد. این خلبان هنگامی که از ارتفاعات ناران عبور می‌کرد متوجه چشمی آبی رنگ شد که به او خیره شده است هنگامی که ارتفاع خود را کم کرد تا راز این چشم را مشاهده کند متوجه شد که دریاچه‌ای زیبا به شکل اشک را کشف کرده است. شکل هندسی زیبای این دریاچه باعث شده تا آن را «دریاچه آنسو» به معنای اشک نام‌گذاری کنند، آب در این محمل نیز تنها در فصول گرم سال آبی رنگ است و پس از آن در دل طبیعت سپید پوش ناران خود را مخفی می‌کند، شاید به همین دلیل افراد محلی موفق به کشف این دریاچه زیبا نشده بودند.

- **دریاچه لولوسر**

برای افرادی که همیشه به دنبال یافتن مکان های بکر و دست نخورده هستند دریاچه لولوسر که حتی هنوز هم زوایای کشف نشده‌ای دارد بهترین مکان است، برای رسیدن به این دریاچه باید خود را به ۵۰ کیلومتری شمال غرب ناران برسانیم و در فضای سرسبز پارک ملی لولوسر که هم مرز با ایالت گلگیت بلتستان است به دنبال این دریاچه بگردیم. صعب العبور بودن کوهستان های هیمالیا و قراقروم باعث شده تا تنها از طریق شهر ناران بتوان به این دریاچه دسترسی داشت و حتی ساکنان مناطق جنوب شرقی ایالت گلگیت بلتستان نیز نتوانند از حصار کوه ها عبور کرده و خود را به این دریاچه شگرف برسانند.

IQBAL FORUM





دریاچه زیبا و خیره کننده سیف الملوک که قلب طبیعت شگرف ناران است





سالانه هزاران دوچرخه سوار برای تفریح و تجربه اوج هیجان راهی ناران می شوند





غروب آفتاب در کناره دریاچه لولو سر





IQBAL FORUM





درگوشه گوشه لاله زار می توان طبیعت بی همتای خدا را به نظاره نشست | نقاشی لباس زنان کالاش(چترال)

لولوسر دریاچه‌ای بکر است که در ارتفاع ۳ هزار و ۸۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد همین ارتفاع نشان دهنده اعجاب انگیزبودن لولوسر است. منطقه‌ای که حتی با جیپ نیز به سختی می‌توان آن را فتح کرد ولی لولوسر ارزش این مسیر سخت را دارد ، این دریاچه آنقدر بکر است که حتی در کتاب های گردشگری نیز کم ترمی‌توان سراغی از آن یافت، شکل زیبای هندسی دریاچه لولوسر زیبایی آن را دو چندان می کند.

- **دشت لاله‌زار**

نام این دشت سرسبز که در ۲۱ کیلومتری غرب ناران واقع شده است روایت‌گر عمق پیوندی است که دو ملت ایران و پاکستان دارند زیرا بیش از آن‌که این نام برای اردو زبانان قابل فهم باشد، فارسی زبانان آن را درک می‌کنند! پاکستانی‌ها معمولا می‌پرسند که این نام به چه معنا است ولی ما خوب می‌دانیم که اینجا سرزمین گل های زیبا و بی‌نظیری است که غالب آن‌ها را لاله‌های وحشی تشکیل می‌دهد از این رو به آن لاله‌زار می‌گویند. برای رسیدن به لاله‌زار علاوه بر مسیر جاده‌ای، در دل کوهستان های سرسبز منطقه راهی برای پیاده‌روی نیز مهیا شده و افرادی که مایل به پیاده‌روی در کوهستان هستند با طی ۵ ساعت مسیر به این دشت زیبا و بی‌نظیر می‌رسند.

همچون سایر مناطق ناران، لاله‌زار هم مملو از درختان سرسبز، سبزه‌زارهای وسیع و برکه‌های کوچک و بزرگی است که زیست‌گاه صدها گونه پرنده و پستان‌دار هستند، برای مشاهده این حیوانات زیبا لاله‌زار بهترین انتخاب در تمام منطقه کاغان است و بسیاری از گردشگران نیز به همین دلیل راهی ناران می‌شوند.

تمام برکه‌های لاله‌زار حاصل ذوب شدن یخ‌های قلل کوچک و بزرگ اطراف آن است و حتی در فصل بهار نیز می‌توان شاهد آب شدن برف کوه‌ها و سرازیر شدن آن به درون این دریاچه‌ها بود. آنچه در کاغان دیدیم این است که آب سرچشمه حیات است و طبیعت زیبای منطقه نیز به وجود آب و چشمه‌های کوچک و بزرگ آن وابسته است. در فصلی دیگر از سفرمان شعاع فوقانی ایالت خیبرپختونخوا را دور زده و به سوی سرزمین عجایب یعنی چترال خواهیم رفت.

- **چترال؛ عروس محجوب پختونخوا**

چترال سرزمین عجایب دل‌فریب است که حتی راه رسیدن به آن نیز توسط مدعیان سینه ستبر و بلند بالایی سد شده که گاه ارتفاع آنان به ۷ هزار متر می‌رسد. سرزمین پررمز و رازی که اینک نه

IQBAL FORUM





چترال نیز دیبای خوشرنگی است که بر زمین خیبرپختونخوا گسترانده شده است

تنها پاسدار زیبایی‌های طبیعی بی‌شماری است بلکه هنوز هم فرهنگ و سنت پیشینیان خود را زنده نگاه داشته و آخرین پناه‌گاه فرهنگ و باورهایی است که روزگاری بر زمین سیطره داشتند. ایرانیان، افغانستانی‌ها، قوم تاتار و هندو مذهب‌ها هر کدام بخشی از فرهنگ و باور مردم این منطقه را شکل داده‌اند، فرهنگی که گاه در حیات یک قبیله نمود پیدا کرده و گاه در زبان تکلم مردم یک شهر.

مادگلشت‌ها آخرین مردمی هستند که در پاکستان سخن گفتن‌شان فارسی نامیده می‌شود! و کالاش‌ها هنوز هم خود را از نسل پنج سردار اسکندر مقدونی می‌دانند، شکوه امپراتوری‌های گذشته و به خصوص تمدن هندو را می‌توان در گوشه گوشه چترال دید و هم مرز بودن با افغانستان باعث شده تا مردم این سامان قرابت فرهنگی خاصی با همسایه خود داشته باشند. درکنار تمام این‌ها، عروس بی‌هماورد پختونخوا خود را در حصار حجله با شکوهی از کوه‌های هندوکُش پنهان کرده و تنها در فصول گرم سال راه رفتن به آن باز است.

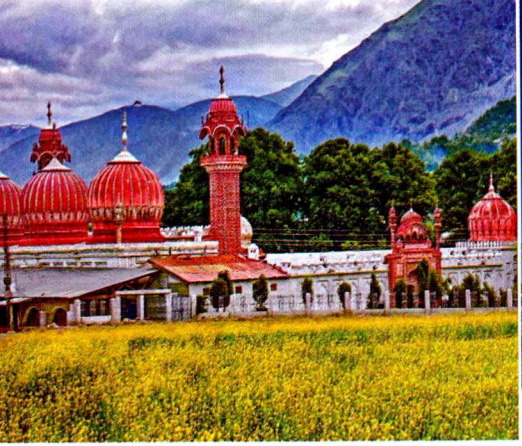
سفر به چترال مانند سفر به دیگر نقاط پاکستان نیست بلکه انگیزه‌های بسیاری باید دست به دست هم دهند تا این مسیر پرپیچ و خم ولی زیبا راه به سویت باز کند. چترال اگرچه در اطراف خود بیش از ۴۰ قله با ارتفاع بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ متر دارد ولی در بند فاتحی قدرتمند است که هنوز هم سایه آن بر سر این منطقه زیباست و می‌توان آن را از صدها کیلومتر دورتر به نظاره نشست، «تریچ‌میر» نام بلندترین کوه هندوکُش است که اگر رشته کوه‌های هیمالیا و قراقروم وجود نداشتند بلندترین کوه جهان لقب می‌گرفت با ارتفاع ۷ هزار و ۷۸۸ متر. چترال را به تریچ‌میر و تریچ‌میر را به چترال می‌شناسند.

مردم محلی این کوه را خانه جن و پری می‌دانند و شاید دلیل آن این است که به بخشی از کوه هیچ گاه آفتاب نمی‌رسد و همیشه در سایه است ولی در هر حال عظمت تریچ میر، ابهت و وقار چترال را دوچندان کرده است. چترال سرزمین میوه‌های بی‌نظیر است و از سیب گرفته تا انگور و هلو در این منطقه به وفور یافت می‌شوند. در گذشته چترال شکارگاه منحصر به فرد پادشاهان بود و از آنجا که این حکام مغرور اجازه شکار به دیگران را نمی‌دادند بسیاری از گونه‌های نادر حیات وحش از جمله پلنگ هیمالیایی، خرس سیاه آسیایی و بزمارخور در این منطقه فراوان دیده می‌شدند. اگرچه تعداد این حیوانات در گذر زمان کم‌تر شده ولی هنوز هم

IQBAL FORUM



چترال تمدنی دیرینه دارد و بناهای تاریخی در آن بسیارند.



نمای بیرونی مسجد پادشاهی در چترال

چترال چون مادری مهربان از تمام موجودات حفاظت می‌کند. موسیقی چترالی در تمام پاکستان شهرتی فراگیر دارد و برای گردشگرانی که قدم به این شهر زیبا می‌گذارند نویدبخش سفری خاطره انگیز خواهد بود.

- **از قلعه تاریخی چترال تا مسجد شاهی**

گردشگرانی که قدم به چترال می‌گذارند پیش از هر چیز در کناره رود خروشان چترال که به سوی افغانستان پیش می‌رود ساختمان زیبای قلعه چترال را مشاهده می‌کنند که حدود ۶۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد. در برگ خوردن صفحات تاریخ این قلعه زیبا بارها تخریب و بازسازی شده ولی هنوز هم شکوه گذشته خود را حفظ کرده است.

قدیمی‌ترین عکس موجود وضعیت قلعه را در سال ۱۸۹۵ میلادی نشان می‌دهد که دارای ۳ برج است و قرار گرفتن آن بر روی یک تپه باعث اشراف کاملش بر منطقه شده است. این قلعه در آن زمان توسط نیروهای انگلیسی محاصره شده و شاهد جنگی سخت و سرنوشت ساز بود که موجب سیطره موقت انگلیسی‌ها بر منطقه شد.

سبک ساخت قلعه کاملا اسلامی است و نشان‌دهنده حکومت مسلمانان بر منطقه است، در بنای این قلعه از سنگ‌های سفید رنگ استفاده شده و گفته می‌شود که زمانی محل حضور یگان‌های نظامی برای حفاظت از مرزها بوده است. سازنده این قلعه فردی به نام نادرشاه بوده ولی زمان ساخت قلعه حداقل ۴۰۰ سال با زمان زندگی نادرشاه افشار پادشاه مشهور ایرانی فاصله دارد. ستون‌های داخلی قلعه نارنجی رنگ هستند و هنوز هم توپ‌هایی در میان آن‌ها قرار دارند تا گردشگران به صلابت سال‌های گذشته آن پی ببرند. در سرسراهای داخلی این قصر زیبا می‌توان هنر نفیس آینه‌کاری را به نظاره نشست و به ذوق و سلیقه پادشاهان آن زمان پی برد.

در فاصله چند دقیقه‌ای از این قلعه زیبا می‌توان مسجدی را به نام مسجد شاهی یافت که در دل شهر چترال واقع شده و عبور رود از کنار آن جلوه‌اش را زیباتر ساخته است. مساجد از دیرباز تجلی عشق و چیره‌دستی هنرمندان مسلمان بوده‌اند و مسجد شاهی چترال که در اصل مسجد جامع این شهر تلقی می‌شود نیز از این قاعده مستثنی نیست.

مسجدی که سه گنبد سفید و قرمز رنگ و دو مناره زیبای آن از دور دیده می‌شود و با ۲۰ هزار

IQBAL FORUM



نمای قلعه پادشاهی چترال



ترکیب رنگ زیبای سازه های انسانی و طبیعی چترال

نفرگنجایش در سال ۱۹۲۴ ساخته شده است. نمای این مسجد دارای گچ‌کاری‌های بسیار زیبایی است که نشان می‌دهد هنرمندان معاصر پاکستانی نیز به معماری مغول (گورکانی) علاقه فراوانی داشته و دارند.

در شهر چترال می‌توان میهمان‌سراها و هتل‌های متعددی یافت که بام‌شان محل خوبی برای نظاره تیرج میراست. وجه مشترک تمام آن‌ها میهمان‌نوازی و خون‌گرمی مردم پشتو زبانی است که ساده‌دلی و مهربانی را از گذشتگان آموخته‌اند.

- **پارک ملی چترال**

در کناره شهر چترال جنگلی سرسبز به وسعت ۷ هزار و ۷۵۰ هکتار وجود دارد که زمانی شکارگاه پادشاهان این سامان بوده ولی اینک زیستگاهی امن و بکر برای نایاب‌ترین گونه‌های حیات وحش است. ارتفاع این پارک جنگلی زیبا بین ۱۴۵۰ متر تا ۵۰۰۰ متر است و محیطی مناسب برای زندگی حیوانات سردسیری و کوهستانی به شمار می‌رود.

پارک سه دره وسیع و تعدادی یخچال طبیعی در دل خود دارد که در فصل بهار مقداری از یخ‌های آن آب شده و به رود چترال سرازیر می‌شود. حیوانات زیبا و نادر بسیاری در این پارک زندگی می‌کنند که می‌توان به گونه‌های مختلف بزکوهی، روباه قرمز، گرگ تبتی، سمور، انواع راکون، پلنگ برفی، عقاب طلایی و... اشاره کرد.

برای بازدید از این پارک زیبا تورهای مختلفی برنامه ریزی می‌شود و می‌توان از طریق هتل‌های موجود در شهر چترال به برنامه این تورها دسترسی پیدا کرد.

- **گرم چشمه؛ کیمیاگر سلامتی**

در فاصله ۴۴ کیلومتری شهر چترال و در دل دره اینجیگان منطقه‌ای به نام گرم چشمه قرار گرفته که نام فارسی آن حکایت از سیطره این زبان بر سال‌های دور خیبرپختونخوا دارد. راه رسیدن به این دره زیبا از میان کوه‌های هندوکش عبور می‌کند و باید با جیپ طی شود.

بسیاری از گردشگران دوست دارند از جیپ‌های بدون سقف استفاده کنند تا نسیم ملایم کوهستانی چترال هم‌پای مناظر زیبای اطراف چشم و روحشان را مورد نوازش قرار دهد. گرم

IQBAL FORUM

چشمه آن‌گونه که از نامش پیداست مجموعه‌ای از گرمابه‌های طبیعی است که در دل کوهستان‌های پوشیده از برف منطقه سراز خاک برآورده‌اند و آب گرم و جوشان آن‌ها که مملو از مواد معدنی است در طب سنتی پاکستانی ارزشی چون کیمیا دارد.

پزشکانی که به طب سنتی اعتقاد دارند و طبیبان مشهور محلی برای بسیاری از بیماری‌های داخلی و پوستی استفاده از این چشمه‌های آب گرم را توصیه می‌کنند از این رو گرم چشمه هرساله میزبان هزاران نفراز این افراد است که در دل آب‌های جوشانش سلامتی را جستجو می‌کنند.

این منطقه فقط به دلیل خواص درمانی آن شهرت ندارد بلکه پس از اخذ مجوز صید ماهی از اداره مربوطه در شهرچترال می‌توان به سادگی از دریاچه‌های طبیعی گرم چشمه ماهی‌های قزل آلای مشهور آن را شکار کرد که از لحاظ سایز و طعم منحصربه فرد هستند.

راه رسیدن به گرم چشمه از کنار رود لوتکو عبور می‌کند و پس از رسیدن به منطقه اصلی باید با پای پیاده تا چشمه دل‌خواه راه پیمایی کنیم، این پیاده روی در کنار رود خروشان و زلالی انجام می‌شود که خود برزیبای‌های مسیر و دلپذیری سفر می‌افزاید.

- **دره کالاش آمیخته از زیبایی‌های طبیعی و عقاید باستانی**

در ۴۰ کیلومتری جنوب شهرچترال دره‌ای سرسبزبه چشم می‌خورد که نه تنها فراوانی نعمت‌های طبیعی و میوه‌های شیرین و آبدارش شهرتی جهانی یافته بلکه ساکنان آن به دلیل داشتن عقاید و باورهایی که نمونه آن را در کم‌ترجایی می‌توان یافت اینک به یکی از جذاب‌ترین موضوعات برای مردم شناسان مبدل شده‌اند. نظام قبیله ای در تمام خیبرپختونخوا به چشم می‌خورد ولی در کالاش می‌توان نمونه‌ای منحصربه فرد از آن را یافت مردمی که آخرین جامعه معتقد به کیش کهن آریایی هستند و اینک در سه روستای بریر، بومبورت و رامبور می‌توان آنان را مشاهده کرد.

مردم کالاش اعتقادی عمیق به قدرت‌های طبیعی دارند و جشنواره‌های سنتی آنان نیزدر روزهای خاصی از سال برگزار می‌شود، تا پیش از سال ۱۸۹۰ و تولد خط مرزی دیورند که باعث شد «نورستان» بخشی از افغانستان شود، ساکنان این منطقه نیزبا کالاش‌ها هم مذهب بودند ولی تحت فشاردولت وقت افغانستان اسلام آوردند وازکافرستان به نورستان تغییرنام دادند. کالاش‌ها عقایدی دارند که نشان می‌دهد باورهای آنان با مردم یونان باستان شباهت‌هایی دارد و از این رو برخی معتقدند ادعای آنان مبنی براین‌که از نسل اسکندر مقدونی هستند چندان غلط نیست.

افرادی که قصد ورود به دره کالاش را دارند باید مبلغی را بپردازند که دولت پاکستان آن را صرف عمران و آبادانی همین منطقه می‌کند، ولی جذابیت‌های اعتقادی مردم کالاش باعث شده تا هم‌زمان با جشن‌های آنان هزاران گردشگر راهی این منطقه شوند و از نزدیک آداب و رسوم آنان را به تماشا بنشینند.

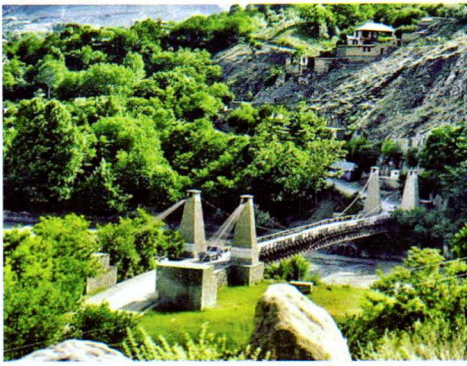
ما نیزمی‌توانیم گوشه‌ای نشسته و به حرکات دل‌کش و لباس‌های زیبای مردمان این قوم خیره





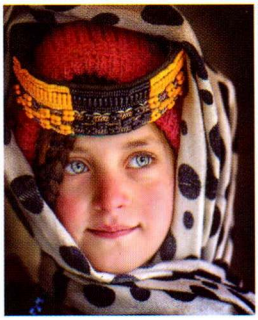
گرم چشمه برکه زلالی است که آب طبیعی آن به زعم مردم محلی درمان بسیاری از بیماری ها است





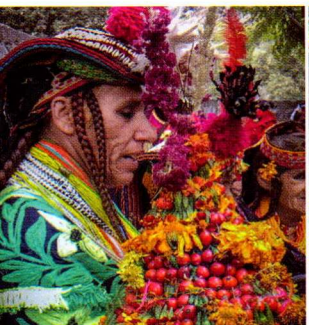
ورودی دره سرسبز و زیبای کالاش که از روی رود چترال می گذرد







در کلاه این زنان کالاش می توان اوج هنرمندی و هنر دست را مشاهده کرد | اکثر ساکنان دره کالاش و منطقه چترال چشمانی رنگی و گیرا دارند







IQBAL FORUM

بمانیم، نباید فراموش کرد که آنان به یک خدای آفریننده به نام دیزار معتقدند ولی در کنار آن به تعدادی قهرمانان اسطوره‌ای، نیمه خدا و تردد ارواح نیز قائل هستند. غرش تندر را بازی چوگان «خدای ایندر» می‌دانند و «جستان» را همتای شیطانی ایندر می‌دانند که به شکل سگ ظاهر می‌شود، به باور آنان خدایان با پرتاب شهاب سنگ شیاطین را دور می‌کنند.

مردم کالاش علاقه فراوانی به مشروب و مجسمه‌های چوبین دارند و برخلاف سایر نقاط پاکستان از دید آنان محدودیتی در روابط بین مردان و زنان وجود ندارد، ولی زنان حین وضع حمل یا عادت ماهانه به مکان خاصی منتقل شده و از بقیه جامعه جدا می‌شوند. حاصل خیزی این منطقه باعث شده تا سراسر دره کالاش مملو از جنگل‌های زیبای بلوط باشد، آنان به شکرانه این طبیعت دلفریب سه جشن بزرگ سالیانه دارند:

جشن اوچا که در پائیز برگزار می‌شود، جشن جوشی که اواخر اردیبهشت برگزار می‌شود و مردم در آن شیری که ده روز مانده باشد را می‌نوشند و جشن چویموس که مهم‌ترین جشن سالانه کالاش هاست و به شکرانه برداشت محصول با رقص و موسیقی محلی و قربانی کردن برای خدای بالیمان آن را گرامی می‌دارند.

ما نیز به عنوان یک گردشگران حین بازدید از اماکن مقدس کالاش باید حرمت آن‌ها را رعایت کنیم برخی از این اماکن عبارتند از:

قربان‌گاه‌ها: قربان‌گاه‌ها به نام مالوس مشهور هستند و معمولا خارج از مناطق روستایی هستند به برخی از این قربان‌گاه‌ها می‌توان در روستاهای رومبور، بریرو باتریک دسترسی داشت.

جِشتَک‌هان: یکی دیگر از اماکن مقدس برای کالاش‌ها جایی است به نام جشتک‌هان، که در آن مراسم ویژه زمان تولد، مرگ و جشنواره‌ها برگزار می‌شود سراسر سالن‌های بزرگ جشتک‌هان از تصاویر زنان و پرندگان پوشیده شده است.

باشالنی: مکان‌هایی ویژه زنان آبستن و قاعده که مردان حق ورود به آنجا را ندارند.

ماداو جاو: گورستان‌های مخصوص کالاش که در گذشته مردگانشان را در تابوت چوبی قرار داده و در فضای باز ماداو جاو قرار می‌دادند، ولی در سال‌های اخیر آن‌ها ترجیح می‌دهند اموات خود را دفن کنند.

چارسو: محلی برای رقص جوانان کالاش که در زمان برگزاری جشنواره‌ها شلوغ‌تر از سایر ایام سال است.

کالاش‌ها در هنر نیز دستی برآتش دارند و به خصوص در منبت‌کاری و قالی‌بافی در تمام منطقه مشهور شده‌اند، برای دیدن آثار هنری آنان می‌توان به خانه فرهنگ کالاش در برومیت رفت جایی که مردم یونان به پاس هم‌سو بودن افکار کالاش با عقاید باستانی کشورشان موزه‌ای را ساخته و در آن آثار فاخری از قدیمی‌ترین اشیا به دست آمده از کاوش‌های باستانی را قرار داده‌اند.

IQBAL FORUM

ساختمان این موزه که از چوب ساخته شده نشان دهنده تبحر بی‌حد و اندازه مردم کالاش در هنر منبت‌کاری است و بسیاری از گردشگران نیز به عنوان سوغات از این دره زیبا آثار هنری آن را به شهرهای خود می‌برند.

مسیرهای پیاده روی: برای گردشگرانی که قصد قدم زدن در طبیعت زیبا و بکر منطقه را دارند سه مسیر پیاده روی در روستاهای بومبرت، رومبور و بریر برنامه ریزی شده است، مسیر این پیاده‌روی‌ها از عمق جنگل‌های بلوط منطقه و کناره روستاهای مختلف می‌گذرد که خود در ساحل رودخانه‌های خروشان چترال قرار گرفته‌اند. وجود درختان میوه در طول مسیر مورد توجه ویژه گردشگران قرار می‌گیرد و آن‌ها می‌توانند طعم به یاد ماندنی میوه‌های کوهستانی را نیز بچشند.

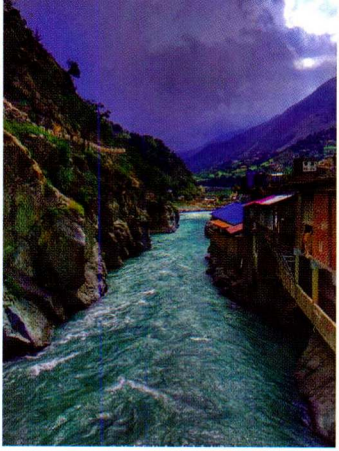
نباید فراموش کنیم که برای سفر به دره کالاش نیاز است تا از اداره گردشگری شهر چترال مجوزهای لازم را دریافت کنیم زیرا دولت پاکستان برای حفظ امنیت و حرمت عقاید کالاش قوانین ویژه‌ای را در نظر گرفته است.

منطقه چترال ویژگی‌های منحصر به فرد دیگری نیز دارد و مردم آن علاقه بی‌حد و حصری به ورزش چوگان دارند، گلگیتی‌ها رقیب سرسخت و سنتی آنان در این ورزش محسوب می‌شوند و آوردگاه شندور پولو هر سال محل صف‌آرایی بهترین بازیکنان این دو شهر است. عروس محجوب پختونخوا ده‌ها روستای بکر و زیبا دارد.

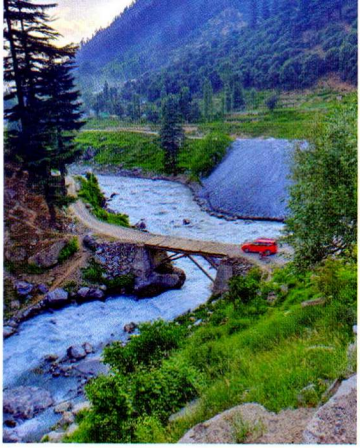
اخیرا دولت ایالتی خیبرپختونخوا تورهای ویژه پاراگلایدر را نیز در این منطقه آغاز کرده است و بسیاری از گردشگران ضمن رزرو بسته‌های مختلف این تور به تماشای طبیعت سحرانگیز چترال از فراز آسمان می‌پردازند.

از چترال که خارج شویم می‌توانیم راه‌مان را به سمت و سوی قلب جغرافیایی و کانون زیبایی‌هایی ناشناخته پختونخوا یعنی دره سوات، پیش بگیریم، جایی که با آبشارهای مشهورش چشم انتظار ما ایستاده است.

IQBAL FORUM



در سوات بسیاری از خانه ها در کناره رود قرار دارند



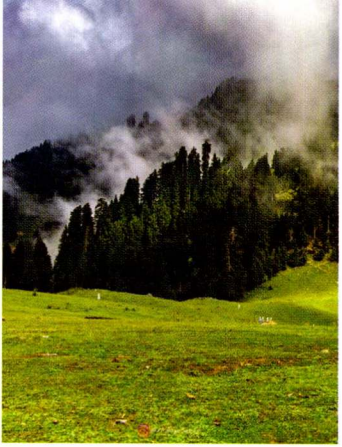
طبیعت بکر و چشم نواز سوات

سَوات؛ جلوه گاه بی‌مثال

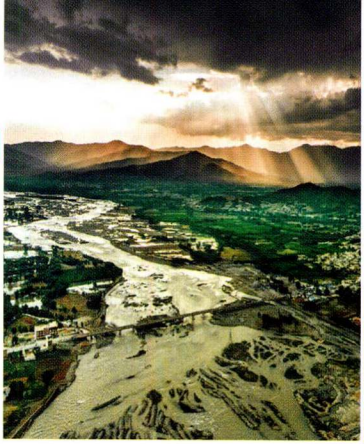
سوات نام دره‌ای بکراست که زیبایی‌های چشم‌گیرآن باعث شده تا سوئیسِ پاکستان لقب بگیرد، مکانی که تا سال ۱۹۶۹ یکی از امیرنشین‌های منطقه بود و بسیاری از شاهزادگان متمول کشورهای عربی آن را بهشت گشت‌وگذار خود می‌دانستند ولی از دهه هفتاد میلادی آغوش پر مهر سوات به روی مردم جهان گشوده شده تا همه از این باغ شهر زیبا لذت ببرند. آبشارهای فراوان، جنگل‌ها و چمن‌زارهای وسیع، رودهای خروشان و حیات وحش غنی از سوات دره‌ای منحصربه فرد ساخته است.

تاریخ این سرزمین به خوبی در ذهن دارد که اسکندر مقدونی ۳۲۷ سال پیش از میلاد مسیح سوات را فتح کرده و مبهوت جلوه‌های بی‌مثالش شد، سپس تمدن گاندارا یادگارهای ارزشمندی درون آن به جای گذاشت ولی آنچه سوات را تبدیل به سوئیس مشرق زمین کرده هنرنمایی‌های طبیعت است. برای سفر به سوات کافی است از مسیر پیشاور یا اسلام آباد خود را به ورودی دره سوات برسانیم، درسال‌های قبل سوات مورد هجوم افراط‌گرایان قرار گرفته بود و ارتش پاکستان در نبردی سنگین موفق شد امنیت را به این سرزمین بازگرداند با این حال گردشگران موظف به رعایت موازین شرعی و حجاب اسلامی هستند. جدای از این تاریخ مختصر، سوات را غرق در زیبایی‌هایی می‌بینیم که از دور و نزدیک گردشگران را به سوی خود می‌کشاند. سَیدو شریف مرکز منطقه سوات است و تمامی امکانات گردشگری را در خود جای داده است، این شهر زیبا که در ارتفاع ۹۹۰ متری از سطح آب‌های آزاد واقع شده است دوقلویی به نام «مِنگورا» دارد که بزرگ‌ترین بازار اقتصادی سوات تلقی می‌شود. از تولیدات ارزشمند پوشاک و صنایع دستی مردم این منطقه گرفته تا صنایع چوب و عتقیه جاتی که متعلق به صدها سال قبل است، از فرش‌های قدیمی دست‌باف گرفته تا سنگ‌های گران‌بها از آجیل و خشکبار گرفته تا وسایل الکترونیکی همه و همه را می‌توان در بازار زیبای شهر منگورا یافت. هتل‌های چهار ستاره و سه ستاره متعددی را می‌توان در شهر سیدو شریف دید و گشت‌وگذار را از آن‌ها آغاز کرد. سوات نیز چون دیگر برادران پختون خود میزبان کوه‌های بلند قراقروم و هندوکش است از این رو هوای کوهستانی و تازه آن روح خفته هرانسانی را زنده می‌کند تا از نسیم فرح‌بخش و پاک این دره زیبا بهره بگیرد.

IQBAL FORUM



تمام زیبایی های طبیعت در یک قاب؛ سوات



منظره ای چشم نواز در دل سوات

- **موزه ایتالیایی پاکستانی سوات**

سوات یادگار به جا مانده از تمدن‌های پیشین است و جای جای آن حکایت از قدرت‌نمایی حکم‌رانان سابق پاکستان دارد. برای علاقه‌مندان به تاریخ و به خصوص تمدن گاندارا موزه سوات مرکزی ایده‌آل است تا در نگاه به آثار فراوان آن به سال‌های دور سفر کنند. ایتالیایی‌ها نقش مهمی در توسعه این موزه داشته‌اند و علی‌رغم خرابی‌های سنگین در سال ۲۰۰۵ بر اثر زلزله شدید همچنان ساختمان این موزه پذیرای صدها گردشگر و محقق است.

برخی از قدیمی‌ترین آثار مذهبی و با ارزش متعلق به هندو مذهب‌ها نیز در این موزه وجود دارد و از دید آنان موزه سوات یک گنجینه نفیس و بی‌همتا به شمار می‌رود. ساختمان موزه در سال ۱۹۵۹ با حضور معماران مطرح ایتالیا ساخته شد و در سال‌های بعد نیز ژاپنی‌ها برای ساخت و توسعه آن علاقه نشان دادند.

یادگارهای ارزشمندی از قبیل ظروف مسی و فلزی متعلق به دوران پیش از میلاد مسیح و همچنین آثار مربوط به خانواده‌های پادشاهی سوات در این موزه به چشم می‌خورد.

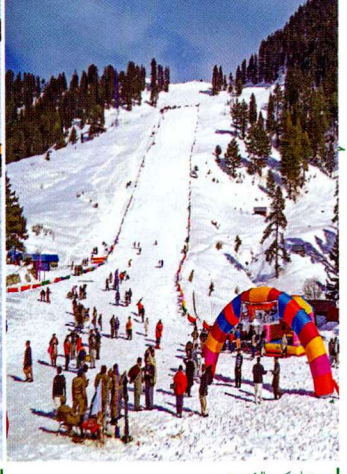
- **مالام جَبّه؛ بهشت اسکی بازان**

ورزش اسکی به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که می‌طلبد در دسترس همه‌گان قرار ندارد و برخی آن را ورزش افراد مرفه می‌دانند، طبیعت زیبا و چشم نواز سوات که در قلب کوه‌های بلند واقع شده است شرایط مطلوبی را فراهم آورده تا علاقه‌مندان به این ورزش پرهیجان که مهد آن را کشور نروژ می‌دانند، لذت اسکی را تجربه کنند.

برای این کار هیجان انگیز نیازی به داشتن امکانات گران قیمت اسکی نداریم، بلکه کافی است شهر زیبای سیدو شریف را به سمت مالام جبه که درفاصله ۴۷ کیلومتری آن واقع شده است ترک کنیم. مسیری برخلاف جهت رودهای خروشان منطقه در دل کوه و همپای طبیعت زیبا و بکر سوات.

مالام جبه در ارتفاع ۲۷۵۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار دارد و در قلب آن می‌توان علاوه بر سبزه‌زار

IQBAL FORUM



پیست اسکی مالام جبه



حضور خانواده ها در پیست اسکی مالام جبه

و دشت‌های وسیع کوهی سپیدپوش و مسطح را به چشم دید که گردشگران زیادی را گرد خود آورده است، آن‌ها نیز چون ما به شوق اسکی در دامنه پیست مالام جبه وارد این منطقه شده‌اند، کوهپایه مکان استقرار دکه‌هایی است که با قیمت مناسب وسایل مورد نیاز اسکی را اجاره خواهند داد.

افرادی نیز به عنوان مربی و راهنما در منطقه حاضر هستند تا الفبای اسکی را آموزش دهند، سپس بخش هیجان انگیز برنامه آغاز می‌شود و می‌توانیم با سوار شدن بر تله کابین این کوه زیبا ۸۰۰ متر از زمین فاصله بگیریم و به نقطه‌ای برسیم که اسکی از آنجا شروع می‌شود. دورتا دور پیست، توسط موانعی بسته شده تا اسکی بازان تازه‌کار از محوطه پیست خارج نشوند، آغاز حرکت می‌تواند سرعت را تا ۸۰ کیلومتر در ساعت بالا ببرد با این حال مسیر صاف و هموار است که باعث می‌شود آسیبی به کسی وارد نشود.

ورزش اسکی فواید بسیاری دارد و علاوه بر تجربه سُر خوردن با سرعت بالا می‌تواند باعث تقویب اعصاب و افزایش ضربان قلب شود. اسکی تنها ورزش محبوب این منطقه نیست بلکه خانواده‌ها می‌توانند با کمک تیوب‌های بادی در مسیرهای مشخص شده تفریحات دیگری را نیز تجربه کنند و از بودن در این منطقه زیبا لذت ببرند.

مالام جبه شاهد برگزاری مسابقات مختلف اسکی نیز هست و در فصول سرد سال بسیاری از اسکی‌بازان حرفه‌ای از گوشه و کنار کشور خود را به مالام جبه می‌رسانند تا در ضیافت دانه‌های سپید پوش برف شرکت کنند. علاوه بر ورزش محبوب زمستانی اسکی، در مالام جبه می‌توان طبیعت بکر و زیبایی را به تماشا نشست و با کمپ زدن در کوهستان لذت زندگی در آن را تجربه کرد.

IQBAL FORUM



مرغزار و سرسبزی خیره کننده در تمام مناطق سوات



گذر رود از کناره خانه ها در سوات

- **مرغزار؛ جایی برای ریاضت**

یکی دیگر از مناطقی که در سوات پیش از هر چیز نام ایرانی و فارسی آن غبار غربت را از روی مسافران هم‌وطن پاک می‌کند دشتی سرسبز و زیبا به بنام مرغزار است که در ۱۲ کیلومتری جنوب سیدو شریف قرار دارد. سبزی درختان مرغزار حکایت از سرنهفته درون آن دارد منطقه‌ای بکر در ارتفاع ۱۲۰۰ متری از سطح دریا.

قصر سپید نام هتلی زیباست که از بام آن می‌توان تمام منطقه را در قاب چشم جای داد، مکانی که روزگاری کاخ حاکم مرغزار بوده و هربار وی قصد شکار می‌کرد با سرو صدای بسیار از دروازه‌های بزرگ این قصر خارج می‌شد.

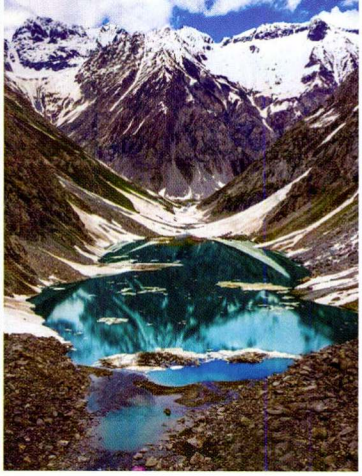
شهرت این روستا صرفا به خاطر طبیعت زیبا و بی‌نظیر آن نیست بلکه برای ادیان شناسان و به خصوص پیروان مذهب هندو اهمیت خارق العاده‌ای دارد چرا که طبق اساطیر و داستان‌های کهن آنان «راما چاندار» هفتمین آواتار ویشنو و یکی از شاهان آیودیا ۳ سال از حیات طبیعی و دوران ریاضت خود را در جنگل‌های این منطقه گذرانده است.

نزدیکی مرغزار به شهر مرکزی سیدو شریف باعث شده تا گردشگران زیادی برای تفریح به مرغزار آمده و در کنار رود خروشان سوات کمپ برپا کنند، ماهی‌گیری یکی از محبوب‌ترین تفریحات در این منطقه است.

در دوران گذشته این روستا محلی مناسب برای تفریح و شکار تلقی می‌شد ولی اینک انجمن‌های حمایت از محیط زیست با کمک دولت پاکستان مانع شکار گونه‌های نادر حیات وحش می‌شوند. در مناطق شمالی برای دریافت مجوز شکار یک راس بزمارخور (حیوان ملی پاکستان که از شکارهای مورد علاقه شکارچیان است) باید ۱۰۰ هزار دلار آمریکایی به اداره منابع طبیعی پاکستان پرداخت شود.



طبیعت بکر و چشم نواز کالام



دریاچه ای زیبا در قلب کالام



منطقه سرسبز کالام

- **در مسیر کالام؛ جاده رویاها**

گاه مسیر، راه رسیدن به مقصد است و گاه مسیر خود مقصد! برای آنان‌که به عزم رویت زیبایی‌های طبیعی راهی سوات شده‌اند وجب به وجب این دره بی‌مثال غرق جلوه‌هایی بی‌نظیر و بی‌همتا است که هوش و حواس از دل و جان آدمی می‌رباید. از سیدهو شریف به سوی شرق و جنوب رفتیم و اینک نوبت آن است که هم قدم با جاده رویاها به سوی شمال سوات حرکت کنیم، مسیری که در دو سوی آن ده‌ها منطقه بکر و زیبای گردشگری خواهیم یافت. کوهستان‌های اطراف سوات علی‌رغم زیبایی صعب العبور هستند و وسیله نقلیه‌ای که بتواند در فراز و نشیب‌های کوهستان همراهی‌مان کند جیپ است.

- **«میان دام» نخستین افسونگر**

در دل جنگل‌های اطراف سوات که راه به سوی شمال طی کنیم پس از ۵۶ کیلومتر به میان دام می‌رسیم روستایی بی‌نظیر که در کناره رود قرار دارد و طبیعت کوهستانی آن بهشت برین را در قاب چشم تماشاگران جلوه‌گر می‌سازد. معماری خانه‌های این روستا که در دل کوه واقع شده به سبک پلکانی است و همین باعث می‌شود تا هر گردشگری خواه ناخواه لحظاتی غرق در تعجب مانده و به سینه کوه‌های سربه فلک کشیده روستا خیره بماند.

میان دام حداقل ۱۰۰۰ سال قدمت دارد و می‌توان آثار زیبایی از تمدن‌های گذشته به خصوص بودیسم را در آن به تماشا نشست. برای گردشگرانی که تصمیم به اقامت در این روستا دارند امکاناتی نیز توسط سازمان توسعه گردشگری پاکستان فراهم شده است. ماهی‌گیری و پیاده‌روی در مسیرهای جنگلی دو تفریح ایده آل و پرطرفدار در میان دام به شمار می‌روند. از این روستا می‌توان به سوی شمال رفته و با عجایب دیگر دره سوات آشنا شد.

IQBAL FORUM





بحرین منطقه‌ای توریستی و زیباست که زمانی فقط شیوخ عرب در آن | دره زیبای بحرین؛ طبیعت بکر منطقه را به خوبی می توان در تصویر دید رفت و آمد داشتند

- **از مَدین تا بحرین؛ حجله زیبایی‌های سوات**

۳۷ کیلومتر پس از میان‌دام و در مسیری که از کنار رود خروشان سوات عبور می‌کند به منطقه‌ای دیگر می‌رسیم که شهرت ملی دارد، مدین را بی‌شک می‌توان عروس تمام مناطق گردشگری دره سوات دانست جایی که نه تنها ارتفاع ۱۳۲۰ متری آن از سطح دریا باعث شده تا در دل تابستان نسیم خنک کوهستانی در آن روان باشد بلکه بزرگ‌ترین بازار منطقه را نیز در خود جای داده است.

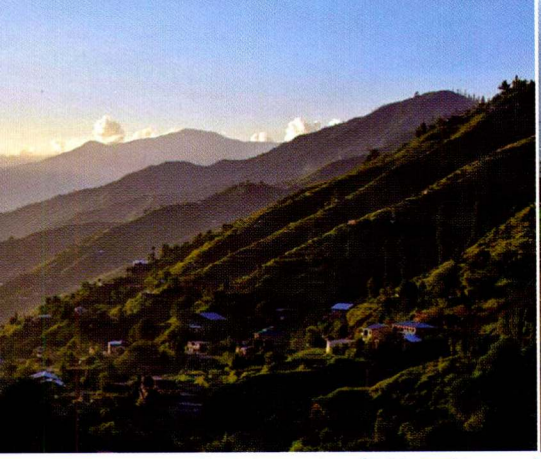
برای گردشگرانی که قصد خرید صنایع دستی ایالت خیبرپختونخوا را دارند یا به دنبال خرید محصولات و مواد غذایی سنتی هستند بازارچه مدین انتخابی بی‌نظیراست، معماری مشهور مغول را می‌توان در منبت‌کاری‌های انجام شده روی چوب در منازل و مغازه‌های بازار مشاهده کرد و به سازندگان صبور آن آفرین گفت.

مسجد جامع مدین یکی دیگراز عجایبی است که بشرآن را با چوب ساخته و علی‌رغم سال‌ها قدمت هنوز هم می‌توان شکوه را در گوشه گوشه آن به تماشا نشست. مدین خانه چشمه‌سارها و آبشارهای فراوانی است که گردشگران را از دور و نزدیک به سمت خود فرا می‌خواند. امکانات اقامتی نیزدر مدین بسیارند و مسافران می‌توانند از کلاس مختلف هتل‌های موجود استفاده کرده و تفریح خود را کامل‌ترکنند.

در ۲۹ کیلومتری مدین روستای زیبای دیگری به نام بحرین وجود دارد که شاید به دلیل قرار گرفتن در کناره رود و تردد مکرر شاهزادگان عرب بحرین نام گرفته باشد. این روستای زیبا به آب زلال و استراحت‌گاه‌های متعددی که کنار آب وجود دارد مشهوراست.

بسیاری از رستوران‌های بحرین در کناره رود سوات ساخته شده‌اند و به خصوص برخی از آن‌ها که در کنار پیچ تند رودخانه قرار دارند بین گردشگران محبوب‌ترهستند. مردم محلی در فضای آرام و هوای پاک این روستا تخت‌هایی را کنار رودخانه قرار داده‌اند که بسیاری از گردشگران ساعت‌ها روی آن دراز می‌کشند و آرامش را با تمام وجودشان لمس می‌کنند، بحرین نیز چون مدین دارای هتل‌های مختلفی است که در کنار بازار سنتی آن مورد توجه مسافران داخلی و خارجی قرار می‌گیرد.

IQBAL FORUM





خروش رود و سبزی جنگل؛ تمام آنچه در کالام دیده می شود | دره سرسبز و باشکوه میان دام که از آن به عنوان عروس سوات یاد می کنند

- **کالام نقطه اوج سفر به سوات**

اگر از یک راهنمای حرفه‌ای یا گردشگر مسلط به منطقه در مورد مشهورترین نقطه گردشگری در دره سوات سوال کنیم بی‌گمان پیش از هر جایی کالام را معرفی خواهد کرد. منطقه‌ای که باید آن را بی‌اغراق از عجایب طبیعی پاکستان دانست، کالام آنقدر زیباست که علی‌رغم قرار گرفتن در ارتفاع ۲ هزار متری از سطح دریا سال‌ها مرکز ایالت بوده است. این شهر مدت‌ها تحت اختیار چترالی‌ها بود ولی در آخرین تقسیم بندی جغرافیایی بازهم به آغوش سوات بازگشت.

به محض ورود به مسیر خاکی کالام می‌توان کوه «فلک سیر» با ارتفاع ۵ هزار و ۹۱۸ متر را تماشا کرد و اگر کمی به خود زحمت داده و به نقطه بهتری برویم یک کوه بلند دیگر را نیز مشاهده می‌کنیم که ۶ هزار و ۹۶ متر ارتفاع دارد. در کالام رودخانه‌های خروشان اوشو و اُتروت به هم می‌پیوندند و به رود سوات می‌ریزند تا تمام مناطق پائین دست را سیراب کنند.

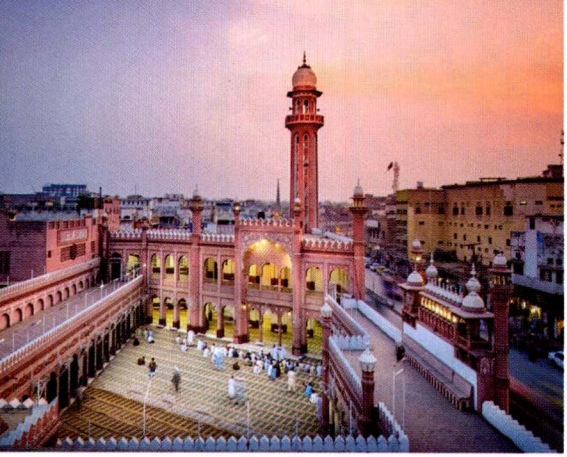
کالام را قلب سبز سوات نیز می‌خوانند زیرا مملو از دره‌ها و کوه‌هایی است که تا قله آن‌ها سبزپوش است و نمی‌توان نقطه‌ای از آن را یافت که درخت و سبزه آن را نپوشانده باشد. بهترین وسیله سفر به دریاچه‌های اطراف کالام که از ذوب برف کوه‌های قراقروم شکل می‌گیرند جیپ‌های ویژه کوهستان است، این سفر می‌تواند جذابیت‌های بسیاری داشته باشد ولی نباید فراموش کنیم که مهم‌ترین قسمت سفر تامین وسیله نقلیه مناسب است زیرا ارتفاعات بلند منطقه اجازه صعود به خودروهای معمولی را نمی‌دهند. در طول مسیر برای رسیدن به دریاچه‌هایی مانند کندل و ماهودند از ده‌ها جویبار کوچک و بزرگ باید عبور کرد.

حیات وحش در کالام بسیار غنی و بکر است به همین دلیل در طول مسیر رسیدن به جاذبه‌های طبیعی اطراف آن، به کرات حیوانات زیبا مشاهده می‌شوند که مشغول سیر در اطراف کالام هستند.

کالام در نزدیکی مرز خیبرپختونخوا و گلگیت بلتستان واقع شده از این رو زبان مردم منطقه با زبان کوهستانی اشتراکات بسیاری دارد، علاوه بر زبان قرابت فرهنگی بسیاری نیز می‌توان بین مردم این دو ایالت که البته کوه‌های بلندی بین آن‌ها مرز را مشخص کرده است یافت.

این منطقه زیبا ظرفیت بسیار خوبی برای برپا کردن کمپ و طبیعت‌گردی دارد از این رو

IQBAL FORUM





پیشاور یکی از قدیمی ترین شهرهایی که به دست بشر ساخته شده و از دیرباز مورد توجه شاهان قرار داشته است

پیشاور مملو از بناهای زیبایی است که معماری دوران شکوه پادشاهان گورکانی را فریاد می کند

گردشگرانی که تمایل به سفر در دل طبیعت و به‌دور از سازه‌های انسانی دارند حضور در این منطقه را از مهم‌ترین قسمت‌های سفر خود به پاکستان می‌دانند.

با رفتن به کالام از بین زیبایی‌های طبیعی ایالت خیبرپختونخوا کم‌تر جایی است که اینک قدم به آن نگذاشته باشیم و دیگر نوبت آن رسیده تا به افسانه‌ای‌ترین شهر پاکستان یعنی پیشاور سفر کنیم، یکی از قدیمی‌ترین و با عظمت‌ترین شهرهایی که تاریخ جهان به چشم دیده است.

- **پیشاور؛ سرزمین افسانه‌های کهن**

فصل به فصل سفر را اگر همراه هم طی کرده باشیم اینک به آخرین نقطه سفر در نیمه شمالی ملک خداداد رسیده‌ایم، جایی که برای آخرین بار ارتفاعات پوشیده از برف هیمالیا و قراقروم را می‌بینیم که با چشمان اشک‌بار ما و دیگران را بدرقه می‌کنند. این که آخرین منزل‌گاه‌مان در خیبرپختونخوای زیبا، شهر افسانه‌های کهن و رازهای مگوشده بی‌حکمت نیست! پیشاور نگین درخشان شمال غرب پاکستان است که مرزبان باور و روایت‌گر تاریخ چند هزار ساله شبه‌قاره است. این شهر را دروازه جنوب آسیا می‌دانند چرا که قدم گذاشتن در آن به منزله خروج از آسیای میانه و ورود به جنوب قاره کهن است، پیش از ما نیز میلیون‌ها انسان از جمله اسکندر مقدونی، چنگیزخان مغول، سلطان محمود غزنوی و نادر شاه افشار همین مسیر را به سوی هند تاخته‌اند.

پیشاور را یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ساخته شده به دست بشر می‌دانند که گاهی آثاری با ۷ هزار سال عمر از دل آن بیرون کشیده شده است، در کتیبه «کعبه زرتشت» واقع در نقش رستم استان فارس پیشاور یکی از شهرهای زیبای قلمرو حکومت ساسانیان معرفی شده است. شهری که در ۴۵ کیلومتری مرز «تورخم»[1] قرار دارد و مسیر رسیدن از آن به کابل پایتخت افغانستان چندان سخت نیست، راهی که از مسیر مشهور دره خیبر می‌گذرد و اهمیت تاریخی آن بسیار زیاد است به خصوص گذر از باب طاقی شکل مشهور خیبر که اینک به نماد ایالت خیبرپختونخوا تبدیل شده است.

۱- نگارش نام این مرز در زبان اردو به شکل «طور خم» انجام می شود.



یک مرد پیشاوری در حال فروش پیراشکی



پرتقال های پاکستانی طعمی بی مثال دارند، در بازار آب پرتقال طبیعی را فراوان می‌توان یافت.

سینه سر به مهر پیشاور هنوز هم برای اهل سِرگفتنی‌های بسیار دارد و به خصوص شب هنگام که ستارگان یک به یک در اشتیاق وصال این زیبای بی‌همتا در آسمانش جلوه‌گر می‌شوند. عظمت «شبهای پیشاور» را سلطان الواعظین شیرازی[1] پیش از ما درک کرده و ما نیز به شوق جرعه‌ای معرفت قدم براین زمین گذاشته‌ایم.

وارد پیشاور که بشویم خود می‌توانیم انتخاب کنیم که سفرمان تنها بُعد جغرافیایی داشته باشد یا بُعد تاریخی نیز پیدا کرده و به هزاران سال پیش برگردیم! مرکز ایالت خیبرپختونخوا شهری سرسبز و زیباست که در کنار رود کابل واقع شده و مراکز علمی، تجاری، نظامی و تاریخی بسیاری در آن قرار دارند. اهمیت استراتژیک این شهر باعث شده که در طول تاریخ بودائیان، مسلمانان، سیک‌مذهب‌ها، استعمارگران انگلیسی و صدها تمدن کوچک و بزرگ دیگر حکومت برآن را تجربه کرده باشند. ساکنان اصلی پیشاور اینک پشتوزبان‌ها هستند که ریشه آنان به اولین مهاجرت آریایی‌های برمی‌گردد.

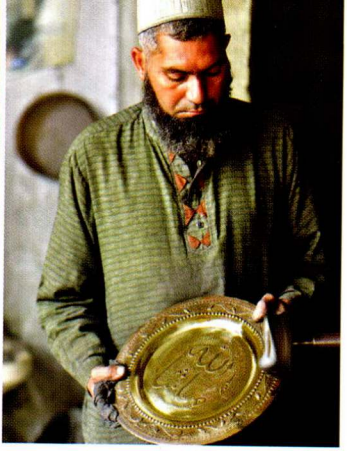
شهر پیشاور نیز چون لاهور به دو بخش قدیم و جدید تقسیم می‌شود. بسیاری از دیدنی‌های پیشاور در قسمت قدیمی شهر واقع شده ولی برای مسافران خسته‌ای که تازه از راه رسیده و گرد و خاک سفر به چهره دارند لختی آسایش و استراحت در هتل‌های هفت رنگ این شهر ضروری است؛ بسته به انتخابمان می‌توانیم هتل‌هایی چند ستاره و یا مسافرخانه‌هایی مناسب را در پیشاور پیدا کرده و خستگی راه از تن خارج کنیم. صبح‌گاهان پیشاور با تمام زیبایی‌هایش به روی ما لبخند می‌زند و ما را از شکوه گذشته وصلابت امروزش آگاه می‌کند ولی پیش از آن سیر شبانه‌ای نیز به تاریخ این آرمان‌شهر خواهیم داشت.

• بازار قصه خوانی؛ میعادگاه شبانه مسافران قدیم

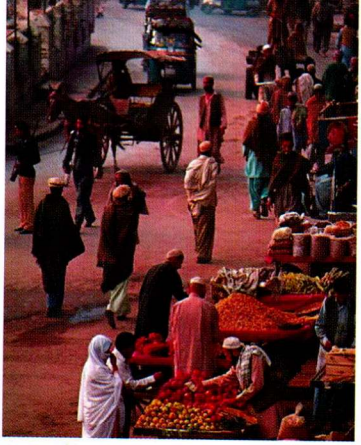
از پنجره اقامت‌گاه که به شهر پیشاور نگاه کنیم از دور سیاهی کاروانی را می‌بینیم از تجار ازبک که صبح دیروز لاهور را به مقصد کابل ترک کرده‌اند و هم زمان با سرخ شدن سینه بی‌قرار آسمان و غرق شدن خورشید بی‌رمق زمستانی در هوایی سرد و خنک از میان دشت‌های سفید پوش یخ زده خود را به آخرین و بزرگ‌ترین شهر مشرق زمین «پیشاور» رسانده‌اند، شهری در میان

۱- کتاب گران سنگ و خواندنی« شب های پیشاور» که شرح خاطره و بحث و مناظره سلطان الواعظین شیرازی در شهر پیشاور است و در اثبات حقانیت اهل بیت« علیهم السلام» به رشته تالیف در آمده است.

IQBAL FORUM



یک صنعتگر پیشاوری در بازار قصه خوانی



بازار قصه خوانی پیشاور محل تلاقی فرهنگ گذشته و آینده پاکستان است که در گذر زمان شکوه خود را حفظ کرده است

کوه‌ها، که شهرتش برفراز قله‌هایی که آن را چون اسیر در برگرفته‌اند می‌درخشد. این شهر زیبا منزل‌گاه شبانه کاروان‌های دیگرنیزهست. هم‌زمان از سوی دیگرشهرتجار افغانستانی از مسیر دره خیربه پیشاور رسیده‌اند تا صبح روز بعد مسیربمبئی را در پیش بگیرند در کوتاه زمانی شهرمملواز مسافران یک شبه‌ای می‌شود که قرار است عمری خاطرات سفرشان را به همراه داشته باشند.

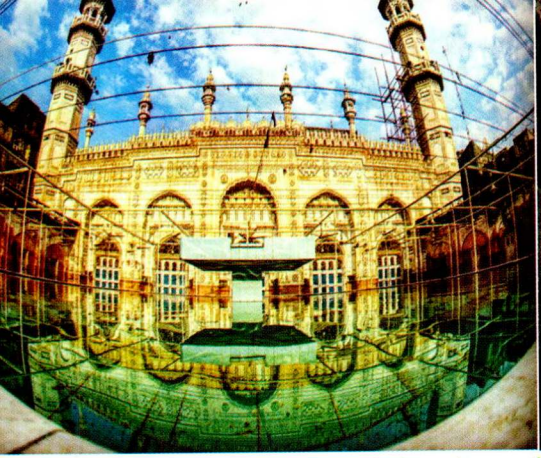
آسمان که تیره می‌شود مسلمانان نماز مغرب و خفتان به جای می‌آورند و سپس ستارگان غرق در روشنایی پیشاور می‌شوند که تمام میهمانان را گردهم آورده است. قهوه‌چی‌ها برای پذیرایی از میهمانان با شتاب در رفت وآمد هستند و با هربار باز شدن درب قهوه‌خانه همراه میهمانانی که به داخل آن پناه می‌آورند سوز هوای زمستانی نیزخود را به پوست مسافران غرق در صحبت می‌رساند. بخار غذا و دم هوا دید را کور کرده و چراغ‌های دود گرفته سوسو کنان صورت میهمانان را روشن می‌کنند. بازار گفتگوها و نقل اخبار مناطق مختلف داغ است، یکی از قحطی در چین سخن می‌گوید و دیگری از تجارت این روزهای آفریقا، یکی حکایت سیل ترکستان را نقل می‌کند و دیگری محصول پربار زمین‌های قفقاز را روایت می‌کند.

پاسی از شب که می‌گذرد صدایی در قهوه‌خانه طنین انداز می‌شود و نگاه‌ها را به سمت مردی می‌گرداندکه دستاری سپید به سربسته و در حالی که عصا به دست دارد عبایی به دوش افکنده است. زیرو بم صدای فرد که شعری را زمزمه می‌کند سکوت را به قهوه خانه هدیه می‌کند و او بی‌مهابا می‌خواند:

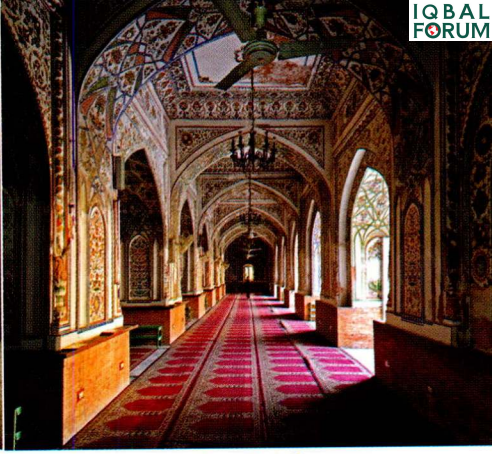
همی تاخت سهراب چون پیل مست — کمندی به بازو کمانی به دست
همی ماند رستم از او در شگفت — زپیکارش اندازه‌ها برگرفت...

نقّال حکایت رستم و سهراب را روایت می‌کند و مسافران دیگرحتی پلک نمی‌زنند! حکایت جادوی این بازار رفته رفته شهرتی جهانی برای پیشاور به ارمغان آورد و مردم دنیای کهن نیزشهر پیشاور را به شب‌های بازار قصه‌خوانی آن شناختند بازاری که فردوسی و شاهنامه‌اش را دل شبه‌قاره زنده نگاه داشت.

اگرچه این روزها در بازار قصه‌خوانی دیگر قصه‌ای خوانده نمی‌شود ولی در و دیوار این بازار همانی است که روزگاری شاهد حماسه‌سرایی نقالان بود دیگرپیشاور چون گذشته تجار و



تصویری هنری از مسجد مهابت خان



فضای داخلی و معماری زیبای مسجد مهابت خان

مسافران خسته را افسون شب‌های خود نمی‌کند ولی اصالت خود را هنوز هم حفظ کرده است. اقوام پشتو زبان این روزها بزرگ‌ترین چاپ‌خانه کتب فارسی خارج از ایران و افغانستان را در دل بازار قصه‌خوانی فعال نگه‌داشته‌اند و اگرچه چون گذشته این بازار میعادگاه مسافران نیست ولی هنوز هم نبض فرهنگ و پیشینه تاریخی پیشاور را در دست خود دارد.

سیرشبانه در کوچه‌های پیشاور قدیم، چشم‌ها را سنگین‌تر می‌کند و خواب را در کنار جریان خروشان و خموش رود کابل عمیق‌تر، صبحی در راه است و سیری دیگر...

- **مسجد مهابت خان، و مناره‌های محبت**

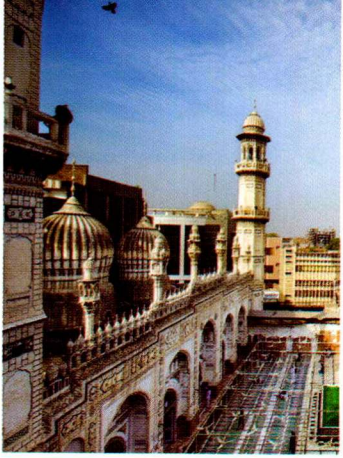
در گوشه‌ای دنج از شهر قدیمی پیشاور و بربالای ارتفاعی مسجدی سفید رنگ خودنمایی می‌کند که معماری زیبای آن پیش از هر چیز برای مسافرانی که مسجد پادشاهی لاهور را به چشم دیده‌اند آشنا می‌آید. برای آنان که به هر دلیل مسافر لاهور نشده‌اند دیدن مسجد مهابت‌خان حکم دیدن شکوه مسجد پادشاهی را خواهد داشت. در این‌که چرا نام مهابت‌خان برای آن انتخاب شده است نقل می‌کنند که حاکم پیشاور در زمانی که اورنگزیب پادشاه مغول بر سراسر شبه‌قاره اریکه قدرت گستراند فردی به نام «محبت خان» بود که اقدام به ساخت این مسجد زیبا کرد.

پس از پایان ساخت مسجد در سال ۱۶۸۰ میلادی[1] نام محبت خان برروی مسجد قرار داده شد ولی عده‌ای دیگر نیز معتقدند که نام حاکم پیشاور مهابت‌خان بوده و مسجد را نیز چنین می‌خوانند. درهرصورت اینک بنایی بی‌نظیر با نقش و نگاره‌های اسلامی و سبک ساخت مغولی پیش چشمان بینندگانی است که قصد بازدید از مسجد مهابت‌خان را دارند.

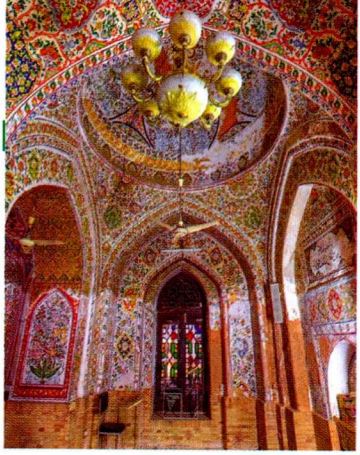
به نظر می‌رسد نقشه ساخت این مسجد الگوبرداری کاملا دقیقی از مسجد پادشاهی لاهور است چرا که صحن مسجد دارای حوض آب بزرگی است و در اطراف آن نیز حجره‌هایی به

۱- در برخی منابع تاریخی سال پایان ساخت مسجد ۱۶۳۰ ذکر شده است.

IQBAL FORUM



منار ها و گنبد زیبای مسجد مهابت خان در پیشاور



معماری باشکوه مغول که در کاشی کاری های مسجد هویداست

چشم می‌خورند که گاهی مَدرَس[1] بوده‌اند و گاهی محلی برای اعتکاف عابدان، شبستان اصلی مسجد روبروی درب ورودی قرار دارد و نمازگزاران برای انجام فرضیه روزانه به این قسمت مراجعه می‌کنند.

با ورود به محوطه شبستان اصلی می‌توان فروغ هنراسلامی را در تجلی زیبایی‌های گوشه و کنار مسجد به تماشا نشست، گچ‌کاری‌های زیبایی که آمیخته از دو رنگ قرمز و سفید است تا سقف مسجد ادامه پیدا کرده و هنرمندان آن عصربدون داشتن ابزار و تجهیزات زیاد ۱۰ سال تمام وقت صرف کرده‌اند تا مسجدی شایسته و زیبا بسازند.

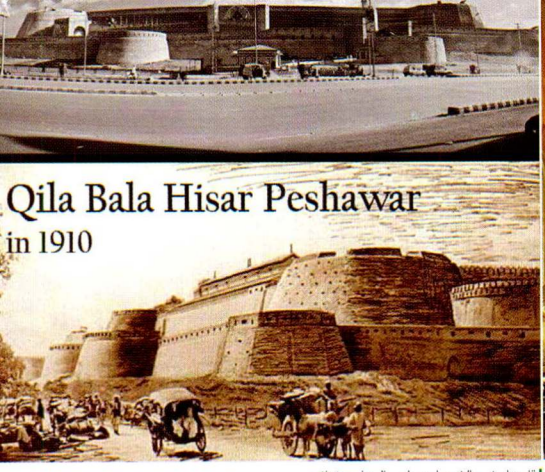
این مسجد زیبا در دوران بعد از مغول (گورکانیان) نیز مورد استفاده حکام پیشاور قرار می‌گرفت، سیک‌مذهب‌ها از مناره آن به عنوان زندان استفاده کردند! و در دوران جنگ افغانستان هزاران مهاجربرای زندگی به این مسجد پناه آوردند.

علی‌رغم این‌که منطقه خیبرپختونخوا برروی کمربند زلزله خیزواقع شده و حوادث تلخی را تجربه کرده است ولی مسجد مهابت خان با اقتدار از گزند حوادث در امان مانده و هنوز هم شکوه سال‌های دور خود را حفظ کرده است. برای محققانی که قصد بررسی و پژوهش در تاریخ پر رمز و راز دوران مغول و گورکانیان هند را دارند این گونه بناها کتاب‌های پر محتوایی است که بسیاری از رویش‌ها و پویش‌های عصر خود را فریاد می‌زند. ساکنان قدیمی پیشاور هنوز هم صدای موذنان گذشته را به خاطر می‌آورند که روزانه ۵ بار از پیچ و خم مناره‌های مسجد مهابت‌خان بالا رفته و با صدای رسا مردم را برای ادای فریضه به سوی مسجد می‌خواندند.

بی‌شک مرور این خاطرات که هیچ‌گاه به چشم ندیده‌ایم، حال و هوای سفرمان را لذت بخش می‌کند تا در ادامه از پله‌های مسجد زیبای مهابت خان پائین آمده و راهی تخت بالا حصار شویم، خانه جواهرات گران‌بها.

۱- مدرس یا درس‌گاه اصطلاحی است که برای کلاس‌های علوم دینی استفاده می‌شود.

IQBAL FORUM





الماس کوه نور که بر روی تاج ملکه انگلیس قرار دارد روزگاری در خزانه قلعه بالاحصار منزل داشته است | قلعه تاریخی بالا حصار در طی سال های مختلف

- **قلعه بالا حصار؛ خانه الماس کوه نور**

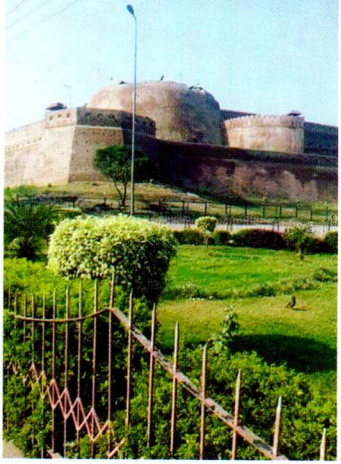
گذر زمان بارها کمراز تاریخ پیشاور شکسته و بارها تاج اقتدار برسرآن گذاشته، پیشاور زیر چکمه چنگیزخان مغول خون گریه کرده و دوران شکوه گورکانیان هند را به چشم دیده ولی هربار پادشاهی قصد سلطنت براین سرزمین را داشته مجبور شده گام به سوی دژ با شکوه بالاحصار بگذارد و با تصرف آن ادعای خود را اثبات کند. از مسجد مهابت خان تا قلعه بالا حصار که برفراز تپه‌ای بنا نهاده شده است فاصله ناچیزی وجود دارد. و با گذر از چند کوچه و خیابان می‌توانیم قلعه زیبایی را مشاهده کنیم که اینک یکی از دو مقراصلی سازمان حفاظت مرزی پاکستان است.

ارتفاع دیواره‌های این قلعه با شکوه ۲۷ متراست و بارها تخریب و تعمیررا در طول ادوار تاریخ تجربه کرده است، اگرچه نام قلعه به زبان فارسی انتخاب شده و نشان از حکام فارسی زبانی دارد که بنای فعلی را ساخته‌اند ولی نخستین بار در قرن ششم میلادی یک چینی از وجود قلعه‌ای در همین مکان خبرداده است. دلیل این‌که حکام بعدی پیشاور نیزتصمیم گرفتند قلعه‌ها و دژهای خود را در مکان فعلی بالاحصار بسازند این است که از روی این ارتفاع می‌توان به تمام دره خیبرو شهرپیشاور اشراف داشت.

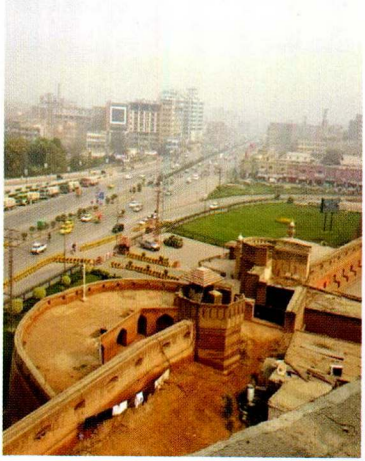
بنای فعلی قلعه در دوران امپراتوری درّانی یعنی قرن هفدهم میلادی ساخته شده و پس از زوال قدرت آنان توسط سیک مذهب‌ها یک‌بار بازسازی شده است. آجرهای سرخ رنگی که در ساخت این حصار زیبا به کار برده شده آن را از دور قابل تشخیص می‌کند، دلیل اصلی تخریب و تعمیرهای فراوان این قلعه تلاش اشغال‌گران برای فتح آن و سپس صرف هزینه‌های بسیار توسط آنان برای باشکوه‌ترکردن قصرشان بوده است. آخرین ساخت و ساز در قلعه مربوط به دیوار جنوبی آن است که در جریان زلزله سال ۲۰۱۵ تخریب شد و سپس توسط دولت ایالتی بازسازی شد.

بالا حصار آخرین منزل‌گاه امن الماس مشهور کوه‌نور در مشرق زمین است، الماسی که حکایت کشف آن هیچ‌گاه به درستی مشخص نشد ولی از سال ۱۶۵۶ میلادی وارد کتب

IQBAL FORUM



نمای زیبایی از قلعه بالا حصار

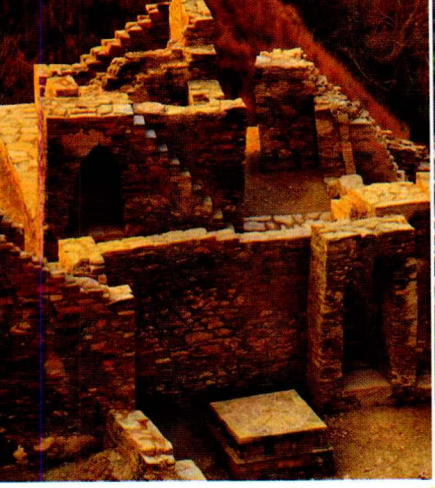


قلعه بالا حصار روزگاری محل نگهداری الماس کوه نور بوده است

تاریخی شده است. نقل است پس از آن‌که در سال ۱۷۳۹ نادر شاه افشار هند را تصرف کرد چشمش به این الماس درخشان افتاد که بر تاج پادشاه هند می‌درخشد بی‌درنگ فریاد زد: این کوهی از نور است و از آن زمان نام کوه نور بر روی این الماس باقی ماند. پس از مرگ نادرشاه پادشاهان سلسله درانی این الماس را به قلعه بالاحصار منتقل کردند و تا زمان شکست از مهارجه راجیت سینگ از آن حفاظت کردند، الماس کوه نور در سال ۱۸۷۷ توسط کمپانی هند شرقی به ملکه انگلیس هدیه شد و سال‌ها زینت تاج ملکه انگلیس بود. اینک علی‌رغم این‌که کشورهایی چون ایران، پاکستان، هند و افغانستان مدعی مالکیت این الماس هستند ولی کوه نور در گوشه‌ای از موزه انگلیس روزگار می‌گذراند.

با ورود به قلعه بالا حصار می‌توان تمام پیشاور را از روی برج‌های دیده‌بانی آن مشاهده کرد، مانند سایر قلعه‌های تاریخی این دژ نیز در کنار رود قرار دارد دلیل آن هم واضح است نیروهای مدافع دژ حین دفاع می‌توانستند از قدرت آب بهره بگیرند. با گذر از دیواره‌های قلعه می‌توان به فضای زیبا و سرسبزی رسید که محوطه داخلی آن را تشکیل می‌دهد و محلی برای تفریح و خوش‌گذرانی حکام سرمست از قدرت بوده است. از آنجا که بالا حصار اینک استفاده نظامی نیز دارد تنها در ساعات محدودی درب آن به روی بازدیدکنندگان باز می‌شود و آن‌ها می‌توانند از این میراث گران‌بهای تاریخی دیدن کنند. قسمت قدیمی شهر پیشاور عجایب دیگری نیز در خود نهفته که می‌تواند بخش‌های بعدی سفرمان باشد. اینک اما برای بازدید از مجموعه‌ای ۲۱۰۰ ساله راهی ۸۰ کیلومتری شمال پیشاور خواهیم شد.

IQBAL FORUM





تخت باهی مجموعه ای زیبا و تاریخی که در عظمت تمدن های گذشته دره خیبرپختونخوا را به خوبی نشان می دهد | نمای درونی مجموعه تخت باهی

- **تخت باهی؛ گنجینه ای بر بام پیشاور**

سراسر خیبرپختونخوا، پنجاب و سند از دوران باشکوه پادشاهی هندو مذهبان بر شبه‌قاره داستان‌ها روایت می‌کنند ولی برخی نقاط در دل خود نقش و نگارهایی را حفظ کرده‌اند که بشر این زمان را نیز مبهوت تلاش و کوشش نیاکان خود می‌کند. مجموعه زیبای تخت باهی (که گاه آن را بهایی) می‌خوانند در هشتاد کیلومتری شمال شرقی پیشاور واقع شده، و سنگ‌های باقی مانده از ساختمان‌های زیبای آن نشان دهنده تمدن بزرگی است که ۲ هزار و ۱۰۰ پیش در کنار رود سوات به وجود آمده بود.

برای رسیدن به این شهر تاریخی که بر فراز کوه‌های سرسبز دامن گسترانده باید خلاف جهت حرکت رود سوات حدود یک ساعت راه بپیمائیم، و سپس تخت‌باهی را در دل کوه‌ها بیابیم، مردم محلی می‌گویند نام این مکان به زبان فارسی است ولی یافتن معنای «باهی» کار چندان ساده‌ای نیست. اگر واژه بهای را درست بدانیم می‌توانیم در لغت نامه دهخدا معنای «گران بها» را برای آن بیابیم به این ترتیب پادشاهان کهن نام گران بها را برای این دژ زیبا انتخاب کرده بودند.

این اثر بی‌نظیر در فهرست آثار تاریخی یونسکو نیز به ثبت رسیده است و هزاران سال محل سکونت و زندگی پادشاه منطقه خیبرپختونخوا امروزی تلقی می‌شده است. این شهرک سنگی بر روی ارتفاع یک کوه قرار گرفته و از کناره آن یکی از انشعابات رود سوات می‌گذرد که باعث شده تا در دره‌های اطراف آن در کشاورزی و زراعت رونقی بی‌حد و حصر داشته باشد.

غالب گردش‌گرانی که به این بنای باشکوه قدم می‌گذارند را مورخان و محققانی تشکیل می‌دهند که بررسی آثار گذشته و مطالعه روی آن بخشی از شغل آنان است. وجود عبادت‌گاه‌های مختلف، صومعه، صحن‌های وسیع، و مجسمه‌های بزرگ که با نقش و نگار زیبا تزئین شده بود باعث شهرت جهانی مجموعه تخت بهایی شده است.

اولین باری که به صورت جدی به قدمت تاریخی این مکان توجه شد در سال ۱۸۳۶ و توسط

IQBAL FORUM



تخت باهی بر فراز کوهی بنا نهاده شده که بر تمام منطقه اشراف کامل دارد



نمای درونی مجموعه تخت باهی

یک فرد فرانسوی بود، او متوجه عظمت تاریخی و قدمت کهن این شهرشد و سپس در نوشته‌های خود عنوان کرد: این مجموعه عظیم مدت‌ها پایتخت حکومت راجا بوده است. حکام آن دوران تلاش فراوانی برای آبادانی و ساخت و ساز تخت باهی کرده و در ساخت آن از سنگ‌های محکمی استفاده کردند که نحوه انتقال آنها به ارتفاع کوه هنوز هم جزو معماهای حل نشده این مکان است همین کار باعث شده تا علی‌رغم گذر زمان و آسیب‌هایی که به آن رسیده است ولی بازهم بنای اصلی تخت باهی سالم بماند.

گفته می‌شود در گذشته‌های دور این مجموعه دارای یک مرکز علمی بزرگ نیز بوده است که دانشگاهی عظیم به حساب می‌آمده و علاقه‌مندان به علم و فرهنگ برای کسب علم به آن جا سفر می‌کردند. درس‌هایی که در و دیوار تخت باهی شنیده‌اند اینک عبرتی است که برای بشر دنیا زده روایت می‌کنند و می‌سرایند« دریاب کنون که نعمتت هست به دست ...کین دولت و ملک می رود دست به دست».

- **آخرین فصل از سفر به پیشاور**

شهر گل‌های زیبا و افسانه‌های کهن چند روزی میزبان‌مان بود و داشته‌های تاریخی و طبیعی خود را ارزانی قدم‌هایمان کرد اینک اما آخرین برگ از سفرخود در این شهررا نیزبرصفحه زمان خواهیم نگاشت تا شیرینی خاطراتمان سوغاتی شود برای عزیزانمان. حرف از سوغات که می‌شود بازار خیبردر محوطه قدیمی شهرپیشاور گردن راست می‌کند تا پیش از دیگرمدعیان خود را نشان دهد و این جایی است که ما برای خرید سوغات قدم به آن خواهیم گذاشت. بازاری که به چند بخش مجزا تقسیم می‌شود:

- **بازار چترالی؛ همه چیزاز همه جا**

خیبرپختونخواسرزمین فرهنگ‌ها و باورها است که در آئینه زمان میزبان ده‌ها تمدن بوده و اینک از هر دوره‌ای یادگاری در سینه دارد، هنردست مردم این سامان شهرتی ملی دارد و هرکس در عمرش فرصت سفربه این ایالت راپیدا کند فرصت خرید سوغات و صنایع دستی آن را از دست نخواهد داد.

IQBAL FORUM

«چترالی بازار» شهر فرنگی است درون بازار بزرگ خیبر که تمام سوغات خیبرپختونخوا و پیشاور در آن عرضه می‌شود و با اندک تلاشی می‌توان کوله باری از مرغوب‌ترین صنایع دستی این شهر و ایالت را به یادگار برد.

تن‌پوش‌های پیشاور: بدون شک یکی از بهترین تولیدات پیشاور که به نوعی معرف فرهنگ این سرزمین و باور مردم آن است را می‌توان کلاه پیشاوری دانست. این کلاه که پاکُل نامیده می‌شود در بازار چترالی به وفور یافت می‌شود و می‌توان این سرپوش‌های نمدی یا پشمی را به سادگی از این بازار خرید.

برای تطبیق رنگ پیراهن با این کلاه‌ها نیز نباید نگران بود، ژاکت‌های پیشاوری نیز در همان مغازه ها یافت می‌شوند و می‌توان با خرید این ژاکت‌ها از سرمای زمستان در امان ماند. مردم پیشاور حتی به فکر کفش و صندلی که مناسب سرزمین‌شان باشد نیز بوده‌اند و اینک در هر جای پاکستان به خصوص بازار چترالی به سادگی می‌توان صندل‌های پیشاوری که طرح آن کاملا منحصربه فرد است را یافت. این صندل‌ها از چرم مرغوب ساخته می‌شوند و به دلیل دست دوز بودن مقاومت بسیار خوبی دارند.

ظروف مسی و برنجی: معدن بسیاری از فلزات و عناصر در پاکستان موجود است و همین باعث شده تا پیشینیان این مرز و بوم در زمینه ساخت ظروف مسی و برنجی نیز خبره شده و سینه به سینه هنرشان را به نسل فعلی منتقل کنند. گزافه نگفته‌ایم اگر ادعا کنیم که علاوه بر جنس، طرح این ظروف نیز ویژگی‌های منحصربه فرد خود را دارد. از سماور گرفته تا گلاب پاش، از سینی گرفته تا شمعدانی همه و همه در بازار چترالی یافت می‌شود و می‌تواند سال‌های سال ماندگاری داشته باشد.

ظروف سفالی: طبیعت خنک و گاه گرم پیشاور نیاکان مردم این شهر را وا داشت تا هنر ساخت ظروف سفالی را نیز بیاموزند و قرن‌ها با استفاده از کوزه‌های سفالین آب را گواراتر بنوشند. اینک ظروف سفالی در پیشاور و به خصوص بازار چترالی به وفور یافت می‌شود و در هر سوی این بازار می‌توان هنرمندی را به نظاره نشست که عاشقانه دستانش را بر گوشه و کنار سفال دوّار می‌گرداند و به آن شکل و طرح می‌دهد تا ظرفی زیبا خلق کند.

شال پیشاوری: در بازار چترالی شال‌های زیبایی نیز به چشم می‌آیند که هرچند تمام آن‌ها پیشاوری نیستند ولی در پیشاور گردهم آورده شده‌اند. هنرمندانی از سوات و دیره اسماعیل خان ساعت‌ها زمان صرف بافت پارچه این شال‌ها می‌کنند تا کاری با کیفیت منحصربه فرد را بدون بهره گرفتن از مواد شیمیایی تهیه کرده و به علاقه‌مندان عرضه کنند. این شال‌ها بر خلاف ظاهرشان بسیار نرم و انعطاف پذیر هستند و تنوع رنگ بی‌نظیری نیز دارند.

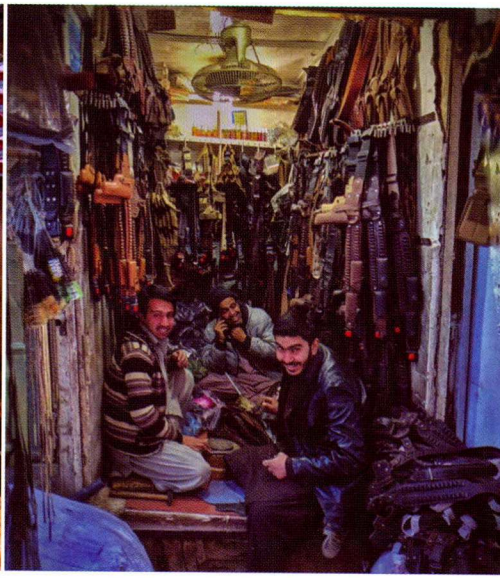
گشت و گذار در این بازار را اگر ادامه دهیم در چند قدمی خود «نمک مَندی» مشهور پیشاور را خواهیم دید جایی که انواع غذاهای محلی و ملی در آن طبخ می‌شود و بدون شک مشهورترین بازار غذای شمال غرب پاکستان است.



زنان پیشاوری در حال آماده کردن لباس های زیبای محلی



یک عطاری در حال فروش محصولات ارگانیک در بازار چترالی



یک فروشگاه سنتی فروش لوازم چرم در بازار چترالی



یک قنادی سنتی در بازار چترالی و فروش شیرینی های مشهور پاکستانی

IQBAL FORUM

- **نمک مندی؛ گنجینه غذاهای سنتی پختون ها**

بسیاری از شهرهای بزرگ پاکستان دارای خیابان های غذا هستند و صدها رستوران در آن ها فعالیت می کنند تا بهترین های خود را به مشتریان عرضه کنند ولی حکایت نمک مندی پیشاور به هیچ کجا نمی ماند.

صبح زود در این بازار جمعیت لبریز است و ظهر نیز همین طور برای شب نیز چیزی جز این را نمی توان دید دلیل این توجه ویژه نیز تنوع بسیار زیاد مغازه هایی است که در نمک مندی وجود دارند. بیرون از مغازه ها معمولا اجاق های آجری قرار داده می شوند که تابه های بسیار بزرگی روی آن گذاشته شده، صبح زود این تابه ها با گرمای خود نان های مشهور پاکستانی یعنی «پراتَه» را می پزند و از ظهر تا شب چَپلی کباب های مشهور پیشاور را.

ما نیز چون دیگران قصد داریم طعم چَپلی کباب پیشاوری را بچشیم و برای این کار جایی مناسب تر از نمک مندی نخواهیم یافت، برخی از آشپزان قدیمی این بازار معتقدند به این دلیل نام نمک برای آن انتخاب شده که ادویه به کار رفته در تمام غذاها است ولی در هر حال مردم برای خرید از مغازه های این بازار صف می کشند تا از چشیدن طعم بی نظیر غذاها لذت ببرند.

چپلی کباب نوعی شامی گوشت است که با استفاده از گوشت چرخ کرده، تخم مرغ، ادویه جات نسبتا تند و پیاز درست می شود. وقتی قالب کباب توسط آشپزآماده می شود او با سیخی پهن مشغول جابه جا کردن کباب در تابه بزرگ پیش روی خود می شود تابه ای که گاه مورب قرار داده می شود تا کباب ها پس از آماده شدن به گوشه تابه هدایت شوند و روغن از آن ها خارج شود.

همراه با این چپلی کباب داخل مغازه نان تازه پخت می شود و مشتریان می توانند نوعی «نان داغ و کباب داغ» را هم زمان میل کنند. اگرچه این کباب خوش طعم روزگاری فقط در پیشاور یافت می شد ولی این روزها در تمام پاکستان می توان چپلی کباب را دید غذایی که هنوز هم نماد شهر پیشاور است.

ارتباط زیاد مردم مهاجر افغانستان با پیشاوری ها باعث شده تا رستوران هایی که غذاهای افغانستانی طبخ می کنند نیز به وفور در پیشاور و حتی نمک مندی یافت شوند. مشهورترین غذای افغانستان یعنی کابلی پلو(قابُلی پلو) را نیز می توان در نمک مندی چشید. حتی اگر فرصت گشت و گذاری کوتاه در داخل برخی کوچه های این بازار را داشته باشیم فالوده ایرانی را نیز می بینیم که به عنوان دسر فروخته می شود.

چراغ مغازه های نمک مندی تا پاسی از شب روشن است و سپس آرام آرام ستارگان جایگزین نور آن ها می شوند تا شهر قدری چشم بر هم گذاشته و سکوت را مزه کند، شهری که صبح گاهان دیگر میزبان ما نخواهد بود و چشمانش مسافران دیار بلوچستان را بدرقه خواهند کرد.



بادام زمینی در پاکستان طرفداران بسیاری دارد



تمامی غذاهای محبوب پاکستانی را می توان در نمک مندی پیشاور یافت



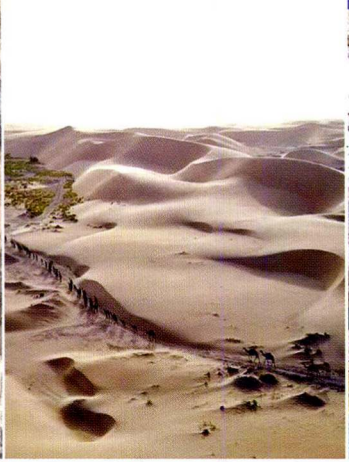
طبخ نان روغنی مشهور پاکستان (پراته) در نمک مندی



در نمک مندی رستوران ها و کبابی ها از مواد غذایی تازه استفاده می کنند

IQBAL FORUM







در دل بیابانهای بلوچستان مناطق بکر و زیبای وجود دارند که چشمها را خیره می کنند

نان تنوری بلوچستانی ها شهرت بسیاری دارد

- **پیش به سوی سرزمین دریا دلان بلوچ**

سفر به خیبرپختونخوا نیز با تمام زیبایی ها و جاذبه هایش به پایان رسید و اینک نیمه شمالی پاکستان را ترک می کنیم تا زیبایی های جنوب آن را ببینیم، در شمال ملک خداداد، کوه و دشت دیدیم و جنگل، رود دیدیم و آبشار و اینک سینه تفتیده دو ایالت بزرگ جنوبی در انتظار ماست تا نشان دهد که تمام زیبایی ها به سبزی چمن زار و سرخی گل های آن نیست. دشت و کویر نیز آسمانی دارند که چلچراغ های فروزانش دل از هر مسافری می رباید و نمک گیر جلوه های بی نظیرش می نماید.

خیبرپختونخوا ۱۲۰۰ کیلومتر از مرز مشترک پاکستان و افغانستان را در برگرفته و ۱۴۰۰ کیلومتر نیز سهم بلوچستان است، این سرزمین صبور و آرام ۹۰۴ کیلومتر با ایران اسلامی مرز مشترک دارد و جنوب آن به سواحل نیلگون دریای عمان می رسد. بیابان بخش عمده ای از خاک بلوچستان را در آغوش کشیده است با این حال مرزنشینی رسم میهمان نوازی و دریا دلی را به ساکنان آن آموخته است.

از پیشاور تا شهر کویته مرکز ایالت بلوچستان ۸۴۰ کیلومتر راه در پیش خواهیم داشت مسیری که کم و بیش به موازات جریان خروشان سند مقدس راه خود را در بیابان های بلوچستان می گشاید و به سینه بی قرار شهر کویته ختم می شود. شهری که تاریخ آن به دو بخش تقسیم می شود پیش از زلزله سال ۱۹۳۵ و پس از آن. زلزله شدید ۷ ریشتری که حیات را در بزرگ ترین شهر ایالت بلوچستان زمین گیر کرد و ۴۰ هزار نفر را با مرگ هم آغوش. شهر در عرض چند دقیقه به تلّی از خاک مبدل شد و سپس تا مدت ها سکوت در ویرانه های آن لانه کرد.

کویته اما بازهم روی پای خود ایستاد و به خصوص پس از آغاز تنش در افغانستان و ورود سیل مهاجرین به شهر کویته، این شهر آغوش پر مهرش را به روی جمعیتی که متحیر بودند و گرد غربت بر روی چهره آنان دیده می شد، باز کرد. اینک زبان فارسی در شهر کویته که میزبان مهاجران افغانستانی است چندان بیگانه تلقی نمی شود و عبور کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان از این دیار نیز بر رونق اقتصادی آن افزوده است.

IQBAL FORUM



مرکز ایالت بلوچستان شهر کویته است که بازارهای زیبا و پر رونقی دارد



رقص و پایکوبی مردم کویته در یک جشن محلی

- **کویته؛ شهر فرنگ فرهنگ‌ها**

مرکز ایالت بلوچستان تاریخی ۵ هزار ساله دارد و قرار گرفتنش در مسیر کاروان‌هایی که از ایران و افغانستان راه به سوی شبه‌قاره می‌پیمودند باعث شده تا اهمیت تجاری آن در منطقه غرب و جنوب غرب پاکستان کاملا به چشم بیاید. کویته پناه‌گاه مردمان هزاره است و سرزمین دریا دلان بلوچ، مردم پاکستان بلوچستان و کویته را به بازار هفت رنگ و غذاهای مشهورش می‌شناسند. از این رو بسیاری که عزم سفر به این شهر را می‌کنند و آب و هوای خشکش را به جان می‌خرند سیر در بازارها و رستوران‌های آن را تجربه‌ای مثال زدنی روایت می‌کنند.

کویته در زبان ملی به نام قلعه و دژ است، شاید علت نام‌گذاری آن نیز این باشد که در محاصره کوه‌های اطراف قرار دارد، این شهر به گواهی کتیبه‌های موجود در نقش رستم استان فارس در زمان ساسانیان جزو قلمرو ایران محسوب می‌شد و پس از آن نیز توسط پادشاهانی نظیر محمود غزنوی فتح شد. علی‌رغم بیابانی بودن شهر کویته می‌توان در تاریخ و فرهنگ این شهر سیری دلچسب داشت و از تولیدات هنرمندان آن بهره برد.

- **کفشی برای تمام عمر**

مردم پاکستان می‌گویند اگر روزی کفشی از کویته بخرید پایان عمر آن فرا نمی‌رسد تا زمانی که پایان عمر شما فرا برسد یا کفش گم شود. در بازارهای کویته مغازه‌های کوچک و بزرگ فراوانی را مشاهده می‌کنیم که کارگران در آن به دقت مشغول ساخت کفش و صندل‌های چرمی هستند.

کویته غربی‌ترین شهر بزرگ پاکستان است که می‌توان محصولات چرمی بی‌نظیر این کشور را در آن یافته و از بازار آن تهیه کرد بسیاری از مسافرانی که قدم به کویته می گذارند خرید کفش یا صندل را از مهم‌ترین برنامه های سفر خود به این شهر می‌دانند.

این کفش‌ها و صندل‌ها طراحی خاص خود را دارند و به سادگی با دیدن آن‌ها می‌توان تشخیص داد که توسط صنعت‌گران شهر کویته تهیه شده‌اند. عامل اصلی مرغوبیت تولیدات شهر کویته کیفیت بالای چرمی است که مورد استفاده مردم قرار می‌گیرد. نمونه‌هایی از بازارهای دوخت کفش را می‌توان در خیابان مشهور علمدار شهر کویته یافت.

IQBAL FORUM

- **غذاهایی با برند کویته**

مهاجرت اقوام متعدد از جمله هزاره ها به شهر کویته باعث شده تا سفره غذایی این شهر طعم و رنگ بی‌مثالی داشته باشد، غذاهای کویته چنان شهرتی یافته‌اند که در بسیاری از شهرهای پاکستان می‌توان رستوران‌هایی یافت که نام آن‌ها «رستوران غذاهای کویته» است. دستور پخت برخی غذاهای این شهر آنقدر منحصربه فرد هستند که الگوگرفتن از آن نیزنیاز به زمان بسیار دارد. دو نمونه از این غذاهایی که شهرت آن بیش از سایرغذاهای کویته است را می‌توانیم در همه رستوران های این شهربینیم.

- **سَجّی کباب**

معماری خاصِ ساخت رستوران‌های شهرکویته (و اغلب نقاط پاکستان) به گونه‌ای است که بخشی از رستوران بیرون درب آن قرار دارد و غذاهای خاصی نیزتوسط آشپزپیش روی مردم طبخ می‌شود، سجی کباب از جمله غذاهایی است که پخت آن ساعت‌ها زمان می‌برد و بیشترآشپزها نیزترجیح می‌دهند آن را پیش روی عموم مردم رونمایی کنند.

برای تهیه این کباب خوشمزه، مرغ را با ادویه مخلوط می‌کنند، سپس آن را به سیخ‌های چوبی قطوری که مخصوص سجی کباب است کشیده و روی تنوری ویژه قرار می‌دهند، در حلقه مرکزی این تنور چوب و دیگرمواد سوختنی قرار داده می‌شود سپس سیخ‌هایی که مرغ به آن کشیده شده است مانند عمود خیمه‌های قدیمی به هم تکیه داده می شوند. بسیاری از آشپزان این عمودها را به صوت صاف در اطراف تنور نصب می‌کنند.

برای جلوگیری از اتلاف گرما و پخته شدن گوشت اطراف تنور نیز توسط دیواره‌های فلزی بسته می‌شود آشپزطی مدت چند ساعتی که گوشت برای خوردن آماده می‌شود آن را به زوایای مختلف می‌گرداند تا تمام قسمت‌های گوشت کاملا مغزپخت شده و آماده خوردن شوند.

سیخ‌های این کباب منحصربه فرد معمولا از عصر روی تنور قرار داده می‌شود تا شب هنگام مشتریان بتوانند آن را میل کنند، جلوه شبانه باز کردن دیواره های اطراف تنور و تحویل سفارش به مشتریان بسیار زیباست و طعم استثنایی این کباب باعث می‌شود تا برخی مشتریان دقایق طولانی ایستادن در صف را برای آماده شدن سجی کباب محبوب‌شان تحمل کنند.

- **کَهدّی کباب کویته**

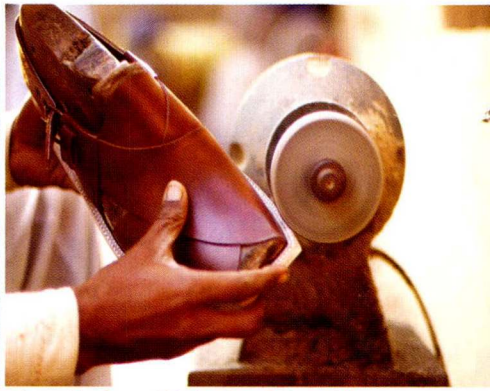
مردم کویته می‌گویند بوی «کهدّی کباب» می‌تواند مرده را زنده کند! اگر بتوان سجی کباب را در دیگر شهرهای پاکستان نیزیافت ولی کَهدی کباب در هیچ جا غیراز کویته یافت نمی‌شود.

برای تهیه این کباب بی‌نظیرگوسفند پس از ذبح شدن به دست آشپزسپرده می‌شود تا در مواد مخصوص قرار بگیرد.. این کار حداقل ۶ ساعت زمان می‌برد و سپس گوشت از اطراف به چوبک‌های قطوری کشیده می‌شود که نقش سیخ را ایفا می‌کنند.

تنور پخت کهدی کباب معمولا زیر زمین حفر می‌شود و لایه زیرین تنور از زغال پر می‌شود، هم‌زمان شکم گوسفند نیزبا مواد مختلف و برنج پُرشده و توسط آشپزدوخته می‌شود. سپس گوشت را به صورت ایستاده درون حفره قرار می‌دهندو روی آن را با یک ورقه فلزی می پوشانند.

در آخرین مرحله روی ورقه فلزی نیز زغال گداخته می‌ریزند تا حرارت از بالا و پائین به گوشت برسد و ظرف چند ساعت آن را به صورت کامل برشته نماید. پخت این کباب در گودال‌های مخصوص حداقل ۴ ساعت زمان می‌برد ولی پس از آماده شدن این کباب خوشمزه که در پخت آن از روغن مصنوعی استفاده نمی‌شود طعم و بویی بی‌نظیر به خود می‌گیرد.

این کباب را اکثرا در اعیاد و میهمانی‌های خاص استفاده می‌کنند و پس از پخته شدن آن را به صورت کامل سرسفره قرار می‌دهند تا حضار گوشت را میل نمایند. شهر کویته علاوه بر غذاهای خاص خود به فرهنگ و اعتقادات مردمش نیز شهرت دارد «جبل النور قرآن کریم» یکی از مکان‌هایی است که در اطراف کویته ساخته شده و اینک تصمیم داریم تا با آن آشنا شویم.



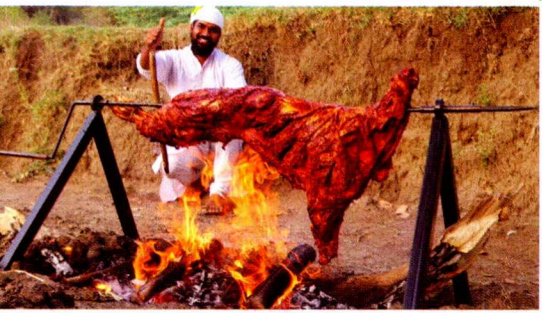
ساخت صندل و کفش در کویته از مواد اولیه مرغوب که سالها عمر می کنند



سجی کباب از غذاهای مشهور شهر کویته است



مرد بلوچ در حال طبخ کهدی کباب مشهور این منطقه

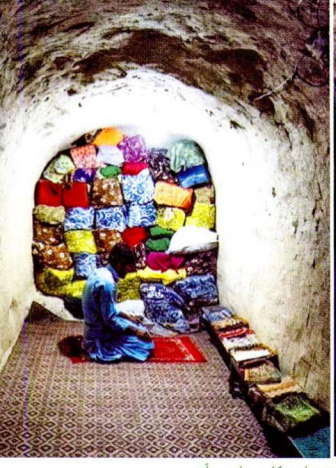


طبخ کباب محلی -کهدی کباب به روشهای مختلفی طبخ می شود

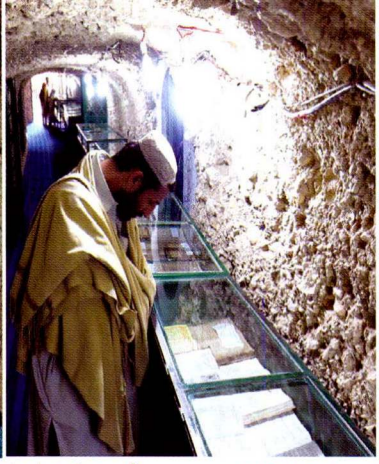




IQBAL FORUM



جبل النور قرآن کریم بزرگترین مرکز نگهداری کلام الله مجید



مردم شهر کویته برای عبادت به این مکان روحانی می‌آیند



- **جبل النور قرآن بزرگ‌ترین مرکز نگهداری کلام الله مجید**

جبل النور قرآن کریم در اطراف شهر کویته واقع شده و بزرگ‌ترین محل نگهداری قرآن درجهان است، این مرکز که از سال ۱۹۹۲ میلادی افتتاح شده، اینک محل نگهداری ۹ میلیون جلد کلام‌الله مجید است. کارکنان این مرکز که به صورت خود جوش توسط مردم اداره می‌شود تمامی قرآن‌های قدیمی و یا پاره‌شده و غیرقابل استفاده را جمع کرده و در صورتی که قابلیت ترمیم داشته باشند آن را ترمیم کرده و مجددا به مساجد باز می‌گرداند و اگر غیرقابل استفاده باشند با احترام آن را درون گونی‌هایی قرار داده و انبار می‌کنند.

کارمندان «کوه نور کویته» موفق می‌شوند سالانه بین ۱۵ تا ۲۰ هزار جلد کلام‌الله وحی را ترمیم و به مساجد بازگردانند. این کوه قرآنی در دل خود ۶۸ تونل دارد که ارتفاع آن‌ها حدود ۲ متر و عمق آن بیش از ۳۰ متر است. نکته جالب‌تر این‌که تمام تونل‌ها توسط مردم و بدون دخالت دستگاه‌های مکانیکی حفرشده‌اند. در ایام ماه مبارک رمضان افراد زیادی به این مکان آمده و حتی ساعت‌ها به عبادت و اقامه نماز می‌پردازند. به تازگی کوه نور کویته میزبان ۴۰۰ نسخه خطی قرآن کریم نیزشده و پوشش رسانه‌ای به آن شهرتی جهانی داده است. این امرباعث ارسال هزاران نسخه دیگر از کلام الله مجید به کوه نور شده است، مردم کویته وجود این کوه را برای خود پربرکت می‌دانند و در روزهای خاص سال رغبت زیادی برای حضور در این مکان و راز نیاز با خالق خود دارند.

- **زیارت، آخرین منزل‌گاه بینانگذار پاکستان**

کویر و بیابان آمیخته‌ای از سکوت پررمزو راز هستند و شاید ستارگان در حریرسیاه شب فانوس به دست‌تر از دیگر نقاط برسقف آن جلوه گر می‌شوند تا این مبهم را رمزبگشایند. گاه که در دل بیابانی گرم و تفتیده چشمه‌ای جوشان و خنک می‌یابیم که زندگی را از اعماق زمین به بیرون می‌جوشاند به معجزه کویرپی می‌بریم، زمانی این معجزه ابعادی وسیع‌تربه خود می‌گیرد و می‌توان در همسایگی بیابان‌های بی‌آب و علف و گرم، سرزمینی را چنان سرسبزو سرد یافت که گویا تافته‌ای است جدا بافته.

«زیارت» در دل بلوچستان بزرگ و پهناور چنین جایی است، مرواریدی در صدف بیابان، جواهری گران‌بها که درختان و چمن زارهایش رنگ سبززمردین به آن هدیه کرده است، مردم از دورونزدیک





زیارت منطقه ای خوش آب و هواست که بینانگذار پاکستان در آخرین روزهای عمرش ساکن آن بود | تصویر اقامتگاه زیارت روی اسکناس ۱۰۰ روپیه ای رایج کشور پاکستان

به سوی زیارت می‌آیند تا این معجزه طبیعی را در ۱۲۰ کیلومتری شمال شرق کویته به تماشا بنشینند. آن‌چه شهرت و اعتبار زیارت را دو چندان کرده این است که در روزگاری نه چندان دور «محمد علی جناح» بینان‌گذار پاکستان که گرفتار بیماری سل شده بود خانه‌ای ساده در این منطقه را آخرین منزل‌گاه خویش در این دنیا قرار داده و چند صباحی میهمان مردم منطقه زیارت شد.

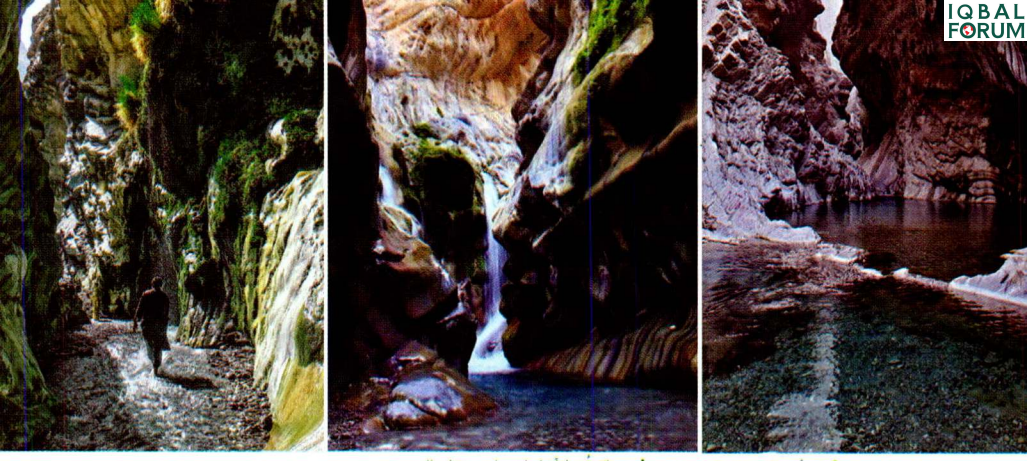
درختان چنار منطقه که خود نشان از زندگی و حیات در زیارت دارند نگاه‌های عمیق و درد آلود جناح را به خوبی در ذهن دارند، نگاه‌هایی که نگرانی از سرنوشت مردم و مسلمانان شبه‌قاره در آن موج می زد. به راستی سرنوشت چه تقدیری برای این مردم نوشته بود و تاریخ آبستن چه حوادثی بود؟ تنها یک سال از استقلال پاکستان می‌گذشت و این کودک نوپا بدون اتکا به دایه‌ای دلسوز توان حیات نداشت. این دغدغه‌ای بود که چون خوره بر جان محمد علی افتاده بود و حتی خواهرش فاطمه نیز نمی‌توانست در گوش او شعر آرامش زمزمه کند.

از قامت جناح زیر تازیانه گذر زمان پوست و استخوانی بر جای مانده بود که آن هم می‌رفت تا شیرازه خود را از دست بدهد، پزشکان از مدت‌ها قبل به او هشدار داده بودند که اگر استراحت نکند دفتر عمرش دوام چندانی نخواهد یافت و او بی‌مهابا جنگیده بود تا ملک خداداد را بر نقشه جهان نقش کند. اینک روزگار او را به جرم تلاش بی‌وقفه اش به مسلخ کشیده بود تا بی‌اعتنا به دفاعیاتش حکم پایانی را خوانده و آن را اجرا کند.

بینان‌گذار پاکستان با حالی زار و خسته به کمک عده‌ای از نزدیک‌ترین دوستانش قدم به ساختمانی در زیارت گذاشتند، مکانی که قرار بود پناه‌گاه روزهای پایانی عمر او باشد، جایی میان بیابان ولی تافته‌ای جدا بافته که نشانی از گرمای بیابان‌های تفتیده بلوچستان در آن دیده نمی‌شد. جناح به زیارت اعتبار و شهرت بخشید و زیارت نیز جناح را میهمان آرامش خود کرد. اینک بسیاری از مردم پاکستان مشتاقانه رو به سوی زیارت می‌آورند تا از دروازه مشهور زیارت عبور کرده و خود را به ساختمان سنگی و سبزرنگی برسانند که در آخرین روزهای عمر جناح او را در آغوش خود پناه داده بود. ساختمانی که مردم آن را «زیارت رزیدنسی» می‌خوانند.

این خانه ساده را تمام مردم پاکستان بر روی اسکناس‌های ۱۰۰ روپیه‌ای خود دیده‌اند و به همین دلیل علی‌رغم این‌که شاید برای اولین بار آن را مشاهده می‌کنند ولی احساس قرابت و نزدیکی با آن دارند. درب خانه جناح از ساعت ۱۰ صبح تا ۴ بعد از ظهر میزبان گردشگرانی است که هنوز

IQBAL FORUM



وقتی آب به کویر هم حیات می بخشد | در منطقه خُضدار آبشارهای زیبایی می توان یافت

هم در گوشه و کنار آن محمد علی جناح را جستجو می‌کنند و هم‌چون او به آسمان پرستاره زیارت خیره می‌مانند. این منطقه ۲۸۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد و سرسبزی آن باعث شده تا چون نگینی درخشان در تمام ایالت بلوچستان بدرخشد.

بی‌گمان گردشگرانی که قدم به بلوچستان می‌گذارند اهل بیابان‌گردی هستند و زبان کویر را بهتر از هر جای دیگری می‌شناسند به این دلیل قدم گذاشتن به زیارت برای آنان دوگانه‌ای از تفاوت‌های زیبا و دل‌نشین را رقم خواهد زد. اینک شمالی‌ترین نقطه بلوچستان را به سمت جنوبی‌ترین قسمت آن یعنی کرانه‌های دریای عمان ترک خواهیم کرد، هم‌پا و همراه....

- **خُضدار؛ مروارید صحرا**

از زیارت که مسیر جنوب را پیش بگیریم پس از طی ۳۰۰ کیلومتر وارد منطقه خُضدار می‌شویم که در میان کویر سر برافراشته و گرد سفر از چهره مسافران راه می‌زداید. در ورودی شهر به کاروان‌هایی از شتر برمی‌خوریم که از دور می‌توان تن پوش ویژه بلوچستانی را برقامتشان دید. شترانی که نه تنها به بافته‌های پشمین هفت رنگ آذین شده بلکه طرز آرایش پشم‌هایشان نیز در تمام جهان نظیری ندارد. هنرمندان محلی با ظرافت تمام آن‌چنان وقت صرف اصلاح این شترها کرده‌اند که در نگاه اول نگاره‌های چاپ شده روی یک فرش به نظر می‌آیند.

در ایام خاص سال به خصوص اعیادی چون عید قربان مردم این شهر آرایش زیبای شتران‌شان را به رخ هم می‌کشند و صدها نفر از مردم نیز خود را به این مجمع سالانه می‌رسانند تا از دیدن این هنرتماشایی لذت ببرند. از دیدن این شترها که فارغ شویم فرصتی خواهیم یافت تا به سوی رود زیبای «مولا چتوک» که در میان کوه‌ها جریان دارد و اعماق دره‌های آنان را سیراب می‌کند حرکت کنیم.

این رود چنان زلال و شفاف است که هر مسافری را ساعت‌ها محو خود می‌کند آب خنک و روشن آن طلیعه حیات را در دل بیابان دارد و بسیاری علاقه‌مند هستند در کنار این رود کمپ برپا کرده و روزها استراحت کنند. در این منطقه آبشارها و برکه‌های بسیاری نیز به چشم می‌خورند که سفر هر مسافری را رویایی‌تر می‌سازند. کوه‌هایی که این رودخانه کوچک را محاصره

IQBAL FORUM

کرده‌اند در طول سالیان دراز بر اثر بارش مداوم باران صیقل یافته‌اند و در فصل گرم سال گردش‌گرانی را می‌توان یافت که ساق‌های خود را بالا زده و هم‌پای رود حرکت می‌کنند تا خنکای آب را به بدن خود هدیه کنند.

پارک جنگلی بزرگ خُضدار دیگر گردش‌گاهی است که کانون توجهات مسافران این منطقه می‌شود و بسیاری راهی این مکان سرسبز می‌شوند تا حیات طبیعی بلوچستان را به چشم ببینند و لحظات سفر خود را جذاب‌تر کنند. سفری که از بیابان به جنگل رسیده و در ادامه راه به سوی دریا طی خواهد کرد. در طول سفرمان به کشور پاکستان ده‌ها رود کوچک و بزرگ دیدیم که همه بی‌وقفه به سوی جنوب می‌تاختند از سند خروشان گرفته تا راوی و سلتج و چناب اینک اما زمان آن رسیده که خود نیز تا مرز بی‌انتهای دریا پیش رویم جایی در جنوب بلوچستان.

- **گوادر؛ نبض حیات اقتصادی پاکستان**

در جنوبی‌ترین قسمت ایالت بلوچستان به نقطه آغاز بزرگ‌ترین پروژه اقتصادی تاریخ پاکستان می‌رسیم، مکانی که برای نخستین بار آغوش خود را به روی مسلمانان گشود تا قدم به خاک شبه‌قاره بگذارند. اینک اما گوادر نقطه‌ای است که نبض اقتصاد پاکستان را به دست گرفته و قرار است طی سال‌های آتی میزبان هزاران هزار تُن محموله تجاری شود که راه به سوی مشرق زمین طی می‌کنند از محموله‌های نفتی که به سمت چین و آسیای مرکزی می‌روند تا کالاهای رنگ به رنگ الکتریکی که از چین می‌آیند تا به آفریقا، غرب آسیا و شاید هم اروپا برسند.

گوادر تاریخی پر فراز و نشیب دارد و در کهن‌ترین مستندات به دست آمده از ورود اسکندر مقدونی به آن سخن گفته شده است در سال‌های بعد مغولان هند یا همان گورکانیان آن را به جنوبی‌ترین خطه سلطنت خویش مبدل ساختند. گوادر آخرین منطقه‌ای است که به نقشه کنونی پاکستان الحاق شده زیرا سال‌ها در ملکیت دولت عمان بود. یازده سال از استقلال پاکستان گذشته و عمان درگیر مشکلات اقتصادی شده بود، از این رو تصمیم داشت بندرگوادر را بفروشد مسئولین پاکستانی که منتظر چنین فرصتی بودند با پرداخت مبلغ هنگفت ۱۰ میلیون دلار این بندرگاه مهم را خریده و پازل نقشه کنونی را کامل کردند.

خط ساحلی گوادر که تکیه به دریای عمان دارد بدون شک زیباترین و زلال‌ترین امواج دریا را برسینه خود حس می‌کند، این بیکرانه نیلگون از ترکیب آبی آسمان و دریا خلق می‌شود و چشم‌ها را آرامش می بخشد، نام «گوادر» از دو بخش تشکیل شده است؛ «گوا» به معنای نسیم و «در» که واژه‌ای فارسی است. دلیل این نام‌گذاری نسیم فرح بخشی است که از دل دریای عمان می‌وزد و ساکنان گوادر و گردشگرانش را نوازش می‌دهد. این نسیم دل‌نواز هوای گرم منطقه را چنان دل‌پذیر می‌کند که بسیاری از ساکنان مناطق دور و نزدیک در فصل گرم سال میهمان گوادر می‌شوند.

IQBAL FORUM

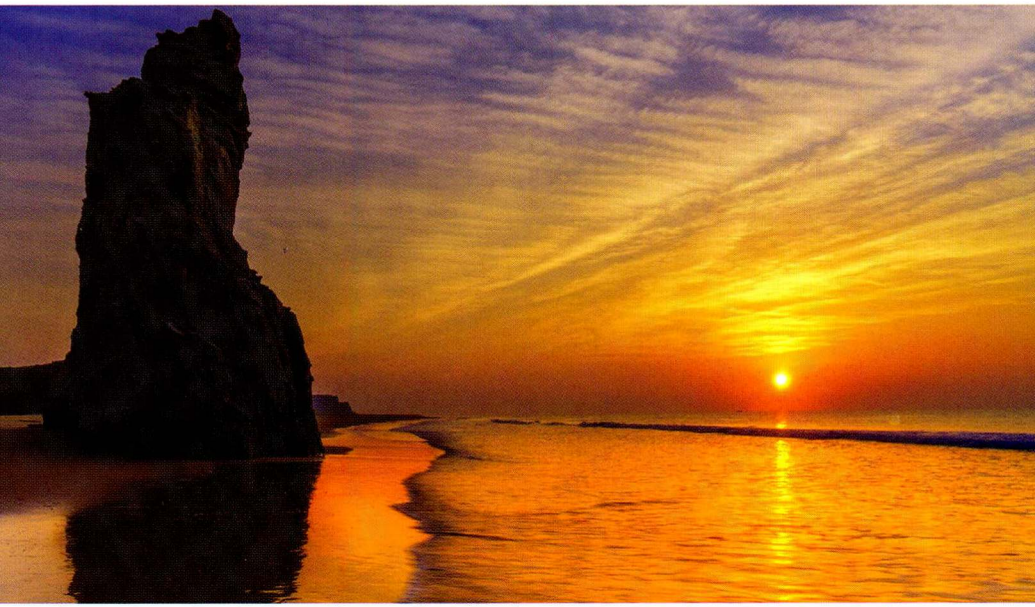
نقل است مردم در زمان داوود نبی«ص» از ترس مرگ و قحطی به گوادر پناه آوردند، یا تاریخ روایت می‌کند که در زمان کاووس و افراسیاب گوادر بخشی از قلمرو ایران زمین بوده است. به هر روی از دیرباز آب‌های عمیق گوادر که ظرفیت و استعداد تبدیل شدن به یکی از بزرگ‌ترین بندرگاه‌های جهان را دارد مورد توجه پادشاهان قرار داشته است.اکثر مردم این سامان ماهی‌گیرهستند و این گونه از مخلوقات خداوند به گوادر و ساکنانش زندگی را هدیه کرده‌اند. گونه‌های خاصی از ماهی که در ساحل زلال و شفاف گوادر زندگی می‌کنند جزو با ارزش‌ترین صادرات کشور پاکستان هستند.

امکانات گردشگری نیز در گوادر به وفور یافت می‌شود، از هتل‌های ۴ ستاره تا اقامت‌گاه‌های ارزان‌تر را می‌توان به سادگی در منطقه یافت زیرا با افتتاح بخش‌های نخست کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان حضور سرمایه‌گذاران نیز افزایش یافته است. مردم در گوادر لحظات زیبای غروب آفتاب را از روی تپه‌های مشرف به دریا تماشا می‌کنند و دست و پا زدن‌های خورشید خونین را در افق‌های دور دریای عمان به چشم می‌بینند. بسیاری از مراجع اینترنتی صحنه غروب آفتاب در گوادر را جزو ۱۰ منظره برتر طبیعی کشور پاکستان می‌دانند.

ساحل دریا پر از صدف‌های کوچک و بزرگی است که امواج آب آن را با سخاوت به ساحل نشینان گوادر هدیه می‌دهند، در گذشته صید مروارید به شکل سنتی نیز رونق بسیاری داشته ولی اینک با پیشرفت صنعتی شرایط نیز تغییر کرده است. غواصی جزو تفریحاتی است که در گوادر طرفداران بسیاری دارد و شرکت‌هایی متقاضیان غواصی را به مناطق خاصی از دریا می‌برند که صخره‌های مرجانی و گونه‌های مختلف ماهی را می‌توان در آکواریوم طبیعی آن به تماشا نشست.

برای کسانی که تمایلی به غواصی ندارند نیزده‌ها ورزش آبی متنوع فراهم شده است از قایق‌های پارویی و موتوری گرفته تا جِت اسکی و ماهی‌گیری. بسیاری نیز همراه با ماهی‌گیران عازم دریا می‌شوند تا یک زندگی واقعی ساحلی را تجربه کنند. از آنجا که بسیاری از مردم تجربه زندگی کنار دریا را ندارند گوادر نقطه‌ای امن و زیبا برای پرواز به دل این نوع زندگی است پیش از آن که ایالت بلوچستان را ترک کرده و راهی ایالت کلاه‌های سندی و شال‌های اجرک شویم برای آخرین بار می‌توانیم ساعت‌ها در ساحل آرام گوادر قدم زده و آسمان را زیر پای خود حس کنیم.

عرض ساحل را اگر به صورت مستقیم طی کنیم در فاصله کم‌تر از ۳۰۰ کیلومتر بزرگ‌ترین شهر پاکستان که به شهر روشنایی مشهور است را در قاب چشمان‌مان خواهیم دید و البته به صفحات پر از ناگفته ایالت سند خواهیم رسید، یکی از قدیمی‌ترین خواستگاه‌های تمدن بشر...



خط ساحلی گوادر یکی از زیباترین مناظر غروب را در جهان داراست



مسابقات جذاب رالی جیپ در بلوچستان که به بندرگاه گوادر ختم می شود



بندرگاه گوادر که نقطه آغاز کریدور اقتصادی پاکستان و چین است



کریدور اقتصادی مشترک چین و پاکستان در بندرگاه گوادر

IQBAL FORUM

- **سند مهد تمدن‌ها**

سند آخرین قطعه زمینی است که آغوش خود را به روی رودخانه مقدس سند باز می‌کند و آن را تا زمانی که وارد دریای عمان می‌شود همراهی می‌کند، تمدن در این ایالت قدمتی ۵ هزار ساله دارد و به عصر برنز برمی‌گردد. زمانی که بشر به تازگی فلز را شناخته و برای ساخت وسایل از آن استفاده کرد. این ایالت میزبان هزاران اثر تاریخی است که از اقوام مختلف در آن به یادگار مانده‌اند و اینک هرکدام قصه‌ای و افسانه‌ای دارند.

این آخرین ایالت در پاکستان است که قدم بر آن گذاشته‌ایم و در تلاشیم تا سیرمان را کامل کنیم، اینک از بلندی‌های قراقروم و امپراتور مغرور آن یعنی کی‌تو دیگر نشانی نمی‌بینیم، سبزه‌زارهای پنجاب و گذرگاه‌های زیبای خیبرپختونخوا نیز دیده نمی‌شوند، بلوچستان میهمان‌نواز و سخاوت‌مند را نیز پشت سر گذاشته و همراه شده‌ایم تا دست در دست هم زیبایی‌های فراوان ایالت سند را ببینیم.

- **کراچی شهر روشنی‌های ناتمام**

گاهی شهرت بخشی از وجود، عالم گیرتر از خود آن می‌شود، کراچی و سند نیز چنین حکایتی دارند، کراچی روزگاری پایتخت پاکستان بوده ولی اینک آن را بزرگ‌ترین شهر پاکستان می‌دانند که مادر غریبان است و هیچ گرسنه‌ای در آن بی‌غذا نمی‌ماند. شهری که هنوز هم دروازه مشرق زمین است و روز و شب آغوشش را به روی میهمانان خسته خود باز کرده است.

شهر کراچی تعطیلی ندارد و در هر ساعتی از شبانه روز وارد آن شویم مردمی را می‌بینیم که مشغول فعالیت هستند، این شهربندری به تنهایی مالک حجم بزرگی از اقتصاد پاکستان است، زبان اردو در این شهر فصیح‌تر از هر جای دیگری است و اعتبار گذشته آن باعث شده تا هنوز هم مراکز بسیاری از اماکن دولتی، بانک‌های بزرگ و حتی شرکت‌های هواپیمایی در کراچی باشند.

یافتن اقامت‌گاه و هتل در کراچی آسان‌ترین کار ممکن است، بسته به میزان هزینه‌ای که قصد داریم صرف کنیم می‌توانیم هتل‌هایی لوکس و ۵ ستاره مانند پیرل و اواری یا اقامت‌گاه‌هایی ارزان قیمت‌تر و مناسب‌تر را انتخاب کنیم. کراچی یکی از ارزان‌ترین شهرهای پاکستان است و به سادگی خود را با تمام سلیقه‌ها و نیازها وفق می‌دهد. پس از استقرار در این شهر می‌توان لذت سفر به یک شهربندری بزرگ را تجربه کرد.

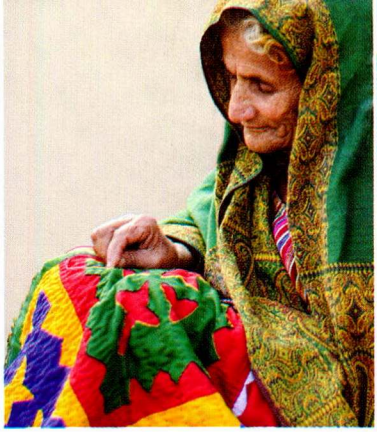
اگرچه این شهر بزرگ خلق و خوی صنعتی خود را نیز دارد ولی در گوشه‌گوشه آن می‌توان سنجاب‌های بازیگوشی را مشاهده کرد که بین درختان نارگیل به این سو و آن سو می‌پرند و نظر مردم را به خود جلب می‌کنند، گشت و گذار در شهر می‌تواند از بازارهای شلوغ و پرزرق و برق آن آغاز شود.

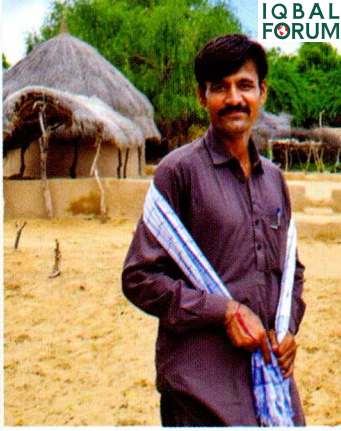
- **پیش به سوی بازار همراه با چینچی و W11**

حمل و نقل سنتی هنوز هم به سادگی در کراچی یافت می‌شود و می‌تواند برای هر گردشگری جذاب باشد، این وسایل سنتی با توجه به وسعت و جمعیت شهر نیازی حیاتی تلقی می‌شود گوشه خیابانی اگر بایستیم به سرعت مینی بوس‌های هلالی شکل W11 را مشاهده می‌کنیم که

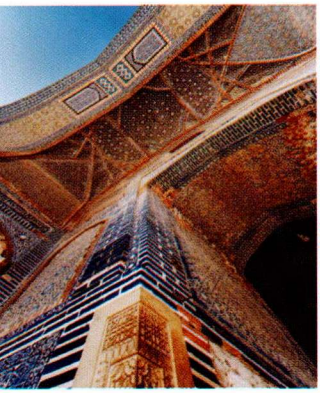
IQBAL FORUM



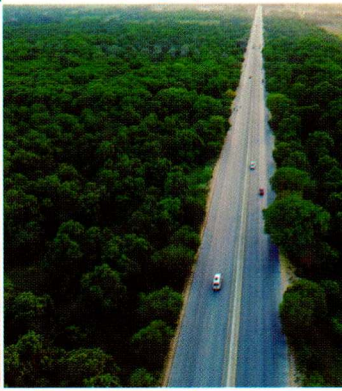




زندگی روستایی در منطقه تهر | یک زن اهل ایالت سند در حال درست کردن یک ملحفه







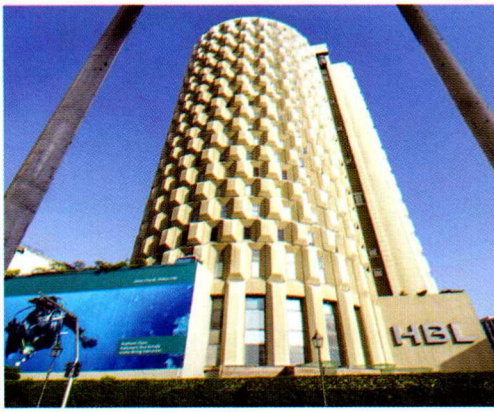
جاده ای زیبا در دل سند- شهر میربور خاص | ایالت سند مرکز تولید موز در پاکستان محسوب می شود | مسجد شاه جهان تهته





شهر کراچی همزمان با دوره استقلال پاکستان در سال ۱۹۴۷ | شهر زیبای کراچی برج های مرتفعی را در خود جای داده است



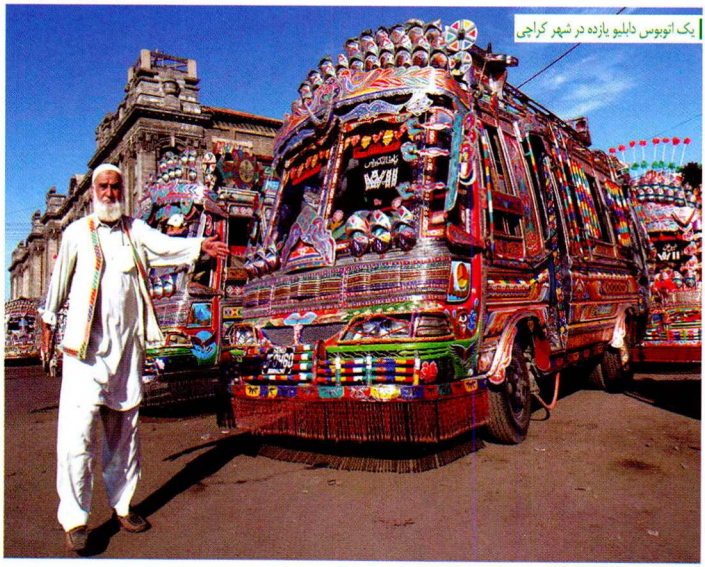


IQBAL FORUM

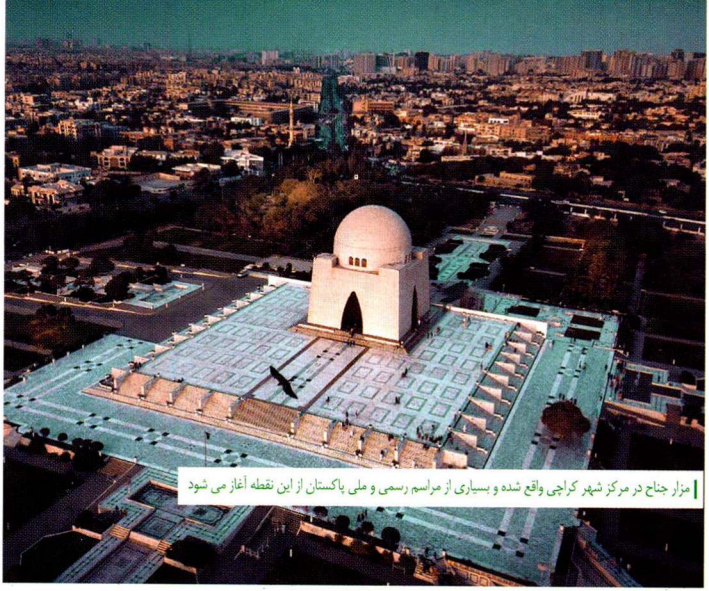
به سمت ما می‌آیند، شاگرد مینی‌بوس که سرعتش نشانه مهارتش است مقصد نهایی را فریاد می‌زند تا مسافری اشتباه سوار نشود، ضربه اول که به درب کوبیده می‌شود برای راننده حکم ایست را دارد و ضربه دوم حکم دستور حرکت را. فاصله میان این دو ضربه چندان زیاد نیست و مسافران می‌دانند که باید شتاب کنند. شاگرد بلافاصله سراغ مسافرتازه وارد می‌آید تا کرایه رابگیرد. سپس کنار درب مینی بوس می‌ایستد تا مسافردیگری رابه داخل هدایت کند. شکل و رنگ این W11ها چنان جذاب است که نگاره‌های روی آن تبدیل به نماد هنری پاکستان شده است. گاهی هزینه آماده سازی یک مینی بوس بیش از هزینه خرید آن است، صندلی‌های مینی بوس جنس خاصی دارند که باعث می‌شود تردد مکرر هزاران مسافرآسیبی به آن نزند. با یکی از همین مینی بوس ها اگربه سمت سولجربازار (یا بازار سربازها) برویم می‌توانیم سیری در بازار کهن و در اصل قسمت قدیمی‌ترشهرکراچی داشته باشیم، شهری که صد سال پیش حتی تصورهم نمی‌کرد که روزگاری بزرگ‌ترین شهریک کشور خواهد شد.

کراچی اینک ده‌ها آسمان خراش و بازار لوکس دارد ولی بازارهای قدیمی آن همچنان شلوغ هستند، هر گوشه از سولجر بازار در تسخیر صنفی خاص است در گوشه‌ای می‌توان لباس فروش‌ها را یافت و در گوشه‌ای دیگرادویه‌های مشهور پاکستانی به فروش می‌رسند. تردد میان بازارچه‌های تو در تو و فراوان سولجربازار و دیگربازارهای قدیمی و معتبرکراچی از جمله «اردو بازار، مینا بازار، صدر و...» نیزکار چندان سختی نیست، چینچی‌ها وسایل جالبی هستند که به سرعت می‌توانند نظر شما را جلب کنند، اتاقک‌هایی که به موتور ۳ چرخ متصل هستند و به سرعت و چابکی مسیرشان را در میان ترافیک پیدا می‌کنند. از ترک چینچی می‌توان تلاش شهروندان را برای رسیدن به مقصدشان مشاهده کرد، به ساختمان‌های بزرگ و کوچک کراچی خیره ماند و گذر زمان را در نگاه منتظر رانندگان پشت ترافیک مانده به چشم دید. در فصل گرم سال هوای خنکی که از سمت ساحل به چهره کراچی می‌خورد را سرنشینان چینچی پیش از دیگران حس می‌کنند، در فصل سرد نیز رانندگان ژاکتی از طلق را بر سر چینچی می‌کشند تا مسافران از گزند سرما در امان بمانند.

یک اتوبوس دابلیو یازده در شهر کراچی



IQBAL FORUM



مزار جناح در مرکز شهر کراچی واقع شده و بسیاری از مراسم رسمی و ملی پاکستان از این نقطه آغاز می شود

- **آرامگاه جناح؛ قلب کراچی**

پیش‌تر از زندگی مردی گفتیم که با دست‌های پُرتوان و صلابت اراده‌اش ملک خداداد را در نقشه جهان طرح زد، جناح دوران بیماری خویش و آخرین لحظات حیاتش را در منطقه زیارتِ بلوچستان گذراند و زمانی که چشم از جهان فروبست، بدنش به شهری بازگشت که روزگاری خاطرات کودکی‌اَش را در آن رقم زده بود. عظمت این مرد چنان بود که کراچی آن را متعلق به خود می‌دانست نه جناح کراچی را! و تنها زمینی که شایسته مبدل شدن به منزل‌گاه ابدی بنیان‌گذار پاکستان بود، شهری بود که پس از آرام گرفتن محمد علی جناح به «شهر قائد»[1] شهرت یافت.

جناح در دل کراچی آرام گرفت تا برای همیشه باقی بماند از این رو باغی که او در آن خفته چشم و چراغ شهر کراچی است و هنوز هم از میهمانان سیاسی گرفته تا شاخص‌ترین چهره‌های فرهنگی و علمی حضور در این آرامگاه و ادای احترام به قائد اعظم را وظیفه خود می‌دانند. این آرامگاه مزار قائد(آرامگاه رهبر) نام دارد. جشن استقلال پاکستان، روز ملی نوشتن تفاهم‌نامه ایجاد پاکستان و هرمناسبت بزرگ ملی دیگرنیزاز آرامگاه جناح آغاز می‌شود.

همراه با چینچی رسیدن به آرامگاه جناح کار ساده‌ای است، نباید فراموش کنیم که مردم پاکستان احترام زیادی برای جناح قائل هستند و برای ورود به مقبره وی باید کفش‌های خود را از پا خارج کنیم، این نوعی احترام است که آن‌ها برای معمار کشورشان قائل می‌شوند.

بقعه‌ای که جناح در آن خفته معماری زیبا و منحصر به فردی دارد که از آرامگاه «اسماعیل سامانی» در شهر بخارا الگو برداری شده و راه رسیدن به آن از کنار باغ‌های سرسبز عبور کرده و هم‌زمان با اوج‌گیری سنگ‌فرش‌های موجود در کنار درب ورودی به پایان می‌رسد، ساختمانی سفید رنگ با سقفی بلند و گنبدی شکل که ۵۴ مترمربع مساحت دارد و ارتفاع سقف آن ۷۴ متر

۱- پاکستانی ها جناح را «قائد اعظم» یا رهبر بزرگ می نامند.

IQBAL FORUM

است. کشورهای همسایه که قصد نشان دادن دوستی خود با پاکستان را داشته‌اند هریک به این بنا چیزی هدیه داده‌اند ولی بیش از همه لوستربزرگی که توسط کشور چین در سال ۲۰۱۷ هدیه داده شده است به چشم می‌آید.

زیرنور این لوستربزرگ آرامگاه مردی را می‌بینیم که هنوز هم مسلمانان شبه‌قاره به احترام نامش تمام قد می‌ایستند و دست به سینه گذاشته براو سلام می‌فرستند، مردی که جنگید تا زنجیر خواری و ذلت از پای مسلمانان پاره کند و چنین نیزکرد هرچند بهای آن را با هدیه جانش پرداخت.

باغ بزرگ اطراف مقبره جناح محیطی ساکت و آرام است که هراز گاهی برنامه‌های فرهنگی نیزدر آن انجام می‌شود و مردم شهرکراچی نیزاز دور و نزدیک به سمت آن می‌روند تا ارتباطشان با قائد اعظم هیچ‌گاه قطع نشود. علاوه بر مزار قائد اعظم در زیر گنبد سپید رنگ آرامگاه می‌توانیم قبر «فاطمه جناح و لیاقت علی خان» که در چند قدمی جناح به خاک سپرده شده‌اند را نیزمشاهده کنیم.

- **موزه ملی پاکستان؛ گنجینه ناتمام دره سند**

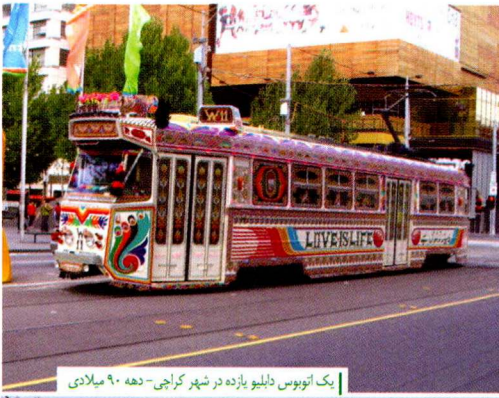
سند و مردمش زندگی را پیش از هزاران هزار شهرامروزی تجربه کرده‌اند و تمدن‌های گذشته که اینک شاید نام‌شان را نیزندانیم از خود آثاری به یادگار گذاشته‌اند که در متون دینی ما نیز مرور آن مایه عبرت و درس آموختن دانسته شده. موزه ملی پاکستان در قلب شهرکراچی قرار دارد و ده‌ها هزار اثرتاریخی موجود در آن هر بیننده‌ای را به صفحات برگ خورده تاریخ انسانی و حتی پیش از آن می‌برد.

ساختمان موزه ملی پاکستان در سال ۱۹۵۰ افتتاح شده و ابتدا «فریرهال» را پیش‌خوان نمایش حیرت انگیزخود کرد ولی ۲۰ سال بعد به محل کنونی موزه که تقریبا ۳ کیلومتربا موزه قبلی فاصله دارد منتقل شد، هدف اصلی تاسیس آن را حفظ سوابق تاریخی و فرهنگی ملک خداداد و تحقیق و مطالعه پیرامون آن اعلام کردند.

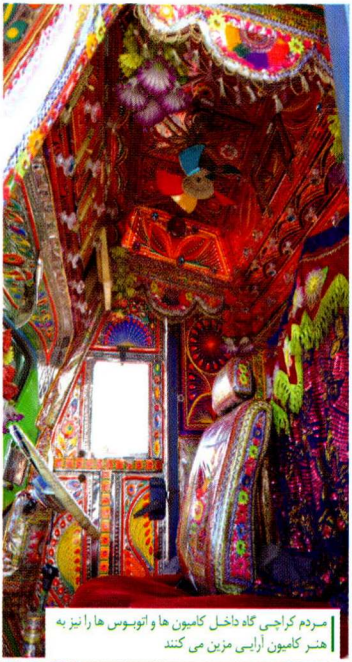
به هرروی موزه‌ای که در روزگار اولیه عمرخود تنها ۴ گالری داشت اینک ۱۲ گالری مجزا دارد که شامل آثاری از « ماقبل تاریخ، دو دوره پیش از میلاد مسیح، تمدن گاندارا، تمدن هندو، گالری تخصصی قرآن کریم، گالری سکه‌ها، گالری آثار جنبش بیداری مسلمانان شبه‌قاره، تمدن اسلامی، آثار هنری و لباس‌ها، وسایل الکترونیکی قدیمی و سایرآثار تاریخی» می‌شود.

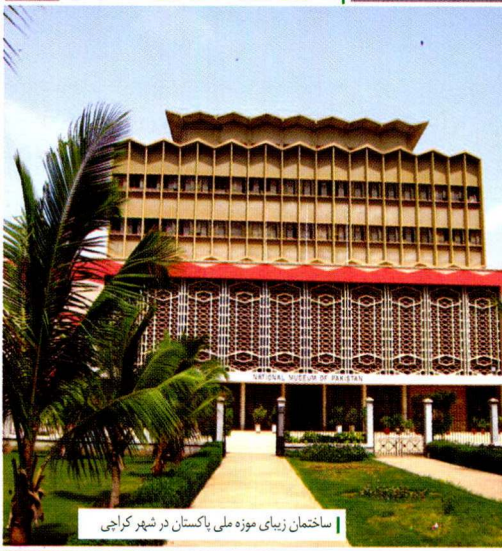
وجود ۳۰۰ جلد کلام الله مجید که ۵۲ نسخه آن آثار خطی منحصر به فرد هستند اعتبار و ارزش موزه ملی پاکستان را به خوبی می‌تواند نشان دهد، در این موزه ده‌ها مجسمه ارزشمند از دوره شکوه مذهب هندو در منطقه سند به چشم می‌خورد که برخی نمونه‌های بی‌نظیرآن مجسمه‌هایی از «ویشنو: مظهرخدای بقا و زندگی در زمین»، «لشمی: الهه ثروت و همسرویشنو»، «سرسوتی: الهه دانش و همسربرهما» و... هستند.

در بخش لباس‌های سنتی و گالری اسلامی می‌توان شمشیرها و کمان‌های بزرگی را مشاهده کرد که توسط سربازان آن سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفتند، لباس‌هایی که در این موزه به نمایش درآمده است به خوبی می‌تواند سیرتغییرات فرهنگی در ایالت سند را نشان دهد که

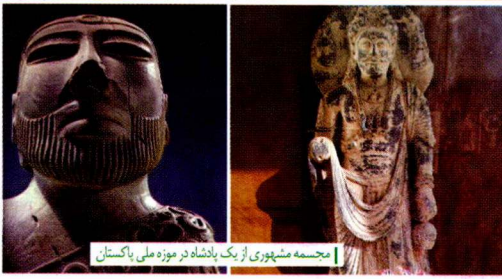


یک اتوبوس دابلیو یازده در شهر کراچی- دهه ۹۰ میلادی


مردم کراچی گاه داخل کامیون ها و اتوبوس ها را نیز به هنر کامیون آرایی مزین می کنند


ساختمان زیبای موزه ملی پاکستان در شهر کراچی


نقشی فاخر از ریاضت‌های بودا که در موزه ملی پاکستان نگهداری می‌شود
مجسمه مشهوری از یک پادشاه در موزه ملی پاکستان


مجسمه مشهوری از یک پادشاه در موزه ملی پاکستان

IQBAL FORUM

برای محققان اهمیت به سزایی دارد.

گالری سکه‌ها نیز شامل بیش از ۵۸ هزار سکه مربوط به دوران مختلف تاریخ از جمله قرون اول اسلامی است که نمی‌توان آن‌ها را به سادگی جایی غیر از این موزه یافت. موزه ملی پاکستان در طول سال بیش از ۱۲ جشنواره مختلف را میزبانی می‌کند تا مردم و علاقه‌مندان بتوانند با تاریخ گذشته ایالت سند و کشور پاکستان آشنا شوند.

نشستن در فضای سبزبیرون موزه که باغی زیباست می‌تواند آرامش را به روان هرمسافر خسته‌ای که با سفر در زمان تلنگری به امروز و فردایش زده هدیه کند. از موزه که خارج شویم به زیارت یکی از نوادگان امام حسن مجتبی« علیه‌السلام» خواهیم رفت که در گوشه‌ای از کراچی خفته است.

- **عبدالله شاه غازی؛ معجزه‌ای از جنس کرامت**

بربلندای تپه‌ای در منطقه ساحلی کیلفتن آرامگاهی وجود دارد که مریدان بی‌شماری را گرد خود جمع می‌کند، این بقعه که در اکثر ساعات روز غرق در گل‌های سرخ رنگ است به حضرت عبدالله شاه غازی تعلق دارد.

عطرمعنوی خاص این مزار باعث می‌شود تا مردم از گوشه و کنار شهر کراچی و دیگر نقاط پاکستان به قصد زیارتش راهی کیلفتن شده و سپس با طی پله‌های مزار خود را به مقبره اصلی برسانند. سلسله نسب این امامزاده باکرامت چنین است « سید ابومحمد عبدالله الاشتربن سید محمد نفس الزکیه بن محمد سید عبدالله بن حسن مثنی بن امام حسن مجتبی « علیه‌السلام» به این معنا که با سه واسطه نسب ایشان به امام دومین شیعیان می‌رسد.

در این‌که چرا ایشان مجبور شدند راهی سند شوند روایت‌های مختلفی نقل می‌شود ولی معتبرترین آن حکایت از تحت تعقیب قرار گرفتن عبدالله شاه غازی توسط دولت منصور عباسی دارد، بنی عباس که ابتدا با داعیه ارادت به اهل بیت« علیهم‌السلام» قدرت را به دست گرفته بودند خود تبدیل به دشمنانی سفاک شدند و نفس زکیه را به شهادت رساندند، سپس در تکاپو افتادند تا نوه وی یعنی «عبدالله شاه غازی» را نیز از دم تیغ خود بگذارنند و همین باعث شد تا ایشان در پوشش یک بازرگان روانه ایالت سند کنونی شود. تاریخ گواهی می‌دهد که حضور پر برکت ایشان در این منطقه باعث ترویج اسلام و گرایش هزاران نفر به این دین مبین شد با این حال در سال ۱۵۱ هجری قمری دست نشانده‌های دولت منحوس عباسی ایشان را به شهادت رساندند و مردم بدن مطهر عبدالله شاه غازی را بربالای تپه‌ای دفن کردند.

نکته جالب این است که علی‌رغم نزدیک بودن این آرامگاه به دریای عمان چشمه‌ای که زیر مقبره قرار دارد نشانه‌ای از شوری دریا را ندارد و شیرینی آن باعث شده تا مردم به نیت شفا آن را بنوشند و آن را کرامت آشکار فرزند امام مجتبی« علیه‌السلام» بدانند.

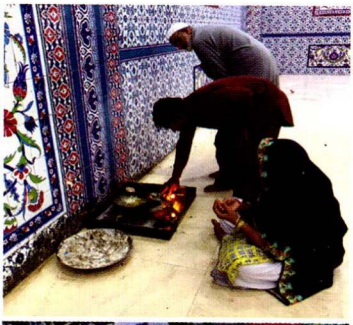
پیش از این شب هنگام صدها صوفی و درویش پای تپه‌ای که مزار این امامزاده بر فراز آن قرار دارد جمع می‌شدند و تا صبح مشغول اعمال خاص خود می‌شدند از سخنرانی و مدح اهل بیت« علیهم‌السلام» گرفته تا مجالس ذکرو... رفتار خاص این صوفیان مورد توجه ویژه مردم پاکستان

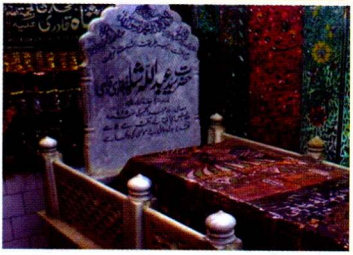
IQBAL FORUM



ارادتمندان به عبدالله شاه غازی از نقاط مختلف جهان به سوی مزار او می آیند و به عبادت و دعا می پردازند







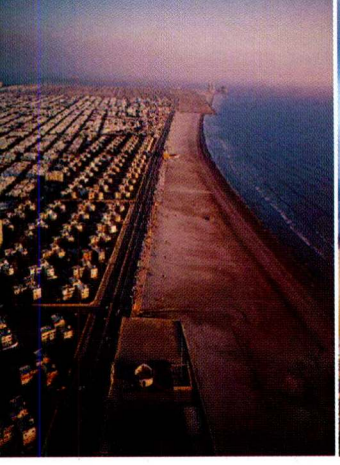
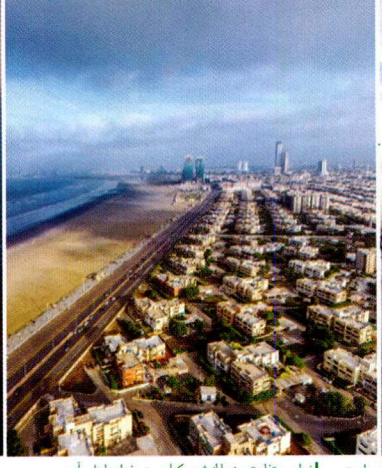
مسیر ورودی به مزار شاه عبدالله غازی که بر فراز تپه ای قرار داشته است

مردم معتقدند برای برآورده شدن حاجت باید شمعی به یاد صاحب مزار روشن کرد

و سایرین قرار می‌گرفت و بسیاری می‌آمدند تا از نزدیک این برنامه‌ها را مشاهده کنند. بزرگ‌ترین گردهمایی عمومی در اطراف مقبره عبدالله شاه غازی هم‌زمان با سالروز شهادت وی (۱۲شهریور ماه) صورت می‌گیرد و ۳ روز مردم از گوشه و کنار پاکستان به کراچی می‌آیند تا مزار ایشان را زیارت کنند.

مردم کراچی معتقدند قرار گرفتن مزار ایشان بربالای بلندی باعث دور شدن طوفان‌های دریایی و دیگر بلایا از مردم می‌شود که این خود نشان دهنده ارادت عموم اهل سنت به خاندان عصمت و طهارت است.

IQBAL FORUM


ساحل تفریح گاه مردم کراچی است | نمایی متفاوت و زیبا از شهر کراچی در خط ساحلی آن

- **سی ویو؛ پنجره‌ای به سوی دریا**

از کراچی سخنان بسیاری شنیدیم نقل‌هایی که گذر زمان آن را تغییر داده، گاهی خلقش کرده و گاه نابودش. ولی حقیقت غیرقابل تغییر در خصوص کراچی این است که دریا همسایه اول و آخر آن است. این مطلب را هنگامی بهتر درک می‌کنیم که از مسیر کشورهای حاشیه خلیج فارس در تاریکی شب سوار بر هواپیما راهی پاکستان شویم، جایی که سیاهی دریا تمام شده و روشنی یک شهر دیده شود دقیقا لحظه فرود فرا رسیده و خلبان بی‌معطلی غول عظیم آهنی خود را بر خط سیاه فرودگاه کراچی می‌نشاند.

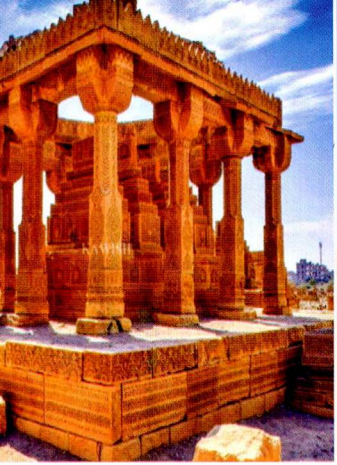
خط ساحلی طولانی بندر کراچی نه تنها استفاده اقتصادی برای پاکستان دارد بلکه مردم شهر کراچی همه روزه کنار آن ایستاده و آرامش را از تلاطم امواج ساحل طلب می‌کنند، «Seeview» در اصل واژه‌ای انگلیسی است که در اردو نیز وارد شده و اصطلاح مردم کراچی برای ساحل است.

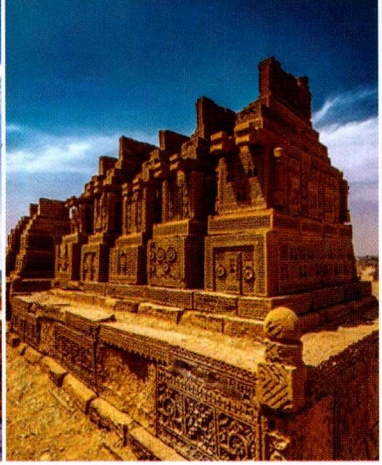
از منطقه زیبای کیلفتن تا ساحل دریا راه بسیار کوتاه است و با عبور از عرض یکی دو خیابان می‌توان امواج خروشان دریا را به چشم دید. زیبایی‌های ساحل دریا اما محدود به امواج آب و تلالو نور خورشید سرخ رنگ حین غروب آفتاب نیست. حضور هزاران نفر در خط ساحلی، تلاش دست فروش‌ها برای جذب مشتری، شترسواری و اسب سواری خانواده‌ها، حرکت تند موتورهای چهارچرخ و سه چرخ بر روی ماسه‌ها و صدای شادی‌های کودکانه در صدای موسیقی که یخچال بستنی فروشان آن را پخش می‌کند در هم می‌آمیزند و چنان جاذبه‌ای به دریا می‌دهند که میهمانان ساحلی را تا پاسی از شب برجای خود میخ کوب می‌کند.

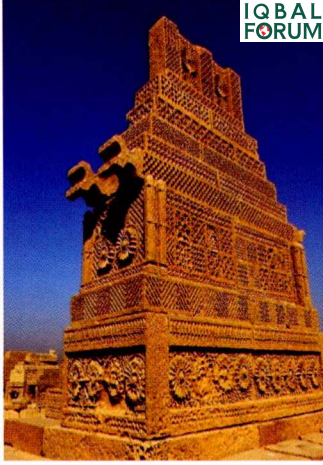
قایق‌های رنگ به رنگ موتوری و پارویی نیز در کنار دریا مانور می‌دهند تا توجه گردشگران را به سمت خود جلب کنند و سپس آنان را تا صدها متر دورتر مشایعت کنند. غروب آفتاب جلوه ساحل را زیباتر از قبل می‌کند و اشعه زعفران رنگ آفتاب آخرین تلاش خود را برای به خون کشیدن آب دریا انجام می‌دهد، منظره زیبای غروب آفتاب لحظاتی نگاه تمام بینندگان را اسیر جلوه با شکوه خود می‌کند وسپس با روشن شدن نورافکن‌های بزرگ ساحل هنرنمایی امواج دریا در دل شب آغاز می‌شود.

این قصه هرروز بندرگاه کراچی و خط زیبای ساحلی آن است، جت اسکی و غواصی و دیگر

IQBAL FORUM







مناظر بدیع و تصاویر خاص در قبرستان چوکندی | معماری قبرهای چوکندی منحصر به فرد است

تفریحات آبی نیز برای علاقه‌مندان مهیا شده تا تفریح خود را در ساحل آرام کراچی با لذت بیشتری همراه سازند.

دیدنی‌های ایالت سند در شهر کراچی خلاصه نشده و در دیگر شهرهای آن نیز می‌توان صدها بنای تاریخ و مکان دیدنی مشاهده کرد که هریک جذابیت‌های خود را دارند، شبی را در اقامتگاه‌مان سر خواهیم کرد تا رهسپار جایی شویم که کسی جرات قدم گذاشتن به آن در دل شب را ندارد...

- **چوکندی؛ افسونگر سحرآمیز پاکستان**

مقابر پادشاهان گذشته همواره پاسخی بوده برای ذهن کاوش‌گر باستان‌شناسانی که صفحات تاریخ را در قلب آن ورق زده‌اند. اهرام ثلاثه در مصر و «چوکندی» افسون‌گر سحرآمیز و وحشتناکِ پاکستان نمونه‌هایی از آن‌هاست.

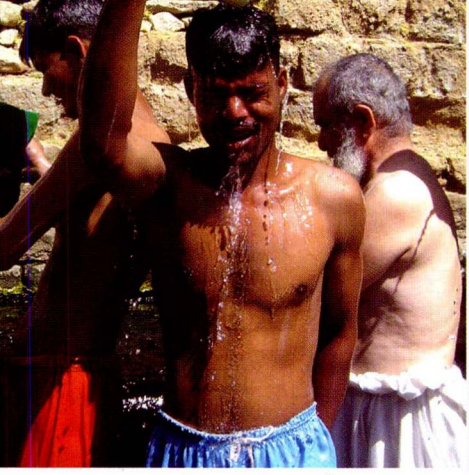
شاید در غریزه بشر باشد که بدن‌های انسان‌های مهم ومحترم را درمکانی مرتفع دفن کند. معروف‌ترین این‌گونه مقابر اهرام ثلاثه مصر هستند ولی نمونه‌های زیبای دیگری نیز در سراسر جهان به چشم می‌خورند. درادامه سفری کوتاه خواهیم داشت به یکی از زیباترین و مرموزترین مناطق تاریخی پاکستان. «چوکندی» (Chaukhandi) آرامگاهی که در نزدیکی کراچی واقع شده است. مکانی که تنها ۳۰ کیلومتر با کراچی فاصله دارد ولی دنیایی از سخنان ناگفته در دل آن آرام گرفته است. چوکندی نام مقابر بسیار زیبایی است که از ماسه و سنگ بزرگ ساخته شده‌اند و سنگ‌های عظیم آن با الگوهای پیچیده و سخت طراحی شده‌اند. قدمت این محل به ۴۰۰ تا ۷۰۰ سال می‌رسد وگذر زمان نیز به‌خوبی از آن محافظت کرده‌است. این بناهای تاریخی باستان شناسان بسیاری را به سوی خود جذب می‌کنند.

علاوه بر معماری بسیار زیبای مقابر، ویژگی دیگری که در چوکندی وجود دارد و سبب شهرت آن بین مردم منطقه شده است، وجود افسانه‌های عجیب و ترسناک درباره آن است. آن‌گونه که به بازدیدکنندگان در مورد ورود شب هنگام هشدار داده می‌شود. وجود تصاویر عجیب روی بدنه این مقابر گویا این الهام را به ساکنان منطقه داده است که ورود شب هنگام به این مقابر ممنوع است، برخی قدیمی‌ترها مدعی هستند که مقابر چوکندی در طول شب اریکه قدرت

IQBAL FORUM



در ایام خاص سال ضیافت تمساح های منگو پیر با سرتاج گل شروع می شود



برخی ارادتمندان معتقدند که آب دریاچه ای که تمساح ها در آن زندگی می کنند قدرت شفای بیماری ها را دارد

اجنه و شیاطین است که حضور هر بیگانه‌ای را شوم می‌شمارند و به آن حمله‌ور می‌شوند.

در طول روز اما این بنای زیبا و با شکوه آمیخته‌ای از قدرت و تباهی است، قدرت پادشاهانی که روزگاری به فرمان‌شان هر اقدامی صورت می‌گرفت و تباهی همان پادشاهان که اینک اسیر قدرت لایزال خداوند متعال شده‌اند. آفتاب سند مستقیم برروی مقابر چوکندی می‌تابد، با این حال بنای زیبای آن هنوز هم از گزند نابودی محفوظ مانده است.

سند سرزمین باورهای کهن و رسوم منحصربه فرد است پس از سیر در مقابر چوکندی قصد داریم خود را به ضیافت تمساح های منگوپیربرسانیم جایی که جشنواره سالانه ارادتمندان به پیر حسن سخی در آن برگزار می‌شود.

- **ضیافت تمساح های منگوپیر**

برگزاری جشنواره شیدی قدمتی چند صد ساله دارد و تمساح‌هایی که در تالاب نزدیک مقبره خواجه حسن سخی زندگی می‌کنند در طول دوران برگزاری این جشنواره به ضیافتی بزرگ دعوت می‌شوند.

این تالاب در نزدیکی شهر کراچی قرار دارد و مردم این منطقه جزو ساکنان قدیمی بزرگ‌ترین شهرپاکستان هستند. برای رسیدن به این منطقه کافی است ۵۷ کیلومتراز مقابر چوکندی به سمت شمال غرب برویم، منگوپیردر فاصله ۴۰ کیلومتری کلان شهرکراچی واقع شده است.

در مورد تاریخچه مردم منطقه منگوپیر گفته می‌شود: آنان در اصل جزو قبایل بلوچ بودند و به دلیل اعتقادی که به صوفی دفن شده در این مکان یعنی خواجه حسن سخی پیدا کردند برای زندگی به این مکان آمده‌اند.

شیوه برگزاری جشنواره شیدی به این صورت است که افرادی که به خواجه حسن سخی اعتقاد دارند از راه‌های دور و نزدیک به سمت آرامگاه او حرکت می‌کنند، سپس به برگزاری برنامه‌های خاصی می‌پردازند که با زدن طبل و نواهای سنتی همراه است. شرکت کنندگان در جشنواره شیدی پس از این کار در اطراف مقبره این صوفی چادر زده و مشغول قربانی کردن حیوانات برای او می‌شوند.

IQBAL FORUM





برای ساخت دیواره رانی کوت هزاران کارگر سالها وقت خود را صرف کرده اند تا بنایی مستحکم ایجاد کنند

قلعه و دیواره های زیبای رانی کوت در ایالت سند

گوشت این قربانی‌ها که شامل گاو، گوسفند و شتراست به تمساح‌هایی داده می‌شود که در تالاب کنار آرامگاه زندگی می‌کنند و این جشنواره برای آن‌ها ضیافتی بی‌نظیر تلقی می‌شود. زمان برگزاری این جشنواره ارتباطی به تاریخ وفات خواجه حسن سخی ندارد و توسط بزرگان قبیله منگو پیر وضع شده است. هم‌زمان با برگزاری این جشنواره رسانه‌های زیادی در منطقه حاضر می‌شوند تا این جشنواره تاریخی را پوشش دهند.

قدیمی‌ترین عکس موجود از برگزاری این جشنواره و تمساح‌هایی که در این تالاب زندگی می‌کنند مربوط به قرن نوزده میلادی است ولی گفته می‌شود فسیل‌هایی پیدا شده که نشان می‌دهد این جشن حدود هزار سال قدمت دارد. در مورد شیوه جمع شدن این تمساح‌ها در تالاب نیز افسانه‌هایی مختلفی وجود دارد، برخی می‌گویند این تمساح‌ها در اصل شاخه‌های گلی هستند که «خواجه حسن سخی» در تالاب انداخته و برخی معتقدند که تمساح‌ها، اسب‌های وی بوده‌اند.

به همین دلیل علاوه بر هدیه قربانی به تمساح‌ها، شرکت کنندگان تمساح‌ها را با تاج گل پوشش می‌دهند و به این شکل عمق ارادت خود را بیان می‌کنند. حتی این اعتقاد نیز وجود دارد که شنا در آب این تالاب باعث از بین رفتن تمام بیماری‌های افرادی می‌شود که به خواجه حسن سخی اعتقاد دارند. نکته جالب این‌که در طول تاریخ تا کنون هیچ گزارشی از حمله تمساح‌های این تالاب به انسان‌ها و ارادتمندان صوفی دفن شده در این محل وجود ندارد.

- **رانی کوت؛ دیواره‌ای به طول تاریخ**

پاکستان را به راستی می‌توان سرزمین پر رمز و راز و گم‌شده‌ای خواند که دست پرمهر طبیعت چشم مهربانی بر آن داشته است، کشوری که نگین آن جنگل‌ها و دره‌های زیبای مرکزی و تزئین رکاب آن بندرگاه‌های جنوبی آن است. نمونه بی‌همتای یکی از عجایب هفت‌گانه زمین که برخی معتقدند تنها اثر انسانی است که از ماه می‌توان مشاهده کرد در دل ایالت سند نیز وجود دارد، دور از چشم توجه گردشگران.

اینک از کراچی شهر روشنی‌ها عبور کرده و راه‌مان را به سوی حیدر آباد ادامه خواهیم داد، شهری که با تمام زیبایی‌های تاریخی و فرهنگی خود چشم به راه‌مان ایستاده، دیواره تاریخی

IQBAL FORUM

رانی کوت اولین مقصد ما در حیدر آباد خواهد بود. کمتر کسی است که نام دیوار چین را نشنیده باشد دیوار غیر قابل نفوذی که کیلومترها کشیده شده است. ولی این دیوار یک همتای پاکستانی نیز دارد که زیباست و باشکوه.

درنگاه اول شباهت هر دو دیوار بسیار عجیب به نظر می‌رسد و تنها تفاوت آن تپه‌های زرد رنگ بیابان های ایالت سندِ پاکستان در مقابل دره‌های سرسبز چین است. در اصل این دیوار نیز مانند همتای چنین خود مانعی است از نفوذ دشمنان و«رانی کوت» چون حصاری محکم سه قلعه درونی به نام «میری کوت»، «شیرگره» و «موهان کوت» را در برگرفته است جایی که به‌عنوان بزرگ‌ترین قلعه جهان شناخته می‌شود .ابعاد این قلعه‌ها واقعا شگفت انگیز است، دیوار خارجی آن حدود ۳۰ کیلومتر گستردگی دارد و درمجموع ۶۵ کیلومتر مربع مساحت این قلعه‌هاست. فضایی بزرگتر از بسیاری شهرهای جهان!

تحقیقات جامع و کاملی در مورد قلعه و دیواره زیبای آن انجام نشده و کسی نمی‌داند وجود این قلعه‌ها باچه انگیزه‌ای و در چه دورانی بوده است. بین مردم محلی عقاید مختلفی وجود دارد، برخی پیدایش آن را مربوط به چند قرن اخیر می‌دانند ولی اکثر مورخین معتقدند عمر قلعه بیش از ۲ هزار سال است و تاریخچه آن به طرز حیرت‌آوری میان صفحات تاریخ مفقود شده است. دیواره زیبای رانی‌کوت همراه با موانع طبیعی از قبیل کوه، تپه و دره ارتفاع گرفته یا پائین آمده است این معماری زیبا باعث استحکام بیشتر آن و حصول هدف اصلی یعنی دفاع از ساکنین داخل قلعه شده است. در سال ۱۹۹۳ این دیواره زیبا به فهرست آثار ثبت شده یونسکو اضافه شد تا برای حفظ و نگهداری آن نیز تلاش بیشتری صورت بگیرد.

- **شور دمادم از مزار پیر قلندران؛ شهباز قلندر**

زمین سند آمیخته از قدمت و تقدسی است که حضور صوفیان مسلمان به آن بخشیده است، اگر چه در جای جای پاکستان می‌توان آثار حضور صوفیان را در اعتقادات مردم یافت ولی بدون شک مشهورترین صوفی خفته در خاک پاکستان «عثمان مروندی» یا حضرت لعل شهباز قلندر است که آرامگاهش در ۹۰ کیلومتری دیواره‌های زیبای رانی کوت، آرام‌بخش خاطر مریدانش است.

در ایالت سند شهر و روستایی را نخواهیم یافت که آرامگاه درویشی در آن نباشد، مردم محلی آنان را اولیاء کرام می‌خوانند و به پاس زحماتی که متحمل شده و دین الهی را در کافرستان آن زمان نشر و بسط داده‌اند عزیزشان می‌شمارند، نام اصلی عثمان مروندی شاه حسین است و بسیاری از منابع تاریخی زادگاه او را شهر مرند در نزدیک تبریز یا روستایی به نام مروند می‌دانند.[1] برخی دیگر نیز معتقدند که او اهل افغانستان است.

لعل شهباز قلندر در جوانی از ایران به هندوستان رفت و پس از اتمام تحصیل همراه شیخ بهاءالدین زکریا مولتانی، شیخ فریدالدین گنج شکر و شیخ جلال الدین بخاری، نواحی مختلف

۱- پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، قاسم صافی،دوره دوم ،مقاله سه

IQBAL FORUM



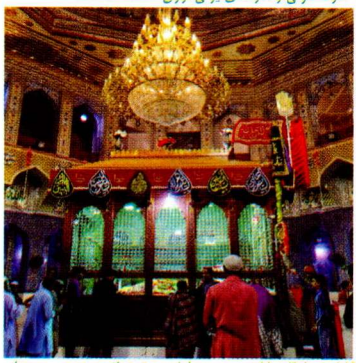
آرامگاه شهباز قلندر میعادگاه اهل عشق و عرفان



آرامگاه عثمان هروندی معروف به لعل شهباز قلندردر معماری بقعه این عارف صوفی از نگاره های ایرانی فراوان استفاده شده است



شکل و شمایل جالب یکی از مریدان لعل شهباز قلندر



لعل شهباز قلندر ارادتی عجیب به اهل بیت«ع» داشت وهنوز هم می توان نام این ذوات مقدسه را در گوشه و کنار بقعه وی به تماشا نشست

هندوستان را سیاحت کرد و سرانجام در سِهوان، یکی از قدیمی‌ترین مناطق سند اقامت گزید و کلاس‌های علم وعرفان دایرکرد. او به اشاعه دین اسلام و ترویج زبان فارسی پرداخت و منطقه را به مرکز فرهنگی و عرفانی تبدیل کرد؛ به گونه‌ای که همه از قوت کلام او، سرمست می‌شدند و مبانی دینی و اخلاقی و علوم مختلف را از او فرا می‌گرفتند.[۱]

آورده‌اند هنگام ورود او به سهوان پادشاه ظالم و عیاشی به نام «چَرپت» حکومت می‌کرد. مردم از ظلم او در امان نبودند؛ اموال مردم غارت می‌شد، خانه‌های مردم به راحتی تخریب می‌شد، حتی به ناموس مردم تجاوز می‌شد، حقوق مردم غصب می‌شد، منطقه از قانون پیروی نداشت و بی‌بند و باری رواج داشت، زن‌های بی‌عفت به طور علنی به کارهای زشت روی می‌آوردند و بسیاری از خانه‌های منطقه به مراکز فحشا و منکرات تبدیل شده بود.[۲]

در این شرایط، شهباز قلندر که همواره جامه‌ای سرخ رنگ (گویا جامه معروف مردم مرند و شاید به دلیلی دیگر) به تن داشت و در سیر و سلوک، اندیشه‌های امیرالمومنین علی(علیه‌السلام) را معراج رندی و قلندری می‌دانست توجه به وضعیت زنان را پیش از هر چیز، سرلوحه کار خود قرار داد و دست نیاز و دعا به سوی خداوند بلند کرد که این بازار بی‌عفتی نابود شود و به زنان توفیق عنایت شود تا خود را از دام مردان حفظ کنند. طولی نکشید که زنان، جمعی به حضور شهباز قلندر رسیدند و گفتند از خدا بخواه توبه ما را بپذیرد. بعد از توبه، زنان با قلندر بیعت کردند و قول دادند که کارهای ناشایست را ترک کنند. بدین ترتیب، شهباز با نفوذ در دل‌های مردم، انقلاب روحی

۱- همان

۲- حوادث زندگی حضرت لعل شهباز قلندر، ص۴

IQBAL FORUM

و معنوی برپا کرد و این اولین اثر نفوذ او در منطقه بود. سپس این صوفی بزرگ سعی کرد با تلاش‌های مخلصانه و مستمر، منطقه را از فساد و بی‌بند و باری پاک کند و مردم ناحیه را از ضعف اخلاقی و نابودی حفظ کند. وی ضمن تبلیغ و هدایت، کار آموزش و تدریس را نیز وجه همت خود ساخت و کلاس‌های علم عرفان دایر کرد و بعد از مدتی موفق شد منطقه را به یک مرکز فرهنگی تبدیل کند.[1]

شهباز قلندر بعد از اهتمام بسیار در تبلیغ دین و هدایت مردم و احاطه کامل بر علوم عربی و فارسی، به پایان عمر نزدیک شده بود. او حدود نود سال عمر کرد و شش سال پایان عمر را در سهوان گذراند. نور اسلام پیوسته از خانقاهش به همه نقاط سند رسید و مردم دسته دسته مسلمان شدند. او در آخرین ایام زندگی به خلوت رفت و خود را فقط به ذکر و عبادت مشغول کرد. در همین حال بود که در ۲۱ شعبان ۶۷۳ هجری با دنیا وداع کرد و در حجره‌اش دفن گردید. موقع وفات، بی‌هوش بود و ناگهان به هوش آمد و گفت هیچ‌کس رفیق من نیست. اعمالم هم نمی‌توانند دوست من باشند. امیدم به خدا، پیامبر و اهل بیت «علیهم‌السلام» است. پس از آن دست‌ها را بلند کرد و گفت: خداوندا! من بنده گنه‌کار توام و طلبکار رحمتت، به دین پسندیده تو اسلام گرویدم و آن را محکم گرفتم. خدایا! اگر در آن از من کوتاهی سرزده، از تو طلب عفو دارم، از کوتاهی‌هایم بگذر و دعایم را مستجاب بفرما. پس از آن نفس آخرش را کشید و روحش به ملکوت اعلی پرواز کرد.[2]

شهباز در شعر نیز چیره دست بود و ارادت عجیبی به اهل بیت «علیهم‌السلام» داشت، وی می‌سراید:

جام مهر علیست در دستم — باده از جام خورده‌ام مستم
کمر اندر قلندری بستم — از دل پاک حیدری هستم
حیدریم، قلندرم، مستم — بنده مرتضی علی هستم

نسل این صوفی بزرگ را با چند واسطه به امام جعفر صادق «علیه‌السلام» می‌رسانند و برای او شجره مشخصی ذکر می‌کنند که در کتب مختلف به آن تاکید شده و شرح آن چنین است: «لعل شهباز بن سید حسن کبیرالدین بن سید شمس الدین بن سید صلاح الدین بن سید نورشاه بن سید خالد بن سید محب بن سید مشتاق بن سید نورالدین بن سید اسماعیل بن سید امام جعفر صادق علیه‌السلام».[3] هر سال هم زمان با ایام وفات شهباز قلندر ده‌ها هزار نفر از گوشه و کنار جهان به سوی شهر سهوان شریف حرکت می‌کنند تا در مراسم بزرگداشت وی شرکت کنند، شیعیان در این مراسم دعا می‌خوانند و اهل تسنن نیز به خواندن اشعار عارفانه و برگزاری مجلس سماع می‌پردازند.

سند اگرچه میزبان هزاران بنای تاریخی و ارزشمند دیگر است ولی بازهم به سوی ساحل دریا روانه خواهیم شد و این بار میهمان ملکه‌ای می‌شویم که در میان آب‌ها خانه کرده است. جایی در ۲۰۰ کیلومتری جنوب آرامگاه شهباز قلندر.

۱- پژوهشنامه زبان و ادب فارسی، قاسم صافی،دوره دوم ،مقاله سه

۲- همان

۳- همان

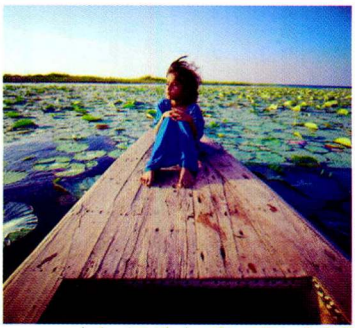
IQBAL FORUM



دریاچه کینجر در جنوبی ترین نقطه ایالت سند قرار دارد



نقطه مرکزی دریاچه کینجر که افسانه جالبی نیز در مورد آن وجود دارد



کودکی که روی قایق به شکوه دریاچه کینجر خیره مانده است

- **دریاچه کینجَر؛ تخت ملکه آب‌ها**

افسانه‌های کهن و داستان‌های پیشینیان بخش مهمی از تاریخ و فرهنگ هر تمدنی را شکل می‌دهند، سند مهد تمدن بشر است و در گوشه گوشه آن می‌توان حکایت‌های ناگفته‌ای را شنید و به چشم دید، دریاچه کینجر در ۳۵ کیلومتری شهر زیبا و تاریخی تَتّا نه تنها به زیبایی دریاچه نیلگونش که دومین دریاچه بزرگ پاکستان است شهرت یافته بلکه ملکه‌ای که در دل آن خانه کرده است نیز داستانی شنیدنی دارد.

می‌گویند ملکه نوری دختر ماهی‌گیری بود که دل از «شاه جام تماچی» حاکم سند برده بوده، داستان عشق سوزان این پادشاه به معشوقه‌اش پس از ازدواج نیز پایان نیافت. جام تماچی چنان محو نوری بود که دل از دیگران کنده و صبح و شب با یاد ملکه‌اش روزگار می‌گذراند، توجه فراوان جام تماچی به نوری که فرزند یک ماهی‌گیر بود دیگر بانوان حرمسرا را به خشم آورده و آنان را به حسد واداشت. چندی بعد نوری بیمار شده و رخت از این جهان بربست، فراق نوری چنان بر شاه سخت بود که پس از دفن وی در دل دریاچه کینجَر خود نیز زندگی در این جهان را تاب نیاورده و از دنیا رفت.

حکایت عشق این دو تبدیل به یکی از جذاب‌ترین داستان‌های عاشقانه شبه‌قاره شده و جدا از حقیقت یا افسانه بودن آن باعث شده هنوز هم گردشگرانی که با قایق تا آرامگاه دایره‌ای شکلی که در مرکز کینجر قرار دارد می‌روند از طریق پله‌های موجود خود را به قبری که در میان آن است برسانند.

دریاچه کینجَر آب شیرین شهر کراچی و برخی دیگر از شهرهای پاکستان را تامین می‌کند از این رو اهمیت بسیار زیادی برای مردم دارد، روزانه هزاران نفر از شهرهای اطراف راهی کینجر

IQBAL FORUM

می‌شوند تا از گشت و گذار در دل این دریاچه وسیع و زیبا لذت ببرند.

طول دریاچه کینجر ۲۴ کیلومتر و عرض آن بیش از ۶ کیلومتر است از این رو به عنوان یک تالاب ارزشمند زیست‌گاه صدها گونه نادر از حیوانات بومی و مهاجر است که در فصل سرد سال به آرامش این دریاچه پناه می‌آورند. آب آرام و زلال دریاچه کینجَر تفریحات جالبی را برای گردشگران به ارمغان می‌آورد.

علاوه بر دیدن گونه‌های مختلف حیات وحش در این منطقه می‌توان از شنا در آب دریاچه، قایق سواری با انواع مختلف قایق و همچنین سرزدن به مقبره ملکه نوری در مرکز دریاچه لذت برد، نباید فراموش کنیم رسیدن به محل مقبره تنها با قایق موتوری امکان‌پذیر است.

در اطراف خط ساحلی دریاچه آلاچیق‌های فراوانی ساخته شده‌اند و گردشگران می‌توانند از آرامش محیط و زیبایی‌های فراوان دریاچه لذت ببرند. ماهی‌گیری یکی دیگر از تفریحاتی است که گردشگران با شوق و ذوق بسیاری آن را انجام می‌دهند و سپس از چشیدن طعم صید خود لذت می‌برند.

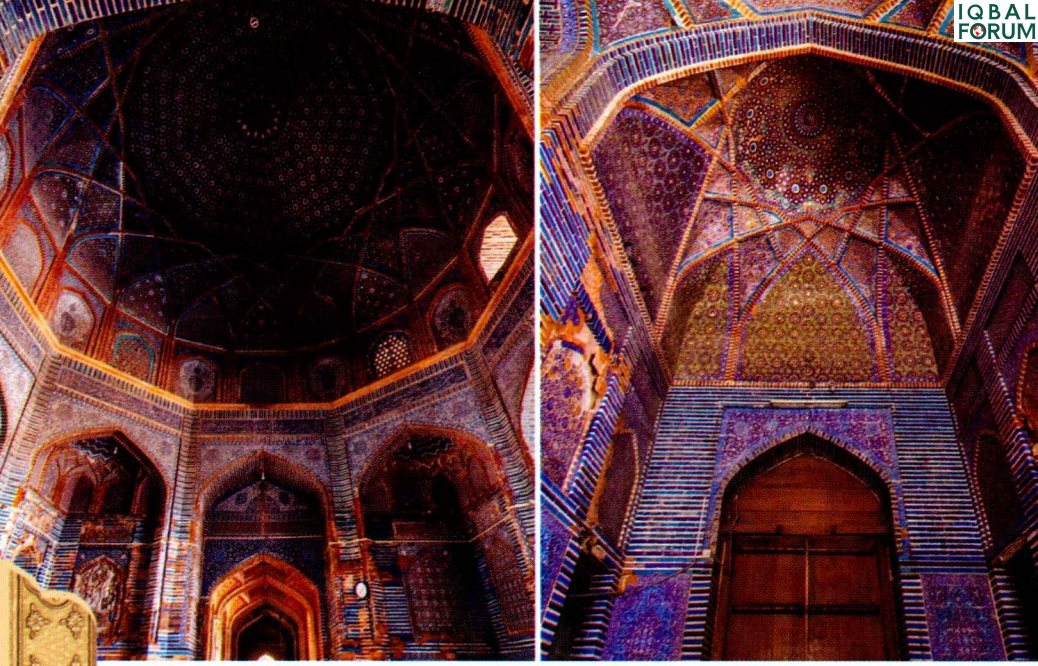
به دلیل فاصله نزدیک کینجَر به شهر تتّا غالب گردشگران پس از پایان گردش روزانه راهی این شهر می‌شوند تا در اقامت‌گاه‌های آن استراحت کنند. ما نیز چنین خواهیم کرد تا فردا یکی دیگر از قدیمی‌ترین شهرهای پاکستان را به نظاره بنشینیم.

- **تَتّا؛ رُمِ پاکستان**

روزگاری جهان باستان دو قدرت بزرگ را می‌دید که روی هم رفته مالک بخش وسیعی از دنیای قدیم بودند، رومیان و ایرانیان گویا قدرت را بین خود تقسیم کرده بودند تا همیشه باقی بمانند، شهررم در ایتالیا جلوه‌های باشکوهی از صلابت روزگاران کهن رومیان را در خود نهفته و شهرتی جهانی یافته است. باستان شناسان و مورخان «تَتّا» را نمونه پاکستانی شهررم می‌دانند زیرا این شهر که در جنوبی‌ترین نقاط پاکستان قرار گرفته است آنقدر آثار باستانی و بناهای تاریخی در خود دارد که کاوش در تمام آن‌ها روزها وقت می‌طلبد.

این شهر زیبا که غبار طلایی رنگ بیابان‌های سند نیز بر گوشه و کنار آن نشسته است آخرین شهری است که رود زیبا و مقدس سند را بدرقه می‌کند تا به دریای عمان بریزد و سفرش به پایان برسد، پایان هر چند غم‌انگیز است ولی همسفرا انسان را از تمام شدن گریزی نیست و خواه ناخواه آن چه روزی شروع شده روزی نیز به پایان می‌رسد. به یاد داری که سفرمان را از شمالی‌ترین نقطه پاکستان آغاز کردیم و اینک در جنوبی‌ترین نقطه آن هم‌زمان با پایان قدرت‌نمایی رود سند ما نیز به نقطه نهایی سفر خود نزدیک شده‌ایم. تفرجی که با پیچ تاب دائم سند همراه شده و گوشه و کنار پاکستان پهناور را نیز به چشم دیدیم.

تَتّا چون دیگر شهرهای پاکستان آغوش گرم خود را هر صبح برای خورشید تابان سند باز می‌کند وسپس صمیمانه بوسه بر قدم‌های میهمانانش می‌زند که از راه دور و نزدیک آمده‌اند تا صلابت دوران کهن حکام این سرزمین را به تماشا بنشینند. این شهر زیبا در ۱۰۰ کیلومتری شرق



نگاره‌های زیبای مسجد شاه جهان در تتا | تتا مرکز ایالت سند که پیشینه ای تاریخی و کهن دارد. مسجد شاه جهان یکی از بناهای بی همتای منطقه است

کراچی قرار گرفته و به نوعی مرکز تاریخی و فرهنگی ایالت سند تلقی می‌شود.

تتّا در دوران داریوش سوم منزل‌گاه کاوش‌گرانی بود که توسط او به پاکستان فرستاده شده بودند تا منزل‌گاه پایانی رود سند را مشخص کنند، در قرون بعدی اسکندر مقدونی نیز قدم براین خاک گذاشت و سرانجام پس از فراز و نشیب‌های بسیار نادر شاه افشار نیز حکومت آن را مدتی به دست گرفت. قدمت فراوان تَتّا باعث شده است که این شهر صدها بنای تاریخی را از گزند حوادث روزگار حفظ کرده و چون گنجینه‌ای نفیس آن را تقدیم نگاه بشر عصر ما کند.

ما نیز در آخرین روزهای حضورمان در پاکستان گشت و گذاری در شهر تَتا خواهیم داشت و قدمت سند را به چشم خواهیم دید.

- **مَکلی؛ شهر خفتگان در خاک**

در اطراف شهر تَتّا یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین قبرستان‌های جهان بیش از ۵۰۰ هزار بدن را در آغوش سرد خود جای داده است، معماری پیچیده و رمزآلود قبرهای این فضا به آن شهرتی بی‌نظیر هدیه داده و سالانه هزاران نفر برای کشف رمز نقش و نگارهای قبرها و بازدید از ساختمان‌های زیبای آن راهی مَکلی می‌شوند.

در این بنای تاریخی که در فهرست آثار یونسکو نیز ثبت شده است ده‌ها هزار پادشاه، صوفی، عالم، اندیشمند و دانشور در خاک خفته‌اند و همین باعث شده تا برای مردم منطقه اهمیت بسیاری داشته باشد، نکته مهم دیگر در مورد قبرهای موجود این است که در طول قرن‌های مختلف نقش و نگاره‌های روی قبرها تغییر کرده و همین باعث می‌شود تا مورخان بتوانند مطالعات خود را از روی بررسی نقش‌ها و نوشته‌های موجود کامل کنند.

IQBAL FORUM

از آنجا که شهر تَتّا تا قرن هفدهم میلادی مرکز بخش جنوبی سند بوده است قبرستان مکلی که در ۶ کیلومتری این شهر واقع شده مورد توجه ویژه حکام و پادشاهان قرار داشته و بسیاری از آنان همان‌گونه که به کاخ و منازل خویش توجه داشتند از معماری هنرمندان حاذق دوران خود برای ساخت منزل‌گاه پایانی خویش بهره گرفته‌اند. در حال حاضر قبرستان مکلی زمینی بالغ بر ۱۰ کیلومتر مربع را در برگرفته است.

در مورد علت نامگذاری این قبرستان نقل است که سکوت پررمز و راز آن باعث شد تا برخی از درویشان آن را محلی مناسب برای تفکر بیابند و از این رو آن را مکه نامیدند، ولی شیخ جمالی که از صوفیان مشهور منطقه بود آن را «مَکلی» یا مکه کوچک نامگذاری کرد.[1] وی سپس خانقاهی در مکلی احداث کرد و پس از مرگش در همان محل به خاک سپرده شد. پس از آن «جام تماچی» پادشاهی که همسرش نوری در میان دریاچه کینجَر دفن شده است به این قبرستان توجه بیشتری کرد و رسم تدفین در این مکان بین مردم آغاز شد.

بین قرون ۱۴ تا ۱۶ میلادی بیشترین ساخت و ساز بنا و بقعه در مکلی انجام شده و رفته‌رفته به گنجینه با ارزشی مبدل شد که هر قبرش دفتری است گران‌بها از رمز و رازهای تاریخ بشر. تعداد زیادی از قبرهای موجود در مکلی سبک ساختی نظیر قبرهای چوکندی دارند از این رو آن را معماری چوکندی نامیده‌اند در این سبک سنگ‌های بزرگ به شیوه‌ای خاص تراشیده می‌شوند و روی آن حکاکی صورت می‌گیرد. در قرن پانزدهم ساخت سایه‌بان و تزئین بهتر مقابر با نگاره‌های گلدوزی و الگوی‌های دایره‌ای نیز به زیبایی مقابر افزود، پس از چندی خوشنویسی آیات قرآن و اطلاعات متوفی نیز اضافه شد. از آنجا که شاهان و حکام منطقه سند اصالتشان به نقاط مختلف جهان باز می‌گردد در گوشه و کنار مَکلی می‌توان نشانه‌هایی از قبور عربی، ایرانی، هندی و... را نیز یافت.

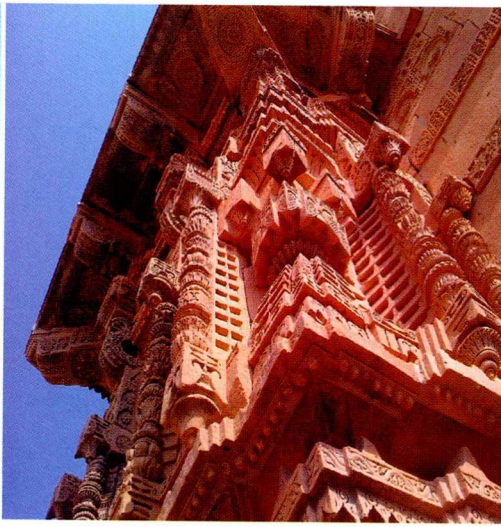
- **آرامگاه عیسی خان ترخان**

یکی از زیباترین بناهای موجود در مکلی مربوط به عیسی خان ترخان است که طی سال‌های ۱۵۵۴ تا ۱۵۶۵ حکومت ایالت سند را به عهده داشت، می‌گویند بنای آرامگاه او آنچنان باشکوه بود که بلافاصله پس از تکمیل آن دستور دادند دستان معمارش را قطع کنند تا نتواند چنین بنایی را برای دیگران نیز بسازد.

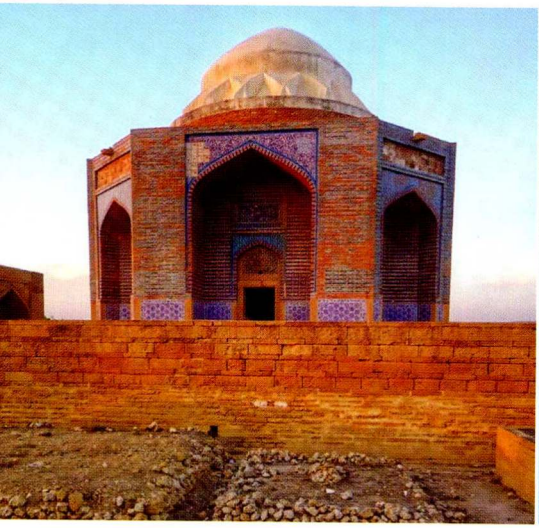
در حال حاضر نیز بخش قابل توجهی از این بنا سالم مانده و به خوبی می‌تواند عظمت و زیبایی سال‌های پیشینش را روایت کند، گنبد مرکزی و ستون‌های متعددی اطراف بنا نشان می‌دهند که پیش از زمان گورکانیان ساخته شده و هنوز طاق‌های مشهور زمان گورکانی به آن اضافه نشده است. در نزدیکی قبر عیسی خان ترخان آرامگاه ۵ بانوی سلطنتی نیز وجود دارد که مورد توجه بازدید کنندگان قرار می‌گیرد.

۱- قریشی، عروج، قبرهای دیده نشده پاکستان، ۲۰۱۷

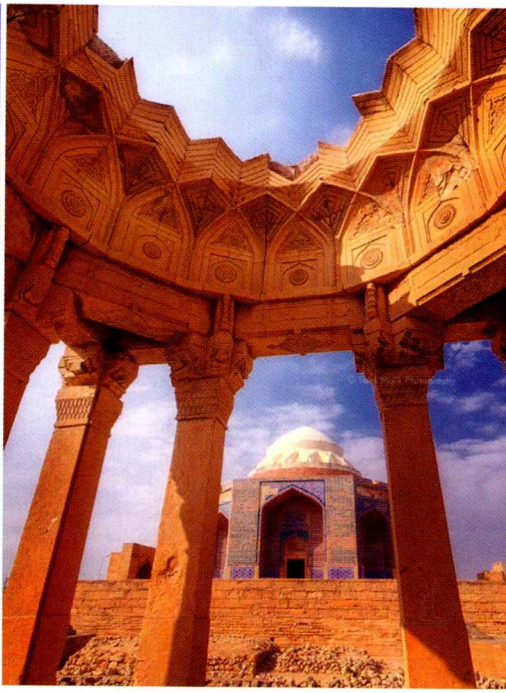
IQBAL FORUM



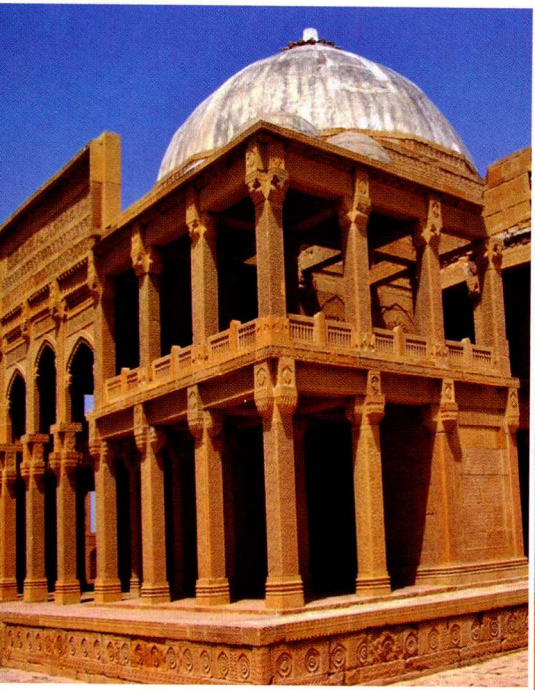
نگاره های زیبای قبرستان مکلی



معماری ساخت قبرهای قبرستان مکلی منحصر به فرد است و مشابهی ندارد .



قبرستان مکلی که یکی از بزرگترین گورستان های دنیای قدیم است



آرامگاه عیسی خان ترخان در قبرستان بزرگ مکلی

IQBAL FORUM

- **آرامگاه جام نظام الدین**

یکی دیگر از بناهای باشکوه واقع در مکلی مقبره جام نظام الدین پادشاه سال‌های پایانی قرن چهاردهم در منطقه سند است که از ترکیب چوب و سنگ ساخته شده و معماری گُجراتی را به رخ بازید کنندگان می‌کشاند. با گذر زمان و براثر فرسایش بخشی از مقبره تخریب شده است ولی هنوز هم به خوبی می‌توان نقش و نگارهای مدوّر و دایره‌ای شکل روی آن را تماشا کرد. برروی دیواره بنای آرامگاه وی شکاف‌های طاقی شکلی به چشم می‌خورد که حکم نورگیررا برای داخل ساختمان دارند.

- **آرامگاه میرزا باقی ازبک**

سبک اسلامی و ساختار مساجد نیزدر آرامگاه‌های مکلی به چشم می‌خورد، برای نمونه می‌توان به مقبره میرزا باقی ازبک اشاره کرد. صحن بزرگ موجود به همراه ایوان‌های کوچک و بزرگ اطراف نشان می‌دهد که سبک ساخت مساجد ایرانی در بنای آرامگاه شاهان و بزرگان قرن شانزدهم کاربرد داشته است.

در ساخت آرامگاه میرزا باقی از کاشی نیزاستفاده شده و هنوز هم رنگ آبی بخش‌هایی از دیواره که داخل آن کاشی به کار رفته است به خوبی جلب توجه می‌کند.

زیبایی معماری در شهر تَتّا به آرامگاه مکلی ختم نمی‌شود بلکه می‌توان در دیگربناهای این شهرنیزظرافت معماری قدیم را مشاهده کرد، مسجد زیبای شاه جهان یکی دیگراز نمونه‌های باشکوه تاریخی شهراست.

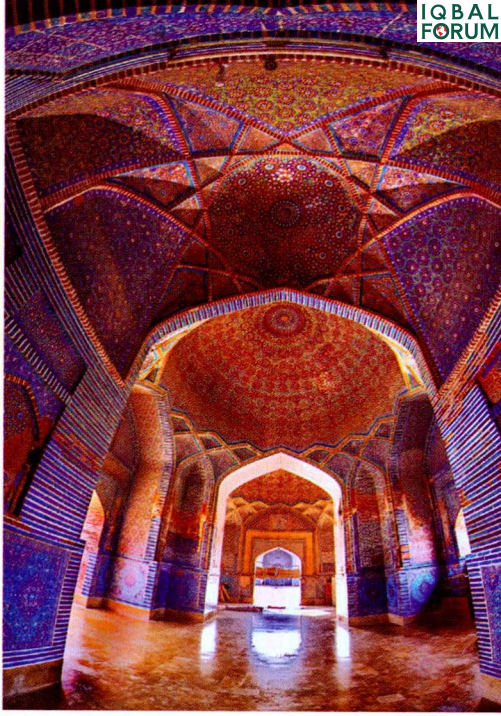
- **مسجد شاه جهان؛ جلوه نمایی گنبدها**

هر یک از ما مساجدی را مشاهده کرده‌ایم که در تار و پود آن می‌توان زبردستی معماران مسلمان و ظرافت طبع هنرمندان ادوار گذشته را به چشم دید، مسجد شاه جهان که از زیباترین یادگاران امپراتوری گورکانی به حساب می‌آید نه تنها به بزرگی، رنگ سفیدِ زیبا و دروازه‌های فراوانش شهرت دارد بلکه ۹۳ گنبد کوچک و بزرگ مسجد علت اصلی توجه مسافران به آن است. مسجدی چنان چشم نواز و بزرگ که چون نگینی در گوشه شهر می‌درخشد و هر روز نمازگزاران را به سوی خود فرا می‌خواند تا تکبیرعشق بگویند. مردم شهر تتّا آن را به نام مسجد جامع می‌شناسند و دیگران آن را به معماری زیبا و بی همتایش. به راستی از روزگار گورکانیان بناهایی برای عصرما به یادگار مانده که هریک در هنرنمایی پدیده‌ای بی‌مثالند و سهم تتّا این مسجدزیباست.

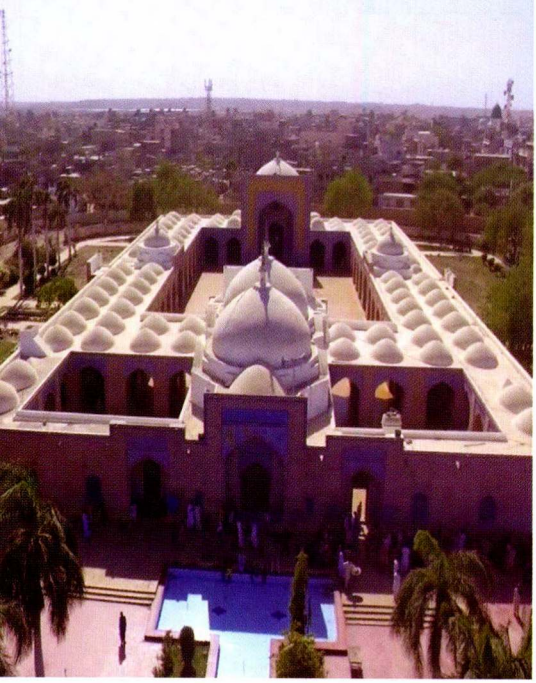
این مسجد در سال ۱۶۴۴ میلادی (عصر حکومت شاه جهان پادشاه گورکانی) بنا نهاده شد و تبدیل به یکی دیگراز آثار ماندگار خالق تاج محلِ هند شد. دلیل انتخاب این شهربرای بنای این مسجد با شکوه این است که در آن زمان تتّا مرکزایالت سند بود ولی در قرون بعدی این مرکزیت به شهرحیدر آباد رسید. می‌گویند شاه جهان محو میهمان‌نوازی مردم ایالت سند شد از این رو تصمیم گرفت هدیه‌ای برای آنان به جای بگذارد و این مسجد هدیه ویژه شاه جهان

IQBAL FORUM

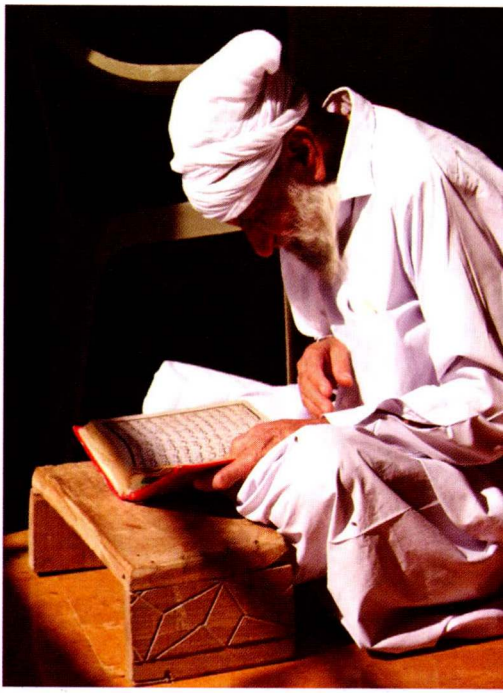




مسجد شاه جهان به گونه ای ساخته شده که صدای سخنران بدون استفاده از بلندگو و تجهیزات به گوش تمام افراد حاضر در گوشه و کنار مسجد می رسد



تعداد زیاد گنبدهای مسجد ماهیتی منحصر به فرد بین مساجد جهان دارد



پیرمردی در حال قرائت قرآن-مسجد شاه جهان تتا

IQBAL FORUM

به مردم سند بود. یکی از عجایب مسجد جامع شهر تَتّا این است که می‌گویند سخنران بدون استفاده از بلندگو می‌تواند صدای خود را به تمام نمازگزاران برساند و معماری شبستان‌های مسجدی به گونه‌ای است که صدا در آن پیچیده و همه می‌توانند آن را بشنوند.[۱] تحقیقات جدید نشان می‌دهد اگر قدرت صدا ۱۰۰ دسیبل باشد در گوشه دیگر مسجد صدا به گوش می‌رسد.[۲]

مسجد شاه جهان نمونه بی‌نظیری از معماری اسلامی است و کتیبه‌های فارسی موجود در آن به خوبی نفوذ فرهنگ و زبان ایرانی را در عصر گورکانیان هند روایت می‌کند، پیچیدگی معماری و استفاده از کاشی‌کاری‌های بسیار ظریف و آجرکاری سخت اثبات می‌کند که خزانه پادشاهی پشتیبان مسجد در ساخت و ساز اولیه بوده است.[۳]

محققان استفاده از کاشی‌های آبی رنگ، نقشه مسجد و حتی نحوه چینش آجرها را ایرانی-ترکی می‌دانند و از آن نتیجه می‌گیرند که در عصر گورکانیان معماری غالب در شبه‌قاره تحت تاثیر فرهنگ ایرانی بوده است. تحقیقات بیشتر اثبات می‌کند که حتی طرح و رنگ کاشی‌ها نیز برگرفته از کاشی‌های اصفهانی است که به دقت تا سقف مسجد ادامه پیدا کرده است.[۴]

سبک اصلی ساخت مسجد را برگرفته از بنای چهارباغ در اصفهان می‌دانند و برخی دیگر از محققان معتقدند که این طرح الهام گرفته از مسجد همایون در هند است در هر حال مشخص است که یکی از جلوه‌های بدیع معماری عصر گورکانیان این مسجد است که در فهرست آثار ثبت شده یونسکو نیز قرار دارد.[۵]

مسجد پنج دروازه ورودی دارد که بزرگ‌ترین آن به نام دروازه مرکزی شناخته می‌شود، ۹۴ ستون در ساخت مسجد به کار رفته است و ۶ گنبد اصلی و بزرگ دارد که از دور جلب توجه می‌کنند. با این حال یکی از عجایب اصلی مسجد فقدان مناره است که در ساخت مساجد کمی نادر است. پیش از ورود به مسجد حوض بزرگی مشاهده می‌شود که طراوت خاصی به ساختمان آن بخشیده است.

بسیاری از نمازگزارانی که قدم به این مسجد گذاشته اند معنویت غروب آن را خارج از وصف می‌دانند، جایی که آسمانِ آبی رنگ سند هاله‌ای از ابرهای سرخ رنگ را در آغوش می‌گیرد و سینه بی‌کرانش میزبان ستارگان فروزان آسمان می‌شود.

۱- مسجد شاه جهان در تعریف یونسکو، ۱۷ جولای ۲۰۱۷

۲- داون نیوز خبر شماره ۱۱۹۲۲۶۸

۳- همان

۴- همان

۵- معماری مساجد عصر مغول، آثر کاترینا، جلد ۱ بخش چهارم

IQBAL FORUM

پایان دفتر...

هرآغازی را پایانی است و هرشروعی را سرانجامی، پاکستان با شکوه است و زیبا اگرآن چنانی نگاهش کنیم که باید. این سطور اما نه پایان راه که آغاز راه ماست برای پیوند دو ملتی که هیچ‌گاه از هم جدا نبوده و نیستند. هرچند شوربختانه دیگرانی دل به سُست کردن این پیوند ناگسستنی خوش کرده‌اند. حضور در سرزمین خورشیدفروزان رضوی بهانه‌ای است تا بند پایانی را به نام او تمام کنیم: «برای امام خوبی‌ها... یا ایها العزیزمسنا و اهلنا الضروجئنا ببضاعه مزاجه... ای رئوف چه داریم جزعجزو نداری، تویی که سراسرمهری و لطف. بی‌سامان بودیم و سامان‌مان شدی. بی‌قرار بودیم و قرارمان شدی. بی‌دل بودیم و دلدارمان شدی... حاشا که این فانوس‌های جدا از هم را با نگاه مهربانت به هم پیوند ندهی... به نام ملت بزرگ ایران زمین و به نام ملت بزرگ مملکت خداد پاکستان عزیز، هرآن‌که قلبش به مهرو همدلی می‌تپد را به اذن ایزد منان گرامی‌دار و بزرگ که توسلطانی. ای رئوف چه داریم جزعجزو نداری، تویی که سراسر مهری و لطف- تیرماه سال۱۳۹۹»

IQBAL FORUM

حکایت ملک خداداد

The Land given by Allah

IQBAL FORUM

کارنمـــای عملکـــــرد
پایگاه فرهنگی پاکستان
ایرانـــی ترین همسایـــه

www.peikesharghi.com
@komeili 1947
@paksarzamin
@pak.iran1947

IQBAL FORUM



دیدار رهبر معظم انقلاب و آقای «عمران خان» نخست وزیر پاکستان

روابط ایران و پاکستان بر خلاف میل دشمنان باید تقویت شود

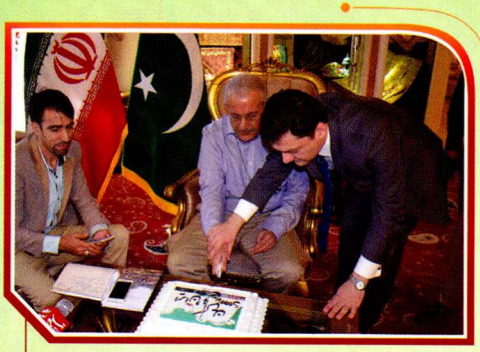
۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

کارنمای عملکرد
باگاه فرهنگی
پاکستان
ایرانی نرین
همسایه



ما که هستیم؟

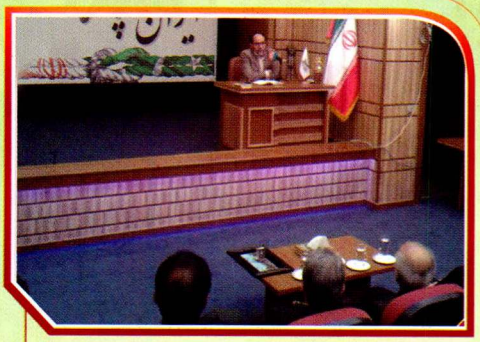
جوانان نسل سوم انقلاب، ایرانی و پاکستانی که در مسیر همدلی دو ملت بزرگ همسایه، قدم به دنیای فرهنگ گذاشتیم، ابزارمان فکر است و برنامه هایی پویا و هدفمند که به اتحاد دو کشور منجر شود، برنامه های ما که از سال ۱۳۹۵ کلید خورده در دو فضای مجازی و حقیقی به مخاطبان عرضه می شود و با عنایت ذات حق تعالی در مدتی کوتاه تبدیل به یکی از بزر گترین مجموعه های فعال در این حوزه شده ایم.



حضور افتخاری دکتر ربانی (رئیس وقت سنای پاکستان)

کانال «پاکستان ایرانی ترین همسایه» در فضای تلگرام نخستین حرکت جدی برای شناساندن چهره فرهنگی پاکستان به زبان فارسی بود که در مدتی کوتاه توانست بیش از ۸ هزار مخاطب تخصصی را گرد هم آورد، برخی از این مخاطبین اساتید دانشگاه و چهره های برجسته علمی و فرهنگی دو کشور بودند.

کارنامه‌ی عملکرد پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه



سخنرانی دکتر رحیم پور ازغدی در همایش پایانی اقبال لاهوری

همایش روز دوستی ایران و پاکستان با حضور چهره های برجسته علمی ایرانی و پاکستانی در شبکه افق سیما و با همت پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه برگزار شد. در کمپین درخواست ثبت رسمی روز دوستی ایران و پاکستان بیش از ۱۵۰ هزار نفر حضور پیدا کردند.دکتر رحیم پور ازغدی و «اصف علی درانی» سفیروقت پاکستان در ایران میهمانان ویژه و سخنرانان این برنامه بودند که توسط شبکه های مختلف خبری نیز بازتاب داده شد.

IQBAL FORUM



برگزاری جشنواره سرزمین پاکان

سرزمین پاکان عنوان نخستین جشنواره مردمی شناساندن ظرفیت های کشور پاکستان بود که در ایران اسلامی و به همت پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه برگزار شد. این تجربه موفق که در حرم مطهر رضوی تحقق یافت با استقبال گسترده ای همراه شد و زائران را با فرهنگ خوراک، پوشاک و ظرفیت های پاکستان آشنا کرد. این نمایشگاه در شهریورماه سال ۹۸ و به مدت۶ روز در مرکز نمایشگاه های حرم مطهر برگزار شد و حدود ۲۵ هزار نفر بازدید کننده داشت.

کارنمای عملکرد پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه



مدیریت نشریه شمس الشموس حرم مطهر رضوی

زائرین اردو زبان کشورهای هند و پاکستان بخش عمده ای از زوار خارجی حرم مطهر رضوی را تشکیل می دهند و با توجه به فعالیت های پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه مسئولین بخش زائران غیر ایرانی حرم مطهر رضوی مدیریت و گردآوری مطالب را به این پایگاه واگذار کردند. از زمان آغاز این مسئولیت تاکنون بالغ بر ۴۰۰۰۰جلد نشریه بین زائران اردو زبان توزیع شده است.

IQBAL FORUM



امداد رسانی به سیل زدگان خوزستان با جمع آوری کمک از پاکستان

وقوع سیل فراگیر در استانهای غرب کشور همزمان با نوروز ۹۸ درس همدلی را بر صفحه انسانیت مشق کرد و علاوه بر مردم ایران زمین، مسلمانان مهربان پاکستان نیز به میدان آمدند تا در حد توان خود به سیل زدگان کمک کنند. پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه ضمن اعلام آمادگی جهت ارسال کمک ها به مناطق آسب دیده طی ۴ مرحله با جمع آوری کمک در پاکستان و انتقال آن به داخل کشور، بیش از ۳ هزار خانواده آسیب دیده در مناطق مختلف خوزستان را تحت پوشش قرار داد.

کارنامه‌ی عملکرد پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی‌ترین همسایه



توزیع بسته های معیشتی هم زمان با شیوع کرونا در ایران

شیوع کرونا در ایران بهانه ای شد تا بازهم همراهی دو ملت ایران و پاکستان به چشم بیاید و پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه با جلب مشارکت مسلمانان پاکستانی بسته های غذایی و بهداشتی را بین بیش از ۲۰۰ خانواده محروم مشهدی که توسط سازمان های خیریه شناسایی شده بودند توزیع کند. این بسته ها شامل اقلام ضروری غذایی و بهداشتی مانند ماسک، مایع ضدعفونی و... بودند.

IQBAL FORUM



خدمت رسانی به زائرین همزمان با شیوع کرونا

پس از شیوع کرونا خدمت رسانی مستقیم پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه به ۲۳۰ زائر که به دلیل بسته شدن مرزها در شهر مشهد سرگردان شده بودند آغاز شد و به مدت یک ماه با پشتیبانی های اخذ شده میزبانی از زائرین شامل اسکان و وعده های غذایی توسط مسئولین این مجموعه انجام شد. همچنین با هماهنگی های انجام شده مجوز بازگشت بیش از ۴۰۰ زائر از شهرهای مشهد و قم نیز اخذ شده و این افرادی راهی پاکستان شدند.

علاوه بر این به دلیل بستری شدن برخی از افراد بیمار و مسن در بیمارستان های مشهد، سرکشی مداوم و رسیدگی به حال بیماران یکی دیگر از وظایف پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه در فروردین و اردیبهشت ۹۹ بود.

کارنامه عملکرد پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه



حضور فعال در نمایشگاه شهرهای مختلف

پایگاه فرهنگی پاکستان ایرانی ترین همسایه یکی از مهم ترین اهداف خود را حضور میدانی برای معرفی بهتر ظرفیت های مشترک دو کشور ایران و پاکستان قرار داده است از این رو در نمایشگاه های مختلف حضور فعال داشته و تولید محتواهای مهمی را نیز انجام داده است.

IQBAL FORUM

پاکستان فرزند خدا باوری و حق طلبی است، از این رو حکایت ولادتش نیز به هیچ نقطه دیگری از جهان نمی ماند.

پاکستان بمب و تروریسم و انتحاری و افراط گرایی نیست اگر چه این واژه ها زیر چسب زخمی که برند رسانه ها بر آن خودنمایی می کند، جا خوش کرده اند ولی سخیف تر از آنانند که بیداری اسلامی مردم شبه قاره را تحت تاثیر قرار دهند.

پاکستان زیباست، فراتر از آنچه تصور کنی با مردمی مهربان و ساده دل و البته صبور که همیشه ایام به فردا امیدوارند، اگرچه امروزشان خوب نباشد.

دست طبیعت آنچه از زیبایی در آستین داشته به پاکستان هدیه داده است ولی معدود افرادی هستند که فریب، قهر رسانه ها را نخورده و نگاهشان به پاکستان آن گونه باشد که لایق نام آن است.

پاکستان فرزند خدا باوری و حق طلبی است اگر چه مظلومانه به کنج رانده شود ولی روزی غبار ناآگاهی جهانیان از روی آن زدوده خواهد شد و آن زمان است که ما نیز با مردمش هم صدا شده و سرزمین باور و ایمان بدانیمش که حق تعالی آن را به مردم این برهه از تاریخ هدیه داده است.

ISBN:978-622-7239-28-7

9 786227 239287

انتشارات مهکامه